

‘

مت ۱۱: ۲۹ - ۲۴ - قرن ۱۰: ۱؛ ر. ک مت ۹: ۱۳، ۱۲: ۷، ۱۹-۲۰ - مت ۲۱: ۵.

۳) حلم ثمره روح القدس^۶ بوده جنبه ای است از مهربانی و فروتنی که اغلب در کنار رأفت (حلم) می آیند^۷. آزادی یک فرد مسیحی این است که در حالی که می داند خدا وی را دوست می دارد محبت پرتوجه خدا را باز می تاباند؛ این چنین است رأفتی که عیسی آن را فرخنده می خواند و رساله های رسولان آن را توصیه می کنند^۸.

۶ غلا: ۵: ۲۳ — غلا: ۶: ۱؛ افس: ۴: ۲؛ کول: ۳: ۱۲ (= تیمو: ۳: ۱۲) — مت: ۵: ۵؛ ۱- تیمو: ۶: ۱۱؛ یع: ۳: ۱۳ □
 ◀ فروتنی - فقیر - فضائل.

راقا

یونانی: raka. واژه نادر آرامی، احتمالاً از واژه عبری rēqā به معنای «گود، توخالی». سر بدون مغز یا فرد عاری از حسن اخلاق.

۱ مت: ۵: ۲۲ □
 ▶ حماقت.

رامه

یونانی: Arimathaia. شهری در شمال غربی اورشلیم که به احتمال زیاد همان رامه (تایم) ذکر شده در عهد عتیق است. موطن یوسف که عیسی^۱ را کفن و دفن کرد، می باشد.

۱- سمو: ۱: ۱؛ مت: ۲۷: ۵۷؛ مر: ۱۵: ۴۳؛ لو: ۲۳: ۵۱؛ یو: ۱۹: ۳۸ □

راه

▶ جاده.

راه

یونانی: hodos. راهی که در اثر رفتن های تکراری استفاده کنندگان از آن حاصل می شود.

۱) خدا که قوم خود را در طی خروج، دارای سبک زندگی، رفتار مخصوص به خود و ارجحیت های خود می باشد، بنابراین اغلب سخن از «راه های خدا»^۱ به میان می آید که به مفهوم اراده و خواست^۲ او است. این راه ها انسان را به سوی زندگی هدایت می کنند^۳. عیسی راه حقیقی است که به سوی زندگی هدایت می کند یا راهی که به راستی و زندگی هدایت می کند و بیشتر راه حقیقی و زنده ای است که به سوی خدا هدایت می کند^۴.

۱ مز: ۲۵: ۱۰؛ ۱۰: ۶۷؛ ۳: ۴۰؛ اش: ۳: ۵۵؛ ۸-۹: ۳؛ مت: ۳: ۳؛ روم: ۱۱: ۳۳؛ عبر: ۳: ۱۰؛ مکا: ۳: ۱۵ — ۲ مز: ۱۸: ۲۲؛ ۲۷: ۱۱؛ مت: ۲۱: ۳۲؛ ۱۶: ۲۲ (= مر: ۱۲: ۱۴ = لو: ۲۰: ۲۱) — اع: ۲: ۲۸؛ ۱۳: ۱۰ — ۴ یو: ۱۴: ۴-۶.

۲) «رفتار» انسان «راه» وی نامیده شده طرز زندگی وی را مشخص می کند^۵. موضوع «دو راه» که غالباً در آثار ادبی می آید در کتاب عهد جدید در مداومت با کتاب عهد قدیم^۶ وجود دارد. انسان به این طریق در پی «ورود به» ملکوت آسمانی است^۷. او قادر است این کار را انجام دهد چون عیسی در قدس خدا وارد شده است^۸.

۵ اع: ۱۴: ۱۶؛ روم: ۳: ۱۶؛ ۱- قرن: ۴: ۱۷؛ یع: ۱: ۸؛ ۵: ۲۰ — ۶ ت: ۳۰: ۹؛ امث: ۸: ۱۳؛ ار: ۲۵: ۵؛ مت: ۷: ۱۳-۱۴ — ۷ مت: ۵: ۲۰؛ ۱۸-۸: ۹؛ ۲۵: ۲۱-۲۳ — ۸ عبر: ۹: ۸؛ ۱۰: ۱۹-۲۰؛ ۲- پتر: ۱: ۱۱.

۳) در کتاب اعمال رسولان اصطلاح «راه» به مفهوم مطلق، مترادف زندگی جدید است در ایمان مسیحی^۹.

۹ اع: ۹: ۲؛ ۱۸: ۲۵-۲۶؛ ۱۹: ۹-۲۳؛ ۲۲: ۴. ۱۴. ۲۲.
 ▶ نقشه خدا - کوچه - اراده خدا.

ربانی

از عبری rabbî به معنای «استاد». سنت تعلیم یهودیت که در قرن اول به وجود آمد و زندگی جوامع یهودی را تا به امروزه انتظام بخشیده است. ادبیات ربانی اصولاً شامل تلمود، میدراشیم و توسفتا (از عبری âsâph به معنای «اجتماع کردن، افزودن»: سنت‌های تکمیلی) می‌شود.

ربع فلس

یونانی: kodrantès, لاتین: quadrans. پول خرد برنجی (۳/۱۰ گرم) که معادل یک «ربع» فلس یا ۲ پشیز بود.^۱
^۱ مت ۵: ۲۶؛ مر ۱۲: ۴۲. ◀ مسکوکات.

ریقه

دختر بتوئیل و خواهرلابان^۱ که به همسری *اسحاق درآمد و پس از بیست سال نازایی دو فرزند توآمان به دنیا آورد.^۲ نور چشمی بودن وی برای یعقوب، نماد *آزادی انتخاب الهی تلقی می‌شود.^۳
^۱ پید ۲۴: ۱۵ — پید ۲۵: ۲۱؛ روم ۹: ۱۰ — پید ۲۵: ۲۸، ۲۷: ۵-۱۷؛ ملا ۲: ۳-۲؛ روم ۹: ۱۱-۱۳. ◀

ربی

۱) ربی واژه‌ای است عبری (rabbî)^۱ و آرامی (rabbounî)^۲ که معادل «استاد من» می‌باشد. شیوه احترام آمیز خطاب به معلمان و *استادان شریعت که عیسی با کاربرد آن مخالفت نمود.^۳
^۱ مت ۲۶: ۲۵؛ یو ۳: ۲۶ — مر ۱۰: ۵۱؛ یو ۲۰: ۱۶ — مت ۲۳: ۷-۸.
 ۲) از سال ۷۰ م. لقب آن دسته از متخصصین یهودی کتب مقدسه بود که مدارس ربانی را تشکیل دادند. ◀ مقدمه، فصل دوازدهم، ج ۱ - تعلیم دادن - ارباب.

رحمت

در زمره واژه‌های هم معنی مانند مهربانی، دلسوزی، لطف، رحمت و ترحم که همگی معنای رفتار ملاطفت آمیزی را نسبت به کسی که گرفتار تیره بختی است می‌رسانند، دو جهت مشخص راهگشای سنجش اهمیت این واژه کتاب مقدسی هستند.

۱) از یک سو تمایل حقیقی به تسلی دادن پریشان حالی دیگری مورد تأکید است که معمولاً واژه یونانی eleos (ر. ک. Kyrie eleison)^۱ آن را مشخص می‌کند که با احساس دلسوزی همسان نیست، بلکه رنگ مایه دوگانه‌ای را که «تمایل به سوی» (هبری hén) و وفاداری نسبت به پیمان خدا که به خود و به عبری (هبری heséo) را به میان می‌آورد به پیمان خویش وفادار است با فرد فلاکت زده و گناهکار وارد همبستگی می‌شود. او فیض عطا می‌کند یعنی اغماض و «رحمت» (از لاتین miseri-cordia به معنای «قلب» حساس نسبت به «تیره بختی»)^۲ می‌بخشد.

^۱ ر. ک. مت ۹: ۲۷؛ ۱۵: ۲۲؛ ۱۷: ۱۵؛ ۲۰: ۳۰-۳۱ (= مر ۱۰: ۴۷ = لو ۱۸: ۳۸-۳۹)؛ لو ۱۷: ۱۳ — اعد ۱۴: ۱۷-۱۹؛ مز ۱۰۳: ۷-۱۰؛ اش ۵۴: ۷-۸؛ ۵۵: ۷؛ لو ۱: ۵۴. ۷۲؛ مت ۵: ۷؛ ۲۳: ۲۳.

۲) جهت دیگر عبارت است از مدنظر قرار دادن مکان، منشأ و ژرفای احساسی که به انجام عمل ترجم می‌کشاند: دلسوزی (عبری: rahamim به معنای «اندرون») که با واژه یونانی oiktirmos^۳ به معنای «دلسوزانه ابراز شده» یا splagkhna^۴ به معنای «اندرون، رحم مادری» عاطفه، رأفت و مهربانی مطابق است.

^۳ روم ۱۲: ۱؛ ۲-قرن ۱: ۳؛ عبر ۱۰: ۲۸ — مت ۹: ۳۶؛ ۱۴: ۱۴ (= مر ۶: ۳۴)؛ ۱۵: ۳۲ (= مر ۸: ۲)؛ ۲۰: ۳۴؛ مر ۹: ۲۲؛ لو ۱۰: ۳۳؛ ۷: ۱۳؛ ۱۵: ۲۰؛ ۲-قرن ۶: ۱۲؛ افس ۴: ۳۲؛ فی ۱: ۸؛ فیل ۷: ۱-۷؛ یو ۳: ۱۷.

۳) تنها خود متن تغییر رنگمایه معنا را نشان می دهد. به علاوه واژه های یونانی همانند واژه های عبری غالباً واژه های متفاوتی را هم ردیف قرار می دهند گویی می خواهند هم حقیقت و منشأ را و نیز عمل و احساس را یک جا بیان کنند.^۵ به نظر می رسد که افعال رنگ مایه معنا را در خود مستتر دارند در حالی که اسامی می توانند بیشتر به تمییز دادن معانی کمک کنند. رحمت خاص خدا بوده^۶ و باید از مشخصات افراد مسیحی هم باشد.^۷

^۵ خروج ۳۴:۷-۶؛ لوی ۷:۸؛ روم ۱۵:۹؛ فی ۲:۱؛ کول ۱۲:۳؛ یع ۵:۱۱ — خروج ۳۳:۱۹؛ لوی ۵۰:۱؛ روم ۹:۱۵-۱۶، ۱۸، ۲۳؛ ۱۱:۳۲؛

۱۵:۹؛ ۱-بطر ۳:۱ — مز ۱۱۲:۵؛ میک ۸:۶؛ مت ۹:۱۳؛ ۷:۱۲؛ ۱۸-۲۳-۳۵؛ لوی ۳۶:۶؛ ۳۷:۱۰؛ روم ۱۲:۸؛ یع ۲:۱۳.

◀ صدقه - فیض

ردا

ترجمه معمولی واژه یونانی stolè از stellò به معنای «مجهز کردن». stole به جامه زیرین گفته می شد و نه دقیقاً جامه ای به مفهوم امروزی. این واژه به استثناء «مکاشفه یوحنا»^۱ که در آنجا * «روپوش» (himation) گفته شده در جاهای دیگر بر وضع اجتماعی پوشنده این لباس تأکید می کند^۲. لباس عروسی (یونانی: endyma gamou) گاهی به «جامه عروسی» ترجمه می شود و عبارت است از یک لباس تشریفاتی^۳.

^۱ مکا ۶:۱۱؛ ۱۷:۹؛ ۱۳ و ۵:۳؛ ۱۸، ۴:۴ — همچنین ۷:۱۴؛ ۲۲:۱۴ و ۱۳:۱۹ را با هم مقایسه کنید — ^۲ پید ۴۱:۱۴؛ ۴۲:

خروج ۲۸:۲؛ ۴۰:۱۳؛ اعد ۲۰:۲۶؛ بنسی ۶:۲۹؛ ۳۱، ۴۵:۷؛ ۵۰:۱۱. مر ۱۲:۳۸ (= لوی ۲۰:۴۶)؛ ۱۶:۵؛ لوی ۲۲:۲۲؛ ر. ک

۱- تیمو ۲:۹ — مت ۲۲:۱۲-۱۳.

◀ مقدمه. فصل هشتم. ا. ب - عروسی - پوشاک.

رذائل

۱) نقص ها و تمایلات بد که مورد قبول مذهب و اخلاق نمی باشد در کتاب عهد جدید مذموم خوانده می شوند: ۸۳ واژه از ۹۶ واژه در مجموعه نوشتجات پیروان پولس (که ۳۰ مورد آنها تنها در * رساله های شبانی دیده می شوند) وجود دارد.

۲) موضوع رذائل نزد فلاسفه مشهور و رواقیون^۱، هم چنین نزد یهودیت به خصوص در نوشتجات * قمران و نیز در کتاب عهد جدید اغلب به صورت بر شادی فهرست وار آنها وجود دارد^۲. این امر بسیار قابل توجه است که برخلاف * فضیلت ها، واژگان مربوط به عیب ها به طور گسترده ای از محیط مشرکان اخذ شده است اما اندیشه عهد جدید عمیقاً متفاوت است طبق تفکر دنیای یونانی رذائل از نادانی و از حماقت یا از ضعف انسان ها حاصل می شود. بر حسب نوشتجات قمران اعمال هر کسی مطابقت دارد با نفسی که کاملاً بر هر شخص تسلط دارد خواه ظلمات باشد خواه روشنایی. از نظر عهد جدید رذائل از قلب آدمی^۳ یا از «جسم»^۴ بر می خیزند آنها ثمره گناه هستند و نه ثمره اشتباه. آنها مرگ را به وجود می آورند^۵.

^۱ مت ۱۹:۱۵ (= مر ۷:۲۲-۲۱)؛ روم ۱:۲۹-۳۱؛ ۱۳:۱۳؛ ۱-قرن ۵:۱۰-۱۱؛ ۶:۹-۱۰؛ ۲-قرن ۱۲:۲۰؛ غلا ۵:۱۹-۲۱؛

افس ۴:۳۱؛ ۵:۳-۵؛ کول ۳:۸-۵؛ ۱-تیمو ۱:۹-۱۰؛ ۶:۴-۵؛ ۲-تیمو ۳:۲-۵؛ تیط ۳:۳؛ ۱-بطر ۴:۳؛ مکا ۲۱:۸؛ ۲۲:۱۵ —

^۲ مت ۱۹:۱۵ (= مر ۷:۲۱) — روم ۷:۵. ۱۸. ۲۵؛ ۸:۸؛ ۱۳:۱۴؛ غلا ۵:۱۶-۱۹؛ افس ۲:۳؛ کول ۲:۱۸-۲۳؛ ۱-بطر ۲:۱۱؛

۲-بطر ۱۰:۱۸؛ ۱-یو ۲:۱۶ — روم ۱:۲۹؛ ۳۱؛ ۸:۱۳؛ غلا ۶:۸.

۳) مناسب ترین واژه عبارت است از «آنچه که شایسته نیست» (یونانی: ta mè kathèkonta)^۵ یا «شر» (یونانی:

ta ponèra)^۶ چون فهرست عیب ها بر اصل ترتیب تشکیل نشده اند ما به دسته بندی عیب هایی مبادرت می ورزیم که در اغلب موارد مورد ذکر هستند.

^۵ روم ۱:۲۸؛ ر. ک. افس ۵:۴ — مر ۷:۲۳.

(۴) بر شادی:

- بر علیه خدا - *بت پرستی، *فحشاء مقدس، *سحر، جادو، بی دینی، *کفر، *ضدیت با خدا، غرور، بی عدالتی، *دیوانگی یا رفتار ناسالم.

- بر علیه هم‌نوع و زندگی به طور کلی.

رفتارهایی که نفاق به همراه دارند در صدر این فهرست قرار دارند. بر حسب تعداد تکرار: قتل، افتراء، *ناسزا، توهین، نفاق، نیات بد، تندخویی شدید و *خشم، *حسادت، *رشک، *آزمندی، اختلال، روح کشمکش، نفاق، مشاجره، مکر، تزویر و *دروغ، *شهادت دروغ، بی جرأتی، *ریا، *نفرت... تعرض به مالکیت دیگران؛ *حرص، خست، طمع، حرص و طمع، *دزدی.

- علیه پاکی به مفهوم گسترده.

در کل: *ناپاکی؛ فساد اخلاق، انحراف اخلاقی، بی عفتی، هرزگی، *عباشی، فساد، شهوت.

*زنا، *فحشاء، همجنس بازی...

میگساری و خوشگذرانی، عیش و نوش کردن، شکم چرانی از هر نوع، هرزگی.

رزمنده

واژه ای است که از فعل یونانی *athleō* به معنی «مبارزه کردن» مشتق شده است و کاربرد آن در معنای حقیقی^۱ و مجازی^۲ برای مشخص نمودن مبارزه مسیحی می باشد. مبارزه مزبور توسط واژه دیگر یونانی: *agōhizomai* به معنی «منازعه کردن»^۳ تشریح می گردد.

۲۱- تیمو ۲: ۵ - فی ۱: ۲۷، ۴: ۳؛ عبر ۱۰: ۳۲ - ۱۳- قرن ۹: ۲۵.

◀ نبرد.

رساله

(۱) یونانی: *epistolē*. این واژه مشخص کننده نامه ای است که به سبک رسمی نوشته شده است.^۱

۱اع ۹: ۲، ۱۵: ۳۰، ۲۲: ۵...

◀ مقدمه. فصل نهم. ۳.

(۲) رساله های زندان. اصطلاحی است مشخص کننده نامه های پولس که در آنها به اسارت پولس اشاره می شود. طبق اعمال رسولان، پولس در حدود سال ۵۰م. در فیلیپی به مدت یک شب و نیز در قیصریه (در ۵۸-۶۰م) و سپس در روم (در ۶۱-۶۳) زندانی بوده است.

طبق نوشته های خود پولس او از قبل از سال ۵۷م. چندین بار به زندان افتاد (۲- قرن ۱۱: ۳۳). از این مطلب حدس زده می شود که او در حدود سال ۵۶م. در افسس زندانی بود و در زندان در معرض خطرات بسیار قرار داشت (۱- قرن ۱۵: ۳۲؛ ۲- قرن ۱: ۸). رساله به فیلیپیان حاصل اسارت اخیر او است در حالی که رساله هائی که به کولسیان و به فیلمون نوشت به تاریخ زندانی شدن وی در روم است و نیز رساله به افسسیان نیز از این گروه است. اما رساله دوم به تیموتاوس در ردیف این گروه قرار نمی گیرد.

(۳) رساله های جامع. این نام به هفت رساله (رساله های یعقوب، اول و دوم پطرس، اول و دوم و سوم یوحنا و یهودا) تعلق دارد که به ترتیب طولانی بودن و تخصیص (اسناد) آنها تنظیم شده اند. از سال ۱۹۷م. این نوشته ها جهت متمایز شدن آنها از نوشته های پولس و رساله به عبرانیان و نیز گروه بندی شان بر حسب مؤلفان مربوطه خود با استفاده از واژه یونانی *katholikos* (=جهانی) جامع توصیف می شوند. مخاطب این رساله ها کلیساهای به خصوصی نبوده (به استثنای رساله های دوم و سوم یوحنا) بلکه جمع کلیساها می باشد.

۴) رساله‌های شبانی - دو نامه به تیموتاوس و نامه به تیتوس یک گروه متجانس را تشکیل داده عبارتند از نوعی دستورالعمل (خط‌مشی) برای استفاده خدمتگزاران کلیسا. منتقدین امروزی تأکید سنتی مبنی بر اصالت نوشته‌های پولس را رد می‌کنند بی‌آن که بتوانند دلایل آنهایی را که امروزه هنوز تعلق خاطر خود را به پولس حفظ کرده‌اند از ارزش ساقط کنند.

◀ مقدمه. فصل پانزدهم.

رسول

یونانی: apostolos (از «فرستادن، به نمایندگی فرستادن»: apostellô): به معنی «فرستاده»، رسول و نماینده رسمی که مأموریتی^۱ را برعهده دارد و نه شخصی که خود را وقف هدفی نموده، به انتشار مبنای عقیدتی خاصی می‌پردازد.

^۱ یو ۱۳: ۱۶؛ اع ۹: ۲؛ ۲-قرن ۸: ۲۳.

۱) در مفهوم وسیع کلمه عبارتست از سفیران مسیح رستخیز کرده که بر دوش ایشان کلیسا^۲ بنیانگذاری شده است، اقتدار ایشان (و نه برتری) بر روی جمعیت‌ها، اقتداری است در خدمت وظیفه شبانی^۳.

^۲ ۱-قرن ۱۵: ۷؛ ۲-قرن ۵: ۲۰؛ غلا ۱۹: ۱۱؛ افس ۲: ۲۰؛ ۱-قرن ۹: ۱۹؛ ۱-پطرس ۵: ۲-۵.

۲) در مفهوم خاص کلمه که ویژه لوقاست، منظور از رسول «دوازده شاگرد است، که هیئت رسالتی را تشکیل می‌دهند و وظیفه ایشان، تأیید این امر است که مسیح رستخیز کرده همان عیسی ناصری است که شناخته‌اند^۴. عهد جدید در این مورد چهار فهرست^۵، با نام‌های یکسان و ترتیب متفاوت ارائه می‌دهد. سه گروه اسامی موجود است: ابتدا چهار نفر اول که عبارتند از: پطرس، اندریاس، یعقوب و یوحنا. سپس گروه چهارنفر دوم که عبارتند از: فیلیپس، برتولما، متی و توما و سرانجام یعقوب، تدی (یا یهوذا)، شمعون و یهوذا یسخریوطی. پطرس همیشه در ابتدای فهرست و یهوذا یسخریوطی در انتهای آن می‌آیند. هیئت مزبور بعد از خیانت یهوذا تکمیل گردید لیکن بعد از مرگ یعقوب^۶ تغییری در آن داده نشد.

^۴ غیر از لوقا ۴۹: ۱۱؛ اع ۱۴: ۱۴ — مت ۲۰: ۴؛ مر ۱۶: ۷؛ لوقا ۱۴: ۱۶؛ اع ۱۳: ۱۳ — لوقا ۱۳: ۱۳؛ ۱-کرا ۲: ۱۴؛ ۲-کرا ۱۴: ۱۴.

۳) پولس در معنی اعلامی کلمه «رسول برگزیدگان»^۷ شمرده می‌شود.

^۷ روم ۱۱: ۱۳؛ ر.ک. اع ۹: ۱۵، ۲۲: ۲۱؛ روم ۱: ۵؛ غلا ۱: ۱۵، ۱۶، ۲: ۸؛ افس ۳: ۸؛ ۱-تیمو ۲: ۷.

◀ کلیسا - فرستادن - مأموریت، خدمت کلیسایی.

[رسولی (عصر)]

به دوره‌ای اطلاق می‌شود که در آن اقتدار «رسولان جریان داشت و تا کمی بعد از پایان قرن اول پیش می‌رود.

رشد

۱) یونانی: prokoptô (از koptô به معنای «زدن»، «قطع کردن»، با pro به معنای «به پیش»): به معنای «از پیش بردن» «پیشرفت کردن»^۱. بدین گونه است که شب سپری می‌شود! انسان می‌تواند در دانش و حکمت^۲ پیشرفت کند یا در تعلیم اساسی/آموزه یهود^۳. انجیل^۴ شخص مسیحی^۵، و فرد بی‌دین^۶ هم در حال رشد هستند.

^۱ روم ۱۳: ۱۲ — لوقا ۵۲: ۲ — غلا ۱۴: ۱۴ — فی ۱: ۱۲ — فی ۵: ۱ — ۲۵: ۲۶ — تیمو ۲: ۱۶، ۳: ۹، ۱۳.

۲) یونانی: auxanô, auxô به معنای «زیاد کردن»، «روئیدن و افزوده شدن». فی المثل سوسن‌ها^۷ و گندم^۸ می‌رویند. عیسی و یحیی ترقی می‌کنند،^۹ سخن خدا ترقی می‌کند^{۱۰} هم چنان که قوم ترقی^{۱۱} می‌کند. خدا است که نمو را می‌بخشد^{۱۲}. همان طوری که او عیسی را نسبت به یحیی ترقی داد^{۱۳} تن «مسیح باید رشد کند»^{۱۴} و هم چنین تن تمام ایمانداران^{۱۵}.

مت^۷: ۶: ۲۸ (= لو: ۱۲: ۲۷) — مت^۸: ۱۳: ۳۰، ۳۲: مر: ۴: ۸؛ لو: ۱۳: ۱۹ — لو^۹: ۱: ۸۰، ۲: ۴۰ — اع^{۱۰}: ۶: ۷، ۱۲: ۲۴، ۱۹: ۲۰؛ کول: ۱: ۶ — اع^{۱۱}: ۷: ۱۷ — ۱۲-قرن: ۳: ۶، ۲-قرن: ۹-۱۰ — یو^{۱۳}: ۳: ۳۰ — افس^{۱۴}: ۲: ۲۱، ۴: ۱۵؛ کول: ۲: ۱۹ — ۱۵-کول: ۱: ۱۰؛ ۱-پتر: ۲: ۲ — ۲-پتر: ۳: ۱۸.

۳) یونانی: pleonazô به معنای «افزون شدن / رشد کردن». به همین ترتیب فیض، گناه، خطا^{۱۶} و نیز ایمان و محبت^{۱۷} افزون می شوند.

۱۶ روم: ۵: ۲۰، ۱۶: ۱، ۲-قرن: ۴: ۱۵؛ ۱-تیمو: ۱۴ — ۱۷-تسا: ۳: ۱۲، ۲-تسا: ۱: ۳.

۴) یونانی: Àperisseuô به معنای «وفور یافتن»، «بسیار افزون گشتن». در اینجا نیز اندیشه افزون شدن،^{۱۸} گذشتن از حد معمول،^{۱۹} از شمار گذشتن^{۲۰} در مورد کلیساها^{۲۱} است یا در جایی که گناه زیاده گشت^{۲۲} فیض بی نهایت افزون گردد یا در امید افزوده شود^{۲۳}.

۱۸ مت: ۵: ۲۰ — ۱۹-مت: ۵: ۴۸ — ۲۰-قرن: ۱۵: ۵۸ — اع^{۲۱}: ۱۶: ۵ — ۲۲-روم: ۵: ۲۰ — ۲۳-روم: ۱۵: ۱۳. میوه.

رطل

۱) یونانی: batos، عبری: bat گاهی به معنای «کوزه» یا «بشکه کوچک». واحد عبرانی اندازه گیری حجم مایعات مطابق با واحد *یونانی (metretes) معادل ۴۴، ۳۶ لیتر^۱.

۱ لو: ۱۶: ۶ □

اندازه ها.

۲) یونانی: litra. واحد اندازه گیری وزن رومی که ارزش آن در حدود ۳۲۷۵ گرم می باشد^۱.

۱ یو: ۱۲: ۳، ۱۹: ۳۹ □.

ارزان

رقصیدن

رقص (به یونانی: khoros) همواره جشن مجلل را همراهی می کرد^۱. رقصیدن (یونانی: orkheomai) به معنای نشان دادن شادی یا خوشحال کردن میهمانان بوده است^۲.

۱ لو: ۱۵: ۲۵ — ۲-مت: ۱۱: ۱۷ (= لو: ۷: ۳۲)، ۱۴: ۶ (= مر: ۲۲).

آواز.

رنج بردن

۱) یونانی paskhō به معنای عیسی مسیح رنج برد و بمرد. این امر بدون وقفه در عهد جدید مورد تصدیق^۱ است. این رنج ها توسط عیسی اعلام شده^۲ بود و از طریق عیسی رستخیز کرده و ایمانداران در طرح خدا قرار گرفته بود^۳. لذا این رنج ها مفهومی را اعلام می دارند و آن مفهوم عبارت از رهایی از گناه است^۴. عیسی به خاطر ما^۵ از راه «هم - دردی» با ضعف های^۶ ما به علت این که عیسی همانند یک خدمتگزار آسمان برافراخته شد^۷.

۱ لو: ۲۲: ۱۵؛ اع: ۱: ۳؛ عبر: ۲: ۱۸؛ ۵: ۸؛ ۱۳: ۱۲؛ ۱-پتر: ۲: ۲۳؛ ۴: ۱؛ ۵: ۱ — ۲-مت: ۱۶: ۲۱ (= مر: ۸: ۳۱ = لو: ۹: ۲۲)؛ ۱۲: ۱۷؛

(= مر: ۹: ۱۲)؛ لو: ۱۷: ۲۵ — ۳-لو: ۲۴: ۲۶-۴۶: اع: ۳: ۸؛ ۱۷: ۳؛ ۲۶: ۲۳؛ ۱-پتر: ۱: ۱۱ — ۱۴-پتر: ۳: ۱۸ — ۲۵-قرن: ۱: ۵؛ ۱-

پتر: ۲: ۲۱ — ۶-عبر: ۴: ۱۵ — ۷-اش: ۵۳؛ فی: ۲: ۸-۱۱؛ عبر: ۲: ۹-۱۰.

۲) وفاداران به مسیح به «مشارکت» در رنج های مسیح فراخوانده شده اند^۸، بنابراین آن چه که به خودی خود مفهومی ندارد می تواند در مجمع والتری قرار گرفته ارزشمند شود^۹؛ ایمانداران به نوبه خود نقص ها رنج های مسیح را به کمال رسانیده^{۱۰} و می توانند با دردهای دیگران «هم دردی» کنند^{۱۱}. امکان دارد که تسلی آنها را فرا گیرد زیرا

*جلال از طریق رنج‌های زمان حاضر در کار^{۱۲} می‌باشد. آنگاه ممکن است مفهوم بداعت *سعادت تعقیب شدگان را^{۱۳} دریابد.

اع^۸: ۹: ۱۶: ۲- قرن ۱: ۵: ۳: ۱۰: ۱- پطرس ۴: ۱۳-۱: ۱۰: ۲: ۱۰- روم ۸: ۱۷: ۵: ۱۰- فی^{۱۰}: ۱: ۲۹: ۱: ۲۴: ۲- تیمو^۲: ۳- ۱۱- تسا ۲: ۱۴: ۲- تسا ۱: ۵: ۲- تیمو ۳: ۱۱: ۱- عبر ۱۰: ۳۴: ۱- پطرس ۳: ۸: ۵: ۹- روم^{۱۲}: ۸: ۱۸: ۲- قرن ۱: ۵: ۶: ۱- پطرس ۵: ۱۰- ۱۳: ۵: ۱۲- ۱۰: ۱۲ (لو ۶: ۲۲-۲۳): ۱- پطرس ۳: ۱۴.

◀ امتحان و وسوسه - ریاضت - جفا - محنت.

رنج و عذاب مسیح

لاتین: pati به معنای «متحمل شدن، رنج بردن» یونانی: paskhō. واژه‌ای که در آن مصداق رنج‌هایی که عیسی اعلام کرد و متحمل شد نهفته شده است و مسیحیان این رنج‌ها را به عنوان بهای بازخرید نجات انسان‌ها به حساب می‌آورند. ◀ صلیب - تصلیب - شلاق زنی - محاکمه عیسی - رنج بردن.

رواق، ایوان

یونانی: stoa - تالاری بادگیر که بام آن بر ستون‌هایی مستقر است. کتاب عهد جدید به «رواق سلیمان»^۱ اشاره می‌کند که تمامی ضلع شرقی معبد را در بر می‌گرفت و محل ملاقات ساکنان اورشلیم بود و نیز به رواق معروف آتن^۲، گردشگاه *رواقیون و پنج رواق حوض *بیت حسدا^۳.
^۱ یو ۱۰: ۲۳: ۳: ۱۱، ۵: ۱۲- اع^۲: ۱۷: ۲۲- یو^۳: ۵: ۲. □

رواقیون

یونانی: stōikoī پیروان زنون (۳۳۶-۲۶۴ ق.م) که در سایه رواق آتن (poikilè stoa) تعلیم می‌داده است. طبق رواقیون انسان صاحب «دمی از عقل» جهانی می‌باشد که دنیا را نظم می‌بخشد و بر آن حکومت می‌کند. آزاد کسی است که در همه چیز پیرو این عقل باشد و سقوط کرده کسی است که خود را تسلیم هوی و هوس می‌کند. بنابراین تأثیرناپذیری در مقابل درد و تألم شرط فضیلت می‌باشد. خدایان اسطوره‌هایی هستند که برای هدایت مردمانی که قادر نمی‌باشند رفتار صحیح داشته باشند مفید هستند. پس از آن شر علنی در دنیا کلئانت (Cléanthe) رواقی را متقاعد نمود که «عقل» جهانی را به یک مشیت بی‌انتهای تشبیه کند و از آنجا این نتیجه حاصل می‌شود که حکمت در یک اطاعت بدون قید و شوط نسبت به سرنوشت خلاصه می‌شود. در عصر عهد جدید سنکا (Sénèque) به جنبه اخلاقی این آموزه اولویت بخشید. اندکی بعد اپیکتت (Epictète) (۳۰-۱۳۰ م.) «عقل» را به صورت یگانه حسن غیرقابل انتقال انسان علم کرد بدین معنی که از راه این عقل انسان در تمامی موقعیت‌ها، منجمله بردگی، آزاد می‌ماند. آموزه رواقی پس از گذاشتن اثری شگرف و ماندنی در جهان آموزه خاص نخبگان فرهیخته باقی ماند^۱.
^۱ اع^{۱۷}: ۱۸.

◀ مقدمه. فصل چهارم. ۷. الف.

روپوش

(۱) معنای امروزی یونانی: phailonès لاتین: paenula خواهد بود که عبارتست از نوعی شنل، کاپشن و بالاپوشی که سینه را می‌پوشاند^۱.

^۱ ۲- تیمو ۴: ۱۳. □

(۲) این واژه معمولاً به یونانی: himation و به لاتین toga ترجمه می‌شود عبارت است از قطعه‌ای به شکل مربع از پارچه یشمی یا کتانی بدون درز با شکاف‌هایی برای دست که روی شانه انداخته می‌شود یا این که به دور بدن پیچیده

می شد.^۱ برای چابکی^۲ بیشتر آن را برمی داشتند و شب هنگام به عنوان روکش به کار برده می شد^۳ و این واژه به معنای مانتوی امروزی نبوده بلکه بیشتر به معنای *عبا می باشد برخلاف *تونیک یا لباس زیر^۴ که روی پیراهن پوشیده می شد و از ملزومات آداب بود. این واژه هرگاه به صورت جمع استفاده شود به طور کلی «لباس»^۵ نامیده می شد.

اع ۱۲: ۸ — مت ۲۴: ۱۸؛ مر ۱۰: ۵؛ اع ۷: ۵۸؛ ۲۲: ۲۰ — خروج ۲۲: ۲۶-۲۵؛ تث ۲۴: ۱۲-۱۳؛ مت ۵: ۴۰، (= لو ۶: ۲۹)
— مت ۲۴: ۱۸ (= مر ۱۳: ۱۶)؛ لو ۲۲: ۳۶؛ اع ۹: ۳۹ — مت ۱۷: ۲ (= مر ۹: ۳ = لو ۹: ۲۹)؛ ۲۱: ۸-۷ (= مر ۱۱: ۷-۸ = لو ۱۹: ۳۵-۳۶)؛ ۲۶: ۲۷؛ ۲۷: ۳۱ (= مر ۱۵: ۲۰ = یو ۱۹: ۲) ۳۵ (= مر ۱۵: ۲۴ = لو ۲۳: ۳۴)؛ مر ۵: ۲۸؛ ۳۰: ۷؛ ۲۵: ۲۴؛ ۴: ۲۴ — یهو ۱۳: ۴-۱۲؛ ۱۹: ۲۳-۲۴؛ اع ۱: ۱۰؛ ۷: ۵۸؛ ۱۰: ۳۰؛ ۱۴: ۱۶؛ ۱۸: ۲۲؛ ۶: ۲۰؛ ۳۳: ۲۳؛ یع ۵: ۲؛ ۱- پطر ۳: ۳؛ مکا ۳: ۴-۵؛ ۱۸: ۴؛ ۱۶: ۱۵.
◀ ردا - پیراهن - لباس.

روح

(۱) معنای اصلی آن (یونانی: pneuma؛ عبری rūah) دَم یا باد است.^۱ دَم تنفسی انسان که شاهد زنده بودن اوست از خدا می آید و باز دم انسان هم به نزد خدا برمی گردد؛^۲ اما خدا می تواند آن را به انسان پس بدهد چون انسان آن را به دست خدا می سپارد تا خدا آن را به نزد خود بپذیرد.^۳

۱ پید ۸: ۳؛ یو ۸: ۲۰؛ ۲۲: ۲-۲؛ تسا ۸: ۷؛ عبر ۷: ۲؛ پید ۲: ۷؛ مت ۲۷: ۵۰؛ یو ۱۹: ۳۰؛ اع ۷: ۵۹؛ یع ۲: ۲۶ — لو ۲۳: ۴۶؛ عبر ۱۲: ۲۳؛ مکا ۱۱: ۱۱؛ ر.ک لو ۸: ۵۵.

(۲) روح انسان هم چون *روانش، شخصیت انسان را حتی در اسرارآمیزترین حالت خلوص وی^۴ یا وجود کل او^۵ مشخص می کند. روح بر *تن که قابل رؤیت است^۶ و بر آنچه که ضعیف است^۷ تمایز دارد.

۴ مر ۲: ۸؛ ۱- قرن ۲: ۱۱ — پید ۶: ۱۷؛ فی ۴: ۲۳؛ ۲- تیمو ۴: ۲۲؛ فیل ۲۵ — ۱۶- قرن ۵: ۷؛ ۳۴: ۲- قرن ۷: ۱؛ کول ۲: ۵ — ۷ مت ۲۶: ۴۱ (= مر ۱۴: ۳۸).

(۳) روح خدا در روح هر فرد ایماندار ساکن است. روح القدس به ایماندار ملحق می شود تا در وی ندای دعای فرزندی را برانگیزاند^۸، تا او به خداوند بپیوندد و با او تشکیل یک روح را بدهد^۹؛ به این طریق است که او کاملاً تازه می شود.^{۱۰} از آنجا که غالباً مشکل است تصمیم بگیریم که آیا منظور این واژه انسان است یا خدا^{۱۱} معنایش این است که خدا که خود روح است^{۱۲} می تواند با آنهایی که پیوند حاصل می کند همسان باشد. پس فرد ایماندار که توسط روح القدس از نو مولود می شود می تواند *پرستش را به روح و *راستی به جای آورد^{۱۳}.

۸ روم ۸: ۱۶، ۲۶ — ۱۹- قرن ۶: ۱۷ — ۱۰ افس ۴: ۲۳ — ۱۱ روم ۸: ۱۱، ۱۶ — ۱۲ یو ۴: ۲۴ — ۱۳ یو ۳: ۶، ۴: ۲۴.

(۴) پولس رسول عقیده دارد که روح ضد *جسم است که هر دوی آنها مانند دو نیرو در انسان در کارند^{۱۴} انسان روحانی (یونانی: pneumatikos) می تواند نفسانی شود (یونانی: psychikos)^{۱۵} و حتی تا حالت جسمانی بودن تنزل نماید^{۱۶}. اشخاصی نفسانی وجود دارند که دارای روح نیستند^{۱۷}. از سوی دیگر جسم زمینی و نفسانی نیز می تواند روحانی شود^{۱۸}.

۱۴ روم ۸: ۴؛ غلا ۵: ۱۶-۲۵ — ۱۵- قرن ۱: ۱۴-۱۵ — ۱۶- قرن ۳: ۱ — ۱۷ یع ۳: ۱۵؛ یهو ۱۹ — ۱۸- قرن ۱۵: ۴۴.

(۵) روح با حرف مخالف است همان طور که قدرت زندگی با نیروی مرگ مخالف است^{۱۹}. مسیح در آزادی، انسان را از حرف به روح می رساند^{۲۰}.

۱۹ ۲- قرن ۳: ۶ — ۲۰- قرن ۳: ۱۷؛ غلا ۵: ۱۳-۱۸.

(۶) (یونانی: pneumata که جمع pneuma به معنای «باد، روح» است). نامی است دیگر برای *فرشتگان^{۲۱} خوب^{۲۲} و به خصوص فرشتگان^{۲۳} بد که معمولاً ناپاک توصیف می شوند؛^{۲۴} و نام آنهایی است که توسط عیسی^{۲۵} و

شاگردان^{۲۶} از تن *دیوانگان بیرون رانده شده اند. بایستی با آنها مبارزه کرد^{۲۷} و اقدام به شناسائی آنها نمود زیرا آنها فریبکار هستند^{۲۸}.

۲۱ اع ۸-۹: ۹: ۱۲: ۲۲ عبر ۱: ۱۴: ۵: ۴: ۵: ۶: ۲۳ مت ۱۲: ۴۵ (= ۱۱: ۲۶): ۷: ۲۱: ۸: ۲: ۱۹: ۱۶ — ۲۴ مت ۱۲: ۴۳ (= ۱۱: ۲۴): ۱: ۲۳: ۲: ۵: ۲۵ — ۲۵ مت ۸: ۱۶: ۱: ۲۶-۲۷: ۳: ۱۱: ۵: ۱۳: ۹: ۲۵: ۷: ۲۱: ... — ۲۶ مت ۱۰: ۱: (= ۷: ۶: ۷: ۱: ۹: ۱): اع ۷: ۸: ۱۹: ۱۲ — ۲۷ افس ۲: ۲: ۱۲: ۶ — ۲۸ ۱-قرن ۱۰: ۱۰: ۱-تیمو ۴: ۱: ۱-یو ۴: ۱: ۱۴: ۱۶.

◀ جان - فرشتگان - جسم - بدن ۳ - ارواح پلید - قدرت ها - روح خدا - انسان - جن زده - باد.

روح خدا - روح القدس

۱) عهد جدید، عمل روح خدا را از جنبه گذرا بودن و *موهبت بخشی/عطیه بخشی آن یعنی همان جنبه ای که ویژگی عهد قدیم را تشکیل می دهد^۱ می شناسد. روح خدا به طور غیرمترقبه ای در انسان ظهور می کند و او را متعال ساخته قادر به انجام کارهای استثنائی می نماید، مانند *نبوت ها^۲ و معجزات^۳ تا جائی که معروف شده که بعضی از آنها مملو از روح القدس هستند^۴. از اینجا *حکمت انسان های روحانی^۵ و مواهب اعطاء شده روح القدس^۶ ناشی می شوند.

۱ ر.ک داور ۳: ۱۰، ۱۱: ۲۹، ۱۴: ۶: ۱-سمو ۱: ۶ — ۲ لو ۱: ۴۱، ۶۷: ۲: ۴، ۱۷: ۶: ۱۰، ۷: ۵۵، ۱۱: ۲۸ — ۳ لو ۲: ۲۷، ۱۴: ۱۴: ۸: ۳۹، ۲۱: ۱۱ — ۴ لو ۲: ۲۵: ۶: ۵، ۱۱: ۲۴ — ۵ ۱-قرن ۲: ۱۰ — ۶ ۱-قرن ۱۲: ۳-۱۳.

۲) از سوی دیگر عهد جدید، نبوت عهد قدیم را که وعده داده بود روح القدس برای همیشه بر مسیح^۷ قرار می گیرد و به تمام دل ها صادر می شود^۸ و بدین ترتیب خلقت تازه به وجود می آید^۹ تحقق بخشیده است. روح القدس بر مسیح فرود آمده^{۱۰} در او ساکن شده و ظاهر می کند که عیسی از رحم مادر، *مقدس بوده است.^{۱۱} او بیش از هر میزانی صاحب روح القدس^{۱۲} است و روح القدس را به همه اعطا می کند^{۱۳}.

۷ اش ۱۱: ۲، ۴۲: ۱، ۶۱: ۱ — ۸ حزق ۳۶: ۲۶ — ۹ حزق ۳۹: ۲۹ — ۱۰ مت ۳: ۱۶: ۱: ۱۰: ۳: ۲۲: ۱۰: ۳۳: ۲: ۳۳: ۳۳: ۱۰: ۳۸ — ۱۱ مت ۱: ۲۰: ۱: ۳۵ — ۱۲ یو ۳: ۳۴ — ۱۳ یو ۱۶: ۱۴-۱۵، ۱۹: ۳۰.

۳) غسل تعمید در روح القدس انسان را در پیوند با این عطیه دائمی^{۱۴} قرار می دهد. روح القدس *محبت را در دل ها^{۱۵} می پراکند، در ما دعا می کند،^{۱۶} *و ودیعه امید ما است^{۱۷}. هم چنین می توان گفت که نظام *شریعت جای خود را به نظام روح القدس داده است. روح القدس از این به بعد *معبد را که جمع ایمانداران^{۱۸} است تقدیس می کند؛ *آن مدافع از راه *تعلیمات، کلام عیسی را به خاطر می آورد^{۱۹} و شاگردان را در شهادت آنها یاری می دهد^{۲۰}.

۱۴ اع ۵: ۲، ۳۸: ۸: ۱۷-۱۹، ۱۰: ۴۴-۴۷، ۱۹: ۶: ۱۹: ۸: ۹ — ۱۵ روم ۵: ۵ — ۱۶ روم ۸: ۲۶-۲۷: ۴: ۴: ۶ — ۱۷ ۲-قرن ۵: ۵ — ۱۸ ۱-قرن ۳: ۱۶: ۲-قرن ۱: ۲۲ — ۱۹ یو ۱۴: ۲۶ — ۲۰ مت ۱۰: ۲۰: ۱۶: ۴-۱۵.

◀ مقدمه، فصل دوازدهم. ۱. ج - محبت - عطایای الهی - خدا - عطیه - مدافع.

رودس

یونانی: rhodos. جزیره ای در دریای اژه واقع در مقابل ساحل جنوب غربی ترکیه که زمانی مستعمره یهودیان بوده است.^۱

۱ اع ۲۱: ۱.

◀ نقشه شماره ۲.

روز، شبانه روز

یونانی: hémère.

۱) در تمامی فرهنگ‌ها، روز «از صبح تا شب»^۱ ادامه دارد. *نور در مقابل *ظلمت و روز در مقابل *شب است. هر چند طول روز بر حسب فصل می‌تواند از ده تا چهارده ساعت تغییر کند روز را از دیرباز «دوازده ساعت» حساب می‌کردند.^۲ روز به دنبال شب می‌آید.^۳ می‌گویند روز شد^۴، گرمای روز^۵ و نزدیک شدن شب مورد صحبت قرار می‌گیرد.^۶ اشاره مداوم به روز و شب به مصداق برهه‌ای از زمان است.^۷

۱) اع ۲۸:۲۳ - یو ۹:۱۱ - لو ۳۷:۲۱ - یو ۴:۹ - اع ۲۷:۳۳ - لو ۴:۱۳ - مت ۲۰:۱۲ - لو ۹:۱۲ - ۲۴:۲۹ - مت ۴:۲۰:۱۲:۴۰ - ۱-تسا ۲:۹ - ۲-تس ۳:۸ - ۱-تیمو ۵:۵ - ۵-همه قسمتهای مکا.

۲) در حالی که رومیان روز را از ۱۲ ظهر تا ۱۲ شب به حساب می‌آوردند یهودیان دوران عیسی محاسبه زمان را با تقویم قمری آیینی تطبیق می‌دادند، روز با طلوع ماه شروع می‌شد و تا عصر روز بعد ادامه داشت.^۸ عید «گذر» از *شب^۹ قبل شروع می‌شد؛ «سبت» از عصر جمعه شروع به تشعشع می‌کند^{۱۰} و شروع «فردای سبت» شنبه شب است.^{۱۱} برای مشخص کردن یک شبانه روز کامل اصطلاح «شب و روز»^{۱۲} مورد استفاده است. در زبان یونان به طول یک شب و یک روز nykht héméron^{۱۳} گفته می‌شود.

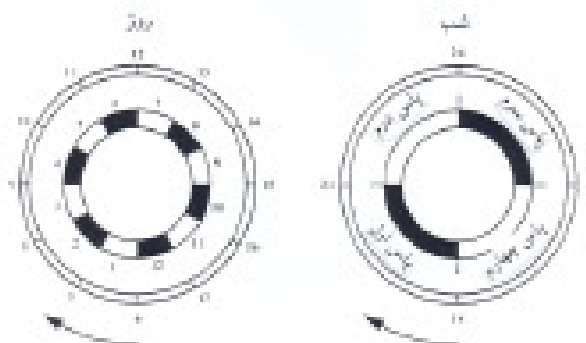
۸) تث ۲۳:۱۱ - مر ۱۶:۱-۲ - یو ۱۹:۳۱ - لو ۲۳:۵۴ - مت ۲۸:۱ - مر ۴:۲۷:۵:۵ - لو ۲:۳۷ - اع ۲:۳۱ - ۷:۲۶:۱-تسا ۱۰:۲ - ۲-تیمو ۱:۳ - ۱۳-قرن ۱۱:۲۵.

◀ تقویم - آواز خروس - ساعت - صبح - شب - پاس شب.

در شکل: حلقه خارجی: نشان دهنده ساعت کنونی. حلقه درونی: نشان دهنده ساعت کتاب عهد جدید

تقسیم بندی يك شبانه روز

تقسیمات شبانه روز



دایره بیرونی: ساعت امروزی - دایره داخلی: ساعت عهد جدید

روز خداوند

۱) یونانی: hèmèra tou Kyriou، اصطلاح کلیشه‌ای است برای مشخص کردن پیروزی خدا بر دشمنانش.^۱ برای تجسم این رویداد، قوه تخیل حالتی ثابت دارد: خدای جنگجو از نخستن سنت‌ها^۲، خدای خالق پیروزمند در نبرد اصلی بر ضد *وحش و آشوب^۳، نفس ناگهانی بودن آمدن وی^۴ و تغییر شکل بنیادی دنیا^۵. این چنین باوری اندیشه

*سروریت خدا را بر تمامی انسان ها و تمامی زمان ها القاء می کند، سروریتی که قابل ادراک نیست مگر اینکه در *آخر تحقق^۶ یابد. در دوران عیسی سنت مربوط به کتاب مقدس در سه نکته پیشرفت حاصل کرده است. روز سرور دیگر برای اسرائیل تنها نیست بلکه برای تمام *اقوام (ملل)^۷ است. تحقق آن نه در لحظه ای از زمان، بلکه در آخر تاریخ^۸ به وقوع خواهد پیوست. این روز همان قدر که روز خداوند عیسی است که روز خدا می باشد^۹.

^۱ اش: ۱۳: ۲-۶؛ حزق: ۳۰: ۳؛ صف: ۷: ۱-۲؛ تسلا: ۲-۲؛ عد: ۱۰: ۳۵-۳۶؛ یوشع: ۱۰: ۱۲-۱۳؛ اش: ۹: ۳؛ ۲۱: ۲۸؛ هوشع: ۲: ۲؛ مت: ۲۹: ۳۰-۳۱؛ اش: ۲۴: ۱؛ حزق: ۳۸: ۲۴؛ مت: ۲۹: ۲۴؛ مکا: ۱۱: ۲۱-۱۲؛ عا: ۱۸: ۵؛ مت: ۲۴: ۴۴؛ ۱-تسا: ۵: ۳-۳؛ مکا: ۳: ۳-۳؛ ^۵ مز: ۹۳: ۹۸؛ اع: ۶: ۱؛ ۲۰: ۳؛ روم: ۱۹-۲۲؛ فی: ۳-۲۱-۲۰؛ مز: ۹۶-۹۷؛ ۱-قرن: ۲۴: ۱۵-۲۸؛ صف: ۲: ۴-۱۵؛ زک: ۱۴: ۱۲-۲۰-۲۱؛ ^۸ دان: ۸: ۱۷؛ ۲۶: ۹؛ ۱۱: ۳۵-۴۰؛ اع: ۲: ۱۷؛ ۱-تسا: ۴: ۱۶-۱۷؛ ۱-قرن: ۱۵: ۵۲-۹؛ مت: ۲۴: ۳۰-۳۱؛ لو: ۱۷: ۲۴؛ ۱-قرن: ۱: ۸؛ فی: ۱: ۶، ۱۰.

(۲) رستاخیز عیسی در روز عید گذر، از نظر زمانی بر پیروزی خدا بر مرگ سبقت می جوید. بدین ترتیب این «روز (یوم)» نه تنها یک رویداد مورد انتظار بوده است بلکه در افراد مسیحی نهادینه شده و آنها را به «فرزند روز»^{۱۰} تبدیل می کند. یوحنا بی آنکه سنت روز واپسین^{۱۱} را حذف کند در خود زندگی عیسی، نور عید گذر و ظهور نهائی مسیح^{۱۲} را فعال می کند.

^{۱۰} ۱-تسا: ۵: ۵-۱۱؛ یو: ۳۹-۴۰-۴۴؛ ۵۴: ۱۱؛ ۲۴: ۱۲؛ ۴۸: ۱-۱۷؛ یو: ۴: ۱۷-۱۲؛ ۵۵: ۲۴-۲۵؛ ۳۱: ۱۲؛ ۳: ۱۴؛ ۲۰: ۲۳؛ ر. ک. مت: ۲۸: ۲۰.

(۳) «روز سرور» روز یکشنبه نیز هست که به ویژه اختصاص داده شده است به آئین خدا^{۱۳}. روز یکشنبه یادآور کار عظیم خدا که عیسی را از مرگ برخیزانید و نیز اعلامگر بازگشت مسیح است.

^{۱۳} اع: ۲۰: ۷؛ ۱-قرن: ۱۶: ۲؛ مکا: ۱: ۱۰.

◀ آخر جهان - ساعت - داوری - ماراناتا - باز آمدن مسیح - زمان.

روزه داری

یونانی: nēsteia.

(۱) روزه داری در اسرائیل برخلاف دیگر نواحی یک بهره گیری ریاضتی نیست: مگر غذا یک عطیة الهی نیست^۱؟ روزه هم ارزش است با «محقر کردن جان خود» که رفتاری می باشد نشان دهنده وابستگی نسبت به خدا^۲. روزه برای موارد زیر مراعات می شود: آماده شدن برای ملاقات با خدا^۳، برای نوحه خوانی^۴ و یا طلب چیزی از خدا^۵، بخشش گناهان دسته جمعی یا خصوصی^۶ قبل از انجام مأموریتی^۸. روزه نور الهی است^۷. روزه باید همراه با دادن *صدقہ و *دعا باشد^۹. روزه داری امتناع از *استحمام، استعمال *عطریات، خودداری از روابط جنسی و به خصوص ابراز محبت نسبت به مسکینان را ایجاب می کند^{۱۰}.

^۱ تث: ۸: ۳؛ مت: ۳۲: ۱۵؛ مر: ۸: ۳-۲۹؛ لاو: ۱۶: ۲۹-۳۱؛ خروج: ۲۸: ۳۴؛ دان: ۹: ۳-۱۴؛ سمو: ۳۱: ۱۳-۲۵؛ سمو: ۱۲: ۱۶-۲۲؛ یول: ۱۲: ۱۷-۱۶؛ ۱-پاد: ۲۱: ۲۷؛ یون: ۳: ۵-۷؛ دان: ۱۰: ۳-۱۲؛ داو: ۲۰: ۲۶؛ اع: ۱۴: ۲۳-۹؛ مت: ۶: ۲-۴، ۵-۸، ۱۶-۱۸؛ ۱۷: ۲۱ (= مر: ۹: ۲۹)؛ لو: ۲: ۳۷؛ اع: ۱۳: ۳-۱۰؛ اش: ۵۸: ۷-۳؛ یو: ۲: ۱۶.

(۲) روزه داری در زمان عیسی در بعضی از موارد و به ویژه در روز *«استغفار» که «زمان روزه» نامیده می شود تجويز می شد^{۱۱}. شاگردان یحیی تعمید دهنده و *فریسیان از راه زهد مرتباً تا حد خودنمائی^{۱۲} آن را به جای آوردند.

^{۱۱} لاو: ۲۳: ۲۹؛ اع: ۲۷: ۹-۱۲؛ ر: ۱۴: ۱۲؛ مت: ۶: ۱۶-۱۷؛ ۹: ۱۴ (= مر: ۲: ۱۸؛ ۵: ۳۳)؛ لو: ۱۸: ۱۲.

(۳) روزه عیسی در بیابان عملی بوده است تسلیم گرانه، با توکل کامل فقط به خدا در آغاز مأموریتش^{۱۳}.

^{۱۳} مت: ۴: ۲؛ ر. ک. خروج: ۲۸: ۳۴؛ ۱-پاد: ۱۹: ۸.

(۴) روزه به صورت یکی از واجبات دینی در کلیسای مسیحی مراعات می شود و نمایانگر چشم به راه بودن بازگشت خداوند می باشد^{۱۴}.

^{۱۴} اع ۱۳: ۲؛ ۲-قرن ۶: ۵؛ ۱۱: ۲۷؛ ر. ک. ۹: ۱۴-۱۵ (= مر ۲: ۱۹-۲۰؛ لو ۵: ۳۴-۳۵) □.

روغن

یونانی *elaia, elaion*: درخت زیتون؛ عبری *chèmèn*: «چرب»، *yigēhar*: «تابناک». این روغن غیر از روغن مصقی^۱ است و از فشار دادن زیتون کوبیده^۲ به دست می آید. غذای اصلی^۳ و علامت *برکت است^۴. این روغن موارد مصرف مختلف دارد، سرچشمه *روشنایی بوده^۵ و برای مرهم نهادن بر زخم ها به کار می رود^۶، بیماران را تقویت می کند^۷، باعث درخشیدن صورت شده^۸ و قلب را شادمان می کند^۹. مخلوط آن با عطر، میهمانان را گرامی می دارد^{۱۰}.

^۱ خروج ۲۷: ۲۰ — ^۲ ایوب ۲۴: ۱۱ — ^۳ بنسی ۳۹: ۲۶ — ^۴ تث ۷: ۱۳؛ ۲۸: ۴۰ — ^۵ مت ۲۵: ۳-۴ — ^۶ اش ۱: ۶؛ لو ۱۰: ۳۴ — ^۷ مر ۶: ۱۳؛ یع ۵: ۱۴ — ^۸ مز ۱۰۴: ۱۵؛ مت ۶: ۱۷ — ^۹ مز ۴۵: ۸؛ اش ۳: ۶۱؛ عبر ۱: ۹ — ^{۱۰} مز ۲۳: ۵؛ لو ۷: ۴۶. ◀ مسح کردن، تدهین - عطر.

روم

یونانی *Rômè*. پایتخت امپراتوری که از سال ۶۳ ق.م بر یهودیه تسلط داشت. قدرتی بود دهشت انگیز^۱ و مغرور از برتری خود^۲. داشتن مقام شهروندی لم رومی مزیت^۳ به شمار می رفت. در زمان *اوغسطس چندین هزار یهودی در رم مستقر شدند^۴. در سال ۱۹ بعد از میلاد ۴۰۰۰ یهودی به ساردین تبعید شدند. در سال ۳۲ م. *طیبریوس فرمانی به نفع یهودیان صادر کرد اما در ۴۹-۵۰ م. یهودیان دوباره اخراج شدند^۵. اصل جمعیت مسیحی ای که مخاطب نامه پولس بود^۶ ناشناخته است. خود او زنجیر به دست به روم برده شد و مدت دو سال در آنجا تحت نظارت باقی ماند^۷. روم هم چون شهر *بابل نشان داده شده است^۸.

^۱ یسو ۱۱: ۴۸؛ اع ۲۸: ۱۷ — ^۲ اع ۱۶: ۲۱ — ^۳ اع ۲۲: ۲۵-۲۹ — ^۴ اع ۲: ۱۰ — ^۵ اع ۱۸: ۲ — ^۶ روم ۱: ۷؛ ۱۵؛ ر. ک. اع ۱۹: ۲۱؛ ۲۳: ۱۱ — ^۷ اع ۱۸: ۱۴-۱۶، ۳۰؛ ۲- تیمو ۱: ۱۷ — ^۸ ۱- پتر ۵: ۱۳؛ مکا ۱۷: ۵؛ ۱۸: ۲ □. ◀ مقدمه، فصل سوم، ۲ ز؛ فصل چهارم ۱-۲؛ فصل چهارم ۴ د؛ فصل ششم ۲ - نقشه شماره ۳.

رومیان [رساله به]

نامه پولس که از قرن تس به کلیسای رم در حدود ۵۷ - ۵۸ م ارسال شد. پولس پس از فرستادن اعانه جمع آوری شده در کلیساهای آسیا به اورشلیم، روی به غرب می کند: در اینجا او تصویر استادانه ای از نقشه خدا ارائه می دهد. ◀ مقدمه فصل پانزدهم.

رها کردن

یونانی: *eg-kata-leipō* «به حال خود گذاشتن، ترک کردن» با ویژگی قطع روابط شخصی. این واژه به کرات در ترجمه *هفتادتنان، برای بیان تلون *پیمان به کار برده شده است. آدمیان، یهوه^۱ را رها می کنند حال آن که یهوه قول می دهد که برگزیده و مؤمن خویش را رها ننماید و همیشه «با وی»^۲ باشد. به همین ترتیب یک یهودی بی وقفه دعا می کند که خداوند وی را رها نکند^۳. عیسی از روی صلیبی که خواست بر روی آن باقی بماند، در حالی که فریاد می زند: «الهی، الهی چرا مرا ترک کردی؟»^۴ جان می سپارد؛ هرچند که این کلمات منطبق با مزمور ۲۲: ۱ می باشند، شایسته نیست فرض کنیم که عیسی آخر مزمور را که منتهی به پیروزی حیات می گردد^۵ و در خفا ادا کرده و بدین ترتیب از حدت کلمات به کار برده شده بکاهیم. عیسی با ادای «چرا» جان سپرد، لیکن او این «چرا» را خطاب به

خدا و در گفتگویی که خداوند را حاضر فرض می‌کند ادا می‌نماید. عیسی بدین ترتیب ایمان خویش را تا به آخر، یعنی تا تاریکی‌های موت^۶ نمایان ساخت. پاسخ سؤالات تنها پس از مرگ عیسی در اعتراف یوزباشی^۷ و در تأیید پطرس به هنگام پنطیکاست^۸ روشن می‌شود. عیسی مرگ خود حيله ای نورزید. شاید که پولس احساس رهاشدگی مشابهی را از سوی آدمیان^۹ چشیده باشد.

^۱ داور ۲: ۱۲؛ ۱- سمو ۸: ۸ و ۱۰: ۱۰؛ ۱- پاد ۹: ۹ و ۳۳: ۱۱؛ ۱۶: ۱ و ۱۳: ۲؛ ر. ک. عبر ۱۰: ۲۵ — تث ۴: ۳۱؛ ۸: ۶؛ یوشع ۱: ۵؛ ۱- پاد ۶: ۱۳؛ مز ۳۷: ۲۸؛ ۳۱: ۳۱؛ ر. ک. عبر ۱۳: ۵ — ۱- پاد ۸: ۵۷؛ مز ۳۸: ۲۷؛ ۲۲: ۱۱۹؛ ۸: ۴۶؛ ۲۷: ۴۶ (= مر ۱۵: ۳۴) — ۵: ۲۲؛ ۳۱: ۳۰ — ۶: ۲؛ ۸: ۷؛ ۳۹: ۱۵ — ۸: ۲۷؛ ۳۱: ۲۷؛ ۲۹: ۴؛ ۹: ۴؛ ۲- تیمو ۴: ۱۰، ۱۶.

ریاضت کشیدن

«اعضاء خود را که بر زمین است مقتول (nekrôsate) سازید زنا و طمع^۱ را». از این متن و متون مشابه مفهوم «ریاضت» به وجود آمد که می‌توان آن را چنین معنی کرد: «محرومیت و رنجی را که انسان به نیت رسیدن به اهداف روحانی یا اخلاقی بر خود هموار می‌کند» و این امر به معنای تشخیص نادرست است از معنای حقیقی فعل nekroô به معنای «کشتن» و اسم nekrosis به معنای «عمل کشتن». این واژه در کتاب عهد جدید کمتر دیده می‌شود. بطن سارا که گرفتار nekrosis بود نابارور شده بود و بدن ابراهیم نیز مرده (nenekrômenon)^۲ بود. پولس اعلام می‌دارد: «پیوسته قتل عیسی خداوند را در جسد خود حمل می‌کنیم تا حیات عیسی هم در بدن ما ظاهر شود^۳». مقصود نه «رنج‌های دم مرگ» (BJ) است و نه «احتضار» بلکه بیشتر «کشته شدن» (Osty) پیشرونده در اثر گناه را در ما معنا می‌دهد. این عمل به قتل رساننده یا مقتول کننده شامل ریاضت نیست^۴ بلکه شامل یک گشودگی عمل عیسی است که سرچشمه گناه و به خصوص گناهان نسبت به همنوع را در ما می‌میراند^۵؛ این مرگ واقعی است که آن را می‌توان نه «تصلب» بلکه «بافت مردگی» نام نهاد. این فرایند اسرارآمیز مرگ از موقع تعمید شروع شده و در طول تمامی زندگی روی زمین ادامه دارد.

^۱ کول ۵: ۳ — ۲- روم ۱۹: ۴ — ۳- ۲- قرن ۱۰: ۴ — ۱۴- قرن ۹: ۲۴-۲۷ — ۵- غلا ۱۹: ۲۱؛ کول ۵: ۳-۹.

◀ تعمید ۴ - نبرد - مرگ ۴ - رنج بردن - زندگی.

ریاکار

یونانی: hypokritēs (از hypo-krinomai به معنای «توضیح دادن با اتکا بر جوابی که از عمق ذهن برخیزد» به ویژه در مورد خواب و رؤیا که از آن معناهای «پاسخ دادن، تعبیر [یک قطعه]، دکلمه کردن» بر می‌آیند) یعنی کسی که ایفای نقش می‌کند^۱. این واژه نه تنها شخصی را که سخنان و اعمالش با اندیشه اش متناقض هستند^۲ مشخص می‌کند بلکه دارای معنایی است که احتمالاً از واژه آرامی می‌آید که با hanefâ مطابقت می‌کند و در عهد قدیم معمولاً به «فاسد، بی‌دین» معنا شده است. ریاکار قدرت دارد که تن به خیانت بدهد^۳ و گاهی نیز به نابینایی ذهنی می‌گراید^۴. داوری او منحرف و فاسد می‌شود^۵. واژه مخالف ریاکاری، خلوص است بدون تظاهر و در کمال صداقت^۶.

^۱ لو ۲۰: ۲۰؛ ۲۰: ۲۰؛ غلا ۱۳: ۲ — ۲- مت ۶: ۲. ۵. ۱۶؛ ۱۵: ۷؛ ۲۲: ۱۸؛ ۲۳: ۱۳ — ۳- مت ۲۴: ۵۱؛ ر. ک. لو ۱۲: ۵۶؛ ۱۳: ۱۵ —

^۲ مت ۷: ۵ — ۵- لو ۴۲: ۱۲؛ ۵۶: ۱۳؛ ۱۵: ۱۳ — ۶- روم ۱۲: ۹؛ ۲- قرن ۶: ۶؛ ۱- تیمو ۱: ۵؛ ۱- پتر ۱: ۲۲.

◀ دروغ گویی - ردائیل.

ریگ سفید یا سنگ کوچک

سنگ سفید (یونانی: psāphos leukē) که در مکا ۲: ۱۷ به آن اشاره می‌شود می‌تواند به معنای اشیاء گوناگون عتیقه (یا: باستانی) از قبیل مهره و رودی، لوحه برائت از محکمه، شیئی مورد استفاده در فالبینی (یا پیشگویی) یا نوعی طلسم باشد (خروج ۲۸: ۳۰). رنگ سفید با تصور خوشبختی (*پلینی می‌گوید: «روزی فرخنده مشخص به سنگی سفید») یا پیروزی همراه است. *نام جدیدی که بر سنگ حک می‌شود دقیقاً همین مفهوم را دارد.

رئیس آسیا

یونانی: asi-arkhēs به معنی «رئیس *آسیا». این منصب همان والی *ایالت رومی نبوده، بلکه به *کاهنی اطلاق می‌شود که همه ساله توسط شهرهای آسیا برای برگزاری آئین مذهبی ایالتی امپراتور و روم به این مقام منصوب می‌شود. عنوان مزبور پس از اتمام دوره مأموریت^۱ هم چنان حفظ می‌شد.

^۱اع ۱۹: ۳۱.

ز

زیدی

یونانی: Zebedaios از عبری zabdi به معنای «هدیه من» ماهیگیری است از ساحل دریاچه جلیل شوهر سالومه پدر یعقوب و یوحنا^۱.
^۱مت ۴: ۲۱ (= مر ۱: ۲۰).

زکریا

یونانی: Zakharias از عبری Zekar-yô به معنای «بیهوش به یاد دارد».
 (۱) نام یکی از انبیاء است که در معبد به قتل رسید. احتمالاً او هر چند که باراخا نامیده می شد پسر بویاداع بوده است^۱.
^۱توا ۲۴: ۲۰-۲۲؛ مت ۲۳: ۳۵ (= لو ۱۱: ۵۱).
 (۲) پسر باراخا، پیامبری که از وی بی آن که نامش برده شود نقل قول شده است. یکی از *دوازده نبی کوچک^۲.
^۲زک ۱: ۹؛ ۹: ۹؛ مت ۲۱: ۴؛ ۲۷: ۹.
 (۳) کاهنی از طبقه ابیاه، شوهر الیصابات، پدر یحیی تعمید دهنده که ساکن شهری در یهودیه بوده است^۳.
^۳لو ۱: ۵-۶۷؛ ۳: ۲.

زکی

یونانی: Zakharias، نام یهودی است در تطابق با واژه عبری zakkay به معنای «پاک، عادل» رئیس باجگیران در اریحا^۱.
^۱لو ۱۹: ۹-۱۰.
 ◀ باجگیر.

زلزله

یونانی: seismos (از seiō به معنای «لرزیدن»)
 در فلسطین زمین لرزه هایی رخ داده است فی المثل قرن هشتم ق. م^۱ یا در سال ۳۱ ق. م. طبق کتاب مقدس زلزله علامت آخرتی قدرت مطلق خدای آفریننده است که برای یاری رساندن به قوم خود و یادآوری بر آن می آید^۲ مانند زمین لرزه های زمان مرگ و رستاخیز عیسی^۳، به هنگام رهایی پولس و سیلاس از زندان^۴ زمین لرزه زمان های آخر^۵.
 واژه seismos برای وصف لرزش بسیار شدید نیز به کار برده می شود^۶.
^۱عا ۱: ۱؛ زک ۱۴: ۵ — ^۲خروج ۱۹: ۱۸؛ داو ۵: ۴؛ ۱-پاد ۱۹: ۱۱؛ مز ۹۹: ۱؛ اش ۱۳: ۱۳؛ عا ۸: ۸؛ ۹: ۵؛ عبر ۱۲: ۲۶؛ مکا ۱۲: ۱۳ — ^۳مت ۲۷: ۵۱-۵۴؛ ۲۸: ۲ — ^۴اع ۱۶: ۲۶ — ^۵مت ۲۴: ۷ (= مر ۱۳: ۸ و ۲۱: ۱۱)؛ مکا ۶: ۱۲؛ ۸: ۵؛ ۱۱-۱۳-۱۹: ۱۶؛ ۱۸ — ^۶مت ۸: ۲۴.

زمامداران

◀ قدرت ها

(۳) «زمان توصیفی» ایمان به خدا، خداوند زمان ها و لحظه ها^{۱۸} معمولاً به تمام لحظات زندگی ثبات جدیدی می بخشد. واژه یونانی khronos به ندرت به این مفهوم باردار به کار گرفته می شود. با این حال علاوه بر موردی که به لحاظ انسانی وقت زایمان نامیده می شود در موارد زیر مورد استفاده است^{۱۹}: زمان جهالت^{۲۰} زمان وعده^{۲۱}، زمان بیابان^{۲۲}، زمان غربت^{۲۳}، زمان های آخر^{۲۴}، کمال زمان ها^{۲۵}، زمان های ازلی^{۲۶}. معمولاً واژه یونانی kairos (که نکته دقیق است برای رسیدن به مقصود و به معنای یا «نقطه بحرانی» یا «زمان مناسب» می باشد) برای منظور فوق استفاده می شود. طبق طرح خدا هر زمان خودش^{۲۷} را که زمانی معین است دارا می باشد^{۲۸}. ظهور عیسی مسیح یک دوره جدیدی را که در آن ملکوت خدا نزدیک شده است^{۲۹}، دوره ای که جریان زمان را در حال حاضر تغییر می دهد^{۳۰} مشخص کرد. از این به بعد «زمان مناسب»^{۳۱} است برای سهم بودن^{۳۲} و غفلت نکردن^{۳۳}. در بین زمان های توصیفی «آغاز» (یونانی arkhe) و پایان (یونانی: telos با hēmera به معنای «روز موعود») زمان ها آنها توصیفی در حد اعلای می باشند. بایستی در این زمانه مبارزه که در آن برای جلوگیری از ضعیف^{۳۵} شدن باید خود را دلگرم نگه داشت

بتوان * «نشانه های زمان» را تشخیص^{۳۴} داد. فرا رسیدن زمان اجل^{۳۶} و آخر زمان ها مجهول^{۳۷} است اما برای مسیحیان این زمان زمان بازگشت مسیح^{۳۸} می باشد و این امر آنها را به مراعات *هشیاری و *دعا متعهد می سازد^{۳۹}. این زمان ها متحد شدن سلسله توده های نسل های انسانی را تحت عمل خدای آفریننده^{۴۰} امکان پذیر می سازند. با ظهور مسیح «زمان های آخر به ما رسیده است»^{۴۱} به حدی که «امروز» (یونانی: sèmeron) زمان توصیفی با فعال کردن آنچه که برای عیسی به عنوان «ساعت» منظور شده بود (یونانی: hōra) در حد اعلا قرار می گیرد^{۴۲}.

۱۸ع ۱: ۷؛ ۱-تسا ۵: ۱- ۱۹لو ۱: ۵۷- ۲۰ع ۱۷: ۳۰- ۲۱و ۱۷: ۲۲ع ۷: ۲۳؛ ۱۳: ۱۸- ۲۳۱- پط ۱: ۱۷- ۲۴ا. پط ۱: ۲۰؛ یهودا ۱۸- ۲۵ع ۳: ۲۱؛ غلا ۴: ۴- ۲۶روم ۱۶: ۲۵؛ ۲- تیمو ۱: ۹؛ تیط ۱: ۲- ۲۷مت ۸: ۲۹؛ ۲۶: ۱۸؛ یو ۷: ۶- ۸- ۲۸لو ۴: ۱۳- ۲۹مر ۱: ۱۵- ۳۰روم ۳: ۲۶؛ ۵: ۶- ۳۱- قرن ۲: ۲- ۳۲غلا ۶: ۱۰؛ افس ۵: ۱۶؛ کول ۴: ۵- ۳۳لو ۱۹: ۴۴- ۳۴مت ۱۶: ۳؛ لو ۱۲: ۵۶، لو ۸: ۱۳- ۳۵روم ۸: ۱۸؛ عبر ۳: ۱۲- ۱۳- ۳۶ع ۳: ۲۰- ۳۷مر ۱۳: ۳۳؛ ۱ع ۱: ۷؛ ۱-تسا ۵: ۱؛ ۱- پط ۱: ۵- ۳۸- قرن ۴: ۵؛ ۱- تیمو ۶: ۱۴؛ ۱- پط ۴: ۱۷- ۱۸؛ مکا ۱۱: ۱۸- ۳۹لو ۲۱: ۳۶؛ افس ۶: ۱۸- ۴۰مت ۱۹: ۴؛ ۲۴: ۱۴؛ ۲۸: ۲۰؛ یو ۱: ۱- ۱- قرن ۱۵: ۲۴؛ عبر ۱۰: ۱۰؛ مکا ۲۱: ۶- ۴۱- قرن ۱۰: ۱۱- ۴۲عبر ۷: ۳- ۱۱: ۴.

◀ مقدمه. فصل دوازدهم ۲۰- به انجام رساندن - سال - تقویم - عصر - ابدی - اعیاد - آخر جهان - ساعت - روز، شبانه روز - روز خداوند - صبح - ظهر - نیمه شب - ماه - دنیا - شب - هفته - قرن - شب - پاس.

زمستان

فصل بارندگی ها تقریباً از ۱۵ اکتبر تا ۱۵ مه^۱. واژه یونانی آن kheimôn هم چنین به معنای هوای بد و توفان^۲ است. در کتاب عهد جدید درباره بندر پناهگاه زمستانی (بندر حسنه) صحبت می شود^۳.

۱مت ۲۴: ۲۰ (=مر ۱۳: ۱۸)؛ یو ۱۰: ۲۲- ۲- تیمو ۴: ۲۱- ۲مت ۱۶: ۳؛ ۱ع ۲۷: ۱۸. ۲۰□- ۳ع ۲۷: ۱۲؛ ۲۸: ۱۱؛ ۱- قرن ۱۶: ۶؛ تیط ۳: ۱۲.

◀ مقدمه. فصل دوم - سال - تابستان.

زمین

یونانی: gē به معنای «خاک، زمین، پسر زمین»، و epigeios به معنای «زمینی».

(۱) آسمان^۱ مال خداست و زمین^۲ نیز که او آن را به انسان ها داده است. مجموعه زمین / آسمان که یک جفت را تشکیل می دهند. می تواند به عنوان یک اصطلاح دو نامی برای یک کل به کار^۳ برده شود مانند وصف فرمانروایی خدا بر کل عالم^۴. این اصطلاح ممکن است نیز به صورت صیغه مخالف به کار^۵ برده شود مانند اینکه یک جفت زمینی / آسمانی اصل، سلوک و سرنوشت انسان ها^۶ را توصیف می کند. زمین که آفریده خداست خوب می باشد اما تا زمانی که در آن تغییری به وجود نیاید در رنج خواهد بود^۷.

۱مز ۱۱۵: ۱۶؛ مت ۵: ۳۵؛ ۱۱: ۲۵- ۲مز ۲۴: ۱؛ ۱- قرن ۱۰: ۲۶- ۳مز ۱۳: ۲۷؛ لو ۲۱: ۳۵- ۴مت ۵: ۱۸؛ ۲۸: ۱۸- ۵مت ۱۹: ۱۶- ۶یو ۳: ۱۲؛ ۱- قرن ۱۵: ۴۷- ۴۹: ۲- قرن ۵: ۱- ۲: ۱۹؛ ۳: ۱۹- ۱۵ع ۳: ۱۵- ۷روم ۸: ۱۹- ۲۲.

(۲) سرزمین یهودا یا سرزمین اسرائیل بدون تردید قسمتی از زمینی هستند که به ابراهیم وعده^۸ داده شده بود. اما بالاتر از آن این *وعده نیز مربوط می شود به زمین جدید^۹، زمین حقیقی *آرامش نهایی^{۱۰} که از این امر به کارگیری نمادین ارزش های زمینی برای گفتگو درباره آسمان^{۱۱} پدید می آید. عیسی حلیمان را خوشبخت می داند زیرا آنها وارث زمین خواهند شد^{۱۲}.

۸مت ۲: ۶- ۲۰: ۲۷؛ ۴۵: ۷ع ۳- ۴: ۲۹؛ عبر ۱۱: ۹- ۲۹- پط ۳: ۱۳؛ مکا ۲۱: ۱- ۱۰عبر ۳: ۴- ۷: ۱۱- ۱۱مز ۶۳: ۲؛ اش ۲۸: ۲۳- ۲۴؛ هو ۱۰: ۱۲- ۱۳: ۱۳؛ مت ۶: ۲۶- ۲۸: ۲۲؛ ۲- یو ۱۰: ۲- ۱۱- ۱۲مت ۵: ۴.

◀ مقدمه. فصل پنجم. ۱- آسمان - دنیا - کار - جهان.

زن

یونانی: gynè به معنای «زن، همسر»

(۱) دربارهٔ وضعیت زن در اسرائیل مراجعه شود به:

= مقدمه: فصل ششم. ۱. الف - ۲؛ فصل هشتم. ۲. الف؛ فصل هشتم. ۲. ب. ۳-۵؛ فصل سیزدهم. ۲. ب. ۱.

(۲) عیسی با آزادی رفتار خود با زنان، از عصر خود فاصله می‌گیرد. او از ملاقات با زنان در انظار عموم واهمه‌ای ندارد^۱. او زنان را شفا می‌بخشد^۲ او می‌گذارد آنها به دنبالش بیایند^۳. او به مریم مجدلیه مأموریتی را واگذار می‌کند^۴. او حتی از آنها به عنوان مثال یاد می‌کند^۵ یا ایمان آنها را تحسین می‌نماید^۶. اما به این امر نیز واقف است که آنها در معرض *زنا قرار دارند^۷. *رساله‌های شبانی بعضی از تمایلات بد آنها^۸ را یادآوری می‌کنند درحالی‌که پولس رسول در تماس با مشرکین روابط بین همجنس‌گرایان را ننگ آور می‌شمرد^۹.

^۱مت ۲۶:۷ (=مر ۱۴:۳)؛ لو ۳۷:۵۰-۳۸:۱۰؛ یو ۳۹:۲۷؛ ۸:۱۱-۱۱؛ مت ۱۴:۸ (=مر ۳۰:۳۱ = لو ۳۸:۳۹)؛ ۲۰:۹
(=مر ۲۵:۵ = لو ۳۴:۸)؛ ۲۲:۱۵ (=مر ۲۵:۷)؛ لو ۲:۸-۱۱؛ ۱۱:۱۳-۱۱؛ ۳:۳-۳۵:۵۵ = یو ۲۰:۱۷ = مت ۱۳:۳۳؛ ۱۳:۲۵-۱۳:۱۳؛
لو ۸:۱۵ = مت ۱۵:۲۸؛ ر.ک لو ۲۸:۱۲ = مر ۱۰:۱۲ = تیمو ۷:۱۵-۱۱:۵؛ تیط ۳:۲؛ ۱-بطر ۳:۱-۶ = روم ۹:۲۶.

(۳) جماعت اولیه مسیحی نقشی را که زنان در صحنه‌های تصلیب^{۱۰}، تدفین^{۱۱}، در مقابل قبر خالی، ظهور عیسی در مقابل زنان مقدس^{۱۲} و سپس به خصوص در بین مردم یونان و در زندگی جماعت^{۱۳} (به ویژه نقش *بیوه‌ها^{۱۴} و شماسه‌ها^{۱۵}) دارند، برجسته نشان داده است.

هرچند که نسبت به زن هیچ توهین و تحقیری روا داشته نمی‌شود، این امر که زن از وابستگی نسبت به پدر^{۱۶} یا شوهر^{۱۷} رهایی نیافته و در تعلیمات رسمی کلیسا مقام دوم را دارد^{۱۸}، امری است که زمینه اجتماعی زنان را در آن عصر نشان می‌دهد. از سوی دیگر در موقعیت جدیدی که عیسی مقرر ساخت اختلاف جنسیت برداشته شده^{۱۹} و زن برابر مرد شده^{۲۰} است. و به علاوه مانند آنچه در پیدایش نخستین بوده و طبق سنت دائمی کتاب عهد قدیم^{۲۱}، ارزش او دیگر به باروری جسمانی بستگی ندارد و زن برحسب دعوت عیسی می‌تواند *بکارت خود را حفظ کند. در هر حال زن باید در یک جماعت زناشوئی یا کلیسایی همواره نقش خود را ایفاء نماید.

^{۱۰}مت ۲۷:۵۵ (=لو ۴۰:۲۳ = یو ۴۹:۲۵) = ۱۱:۲۷ = ۶۱ (=مر ۱۵:۴۷ = لو ۲۳:۵۵) = ^{۱۲}مت ۲۸:۱-۸
(مر ۱۶:۸-۸ = لو ۲۴:۱-۱۰)؛ یو ۲۰:۱۱-۱۸ = ^{۱۳}اع ۱:۱۴، ۵:۴، ۹:۳۶، ۴۱، ۱۲:۱۲، ۱۶:۱۴-۱۵، ۱۸:۲۶ = تیمو ۳:۳؛
۱۱:۵، ۲:۱-۲؛ تیط ۳:۳-۱-بطر ۳:۳ = ^{۱۴}تیمو ۵:۹-۳ = ^{۱۵}روم ۱۶:۱ = ^{۱۶}قرن ۷:۳۶-۳۸ = ^{۱۷}قرن ۱۱:۳، ۷:۷
افس ۵:۲۲-۲۳؛ کول ۳:۸؛ تیط ۵:۵ = ^{۱۸}بطر ۳:۱ = ^{۱۸}قرن ۱۴:۳۵-۳۶ = تیمو ۲:۱۱-۱۲ = ^{۱۹}غلا ۳:۲۸ = ^{۲۲}۱-
قرن ۷:۲-۵ = ^{۲۱}تیمو ۲:۱۵؛ ر.ک پید ۳:۲۰ = ^{۲۲}۱-قرن ۷:۸، ۲۵:۴۰.

(۴) کتاب مکاشفه در پیوستگی با کتاب عهد قدیم از زنانی مانند *ایزابیل، فاحشه بزرگ و تصویر *بت پرستی هراس^{۲۳} دارد. اما یقیناً این سنت است که زن را به عنوان *هیئت کلیسا به اعلی درجه ستایش می‌کند^{۲۴} و یک تفسیر بسیار رایج/معمول او را با *مریم، یک زن ایماندار^{۲۵} یکسان می‌داند.

^{۲۳}۱-پاد ۱۱:۸-۱؛ بنسی ۴۷:۱۹؛ مکا ۲:۲۰-۱۷ = ^{۲۴}مکا ۱۲، ۱۹-۷، ۸، ۲۱، ۹ = ^{۲۵}ر.ک لو ۱:۴۵.

◀ مقدمه. فصل هشتم. ۲-ب - انسان - مادر - نازائی - بیوه - باکره.

زنا

یونانی: moikheia (از نظر ریشه لغوی: نامطمئن)

۱) شریعت، رابطه جنسی میان یک مرد (ازدواج کرده یا نکرده) و یک زن ازدواج کرده، یعنی زنا را ممنوع می ساخت زیرا که چنین رابطه ای برای حق مالکیتی که شوهر نسبت به زن^۱ خویش دارد، هتک حرمت محسوب می شد. هر دو مجرم معمولاً از طریق *سنگسار شدن توسط جمعیت به کیفر می رسیدند، جرمی^۲ که تماماً به جمعیت مربوط می شد. عیسی، محکومیتی را که سابقاً تنها^۳ برای زن قائل بودند، شامل مردان نیز می گرداند و حتی تا آنجا پیش می رود که خود *تمایل را زنا می داند^۴ و محکوم می کند. زنا یکی از *گناهانی است که مانع ورود به ملکوت^۵ خدا می گردد، معهذا خداوند قادر است که آن را ببخشد^۶.

^۱ خروج ۲۰: ۱۴ و ۱۷؛ مت ۱۹: ۱۸ (= مر ۱۰: ۱۹ = لو ۱۸: ۲۰)؛ لو ۱۸: ۱۱، روم ۲: ۲۲، ۷: ۳، ۱۳: ۹؛ یح ۲: ۱۱ — لاو ۲۰: ۱۰؛ تث ۲۲: ۲۲-۲۴؛ یوح ۸: ۳-۵ — مت ۵: ۳۲، ۱۹: ۹؛ مرقس ۱۰: ۱۱، ۱۲؛ لو ۱۶: ۱۸ — مت ۴: ۵ و ۲۷ و ۲۸؛ ر. ک. امث ۶: ۲۰-۳۵ — مت ۱۹: ۱۵ (= مر ۷: ۲۲)؛ ۱- قرن ۶: ۹، ۱۰؛ عبر ۱۳: ۴-۲؛ پتر ۲: ۱۴ — یوح ۸: ۳-۱۱؛ ر. ک. مت ۲۱: ۳۱، ۳۲٪

۲) عهد جدید، همانند انبیا^۷ این واژه را در مفهوم مجازی «قوم بی ایمان و خائن» نسبت به خدای^۸ خود به کار می برد.

^۷ حزق ۱۶: ۱۵-۳۴؛ هو ۲-۳ — مت ۱۲: ۳۹، ۱۶: ۴ (= مر ۸: ۳۸)؛ یح ۴: ۴؛ مکا ۲: ۲۲ □
◀ مقدمه فصل هشتم ۲ ب ۴ - هرزگی - طلاق - داماد - ازدواج - فحشا - رذائل.

زنداد

یونانی: desmôtèrion (از deô به معنی «بستن» و desmôtès به معنای «زندانی»)، phylakè (از phylassô به معنای «حفاظت کردن»). مفهوم این واژه قبل از هر چیز یعنی مجازات پیشگیرانه در انتظار رأی دادگاه^۱ و هم چنین مجازات تحمیلی مثلاً برای *قروض غیر قابل پرداخت^۲. دست و پا و گردن زندانیان محکم به سربازان یا دیوار بسته می شد^۳. این واژه در مفهوم *استعاری به محلی اطلاق می شود که شیطان در آن محبوس^۴ است که در همان جا هم اشخاصی که هنوز نجات نیافته اند^۵ یا اسیر گناه می باشند^۶ نگهداری می شوند.

^۱ مت ۱۴: ۳ (= مر ۶: ۱۷)؛ لو ۲۰: ۴؛ اع ۵: ۱۸، ۱۲؛ ۴-۵: ۱۶، ۲۳؛ ۲۱: ۳۳، ۲۸: ۳۱؛ ۲- قرن ۶: ۵، ۱۱: ۲۳؛ افس ۳: ۱؛ فی ۱: ۷؛ عبر ۱۱: ۳۶ — مت ۵: ۲۵، ۱۸: ۳۰ — ار ۲۹: ۲۶؛ مت ۲۷: ۲ (= مر ۱۵: ۱)؛ یوح ۱۲: ۱۲؛ اع ۱۲: ۶، ۱۶: ۲۴؛ ۲۶: ۲۹، ۳۱؛ ۲- تیمو ۲: ۹ — مکا ۲: ۲۰، ۷: ر. ک. یهودا ۶ — لو ۴: ۱۸؛ ۱- پتر ۳: ۱۹ — روم ۷: ۶-۲۳.
◀ مقدمه. فصل چهاردهم. ۱. ب. اسیر.

زندگی

یونانی: zôê مطابق با zèn به معنای «زندگی کردن».

۱) زندگی اندیشه نیرویی را در بردارد که به ویژه از طریق دم (= *روح) و *خون^۱ جلوه گر است. هر آنچه که حرکت می کند «زنده» نامیده می شود مثلاً آب چشمه «آبی زنده»^۲ است. واژه اولیه کتاب مقدس این است که خدا پدر «زنده در حد اعلا» و تنها زنده ای است از سر منشاء و در حالی که تمامی حیات آفریده شده، هر چند که در نظر خدا ارزشمند می باشد شکننده و فناپذیر است^۳.

^۱ لاو ۱۷: ۱۴ — یوح ۱۰: ۱۱-۷: ۳۸ — یوشع ۳: ۱۰؛ ۱- پاد ۱۷: ۱؛ ایوب ۷: ۷؛ مز ۳۶: ۱۰؛ ۴۲: ۳؛ اش ۴۰: ۷-۸؛ مت ۶: ۲۵-۳۴؛ ۱۶: ۱۶؛ ۲۶: ۶۳؛ یوح ۶: ۵۷؛ اع ۱۴: ۱۵؛ ۱- تس ۱: ۹؛ عبر ۱۰: ۳۱؛ مکا ۴: ۹-۱۰.

۲) در کتاب عهد جدید به غیر از نوشته های پولس و یوحنا «زندگی» در امتداد اندیشه کتاب مقدس نمایش داده می شود. زندگی زمینی ثروتی در حد اعلا بوده «جان» یا هستی (یونانی: psikhè)^۴ را تشکیل می دهد. ادامه آن توسط مالی که در اختیار انسان است تضمین نمی شود^۵ بلکه عطیه ای است که از سوی «زنده ازلی»^۶ به دست می رسد. دور بودن از خدا به مثابه مرده بودن^۷ است و زنده بودن مفهوم تغذیه کردن از کلام^۸ او متکی بودن به او به

خاطر «جان»^۹ خود است، عیسی نیز که به آن ترتیب روی زمین زیست در حد اعلا «زنده ازل»^{۱۰} شد. «زندگی ازل» زندگی بسیار کوتاهی است.^{۱۱}

مت^۴: ۱۰: ۳۹ (= لو: ۱۷: ۳۳) ۱۶: ۲۵-۲۶ (= مر: ۸: ۳۵-۳۷) لو: ۹: ۲۴) — ۱۵: ۱۲: ۱۵ — ۱۷: ۲۵ — ۱۵: ۲۴-۳۲ — ۴: ۴ (= لو: ۴: ۴) — ۶: ۲۵ (= لو: ۱۲: ۲۲-۲۳) — ۱۰: ۲۴: ۵: مکا: ۱: ۱۸: ر. ک. اع. ۱: ۳: ۳: ۱۵: ۱۹: ۲۵: عبر: ۷: ۲۵: ر. ک. ت. ۳۰: ۱۹ — ۱۱: ۱۸: ۸-۹ (= مر: ۹: ۴۳-۴۵).

۳) پولس زندگی را نسبت به تحولاتی که زندگی عیسی پس از مرگش و به هنگام رستاخیز^{۱۲} به خود دید مورد تفسیر دوباره قرار داده است. زندگی کردن به طور قطع خود شخص مسیح است^{۱۳} و به معنای رها کردن خود از راه ایمان در اختیار «زنده ازل»^{۱۴} و زندگی را نه از برای خود خواستن بلکه برای همیشه به خدا تعلق داشتن^{۱۵}، با این حال این زندگی جدید که در این زمین خاکی شروع شده است تحقق نمی یابد مگر با از بین رفتن دشمن نهایی یعنی مرگ^{۱۶}.

۱۲ روم: ۱۴: ۹: ۲- قرن: ۱۳: ۴ — ۱۳: ۲: ۲۰ — ۱۴ روم: ۷-۸: ۲- قرن: ۵: ۱۵ — ۱۵ فی: ۱: ۲۱ — ۱۶- قرن: ۱۵: ۲۲-۲۶: غلا: ۵: ۲۵: کول: ۳: ۳-۴.

۴) یوحنا معنای زندگی را در «کلام ازل» که قوه آفریننده الهی^{۱۷} است می جوید. عیسی نه تنها زندگی حقیقی^{۱۸} را به همراه می آورد بلکه او خود زندگی^{۱۹} است زندگی ای که نور خالص^{۲۰} هم هست. این زندگی پاک را او به خاطر محبت نسبت به پدر و نسبت به آدمیان تسلیم می کند^{۲۱} ولی این کار برای به دست آوردن دوباره آن^{۲۲} و انتقال آن به حد وفور به آدمیان بوده^{۲۳} است برای این که انسان بتواند آن را به دست بیاورد باید ایمان داشته^{۲۴} و نیز برادران خود را به خاطر مخاطره در مرگ ساکن شدن^{۲۵} دوست بدارد.

۱۷ یو: ۱: ۴: ۱- یو: ۱: ۱- ۲- ۱۸ یو: ۶: ۵۸: ۱۰: ۲۸ — ۱۹ یو: ۶: ۳۵-۵۷: ۱۱: ۲۶-۲۵ — ۲۰ یو: ۸: ۱۲ — ۲۱ یو: ۱۰: ۱۵-۱۶: ۱۵: ۱۳: ۱- یو: ۳: ۱۸ — ۲۱ یو: ۱۰: ۱۷-۱۸ — ۲۳ یو: ۴: ۱۴: ۵: ۲۶: ۶: ۳۵: ۴۷: ۵۱: ۵۷: ۱۰: ۱۰: ۱- یو: ۵: ۱۲ — ۲۴ یو: ۳: ۱۵-۱۶: ۶: ۴۰-۴۷ — ۲۵ یو: ۳: ۱۴-۱۵.

◀ جان - ابدی - مرگ.

زوفّا

یونانی: hyssôpos (از عبری ezôb).

بوته معطری است که دارای گل های آبی یا قرمز بوده و در درزهای دیوارها می روید و ارتفاع آن ممکن است به یک متر برسد. این بوته شبیه درخت کبر است. ساقه های آن که نسبتاً شکننده هستند به عنوان چوب پر برای پفه زدن های *مراسم دینی به کار می رفته اند.^۱

۱ خروج: ۱۲: ۲۲: لاو: ۱۴: ۴: ۱- پاد: ۴: ۳۳: مز: ۵۱: ۹: و ۱۹: ۲۹: عبر: ۹: ۱۹: □.

زیارت

۱) جابه جایی وفاداران به دین، به سوی مکانی که توسط یک تجلی الهی یا یک مرد خدا متبرک شده است به منظور ملاقات با خداوند عیسی را زیارت گویند. در کتاب مقدس، واژه بخصوصی برای این امر وجود ندارد و اصطلاح «بر آمدن» برای این مفهوم مورد استفاده قرار گرفته است.

۲) از زمانی که *آئین مذهبی متمرکز شده در *معبد جایگزین کلیه اماکن مقدس گردید، شریعت^۱ برای محفوظ نگه داشتن مردم از آلودگی های مربوط به بت پرستی محیط، به کلیه اشخاص بالغ یهود یا نوگرایان بدین یهود تکلیف کرد که سالی سه بار در عید گذر^۲، در روز پنجاهه^۳ و در عید خیمه ها^۴ برای زیارت اورشلیم «به بالا بروند یا برآیند» زائران همراه با کاروان ها: (syn-odia به معنای «همسفر بودن»^۵) و غالباً با پای پیاده می آمدند. تعداد آنها به انضمام نیمه-نوگرایان^۶ و بیگانگان، بدون احتساب جمعیت خود اورشلیم به حدود ۱۲۵۰۰۰ نفر می رسید. زائران

در شهر، یا در حول و حوش آن در خیمه‌ها مستقر می‌شدند. این تجمع عظیم با اجرای «مزامیر مخصوص «برآمدن»^۷ نمونه‌ای از روز «نجات جهانی» بود. زمینه ورود عیسی به اورشلیم به احتمال قوی به هنگام زیارت عید گذر بوده است.^۸

^۱ خروج ۲۳: ۲۷ - لو ۲: ۴۱-۴۲؛ یو ۲: ۱۳ - اع ۲: ۵؛ ۲۰: ۱۶؛ ۲۴: ۱۱ - یو ۷: ۸ - لو ۲: ۴۴ - یو ۱۲: ۲۰ - مز ۱۲۰-۱۳۴ - مت ۲۱: ۹-۱ (= مر ۱۱: ۱-۱۰ = لو ۱۹: ۲۸-۳۸): یو ۱۲: ۱۲.

^۳ به کار بردن «استعاره زیارت در مورد اعتلای انسان به ماوراء یا به طرف خدا در عهد باستان بسیار معمول بوده است. قضیه ترک وطن توسط ابراهیم و آباء در این مورد برای اسرائیل تکیه‌گاه واقعی بوده است.^۹ مفهوم حالت یک زائر یا یک مسافر گذرکننده از اصطلاح یونانی: par-epi-dèmos حاصل می‌شود که معنای تحت اللفظی آن «بیگانه غیرمقیم» است. مسیحیان به همین نام خوانده می‌شوند.^{۱۰} تحت رهبری مسیح که رئیس و جلودار آنها^{۱۱} است، آنها در طلب «وطن حقیقی»^{۱۲} بوده به سوی «اورشلیم آسمانی»^{۱۳} رهسپار می‌باشند. زندگی آنها متوجه پیوستن به سرور ما مسیح است^{۱۴} و این بدان معنا نیست که از ارزش آنها کم می‌شود، بلکه جهت اصلی آنها را در زیارت‌های مذهبی مشخص می‌کند.

^۹ پید ۲۳: ۴؛ (لاو ۲۵: ۲۳): ۱-توا ۲۹: ۱۵؛ عبر ۱۱: ۱۳ - ۱۰-پطر ۱: ۱؛ ۲: ۱۱ - عبر ۱۰: ۲؛ ۱۰ (archègos): ۶: ۲۰ (prodromos) - ۱۲: ۱۱؛ ۱۶: ۱۳؛ ۱۴ - عبر ۱۲: ۲۲-۲۴ - ۲۱-قرن ۵: ۶؛ فی ۳: ۱۲-۱۴.

◀ مقدمه. فصل چهارم ۶. الف؛ فصل هشتم ۳. ب- در غربت - غریبه - اعیاد - مهمان نوازی - راه.

زیتون

یونانی: elaiia. این درخت همراه با درخت انجیر و مو، سه درخت مشخص در فلسطین می‌باشند^۱. درخت زیتون که همیشه سرسبز است نمادگر شخص عادل^۲ و نیز حکمت که راه عدالت را ظاهر می‌سازد^۳، می‌باشد.

^۱ روم ۱۱: ۱۷؛ ۲۴: ۳؛ یع ۳: ۱۲ - مز ۵۲: ۱۰؛ مکا ۱۱: ۴ - ۳ بنسی ۲۴: ۱۹-۲۳ □.

◀ مقدمه. فصل دوم ۵؛ فصل هفتم ۱. الف - پیوند زدن - روغن.

زیتون (کوه)

یونانی: to oros tôn Elaiôn یا هم چنین oros kaloumenon Elaiôn به معنای کوهی است معروف به کوه زیتون^۱ (= Eléona). قلّه این کوه در سه کیلومتری شرق اورشلیم و به فاصله دست کم یک کیلومتر از دیوار شهر و آن طرف درّه «قدرون واقع است. از بالای آن منظره با شکوه شهر و صحن معبد دیده می‌شود. در نزدیکی قدرون «جتسیمانی قرار دارد. بر قلّه جنوبی آن «بیت فاجی (ارتفاع ۸۱۲ متر) و در شرق، بر دامنه مقابل آن، «بیت عنیا واقع اند. راهی که رومیان بین اریحا و اورشلیم ساخته بودند از کنار این کوه می‌گذشت. در زمان عیسی این کوه را جنگلی انبوه از درختان زیتون بسیار مناسب برای عزلت و گوشه گیری پوشانده بود^۲.

^۱ مت ۲۱: ۱ (= مر ۱۱: ۱)؛ ۲۴: ۳ (= مر ۱۳: ۳)؛ ۲۶: ۳۰ (= مر ۱۴: ۲۶ = ۳۹: ۲۲)؛ یو ۸: ۱ - لو ۱۹: ۲۹؛ ۲۱: ۳۷؛ اع ۱۲: ۱۲ □.

◀ نقشه شماره ۱.

زیره

یونانی: kyminon؛ لاتین: nigella sativa. دانه معطر سیاهی است که همراه با فلفل روی نان ریخته^۱ می‌شد «فریسیان یک دهم^۲ آن را می‌پرداختند هرچند که «شریعت آن را مقرر نکرده بود.

^۱ اش ۲۸: ۲۵، ۲۷ - مت ۲۳: ۲۳ □

س

[ساختار]

از لاتین *structura* به معنای «سازماندهی، تنظیم، ساختمان» مجموعه گسترده‌ای از واحدهای کوچک ادبی است. این واژه خصوصیات طرح، معماری و جهت‌گیری یک مجموعه را بیان می‌کند: قسمت‌های جمع شده به طور سنجیده‌ای متناسب با تغییرات یک امر کل سازماندهی شده‌اند به طرزى که جابه‌جائی یکی از آنها جابه‌جائی دیگرها را به دنبال خواهد داشت. ترجمان این واژه به یونانی می‌تواند *skhèma* (۱-قرن ۷: ۳۱) باشد.

◀ آفرینش - نقد ادبی - نماد / نمونه - شکل.

ساختن / بنا کردن

یونانی: *oikodomeô* (از *oikos* به معنای «خانه» و *demô* «ساختن») که غالباً به واژه متضادش *katalyô* به معنای «خراب کردن، ویران کردن»^۱ وابسته است. انجام همین فعل عبری *bânâ* به معنای «بنا کردن» خانه یا خانواده، مبنای کاربرد استعاری این واژه را تشکیل می‌دهد.^۲ خدا بنا کننده در حد کمال^۳ است. مسیح معمار کلیسای خود^۴ و تن خود^۵، شهر مقدس می‌باشد^۶. رسول و هم‌چنین هر فرد مسیحی، با بنا کننده یکتای عمارت خدا^۷ که خود او نیز جزء آن^۸ می‌باشد همکاری می‌کند. انسان خودش را نمی‌سازد^۹ بلکه فقط اجتماع^{۱۰} را بنا می‌کند و آن هم نه از راه شناخت بلکه از راه محبت^{۱۱}.

^۱ ۱۰:۱۰؛ ۶:۲۴؛ ۲۸:۳۱؛ مت ۲۶:۶۱ (=مر ۱۴:۵۸)؛ ۴۰:۲۷ (=مر ۱۵:۱۹)؛ یو ۲۰:۲۰-۲۲-سمو ۷:۵، ۱۱-اع ۳:۲۰؛ ۳۲:۱۰؛ ۱۰:۱۱-عبر ۱۸:۱۶-مت ۲۰:۲-۲۲-۱۱:۴-۱۶-مکا ۲۱-۱۷-قرن ۵:۳-۱۷-۲-قرن ۱۰:۸؛ ۱۹:۱۲؛ ۱۰:۱۳-۱۰:۸-کول ۷:۲-۱۹-قرن ۱۴:۴-۵-۱۰-روم ۱۹:۱۴؛ ۲:۱۵-۱-قرن ۱۴:۱۲، ۱۷، ۲۶؛ افس ۲۹:۴-۱-تسا ۵:۱۱-۱۱-قرن ۸:۱؛ ۲۳:۱۰.

سارا

یونانی: *Sarra*، عبری: *Sârâ* به معنای «شاهزاده». نام زن ابراهیم^۱ و مادر اسحاق که برحسب وضعیت خود برخلاف کنیزی*هاجر، آزاد و مادر شدن وی با وعده الهی^۲ در پیوند بود. این شرایط*چهره اورشلیم آسمانی را می‌نمایاند که انسان‌هایی را که برحسب شریعت آزاد هستند و از روح القدس جان می‌گیرند به دنیا می‌آورد^۳.

^۱ پید ۱۱:۲۹-۱-پطر ۳:۶-۲-پید ۱۸:۱۰؛ روم ۴:۱۹؛ ۹:۹-عبر ۱۱:۱۱-۳-غلا ۳:۲۲-۳۱-□

ساردس

یونانی: *Sardis*. پایتخت قدیمی لیدیه که کروزوس در قرن ششم قبل از میلاد پادشاه آن بود. این شهر که در اثر زلزله‌ای در سال ۱۷۰ م، ویران گردید توسط طبریوس بازسازی شد. شهر ساردس به خاطر صنعت پشم بافی معروف بوده است.^۱

^۱ مکا ۱:۱۱؛ ۳:۱، ۴-□

◀ نقشه‌های شماره ۲ و ۳.

ساعت

یونانی: *hōra*

(۱) تقسیم بندی شبانه روزی. شبانه روز، از طلوع تا غروب آفتاب^۱ به ۱۲ ساعت تقسیم می شود و طول آن بر حسب فصول به اندازه یازده دقیقه کم و یا زیاد می شد. ساعت نخستین اول *سحر با ساعت شش^۲ مطابقت داشت سپس ساعت سوم (ساعت ۹)^۳، ساعت ششم (یعنی ظهر)^۴، ساعت نهم (ساعت ۱۵)^۵ و بالاخره *شب^۶ فرا می رسید. کتاب عهد جدید به ساعت هفتم (ساعت ۱۳)^۷ ساعت دهم (ساعت ۱۶)^۸ و ساعت یازدهم (ساعت ۱۷)^۹ نیز اشاره می کند.

^۱ یو ۱:۹ — مت ۲:۱۰؛ لو ۲:۴؛ یو ۲:۸ — مت ۳:۲۰؛ مر ۳:۳۰؛ ۱۵:۲۵؛ اع ۵:۱۵ — مت ۴:۲۰؛ ۵:۲۰؛ ۴۵:۲۷ (= مر ۱۵:۳۳؛ = لو ۲۳:۴۴)؛ یو ۴:۶؛ ۱۹:۴؛ اع ۹:۱۰ — مت ۵:۲۷؛ ۴۶:۲۷ (= مر ۱۵:۳۴)؛ اع ۱:۳؛ ۳۰:۱۰ — مت ۶:۸؛ ۱۶:۸ (= مر ۱:۳۲) — یو ۷:۴۵ — یو ۸:۳۹ — مت ۹:۲۰.

(۲) مقطع زمانی^{۱۰}.

^{۱۰} یو ۵:۳۵؛ ۲-قرن ۷:۸؛ غلا ۵:۲؛ ۱-تسا ۲:۱۷؛ فیل ۱۵؛ مکا ۱۷:۱۲؛ ۱۸:۱۰؛ ۱۷:۱۹.

(۳) زمانی که توسط یک چیز^{۱۲} یا وقوع یک حادثه^{۱۱} تعیین می شود، به ویژه ساعت *زمان آخر (که جز پدر کسی چیزی از آن نمی داند)، ساعت مداخله نهائی خداوند^{۱۳} و ساعت مسیحائی (که لحظه تعیین شده توسط پدر را برای جلال دادن پسر خود از روی اعمالش و نیز بر روی صلیب مشخص می کند)^{۱۴}.

^{۱۱} مت ۸:۱۳؛ ۹:۲۲؛ یو ۴:۲۱ — ۲۳ — لو ۱:۱۰؛ ۱۴:۱۷؛ یو ۱۶:۲۱؛ مکا ۳:۱۰؛ ۱۴:۱۵ — مت ۱۳:۲۴؛ ۳۶:۴۴؛ ۵۰ (= لو ۱۲:۳۹؛ ۴۶)؛ ۱۳:۲۵؛ یو ۵:۲۵؛ ۲۸:۱ — یو ۲:۱۸؛ مکا ۳:۳؛ ۱۴:۱۰؛ ۱۵:۷ — مت ۱۴:۲۶؛ ۴۵:۱۴؛ ۳۵:۴۱؛ ۴:۲؛ ۷:۳۰؛ ۸:۲۰؛ ۱۲:۲۳؛ ۲۷:۱۳؛ ۱۷:۱.

◀ روز، شبانه روز - نیمه شب - زمان

ساغر ریزی

ساغرریزی آئین مذهبی تکمیل کننده یک *قربانی را مشخص می کند که عبارت بوده است از ریختن قدری روغن^۱ یا آب^۲ یا شراب^۳ بدور مذبح یا روی آن. پولس در اشاره به خون ریخته شده (یونانی: *ekkhyndō*)^۴، واژه یونانی *spendomai* از معنایی مجازی استفاده می کند^۵.

^۱ پید ۳۵:۱۴ — ۲۲-سمو ۲۳:۱۶ — نث ۳۲:۳۸؛ بنسی ۵۰:۱۵ — خروج ۲۹:۱۲؛ لاو ۸:۱۵؛ مت ۲۳:۳۵ (= لو ۱۱:۵۰)؛ ۲۸:۲۶ (= مر ۱۴:۲۴؛ = لو ۲۲:۲۰)؛ اع ۲۰:۲۲؛ عبر ۹:۲۲؛ مکا ۶:۱۶ — مت ۵:۲؛ ۷:۲ — تیمو ۴:۶ □
◀ افشاندن - قربانی - خون.

ساکن شدن

(۱) یونانی: *menō*. این واژه در بسیاری از متون کتاب عهد جدید به خصوص در انجیل یوحنا نه تنها به معنای «ماندگار شدن، ساکن شدن، اقامت کردن، خانه کردن» می آید بلکه به عنوان مسکنی ذکر می شود که *حکمت الهی به دنبال یافتنش در میان آدمیان بوده است^۱؛ مشاهده ساکن شدن خدا نزد قوم خود آرزوی بزرگی بود. *Chekinā* طبق گفته ربیون به معنای خانه و مسکن خدا است. این آرزو در عیسای مسیح تحقق یافت: به معنای «*خیمه زدن»^۲... یوحنا علاقه دارد رابطه جدیدی را که انسان و خدا را دیگر نه به عنوان رابطه دو شخص روبه رو بلکه به صورت تصویر رابطه ای که دو شخص هم منزل را متحد می کند نشان دهد. این امر سؤال «در کجا ساکن هستی؟»^۳ را برمی انگیزد.

^۱ بنسی ۷:۸؛ رک یو ۹:۱۱ — یو ۱۴:۱۰ — یو ۳۹:۱۴؛ ۲۳:۱۵؛ ۷:۱ — یو ۲۷:۱۴؛ ۲۴:۹؛ ۳:۲۴؛ ۱۲:۴؛ ۱۳:۱۵ — ۱۶.

(۲) برای معین کردن «زیستن»، «نگذشتنی» واژه های یونانی زیادی به کار برده می شوند. کسی که زایل نمی شود، از میان نمی رود مسیح، سنگ بنیاد^۴ است و هم چنین سخن وی^۵، ایمان، امید و محبت^۶.

سوال

سالمه

سامره، سامریان

◀ مقدمه فصل. دوم؛ فصل سوم ۲؛ فصل یازدهم. - نقشه شماره ۴. نمودار ص ۴۰۲

سامی نویسی

بعضی از قسمت های کتاب عهد جدید از تأثیر اندیشه های *سامی و سبک *آرامی دلالت دارند. این واژه نباید با عبری گرای اشتباه شود. مثلاً در ترجمه *هفتادتنان متونی وجود دارند که کلمه به کلمه از عبری ترجمه شده اند.

سامی نژاد

سام که یکی از پسران نوح بود سرمنشأ نام قبیله های آسیای شرقی می باشد که زبان های یک خانواده مانند *آکدی، *کنعانی، فنیقی، *عبری، *آرامی، سریانی و سرانجام عربی و حبشه ای صحبت می کنند. این واژه مشخص کننده اصطلاحات یا اندیشه های مربوط به این دنیای فرهنگی می باشد.

سانهدرین

یونانی: synedrion (از hedra به معنای نشیمن گاه و syn به معنای «با هم») که مترادف واژه عبری sanhedrîn است که سابقه آن به حدود ۶۵ ق.م برمی گردد. نهادی که به نظر می رسد بازمانده «مجمع اعظم» (عبری: kenesset gedôlâ) زمان عزرا بوده باشد. سانهدرین احتمالاً به یادبود موسی و ۷۰ کاهن ۷۱ عضو داشت (خروج ۲۴: ۱؛ اعدا ۱۱: ۱۶). کتاب اعمال رسولان ۵: ۲۱ آن را در ردیف سنای یونانیان (gerousia) قرار می دهد.

◀ مقدمه فصل ششم. ۴. الف. در مورد نقش و صلاحیت سانهدرین

سایه / سایه افکندن

(۱) یونانی: skia. این واژه معنای دوگانه ای دارد: در مورد فقدان روشنایی معادل است با *ظلمات مرگ^۱ و در موردی که سایه در ضمن حفظ گرمای خورشید^۲، جلو نور را بگیرد نمادگر حضور خدا و قدرت او به لحاظ حفاظت خواهد بود^۳. از اینجا فعل episkiazô به معنای «کسی را در زیر سایه خود گرفتن» حاصل می شود^۴.

^۱ اش ۹: ۱۰؛ مت ۱۶: ۴؛ لو ۱۶: ۷۹ — ^۲ ایوب ۲: ۷؛ یون ۵: ۴-۶؛ مر ۴: ۳۲؛ ر. ک مکا ۱۵: ۱۶ — ^۳ مز ۱۷: ۸؛ اش ۹۱: ۱؛ اش ۴: ۵-۶؛ اش ۲۵: ۴-۵؛ حزق ۲: ۴۹؛ حزق ۳۱: ۶؛ عبر ۹: ۵ — ^۴ خروج ۳۵: ۴۰؛ اعدا ۱۸: ۲۲؛ حک ۱۹: ۷؛ مت ۱۷: ۵؛ لو ۳۵: ۹؛ اش ۵: ۱۵.

(۲) از دیدگاه دیگر، سایه همانقدر با حقیقت (sôma) در تقابل است که تصویر با شیئی که آن را نمایش می دهد^۵.

^۵ کول ۲: ۱۷؛ عبر ۸: ۵؛ ۱۰: ۱.

◀ مرگ - ابر غلیظ - شب - ظلمات

سبت

(۱) یونانی: sabbaton. از نظر ریشه شناسی کلمه نامعلوم است و chabât عبری به معنای «متوقف شدن، دست کشیدن، بیکار ماندن» (یا chibeeat به معنای «هفتم») را به خاطر می آورد. در نتیجه ترجمه این واژه به صورت «استراحت کردن» یا از راه استقراء به معنای «متوقف شدن برای ستایش (خدا)» در آمده است.

(۲) سبت مخصوص اسرائیل بوده و ریشه آن به دوران قبل از موسی می رسد. عبارت است از فرمان *استراحت در روز هفتم و با دوره مقدس *هفته و *ماه ارتباط دارد. دو انگیزه اصلی: وجهه انسان دوستانه استراحت به ویژه برای بردگان^۱ و تقلید از خدا که پس از انجام کار خلقت^۲ استراحت نمود. رعایت آن به معنای نشان دادن وفاداری است.

^۱ خروج ۲۳: ۱۲؛ تث ۵: ۱۴؛ ر. ک ۵: ۱۵ — ^۲ پید ۲: ۲-۳؛ خروج ۲۰: ۱۱؛ ۳۱: ۱۷.

(۳) قوانین رعایت سبت در طی زمان بیش از پیش دقیق تر و تحمیل کننده ممنوعیت های بی شمار شد از قبیل پختن غذا، افروختن آتش، جمع آوری هیزم^۳، چیدن میوه، کمک رساندن به حیوان یا انسان در خطر، حمل بار، راه رفتن بیش از ۱۲۵۰ متر^۴ و حتی باز کردن یک گره یا نوشتن بیش از یک حرف الفباء. به علاوه متخصصان اخلاق و اصول اجتماعی در بحث مربوط به گسترش و الزام این قوانین گوناگون دچار اختلاف بوده اند.

^۳ خروج ۱۶: ۲۳؛ ۳۵: ۳؛ اعدا ۱۵: ۳۲ — ^۴ مت ۱۲: ۲. ۱۱؛ یو ۵: ۱۰؛ اع ۱: ۱۲.

(۴) عیسی سبت^۵ را مراعات می کرد ولی از ظاهرگرایی معلمان *شریعت در مورد آن نه تنها در سخن^۶ بلکه با عمل^۷ نیز به سختی انتقاد می کرد. او که مالک سبت بود علت غایی حقیقی^۸ آن را بازسازی نمود و جهت گیری آن را با ذکر نام پدر که بی وقفه با بخشیدن حیات فعال می باشد^۹ نشان داد.

^۵ مر ۱: ۲۱؛ لو ۴: ۱۶ — ^۶ مت ۱۲: ۱۲ — ^۷ مر ۷: ۳؛ ۵-۲؛ لو ۱۳: ۱۰-۱۶؛ ۱۴: ۱-۶؛ یو ۸: ۵-۹؛ ۲۳: ۷؛ ۱۴: ۹ — ^۸ مر ۲۷: ۲-۲۸ — ^۹ یو ۵: ۱۶-۱۷.

(۵) شاگردان عیسی در ابتداء به رعایت روز سبت^{۱۰} ادامه می دادند و از آن برای بشارت دادن انجیل^{۱۱} استفاده می کردند ولی به زودی فردای روز سبت، نخستین روز هفته به یکشنبه روز خداوند ما عیسی تبدیل شد. اما سبت - در تقویم ما - دیگر تنها ارزش مجازی خود یعنی *استراحت الهی^{۱۲} را حفظ می کند.

^{۱۰} مت ۲۸: ۱؛ یو ۱۹: ۳۲ — ^{۱۱} فی المثل اع ۱۳: ۱۴؛ ۱۶: ۱۳ — ^{۱۲} عبر ۱۱: ۴؛ ۱-۱۱؛ ر.ک. مکا ۱۴: ۱۳.

◀ مقدمه. فصل ششم ۴. ج ۲ - فصل دوازدهم ۲. ب ۲ - یکشنبه - استراحت - کار

[سبك ادبی]

(۱) نوع نگارش ادبی عبارت است از تفهیم افکار و احساسات به شکلی ثابت مثل نوع نگارش ادبی نامه نگاری: ... به عنوان مثال از ۱۳۵۰۰ نامه دوران باستان ۴۵۰۰ نامه در طول حدود ۱۰۰۰ سال دارای یک سرآغاز («تعارفات») و یک پایان مشابه بوده اند.

(۲) روش و نوع نگارش متضمن یک دیدگاه مشخص از رسوم پایدار زیستن، عمل کردن، اندیشیدن و نگاشتن است. فی المثل پولس رسول نوع نگارش ادبی نامه نگاری را با استفاده از واژه فیض (یونانی kharis) به جای واژه شادی (یونانی: khara) که معمول بوده است، دگرگون می سازد.

(۳) علاوه بر انواع مختلف نگارش ادبی که مربوط هستند به سخنانی که به عیسی نسبت داده می شوند (مانند logia، قواعد زندگی، *مثل ها و غیره) اناجیل اعمال عیسی را به صورت شرح معجزات، جملات قصار، گفتگوها، روایات مربوط به عیسی، خلاصه ها و غیره نیز ارائه می دهد.

(۴) تعریف نوع نگارش از *نقد ادبی برمی خیزد و به فوریت بر روی واقعیت آنچه که گزارش شده است به داوری نقدی تاریخی نمی پردازد.

◀ استعاره - مکاشفه - شکل - تاریخ شکل گیری متن - محیط زندگی - مثل - تاریخ نگارش متن.

سبو

ظرفی سفالین یا سنگی که جهت برداشتن آب، نگهداری آن و استفاده از آن سر سفره مورد استفاده قرار می گرفته است. در زبان یونانی واژه های زیادی برای سبو وجود دارد مانند، ^۱antlema، ^۲hydria، ^۳keramion، ^۴xestes (اندازه)^۴.

^۱ یو ۴: ۱۱ — ^۲ یو ۶: ۷، ۴: ۲۸ — ^۳ مر ۱۴: ۱۳ (= ۲۲: ۱۰) — ^۴ مر ۷: ۴.

سپاسگزاری (آئین)

یونانی: eukharistia (از eu به معنای «خوب» و kharizomai به معنای «خشنود کردن، برکت دادن») به دنبال سپاسگزاری که عیسی بر نان و جام نمود و شکرگزاری های بعدی مسیحیان. این عمل در قرن دوم (eucharistie) یا سپاسگزاری در حد اعلا نامیده شد که همان شام خداوند است.^۱

^۱ مت ۲۶: ۲۶-۲۷ (= مر ۱۴: ۲۳-۲۴)؛ لو ۲۲: ۱۹ (= ۱-۱۱: ۲۴).

◀ شکرگزاری - شام آخر - جام - شام خداوند.

ستارگان

۱) از نظر عبرانیان، ستارگان و سیارات (یونانی *astèr*: «اختر» به طور مجزا و *astron* که اسم جمع *astron* به معنی «صور فلکی» می باشد) موجوداتی زنده ولی فاقد الوهیت هستند، لذا هیچ گونه *آیین عبادتی نباید در مورد آنها برگزار شود^۱. به مورد اجرا گذاشتن دستورات خداوند و اعلام *جلال^۲ وی برعهده آنهاست. درخشش آنان اجازه می دهد که انسان، جهان آینده^۳ را مجسم سازد. تیره و تار شدن آنها و سقوطشان بخشی از تصویرپردازی مربوط به *زمان های آخر^۴ به حساب می آید.

^۱ ۲-پاد ۱۷: ۱۶؛ حک ۱۳: ۲-۵؛ اع ۷: ۴۲، ۴۳ — ^۲ ایوب ۳۸: ۷، ۳۱، ۳۲؛ مز ۱۹: ۲ — ^۳ دان ۳: ۱۲؛ ۱-قرن ۱۵: ۴۱؛ عبر ۱۲: ۱۲ — ^۴ اش ۱۳: ۱۰؛ مت ۲۴: ۲۹ (= مر ۱۳: ۲۵ = لو ۲۱: ۲۵)؛ مکا ۶: ۱۳، ۸؛ ۱۰-۱۲، ۹؛ ۱۲: ۴؛ ر. ک. اع ۲۷: ۲۰؛ یهو ۱۳.

۲) ستاره صبح (یونانی: *phosphoros*: «خودافروز») برحسب سمبل مسیحایی^۵ کهن به مسیح اطلاق می شود. به نظر می رسد که ستاره بیت لحم چیزی جز نشانه ای از مسیح نمی باشد که با موضوع نوری که بر *امت ها^۶ خواهد تابید گره خورده است.

^۵ دوم ۱: ۱۹؛ ر. ک. مکا ۲: ۲۸، ۲۲: ۱۶ — ^۶ عد ۲۴: ۱۷؛ اش ۹: ۹، ۱: ۶۰؛ مت ۲: ۲-۱۰؛ ر. ک. لو: ۷۸.

۳) سمبل *فرشتگان، کلیساها^۷ و *سبط های اسرائیل^۸.

^۷ مکا ۱۶: ۲۰، ۲: ۱، ۳: ۱ — ^۸ مکا ۱۲: ۱ □

◀ مقدمه فصل چهارم ۶ «د» و فصل پنجم ۱ - قدرت ها - مشرق - صباوت - خورشید.

ستایش

یونانی: *ainesis ep-ainos*، ستایش که غالباً با *شکرگزاری برای نعمت های دریافت شده همراه است، دعایی می باشد در اعلى درجه آگاهی از حضور خویشتن که در برابر خدا تنها کسی که حضور دارد و شکوهش جشن گرفته می شود، محو می گردد. ابراز ایمان و شعف که از ستایش حاصل می شود موضوعی است که در عهد عتیق به طور مداوم تکرار می شود و در کتاب مزامیر به طور فراوان وجود دارد. عهد جدید در نور مکاشفه نجات نهایی وارث این رفتار ایمانداران است. فرشتگان و شبانان از زمان تولد عیسی جلال خدا را می سرایند^۱. در برابر معجزات عیسی ستایش از قلب کودکان و مردم و شاگردان فوران می کند^۲. به هنگام عروج عیسی به آسمان، شادی همه را فرا می گیرد^۳. آنگاه در اجتماعی که در حال تولد است سرائیدن سرودها آغاز می گردد^۴. خدا «قومی را که جلال وی را ستایش می کند» به دست آورده است^۵. ستایش با تکیه بر عیسی که پدر را برای مکاشفه ای که به انسان ها عطا کرده است ستایش کرد باید جهان شمولی^۶ و لاینقطع^۷ باشد. *هللویای مکرر کتاب^۸ مکاشفه که اصل آن از *hillel* به معنای «ستایش کردن» آمده است، همین امر را اعلام می دارد. بنابراین شایسته است که قربانی ستایش در همه زمان ها به جا آورده شود^۹ یعنی دعوتی برای ادامه آن، چیزی که در اسرائیل *tôda* یعنی مراسم همراه کننده «قربانی صلح» بوده است: «ستایش را مانند قربانی نثار خدا کن»^{۱۱} خدا خود کسی را که نسبت به او وفادار است ستایش می کند که این امر به هنگام مکاشفه زمان آخر عیسی ظاهر خواهد شد^{۱۲}: انسان ها کسانی را که رفتارشان عاقلانه و صالح است ستایش می کنند^{۱۳}.

^۱ لوقا ۲: ۱۳-۲۰ — ^۲ مت ۲۱: ۱۶؛ لو ۱۸: ۴۳؛ ۱۹: ۳۷ — ^۳ لو ۲۴: ۵۳ — ^۴ اع ۲: ۴۷؛ ۱۶: ۲۵ — ^۵ افس ۱: ۶، ۱۲، ۱۴؛ فی ۱: ۱۱ — ^۶ مت ۱۱: ۲۵ (= لو ۱۰: ۲۱) — ^۷ روم ۱۵: ۱۱ (نقل مزمو ۱۱۷: ۱) — ^۸ مکا ۱۹: ۵ — ^۹ مکا ۱۹: ۱۹؛ ۳-۴، ۶ — ^{۱۰} عبر ۱۳: ۱۵ — ^{۱۱} مز ۵۰: ۱۴ در ترجمه آرامی؛ ر. ک. ۵۰: ۲۳؛ ۵۶: ۱۳ — ^{۱۲} روم ۹: ۱۳؛ ۳: ۱-قرن ۴: ۵؛ ۱-پتر ۷: ۱۴؛ ۲-قرن ۱۶: ۱۸ — ^{۱۳} لو ۱۶: ۱۸.

◀ شکرگزاری - هللویا - تجلیل - آواز - اعتراف - دعای حمد و ستایش - جلال - هوشیانا - قربانی.

سر

یونانی: kephalè. قسمتی از بدن - این واژه دارای چندین معنای استعاری می باشد.

(۱) آنچه که در رأس قرار دارد مانند بدن انسان و هم چنین احتمالاً سنگی که در رأس زاویه ساختمان قرار گرفت.^۱

^۱ مت ۲۱: ۴۲ (= مر ۱۲: ۱۰-۱۱ = لو ۱۷: ۲۰)؛ اع ۴: ۱۱؛ ۱-بطر ۲: ۷.

(۲) آنچه که در جلو قرار دارد از نوع بدن حیوانات^۲ مانند رئیسی که با رهبری دیگران برتری را اعمال می دارد.^۳ هم چنین مثل عیسی نسبت به عالم^۴ و نسبت به کلیسا^۵.

^۲ اش ۹: ۱۳- خروج ۶: ۱۴- قرن ۱۱: ۳؛ افس ۱: ۱۰-۲۲؛ کول ۲: ۱۰- افس ۵: ۲۳؛ ۱-قرن ۱۱: ۳-۵.

(۳) آنچه که منشاء زندگی است بر طبق فیزیولوژی قدیمیان که سرچشمه پیوستگی و رشد می باشد چنین است عیسی نسبت به کلیسا^۶.

^۶ افس ۴: ۱۵-۱۶؛ کول ۲: ۱۹.

◀ گیسو - بدن - بدن مسیح.

سران کاهنان

معادل است با *کاهنان اعظم.

سرچیوس پولس

والی *قبرس در سال ۴۶-۴۷ یا ۴۹ - ۱۵۰.

^۱ اع ۱۳: ۷.

سرخ

یونانی: kokkinos (Ākokkos به معنای «قرمزانه») ماده ای است رنگ کننده به رنگ قرمز یا سرخ تند (نه سرخ تیره). پارچه ای است گران بها که در آئین مذهبی و برای خودنمایی مورد استفاده است.^۱

^۱ لاو ۱۴: ۴؛ اش ۱: ۱۸؛ مت ۲۷: ۲۸؛ عبر ۹: ۱۹؛ مکا ۳-۱۷: ۴، ۱۸: ۱۲، ۱۶ □

سردار هنگ

لاتین: legatus Augusti pro praetore سردار هنگ که به نمایندگی از سوی امپراتور اعزام می شود و دارای اختیارات تام است. مقامش فرمانداری ایالت می باشد. سردار هنگ سوریه دو هنگ را که شامل ۱۸ تا ۳۰ هزار سپاهی بودند در اختیار داشت.

سرشماری

لاتین: census، یونانی: apographè. شمارش ساکنان که توزیع *مالیات ها را میسر می ساخت. سرشماری *کیرینیوس در ۶-۷ ق. م. باعث شورش یهودای جلیلی در مقابل این علامت استیلای رومیان بر *ایالت ها گشت.^۱ لوقا سرشماری سال ۶-۷ ق. م. را که باعث شد یوسف و مریم به بیت لحم بروند^۲ روایت می کند. او احتمالاً این عمل را به کیرینیوس نسبت می دهد که سرشماری سال ۶-۷ ق. م. تنها سرشماری مشهور می باشد و نیز شاید به علت این که کیرینیوس که از سال ۱۲ ق. م. کنسول بود و مأموریت های زیادی به مشرق زمین داشت می توانست مأمور انجام سرشماری هم باشد.

^۱ اع ۵: ۳۷- لو ۲: ۱-۵ □

◀ مقدمه. فصل ششم. ۲. ب - کیرینیوس

سرکه

یونانی: oxos، لاتین: posca. سرکه امروزی نیست بلکه شراب ترشی است که با آب ممزوج شده. نوشابه ای عمومی بود که به مسافران^۱ و سربازان^۲ داده می شد. برای *ناصریان^۳ ممنوع شده بود. این نوشابه که خیلی ترش بود طرفدار زیادی نداشت^۴.

^۱ روت ۲: ۱۴ — ^۲ مت ۲۷: ۴۸ (= مر ۱۵: ۳۶) — ^۳ اعد ۶: ۳ — ^۴ مز ۶۹: ۲۲؛ امث ۱۰: ۲۶؛ لو ۲۳: ۳۶.

سرود

یونانی: hymnos (از hymneō به معنای «خواندن یک سرود جدی» مذهبی یا قهرمانی). این قطعات که اصلشان از آئین نیایش می آید سرودهایی هستند که مردم توسط آن ها در عیسی، سرود جلال یافته توسط خدا را با شادمانی آفرین می گفتند. آنها می بایستی شبیه *مزامیر^۱ کتاب مقدس بوده باشند. منتقدین عقیده دارند که می توانند در پس متون عهد جدید علاوه بر *مداحی خدا، سرودهای مسیحی را نیز شناسایی کنند^۲.

^۱ اع ۱۶: ۲۵؛ افس ۵: ۱۹؛ کول ۳: ۱۶؛ عبر ۲: ۱۲ — ^۲ لو ۱: ۴۶-۵۵. ۶۸-۷۵؛ ۲: ۲۹-۳۲؛ و ۱: ۱؛ ۳-۴، ۹-۱۱، ۱۴، ۱۶، ۱۷؛ روم ۱۰: ۵-۸؛ افس ۴: ۷-۱۰؛ ۵: ۱۴؛ فی ۲: ۶-۱۱؛ کول ۱: ۵-۲۰؛ ۱-۳؛ تیمو ۳: ۱۶؛ عبر ۱: ۳-۴؛ ۱-۳؛ پتر ۱: ۱۹-۲۰؛ ۲۳-۲۴، ۳: ۱۸-۲۲؛ ۴: ۶؛ در مکاشفه مکرر آمده است.

◀ آواز - دعای حمد و ستایش - زمزمور

سعادت

یونانی: makarios. خوشابه حال/ سعادت جاودانی که یک نوع بیان معرفتی است در کتب کفرآمیز و در کتاب عهد قدیم^۱ دیده می شود. در حال حاضر از آن به معنای تبریک و به مناسبت دریافت عطیه ای یا به علت حالت خوشبختی^۲ به کار می رود و اگر در حال مضارع مورد استفاده قرار گیرد خبر رسیدن مژده است^۳. خوشابه حال را نباید با تبرک اشتباه کرد.

^۱ مز ۱: ۱؛ ۳۲: ۱-۲؛ بنی ۲۵: ۷-۱۱ — ^۲ مت ۵: ۳؛ ۱۱: ۱۳؛ ۱۶: ۱۷؛ ۱۷: ۱۶؛ ۲۰: ۶؛ ۱-۳؛ پتر ۴: ۱۴؛ مکا ۱۴: ۱۳ — ^۳ مت ۱۱: ۶؛ لو ۱۱: ۲۸؛ ۱۲: ۳۷ - ۳۸. ۴۳؛ یو ۲۰: ۲۹.

سفره

یونانی: othonè. آنچه را که پطرس دیده بود سفره ای جهت پوشاندن میز غذا نبود، بلکه یک قطعه بزرگ پارچه بود^۱.

^۱ اع ۱۰: ۱۱؛ ۱۱: ۵ □

سفید

یونانی leukos (از همان ریشه لاتینی lux lumen). در دنیای کتاب مقدس سفید، رنگ *نور درخشنده^۱ در مقابل سیاه، رنگ یادآورنده *ظلمات است. این رنگ می تواند به معنی پاکی و عصمت^۲ نیز باشد اما بیشتر با جشن های شادی و پیروزی مطابقت دارد^۳. رنگ سفید، رنگ افراد فرخنده، آسمانی^۴ یا تحول یافته/تبدیل هیئت یافته^۵ است.

^۱ مت ۱۷: ۲ — ^۲ مز ۵۱: ۹؛ اش ۱: ۱۸؛ مکا ۳: ۴-۱۸ — ^۳ مک ۱۱: ۸؛ جا ۹: ۸؛ مکا ۲: ۱۷؛ ۶: ۲؛ ۱۱-۱۲؛ ۷: ۹؛ ۱۳-۱۴؛ ۱۹: ۱۱-۱۱ — ^۴ مت ۱۴: ۱۴؛ ۷: ۹؛ مت ۲۷: ۳ (= مر ۱۶: ۵)؛ یو ۲۰: ۱۲، اع ۱: ۱۰؛ مکا ۱: ۱۳-۱۴؛ ۴: ۴؛ ۱۴: ۱۴؛ ۲۰: ۱۱ — ^۵ مت ۱۷: ۲ (= مر ۹: ۳ = لو ۹: ۲۹)؛ مکا ۳: ۵؛ ر. ک مت ۵: ۳۶؛ لو ۴: ۳۵ □

◀ سنگ کوچک - پشم.

سقوط

دو اصطلاحی که گاهی به منظور ارائه کردن تعریفی^۱ بهتر با هم ذکر می شوند، عمل یا سبب سقوط یک مؤمن را مشخص می کند. ممکن است سنگ^۲ باعث سکندری خوردن (یونانی: *proskoptô*) شود آنگاه سنگ به سنگ *لغزش (یونانی: *proskomma*)^۳ تبدیل می شود. این عبارت مشخص کننده هر نوع مانعی است که باعث برخورد کردن و افتادن می گردد^۴. با در نظر داشتن این گونه موانع به عنوان یک واقعیت فعال، واژه *skandalon* به میان می آید به معنای یک شخص^۵، یک سخن^۶، یک عمل^۷، یک عضو^۸، یک حادثه^۹، یک چیز^{۱۰}، که به معنی یک دام^{۱۱} است. *صلیب عیسی مانعی است در حد اعلی^{۱۲}.

۱ش ۸: ۱۴؛ روم ۹: ۳۳، ۱۴: ۲۱-۱- قرن ۸: ۹، ۱۳: ۱- پطرس ۲: ۸- مت ۴: ۶؛ لو ۱۱: ۱۱-۹-۱۰- روم ۹: ۳۲-۳۳: ۱- پطرس ۲: ۸- اع ۲۴: ۱۶؛ روم ۱۴: ۱۳-۲۰-۲۱- قرن ۸: ۹، ۱۳: ۱- قرن ۲: ۳۲-۳۳: ۶؛ فی ۱: ۱۰- مت ۱۱: ۶؛ ۱۳: ۵۷؛ ۱۸: ۶؛ ۲۶: ۳۱، ۳۳: ۳؛ مر ۳: ۶؛ ۹: ۴۲، ۱۴: ۲۷-۲۹؛ لو ۷: ۲۳، ۱۷: ۲؛ روم ۱۶: ۱۷- مت ۱۵: ۱۲؛ یو ۶: ۶۱- مت ۱۷: ۱۷؛ روم ۱۴: ۲۱-۲۱- قرن ۸: ۱۳- مت ۵: ۲۹-۳۰، ۱۸: ۱۸-۹-۸- مر ۹: ۴۳، ۴۵، ۴۷- مت ۹: ۱۳، ۲۱: ۲۴، ۱۰: ۱۰؛ مر ۱۷: ۴؛ یو ۱۶: ۱-۲- قرن ۱۱: ۲۹- مت ۱۰: ۱۳، ۴۱، ۴۱؛ ۷: ۱۸؛ لو ۱۷: ۱؛ روم ۹: ۳۳، ۱۱: ۹؛ ۱- پطرس ۲: ۸- مت ۱۱: ۲۴؛ ۷: ۱۴؛ مکا ۲: ۱۴- ۱۲- قرن ۱: ۲۳؛ غلا ۵: ۱۱ □

◀ لغزش، رسوایی.

سکان کشتی

یونانی: *pedalion* سکان کشتی های باستانی شامل دو پاروی بزرگ بودند که در دوطرف پشت کشتی قرار داشتند^۱. هر چند که این نوع سکان به کارآئی سکان نوع *etambot* نبوده است ولی می توانست عضوهای مربوط به دستور دادن مانند *زبان را تجسم نماید^۲.

۱اع ۲۷: ۴۰- ۲ع ۳: ۴.

◀ کشتی - حکمرانی کردن - راهنمای کشتی

سکه

۱) قبل از ضرب مسکوکات، به مدت زیادی پرداخت توسط *وزن معینی از یک فلز گران بها انجام می گرفت. بدین جهت بعضی از مسکوکات (مانند مٲا، مٲقال، تالان) نام مقدار معینی از وزن را حفظ کرده اند. به این ترتیب *تالان در اصل مقدار وزنی از فلز بوده که یک مرد می توانسته است آن را با خود حمل کند. تالان به ۶۰ *مٲا و مٲا به ۶۰ *مٲقال تقسیم می شد. طبق مقیاس اوزان بابلی وزن تالان مساوی ۳۰۳۰۰ کیلوگرم بوده است.

۲) در زمان عیسی انواع مختلفی از مسکوکات برنزی، نقره و طلا در فلسطین در جریان بودند. سیستم پولی یونانی از دوران سلوکیان در اسرائیل مرسوم شد. این سیستم در طی فتوحات اسکندر کبیر هم ردیف با سیستم پولی روم اشغالگر عمومیت یافت. به علاوه زائران، سربازان، و بازرگانان از کشورهای مختلف سکه های مخصوص آن کشورها را به همراه می آوردند. اما مسئله وجود مسکوکات خاص یهودیان همواره مورد بحث می باشد. فرض بر این است که کشوری که بتواند پولش را ضرب کند دارای استقلال است ولی این امر در طی تاریخ اسرائیل مورد نداشته و از زمان پادشاهی از هیچ نوع سکه ای شواهدی در دست نیست. از سوی دیگر مٲقال یهودی به نظر نه چندان مطمئن متخصصان، به دوران سلطه پارس یا در بیشتر موارد به زمان *مکابیان تعلق داشته است. آسمونیان و به ویژه هیرودیس کبیر و جانشینان وی توانستند سکه برنزی ضرب کنند و والیان رومی نیز چنین کردند. این مسکوکات در هر دو مورد فقط اختصاص به گردش در محل داشتند. کتاب عهد جدید از هیچ سکه یهودی به صراحت اسم نمی برد. واژه

نامشخص قطعه پول نقره گاهی به «مثقال» (واژه مخصوص سکه یهودی) یا به اشتباه به «دینه» (دینار؟) (سکه رومی) ترجمه می شده که در این باره عدم اطمینان برقرار است.

در کتاب عهد جدید از مسکوکات رومی و یونانی به طور صریح نام برده می شود. واحد پایه پول یونانی *درهم نقره (drachme) است که به ۶ *تاز (obole) نقره و به ۴۸ شالک برنزی (chalqu) تقسیم می شود ۲ *درهم ارزشی معادل ۱ دیدراخمه (didrachme) و چهار درهم یک تترا دراخمه (tetradrachme) را تشکیل می دهند که گاهی *استاتر (statere) نیز نامیده می شود. سکه دیگر برنزی نیز وجود داشته که ارزش آن ناچیز بوده است به نام *پشیز (lepte) به ارزش شالک. مبالغ زیاد بر اساس *تالان و *قنطار یعنی به ترتیب ۶۰۰۰ و ۱۰۰ درهم حساب می شوند. واحد پول رومی دینار (denier) نقره شامل ۴ سترس برنجی و ۱۶ *فلس (as) برنزی بوده است. فلس به ۴ ربع تقسیم می شد. ۳ به علت این که عیار و وزن سکه های مختلفی که ضرب خورده بودند به خوبی شناسایی نشده اند ارزش مربوطه تنها به طور تقریبی قابل تعیین است. قدرت خرید آنها نیز قابل تعیین نیست مگر از طریق حدس و گمان. ارقام جدول زیر تنها ترتیب بزرگی و برابری را در داخل یک مجموعه نشان می دهند.

نقره: تالان									
۱	۶۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
قنطار	۶۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
استاتر (چهار درهم)	۱۵۰۰	۲۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
دو درهم	۳۰۰۰	۵۰	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱
درهم = دینار	۶۰۰۰	۱۰۰	۴	۲	۱	۱	۱	۱	۱
برنز: (سترس)	۲۴۰۰۰	۴۰۰	۱۶	۸	۴	۱	۱	۱	۱
(دیپوندیوس)	۴۸۰۰۰	۸۰۰	۳۲	۱۶	۸	۴	۲	۱	۱
فلس	۹۶۰۰۰	۱۶۰۰	۶۴	۳۲	۱۶	۸	۴	۲	۱
سمیس (نیم)	۱۹۲۰۰۰	۳۲۰۰	۱۲۸	۶۴	۳۲	۱۶	۸	۴	۲
کوادرنانت (ربع)	۳۸۴۰۰۰	۶۴۰۰	۲۵۶	۱۲۸	۶۴	۳۲	۱۶	۸	۴
پشیز	۷۶۸۰۰۰	۱۲۸۰۰	۵۱۲	۲۵۶	۱۲۸	۶۴	۳۲	۱۶	۸

سگ

یونانی: kynarion, kyôn. در کنار سگ خانگی مأنوس^۱، سگ وحشی نیز وجود داشته که باعث ترس و وحشت می شده است^۲. اصطلاحی برای تحقیر و توهین^۳.

^۱ خروج ۱۱:۷؛ طو ۶:۱۱؛ ۴:۱۵؛ مت ۲۶-۲۷؛ (=مر ۷:۲۷-۲۸) — ^۲ ۱-پاد ۱۴:۱۱، مز ۲۲:۱۷، ۵۹:۷؛ لو ۱۶:۲۱ — ^۳ تث ۲۳:۱۹؛ ۱-سمو ۱۷:۴۳، ۲۴:۱۵؛ مت ۷:۶؛ فی ۳:۲-۲؛ بطر ۲:۲۲، مکا ۲۲:۱۵ □

سلاح

◀ نبرد

سلامیس

یونانی: Salamis، بندری واقع در ساحل غربی قبرس که پولس، بارنابا و مرقس سفری به آنجا داشتند^۱.

^۱ اع ۱۳:۵ □

◀ نقشه شماره ۲.

سلطنت

ترجمه واژه یونانی: Kyriotètes.

◀ خداوند.

[سلطنت هزار ساله]

به معنای دقیق، آموزه تفسیر کلمه به کلمه مکا ۲۰: ۱-۶ است. قبل از داوری واپسین و برقراری ملکوت خدا یک دوره هزارساله ای خواهد بود که در طی آن مسیح پرجلال روی زمین با مشارکت مقدسین که «نخستین رستاخیز» را خواهند شناخت پادشاهی خواهد کرد.

معنای گسترده این واژه اطلاق می شود به هر اندیشه ای که در انتظار جهان آینده به صورت سرزمینی موعود است یا بهشتی زمینی با پای بندی به اسطوره عصر طلایی نخستین یا مسیح گرایی زمینی می باشد.

سلیمان

یونانی: Salmôn, Solomôn. پسر داود و بتشیع^۱، پادشاه اسرائیل از ۹۷۰ تا ۹۳۱ ق.م^۲، و از اجداد عیسی^۳. سنت یهودی و مسیحی از حکمت او^۴، جلال پادشاهی اش^۵ و معبدی که او ساخت^۶ یاد کرده است. سنت، کتاب «حکمت» را به او نسبت می دهد. با ظهور عیسی شخصی بزرگتر از سلیمان برخاسته است^۷.

^۱ مت ۱: ۶ — ۱۲ — پاد ۱-۱۱: ۲ — توا ۱-۹ — مت ۳: ۱-۷: ۱۶ — مت ۲: ۱۲: ۴۲ — لو ۱۱: ۳۱ — مت ۵: ۶: ۲۹ — لو ۱۲: ۲۷ — یو ۱۰: ۲۳: ۱۰: ۳: ۱۱: ۵: ۷: ۴۷ — مت ۷: ۱۲: ۴۲ — لو ۱۱: ۳۱ □

سلیمان [مزامیر]

مجموعه هجده مزمویر تحریفی مربوط به سال های ۷۰ ق.م که در بیشتر قسمت های آن جهت گیری فریسی که آرزوهای مسیحائی زمان عیسی را منعکس می کند مشاهده می شود. این مزامیر در اصل به عبری تصنیف شده بودند اما تنها به یونانی و سریانی حفظ شده اند.

سنت / روایت

از لاتین traditio به معنای «نقل» یونانی: paradosis در صیغه متعدی «انتقال دادن» است (یونانی: para-didômi و عبری mâsar و مشتق آن mâssorâ به معنای «تفسیر کتب مقدس یهودی»؛ در صیغه خبری به معنای «دریافت کردن» (یونانی: para-dosis، عبری: qabbâlâ که از آن kabbale به وجود می آید).

(۱) سنت یهود سلسله ای را تشکیل می دهد که به زمان موسی بر می گردد و این امر درستی تصریحات را تضمین نموده^۱ توسط سنت کتبی کتب بحق و ترجمه های شفاهی قدیمیان ضمانت^۲ می گردد. سنت بعد از سال ۷۰ م. به صورت نوشته در قشرهای متوالی تثبیت می شود که به سه نسل محدود است عبارت از: tannaïm (از عبری chânâ به معنای «تکرار کردن»، amoraïm (از عبری âmar به معنای «گفتن» و rabbis (از عبری rab به معنای «استاد یا خداوند») که «تلمود را شامل می شوند (از عبری limmad به معنای «تعلیم دادن») عیسی نسبت به سنت به طور کلی معترض نیست بلکه نسبت به ارزش و احترام سنت قدیمیان اعتراض^۳ دارد طبق روایت یوحنا خود عیسی است که سخنان و اعمالی را که او از خدا دریافت داشته است منتقل می کند^۴.

^۱ عز ۷: ۶: ۱ — نج ۷: ۲۴: ۲۳: دان ۹: ۱۱: ۷: ۳۸ — مت ۱۵: ۲-۳: ۶ (= مر ۷: ۳-۵-۸-۹-۱۳): اع ۶: ۱۴: ر.ک مت ۵: ۲۱ — مت ۱۵: ۲۰-۱ (= مر ۷: ۲۰-۱) — یو ۵: ۳۶: ۱۷: ۴-۸: ۱۴.

(۲) سنت مسیحیت اولیه علاوه بر سنت روایتی در مورد عیسی^۵ شامل اعترافات لم به ایمان و قاعده هایی برای زندگی

است که به صورت سنت‌هایی که از راه فعالانه رسیده و نقل^۶ شده است. بدین ترتیب پولس که خود را از بار سنت‌های اجدادی^۷ خلاص کرده بود و آنها را مورد مسخره قرار داده آنها را «سنت‌های کاملاً انسانی»^۸ می‌نامید، سخنان خداوند، عیسی و بعضی از سنت‌های کلیسایی را منتقل^۹ کرده است. با این حال او خود را بنده سنت‌ها نشان نمی‌دهد بلکه خود را بنده تنها خدا که در یک مکاشفه^{۱۰} با او ملاقات کرده است می‌داند. در نوشته‌های جدیدتر عهد جدید گرایش آموزش به سوی متمرکز شدن در یک داده ثابت^{۱۱} که «سپرده» نامیده می‌شود می‌باشد.

لو ۱: ۲ – ۶: ۱۶: ۴: ۱ – قرن ۱۱: ۲۳ – ۳: ۱۵: ۲ – ۲: ۳: ۱۵: ۶ – ۷: ۱: ۱۴ – ۸: ۲: ۸ – ۱۹: ۷: ۱۰: ۹: ۱۴: فی ۴: ۸ – ۹: ۱ – ۴: ۳ – ۱: ۴: ۳ – ۲: ۲: ۱۵: ۱۵ – ۱۰: ۱: ۱۵ – ۱۶: ۲: ۱۱ – ۲: ۲: ۲۱: یهوذا ۳. ◀ آموزش دینی دادن - ودیعه - یاد.

[سنت ادبی]

رشته نوشته‌های درباره یک موضوع که از نسخه خطی اصلی به متن امروزی وارد می‌شود.

[سنت الهیاتی]

(۱) انتقال * مکاشفه.

(۲) عبارت است از کلیه چیزهایی که شاگردان از زندگی و ایمان قوم خدا به کلیسا که طی قرون آنها را محفوظ داشته انتقال داده‌اند.

[سنت تاریخی]

(۱) خاطره انتقال یافته از طریق یک رویداد.

(۲) انتقال یک خاطره از یک رویداد.

سنتوریون

یونانی: hekatontarkhes. kenturiōn به معنای «کسی که به صد نفر فرمان می‌دهد». افسردون پایه‌ای که از درجه سربازی به این مقام رسیده باشد، یوزباشی هم نامیده می‌شود که فرمانده گروه ۶۰ تا ۱۰۰ نفره است. امکان دارد به کارهای اداری یا قضائی، به خصوص در ایالات دورافتاده‌ای مانند *یهودیه، گمارده شود. نسبت به شرایط محلی، بیش از قضات صاحب اختیار است. در کتاب عهد جدید هم چون شخصی صالح ظاهر می‌شود، مانند *کرنیلیوس^۱.

مت ۸: ۵، ۸، ۱۳ (= لو ۷: ۲ – ۶): ۵۴: ۲۷: مر ۱۵: ۳۹، ۴۴ – ۴۵: لو ۲۳: ۴۷، اع ۱۰: ۱ – ۲۲: ۲۱: ۳۲: ۲۲: ۲۵: ۲۶: ۲۳: ۱۷ – ۶۳: ۲۴: ۲۳: ۲۷: ۱، ۳، ۶، ۱۱، ۳۱، ۴۳.

سنج

یونانی: kymbalon. ساز ضربی شامل دو دایره با دو مخروط فلزی است که به هم کوفته می‌شوند^۱.

۱ – قرن ۱۳: ۱۱

سنگ

دو واژه را می‌توان همسان دانست: یونانی: petra به معنای «صخره» و یونانی lithos به معنای «سنگ». در عمل واژه دوم پذیرفته تر است.

(۱) petra در واقع به غیر از مواردی که برای مشخص کردن صخره‌ای که بر آن بنا می‌کنند یا صخره‌ای که دانه بر آن می‌افتد یا صخره‌ای که آن را می‌کنند^۱ و یا صخره طبیعی می‌باشد^۲ تنها در دو مورد به طور بسیار برجسته مورد

استفاده قرار می‌گیرد: این واژه عیسی را به عنوان صخره روحانی مشخص می‌کند که از آن آب حیات روان است، به مانند آبی که از صخره‌ای که موسی آن را شکافته^۳ بود روان شد. در مورد دوم *کیفا - پطرس صخره‌ای است که عیسی می‌خواهد کلیسای خود را بر آن بنا کند^۴. در موارد دیگر به ویژه در نبوتی که درباره سنگ مصادم است، صخره جای خود را به سنگ می‌دهد^۵. اگر در پی نوعی تباین بوده باشیم شاید بتوانیم صخره را در استحکام و یگانگی مشابه استحکام و یگانگی خدا که صخره و پناه اسرائیل است بباییم^۶.

^۱ مت ۲۴-۲۵ (= لو ۴۸: ۶)؛ ۱۳: ۵-۲۰ (= مر ۴: ۵-۱۶ = لو ۸: ۶-۱۳)؛ ۲۷: ۶۰ (= مر ۱۵: ۴۶) — مت ۲۷: ۵۱؛ مکا ۱۵-۱۶ — ۱۳ قرن ۱۰: ۴ — مت ۱۶: ۱۸ — اش ۸: ۱۴؛ رم ۹: ۳۳؛ ۱- پطر ۲: ۸ — تث ۳۲: ۴.

(۲) عیسی مسیح سنگ زاویه (lithos) است. سنگی که پایه بنا می‌باشد یا به عنوان تاج در رأس آن قرار می‌گیرد. این سنگ فراسوی ناکامی ظاهری اش، یک پارچگی *معبد مقدسی^۷ را که مسیحیان هم چون سنگ‌های زنده^۸ در آن ادغام می‌شوند، تأمین می‌کند. اما عیسی، هم چون یهوه^۹ در زمان سابق، *سنگ مصادم نیز هست. بی‌ایمانان با آن تصادم می‌کنند^{۱۰} اما عاقبت در زیر این سنگ له خواهند^{۱۱} شد. آن سنگ هم که توسط آن عیسی را در مرگ فرو بردند، به دست فرشته خداوند به کنار غلطانده شد^{۱۲}.

^۷ مت ۲۱: ۴۲ (= مر ۱۲: ۱۰ = لو ۲۰: ۱۷)؛ ۱- پطر ۲: ۴-۷ — افس ۲: ۲۰-۲۱؛ ۱- پطر ۲: ۵-۶ — اش ۸: ۱۴؛ ۱۶: ۱۶ — ۱۰ روم ۹: ۳۳؛ ۱- پطر ۲: ۸ — ۱۱ لو ۲۰: ۱۸ — مت ۱۲: ۲۷-۶۰-۶۶؛ ۲۸: ۲.

(۳) شریعت که سابقاً بر الواحی نقش بسته بود و می‌بایست ابدیت پیمان را معنا بدهد، اکنون بروح القدس در الواح گوشتی دل نوشته شده است^{۱۳}.

^{۱۳} ۲ قرن ۳: ۷-۳.

◀ ریگ سفید - بنا کردن - کیفا - مسح کردن - سنگسار کردن.

سنگ دلی

یونانی: sklèrynô به معنای «سخت یا سفت کردن» و نیز pôroô به معنای «پینه دار ساختن» و pakhynô به معنای «ضخیم کردن» و typhloô به معنای «کور کردن». در یک متن معروف که در عهد جدید شهرت یافت اشعیاء نبی شرح می‌دهد که چگونه مردمی که از خدا فاصله می‌گیرند رفته رفته دچار تصلب می‌شوند^۱ که *کوری^۲، سنگینی *گوش‌ها^۳، *سرسختی^۴، *سنگدلی^۵ حاصل این «تصلب» است. اگر گفته می‌شود که خدا انسان را سخت می‌کند^۶ به این دلیل است که در اندیشه سامی علل ثانوی نادیده گرفته می‌شوند. در هر حال سخت کردن به معنای طرد کردن نیست بلکه در این حالت اجازه داده می‌شود که گناه ثمرات مرگ بار خود را به بار آورد و نیز بر گناهی که انسان از انجام آن پشیمان نیست تأکید شود. انسان به طور کامل مسئول این حالت است. او به جایی رسیده است که دیگر قادر به داشتن ایمان نیست^۷. تنها عمل خدا می‌تواند بر این حالت غالب آید^۸.

^۱ اش ۶: ۱۰؛ مت ۱۳: ۱۴-۱۵؛ مر ۴: ۱۲؛ یو ۱۲: ۴۰؛ اع ۲۸-۲۶-۲۷ — اش ۲۹: ۹؛ مت ۲۳: ۱۶-۱۷؛ لو ۶: ۳۹؛ ۲- قرن ۳: ۱۴، ۴: ۴؛ ۱- یو ۲: ۱۱؛ مکا ۳: ۱۷ — رک ۷: ۱۱ — خروج ۳۲: ۹؛ تث ۹: ۶؛ اش ۷: ۲۶؛ اع ۷: ۵۱ — خروج ۴: ۲۱، ۳: ۱۳؛ ۸: ۱۱؛ ۱- سمو ۶: ۶؛ مت ۱۹: ۸؛ مر ۳: ۵، ۶؛ ۵۲؛ افس ۴: ۱۸؛ عبر ۳: ۸، ۴: ۷ — روم ۹: ۱۸ — ۷ از ۱۳: ۲۳؛ یو ۳: ۲۱-۲۱، ۳۸-۴۱؛ عبر ۳: ۱۳، ۱۵ — ار ۳۱: ۳۳؛ حزق ۱۱: ۱۹، ۳۶-۲۶-۲۷؛ هو ۱۳: ۲؛ میک ۷: ۱۸؛ روم ۱۱: ۳۲.

◀ نابینا - غضب - گناه - کر.

سنگسار کردن

یونانی: lithazô, litho-boleô (از lithos به معنای «سنگ» و ballô به معنای «انداختن») پس معنای آن می‌شود «سنگسار کردن و سنگ انداختن»

(۱) به معنای حقیقی: مجازات اصلی ای که شریعت حکم کرده است به ویژه در مورد *زنا و *کفرگویی. این مجازات در خارج شهر به مورد اجرا گذاشته می شد.^۱ اولین سنگ ها را می بایستی شاهدان جرم می انداختند^۲ و بقیه را مردم جمع شده در محل.

^۱ لاو ۲۴: ۱۴-۲-توا ۲۴: ۲۰-۲۲؛ مت ۲۱: ۳۵-۳۷: ۲۳ (= لو ۱۳: ۳۴)؛ یو ۸: ۵؛ اع ۷: ۵۸-۵۹؛ عبر ۱۱: ۳۷-۲۰: ۱۲-۲-یو ۸: ۷.

(۲) به معنای بسیط، مجازات بدون محاکمه که بیانگر خشم مردم است نسبت به یک شورشگر^۳.

^۳ خروج ۱۷: ۴؛ اعد ۱۴: ۱۰-۱۵: ۳۵-۳۶؛ لو ۲۰: ۶؛ یو ۸: ۵۹؛ ۱۰: ۳۱-۳۳؛ ۱۱: ۸؛ اع ۵: ۲۶-۱۴: ۱۹، ۵-۲-قرن ۱۱: ۲۵ □

◀ مقدمه. فصل ششم. ۴. ج ۳.

سنگ قیمتی

یونانی: lithos timios داد و ستد سنگ های قیمتی که با هندوستان و عربستان^۱ انجام می شد اهمیت به سزایی داشت. در مکاشفه به چندین سنگ قیمتی که مشخص کردن دقیق آنها با اشکال همراه است مانند: یاقوت، زمرد سلفی، عقیق سفید، زبرجد، عقیق اخضر، عقیق قرمز، زمرد، آسمانجونی، یشم، یاقوت کبود، عقیق و یاقوب زرد اشاره می شود. آنها می توانند نمادگر جلال ظاهری^۲، شوکت خدا^۳ یا تغییر شکل پرجلالی که در انتظار اورشلیم است باشد^۴.

^۱ ر. ک ۱-قرن ۳: ۱۲؛ مکا ۱۸: ۱۲-^۲ حزق ۲۸: ۱۳؛ مکا ۱۷: ۴، ۱۸: ۱۶-^۳ خروج ۲۴: ۱۰؛ ر. ک ۲۸: ۱۷-۲۰؛ مکا ۴: ۳-^۴ مکا ۲۱: ۱۱، ۱۸-۲۰.

سوخار

یونانی: Sychar. شهری است در سامره که شاید در جای قرار داشتن شکیم قدیمی که در ۱۲۸ ق.م ویران شد و در ۷۲ م. بازسازی شد قرار داشت^۱.

^۱ یو ۴: ۵.

◀ نقشه شماره ۴.

سوریه

یونانی: Syria خلاصه شده Assyria است. مرکز پادشاهی قدیم یونان، تعقیب کننده یهودیان^۱ که در سال ۶۵ ق.م با در برگرفتن *فلسطین، لبنان، قسمتی از سوریه امروزی و قسمت جنوب شرقی ترکیه *ایالت رومی شد. پایتخت آن *انطاکیه بود. این سرزمین که همجوار با *جلیل بود^۲ حضور بت پرستی را در سرحد اسرائیل تضمین می کرد^۳. این سرزمین محیطی غالباً خصمانه ولی در عین حال خوگرفته به تماس با یهودیان که به تعداد زیادی در آنجا بودند داشته است^۴.

^۱ ۱ و ۲-مک-^۲ مت ۲۴: ۴-^۳ مر ۷: ۲۴-۲۶-^۴ غلا ۲۱: ۱۱؛ اع ۱۱: ۲۶؛ ۱۵: ۲۳؛ ۱۸: ۱۸؛ ۲۰: ۳؛ ۲۱: ۳.

◀ نقشه شماره ۳.

سوسن

یونانی: krinon، عبر chûchan. واژه ای اشتراکی است برای اشاره به انواع گل های رنگین وحشی دشت ها (مانند سوسن، سورنجان، زنبق، لاله، نرگس). در متی ۶: ۲۸ (= لوقا ۱۲: ۲۷) احتمالاً این گل شقایق نعمانی است که رنگ سرخش، لباس های سلطنتی سلیمان را به خاطر می آورد^۱.

^۱ ر. ک غزل ۲: ۱-۱۶/۲؛ ۴: ۵؛ ۳-۲؛ هو ۱۴: ۶ □

سوگند

۱) یونانی: horkos, horkizō. سوگند نقش عمده‌ای را در عهد قدیم دارا می‌باشد^۱ نه برای به شاهد گرفتن خدا برای ادعاهای خود بلکه برای ندا دادن به خدا تا اینکه او بر کسی که حرف می‌زد اثر نماید. این است معنای «بردن اسم خدا»^۲. نیز انصراف از سوگند خوردن توصیه می‌شد^۳. «قسم خوردن دروغ، کفر گفتن» (یونانی: omnyō تحت اسامی جانشین: نام خدا مناسب بود. اما عیسی مخاطره تنها قسم دروغ خوردن را اعلام نمی‌کند بلکه می‌گوید که اصلاً سوگند نباید خورد^۴. عیسی حتی یک دستور قطعی هم که به طور متفاوت مورد تفسیر واقع می‌شود داده است: طبق متی^۵ او می‌گوید «سخن شما بلی بلی یا نی باشد زیرا که زیاده بر این شریر است» یعنی که حرف شما باید کاملاً صادق باشد و طبق یعقوب^۶ می‌گوید «بلی شما بلی باشد و نی شما نی» بدین معنی که زبان انسان باید همان چیزی را بگوید که در قلب دارد. انسان صراحت برادرانه است.

۱) لاو ۵: ۴-۵ — خروج ۲۰: ۷ — بنسی ۲۳: ۹-۱۰ — مت ۵: ۳۳-۳۵ — مت ۵: ۳۶-۳۷ — یع ۵: ۱۲.

۲) عیسی دستورالعمل‌های مهم خود را با جمله «آمین لم به شما اعلام می‌کنم» شروع می‌کرد. این امر ممکن است پاسخی باشد به وحی درونی بوی از سوی پدر. عیسی پس از آنکه کاهن اعظم وی را قسم داد^۷ راضی به سخن گفتن شد. خدا خود را به وعده یا سوگند^۸ متعهد کرد در صورتی که انسان‌هایی مثل هیرودیس^۹ و پطرس^{۱۰} سوگند را به ضرر خود خوردند.

۷) مت ۲۶: ۶۳-۶۴ — لو ۱: ۷۳: ۲۴: ۳۰: عبر ۱۱-۱۸: ۴: ۳: ۶: ۱۳-۱۷: ۷: ۲۰-۲۱: ۲۸ — مت ۹: ۱۴: ۹ (= ۲۳-۲۶) — ۱۰) مت ۲۶: ۷۲-۷۴ (= ۱۴: ۷۱).

سوگواری

۱) یونانی: penthos به معنای «ماتم». عمل عزاداری که یهودیان آن را به مدت هفت روز ادامه می‌دادند^۱. هرچند در اسرائیل پرستش مردگان مورد تحریم است اما در اسرائیل نیز مانند اقوام همسایه، مراسم سوگواری به هدف تأمین آرامش روح شخص مرده انجام می‌شود. سوگواری در وهله اول شامل رعایت روز^۲ و بعد دریدن یقه لباس، تراشیدن موی سر، پوشیدن پلاس، (ر. ک یونس ۳: ۵-۸) خاکستر بر سر ریختن، سپینه زنی و گریه است. با صدای فریادهای خانواده شخص مرده، همسایگان برای نوحه گری طولانی بر سر متوفی^۳ و دلجوئی از آنهایی که شیون و زاری می‌کنند^۴ به جمع ملحق می‌شوند. سوگواری سرانجام مثل هر چیزی که به مردگان مربوط می‌شود با یک آئین طهارت^۵ پایان می‌پذیرد. سوگواری اغراق آمیز برای مسیحیان مناسب نیست ندارد چه مسیحیان به خاطر پیروزی عیسی بر مرگ سرشار از امید هستند^۶.

۱) ر. ک یو ۱۱: ۳۹ — ۱۲- سمو ۳۱: ۱۳: مت ۹: ۱۵ — مت ۲: ۱۸: مر ۵: ۳۸: یو ۱۶: ۲۰ — مت ۱۱: ۱۷ (= لو ۷: ۳۲): لو ۲۳: ۲۷: یو ۱۱: ۱۹: اع ۹: ۳۹: روم ۱۲: ۱۵ — اعد ۳۱: ۱۹ — ۱۶- تس ۴: ۱۳.

۲) در موارد مهمتر مراسم مشابهی برای توبه دسته جمعی برپا می‌شد^۷.

۷) مت ۱۱: ۲۱ (= لو ۱۰: ۱۳).

◀ مقدمه. فصل هشتم. ۲ و ۲۰ - دفن کردن - روزه داری - نوحه گری - مرگ - کیسه - غم.

[سیاهچال]

لاتین infer: «زیر»، «زیرزمین». این واژه به این شکل در کتب عهدعتیق وجود ندارد اما در نظر ما سرنوشتی را که در انتظار خطاکاران است مجسم می‌نماید. شرح تهدید آمیز این سرنوشت در عهدجدید به کمک تصاویر متعدد از اسطوره‌های مختلف آمده است، مانند لجه، ظلمت خارجی، دریاچه آتش، تنور سوزان، آتش خاموش نشدنی، شکنجه با آتش، جهنم، کرم، فساد، مجازات قطعی، درد، تباهی، ویرانی، جای گریه و فشار دندان، ناشناخته ماندن و شناخته نشدن و سرانجام قدرت مرگ.

١ مز ٦:٦؛ ١١:٨٨؛ مت ٢٣:٧؛ ٢٥:٤١.

◀ مجازات - غضب.

یونانی: siklos، عبری: chéqèl. به معنای «وزن» واحد قدیمی وزن (مساوی با ۱۴ گرم) که به صورت واحد پولی نقره‌ای یهودیان درآمد و مساوی بود با statere* (پاره یا سکه نقره) یا tétradrachme (چهاردهم). این واحد مطابق بود با تقریباً مزد چهار روز کار (۴ دنیه). برای مشخص کردن یک سکه پول می‌بایستی سیکل «نقره‌ای» (یونانی، argyria) ذکر شود.^۱

١ مت ٢٦ : ١٥ ؛ ٢٧ : ٣-٩ ؛ ٢٨ : ١٢-١٥ ؛ ١٩ : ١٩ .

◀ مسکوکات - اوزان.

یونانی: Silas. نام یونانی شده Saül یا Silvanos (از لاتین: Silvanus). این شخص شهروند رومی، از مسیحیان اورشلیم، بیشگو و مردی ملاحظه کار بوده در تألیف رساله به تسالونیکیان و رساله اول بطرس شرکت نمود^۱.

أع ١٥: ٢٢-٢٧، ٣٢-٣٤، ٤٠: ١٦، ٢٥-٢٩، ١٧: ٤-١٠، ١٤-١٥، ١٨: ٥، ٢-٢٠: ١٩، ١-١٠: ٢٣، ١: ١-١٢: ١٢.

یونانی: Silôam، عبری: Chîlôah.

۱) استخر. نقطه نهایی «کانال» (عبری: ha chilôah) که توسط حزقیا در حدود سال ۷۰۰ ق.م در جنوب غربی اورشلیم ساخته شد. آب چشمه‌های جیحون به منظور آب رسانی به شهر به آنجا می‌ریخت. در زمان عهد جدید این حوض، که یک طاق بندی ستون دار از کارهای *هیرودیس کبیر^۱ احاطه می‌کرد.

٢١- ياد ٢٠ : ٢٠ : ينس، ٤٨ : ١٧ : اش، ٨ : ٦ : ٢٢ : ١١ : يو ٩ : ٧ - ١١ .

◀ استخر - نقشه شماره ۱.

(۲) پیرج که بدون شک در محله ای که در مجاورت استخر قرار داشت نام خود را از آن گرفت.^۱

١٣ : ٤ .

یونانی: Sina، عبری: Sînay.

این کوه در عهد عتیق حوریب نامیده شده است. کوهی است که موقعیت آن نامشخص است ولی بر حسب روایت باید در جنوب شبه جزیره سینا (۲۲۸۵ متر از سطح دریا) واقع باشد. محل تجلی بوته سوزان، پیمان و عطای شریعت است.^۱

^۱خروج ۳: ۱؛ ۱۹: ۱-۲۰؛ اع ۷: ۳۸-۳۰؛ غلا ۴: ۲۴-۲۵؛ عبر ۸: ۵؛ ۱۲: ۲۰.

سینه

یونانی: stèthos به معنای «سینه»^۱ و mastos به معنای «پستان»^۲.

^۱مکا ۱۵: ۶ — ^۲لو ۱۱: ۲۷، ۲۳؛ ۲۹؛ مکا ۱: ۱۳.

(۱) «سینه زدن» (یونانی typtô to stèthos) حرکتی نشانگر توبه یا غم و غصه^۳ و همراه با واژه koptomai و بدون متمم معادل است با «مرثیه»^۴.

^۳اش ۱۲: ۳۲؛ حزق ۲۳: ۳۴؛ نا ۸: ۲؛ لو ۱۳: ۱۸؛ ۴۸: ۲۳ — ^۴مت ۱۷: ۱۱؛ ۳۰: ۲۴؛ لو ۸: ۵۲؛ ۲۳: ۲۷؛ اع ۲: ۸؛ مکا ۱۸، ۷: ۹.

(۲) تکیه دادن بر سینه دوست در موقع غذا خوردن و در حالت درازکش و نه نشسته علامت صمیمیت بوده است^۵. واژه دیگری که بیانگر همین رفتار است واژه یونانی kolpos به معنای «آغوش» می باشد^۶.

^۵یو ۱۳: ۲۵، ۲۱: ۲۰ — ^۶یو ۱: ۱۸، ۱۳: ۲۳؛ ر.ک. لو ۶: ۳۸؛ ۱۶: ۲۲-۲۳.

ش

شاخ

یونانی: *keras*، عبری *qerên*. سلاح قوچ و گاو نر که نزد جماعتی از شبانان نشانه قوت و غرور است.^۱ از همین جا نماد قدرت مسیح و قدرت بره خدا^۲ برمی خیزد. شاخ های «اژدها» و «وحش» نمادگر قدرت های خراج گزار روم می باشند.^۳ مصداق و مفهوم چهار عدد شاخ قربان گاه (برآمدگی های واقع در چهار گوشه آن)^۴ که شاید با سنگ های برافراشته (عبری: *maççeba*) هستند مورد بحث و جدل می باشند.

۱- سمو: ۲: ۱۰؛ ایوب: ۱۶: ۱۵؛ حزق: ۲۹: ۲۱؛ لو: ۶۹ — ۲ مز: ۱۳۲: ۱۷؛ دان: ۷: ۷-۸؛ مکا: ۵: ۶ — ۳ مکا: ۱۲: ۳؛ ۱۳: ۱؛ ۱۱: ۱۷: ۳، ۷، ۱۲، ۱۶ — ۲ خروج: ۲۷: ۲، ۲۹: ۱۲؛ ۱- پاد: ۱: ۵۰؛ مکا: ۹: ۱۳.

شاگرد

۱) یونانی: *mathètès* (از *manthanô* به معنای «آموختن، عادت کردن به چیزی، انس گرفتن به»^۱. در کتاب عهد عتیق تنها در یک متن^۲ از عصر یهودیت، واژه «شاگرد» ذکر می شود. بدون تردید علت، این است که بینش یهودیت همواره روابط شخصی با خدا و اگذار می شد به رابطه تمامی قوم اسرائیل با خدا. همراهان موسی، ایلیا، الیشع و ارمیاء «شاگرد» نبودند بلکه «خادم» (عبری *mechârét*)^۳ محسوب می گشتند. اندیشه *talmîd* (تلمید) در مقابل ربی خود که به تفسیر کتاب مقدس کسی است که شاگرد قدرت الهی را در تفسیر کتاب مقدس از او به ارث می برد، در «یهودیت و احتمالاً تحت تأثیر یونانی گرائی گسترش یافته است.

۱ حزق: ۱۹: ۶؛ میک: ۳: ۴؛ مت: ۹: ۱۳؛ ۱۱: ۲۹ — ۱^۲ توا: ۸: ۲۵ — ۳ خروج: ۲۴: ۱۳؛ ۱- پاد: ۱۹: ۲۱؛ ۲- پاد: ۴: ۱۲؛ ارا: ۳۲: ۱۲-۱۳. ۲) در کتاب عهد جدید این واژه تنها در اناجیل و در اعمال رسولان دیده می شود. منظور از شاگرد آن کسی نیست که از یک معلم تعلیماتی دریافت نماید، بلکه همواره کسی است که با یک شخص معین رابطه تنگاتنگ و قاطع^۴ داشته باشد. به عبارت دقیق تر شاگرد آن کسی است که با ندای عیسی^۵ به دنبال وی راهی شود^۶. او باید از اراده خدا تبعیت^۷ نماید و حتی با پیوستن بلا شرط به عیسی تا حد مرگ و تا حد فدا کردن زندگی خود برای محبت^۸ پیش برود. این رفتار، مستلزم تن دادن به «فروتنی و «تنگ دستی»^۹ و حتی برگشت به سوی «خدا پس از سقوط احتمالی است»^{۱۰}. گرایشی برای نامیدن شاگردان به عنوان «دوازده تن یا «هفتاد و دو تن وجود دارد،^{۱۱} اما طبق اعمال رسولان، هر ایماندار مسیحی، شاگرد محسوب می شود^{۱۲}.

۴ مت: ۹: ۱۴ (= مر: ۲: ۱۸ = لو: ۵: ۳۳)؛ ۱۱: ۲ (= لو: ۷: ۱۸)؛ یو: ۱: ۳۵، ۹: ۲۸ — ۵ مر: ۳: ۱۳؛ لو: ۶: ۱۳، ۱۰: ۱ — ۶ لو: ۹: ۵۷، ۶۲: ۸ (= ۱۹-۲۲) — ۷ مت: ۱۰: ۲۹ — ۸ مت: ۱۰: ۳۷، ۱۶: ۲۴ (= مر: ۸: ۳۴-۳۵)؛ لو: ۱۴: ۲۵-۲۶؛ یو: ۱۳: ۳۵؛ ۱۵: ۱۳ — ۹ مت: ۱۸: ۱-۴، ۱۹: ۲۳-۲۴، ۲۳: ۷ — ۱۰ لو: ۲۲: ۳۲ — ۱۱ مت: ۱۰: ۱، ۱۱: ۱؛ لو: ۱۲: ۱ — ۱۲ اع: ۶: ۱، ۹: ۱۹.

۳) «شاگرد محبوب» چهره ای خاص در انجیل چهارم می باشد که گاهی «شاگردی که عیسی او را دوست می داشت»^{۱۳} و گاهی «شاگرد دیگر»^{۱۴} نامیده می شد. او غالباً به عنوان همراه پطرس ذکر می شود که این امر دل بر هوش نافذتر او است. او نگارنده انجیل یوحنا است^{۱۵}. منتقدان در بیشتر موارد، این چهره را به عنوان یک شخصیت معروف تاریخی می شناسند در حالی که طبق سنت های قرون اولیه میلادی وی را یوحنا پسر زبدی دانسته اند. منتقدان وی را یوحنا پیپر (شیخ *presbyter*) می دانند که در مسلک کهنانی یهودی «شاگرد خداوند» گشت و مکتبی از وی به وجود آمد که از آن مجموعه مباحثات یوحنایی حاصل شد. این چنین بودند داده های سنت مسیحی. اما آیا این داده ها برای متعادل کردن عقاید تثبیت شده کافی می باشند؟

۱۳ یو: ۱۳: ۲۳-۲۶، ۲۷: ۱۹، ۲۵-۲۷، ۲۰: ۲، ۲۱: ۷، ۲۰-۲۳، ۲۴ — ۱۴ یو: ۱۸: ۱۵-۱۶، ۲۰: ۳-۴، ۸ — ۱۵ یو: ۲۰: ۲.

◀ ارباب - پیروی کردن.

شام آخر

لاتین: cena به معنای «شام». آیا آخرین شام عیسی شام یهودی فصح بوده است؟ عقیده منتقدان در این باره متناقض است به این علت که طبق روایت اناجیل: نظیر، عیسی شام گذر را در پنج شنبه شب یعنی شب مرگ خود^۱ برگزار کرد در حالی که طبق روایت انجیل یوحنا مرگ عیسی درست قبل از شام فصح یهودیان به وقوع پیوست^۲، در این مورد سه نظریه پیشنهاد شده است:

(الف) شام گذر پیش از موعد توسط عیسی ترتیب داده شد.

(ب) شام گذر طبق تقویم غیر رسمی برگزار شد.

(ج) شام، شام برادرانه ای بود که عیسی به آن جلوه گذر داده بود. طبق نظریه اخیر عیسی مراسم یهودی عید فصح را نه به توسط مراسمی دیگر بلکه با عملی ساختن ایثار خود از راه مرگ بر صلیب که به هنگام عید گذر صورت گرفت، انجام داد.

^۱مت ۲۶: ۱۷-۲۰ (= مر ۱۴: ۱۲-۱۷)؛ لو ۲۲: ۱۵-۱۶ — یو ۱۸: ۲۸، ۱۹: ۱۴، ۳۱.

◀ فصح، گذر - شام خداوند عیسی مسیح.

شاهد، شهادت

یونانی: martyrs, martyria

(۱) به مفهوم شخصی است که در جریان محاکمه ای واقعه ای را یا مفهوم آن را در مقابل حضار که از آن خبر ندارند و نمی توانند آن را از راه دیدن تصدیق کنند شهادت می دهد. استفاده از این واژه توسط پولس، متی و مرقس به همین مفهوم می باشد یعنی شهادت دادن عدالت خدا^۱، رستاخیز عیسی^۲، فعالیت مسیحایی عیسی^۳ و بدیهی بودن رفتار پولس^۴ را. یهودیان برای ارزش دادن به یک شهادت وجود و شاهد را ضروری می دانستند^۵. مفهوم خفیف تر شهادت دادن هم پیدا می شود^۶.

^۱روم ۳: ۲۱ — ۱۲ قرن ۱۵ — مت ۸: ۴ (= مر ۱: ۴۴؛ لو ۵: ۱۴)؛ ۱۰: ۱۸ (= مر ۱۳: ۹؛ لو ۲۱: ۱۳)؛ ۶: ۱۱ — ۴ روم ۱: ۹؛ ۹: ۱؛ ۲۳: ۱؛ ۲۳: ۱؛ فی ۱: ۸؛ ۱-تسا ۲: ۵-۱۰ — ۵: ۱۰ — ۱۷: ۶؛ ۱۹: ۱۵؛ مت ۱۸: ۱۶؛ ۲۶: ۶۰؛ یو ۱۷: ۸؛ ۱-تیمو ۵: ۱۹؛ عبر ۱۰: ۲۸ — روم ۲: ۱۰؛ ۲-قرن ۸: ۳؛ غلا ۴: ۱۵؛ کول ۴: ۱۳.

(۲) طبق روایت لوقا که نسبت به سنت یسائی^۷ وفادار می باشد عیسی مجمع دوازده حواری له را به موجب گزینش ویژه^۸، شاهدان خود می سازد^۹ نه تنها شاهدان رستاخیز خود بلکه شاهدان زندگی زمینی خود می کند. روح القدس برای شهادت دادن آنها را همراهی می کند^{۱۰}. پولس و استیفان نیز شاهد نامیده می شوند^{۱۱}. دوازده حواری ذات رستاخیز را به عیسی ناصری، پولس آن را با کلیسا، استیفان آن را با شاهد آسمانی که ما را یاری می دهد تعیین می کنند. شهادت شاگردان بر مبنای انبیاء^{۱۲} روح القدس^{۱۳}، و خداوند ما عیسی مسیح^{۱۴} تکیه دارد. این شهادت رستاخیز عیسی^{۱۵}، مسیحایی بودن^{۱۶} او، زندگی اجتماعی^{۱۷} او، سروری^{۱۸} او، ملکوت خدا^{۱۹} را شامل می شود. این شهادت به نظر همه مردم^{۲۰}، رؤسا^{۲۱}، اقوام^{۲۲}، به اورشلیم^{۲۳}، به روم^{۲۴}، به مقابل کوچک و بزرگ برده شده است^{۲۵}.

^۷اش ۴۳: ۸-۱۳ — لو ۲۴: ۴۸؛ اع ۱: ۸؛ ۱۰: ۴۱؛ ۱۳: ۳۱ — ۹: ۱؛ ۲۱-۲۶ — ۳: ۱۵؛ ۵: ۳۲؛ ر. ک. یو ۱۵: ۲۷ — ۱۱: ۲۲؛ ۲۰: ۲۶؛ ۱۶: ۱۲ — ۱۰: ۴۳؛ ۱۳: ۲۲ — ۱۳: ۵؛ ۲۰: ۲۳ — ۱۴: ۱۴؛ ۳: ۱۵؛ ۸: ۱۵ — ۱۵: ۴؛ ۳۳: ۱۶ — ۵: ۱۸؛ ۱۷: ۱۰؛ ۴۲: ۱۰ — ۱۸: ۴۲ — ۲۰: ۲۱ — ۱۹: ۲۳ — ۲۰: ۲۳ — ۲۰: ۲۳ — ۳۲: ۴۰؛ ۱۳: ۳۱ — ۲۱: ۳؛ ۱۵: ۵؛ ۳۲ — ۲۲: ۱۰؛ ۳۹-۴۲ — ۲۳: ۱۸؛ ۲۴: ۱۱ — ۲۳: ۲۲ — ۲۲: ۲۲.

(۳) این واژه در رابطه با یوحنا دارای ارزش ویژه ای می شود. در مفهومی یگانه، عیسی شاهد آن حقیقی^{۲۶} است که نزد پدر دیده و شنیده^{۲۷} است. یحیی تعمید دهنده، اعمال عیسی و خود پدر، اینها هستند که پایه شهادت خود او را تشکیل^{۲۸} می دهد. این امر باید به منظور دروغگو قلمداد نکردن^{۲۹} خدا پذیرفته شود. روح القدس در قلب

ایمانداران عیسی^{۳۰}، پسری الهی و درستی آرمان^{۳۱} او را شهادت می دهد. یوحنا به تأکیدات پولس^{۳۲} ملحق می شود و در کتاب مکاشفه با نشان دادن عیسی به عنوان «شاهد امین»^{۳۳} پایان می یابد.

۲۶ لو: ۱۸: ۳۷ — ۲۷ یو: ۳: ۱۱ — ۳۳ — ۲۸ یو: ۵: ۱۹ — ۴۷ — ۲۹ یو: ۵: ۱۱ — ۳۰ یو: ۱۵: ۲۶ — ۳۱ یو: ۱۶: ۸ — ۱۱ — ۳۲ روم: ۸: ۱۶: عبر: ۱۰: ۱۵ — ۳۳ مکا: ۵: ۳: ۱۴.

(۴) شهادت نهایی، شهادت خون است خونی که بعد از پیشگویی دو شاهد ریخته شده است^{۳۴}... شاهد در سرنوشت کسی که شهادت درباره او می دهد سهیم است^{۳۵}.

۳۴ مکا: ۱۱: ۳ — ۱۲ — ۳۵ مکا: ۲: ۱۳: ۱۷: ۶: ۲۲: ۲۰.

◀ مقدمه. فصل ششم. ۴. ج. ۱. اعتراف کردن - شهید.

شام خداوند

یونانی: kyriakon deipnon (۱-قرن ۱۱: ۲۰)، قدیمی ترین نامگذاری (همراه با پاره کردن *نان) شام قربانی سپاسگزاری مسیحیان که شامل سه وجه مکمل می باشد.

(۱) اعلام مرگ قربانی گونه عیسی به عنوان یادبود شام آخر. دو سنت (لوقا / پولس و مرقس / متی) شام آخر را در زمینه ای پرمعنی قرار داده اند: نشان دادن این امر که عیسی چگونه مرگ خود را درک می کرد. سنت اول این امر را در ارتباط با قربانی خادم مذکور در اشعیا^۱ جای می دهد و سنت دوم تحقق قربانی پیمان با موسی در سینا^۲ را می بیند. هر دو سنت بر ارزش نجات دهنده *مرگ عیسی برای عده ای بسیار زیاد تأکید دارند؛ این نکته در مورد یوحنا نیز صادق است^۳. تنها سنت پولس / لوقا حاوی حکم یادبود است^۴ در صورتی که سنت مرقس نممتی تنها به نشان دادن خاصیت ارادی قربانی عیسی می پردازند.

۱ اش: ۵۳: ۱۲؛ لو: ۲۲: ۱۹-۲۰؛ ۱-قرن ۱۱: ۲۵ — ۲ خروج: ۲۴: ۴-۸؛ مت: ۲۶: ۲۸؛ مر: ۱۴: ۲۴ — ۳ یو: ۶: ۵۱ — ۴ لو: ۲۲: ۱۹: ۱-قرن ۱۱: ۲۵-۲۴.

(۲) مشارکت با خداوند زنده. پولس با حفظ روش ارائه و معرفی قدیمی غذای قربانی، اتحادی را مشارکت کنندگان (یونانی: met-ekhō) در تناول تن و خون مسیح^۵ تشکیل می دهند و در آن مشارکت دارند (یونانی: koinōneō) به شیوه ای برجسته ارائه می دهد. رنگ آمیزی روایت، بر اساس عید فصح یهودیان ماهیت واقعی حضور عیسی رستاخیز کرده را به خوبی تشریح می کند، ماهیتی که پولس آن را از راه تشبیه شام قربانی با شام *بت پرستان^۶ مورد تأکید قرار می دهد. همراه با سنت اناجیل نظیر که روایات مربوط به سیر کردن عده بسیاری توسط عیسی در بیابان^۷ را رنگ آمیزی کرده یوحنا در غذای سپاسگزاری تحقق عطیه من را توسط عطیه زندگی ابدی اعلام نموده است^۸.

۱۵-قرن ۱۰: ۱۶-۱۷ — ۶ مت: ۲۶: ۳۰ (=مر: ۱۴: ۲۶)؛ ۱-قرن ۱۰: ۱۸-۲۱: ۱۱: ۲۷ — ۷ مت: ۱۴: ۱۹ (=مر: ۶: ۴۱)؛ لو: ۹: ۱۶: ۳۶ (=مر: ۸: ۶-۷) — ۸ یو: ۶: ۵۸-۲۶.

(۳) در دورنمای بازگشت مسیح، مرگ نجات دهنده عیسی^۹ اعلام می شود. برحسب یک روایت دیگر که در روایات بنیان گذاری عشاء ربانی حفظ شده است خود عیسی نیز به ضیافت *آخرتی^{۱۰} اشاره می کند در حالی که شام آخر، غذای سپاسگزاری را به دوران غیبت منحصر می داند.

۱۹-قرن ۱۱: ۲۶ — ۱۰ مت: ۲۶: ۲۹؛ مر: ۱۴: ۲۵؛ لو: ۲۲: ۱۶-۱۸.

◀ شام آخر - مشارکت - جام - سپاسگزاری - پاره نان - ماراناتا - ضیافت - قربانی

شائول

یونانی: Saoul, Saulos، از عبری chā'ûl. نام اصلی پولس که شکل لاتین همین نام است^۱.

۱ اع: ۹: ۴: ۱۳: ۹.

◀ پولس.

شب

یونانی: nyx.

(۱) در عصر رومیان، مدت زمان بین غروب و طلوع خورشید به چهار پاس تقسیم می شد که فاصله بین پاس ها ثابت نبوده است.

(۲) نمادگرایی خلقت، شب را به عنوان تاریکی فناپذیر تلقی کرده و روز را مربوط به امید می کند.^۱ در تفسیر مجدد، شب گذر شب تحقق نجات است.^۲ از آن به بعد ایمان داران در صورتی که هنوز در شب هستند دیگر تا فرا رسیدن آن *روز بزرگ که در آن نور بی زوال خواهد بود از آن شب نمی باشند.^۳ در موقع شب که مناسب ترین زمان برای دعا است^۴ خدا خود را به میل خود نمایان می سازد.^۵

^۱ پید۱:۵؛ مز۱۳:۶؛ اش۲۱:۱۱؛ یو۱۰:۱۱؛ روم۱۲:۱۳ — خروج۴:۱۱؛ ۱۲:۲۹؛ حک۱۸:۱۴-۱۵؛ ۱-قرن۱۱:۲۳ — ۱۳-تسا ۵:۵؛ مکا ۲۱:۲۵؛ ۲۲:۵ — اع۵:۱۹؛ ۱۶:۹؛ ۱۸:۹؛ ۲۳:۹؛ ۲۳:۲۷؛ ۲۳:۱ — ۵-مر ۳۵:۱؛ لو۶:۱۲.

◀ روز - نور - ظلمات - پاس.

شب

یونانی: hespera^۱ (hōra) opsia به معنای ساعت (دیر وقت) (از opse^۲ به معنای «دیر»). آغاز شب یا حتی آخر پاس اول (ساعت ۲۱).

^۱ لو۲۴:۲۹؛ اع۴:۳؛ ۲۳:۲۸ — مت۲۸:۱؛ مر ۱۱:۱۹؛ ۱۳:۳۵.

◀ ساعت - شبانه روز - شب - پاس.

شبان

یونانی: poimēn.

(۱) صبحدم شبان روستا پیشاپیش *گوسفندان و *بزهایی که به او سپرده شده اند به راه می افتد. شبگاهان او آنها را برای آشامیدن آب به سرچشمه می برد. در آنجا هر یک از صاحبان با صدایی که با کمک زبانش در می آورد، خود را به حیوانات خویش می شناساند و آنها را جمع می کند. در زمان عیسی شبانان بخشی از عوام مردم را تشکیل می دادند که نه شریعت را می شناختند و نه به آن عمل می کردند. با این حال توسط همین شبانان بود که مژده/خبر خوش تولد عیسی اعلام شد.^۱

^۱ لو۲:۸-۲۰.

(۲) شبان در آثار ادبی جهان تصویری سنتی از یک رهبر سیاسی یا مذهبی در یک جامعه را تشکیل می دهد. به همین ترتیب هرچند در کتاب عهد عتیق این عنوان استثنائاً فقط به یهوه یا پادشاهان اسرائیل^۲ داده می شود، اما از سوی دیگر بیانگر یک امید زنده و پویا به آمدن شبانی است که در آخر زمان برای شبانی قوم خویش می آید، تا جایگزین رهبرانی شود که نسبت به رسالت خود پیمان شکنی کرده اند (یا: امین نبوده اند).^۳

^۲ پید۴۸:۱۵؛ ۲۴:۴۹؛ اعد۲۷:۱۵-۲۰؛ ۲-سمو۷:۸؛ مز۲۳ — اش۴۰:۱۰-۱۱؛ ارا۲۳:۴؛ حزق۳۴:۲-۱۰؛ میک۴:۶-۷.

(۳) همان طور که عیسی خدا را به شبانی پر از دل نگرانی^۴ تشبیه می کند، خودش نیز مانند خدا نسبت به گوسفندان گمشده^۵ و بی شبان^۶ مملو از ترحم است. او حتی اجازه می دهد او را کتکش بزنند زیرا به خدائی اعتماد دارد که در جمع کردن رمه کوچک^۷ وی به او کمک خواهد کرد. *پسر انسان، آن رمه را در روز واپسین برای داوری جمع آوری می کند.^۸ تمام این نکات در انجیل چهارم در استعاره شبان نیکو^۹ گردآوری شده است. ایمانداران نیز در عیسی شبان حقیقی را دیده اند.^{۱۰}

^۴ لو۱۵:۷-۴ — مت۵:۱۰؛ ۶:۱۵؛ ۲۴:۱۹؛ ۱۰ — مت۹:۳۶ (=مر۶:۳۴) — مت۷:۲۶-۳۱؛ (=مر۱۴:۲۷-۲۸)؛

لو۱۲:۳۲ — مت۲۵:۳۱-۳۲ — یو۱۰:۱-۳۰ — عبر۱۰:۲۰؛ ۱-بطر۲:۲۵؛ ۴:۵؛ مکا۷:۱۷.

(۴) شبانان، که پطرس اولین آنها است^{۱۱} به نوبه خود مأمور هستند تا بر کلیسا دیدبانی کنند^{۱۲}، به جستجوی گوسفندان گمراه/سرگردان^{۱۳} بروند و از رمه در مقابل گرگ ها محافظت کنند^{۱۴}.
^{۱۱} یو ۲۱: ۱۶ — ^{۱۲} افس ۴: ۱۱ — ^{۱۳} مت ۱۸: ۱۲-۱۴ — ^{۱۴} اع ۲۰: ۲۸-۳۱.
 ◀ مقدمه - فصل هفت، ۲.

شتر

یونانی: kamelos، عبری: gāmāl. یکی از قدیمی ترین حیوانات مخصوص سواری و بارکشی که در خاور نزدیک شناخته شده اند. یکی از علائم ثروت در نزد بدویان^۱. پشم آن را برای تهیهٔ لباس^۲ به کار می بردند. هیکل بزرگ شتر چه به خودی خود^۳ و چه در مقایسه با پشهٔ کوچک ضرب المثل شده است^۴.
^۱ پید ۱۶: ۱۲؛ ۴۳: ۳۰؛ داور ۵: ۶؛ اش ۶: ۶۰ — ^۲ مت ۴: ۳ (= مر ۶) — ^۳ مت ۲۴: ۱۹ (= مز ۱۰: ۲۵ = لو ۱۸: ۲۵) — ^۴ مت ۲۴: ۲۳ □

شر

حقیقی است مخالف با خوب یا خوبی که آن را «بد (بی کفایت، دارای کمترین ارزش) یا شریر (مخرب از نظر اخلاقی و مذهبی)» می نامند.
 واژه عبری آن râ (ra'ha) و یونانی آن شامل دو واژه تقریباً معادل هم است یعنی kakos (K) و ponēros (P) مشتق از ponos به معنای «کار، خستگی، زحمت» ponēros را بیشتر برای توصیف مسئول بودن در شر، فساد یا تجسم شر به کار می برند.

(۱) واقعیت شر، هم در کتاب عهد جدید و هم در کتاب عهد عتیق مورد تصدیق است. فی المثل: کارهای بدی که در نظام فیزیکی تحمل می شوند^۱ یا در نظام اخلاقی حاصل می گردند^۲، انسان های شریر^۳، ارواح بد^۴، خود بدی^۵، شر متجسم که آن را با شیطان یکی می دانند^۶. شر انسان را از خدا و انسان ها جدا می کند^۷. باید به هر قیمتی از آن اجتناب کرده^۸ و باید برای این منظور دعا کرد^۹.

^۱ مت ۱۵: ۲۲؛ لو ۱۶: ۲۵؛ اع ۲۸: ۵ — ^۲ مت ۱۸: ۲۲ (p)؛ اع ۲۳: ۹؛ روم ۱۴: ۲۰؛ کول ۱: ۲۱ (p) — ^۳ مت ۲۱: ۲۱؛ ۴۱: ۴۱؛ ۲۴: ۴۸؛
 ۲- تیمو ۳: ۱۳ (p) — (p) ۱۳: ۱۲؛ مت ۱۲: ۴۵؛ لو ۷: ۲۱؛ ۸: ۲؛ ۱۱: ۲۶؛ اع ۱۹: ۱۲-۱۳؛ ۱۵-۱۶؛ افس ۶: ۱۲ — ^۵ مت ۵: ۱۱ (p)؛
 روم ۷: ۱۹؛ ۲۱ (k)؛ روم ۱۲: ۹ (p)؛ ۱۲: ۲۱ (k) — (p) ۱۲: ۲۱؛ مت ۵: ۳۷؛ ۱۳: ۱۹؛ ۳۸؛ یو ۱۷: ۱۵ احتمالاً مت ۶: ۱۳؛ ۱۳: ۳۸ —
^۷ روم ۱: ۲۹؛ تیط ۳: ۳ — ^۸ روم ۱۲: ۹ (p)؛ ۱۲: ۱۷؛ ۲۱؛ کول ۳: ۸؛ افس ۴: ۳۱؛ ۱- پطر ۳: ۹ — ^۹ مت ۶: ۱۳؛ اع ۸: ۲۲.

(۲) مسئله شر به طور مستقیم مورد آزمایش قرار نگرفته است چون کتاب عهد جدید در قید انتقامجویی از خدا به خاطر خلق شر نمی باشد. شر عبارت است از نتیجه مجازات به حق الهی که در ضمن دعوت به برگشت به سوی خدا جهت پیشگیری از وخیم تر شدن اوضاع انجام می گیرد^{۱۰} یا آزمایشی است که باید به خاطر تجربهٔ محبت خدا آن را تحمل کرد^{۱۱}. شر، نه اصلی مابعدالطبیعه است و نه اصل تشکیل دهندهٔ جهان (زردشت) نه حتی «روح ظلمات» در مقابل «روح روشنایی» (دوگانگی *قمران) است. شر از سوی خدا نمی آید^{۱۲} بلکه از قلب انسانی خارج می شود که از اصل شریر گردیده^{۱۳} است. انسان اجازه می دهد به خاطر قدرت های شریر^{۱۴}، به خاطر نفس اماره^{۱۵}، به خاطر استفادهٔ بد از آزادی یا زبان^{۱۶} به سوی شر کشیده شود. شر نه از نادانی بلکه از گناه به وجود می آید. تنها عیسی مسیح است که بر شر غالب شد^{۱۷} و انسان را از شر و قدرت های آن می رهاند.

^{۱۰} لو ۱۳: ۵ — ^{۱۱} روم ۵: ۸؛ ۲۰-۲۲، ۳۵-۳۶، ۳۸-۳۹ — ^{۱۲} یع ۱۳: ۱۳ — ^{۱۳} پید ۵: ۵؛ ۱- سمو ۱۷: ۲۸؛ ۱- پاد ۴۴: ۲؛ ار ۵: ۳ (p)؛
 مت ۹: ۴؛ ۱۲: ۳۴؛ ۱۸: ۲۲؛ مر ۷: ۲۲؛ لو ۱۱: ۳۹؛ روم ۱: ۲۹؛ ۱- قرن ۵: ۸؛ عبر ۱۲: ۱۲ — ^{۱۴} افس ۶: ۱۲ — ^{۱۵} تیمو ۶: ۱۰ — ^{۱۶} ۱- قرن ۱۴: ۲۰؛ یع ۳: ۸؛ ۱- پطر ۲: ۱۰؛ ۳: ۱۰ — ^{۱۷} مت ۲۸: ۱۲؛ یو ۱۵: ۱۷؛ اع ۲۶: ۳؛ غلا ۴: ۴؛ کول ۲: ۱۵؛ ۱- یو ۱۴: ۱۴.
 ◀ آزادی - گناه - شیطان.

شراب

(۱) شراب (یونانی: oînos) مصرف روزمره ندارد چون نوشابه مخصوص عیدها است. شراب قلب انسانی^۱ را شاد می‌کند و *ضیافت آخرتی را اعلام می‌دارد^۲ در آشامیدن شراب نباید زیاده روی کرد^۳ چون باید دانست که فقط با در نظر گرفتن سلامتی باید مصرف شود^۴.

^۱ داور: ۱۳:۹؛ مز: ۱۵:۱۰؛ ر.ک مکا: ۶:۶؛ ۱۳:۱۸ — ^۲ اش: ۲۵:۶؛ مت: ۲۶:۲۹ (= مر: ۱۴:۲۵ = لو: ۲۲:۱۸) — ^۳ بنسی: ۳۱:۲۵-۳۱؛

افس: ۵:۱۸؛ ۱- تیمو: ۳:۳-۸؛ تبط: ۷:۳؛ ۱- پطر: ۳:۴ — ^۴ لو: ۱۰:۳۴؛ ۱- تیمو: ۵:۲۳؛ ر.ک مت: ۲۷:۳۴ (= مر: ۱۵:۲۳).

(۲) عیسی برخلاف یحیی تعمید^۵ دهنده از نوشیدن شراب پرهیز نکرد^۶ او ترش بودن شراب تازه و خوبی شراب کهنه را به خوبی^۷ می‌دانست در قانا به حکم او آب به عنوان بهترین شراب، فراوان چشیده شد^۸.

^۵ اعد: ۶:۳-۴؛ داور: ۱۳:۴؛ لو: ۱۵:۱۳؛ ۳۳:۷؛ ۱۹:۱۱ (= لو: ۷:۳۴) — ^۶ مت: ۹:۱۷ (= مر: ۲:۲۲ = لو: ۵:۳۷-۳۸)؛ ^۷ یو: ۳:۲۰-۳۹؛ ^۸ یو: ۳:۱۰.

(۳) در کتاب عهد جدید شراب هرگز در متن آیینی نیامده است مگر در به هنگام شام آخر عیسی شراب را «میوه مو» نامید^۹ و در مورد تناقض های تغذیه ای صحبت کرد^{۱۰}. از لحاظ استعاره *شراب غضب خدا را در زمان های آخر مشخص می‌کند^{۱۱}.

^۹ مت: ۲۶:۲۹ (= مر: ۱۴:۲۵ = لو: ۲۲:۱۸) — ^{۱۰} روم: ۱۴:۲۱ — ^{۱۱} اش: ۵۱:۱۷-۲۲؛ حزق: ۲۳:۳۱ ... مکا: ۱۴:۸-۱۰؛

۱۶:۱۹؛ ۱۷:۲؛ ۱۸:۳؛ ۱۹:۱۵.

◀ چرخشت - بت پرستی - مُر - خوشه چینی - رذائل - تاک.

شریعت

یونانی: nomos (از nemô یعنی «تقسیم کردن، نسبت دادن، مالک بودن») به معنای «استعمال، عادت، شریعت» عبری: tôrâ به معنای «آموزش، شریعت». واژه ای است که به فراوانی در نزد پولس و به ندرت در اناجیل مشاهده می‌شود. در حالی که در مرقس، رساله های جامع (به استثنای رساله یعقوب) و مکاشفه یوحنا اصلاً دیده نمی‌شود.

(۱) معنای گسترده این واژه در بعضی اوقات معادل است با مجموعه عهد عتیق^۱. اما معمولاً مشخص کننده پنج کتاب اول *کتاب مقدس است که به *موسی نسبت داده می‌شده یعنی امانت دار اراده یهوه بر *قومش^۲. این پنج کتاب عبارتست از *تورات یا *کتاب های پنجگانه.

^۱ یو: ۱۰:۳۴؛ روم: ۳:۱۹-۲۰؛ ۱- قرن: ۱۴:۲۱ — ^۲ مت: ۷:۱۲؛ ۱۲:۵؛ لو: ۲۷:۱۶؛ ۱۷:۲۴؛ ۲۴:۴۴؛ روم: ۳:۲۱؛ غلا: ۴:۲۱؛

مقدمه، فصل دوازدهم.

(۲) در معنای دقیق، شریعت عبارت از تعلیم *مکاشفه است که خدا برای تنظیم رفتار اسرائیل^۳ به وی داده است. شریعت هرگز نباید از خدا که تنها کسی است که با کلام خود به آن ارزش می‌دهد، جدا باشد. اگر *فرامین دهگانه در گفتگو باز نشود، به صورت فهرستی باقی خواهد ماند.

^۳ مقدمه. فصل سیزدهم ج. ۴؛ فصل دوازدهم؛ فصل چهاردهم.

(۳) عیسی شریعت عهد عتیق را به مفهوم یک مکاشفه زنده باطل نکرده است بلکه آن را *تحقق بخشیده است^۴. عیسی در ضمن اطاعت از قانون^۵، دستورات را در برابر ضرورت بازگشت درونی به خدا قرار می‌دهد و با قانون پرستی زمان خود که دستورات برای قواعد ارج بیش از حد قائل می‌شود، آنهم بدون توجه به تفاوت ها^۶، مخالفت می‌کند. او شریعت را در فرمان دوگانه محبت به خدا و به همنوع^۷ خلاصه می‌کند، با برابر داشتن آن با وظیفه محبت نمودن^۸ ریشه دار ساخته با ادای کلمات: «من به شما می‌گویم»^۹ به آن جنبه شخصی می‌دهد.

^۴ مت: ۵:۱۷ — ^۵ مت: ۵:۱۸؛ ل — ^۶ مت: ۲۲:۲۷، ۲۴:۳۹، ۱۶:۱۷ — ^۷ مت: ۲۳:۲۳؛ ۲۳:۲۳ — ^۸ مت: ۲۲:۳۶، ۴۰؛ ^۹ (لو: ۲۶:۱۰) — ^{۱۰} مت: ۵:۴۳-۴۴؛ لو: ۶:۲۷، ۲۸ — ^{۱۱} مت: ۵:۲۲، ۲۸، ۳۲، ۳۴.

(۴) یوحنا واژه «شریعت» را منحصرأ در مورد شریعت قدیمی^{۱۰} به کار می‌برد. پولس در حالی که گاهی معنای کاملاً متفاوتی به این واژه می‌بخشد آن را برای مشخص نمودن نظام عهد عتیقانه روابط خدا با اسرائیل به کار می‌برد. این

«نظام» باطل می باشد زیرا مسیح بر ادامه آن پایان بخشید^{۱۱}، مسیحی که توسط وی نظام فیض برقرار شد^{۱۲}.

^{۱۰} یو ۱: ۱۷؛ ۸: ۱۷؛ ۱۰: ۳۴ — ^{۱۱} روم ۴: ۱۰ — ^{۱۲} روم ۵: ۲۰؛ ۶: ۱۴.

۵) پولس در مشاجره قلمی خود بر علیه کسانی که سرمنشأ و عادل شمرده می شوند را در شریعت قرار می دهند، مقام شریعت را تنزل داد و آن را صرفاً نشانه ها ساده از نیکوکاری می داند هرچند که اصل آن آسمانی است^{۱۳}. همان طوری که انبیاء قبلاً گفته اند این نشانه ها قادر نیستند به خودی خود رفتار انسانی را تغییر دهند^{۱۴}.

^{۱۳} روم ۷: ۷-۲۵ — ^{۱۴} ار ۳۱: ۳۳؛ مقدمه. باب اول ۴.

۶) و سرانجام این واژه می تواند در دو انتهای طرح نجات بخش خدا به کار بسته شود. در یک انتها درباره شریعت مکتوب در *وجدان صحبت می شود که به طور طبیعی اجرا می شود بدون اطلاع از اصل آسمانی آن نه برای نظامی مشخص کردن که در آن خدا حضور ندارد بلکه برای نشان دادن حالت آنهایی که ایمان یهودی یا مسیحی ندارند^{۱۵} در انتهای دیگر پولس از «شریعت عیسی»^{۱۶} صحبت می کند نه برای اعلام این امر که پیمان جدید هنوز نظامی است قانونگذار بلکه برای نشان دادن قانونی که همراه عیسی بر روی صلیب می میرد و به نحوی توسط قدرت روح القدس از مرگ برمی خیزد و کلام عیسی ناصری را قابل درک می کند^{۱۷}. هم چنین رساله *یعقوب درباره «شریعت ملوکانه آزادی»^{۱۸} صحبت می کند. اما طبق گفته یوحنا که قانون و قانون موسی را یکی می داند هر آنچه در شریعت صورت مثبت دارد در «فرمان» مستقر می باشد^{۱۹}.

^{۱۵} روم ۲: ۱۴-۱۵ — ^{۱۶} غلا ۶: ۲؛ رک ۱-۱ قرن ۹: ۲۱ — ^{۱۷} روم ۸: ۱-۱۷ — ^{۱۸} یح ۱: ۲۵؛ ۲: ۸، ۱۲ — ^{۱۹} یو ۱۳: ۳۴-۳۵؛

۱۵: ۱۷، ۱۲؛ ۱-۱۰ یو ۲۳: ۲۳.

◀ مقدمه. فصل دوازدهم. الف: فصل چهاردهم ۱۰ - فرمان - دکتر - شریعت - قانون دادن.

شستن

یونانی: niptō به معنای «شستن» niptomai به معنای شستن صورت^۱، دست و پا ولی از این واژه در مورد شستن اشیاء، تور، لباس استفاده نمی شود (در این موارد واژه یونانی plynō به کار می رود)^۲.

^۱ مت ۶: ۱۷؛ یو ۹: ۷، ۱۱، ۱۵ — ^۲ لو ۵: ۲؛ مکا ۷: ۱۴؛ ۲۲: ۱۴.

۱) شستن پاها خدمتی بود که انجام آن در مورد هر *مهمان الزامی بود^۳ و معمولاً توسط غلام *غیر یهودی^۴ عملی می شد. خدمتی بود که *شاگردان علاقه داشتند نسبت به *استاد خود روا بدارند. و عیسی هم اراده کرد این خدمت را درباره شاگردان خود اجرا کند که نمونه ای بی نظیر بود و *نماد *قربانی بانی جمعیت بود^۵. «کار نیک» است و باید همواره انجام شود^۶.

^۳ پیدا ۱۸: ۴؛ لو ۳۸: ۴۴ — ^۴ سمو ۲۵: ۴۱ — ^۵ یو ۱۳: ۴-۱۵ — ^۶ تیمو ۵: ۱۰.

۲) شستن دست ها قبل از غذا یکی از رسوم پاکیزگی *آئینی بود که عیسی آن را به علت این که نمادگر پاکی باطنی نمی باشد مورد انتقاد قرار داد^۷. *پپلاطس با شستن دست های خود بی گناهی عیسی را ابراز می دارد^۸.

^۷ مت ۲۰: ۱۵؛ ۲۰/۲ (= مر ۷: ۲-۳) — ^۸ تث ۲: ۶-۸؛ مز ۲۶: ۶؛ مت ۲۷: ۲۴.

◀ مقدمه. فصل هشتم. ۱. ج - غسل - آب - پاک.

شفا

۱) علاوه بر افعال معمولی در یونانی: therapeuō به معنای «پرستاری کردن، خدمتگزاری کردن»^۱، iaomai به معنای «خاتمه دادن به یک بیماری»^۲ یا hygiainō به معنای «برگرداندن سلامتی»^۳، کتاب عهد جدید از افعال زیر به همین معنا استفاده می کند: katharizō به معنای «تطهیر از جدام»^۴ sōzō به معنای «نجات دادن»^۵ و یک بار هم فعل apolyō به معنای «از بند رهائی دادن»^۶.

^۱ مت ۴: ۲۳؛ ۸: ۷؛ لو ۴: ۲۳ — ^۲ مت ۸: ۸ — ^۳ یو ۵: ۴-۱۵؛ اع ۴: ۱۰ — ^۴ مت ۸: ۲-۳ (= مر ۱-۴۰-۴۴؛ لو ۵: ۱۲-۱۴)؛ ۱۰:

۸: ۱۱: ۵ (= لو ۷: ۲۲): لو ۴: ۲۷: ۱۷: ۱۴-۱۷ — مت ۹: ۲۱-۲۲: مر ۱۰: ۵۲: لو ۱۷: ۱۹ — لو ۱۳: ۱۲.
 (۲) عیسی بیماران بسیاری را معمولاً توسط تنها یک کلمه (به استثنای مر ۷: ۳۳: ۸: ۲۳: یو ۹: ۶) ^۷، و غالباً در رابطه با سبت ^۸ شفا داده است: بدین ترتیب او اعلان می کرد که *ملکوت خدا نزدیک شده است ^۹.
 ۷: ۱: ۲۵: ۲: ۱۱: ۹: ۲۵ — مت ۸: ۱۲-۱۰: مر ۳: ۲: ۴: لو ۶: ۷: ۹: ۱۳: ۱۴-۱۶: ۳: یو ۵: ۱۶: ۱۸: ۱۴: ۹ — مت ۹: ۱۱-۴: ۵ (= لو ۷: ۲۲): لو ۶: ۱۹: اع ۱۰: ۳۸.
 (۳) قدرت شفا دادن بیمارها به دوازده ت ^{۱۰} و هم چنین به ۷۲ شاگرد ^{۱۱} بود. این فعالیت به نام عیسی انجام می گرفت ^{۱۲}. هم چنین اکنون نیز عطیه شفا دادن وجود دارد ^{۱۳}.
 ۱۰: ۱: ۸: ۱۰: ۸: ۱۳: ۶: ۱۳: ۱۶: ۱۸: ۱۹: ۶: ۱۱ — اع ۱۲: ۳: ۱۳: ۱۹: ۱۳ — قرن ۱۲: ۹: ۲۸: ر. ک یو ۵: ۱۴.
 ◀ بیماری - طبیب - معجزه - مسح.

شفاعت

حاجت خواستن در حق همنوع خود همانا شفاعت در حق کسی است. ابراهیم ^۱ و موسی ^۲، خدمتگزار یهوه ^۳، شفاعت کنندگان به نامی هستند که اعلام می کنند *میانجی در حد کمال عیسی مسیح است. شفاعت عبارت است از دعا کردن (یونانی: deomai به معنای «کم داشتن چیزی، احتیاج داشتن، خواستن») برای هر کسی غیر از خویشان ^۴. نوع دیگر شفاعت عبارت است از گفتگو کردن با کسی یا چیزی (یونانی: entygkhamn) مانند وساطت (erotaō) عیسی مسیح برای شاگردانش ^۵ یا وساطت روح القدس ^۶ یا وساطت ایمانداران به طور کلی ^۷. شفاعت بر مبنای همبستگی موجودات مصداق پیدا می کند.
 ۱: ۱۸: ۱۶-۳۳: ۱۹: ۲۹ — خروج ۳۲: ۱۱-۱۴ — اش ۵۳: ۱۲ — اع ۴: ۸: ۲۴: فی ۱: ۴: ۱۹: افس ۶: ۱۸ — یو ۱۷: ۹، ۱۵: ۲۰: روم ۸: ۳۴: عبر ۷: ۲۵ — روم ۸: ۲۶-۲۷ — ۱۷-تیمو ۲: ۱.
 ◀ شفیع - نیایش (دعا).

شفیع

یونانی: mesitēs.

(۱) معنای عام این واژه عبارت است از واسطه بودن بین دو دسته مجزا که در پی سازش هستند. بیشتر مذاهب در جستجوی پرکردن فاصله ای هستند که احساس می شود بین خدا و انسان وجود دارد. جادوگران، کاهنان، پادشاهان، قهرمانان آسمانی، جسم گرفتن و شینو یا میترا، انواع و اقسام موجودات متعهد هستند که پیوندی بین الوهیت و انسانیت برقرار نمایند. در میان یهودیان، فرشتگان، پادشاهان، پیامبران و کاهنان، خدمتگزاران یهوه، همه نقشی را ایفاء می کنند اما بالاخره موسی قاطعانه به عنوان شفیع پیمان توسط شریعت و آئین تعیین می شود.
 (۲) پولس را اعلام می دارد که وساطت مطلوب به دست نیامده است. *شریعت به صورت لغوی ملموس گشته عامل محکومیت شد ^۱ و با ایجاد آگاهی از ماهیت گناهکار ^۲، *نفرین را به دنبال می آورد ^۳. قربانی هائی که طبق آئین عبادت هدیه می شدند، انسان را واقعاً وارد *پیوند با خدا نمی کردند ^۴. شریعت و آئین عبادت این جدائی را بدون ایجاد هماهنگی تشدید می نمودند.
 ۱: ۱۱-۱۰: ۱۱-۱۱ — عبر ۱۰: ۱۱-۱۱.
 (۳) عیسی به عنوان واسطه یگانه معرفی شده است ^۵. اما نه از آغاز تن گرفتن خود، زیرا که طبق نظریه بعضی از متألهین، او در شخص خود دو طبیعت الهی و انسانی را جمع دارد، بلکه به علت قربانی *شفاعت خود او شفیع واحد است. بر صلیب نهایت جدائی عیسی از انسان ها و از خدا ^۶ و در عین حال کامل ترین نوع *اطاعت از خدا و همبستگی تمام به انسان ها تحقق می یابد ^۷.
 ۱۵-تیمو ۲: ۵: عبر ۸: ۶: ۹: ۱۴-۱۵ — مر ۱۵: ۳۴: غلا ۳: ۱۳ — ۷: ۵: عبر ۹: ۷.

۴) عیسای شفیع، نه تنها شخص ثالث یا وسیله ای است که به خاطر شفاعت خود «وساطت می کند» تا ارتباط انسان ها با خدا برقرار شود، بلکه کسی است که در وی «پیمان بین خدا و انسان ها برای همیشه برقرار می شود».^۸ یو ۱۴: ۶.

شکرگزاری

۱) یونانی: eukharistia (متشکل از eu: «نیکو، بسیار» و kharizomai «خشنود کردن» یا kharis «آنچه که از آن خوشنود می شویم»): «شکرگزاری» eukharisteō و kharinechō «تشکر کردن». این واژه ابداً در عهد عتیق شناخته شده نیست زیرا در عهد عتیق معمولاً کلمه «برکت را به کار می برد. بدین ترتیب تبرک پیش از غذا در محافل یونانی «شکرگزاری»^۱ نامیده می شود و نیز دعای برکتی که در اناجیل^۲ آمده است و شاید هم آئین مناجاتی که در مکاشفه^۳ به آن اشاره شده است، همین عنوان را دارد. سایر موارد استفاده این واژه توسط پولس بوده است.

۱ مت ۱۵: ۳۶ (= مر ۸: ۶ = یو ۶: ۱۱): ۲۶: ۲۷ (= مر ۱۴: ۲۳ = لو ۲۲: ۱۷ و ۱۹ = ۱-قرن ۱۱: ۲۴): اع ۲۷: ۳۵ — ۲ لو ۱۸: ۱۱: یو ۱۱: ۴۱: ر. ک اع ۲۸: ۱۵ — ۳ مکا ۴: ۹: ۷: ۱۲: ۱۱: ۱۷.

۲) شکرگزاری یکی از اشکال مناجات است. بدین ترتیب رسمی کهن تغییر یابد یعنی شکرگزاری رسولان که همیشه آغازگر مکاتبات ایشان است و تشکری است خطاب به خدا در نزد پولس، موضوع این تشکر برحسب دریافت کنندگان نامه متغیر است و عبارتست از ایمان، محبت و امید و نیز گسترش زندگی مسیحی. نامه معمولاً با دعای درخواست^۴ آغاز می شود. بدین ترتیب شکرگزاری «تمجید و تسبیحی است که به وسیله آن خدا را به خاطر نیکویی هایش^۵ ستایش می کنند، همان گونه که به هنگام دعای تبرک^۶ انجام می شود. شکرگزاری هم چنین می تواند به دنبال موقعیتی اندوه بار^۷ که به نیکویی جبران شده است ظاهر گردد یا هم چون عبارت «خداوندا، شکر!» کنه وجود فرد را بروز دهد.^۸

۴ روم ۱: ۸: ۱-قرن ۱: ۴: ۱-قرن ۱: ۱۱: افس ۱: ۱۶: فی ۱: ۳: کول ۱: ۳: ۱-تسا ۱: ۲: ۲-تسا ۱: ۳: ۱-تیمو ۱: ۱۲: ۲-تیمو ۳: ۱: فیل ۴: ۲۵-قرن ۱: ۸: ۱۶: ۹: ۱۵ — ۶ روم ۱: ۲۵: ۹: ۵: ۲-قرن ۱: ۳: ۱۱: ۳۱: افس ۱: ۳: ۷: ۱۷: ۶: ۷: ۲۵: ۱-قرن ۱۵: ۵۷: ۲-قرن ۱۴: ۱۴: ۱۴: ۱۸.

۳) شکرگزاری، روح زندگی مسیحی است. این رویه اجباری است: برخلاف akharistoī^۹ یا خودپرستی که پولس آن را افشا می کند^{۱۰} باید همیشه eukharistoī^{۱۱} یا شاکر بود و در همه چیز^{۱۲} سرشار از حق شناسی^{۱۳}، خصوصاً برای دعوتی که شنیده ایم و پیروزی که عطا شده است^{۱۴} شکرگزاری چنان که در «آیین عشاء ربانی» به عمل می آید، باید کلیه اعمال انسانی^{۱۵} را تحت الشعاع قرار دهد.

۹ تیمو ۳: ۲ — ۱۰ روم ۱: ۲۱ — ۱۱ کول ۳: ۱۵ — ۱۲ روم ۱۴: ۶: ۱-قرن ۱: ۳۰: ۵: ۲۰: ۱-تسا ۵: ۱۸ — ۱۳ ۲-قرن ۱۵: ۴: کول ۲: ۷ — ۱۴ ۲-قرن ۱۵: ۹: ۱۵ — ۱۵ کول ۱: ۱۲، ۳: ۱۷.

◀ مقدمه، فصل نهم — برکت — سپاسگزاری — ستایش — نیایش — قربانی.

شکل

۱) ترجمه احتمالی واژه یونانی morphe به معنای «شکل».

۲) ما توسط واژه «شکل» دو واژه یونانی را مشخص می کنیم بدون اینکه آنها با معنای حقیقی آن مطابقت نمایند: morphè (=M) (وجه اشتقاق نامشخص) به معنای «شیوه بودن، هیئت ظاهری» و schema (=S) از echō به معنای «جا داشتن، قرار گرفتن»؛ «وقار، رفتار، صورت، لباس» و هر یک از ترکیبات این واژه مانند «شکل دادن» (syn-)، «تغییر شکل دادن» «تغییر هیئت دادن» (meta-).

الف) برخلاف عرف که به آسانی شکل و بنیاد را با ظاهر و واقعیت معادل می داند شایسته است مفهوم «شکل» را نه به آنچه که بر ذات افزوده می شود بلکه به خود موجود که خود را تبیین می کند، می نمایاند و می شناساند اطلاق کرد.

ب) بنابراین شریعت شکلی را به دست می دهد که، معرفت و راستی را بیان می کند.^۱ آن چیزی که همراه با «صورت این جهان» در گذر است ظاهر جهان نیست بلکه خود این جهان می باشد که از گناه ساخته شده است.^۲ عیسی از بین دو روش شناساندن، خود را نه به صورت سرور بلکه به صورت برده شناساند. او خود را برده ساخت و خود را برده نشان داد.^۳ او به هنگام ظاهر شدن های خود در عید گذر به صورتی ظاهر می شد که توسط آن عیسی ناصری را شناخت.^۴

^۱ روم ۲: ۲۰ – ۱۲۲ – قرن ۷: ۳۱ – اش ۵۲: ۱۴ (M): فی ۲: ۶-۷ – مر ۱۶: ۱۲ (M).

ج) از این رو در کتاب عهد جدید واژه «شکل گرفتن» به معنای پیروی از یک نمونه نیست بلکه تن در دادن، از درون، به قدرتی یا «عالمی»^۵ یا «طمع هایی»^۶ یا فراگیر شدن در قدرت اثربخش «مرگ مسیح»^۷ یا واگذاری باطن خود برای شکل گرفتن تصویر پسر خدا^۸ در آن است. تغییر شکل دادن و «تحوّل هیئت دادن تنها به معنای تغییر ظاهری نیست بلکه وا گذاشتن درون خود به «جلالی که در چهره مسیح»^۹ می درخشد یا در پیش گرفتن اصل جدید زندگی یعنی پیروی از زندگی عیسی مسیح که تن میرای ما را به مثابه تن خود شکوهمند خواهد ساخت.^{۱۰}

^۵ روم ۱۲: ۲ – ۱۶ – بطر ۱۴: ۱ (S) – فی ۳: ۱۰ (M) – روم ۸: ۲۹ (M): غلا ۴: ۱۹ (M): رک. ۲ – قرن ۳: ۱۸ – ^۹ مت ۲: ۱۷ (M) – فی ۳: ۲۱ (SM).

د) رسولان کاذب، خود را مشابّه رسولان نمی سازند و شیطان هم به صورت نور در نمی آید بلکه آنها به این شکل ظاهر می شوند.^{۱۱} در واپسین روزها، بعضی ها خود را دیندار وانمود خواهند کرد در حالی که این «دینداری از سوی مسیح نمی آید»^{۱۲}. پولس در سخنان خود خطاب به قرن تیان خود را به عنوان «نمونه» پیشنهاد نمی کند با تعمیم دادن تعالیمی که می داد به خودش و آپلس، به این تعالیم شکل داد.^{۱۳}

^{۱۱} ۲ – قرن ۱۱: ۱۳ – ۱۵ (S) – ۲۱۲ – تیمو ۳: ۵ (M) – ۱۳ – قرن ۴: ۶ (S) □

ه) در مفهوم ادبی، شکل چیزی است که مجموع مصالح را استحکام و استواری می بخشد. این واژه در درجه اول به واحدهای کوچک ادبی اطلاق می شود. بنابراین اهمیت آن از لحاظ فراگیری از اهمیت «سبک ادبی» کمتر است.

◀ صورت ظاهر – نماد و نمونه – تصویر – خود را تهی ساختن – ساختار/ تجلی.

شلاق زدن

۱) تازیانه از پاره های ریسمان درست می شد که مجهز به قطعات کوچک استخوان یا گلوله های فلزی (لاتین: flagrum) یا تسمه های باریک (چرمی؟) (لاتین: flagellum) بودند. گاهی دست های مجرم را به ستون می بستند، گاهی او را خمیده می ساختند و گاهی روی زمین یا روی نیمکت دراز می کردند. طبق قانون گزاری یهود، مجرم حداکثر ۳۹ ضربه دریافت می کرد زیرا شریعت وارد کردن بیش از ۴۰ ضربه را ممنوع می ساخت^۱ (قانون حمورابی تعداد ضربات را ۶۰ ضربه تعیین کرده بود و قرآن شمار آنها را ۸۰ تا ۱۰۰ ضربه معین کرد)؛ ۱۳ ضربه به سینه و ۲۶ ضربه به پشت زده می شد.

^۱ تث ۲۵: ۳ – ۲ – قرن ۱۱: ۲۴.

۲) مجازات توسط تازیانه به طرق مختلف عملی می شد. طبق قانون یهود، در ازاء بعضی خطاها، تازیانه زدن در کنیسه به اجراء در می آمد^۲ (یونانی: mastigoō). عیسی به شاگردانش اعلام کرده بود که با آنها همین گونه رفتار خواهد شد.^۳ مجازات رومی verberatio (یونانی: phragelloo [از واژه لاتین: flagello به معنای «تازیانه زدن»]) یا با وفق دادن با واژه ما قبل mastigoō نامیده می شد. تازیانه زدن در مورد بردگان و غیر شهروندان رومی بعد از حکم اصلی اجراء می شد. عیسی همین مجازات را متحمل شد^۴. این نوع شکنجه به هنگام بازپرسی ها که در پی گرفتن اقرار بودند^۵ جای داشت. پاسبانان تنبیهات را با ترکه ها (تعلیمی) یا چوب دستی های خود (یونانی: rabdizō) به اجراء در می آوردند. پولس رسول می گوید که او این رنج را در سه نوبت متحمل شد^۶.

^۲ تث ۲۵: ۳ – ۲ – مت ۱۰: ۱۷: ۲۳: ۳۴ – مت ۲۰: ۱۹ (= مر ۱۰: ۳۴ = لو ۱۸: ۳۳): ۲۷: ۲۶ (= مر ۱۵: ۱۵): رک. لو ۲۳: ۱۶

— اع ۲۲: ۲۴: ۲۵ — ۲۶ — قرن ۱۱: ۲۵؛ رک اع ۱۶: ۲۲. ۳۷.
 ◀ تصلیب.

شمعدان (چراغدان)

یونانی: lykhnia.

- (۱) اسبابی است خانگی برای حمل چراغ‌ها.^۱
^۱مت ۵: ۱۵ (= مر ۴: ۲۱ = لو ۸: ۱۶ = ۱۱: ۳۳).
- (۲) یکی از وسایل مخصوص مراسم مذهبی. شمعدانی با هفت شاخه طلائی در داخل *قدس^۲ جای داشت. رومیان آن را برداشتند و در سال ۸۱ میلادی برفراز طاق نصرت *تیتوس در رم قرار دادند. این شمعدان نماد امیدواری اسرائیل بوده است. در مکاشفه این واژه مشخص کننده کلیساهایی است که با امانت بیدار هستند.^۳
^۲خروج ۲۵: ۳۱-۳۹: ۳۷: ۱۷-۲۴: عبر ۲: ۲ — رک ۴: ۱-۱۴: مکا ۱۲-۱۳-۲۰، ۲: ۱-۵، ۱۱: ۴: □
 ▶ چراغ.

شمعون

(الف) یونانی: Syméon از عبری: chîmôn به معنای «خدا شنیده است».

- (۱) دومین پسر یعقوب و لیاء، نام دهنده به یکی از ۱۲ سبط اسرائیل.^۱
^۱پید ۲۹: ۳۳: مکا ۷: ۷.
- (۲) جد عیسی.^۲
^۲لو ۳: ۳۰.
- (۳) یک فرد یهودی «درستکار و زاهد» از اورشلیم.^۳
^۳لو ۲: ۲۵-۳۴.
- (۴) یک فرد مسیحی اهل انطاکیه، پیشگو یا حکیم.^۴
^۴اع ۱۳: ۱.
- (۵) شخصیتی که به احتمال قوی همان شمعون - پطرس است که در اعمال ۱۵: ۱۴ و محققاً در ۲- پطرس ۱: ۱ ذکر از وی به میان آمده است.

(ب) یونانی: Simôn از عبری: chîmôn

- (۱) پسر یوحنا (یونا)، نام پطرس.^۱
^۱مت ۱۶: ۱۷: یو ۱: ۴۲: ۲۱: ۱۵.
- (۲) کنعانی یکی از دوازده تن که نامش بدین معناست که او اهل قانا یا کنعان بوده بلکه به معنای «غیور» است که از یک واژه آرامی به مفهوم «غیرت، غیور» گرفته شده است.^۲
^۲مت ۱۰: ۴: مر ۳: ۱۸: لو ۶: ۱۵: اع ۱۳: □
- (۳) یکی از «برادران خداوند ما عیسی».^۳
^۳مت ۱۳: ۵۵: مر ۶: ۳.
- (۴) یک فرد «فریسی».^۴
^۴لو ۷: ۴۰-۴۳-۴۴.
- (۵) یک شخص جذامی اهل بیت عنیا. که می توان آن را با شخص ذکر شده در بند قبل یکی دانست.^۵
^۵مت ۲۶: ۶: مر ۱۴: ۳.

۶) شمعون: قیروانی رهگذری که از او درخواست شده بود صلیب عیسی را حمل کند.^۶

^۶ مت ۲۷: ۳۲؛ مر ۱۵: ۲۱؛ لو ۲۳: ۲۶.

۷) شمعون اسخریوطی، پدر یهودای اسخریوطی.^۷

^۷ یو ۶: ۷۱؛ ۱۳: ۲۶-۲۷.

۸) جادوگری از سامره.^۸

^۸ اع ۸: ۹-۱۳-۱۸-۲۴.

۹) دباغ اهل یافا.^۹

^۹ اع ۹: ۴۳؛ ۱۰: ۶-۱۷-۳۲.

[شورای اورشلیم]

نامی است که غالباً بر مجمع اسقفان گذارده می شود که در سال ۴۸-۴۹ در اورشلیم برگزار شد. لوقا این مجمع را در اع ۱۵ تشریح کرده است. در واقع به نظر می آید که روایتی که در اعمال ۱۵ آمده است دو حادثه ای را که در اصل مستقل هستند به هم ربط می دهد. نیز چنین به نظر می رسد که یعقوب (اع ۲۱: ۲۵) مضمون حکمی را به اطلاع پولس می رساند که هرگز در نامه هایش که می بایست از آن دستور یاد می کرد به آن اشاره ای نکرده است. هم چنین بسیاری از منتقدین حدس می زنند که دو مجمع در اورشلیم برگزار شده بود که یکی مربوط به فرضیه یهودی بود برای نو گرویدگانی که در اصل مشرک بوده اند (غلا ۲: ۱-۱۰؛ ر. ک اع ۱۵: ۱-۴). در دیگری که بعد از حادثه انطاکیه برگزار شد روابطی که می بایست بین مسیحیان یهودی تبار و مسیحیانی که قبلاً مشرک بوده اند برقرار باشد توسط حکمی تصریح شده بود.

شهر

لاتین: *civitas* به معنای اجتماع انسان هائی که از حقوق مساوی برخوردار بوده و به درجات مختلف در اداره منافع مشترک خود سهیم می باشند معنای مدینه از معنای «شهرک» (لاتین: *villa* یعنی «خانه ییلاقی») متمایز/جدا است که مجموعه خانه های مسکونی را مشخص می کند. واژه یونانی *polis* به هر دو مفهوم مربوط است منتها در مورد شهر موقعی به کار برده می شود که از «شهر امت ها»^۱ یا «شهر آسمانی»^۲ یا از مشتقات این واژه مانند «حقوق مدنی»^۳ و «وطنیت»^۴ صحبت می شود.

^۱ مکا ۱۶: ۱۹ - ^۲ عبر ۱۳: ۱۴ - ^۳ افس ۲: ۱۲ - ^۴ فی ۳: ۲۰.

◀ مقدمه فصل چهارم. ۱. ج - شهروند.

شهروند

هر «شهر» (یونانی: *polis*) یونانی یا برخوردار از فرهنگ «یونانی»، دارای حقوق شهروندی مخصوص به خود می باشد. مقام «شهروندی» (یونانی: *polites*) به برخی از ساکنان شهر (مثلاً غلاتیان)، شأن والاتر را نسبت به کسانی از جمعیت شهر که هنوز نمی توانستند خود را با «تمدن» شهری وفق دهند^۱، می بخشد. اعطای شهروندی رومی (یونانی *Rômaios* [anthrôpos]) به خصوص در مشرق زمین یک ارتقاء اضافی بوده است. در موارد نادر، شهروندی به معنای وابستگی علنی به مصالح رومی می باشد^۲. در خارج از «ایتالیا شهروندی باعث معافیت های مالیاتی نمی شد اما حق ارجاع به «دادگاه امپراتوری»^۳ را اعطا می کرد. امپراتوران به اهمیت احترام به حق شهروندی توجه بسیار داشتند چه این حق از هر شهروند، یک رهین منت واقعی درست می کرد^۴.

^۱ اع ۲۱: ۳۹ - ^۲ اع ۲۲: ۲۸ - ^۳ اع ۲۵: ۱۱، ۲۰، ۲۱، ۲۵، ۲۶ - ^۴ اع ۱۶: ۳۷-۳۸، ۲۲: ۲۵-۲۹، ۲۳: ۲۷.

◀ مقدمه فصل چهارم. ۲. ب. ۳، فصل چهارم. ۴. مدینه (شهر).

(۳) خدا الزاماً آفریننده شرارت موجود در جهان نیست اما شخصیت دادن به شیطان اجازه می دهد مبارزه ای که آزادی انسان را در مقابل خدا قرار می دهد به دقت تشریح شود، خدایی که او را به نزد خود می خواند. از میان اسامی متعدد شیطان «رئیس این جهان» احتمالاً می تواند زرق و برق افسانه ای را که مورد قبول کتاب مقدس نیست از این چهره بزدايد بی آنکه واقعیت این قدرت شریر که بالاتر از درک و تصور ما است برچیده شود.

◀ فرشته - ارواح پلید - قدرت ها - شر.

ص

صبایوت

عبری: ceba'ôt. این واژه غالباً با نام یهوه ارتباط دارد و در صیغه جمع عبری به معنای «عده زیاد سازمان یافته» می باشد. این واژه با گذر زمان تحول یافت: در ابتداء به معنای لشکرهای اسرائیل و سپس به معنای دنیای ستارگان و قدرت های آسمانی. این جهان برای مردم باستان جهانی زنده و برای بت پرستان دنیای بتها به حساب می آمد. در کتاب عهد جدید این مقام با خدای قادر مطلق که تمامی قدرت های دنیا را در اختیار دارد^۱ مترادف است.

۱. ر. ک. ۱- سمو ۱: ۳؛ ۱۷: ۴۵؛ اش ۱: ۹؛ صف ۲: ۱۰؛ روم ۹: ۲۹؛ یح ۴: ۵ □

صبح

یونانی: prôî. نه صبحگاه بلکه چهارمین * پاس شب (ساعت ۳ تا ساعت ۶) به هنگام دمیدن سپیده^۱. یونانی orthros به معنای صریح «بامداد فجر»^۲.

۱. مت ۱۶: ۳؛ ۲۰: ۱؛ ۲۱: ۱۸؛ ۲۷: ۱؛ مر ۱: ۳۵؛ ۱۱: ۲۰؛ ۱۳: ۳۵؛ ۱۵: ۱؛ ۱۶: ۹؛ یو ۱۸: ۲۸؛ ۲۰: ۱؛ ۲۱: ۴؛ اع ۲۳: ۲۸؛ مکا ۲۸: ۲۲؛ ۱۶ □ — ۲ لو ۲۱: ۳۸؛ ۲۴: ۱؛ ۲۲: ۸؛ ۲: ۵؛ اع ۲۱ □

صبر

۱) یونانی: makrothymia (از makros به معنای «بلند» و thymos به معنای «همت، شهامت، خدمت، خشم» که «شهامت مداوم، صبر، طاقت» را معنا می دهد. در کتاب های * «هفتادتنان» و عهد جدید برگردان این واژه از واژه عبری èrèk appayîm است که به معنای «جلو خشم را گرفتن» می باشد و از آن مفهوم «پر جنب و جوش بودن» «پرنفس بودن» حاصل می شود. پایداری خدای * پیمان^۱ را توصیف می کند که برگزیدگانی را که در رنج اند^۲ از یاد نبرده، به خطاکاران فرصت می دهد تا به سوی خدا بازگشت نمایند^۳. انسان به نوبه خود باید به قدرت روح القدس نسبت به همنوعان خود صبر اختیار کند^۴ و از جهت احسان پرحوصله باشد^۵ و مانند یک زارع در کمال صبر و تحمل منتظر باز آمدن خداوند مسیح باشد^۶.

۱. خروج ۳۴: ۶؛ اعد ۱۴: ۱۸؛ مز ۱۰۳: ۸؛ بنسی ۲: ۱۱؛ روم ۲: ۴ — ۲ لو ۱۸: ۷ — ۳ روم ۹: ۲۲؛ ۱- تیمو ۱: ۱۶؛ ۱- پطرس ۳: ۲۰؛ ۲- پطرس ۳: ۱۵ — ۴ مت ۱۸: ۲۶؛ ۲۹: ۴؛ کول ۱: ۱۱؛ ۳: ۱۲؛ ۱- تس ۵: ۱۴ — ۵ قرن ۱۳: ۴؛ ۲- قرن ۶: ۶؛ غلا ۲۲: ۵ — ۶ یح ۵: ۷-۸.

۲) یونانی anokhè/anekhomai (از ana یعنی «بر بالا» و ekhomai به معنای «گرفتن») به معنای کلی «بالا گرفتن، راست نگه داشتن، محکم، طرف داری کردن». این واژه بیشتر علامت رفتار بیرونی را دارد تا جنبه ای درونی و نتیجه این رفتار گذشت از چیزهای بد است. خدا خشم خود را به تأخیر می اندازد ولی از برقراری عدل خود چشم نمی پوشد^۷. عیسی با صبر تمام، عدم درک هم عصیان خود را تحمل کرد^۸؛ ایمانداران به نوبه خود باید در مواقع آزمایش و رنج و تعقیب و یا حتی به سادگی در زندگی روزمره خود نسبت به دیگران^۹ بردباری نشان دهند. بردباری گرایش دارد استمرار یابد (یونانی: hypomoné)^{۱۰}.

۷. روم ۲: ۴؛ ۳: ۲۶ — ۸ مت ۱۷: ۱۷ (= مر ۹: ۱۹ = لو ۹: ۴۱) — ۹ قرن ۴: ۱۲؛ افس ۲: ۴؛ کول ۳: ۱۳؛ ۲- تیمو ۲: ۲۴ — ۱۰ تس ۱: ۴.

◀ استواری - امید - رحمت.

صحن

یونانی: *hè aulè hè exòthen tou naou* به معنای «حیاتی که در داخل عبادتگاه قرار دارد». صحنی که قدس را در داخل معبد احاطه می کند.^۱

^۱مکا ۱۱: ۲ □

صدا

(۱) یونانی: *phônè*; عبری *qôl* به معنای صدای باد، صدای آب های بسیار^۱ که آرزوی بدبختی ام را دارند. صدای بال ها، صدای رعد^۲، صدای سخن یا یک ابزار موسیقی^۳، ندا^۴، صدای الهی یا انسانی^۵.

^۱حزق ۱: ۲۴؛ مکا ۱: ۱۵؛ ۱۴: ۲؛ ۱۹: ۶ — ^۲یو ۳: ۸؛ اع ۲: ۶؛ مکا ۱: ۱۵؛ ۹: ۹؛ ۱۰: ۳؛ ۱۴: ۲؛ ۱۸: ۲۲؛ ۱۹: ۶ — ^۳مت ۲: ۱۸؛

لو: ۴۴؛ ۱- قرن ۱۴: ۱۰-۱۱ — ^۴مت ۲۷: ۴۶-۵۰ (= مر ۱۵: ۳۴-۳۷)؛ لو ۲۳: ۲۱-۲۳؛ ۲۱: ۳۴؛ ۲۲: ۲۴ — ^۵لو ۱۱: ۲۷؛

اع ۳۱: ۱۲؛ ۱۴: ۱۲؛ عبر ۱۲: ۲۶.

(۱) شنیدن صدای خدا و صدای عیسی به معنای نجات یافتن است.^۶

^۶یو ۵: ۲۵-۳۷؛ ۱۰: ۳-۴؛ ۱۶: ۲۷؛ ۱۸: ۳۷؛ عبر ۳: ۷؛ ۴: ۷؛ مکا ۳: ۲۰.

(۲) کتاب مقدس همانند مذاهب کنعانی و بابلی صدای خدا و صدای رعد را در ارتباط با یکدیگر می داند.^۷ یهودیت متأخر پس از خاتمه نبوت یکی از طریقه های نزول «وحي خدا را «صدای دختر» نامیده است. جانشین شدن آن توسط «صدای آسمان» به هنگام تعمید و تجلی عیسی مشاهده می شود.^۸ یوحنا درباره آن سخنی نمی گوید چون صدای یحیی پیشگام است که اعلام می کنند که عیسی کیست^۹؛ یوحنا حتی صدای آسمان را به باد انتقاد اصولی در می آورد^{۱۰}.

^۷خروج ۱۹: ۱۶-۲۰؛ ۲۰: ۱۸-۲۱؛ تث ۴: ۱۲-۱۳؛ ۵: ۲۲-۲۴؛ ایوب ۳۷: ۲-۵؛ مر ۱۸: ۱۴؛ ۲۹: ۳-۶؛ مکا ۴: ۵؛

۱: ۸؛ ۵: ۱۰؛ ۳: ۴؛ ۱۱: ۱۹؛ ۱۴: ۲؛ ۱۶: ۱۸؛ ۱۹: ۶ — ^۸مت ۱۷: ۳؛ ۱۷ (= مر ۱: ۱۱ = لو ۳: ۲۲)؛ ۱۷: ۵ (= مر ۷: ۷ =

لو ۹: ۳۵-۳۶) ۲- پطر ۱: ۱۷-۱۸ — ^۹یو ۱: ۲۳ — ^{۱۰}یو ۱۲: ۲۸-۳۰.

◀ آواز خروس - کلام - مکاشفه.

صدقه

یونانی: *eleèmosynè* کلمه ای است که «رقت و رحمت» نیز معنی می دهد، نتیجتاً به شفقت خداوند^۱ مرتبط می گردد. معادل عبری آن *çedâqâ* یا «عدالت» می باشد، شاید احتمالاً به این خاطر که صدقه وسیله ای است تا برقراری عدالتی را که خداوند برای زمین در نظر دارد تحقق بخشد (یعنی به تمامی موجودات آنچه را نیاز دارند داده شود)، حتی اگر تعداد فقیران مشرق زمین^۲ بی شمار باشد. صدقه به همراه دعا و روزه یکی از سه رسم مذهبی اصلی یهودی است که هر که حتی غیر یهودی آن را بدون خودنمایی^۳ به مورد اجرا گذارد، خوشایند خداوند واقع خواهد شد، زیرا که این عمل «عبادت»^۴ است که طاهر^۵ می گرداند. عیسی به مدح^۶ آن پرداخته، بدان عمل^۷ می نماید و از شاگردانش^۸ نیز می خواهد که چنین کنند. کلیسای اولیه حتی سعی در سازماندهی تقسیم اموال بین فقیرترین افراد می نماید و پولس جمع آوری اعانه^{۱۰} برای امور خیریه را معمول می سازد، لیکن همه آنها بدون محبت هیچ^{۱۱} است.

^۱لو: ۳۶، ۳۸ — ^۲مر ۱۰: ۴۶ (= لو ۱۸: ۳۵)؛ یو ۹: ۸؛ اع ۳: ۲، ۳؛ ر.ک لو ۱۶: ۳ — ^۳مت ۶: ۲-۴ — ^۴اع ۹: ۳۶؛ ۱۰: ۴، ۲ —

^۵لو: ۱۱؛ ۴۱ — ^۶مر ۱۲: ۴۱-۴۴ — ^۷یو ۱۳: ۲۹ — ^۸لو ۱۲: ۳۳، ۱۶ — ^۹اع ۹: ۴-۳۲؛ ۱۱: ۶؛ ۱-۶ — ^{۱۰}اع ۱۱: ۲۹، ۳۰؛

۲۴: ۱۷؛ روم ۱۵: ۲۸؛ ۱- قرن ۱۶: ۱-۴؛ ۲- قرن ۸-۹؛ غلا ۲: ۱۰ — ^{۱۱}۱- قرن ۱۳: ۳.

◀ جمع آوری اعانه - گدا - رحمت - فقیر، مسکین

صدوقی

یونانی: saddoukaïos از واژه آرامی zaddûqâyâ مشتق از اسم خاص صدوق (یونانی: sado) کاهن اعظم رقیب ابیاتار^۱، که خود این نام از واژه çaddîq به معنای «صادق، عادل» حاصل می شود. اولاد صدوق تأثیر بسیار زیادی روی کهنه اورشلیم داشتند تا جائی که به جای «فرزندان هارون» از «فرزندان صدوق»^۲ سخن به میان می آمد. در انجیل متی نام آنها همواره همراه با نام فریسیان^۳ لکه ذکر می شود ولی آنان از نظر اعتقادات^۴ و رفتار سیاسی^۵ و برخورد با عیسی و مسیحیان اولیه تفاوت کاملاً مشخصی داشتند^۶.

۲۱- سمو ۸: ۱۷؛ ۱- پاد ۸- ۲۲- پاد ۱۵: ۳۳؛ حرق ۴۰: ۴۶- مت ۳: ۷؛ ۱۶: ۱، ۶، ۱۱-۱۲؛ ۲۲: ۳۴- مت ۲۳: ۲۲
(= مر ۱۲: ۸ = لو ۲۰: ۲۷)؛ اع ۲۳: ۶- ۸- مقدمه: فصل یازدهم ۱- اع ۴: ۱؛ ۵: ۱۷. ر.ک. مت ۲۶: ۵۷ (= مر ۱۴: ۵۳).
◀ مقدمه. فصل چهارم. ۴. الف؛ فصل یازدهم. ۱- فریسی.

صرافان

یونانی: kermatistès, kollybistès. برای پرداخت مالیات مقرر به معبد/هیكل خدا به پول یهودی، صرافان در آن مکان مقدس مجاز به کار بودند. آنها برای یک اوپول نقره رومی یک نیم سیکل یهودی پرداخت می کردند^۱.

۱- مت ۲۱: ۱۲ (= مر ۱۱: ۱۵ = یو ۲: ۱۵)؛ ۱۴: ۱۴ □

◀ صرافانی - معبد.

صرافی

یونانی: trapeza: عیسی «تخت» *صرافان را در هیكل^۱ واژگون نمود. عیسی، سود را که از سوی شریعت^۲ مردود بود، مورد انتقاد قرار نمی دهد ولی به صرافان و صرافی اشاراتی می نماید.

۱- مت ۲۱: ۱۲ (= مر ۱۱: ۱۵ = یو ۲: ۱۵) - خروج ۲۲: ۲۴؛ تث ۲۳: ۲۰؛ مت ۲۵: ۲۷ (= لو ۱۹: ۲۳) □

صعود

صحنه ای است که توسط لوقا^۱ نقل شده و در بخش پایانی انجیل *مقرس^۲ نیز بدان اشاره شده و از دو جنبه مورد نظر است، اولاً از نظر جدایی (یونانی: di-istèmi)^۳ که بیانگر قطع نوعی از رابطه میان مسیح و شاگردانش تا هنگام *بازآمدن وی می باشد. ثانیاً از جهت بالا برده شدن (ep-airo)^۴ یا صعود (ana-) به آسمان (یونانی: ana-bainô،^۵ ana-lambanô و^۶ ana-pherô)، این واژه سمبل *بالا برده شدن، تجلیل یا *سروری مسیح حاضر در تمامی عالم است.

۱- لو ۲۴: ۵۱؛ اع ۱-۱۱- ۲- مر ۱۶: ۱۹- ۳- لو ۲۴: ۵۱- ۴- اع ۱: ۹؛ ر.ک. مت ۹: ۱۵ (= مر ۲۰: ۲۰ = لو ۲۵: ۳۵)؛ یو ۲: ۱۴؛ ۳، ۵- یو ۶: ۶۲؛ ۲۰: ۱۷؛ روم ۱۰: ۶؛ افس ۴: ۸-۱۰؛ ر.ک. اع ۲: ۳۴- ۶- مر ۱۶: ۱۹؛ ۱۹: ۵۱؛ اع ۱: ۹، ۱۱، ۲۲؛ ۱- تیمو ۳: ۱۶- ۷- لو ۲۴: ۵۱.

◀ صعود مسیح.

صعود / برافرازی مسیح

(۱) به غیر از زبان رستاخیز برای توصیف این که عیسی مسیح خداوند در جلال است و زنده جاودان بعد از مرگ خود یک زبان ابتدائی وجود دارد و آن زبان برافرازی است که به خوبی در درونمایه سنت یهودی جای می گیرد، سنتی که طبق آن، خدا کسی را که پست شده است^۱ بالا می برد و مرد صالح را با بلند کردن او تا آسمان، از مرگ (نزول به جایگاه مردگان) حفظ می کند مانند خنوخ، ایلیا و خدمتگزار^۲ الهیات این زبان که براساس کیهان شناسی تدوین شده

است مشتمل بر سه طبقه^۳ است: آسمان (در بالا جایی که تخت خدای متعال واقع است)، زمین (در پائین محل سکونت آدمیان) و وادی مردگان (در زیر جایی که مردگان قرار دارند).

عیسی به آسمان بالا برده شد (یونانی: ^۴hypsoō)، بلند کرده شد (یونانی: ^۵ana-lambanō ^۶ep-airo)، برداشته شد (یونانی: ^۷ana-phero). خدا او را طرف راست خود نشانده (یونانی: ^۸kathizō، ^۹kathēmai). او در بالای همه چیز است. (یونانی: ^{۱۰}epi, hyper, hyper-ano). او سرور جهان است.

^۱ ۱-سمو: ۷؛ حزق: ۲۱: ۳۱؛ مت: ۲۳: ۱۳؛ لو: ۵۲: ۱۱، ۱۴: ۱۸، ۱۱: ۱۴؛ یح: ۱: ۹، ۴: ۱۰؛ ۱-پط: ۵: ۶ — ^۲ پاد: ۲: ۱۱؛ بنی: ۴۸-۹: ۱۲، ۴۹: ۱۴؛ اش: ۵۲: ۱۳ — ^۳ مقدمه. فصل پنجم: ۱۰؛ مکا: ۵: ۳-۱۳ — ^۴ اع: ۲: ۳۳، ۵: ۳۱؛ فی: ۲: ۹؛ عبر: ۷: ۲۶ — ^۵ مر: ۱۶: ۱۹؛ لو: ۹: ۵۱؛ اع: ۱: ۲ (۹۰)، ۱۱: ۲۲، ۱-تیمو: ۳: ۱۶ — ^۶ اع: ۱: ۹ — ^۷ لو: ۲۴: ۵۱ — ^۸ مت: ۲۵: ۳۱؛ مر: ۱۶: ۱۹؛ اع: ۲: ۳۰؛ افس: ۱: ۲۰، ۲: ۶؛ عبر: ۱: ۸، ۳: ۱، ۱۰: ۱۲، ۱۲: ۲؛ مکا: ۳: ۲۱ — ^۹ ۱: ۱۱۰؛ مت: ۲۲: ۴۴ (= مر: ۱۲: ۳۶ — لو: ۲۰: ۴۲)، ۲۶: ۶۴ (= مر: ۱۴: ۶۲ — لو: ۲۲: ۶۹)؛ اع: ۲: ۳۴؛ کول: ۳: ۱؛ عبر: ۱۳: ۱۰ — ^{۱۰} روم: ۹: ۵؛ افس: ۱: ۲۱-۲۲، ۴: ۶، ۱۰: ۱؛ فی: ۲: ۹.

(۲) در متون دیگر، تصویر صعود حفظ نمی شود؛ عیسی به آسمان وارد شد،^{۱۱} او از اینجا رفته است.^{۱۲} یوحنا زبان سنتی را محفوظ داشته ولی او هم از طرح یونانی نزول از آسمان نمصعود^{۱۳} به آن الهام می گیرد به طوری که بالا برده شدن بر فراز صلیب، آغازگر برافرازی با جلال به آسمان است.^{۱۴}

^{۱۱} عبر: ۹: ۲۴ — ^{۱۲} اع: ۱: ۱۱-۱۰؛ ۱-پط: ۳: ۱۹، ۲۲ — ^{۱۳} یو: ۳: ۳۱ — ^{۱۴} یو: ۳: ۱۴، ۸: ۲۸، ۱۲: ۳۲، ۳۴.

(۳) زندگی مسیحی را می توان نسبت به عمل برافرازی مسیح درک نمود: او که رستخیز کرد در دست راست پدر نشسته است، شخص ایماندار همه چیز را در بالا جست و جو می کند.^{۱۵} زیرا وطن او در آسمان است.^{۱۶}

^{۱۵} افس: ۲: ۶؛ کول: ۳-۵ — ^{۱۶} فی: ۳: ۲۰.

◀ ظهورهای مسیح - صعود - آسمان.

صلح / آرامش / سلامتی

یونانی: ^۱eirènè، عبری: ^۲châlôm. به معنای بهره مندی بی دغدغه از اموال^۱، از نیکبختی^۲ و بیش از هر چیز از سلامتی^۳. صلح نه تنها به مفهوم نبود جنگ^۴ و بی نظمی^۵ است بلکه مصداق تفاهم صمیمانه^۶ می باشد که توسط خدای صلح امکان پذیر گردیده و بدین سان او ملکوت^۷ خود را برقرار نموده *ظهور مسیح، این سلطان صلح^۸ را اعلام می دارد. عیسی مسیح با ریختن خون خود انسان ها را با خدا و با یکدیگر آشتی داده است^۹. صلحی که او عطا می کند متعلق به این *دنیا^{۱۰} نبوده بلکه صلحی است که همراه با عطا ی روح القدس^{۱۱} است و حتی در مقابل شکنجه و جفا پایداری^{۱۲} می کند. مسیحیان که پیشه وران صلح می باشند^{۱۳} علاقه دارند که به خصوص در سلام و درود خود صلح و سلامتی را آرزو کنند^{۱۴}.

^۱ لو: ۱۱: ۲۱؛ اع: ۲: ۲۴ — ^۲ داو: ۱۹: ۲۰؛ مز: ۷۳: ۳ — ^۳ سمو: ۱۸: ۳۲؛ مز: ۳۸: ۴؛ اش: ۵۷: ۱۹ — ^۴ جا: ۸: ۳؛ لو: ۱۴: ۳۲؛ اع: ۱۲: ۲۰؛ مکا: ۴: ۶ — ^۵ ۱۵-قرن: ۱۴: ۳۳ — ^۶ ۱۶-پاد: ۵: ۲۶؛ مر: ۹: ۵۰؛ اع: ۷: ۲۶؛ روم: ۱۲: ۱۸؛ افس: ۳: ۴؛ یح: ۱۸: ۷ — ^۷ مز: ۸۵: ۹-۱۴؛ روم: ۱۴: ۱۷؛ ۲-قرن: ۱۱: ۱۳ — ^۸ اش: ۹: ۶-۵؛ لو: ۷۹: ۲؛ ۱۴: ۱۹؛ ۴۲: ۱۰؛ افس: ۱۷: ۲-۶-۱۵ — ^۹ افس: ۲: ۱۴-۲۲؛ کول: ۱: ۲۰؛ مکا: ۴: ۱۳. رک ۲-قرن: ۵: ۱۸-۲۰ — ^{۱۰} ار: ۱۴: ۸؛ ۱۱: ۸؛ مت: ۱۰: ۳۴ (= لو: ۱۲: ۵۱)؛ یو: ۱۴: ۲۷ — ^{۱۱} یو: ۲۰: ۱۹-۲۳؛ غلا: ۵: ۲۲ — ^{۱۲} یو: ۱۶: ۳۳ — ^{۱۳} مت: ۵: ۹ — ^{۱۴} لو: ۷: ۵۰؛ ۵: ۱۰؛ روم: ۷: ۱؛ ۱-قرن: ۳: ۲؛ غلا: ۳: ۱؛ افس: ۲: ۲؛ کول: ۳: ۱۵؛ ۱-پط: ۲: ۵: ۱۴.

◀ مصالحه - استراحت - درود.

صلیب

(۱) یونانی: ^۱stauros. ابزار شکنجه (که به یونانی گاهی ^۲xylon به معنای «چوب، چوبه دار» نامیده می شود)^۱ که عیسی ناصری بر روی آن جان سپرد. نماد رنج و عذاب اختیاری عیسی^۲ در عین حال قطع رابطه با دنیای شهوت و *هوس^۳.

- ۱) اع: ۳۰: ۳۰: ۱۰: ۳۹: ۱۳: ۲۹: ۳: ۱۳: ۱- بطر: ۲۴- ۲- مت: ۲۷: ۴۰: ۴۲ (= ۳۲، ۳۰: ۱۵)؛ عبر: ۱۲: ۲- ۳- غلا: ۵: ۲۴.
- ۲) صلیب عیسی باید با تمام وحشت رسوائی آن پذیرفته شود^۴ اما با درک این موضوع که جزو طرح *خدا^۵ بوده است و درضمن از ثمرات آن مانند رهائی از *لعنت شریعت^۶ و گناه،^۷ *آشتی با خدا^۸ و نیز مصالحه یهودیان با مشرکین^۹ و برقراری *صلح^{۱۰} که سرچشمه زندگی است^{۱۱} نیز می باید قدرشناسی کرد. صلیب تبدیل به امری منطقی در اندیشه مسیحیت و *بشارت شده است^{۱۲}.
- ۱۴- قرن: ۱: ۲۳: ۵: ۱۱، ۱۲: ۱۴- ۵- اع: ۱۳: ۲۹- ۶- غلا: ۳: ۱۳: ۲- کول: ۱۴- ۷- روم: ۸: ۳: ۱- پطر: ۲: ۲۱- ۲۴- ۸- کول: ۱: ۲۰- ۹- افس: ۲: ۱۶- ۱۰- افس: ۲: ۱۸- ۱۱- یو: ۳: ۱۵- ۱۲- قرن: ۱: ۱۷، ۱۸: ۳: ۱.
- ۳) علامت هر فرد مسیحی است که باید صلیب خود^{۱۳} را به عنوان اعلام مرگ خود برای *دنیای شر^{۱۴} بردارد و حمل نمایند به خصوص که این امر برای وی بزرگترین فخرها می باشد^{۱۵}.
- ۱۳- مت: ۱۰: ۳۸، ۱۶: ۲۴ (= ۸: ۳۴ = ۹: ۲۳)؛ لو: ۱۴: ۲۷- ۱۲- روم: ۶: ۶: ۱۹- ۱۵- یو: ۱۲: ۲۶: ۱۴، ۱۷.
- ◀ درخت - تصلیب - عیسی مسیح - محاکمه عیسی - رنج بردن.

صندل

یونانی: sandalion، واژه ای که ریشه فارسی دارد.

◀ پاپوش.

صور

- یونانی: Tyros، نام امروزی صور در لبنان، از عبری: gor به معنای «صخره» بندر باستانی فنیقیه است واقع در جزیره ای که اسکندر کبیر آن را به خشکی متصل نمود. شهری است که تا سال ۳۳۲ ق. م. غیرتمندان از استقلال خود دفاع می کرد و تنها در سال ۱۲۶ م. آزادی خود را به دست آورد^۱.
- ۲۱- سمو: ۵: ۱۱- ۱- پاد: ۵: ۱۵- ۲۶: ۲۳: اش: ۲۹- ۲۶: حزق: ۲۹- ۲۶: مت: ۱۱: ۱۱- ۲۱- ۲۲: ۱۵: ۲۲- ۲۱: مر: ۳: ۸: ۷: ۲۴- ۳۱: لو: ۱۷: ۱۰- ۱۳- ۱۴: ۱۲: ۲۰: ۲۱- ۳: ۷.
- ◀ نقشه شماره ۴.

صورت

- یونانی: prosôpon (مشتق از ôps به معنای «دید») به معنای «در معرض دید».
- ۱) صورت باید احساسات قلب^۱ را منعکس کند و گرنه انسان ها ممکن است در موقع داوری اشخاص برحسب *ظاهرشان^۲ خود را در معرض نشان دهند^۳.
- ۱) امت: ۲۷: ۱۹: بنسی: ۱۳: ۲۵: مت: ۶: ۱۶- ۱۷- ۲- کول: ۳: ۲۵: یح: ۲: ۱- ۹: یهو: ۱۶- ۱۳- سمو: ۱۶: ۷: بنسی: ۳۵: ۲۲: ارا: ۲۰: ۱۶: ۲۲: ۱۶ (= ۱۲: ۱۴ = ۲۰: ۲۱)؛ اع: ۱۰: ۳۴: روم: ۲: ۱۱: غلا: ۶: ۲: افس: ۶: ۹: ۱- پطر: ۱: ۱۷.
- ۲) صورت خدا که *فرشتگان^۴ آن را همواره می بینند، توسط هیچ انسانی دیده نشده *است^۵، این خود خدا است که روی خود را به سوی انسان برمی گرداند^۶. صورت خدا در این جهان در عیسی فعلیت یافت و پدر را^۷ که پیشاپیش در تجلی *شکوه مند عیسی تحقق^۸ پیدا کرد می توان در عیسی دید که در این عالم مورد استهزاء واقع شد، در استتار قرار می گیرد و بد جلوه داده می شود^۹.
- ۴- مت: ۱۸: ۱۰- ۵- خروج: ۳۳- ۱۸: ۲۳: اش: ۶: ۵: یو: ۱۸: ۵: ۳۷- ۶- مز: ۴: ۷، ۸۰: ۴، ۱۰۴: ۲۹: اش: ۵۴: ۸: ۲۸: ۲- ۱- پطر: ۳: ۱۲: ر. ک. اعد: ۶: ۲۵: مز: ۲۲: ۲۵- ۷- یو: ۱۴: ۹- ۸- مت: ۱۷: ۲ (= ۹: ۲۹) - ۹- مر: ۱۴: ۶۵.

۳) شخص ایماندار در صورت باز خود «جلال خدا را که در صورت عیسی^{۱۰} هست باز می تاباند، در حالی که در انتظار دیدن خدا از روبه رو است»^{۱۱}.

۱۰- قرن ۳: ۱۸، ۴: ۶ — ۱۱- قرن ۱۳: ۱۲، ۱۲: ۲۲، ۳: ۴ — ر.ک مت ۵: ۸؛ عبر ۹: ۲۴، ۱۲: ۱۴؛ ۱- یو ۳: ۲.

◀ جلال - دیدن.

صورت ظاهر

یونانی: eidos (از ریشه ای که به معنی «دیدن» است). آنچه که به وضوح^۱ دیده می شود. به عنوان مثال برحسب گفته لوقا می توان از هیئت جسمانی «کبوتر»^۲ و یا هیئت چهره عیسی^۳ نام برد. به همین منوال است که انسان برحسب ظاهر (یونانی «نظر»: opsis)^۴ و برحسب چهره (یونانی: «در برابر دیدگان» pros-opon)^۵ قضاوت می کند و از لحاظ جنبه ای خاص آنچه را که می بیند مورد ارزیابی قرار می دهد (یونانی «عمل دیدن» horasis)^۶. معمولاً نباید صورت ظاهر را که بر واقعیت به گونه ای که ادراک می شود دلالت می کند با «شکلی که مبین واقعیت در ذات خود است» اشتباه گرفت.

۱- قرن ۵: ۷ — ۲- قرن ۳: ۲۲ — ۳- لوقا ۹: ۲۹ — ۴- یو ۷: ۲۴ — ۵- ۲- قرن ۵: ۱۲، ۱۰: ۷ — ۶- مکا ۴: ۳؛ ر.ک. اع ۲: ۱۷؛ مکا ۹: ۱۷.

◀ صورت - شکل - دیدن.

صهیون

یونانی: Siôn، عبری: cîon. تپه ای است در اورشلیم واقع در جنوب معبد و در شمال محله سیلوخا. تحت وجهه اساساً مذهبی که آسمان را اعلام می دارد با اورشلیم یکی دانسته می شود^۱.

۱- سمو ۵: ۷؛ اش ۲: ۲-۳: ۴؛ مت ۵: ۵؛ ۲۱: ۵؛ یو ۱۲: ۱۵؛ روم ۹: ۳۳؛ ۱۱: ۲۶؛ عبر ۱۲: ۲۲؛ ۱- بطر ۲: ۶؛ مکا ۱۴: ۱.

صید ماهی

۱) صنف های ماهیگیری که شامل سرپرست ها و ماهیگیران^۱ بودند در دریاچه جنیسارت به کار صیادی مشغول بودند (یونانی: halieuô به معنای: «زندگی در دریا، صیادی»، از واژه hals به معنای «دریا، نمک» یا agreuô به معنای «به دام انداختن»^۲، صیادی) ماهیگیری در موقع شب در نور فانوس^۳ توسط یک یا چند قایق انجام می گرفت^۴. ماهیگیران علاوه بر ریسمان و قلاب ماهیگیری^۵ (یا نیزه مخصوص صید ماهی^۶) از دام (یونانی: diktyon) نیز استفاده می کردند که عبارت بود از نوعی تور ماهیگیری (یونانی: amphiblèstron گرفته شده از واژه amphi به معنای «پیرامون» و ballô به معنای «انداختن») مجهز به وزنه هایی متصل به دورتادور تور، مخصوص صید در آب های عمیق^۷ یا نوعی دیگر از تور ماهیگیری (یونانی: sagené) مجهز به وزنه هایی متصل به یک سر تور، (سر دیگر آن آزادانه شناور بود) برای ماهیگیری در سطح آب ها یا در نزدیکی های ساحل^۸.

۱- مقدمه. باب هفتم. ۱. مر ۱: ۲۰؛ لوقا ۵: ۷ — ۲- مر ۱۲: ۱۳؛ ۲- تیمو ۲: ۲۶ — ۳- لوقا ۵: ۵؛ ۴- مر ۴: ۳۴؛ لوقا ۵: ۱۱ — ۵- مت ۱۷: ۲۷ — ۶- ایوب ۴۰: ۲۶؛ عا ۴: ۲ — ۷- مت ۴: ۱۸ (= مر ۱: ۱۶) — ۸- مت ۱۳: ۴۷-۴۸.

۲) تفسیر اصطلاح «صیاد انسان ها» (یونانی: haleeis anthrôpôn)^۹ یا عبارت «مردم را صید خواهی کرد» (یونانی: anthrôpous esèi zôgrôn)^{۱۰} مشکل می باشد. مصداق آن اندیشه دستگیری و کشاندن را تداعی می کند مانند گرفتار کردن در دام. امکان دارد با تکیه بر نمادگرایی عهد عتیق مفهوم آن بیرون کشیدن انسان ها از آب های دوزخی مرگ^{۱۱} بوده باشد یا به احتمال قوی تر معنای آن گردهم آوردن انسان ها با در نظر داشتن داوری واپسین است^{۱۲}.

۹- مت ۴: ۱۹ (= مر ۱: ۱۷) — ۱۰- لوقا ۵: ۱۰؛ ر.ک. ۲- تیمو ۲: ۲۶ □ — ۱۱- مر ۱۸: ۱۷؛ ۱۷: ۱۴۴؛ ۷ — ۱۲- مت ۱۳: ۴۷-۵۰.

◀ کشتی - ماهی.

صيدون

یونانی: Sidôn از عبری: çidon به معنای «صیدگاه» که امروزه Saïda (لبنان) نامیده می‌شود. بندر قدیمی فنیقی است در ساحل دریای مدیترانه^۱.

^۱مت ۱۲: ۲۱-۲۲؛ ۱۵: ۲۱؛ مر ۳: ۸؛ ۷: ۳۱؛ لو ۴: ۲۶؛ ۶: ۱۷؛ اع ۲۷: ۳ □
◀ نقشه شماره ۳.

ض

ضد مسیح / دجال

۱) یونانی: antikhristos (متشکل از anti: «ضد» و Khristos: «مسیح»). این لغت جدید مسیحی براساس واژه یونانی: antitheos «ضد-خدا» ساخته شده است. این کلمه مختص رساله های یوحناست که گاه مسیحیان مرتد^۱ را می شناساند و گاه شخصیت مرموزی که در پشت آنان^۲ پنهان می شود. مجموعه اینها از طرز فکر وسیع تری که قبلاً در عهد عتیق وجود داشت، نشأت می گیرد: نیروهای مخالف خدا که از ابتدای جهان^۳ فعال بودند، به طور خاص خود را در زمان *آخر^۴ ظاهر خواهند ساخت. در اینجا می توان تأثیر اسطوره های پارسی و بابلی را بازشناخت که نبرد میان خدایان و غول ها را ترسیم می کنند. چنین تجسمی در عهد عتیق نام های گوناگونی به خود گرفته است: مسیح ها و پیامبران دروغین^۵، شریک در مفهوم خاص کلمه، هلاک شده در مفهوم خاص آن، خصم^۶ و دو وحش^۷. این تجسم، از آنجا که باید در زمان های آخر آشکار شود، مافوق زمان^۸ بوده، توسط میانجی هایی عمل می نماید، اما نباید در فلان یا فلان شخصیت تاریخی مجسم شود، بلکه این امکان را فراهم می سازد که کسانی را که مخالف برقراری ملکوت مسیح^۹ هستند بنمایاند و باید دانست که تجسم مزبور در روز آخر^{۱۰} مغلوب خواهد شد.

۱- یو: ۱۸: ۱۸-۱۲- یو: ۱۸: ۲۲، ۳: ۴؛ ۲- یو: ۷ □ - ۳ ایوب: ۹؛ ۱۳: ۷۴؛ ۱۱: ۱۰؛ ۱۱: ۵۱؛ ۴- حزق: ۳۸-۳۹ - مت: ۲۴: ۲۴ (= مر: ۱۳: ۲۲) - ۲۶- تس: ۳: ۸ - ۷ مک: ۱۳ - ۲۸- تس: ۳: ۱۲؛ ۱۳ مک: ۱۳ - ۱۹- یو: ۱۸-۲۲؛ ۳: ۴؛ ۲- یو: ۷ - ۲۱۰- تس: ۸: ۸.

◀ کراهت ویرانی - وحوش، وحش - جوج - اعداد.

ضيافت/ غذا

۱) یهودیان همانند یونانیان به غیر از صبحانه که قبل از کار صرف می شد دو وعده غذا داشتند: یک وعده^۱ تا حدی سبک در صبح یا نزدیکی های ظهر (ariston)^۲ و دیگر وعده غذای اصلی (deipnon)^۳ در عصر. صرف غذا معمولاً به حالت نشسته یا درازکش بر روی زمین^۴ یا بر روی تخت ها^۵ با تکیه بر آرنج چپ انجام می گرفت و غذا که روی قرص نان قرار می گرفت دو دستی صرف می شد. معمولاً با نان، آب و میوه اضافه یک وعده خوراک گرم در شب قناعت می شد. گوشت و شراب و تنقلات مخصوص اتفاقات مهم بود که در واقع هم کم نبودند^۶ و از آنجا شکم چرانی و میخوارگی ایجاد می شد^۷.

۱- لو: ۱۴: ۲ - ۲ یو: ۲۱: ۱۲ - ۳ لو: ۱۷: ۸ - ۴ مت: ۱۴: ۱۹ - ۵ عا: ۲: ۸؛ ۴: ۶؛ ۱۳: ۲۳ - ۶ مت: ۱۴: ۶؛ ۲۲: ۲؛ ۱۵: ۲۲-۳۲؛ ۲: ۲ - ۱: ۵؛ ۷ غلا: ۲۱.

۲) غذا گاهی مؤید پیمان^۸ بود. در طی صرف غذا که در واقع عملی برای ادامه زندگی است، برادری برقرار می شد. جمع شدن به دور سفره به مفهوم مهمان نوازی^۹ و اتحاد دل ها بود در مواجهه با خیانت شیطانی^{۱۰}. عیسی بدین ترتیب محبت خود را نسبت به «گناهکاران»^{۱۱} ابراز می داشت. وی در ادامه تعلیم پیامبران^{۱۲}، سعادت آسمانی را به صورت ضیافتی^{۱۳} شاد ترسیم می کرد و درباره ضیافت در دنیای آینده اظهار امیدواری^{۱۴} می نمود.

۸- پید: ۲۶: ۳۰؛ ۳۱: ۴۶-۵۴ - ۹ لو: ۷: ۳۶-۵۰ - ۱۰ مز: ۴۱: ۱۰؛ ۴۱: ۱-۲؛ ۱۳: ۱۸، ۲۶-۲۷ - ۱۱ لو: ۱۵: ۱-۲؛ ۱۹: ۲-۱۰ - ۱۲ اش: ۲۵: ۶ - ۱۳ مت: ۸: ۱۱؛ ۱۳: ۲۹؛ ر.ک. مک: ۳: ۲۰ - ۱۴ مت: ۲۶: ۲۹؛ ۲۲: ۳۰.

۳) حسن ختام هر قربانی *مذهبی صرف غذا (شام) به معنای *مشارکت با الوهیت^{۱۵} بود و شام خداوند، نیز به همین معنا^{۱۶} است * «پاره کردن نان»^{۱۷} می تواند تنها یک وعده غذای معمولی مبتنی بر محبت برادرانه باشد اما در عین حال می تواند شام خداوند ما نیز باشد^{۱۸}.

^{۱۵}خروج ۱۲:۱۸؛ ۱۱:۲۴؛ ۱- قرن ۱۸:۱۰، ۲۰-۲۱ — ^{۱۶}۱- قرن ۱۶:۱۰-۱۷ — ^{۱۷}اع ۲:۴۲، ۴۶ — ^{۱۸}۱- قرن ۱۱:۲۰-۳۴.

(۴) آخرین وعده غذای عیسی

◀ شام آخر.

(۵) صرف غذا توسط عیسی رستاخیز کرده با شاگردانش یادآور صرف غذای زمینی عیسی با نزدیکانش بود در حالی که آنها در انتظار ضیافت آخر می بودند.

^{۱۹}لو ۲۴:۳۰؛ یو ۲۱:۱۳؛ اع ۱:۴؛ ۱۰:۴۱.

◀ مقدمه. فصل هشتم. آ.د - سور - اعیاد مذهبی - پاره نان - نان - شراب.

ط

طاعون

یونانی: poimos. این واژه طبق کتاب عهد جدید هر نوع مرض همه گیر و کشنده را معنا می دهد، مانند وبا، خود طاعون، حصه و غیره. یکی از سه کیفر بزرگ الهی می باشد که به عنوان علامت آخرت^۱ اعلام شده و گاهی «مرگ»^۲ نامیده می شود. واژه ای است تحقیرآمیز^۳.

^۱ لو ۲۱: ۱۱ — ۲۲-سمو ۲۴: ۱۳-۱۴؛ مکا ۶: ۸؛ ۱۸: ۸ — ۱۳-مکا ۱۰: ۶۱؛ اع ۲۴: ۵ □

طبریّه

یونانی: Tiberias مأخوذ از نام امپراتور طبریوس شهری است که در حدود ۱۷-۲۲ م. توسط هرودیوس آنتیپاس بر ساحل جنوب غربی دریاچه طبرینه بنیاد نهاده شد. این شهر که دارای قصر شاهی، میدان و پارلمان (۶۰۰ عضوی) بود به جای شهر صفوره پایتخت جدید جلیل شد. یهودیان از زندگی در این شهر که بر روی قبرهای قدیمی بنا شده بود اکراه داشتند اما کمی بعد از تأسیس آن این ممنوعیت از میان برداشته شد. چشمه های گرم این شهر مردم را به خود جلب می کردند. در قرن دوم م. مدرسه معروف خاخامی به نام یهودای قدیس مؤلف اصلی کتاب میشناله بر پا شد. اناجیل هرگز به بودن عیسی در این شهر اشاره نمی کنند اما یوحنا این شهر^۱ و نیز از دریاچه^۲ در انجیل خود نام می برد.

^۱ یو ۶: ۲۳ — ۲ یو ۶: ۱؛ ۲۱: ۱.

◀ نقشه شماره ۴.

طیب

یونانی: iatros، عبری: rophé. طیب در اصل با *جادوگر یکسان و با *کاهن^۱ یکی شمرده می شد. به نظر می رسد که او با خدا که تنها *شفادهنده^۲ است به رقابت می پردازد. در نتیجه نقش او محترم به حساب می آمد و در عصر رومیان متخصصان متعددی مانند رگ زن، جراح و دلاک وجود داشت. آنها حتی در مواقعی که از آنها انتقاد می شد مورد توجه و قدردانی بوده اند^۳.

^۱ لاو ۱۳ — ۲ خروج ۱۵: ۲۶ — ۲-پاد ۲۰: ۸؛ ۲-توا ۱۶: ۱۲ — ۳. ر. ک بنسی ۱-۳۸: ۱۵؛ مت ۹: ۱۲ (= مر ۲: ۱۷ = لو ۵: ۳۱)؛ مر ۵: ۲۶ (= لو ۸: ۴۳)؛ لو ۴: ۲۳؛ کول ۴: ۱۴ □

طرسوس

یونانی: Tarseus, Tarsos. مهم ترین شهر قلیقیه. مرکز مهم فرهیختگان یونان - روم. زادگاه پولس^۱.

^۱ اع ۹: ۱۱-۳۰؛ ۲۵: ۲۱؛ ۳۹: ۲۲؛ ۳.

◀ مقدمه. فصل چهارم. ۲. ج. فصل چهارم. ۳. ج. - نقشه شماره ۲.

طرف راست

یونانی: dexios، عبری yāmîn به معنای «کسی که در طرف راست قرار دارد».

(۱) توصیفی برای نشان دادن طرف اصیل تر انسان (دست، گونه)^۱، هم چنین قدرت آسمانی^۲ را نشان می دهد.

^۱ مت ۵: ۲۹-۳۰، ۳۹ — ۲ مز ۷۳: ۲۳؛ اش ۶۲: ۸؛ اع ۲: ۳۳، ۳۱.

(۲) طرف راست ارجح تر از طرف چپ است.^۳ پسر *خدا باید به دست راست قادر *مطلق بنشیند.^۴
^۳ پید ۴۸-۱۳-۱۴: جا ۱۰: ۲: مت ۲۵: ۳۳ — مز ۱۱: ۱: مت ۲۲: ۴۴ (= مر ۱۲: ۳۶ به لو ۲۰: ۴۲)، ۶۴: ۲۶ (= مر ۱۴: ۶۲ = لو ۲۲: ۶۹)؛ مر ۱۶: ۱۹: اع ۲: ۳۴: افس ۱: ۲۰: کول ۱: ۳: عبر ۱: ۱۳، ۳: ۸، ۱، ۱۰: ۱۲، ۱۲: ۲: ر. ک اع ۷: ۵۵-۵۶.

طعم

یونانی: geuomai.

(۱) معنای خاص. ارزش یابی مزه یک ماده غذایی^۱، خوردن^۲.
^۱ ۱- سمو ۱۴: ۴۳: ایوب ۱۲: ۱۱: مت ۲۷: ۳۴: یو ۲: ۹ — یون ۳: ۷: لو ۱۴: ۲۴: اع ۱۰: ۱۰: ۲۰: ۱۱: ۲۳: ۱۴: کول ۲: ۲۱.
 (۲) معنای استعاری. این واژه از خاصیت آزمایشی یک *شناخت که ممکن است به *حکمت تبدیل شود حکایت دارد مانند نوزادی که شیر خوب را دوست دارد یا جدید الایمانی که می تواند سرور^۳ را به عنوان نوبر عطیه آسمانی که همان سخن خدا است^۴ آزمایش کند. طعم مزه مرگ به معنای درک تلخی آن است^۵، عیسی تلخی مرگ را چشید تا با آن انسان ها را حفظ کند^۶. او این کار را به اندازه ای خوب انجام داد که ایمانداران هرگز مزه مرگ را نخواستند چشید^۷.
^۳ مز ۳۴: ۹: ۱- پتر ۲: ۳ — عبر ۶: ۴-۵ — سمو ۱۵: ۳۲: مت ۱۶: ۲۸ (= مر ۹: ۱= لو ۹: ۲۷) — عبر ۲: ۹ — عبر ۸: ۵۲.

طلا

یونانی: khrysos. از زمان های باستان در اسرائیل شناخته شده بود و از عربستان جنوبی وارد می شد. این فلز گران بها به عنوان پول به کار می رفت. طلا که به هیچ وجه شیئی ضروری نبود فانی تلقی می شد^۱. با این همه به مفهوم هرچیز زیبا، غنی، باشکوه، ارزشمند و مستحکم می باشد^۲.
^۱ جا ۱۲: ۶: مت ۱۰: ۹: اع ۳: ۶: ۲۰: ۳۳: ۱- قرن ۳: ۱۲: ۱- تیمو ۲: ۹: ایوب ۲: ۵: ۳: ۱- پتر ۱: ۷: ۱۸: ۳: ۳ —
^۲ مت ۲: ۱۱: ۲۳: ۱۶-۱۷: اع ۱۷: ۲۹: ۲- تیمو ۲: ۲۰: عبر ۹: ۴: مکا ۱: ۱۲-۱۳: ۱۸: ۳: ۱۸.
 ◀ نقره - ثروت.

طلاق

یونانی: apo-stasion (از aph-istemi به معنای «دور کردن از، جدا کردن»). واژه ای است حقوقی مشخص کننده رهائی کامل از یک پیوند: یونانی: apo-lyo به معنای «باز کردن از، رهائی دادن، آزاد کردن»
 (۱) هر چند طلاق از نظر پیامبران قوم^۱ مردود بود، گسستن پیوند *ازدواج تنها به ابتکار شوهر از نظر *شریعت مجاز بود اما نه بلاقید و شرط. طلاق ممکن است به بهانه سرزدن «چیز ناشایست» از سوی زن باشد^۲. در زمان عیسی قانون دانان یهودی «چیز ناشایست» را چنین مورد سؤال قرار می دادند: آیا هر عیب و نقصی به حساب می آید یا تنها سوءرفتار؟ پس از انجام دادرسی یک «طلاق نامه» صادر می شد که عمل متارکه را تصدیق می کرد و *زن را در تجدید ازدواج آزاد می گذاشت^۳.
^۱ ملا ۱۳: ۱۶ — تث ۲۲: ۱۹، ۱۹: ۲۴: ۱: مت ۵: ۳۱، ۱۹: ۷-۸ (= مر ۱۰: ۴) — مت ۱: ۱۹، ۱۹: ۳ (= مر ۱۰: ۲).
 (۲) عیسی، برعکس بر ناگسستنی بودن ازدواج انگشت تاکید می گذارد^۴. مسلک های مختلف مسیحی استثنایی را که در «مورد فسق»^۵ وجود دارد به گونه های متفاوتی تفسیر می کنند (پیوند نامشروع یا زنا). پولس پس از به خاطر آوردن حکم خداوند^۶ اعلام می کند که جدائی در صورتی که یکی از طرفین بت پرست / مشرک ازدواج به سوی خدا بازگشت کند مجاز می باشد^۷.
^۲ مر ۱۰: ۱۱-۱۲: لو ۱۸: ۱۶ — مت ۵: ۳۲، ۱۹: ۹ — ۱- قرن ۷: ۱۰-۱۱ — ۱۷-قرن ۷: ۱۵-۱۶ □
 ◀ مقدمه فصل هشتم - ۲. ب. ۴ - زنا - هرزگی - ازدواج - فحشاء.

طمع

یونانی: pleonexia (از pleon به معنای «بیشتر» و ekhō به معنای «من می گیرم»). علاقه به *قدرت است که با استثمار یا اغفال^۱ به صورت فشار و خشونت بر علیه دیگری^۲ درمی آید. طمع^۳ همراه با پلیدی^۴ و به خصوص همراه با *پول می آید^۵. این امر علامت یک زندگی دور از خدا^۶ می باشد و می توان آن را *بت پرستی^۷ نامید.

۲۱- قرن ۲: ۱۱، ۷: ۲ — ۲۲: ۲۲؛ حزق ۲۲: ۲۷ — ۳: ۷ مر ۲۲ — ۱۴- قرن ۵: ۱۰-۱۱؛ افس ۴: ۱۹، ۵: ۳؛ کول ۳: ۵: ۱-
تسا ۴: ۶ — ۵: ۱۲؛ ۱۵: ۲- قرن ۹: ۵، ۱۲: ۱۷-۱۸؛ ۱- تسا ۲: ۵؛ ۲- پتر ۳: ۱۴ — ۶: ۱ روم ۱: ۲۹؛ ۱- قرن ۶: ۱۰ — ۷: ۵؛ افس ۵: ۵؛
کول ۳: ۵ □

◀ نقره - هوا و هوس - حسادت - رذائل - خشونت.

طوفان / سیل

یونانی: kataklysmos. مصداق سیل عظیمی است که تنها *نوح و خویشان وی به خاطر داشتن *کشتی^۱ از آن رهایی یافتند. نوعی از *مجازات است که آدمیان بی قید را غافلگیر می کند^۲ و *صالحان^۳ را معاف می دارد. پیش تصویری است از *نجات انسان توسط غسل *تعمید در آب^۴.

۱ پید ۵: ۹-۱۹ — ۲: ۳۸-۴۰ (= لو ۱۷-۲۷). ۳ حک ۱۰: ۴؛ ۱۴: ۶؛ بنسی ۴۴: ۱۷-۲۰؛ اش ۵۴: ۹؛ ۱- پتر ۳: ۲۰-۲۲ — ۲: ۲ پتر ۲: ۵؛ ۳: ۶ □

ظ

ظلمات

یونانی: skotos, skotia.

(۱) نبود روشنایی، مشخص کننده شب^۱. به طور استعاری ظلمات می تواند چیزی را که پنهان یا غایب است توصیف نماید^۲.

^۱ یو ۶: ۱۷؛ ۱۲: ۳۵؛ ۲۰: ۱ — مت ۱۰: ۲۷؛ لو ۱۲: ۳.

(۲) خدا در میان این غیبت غیر موجود هنگام *آفرینش پیروز شد و ظلمات در شب آفرید^۳. تصویر وحشت^۴، بدبختی^۵، فساد^۶ و مرگ^۷ توصیف کننده هر آنچه که شر است^۸ می باشد.

^۱ پید ۱: ۲؛ اش ۴۵: ۷ — عا ۵: ۱۸ — مز ۲۳: ۴ — مز ۸۸: ۷ — ^۷ ایوب ۱۰: ۲۱؛ ۱۳: ۸۸ — مت ۶: ۲۳ (= لو ۱۱: ۳۴-۳۶)؛ ۲۷: ۴۵ (= مر ۱۵: ۳۳ = لو ۲۳: ۴۴-۴۵)؛ لو ۲۲: ۵۳.

(۳) ظلمات قلمرو *شیطان و گناه^۹ است همین طورند افرادی که در ظلمات زاده می شوند^{۱۰} و شر را به وجود آورند^{۱۱}. خدا صاحب ظلمات است^{۱۲} و هر کسی را که اراده کند در نور باشد از آنجا فرا می خواند^{۱۳}. انسان در *مبارزه ای بین روشنایی و ظلمت گرفتار است (ر. ک *قمران) و مسیحیان به پیروی از مسیح در آن پیروز^{۱۴} هستند. لازمه این پیروزی ایمان و محبت برادری^{۱۵} می باشد. بر عکس ظلمات بیرونی محل مجازات بوده و در خارج از *آسمان قرار دارد^{۱۶}.

^۹ اع ۲۶: ۱۸؛ افس ۶: ۱۲ — اش ۱۰: ۹؛ مت ۴: ۱۶؛ لو ۱: ۷۹؛ روم ۱: ۲۱؛ ۲: ۱۹؛ افس ۴: ۱۸؛ ۵: ۸ — ^{۱۱} یو ۳: ۱۹؛ روم ۱۳: ۱۲؛ افس ۵: ۱۱ — ^{۱۲} اع ۱۳: ۱۱؛ ۲: ۴ — ^{۱۳} کول ۱: ۱۳؛ ۱- پتر ۲: ۹ — ^{۱۴} یو ۱: ۵؛ ۳: ۱۹؛ ۸: ۱۲؛ ۱۲: ۴۶؛ ۲- قرن ۶: ۱۴؛ ۱- یو ۵: ۱۵ — ^{۱۵} یو ۱: ۶؛ ۲: ۹-۱۱ — ^{۱۶} مت ۸: ۱۲؛ ۲۲: ۱۳؛ ۲۵: ۳۰؛ مکا ۱۶: ۱۰. ◀ نور.

ظهر (جنوب)

(۱) ساعت. نیمه روز (یونانی: hemeras mesès= mesembria) *ساعت ششم^۱.

^۱ اع ۲۲: ۶؛ ۲۶: ۱۳٪.

(۲) ناحیه. سزمین های جنوبی (یونانی: mesembria)^۲ واژه رایج عبارت است از notos که معنای صحیح آن «باد جنوب»^۳ است.

^۲ پید ۲۴: ۶۲؛ اع ۸: ۲۶٪ — ^۳ غزل ۴: ۱۶؛ مت ۱۲: ۴۲ (= لو ۱۱: ۳۱)؛ لو ۱۲: ۵۵؛ ۱۳: ۲۹؛ اع ۲۷: ۱۳؛ مکا ۲۱: ۱۳ □ ساعت - شبانه روز. ◀

ظهور

ظهور (یونانی: phainesthai به معنای «ظاهر شدن» phaneros به معنای «مرئی») خدا (Theos) نه تنها در طی یک رؤیا بلکه هنگام یک ظاهر شدن محسوس به شکل انسانی یا فرشته ای یا هم چنین در پدیده های کیهانی. در کتاب «عهد جدید» این نوع ظهورها به ندرت دیده می شوند^۱.

^۱ ر. ک مت ۲۸: ۳-۴؛ اع ۷: ۲. ۳۰. ۳۵.

◀ مکاشفه - دیدن.

به گونه ای متفاوت از روایت ظاهر شدن های مسیح بر رسولان بازگو می کند، بدین معنی که سبک آن *مکاشفه ای و پرجلال است و جهت آن به سوی آن عیسایی نبود که زندگی کرده بود بلکه معطوف به کلیسای برپا شده ^{۲۱} بود. پولس برعکس، ظهور مسیح را برخورد در ردیف ظهور مسیح بر یازده ^{۲۲} شاگرد قرار می دهد و با سبکی متفاوت از سبک لوقا ^{۲۳} از آن سخن به میان می آورد.

^{۱۹}اع: ۱-۳ — ^{۲۰}لوقا: ۲۴-۴۹، ۵۰-۵۳، ^{۲۱}اع: ۲: ۱۰، ۴۱: ۱۰، ۴۲: ۱۳-۳۱ — ^{۲۲}اع: ۳: ۹-۵، ۶: ۲۲-۱۱، ۲۶: ۱۳-۱۸ — ^{۲۳}۱-قرن: ۹: ۱: ۸: ۱۵ — ^{۲۴}غلا: ۱: ۱۶، فی: ۳: ۱۲.

(۴) یوحنا از خلال کسانی که به دیدار ظهورهای مسیح نائل آمده بودند، ایمانداران آینده ^{۲۴} را هدف نظر قرار می دهد: این عده آنچه را که شاگردان دیده اند، مشاهده ننموده اند لیکن می دانند که این شاهدان آن را دیده اند و ایمان ایشان بر روی شهادت شاگردان اولیه استوار است، شاگردانی که توسط مسیح رستاخیز کرده ملاقات شده اند. ایشان نیز به نوبه خود توسط عیسی که بعد از مرگ زنده شده، ملاقات شده اند و عیسی در آنان ^{۲۵} سکنی گزیده است.

^{۲۴}یو: ۲۰: ۲۹ — ^{۲۵}یو: ۱۴: ۱۹-۲۳.

◀ صعود - قیام، رستاخیز.

ع

عبادتگاه (مکان مقدس)

. ترجمه این واژه به یونانی بایستی naos باشد که بنای «معبد» را در وجهه مکان مقدس مشخص می کند.^۱

^۱مت ۲۳: ۱۶-۱۷؛ ۲۷: ۴۰.

◀ مقدس - قدس الاقداس - معبد.

[عبرانیان (رساله به)]

این یک رساله نیست بلکه مکتوبی نصیحت آمیز بوده که یک نامه مختصر به آن افزوده شده است. زبان و سبک این مکتوب، نویسنده ای را آشکار می کند که غیر از پولس است با این حال اندیشه نهفته شده در این مکتوب نزدیک به اندیشه پولس می باشد و مبین این امر است که مکتوب با مجموعه رساله های پولس در پیوند است. مؤلف، جماعت های مسیحی غیر مشخص و قدیمی را که تحت تأثیر یهودی - مسیحیت می باشند مد نظر دارد. تاریخ این مکتوب نامشخص است اما آن را در حدود سال های ۶۵ و ۷۰ تخمین می زنند. این مکتوب جزو نوشته های برحق است.

◀ مقدمه، فصل پانزدهم.

عبری / عبرانی

از عبری: ibrî، یونانی: hebraios.

(۱) قوم. واژه ای است برای مشخص کردن قومی با تأکید اصلیت فلسطینی بعضی از اعضاء امت برگزیده.^۱

^۱اع ۶: ۱-۲-۱۱؛ ۲۲: ۳؛ ۵.

(۲) زبان. لهجه ای کنعانی که همانند زبان سریانی به گروه شمال غربی زبان های سامی تعلق دارد. یهودیان پس از استقرار در کنعان این زبان را پذیرفتند. این زبان به زبان *آرامی نزدیک است. پس از وقوع *اسارت، زبان آرامی به عنوان زبان مبادلات جانشین زبان عبری شد. ولی این زبان به عنوان زبانی مقدس و عامل قدرتمند اتحاد امت یهود باقی ماند. این زبان، زبان متون *الهام شده و دعا می باشد. عیسی بدون شک به این زبان آشنایی داشته است.^۲

^۱لو ۲۳: ۳۸؛ یو ۵: ۲؛ ۱۹: ۱۳. ۱۷. ۲۰: ۲۰؛ ۱۶: ۱۶؛ ۲۱: ۴۰؛ ۲۲: ۲؛ ۲۶: ۱۴؛ مکا ۹: ۱۱؛ ۱۶: ۱۶.

◀ مقدمه. فصل سوم. ۲. الف؛ فصل پنجم ۳. ب اسرائیلی-یهودی.

عدالت، عادل شمردگی

یونانی: dikaios, dikaiosynè به معنای «عادل، مطابق با راستی» و dikaiôsis به معنای «عادل شمردگی» و dikaiôd به معنای «عادل شمردن» و dike به معنای «عادل، مجازات، انتقام». تمام این واژه ها از ریشه dik مشتق شده که به معنای «راستا» می باشد، مانند deiknymi به معنای «نشان دادن». این واژه ها در عبری به صدق (çedâqâ) و çedeq ترجمه شده و رفتاری را مشخص می نماید که بین دو حزب که پیمان مشارکت را بنا نهاده اند و از آن محافظت می کنند.

(۱) عدالت خدا در اعلی درجه عدالت نجات بخش است یعنی خدای عادل که نسبت به *پیمان وفادار است وعده های خود را در مورد *نجات انجام می دهد.^۱ این عدالت برای برقراری حق و خوشبختی مبارزه می کند، بی آنکه با عدالت مبادله ای (یعنی برابری تعهدها و تکالیف)^۲ منطبق شود. این واژه به ندرت در تعریف عدالت قضایی (یونانی: dikaiôma به معنای «حکم، فریضه»^۳) یا عدالت توزیعی * (اجرت)^۴ به کار برده می شود و هرگز برای تعریف عدالت

جزائی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. خشم و عدالت خدا دو لحظه متوالی در طول تاریخ نمی‌باشند بلکه بیانگر عمل وفادارانه خدا یعنی نزدیک کردن فرد گناهکار یا دور کردن وی از خود است.^۵ سرانجام عدالت یعنی شخص عیسی^۶.

^۱ مز ۴۰: ۱۰-۱۱؛ اش ۴۵: ۲۱؛ ۴۶: ۱۳؛ مت ۳: ۱۵؛ ۲۱: ۳۲؛ روم ۳: ۲۱-۲۶ — ۲۲-سمو ۸: ۱۵؛ مز ۴۵: ۴-۸؛ اش ۴۱: ۲؛

رک. مت ۲۰: ۴ — ۳ لو ۱: ۶؛ روم ۱: ۳۲؛ ۲: ۲۶؛ ۸: ۴؛ عبر ۹: ۱. ۱۰؛ مکا ۱۵: ۴ — ۲۴-تسا ۱: ۵-۶؛ عبر ۲: ۲؛ رک لو ۲۳: ۴۱

— ۸۵: ۴-۶؛ میکا ۷: ۷-۹؛ روم ۱: ۱۷-۱۸؛ ۱۰: ۳؛ فی ۳: ۹؛ یح ۱: ۲۰ — ۱۶-قرن ۱: ۳۰؛ رک. ۲-قرن ۵: ۲۱.

(۲) خدای عادل، انسان را عادل می‌گرداند. او حق بین است و حق را به انسان می‌دهد و وی را آزاد می‌سازد.^۷ انسان از تبرئه خود عاجز است؛ تنها خدا است که عادل کننده می‌باشد.^۸ او بی‌دینان را می‌بخشد ولی نه به خاطر اعمالشان و نه به خاطر به اجرا در آوردن/انجام شریعت^۹ بلکه به خاطر فیض عیسی مسیح، که عادل از مرگ برخاسته می‌باشد و ایمانداران توسط ایمان با او متحدند^{۱۰}. مسیح در دل انسان تبرئه شده زندگی روح^{۱۱} تقدیس کننده را که سرچشمه اعمال محبت است آغاز می‌کند^{۱۲}.

^۷ یو ۱۷: ۲۵؛ پیدا ۴۴: ۱۶؛ بنسی ۲۳: ۱۱ — اش ۵۰: ۸؛ روم ۴: ۵-۶؛ ۸: ۳۳؛ رک. لو ۱۰: ۲۹ — ایوب ۴: ۱۷؛ مر ۱۴۳: ۱-۲؛

غلا ۲: ۱۵-۲۱؛ ۳: ۲۹-۶ — ۱۰-هو ۲: ۲۱-۲۲؛ مت ۹: ۱۳ (= مر ۲: ۱۷ = لو ۵: ۳۲)؛ روم ۱: ۱۷؛ ۳: ۲۶-۲۷؛ ۴: ۲۵؛

۹: ۳۲-۳۰؛ ۱۰: ۳-۱۰؛ فی ۳: ۸-۹؛ تیط ۳: ۵-۷ — ۱۱-مت ۳۷: ۱۲؛ روم ۱۳: ۵؛ ۱: ۱-۱۰-قرن ۱: ۳۰؛ عبر ۱۱: ۷؛ یح ۱۴-۲۶.

(۳) عدالت انسان‌ها عبارت از این است که انسان چنانچه خدا می‌خواهد «عادل» باشد یعنی به شکرانه یک زندگی موافق با اراده^{۱۳} خدا شامل پیوند^{۱۴} فیض آمیز باشد. لوقا واژگانی را می‌آورد که در یهودیت صدایش منعکس می‌شود بدین معنی که عیسی، والدین یحیی، شمعون و کرنیلیوس، همگی عادل هستند^{۱۵} در صورتی که دیگران این معروفیت را دارا نمی‌باشند^{۱۶}. متی نیز منعکس کننده این صدا در یهودیت است^{۱۷} اما او عدالت جدید و مسیحی را ستایش می‌کند^{۱۸}.

^{۱۲} مز ۷: ۹؛ ۱۷: ۱-۵؛ ۱۸: ۲۲-۲۴؛ ۲۶: ۱-۶ — ۱۳-میک ۸: ۸؛ لو ۱: ۷۵؛ افس ۶: ۱۴ — ۲-تیمو ۲: ۲۲؛ ۱-یو ۲۹: ۳؛ ۱۰:

مکا ۱۹: ۸ — ۱۴-لو ۱: ۶؛ ۲: ۲۵؛ ۲۳: ۴۷-۵۰؛ اع ۳: ۱۴؛ ۷: ۵۲؛ ۱۰: ۲۲؛ ۱۴: ۲۲؛ رک. مر ۶: ۲۰؛ یح ۵: ۱-۶؛ یو ۳: ۷ —

^{۱۵} لو ۱۰: ۲۹؛ ۱۶: ۱۵ (= مت ۲۳: ۲۸)؛ ۲۰: ۲۰ — ۱۶-مت ۱: ۱۹؛ ۱۰: ۴۱؛ ۱۳: ۱۷؛ ۴۳: ۴۹؛ ۲۳: ۳۵؛ ۲۵: ۳۷؛ ۴۶: ۲۷؛ ۱۹:

— ۱۷-مت ۵: ۶-۱۰؛ ۲۰: ۶؛ ۳۳: ۱.

◀ مقدمه. فصل ششم ۴۰ - وفادار - ایمان - بی‌عدالتی - اجرت.

عدم اعتدال

این واژه مخالفت انسان را با خدا که سرمنشأ تمامی گناهان بود و انسان را به سوی بی‌ایمانی سوق می‌دهد، مشخص می‌کند و نه گناهان مختلفی که انسان می‌تواند مرتکب آنها شود. واژه یونانی *anomia* (از *nomos* به معنای «قانون» همراه، با پیشوند منفی به علامت نبود) این قدرت^۱ آخرتی خصمانه نسبت به خدا را که توسط یهودیت زمان مسیح^۲ آزادانه از آن صحبت می‌شد، به خوبی تشریح کرده است.

واژه یونانی: *adikia* (از *dikē* به معنای «قاعده، عدالت» همراه با پیشوند منفی به علامت نبود) یعنی «بی‌عدالتی» می‌تواند تا این حد برگردان واژه مورد نظر باشد که معنای کتاب مقدسی^۳ عدالت در آن مستتر بوده و متن نشان بدهد که مقصود اصلی نوعی قدرت است و نه نتیجه حاصل از آن^۴.

^۱ مت ۷: ۲۳؛ ۱۳: ۴۱؛ ۲۳: ۲۸؛ ۲۴: ۱۲؛ روم ۴: ۷؛ ۶: ۱۹؛ ۲-قرن ۶: ۱۴ — ۲-تسا ۲: ۳؛ ۷: ۲؛ تیط ۲: ۱۴؛ عبر ۱: ۹؛ ۱۰: ۱۷؛ ۱-

یو ۳: ۴ — ۲-روم ۱: ۱۸؛ ۲: ۸؛ ۹: ۱۴؛ ۱-قرن ۱۳: ۶؛ ۲-تسا ۲: ۱۰؛ ۱۲: ۲-تیمو ۲: ۱۹؛ ۱-یو ۹: ۱۷.

◀ عدالت - شریعت - گناه.

عده‌زیاد (بسیار)

این واژه معمولاً ترجمان موصوفی همراه یا بدون حرف تعریف می‌باشد مانند *(hoi) polloi* که با واژه عبری *rabbim* (ha) تطابق دارد. معنای قیاسی یونانی (برخلاف دیگر معانی که تعدادشان کمتر است) تنها در دو مورد قابل قبول می‌باشد^۱: معمولاً در تطابق با کتاب عهد عتیق^۲ و با آنچه که در نوشته‌های «قمران دیده می‌شود به معنای مثبت و توصیف یک اجتماع^۳ می‌باشد. با این حال بعضی از مترجمان در برخی از موارد و به ویژه وقتی که واژه به صورت صفت است معنای محدود کننده «بسیار» را به کار می‌برند^۴.

^۱ مت ۲۴: ۱۲؛ ۲- قرن ۱۷: ۲ — اش ۵۲: ۱۴؛ ۵۳: ۱۱-۱۲ — مت ۲۰: ۲۸؛ ۲۶: ۲۸؛ روم ۵: ۱۵؛ ۱۲: ۴-۵؛ ۱- قرن ۱۲: ۱۲؛ عبری ۹: ۲۸ — مت ۲۲: ۱۴؛ لو ۷: ۴۷؛ روم ۵: ۱۶.

عربستان، اعراب

اسم جمع عبری *arab* به چادرنشینان صحرای سوریه و عربستان^۱ اطلاق می‌شد. عربستان (یونانی: *Arabia*)، از قرن دوم قبل از میلاد شامل سرزمین قلمرو*نبطیه می‌شد که از دریای سرخ تا دمشق در امتداد فلسطین کشیده شده بود؛ کوه سینا^۲ نیز جزو این سرزمین محسوب می‌شد. در روز پنطیکاست^۳، عرب‌ها (یونانی: *Arabes*) نیز در اورشلیم حضور داشتند. پولس پس از گرویدن^۴ به مسیح به عربستان رفت.

^۱ اش ۱۳: ۲۰؛ ۳: ۲ — ۲۲- مک ۵: ۸؛ ۴: ۲۵ — اع ۲: ۱۱ — ۴: ۱۷؛ ۱۷.

عرق خونین

در «جستیمانی هنگام*احتضار عیسی عرق (عیسی) مثل قطرات خون (یونانی: *haimatos thromboi*) بود که بر روی زمین می‌ریخت»^۱. این قطعه در بسیاری از نسخ خطی مربوط به اوائل قرن سوم موجود نیست که بی تردید در اثر وسواسی الهی شناختی خط خورده است. تصریح دقیق طبیعت این پدیده مشکل است حتی اگر بعضی می‌خواهند آن را با *hématidrose* (جریان عرق آغشته به خون) یعنی عرق صورتی رنگی که از نفوذ هموگلوبین به ترشحات غده‌های عرقی حاصل می‌شود یکسان بدانند.

^۱ لو ۲۲: ۴۴.

عروسی

(۱) یونانی: *gamos*. عیسی در عروسی‌ای در قانا شرکت^۱ نمود. عهد جدید در جشن بزرگی که برای عروسی تدارک دیده می‌شود چهره‌ای از «ضیافت^۲ و عروسی*بره^۳ را می‌بیند. همگان به شرط در برداشتن لباس*عروسی^۴ برای شرکت در این ضیافت دعوت شده‌اند^۵.

^۱ یو ۳-۱: ۲ — اش ۶: ۲۵ — ۳ مک ۱۹: ۷ — ۹: ۲۲ — مت ۹: ۲۲ — ۱۱: ۱۲؛ ر. ک ۲- پاد ۱۰: ۲۲؛ لو ۱۵: ۲۲؛ مک ۱۹: ۸.

(۲) یونانی *nymphôn* بیشتر مشخص کننده مجلس عروسی^۶، جائی که «پسران خانه عروسی» یعنی دعوت شدگان^۷ جمع می‌شوند. تازه ازدواج کرده‌ها به یونانی *nymphê*, *nymphios* نامیده می‌شوند^۸.

^۶ مت ۱۰: ۲۲ — ۱۵: ۹ — ۱۵: ۹ (= مر ۲: ۱۹ = لو ۳۴: ۵) — مت ۹: ۱۵ (= مت ۲: ۱۹ = لو ۳۴: ۵)؛ ۱۰: ۲۵؛ ۱- قرن ۱۰: ۶؛ ۱۰: ۲۲؛ ۲۹: ۳؛ مک ۱۸: ۲۳ — ۹: ۲۲؛ ۱۷.

◀ مقدمه. فصل هشتم. ۲. ب - داماد - نامزدها - ازدواج

عریان

یونانی: *gymnos*. این واژه حالت بدون*پوشش یا بدون پیراهن بودن را^۱ بیان می‌کند. بنابر تحولات میراث عهد عتیق، عریانی دارای دو جنبه است^۲: برهنگی و حالت بدنی که پوشیده نمی‌باشد. فقیر شخص برهنه‌ای است که

باید لباس بر تنش پوشاند.^۳ پولس تحت زجر و شکنجه خود را برهنه می بیند^۴، ولی نه جدا از مسیح. *برهنگی نماد شرمی است که آدم و حوا پس از ارتکاب گناه احساس کردند^۵ و کلیسای لاودیکیه می تواند نگذارد کسی شرم ناشی از برهنگی او را ببیند اگر از درگاه خداوند *لباس های سفید^۶ خریداری کند: فاحشه عربان، برهنه خواهد ماند^۷. ما امیدواریم برهنه ظاهر نشویم بلکه ملبس به لباس^۸.

و نیز برهنگی عبارت است از بودن بدون لباسی که تن را بپوشاند و ما به هنگام تولد و مرگ چنین هستیم^۹ و این بدین معناست که همه چیز در نظر خدا برهنه می باشد^{۱۰} و انسان از برهنگی خود حیائی نداشته است^{۱۱}. جسم حاضر ما لباسی است که «ما مایل نیستیم آن را از تن بدر کنیم بلکه می خواهیم لباسی دیگر برآن بپوشیم تا فانی در حیات غرق شود^{۱۲}».

^۱مر ۱۴: ۵۲-۵۱؛ اع ۱۶: ۷-۲۱؛ مت ۲۵: ۳۶، ۳۸، ۴۳-۴۴-۱۳-قرن ۴: ۱۱-۲-قرن ۱۱: ۲۷-۴-روم ۸: ۳۵-

^۵پید ۳: ۷؛ ر.ک ۲: ۲۵-۶ مکا ۱۷-۱۸؛ ر.ک ۱۶: ۱۵-۷ مکا ۱۷: ۱۶-۲۸-قرن ۵: ۳-۹ ایوب ۱: ۲۱؛ جا ۵: ۱۴-

^{۱۰}عبر ۱۳: ۴-۱۱ پید ۲: ۲۵-۲۱۲-قرن ۵: ۱-۵.

◀ شرم - فقیر - لباس.

[عزرا]

(۱) عزرا اصلاح طلب یهودی بعد از تبعید بود که در زمان اردشیر دوم حدود ۴۰۰ ق.م (و به احتمال بیشتر در زمان اردشیر اول حدود ۴۸۵ ق.م) می زیست. این کاتب معروف عهده دار امور یهودیان در دربار شاه ایران بود. او به همراه نحمیا، بنیانگذار جامعه یهود برای حمایت و حفاظت از این جامعه از شریعت به مانند «دیواری» استفاده کرد^۱.

(۲) کتاب های *برحق *عزرا نحمیا در ابتداء به هم پیوسته بودند و در کتاب مقدس یهودیان قبل از کتب تواریخ ایام قرار داشتند. سپس این دو کتاب از هم جدا شدند. در کتاب عزرا قطعاتی به زبان *آرامی وجود دارد^۱.

^۱۴: ۸-۶: ۱۸؛ ۷: ۱۲-۲۶.

(۳) کتاب دوم عزرا روایت *تحریفی دیگری است از کتاب تواریخ ایام. این کتاب تحت شماره ۳ آمده است بدین لحاظ که در *ولگات (ترجمه کتاب مقدس به زبان لاتین) به دنبال کتاب نحمیا کتاب دوم عزرا نامیده شده است می آید.

(۴) کتاب چهارم عزرا (که هم چنین مکاشفه عزرا یا کتاب دوم عزرا نامیده می شود، یک روایت *تحریفی از کتاب عهد قدیم است که در اواخر قرن اول میلادی به زبان آرامی نوشته شده است. ترجمه لاتین آن از روی یک نسخه یونانی، معروف است. اثری است که به سبک مکاشفه ای نوشته شده است و همسان کتاب مکاشفه *باروخ می باشد. سرود Requiem از این اثر اخذ شده است. فصول ۱-۲ و ۱۵-۱۶ افزوده دست مسیحیان است.

عسل

یونانی: meli. عسل در بیابان یهودیه که توسط زنبورهای وحشی عسل در فرو رفتگی های صخره ها قرار می گرفت به وفور یافت^۱ می شد. طبق بعضی گفته ها صحبت بیشتر از عسل نباتی، شیره انگور، خرما و یا انجیر بوده است^۲.

^۱داور ۱۴: ۸-۹: ۱۸؛ مت ۴: ۳؛ مر ۱: ۶-۲ حزق ۳: ۳؛ مکا ۱۰: ۹-۱۰ □

عشر

از لاتین: decima، یونانی: he dekatè به معنای «یک دهم» یا ۱۰ در صد. *مالیات مذهبی است و نشان دهنده مالکیتی است که خدا بر بعضی از محصولات زمین^۱ و حتی روی بهائم دارد^۲. فریسیان این مالیات را به محصولات بسیار ناچیز^۳ نیز گسترش دادند. عشر که با مالیات *سالیانه معبد^۴ تفاوت دارد اختصاص داده می شد به مخارج

خادمان^۵ معبد. قبل از این که معبد و خادمان آن به وجود آید *ابراهیم عشر خود را به شاه-کاهن *ملکیصدق می پرداخت و به این ترتیب برتری آن *کهان را بر کهان *لاویان^۶ بازمی شناخت.

^۱ تث ۱: ۲۲-۲۳ — لاو ۲۷: ۳۲ — مت ۲۳: ۲۳ (= لو ۱۱: ۴۲); لو ۱۸: ۱۲ — مت ۱۷: ۲۴ — اعد ۱۸: ۲۱; عبر ۷: ۵ — پید ۱۴: ۲۰; عبر ۷: ۲-۹.

◀ مقدمه: فصل ششم. ۳ ب - زیره - لاویان - نعناع - نوبر.

عصر

یونانی: aiôn (عبری: ôlâm) دارای دو معنا است: الف) به معنای «طول زمان، مدت طولانی، *قرن». کتاب عهد عتیق توسط این واژه در صدد تسلط یافتن بر طول زندگی است یا هنگامی که مقصود خدا می باشد، چیزی را که بی زوال است (یونانی: aiônios) تعریف می کند و ب) به معنای *«عالم». نوشته های *آخرتی یهودیت اخیر دو عصر را مشخص می کند: «این یکی» که باید بگذرد و تحت الشعاع محنت واقع است و «آن یکی» که باید بیاید و ملکوت عدل و صلح خواهد بود^۱.

^۱ مت ۱۲: ۳۲; مر ۱۰: ۳۰ (= لو ۱۸: ۳۰); افس ۱: ۲۱; عبر ۶: ۵.

◀ مقدمه. فصل دوازدهم. ۲ الف - ابدی - دنیا - قرن - زمان.

عصیان

یونانی: bias, biazomai. این واژه که در کتاب عهد جدید به ندرت دیده می شود به مفهوم نیرو (یونانی: bia)^۱، فشار (یونانی: parabiazomai)^۲ و عصیان به معنای حقیقی آن (یونانی: biazō, biastēs) به کار گرفته می شود. عصیان در اصل نیروی حافظ خیانت است که برای بقای حیات به از بین بردن زندگی دیگران گرایش دارد. در کتاب عهد جدید افراد خشن افراد حمله و زور سخن آنهایی هستند که از ورود آدمیان به ملکوت خدا ممانعت می کنند ملکوتی که «جباران آن را به زور می ربایند»^۳. لوقا کلام خدا را کاملاً بر عکس مورد تفسیر قرار می دهد و عصیان را به شاگردان عیسی که در حال مبارزه برای ورود به *ملکوت خدا هستند نسبت می دهد^۴. در هر صورت تسخیر ملکوت خدا زنجیر خشونت را می گسلد.

^۱ اع ۵: ۲۶; ۲۱: ۳۵ — ۲۴: ۲۹; اع ۱۶: ۱۵ — مت ۱۱: ۱۲ — لو ۱۶: ۱۶; ر. ک. ۱۳: ۲۴.

◀ نبرد - طمع - نفرت - قدرت - غیرت.

عطایای الهی

یونانی kharisma (مأخوذ از kharizomai به معنای «خشنود کردن و kharis به معنای «نعمت، چیزی که انسان را شادمان می کند»).

۱) معنای گسترده: عطایای رایگان از سوی *خدا، عطیۀ الهی به طور کلی، روح القدس، نجات در عیسای مسیح، زندگی جاودانی، امتیازات اسرائیل و آزادی از خطر^۱.

^۱ روم ۱: ۱۱، ۵: ۱۵-۱۶، ۶: ۲۳، ۱۱: ۲۹-۲-قرن ۱: ۱۱.

۲) معنای فنی: عطایای الهی عطایای رایگانی هستند که به افراد خاصی تعلق می گیرند تا از راه *روح القدس اعمالی را به فراخور صلاح جماعت^۲ انجام دهند. این عطایای الهی جهت *بنا کردن *تن مسیح تعیین می گردند. هرچند این عطایا منوط به تمیز دادن روح ها هستند با این وصف در تابعیت از *محبت مطلوب می باشند^۳. تدوین فهرستی مشتمل بر عموم عطایای الهی کاری دشوار است^۴.

^۲ روم ۱۲: ۶-۱-قرن ۱: ۷، ۷: ۷، ۱-تیمو ۴: ۱۴-۲-تیمو ۶: ۱-پطرس ۴: ۱۰ — ۱۳-قرن ۱۲: ۴، ۹، ۲۸، ۳۰، ۳۱ —

ر. ک روم ۱۲: ۶-۸-۱-قرن ۱۲: ۲۸-۳۰: افس ۴: ۱۱.

◀ عطیه.

عطر

یونانی: osmè به معنای «بو»، euôdia به معنای «بوی خوش» myron, thymiama به معنای «عطر».

(۱) عطریات که در اسرائیل همانند تمامی مشرق زمین باستانی^۱ از ضروریات زندگی اجتماعی و مذهبی بوده اند. اینها عبارت بودند از صمغ های ساده (=مواد خوشبو) یا مخلوط با روغن و به خصوص از عربستان و آفریقای شرقی وارد می شدند. از حدود سی نوع عطر ذکر شده در کتاب عهد عتیق، کتاب عهد جدید از *عود، هل، *مواد خوشبو، دارچین، *کندر، *مر، *نارد (عطر سنبل) و اسن نام می برد.

^۱مکا: ۱۸: ۱۳.

(۲) زدن عطر به سر *میهمان، خود یک نوع حرکت سنتی برای خوش آمد گفتن^۲ به میهمان بوده است. تدهین * (مسح) در مراسم *تدفین اظهار احترام به شخص مرده می باشد^۳.

^۲لو: ۷: ۴۶ — مت: ۲۶: ۱۲.۷ (=مر: ۱۴: ۸.۳ = یو: ۱۲: ۷.۳)؛ مر: ۱۶: ۱.

(۳) در *آئین مذهبی عطری که سوزانده می شود، *نمادگر^۴ دعا می باشد. از این پدید آمدن اصطلاح قدیمی «قربانی بوی خوش»^۵ برای نشان دادن تقدیمی عیسی^۶ یا سخاوتمندی شخص ایماندار^۷ است. درخشیدن آنهایی که به هنگام تعمید مسح شده اند^۸ از همین امر حاصل می شود.

^۴لو: ۱: ۹؛ عبر: ۹: ۴؛ مکا: ۵: ۸ — پید: ۸: ۲۱ — افس: ۵: ۲ — فی: ۴: ۱۸ — ۲۸: ۲ — قرن: ۱۵: ۲.

◀ مقدمه: فصل هشتم. ۱. ج. ۲ — مواد خوشبو — قربانگاه — کندر — روغن — روزه داری — خوشی — مسح کردن.

عطیه

یونانی: dōrea, dōron (از didōmi به معنای «دادن»). این واژه بدون تردید چیزی را که عطا شده است و علاوه بر این قصد عطا کننده یعنی: رایگان، توجیه شده، علاقمند بودن را مشخص می کند.

(۱) خدا پسرش را داد^۱ و فیض عادل^۲ شمرده شدن را و انواع عطایا^۳ را و مافوق همه روح القدس^۴ و به همراه آن موهبت ها را بخشید^۵. خدا به عیسی روح القدس، داوری، اعمالی برای انجام دادن و شاگردان را عطا کرد^۶.

^۱یو: ۳: ۱۶، ۴: ۱۰ — روم: ۳: ۲۴، ۵: ۱۵-۱۷: ۲-۱۵: ۹ — مت: ۷: ۱۱؛ یو: ۳۲: ۱۷: ۱ — لو: ۱۱: ۱۳؛ یو: ۱۴: ۱۶؛ اع: ۳۸: ۵، ۳۲: ۸، ۲۰: ۱۰، ۴۵: ۱۵: ۸-۲: ۱۵-۲: ۱۵، ۲۲: ۵: ۵-۱: ۴-۱: ۸-۱: ۲۴-۱۵: ۱۲: ۷ — یو: ۳۴: ۳۴: ۵: ۲۲، ۳۶: ۱۰، ۲۹: ۱۷، ۶: ۹، ۱۸: ۹.

(۲) عیسی مسیح نان و *جام^۷ یعنی زندگی^۸ خود را می دهد. او خود را برای ما تسلیم می کند (یونانی: para-didōmi)؛^۹ او اختیارات و قدرت^{۱۰} می بخشد. او فرزندی خدا را، آب حیات را، زندگی را، صلح و جلال^{۱۱} را و بالاخره عطایای گوناگون دیگر را عطا می کند^{۱۲}.

^۷مت: ۲۶: ۲۶-۲۷ (=مر: ۱۴: ۲۲-۲۳ = لو: ۲۲: ۱۹)؛ یو: ۶: ۵۱ — مت: ۲۰: ۲۸ (=مر: ۱۰: ۴۵)؛ لو: ۲۲: ۱۹؛ غلا: ۴: ۱- تیمو: ۶: ۲؛ تیط: ۲: ۱۴؛ ر.ک یو: ۱۰: ۱۱، ۱۱: ۱۵، ۱۷-۱۸: ۱- یو: ۳: ۱۶ — غلا: ۲: ۲۰؛ افس: ۵: ۲۵، ۲: ۱۰؛ مت: ۱۰: ۱ (=مر: ۷: ۶ = لو: ۹: ۱)، ۱۶: ۱۹؛ لو: ۱۰: ۱۹ — یو: ۱۱: ۱۲، ۱۲: ۴-۱۴: ۱۵، ۶: ۳۳، ۱۰: ۲۸، ۱۴: ۲۷، ۱۷: ۲۲ — ۱۲: ۴ افس: ۸.

(۳) شاگردی که به رایگان (یونانی: dōrean) دریافت کرده است بایستی به رایگان بدهد^{۱۳} و قربانی های *پرستشی برای خدا نثار کند^{۱۴}.

^{۱۳}مت: ۱۰: ۸؛ روم: ۳: ۲۴-۲: ۷؛ ۲-تسا: ۳: ۸؛ مکا: ۲۱: ۶، ۲۲: ۱۷ — مت: ۲۳-۲۴: ۸؛ ۴: روم: ۱۱: ۳۵؛ ر.ک یو: ۱۳: ۳۷؛ روم: ۱۲: ۱-۲.

◀ عطایای الهی — فیض — سنت.

عقاب

یونانی: aetos. مرغ گوشتخواری که در متون، به سختی از *کرکس قابل تشخیص است. در میان صخره‌های غیرقابل دسترسی^۱ و بلندی‌هایی که از او سمبلی از موجودات آسمانی^۲ می‌سازد آشیانه می‌گیرد. پرواز سریع این پرنده ضرب‌المثل^۳ شده است. اشاره به گردن بی‌مو و در جستجوی لاشه‌ها بودن ما را بیشتر به یاد کرکس^۴ می‌اندازد.

^۱ ایوب: ۳۹-۲۷ — حزق: ۱: ۱۰، ۱۴: ۱۷، ۳: ۷؛ مکا: ۴: ۷، ۸: ۱۳ — تث: ۲۸: ۴۹؛ ایوب: ۹: ۲۶؛ مکا: ۱۲: ۱۴ —
^۲ ایوب: ۳۹: ۳۰؛ میک: ۱: ۱۶؛ مت: ۲۴: ۲۸ (= لو: ۱۷: ۳۷).

عقرب

یونانی: skorpion در فلسطین تعداد و انواع زیادی (ده نوع) عقرب وجود دارد. همه مردم از نیش‌های بسیار دردناک عقرب وحشت دارند. این موجود سمبل خصوصیات خصمانه و بیرحمانه است. چون رنگش به سفیدی می‌زند ممکن است با تخم‌پرندگان اشتباه شود^۱.

^۱ تث: ۸: ۱۵-۱-۱۲: ۱۱-۱۴؛ بنسی: ۲۶: ۷؛ ۳۹: ۳۰؛ حزق: ۲: ۶؛ لو: ۱۰: ۱۹؛ ۱۱: ۱۲؛ مکا: ۹: ۳، ۵، ۱۰ □

[علم تفسیر کتاب مقدس]

یونانی: hermenèueîn به معنای «تعبیر کردن، تفسیر کردن، ترجمه کردن». این روش که در ابتداء تنها به تئوری توضیح یک متن محدود می‌شد، امروزه به سوی تفسیر در عمل گرایش دارد که با ارائه دادن خود به عنوان «برگردان» «تعبیر جا دادن» (پس و پیش کردن)، می‌خواهد متن را امروز درک کند و آن را بازگو نماید.

◀ تشخیص دادن - تفسیر.

عمواس

یونانی: Emmaous. دهی است واقع در ۱۲ کیلومتری اورشلیم. عیسی از مرگ برخاسته، خود را در آنجا بر دو نفر از شاگردانش ظاهر ساخت^۱. تعیین جای مشخص این ده مشکل است چون ده عمواس Amwas با تلفظ مشابه نام در ۳۰ کیلومتری اورشلیم واقع است. نام این ده طبق سنت قدیمی القبیبه یا لائروم می‌باشد.

^۱ لو: ۲۴: ۱۳.

◀ نقشه شماره ۴.

عمانویل

عبری: 'immânuél به معنای «خدا با ماست». نام نمادینی که بر فرزند آینده شاه آحاز^۱ و نیز بر *عیسی^۲ نهاده شده بود.

^۱ اش: ۷: ۱۴، ۸: ۸، ۱۰ — مت: ۱: ۲۳؛ ر.ک: ۲۸: ۲۰.

عناصر عالم

(۱) یونانی: stoikheia (هم ریشه با stikhos به معنای «خط، ردیف») به معنای «عناصر، پایه، بخش بنیادی»^۱. طبق عقیده پیشینیان چهار عنصر، تشکیل دهنده عالم^۲ هستند که زندگی تمام موجودات، که شامل انسان هم می‌شود به آنها وابسته می‌باشد. این عناصر عبارتند از: آب، خاک، هوا و آتش. طبق عقیده *رواقیون این عناصر در نهایت سوخته خواهند شد^۳.

^۱ عبر: ۵: ۱۲ — حکم: ۷: ۱۷-۱۹، ۱۹: ۸ — ۲۳-پط: ۳: ۱۰، ۱۲.

۲) این اصطلاح هم چنین ممکن است ستارگانی را مشخص کند که برگردش جهان مؤثر می باشند و نیز امکان دارد از راه بسط معنا، به مفهوم ارواح آسمانی باشند که طبق کیهان شناسی باستانی، بر ستارگان حاکم هستند. افراد مسیحی، توسط مسیح از این نیروها و نیز از قانون حاکم بر آنها رهائی یافته اند.^۴

غلا ۴: ۳، ۹؛ کول ۲: ۸، ۲۰ □

◀ قدرت ها - آتش - دنیا.

عود

یونانی: aloè. عطری که از چوبی گرانها در مشرق زمین می گیرند (که البته ارتباطی با گیاه دارویی ندارد). این عطر، ندرتاً به صورت خالص به کار برده می شد. در کتاب مقدس همیشه با عطر دیگری از جمله *مرّ مخلوط است.

۱ مز ۴۵: ۹؛ امث ۷: ۱۷؛ غزل ۴: ۱۴؛ یو ۱۹: ۳۹.

◀ عطر.

عهد

از لاتین: testamentum که از واژه یونانی diathèkè به معنای *«عهد» برگردانده شده است.

۱) این واژه نه تنها به معنای «ترتیب وصیتی» یعنی سند حقوقی که در آن «دارایی» (یونانی: dia-tithèmai) شخص برای زمان مردنش^۱ مشخص می شود، این واژه هم چنین شامل معنای واژه عبری berit (که آن هم از واژه یونانی diathèkè برگردانده شده است)، پیمان اتحاد است که از طریق آن خدا متعهد می شود که با برقراری شرایط مناسب قومی را که قوم برگزیده او شده است از فیض و نعمت سرشار نماید. این واژه گرایش دارد بر خاصیت دو جانبه هر عهد را به منظور برجسته کردن مقام وصیت کننده سایه بپفکند.

۱ لو ۲۲: ۲۹؛ غلا ۳: ۱۵-۱۷؛ عبر ۹: ۱۶.

۲) عبارت از یگانه عهدی است که بین خدا و قوم برگزیده او برقرار گردید^۲. کتاب «عهد قدیم» در واقع کتاب «عهد نخست» می باشد «عهد جدید» نیز با ارجاع به سخنان عیسی در طی *«شام آخر»^۳ و با اشاره به پیشگویی ارمیا^۴ به عنوان کتاب «عهد جدید» توصیف می شود این عهد هر چند که «جدید» نامیده شده است نه برای جانشینی بلکه برای تکمیل «عهد قدیم» که همواره در ارتباط زنده و ثابت^۵ با آن قرار دارد آمده است.

۲ قرن ۳: ۱۴-۲۲: ۲۰-۲۱ از ۳۱: ۳۱؛ ۲ قرن ۳: ۶.

۳) سبک ادبی مربوط به خطابه های تودיעی که مشابه آن در کتاب وصیت نامه های دوازده به طریق دیده می شود.

◀ مقدمه: فصل ششم. ۴. ب. ۳- آخرین سخنان - عهد.

عهد و پیمان

یونانی: diathèkè (از: dia-tithèmai: «در اختیار داشتن»): سند حقوقی که از طریق آن، شخص صاحب اموال خود محسوب می شود. واژه یونانی فوق گویاتر از واژه syn-thèkè به معنی: «قراردادی دوجانبه» که جنبه خاصی از کلمه عبری berit است می باشد. این کلمه در عهد عتیق معمولاً متعکس کننده پیمانی است مابین دو جناح نابرابر و آن هم بر مبنای الگوی قراردادهای بیعت: بدین معنی که شخص قدرتمند وعده می دهد که از شخص ضعیف به شرط آن که خدمت^۱ خود را تحت نظارت یهوه^۲ ارائه دهد، حمایت نماید. بدین ترتیب، با سوگندی، طرفین نسبت به یکدیگر همبستگی پیدا می کنند: خداوند نسبت به وعده هایش وفادار می ماند و قوم نیز متعهد می شود که عهدها را به جا آورد، *برکت و یا *لعنت به پیمان^۳ خاتمه می بخشد. با وجود این، هرگز جنبه قراردادی بر جنبه *عطیه و یا *وعده^۴ فائق نمی آید.

۲۱- سمو ۳: ۱۲-۱۲ سمو ۲۰: ۸، ۲۳: ۱۸-۱۸ خروج ۱۹: ۵، ۸-۲ غلا ۳: ۱۵؛ عبر ۹: ۱۶، ۱۷.

(۱) عهدی که خداوند با ابراهیم^۵ و با قوم خود اسرائیل^۶ و با داود^۷ منعقد نمود، غیرقابل فسخ و ابدی^۸ است زیرا که *امانت خداوند نمی تواند تابع بی ایمانی انسان ها^۹ باشد: بدین ترتیب، از دیدگاه پولس، عار *بی ایمانی بنی اسرائیل در برابر مسیح عیسی^{۱۰} برداشته شده است. این «پیمان ها»^{۱۱} علی رغم این که کیفیت های گوناگونی را از خود بروز داده اند، همگی به ابتکار عملی که توسط یهوه اتخاذ می شد مرتبط می گردند: مثلاً *ختنه و *شریعت تعهداتی هستند که بعداً^{۱۲} اضافه شدند و عمل خداوند را باید لایق قطع^{۱۳} به خاطر آورد.

^۵ پید ۱۵: ۱۸، ۱۷: ۲-۱۱؛ لو: ۱: ۷۲، ۷۳؛ اع: ۸: ۳، ۷: ۱۸-۱۵؛ ر.ک عبر: ۶: ۱۳ — مز: ۱۰۵: ۱۰؛ اع: ۳: ۲۵؛ روم ۱۱: ۲۷؛ عبر: ۸: ۱۰، ۱۰: ۱۶ — ۲۷-سمو: ۵-۱۶؛ مز: ۸۹: ۴ و ۵؛ اش: ۵۵: ۳؛ اع: ۱۳: ۳۴ — ۲۸-سمو: ۲۳: ۵؛ اش: ۵۵: ۳؛ حزق: ۳۷: ۲۶؛ عبر: ۱۳: ۲۰ — ۹: ۷؛ ار: ۳۱-۳۵: ۳۷-۲؛ تیمو: ۲: ۱۳؛ عبر: ۱۰: ۲۳ — ۱۰: ۳، ۱۱: ۲۷ — ۱۱: ۲؛ افس: ۴: ۱۲ — ۱۲: ۵: ۸، ۱۵: ۸ — ۲: ۱۳؛ لو: ۷۲، ۷۳: ۲۲، ۱۹: ۱-۱۱ قرن: ۲۴، ۲۵.

(۲) عهد بستن با قوم در *خون *قربانی، آئینی که توسط موسی^{۱۴} تقدیم شد، مهیور گردید. این همان چیزی است که عیسی با سخن راندن درباره «خون پیمان»^{۱۵} خود، یادآوری می کند و همان پیمانی است که رساله به *عبرانیان برای بیشتر جلوه دادن خیانتی که بنی اسرائیل^{۱۶} نسبت به آن ورزیدند. توصیف می کند و بدین گونه است که عیسی ضامن پیمانی «نیکوتر»^{۱۷} و «جدید»^{۱۸} گردیده است. این موسی نبوده بلکه مسیح است که تنها *میانجی این پیمان^{۱۹} می باشد. برخلاف عهد عتیق که خوراک آئینی بعد از پیمان می آید، در عهد جدید نهاد عشاء ربانی پیش از قربانی صلیب می آید و در آن پیمانی که بنیان گزار کلیسا^{۲۰} است به انجام می رسد.

^{۱۴} خروج ۲۴: ۸؛ زک: ۹: ۱۱ — ۱۵: ۲۶؛ مت: ۲۸ (= مر: ۱۴: ۲۴) — ۱۶: ۸؛ عبر: ۹: ۹، ۱۵: ۱۷ — عبر: ۷: ۲۲، ۸: ۶ — ۱۸: ۳۱؛ خروج ۸: ۸، ۱۵: ۹، ۱۲: ۲۴ — ۱۹: ۷؛ عبر: ۲۲، ۸: ۶، ۹: ۱۵، ۱۲: ۲۴ — ۲۰: ۱۳، ۲۴: ۱۲، ۱۵: ۹، ۱۶: ۸، ۲۲: ۷؛ لو: ۲۲: ۲۰، ۲۲: ۱۱؛ ۱۱: ۲۵.

(۳) برحسب خط مشی دیگری از سنت، پیمانی که به وسیله ختنه و شریعت برقرار شده بود بنی اسرائیل آن را درست نفهمیده بود. قرار گرفت، باید روزی در *قلب ها^{۲۱} نگاشته می شد. پولس در عطیه *روح القدس، پیمان^{۲۲} جدید را باز می شناسد و قویاً دو پیمان را یعنی آن که به *بندگی شریعت و آن دیگری که به *آزادی فرزندان خدا^{۲۳} منجر شد مقابل یکدیگر قرار می دهد.

^{۲۱} ار: ۳۱: ۳۳، ۲-قرن: ۳: ۶، ۳: ۲۷ — ۲۲: ۳۶؛ ۲-قرن: ۳: ۶؛ افس: ۱: ۱۳، ۲: ۱۸ — ۱: ۴؛ ۲۳: ۴؛ ۲۲-قرن: ۳۱.

(۴) باز هم برحسب رویه دیگری از سنت که شخصی تراست و بنا به نوشته لوقا و پولس، عیسی با عنوان کردن «پیمان در خون من» ایثار خود را اعلام می دارد و پیمانی را که توسط *خادم یهوه^{۲۴} مهیور گردیده بود به انجام می رساند.

^{۲۴} اش: ۴۹: ۸، ۵۳: ۱۲؛ لو: ۲۲: ۲۰، ۱-قرن: ۱۱: ۲۵.

(۵) عبارات مترادف و هم معنی با پیمان بسیارند از جمله: *وعده^{۲۵}، *آشتی قوم با خدای^{۲۶} خود، سکونت خداوند در میان آدمیان^{۲۷}، *مشارکت با پدر^{۲۸}، *ملکوت خداوند^{۲۹} و همه اینها قابل انطباق با این عبارت سنتی هستند: «شما قوم من خواهید بود و من خدای شما»^{۳۰}.

^{۲۵} اع: ۱۳: ۲۳؛ غلا: ۳: ۱۸، ۱۶: ۱۸؛ افس: ۲: ۱۲ — ۲۶: ۲۱؛ ۳-قرن: ۶: ۱۶ — ۲۸: ۲۰؛ ۱۷: ۲۹ — ۲۹: ۲۲؛ ۳۰: خروج: ۲۹: ۴۵؛ لاو: ۲۶: ۱۱؛ حزق: ۳۷: ۲۷، ۲-قرن: ۶: ۱۶؛ مکا: ۲: ۳.

◀ مقدمه فصل دهم ۱-۲ - شریعت - وعده - عهد.

عیسو

(۱) پسر ارشد اسحاق و رفقه، برادر دوقلوی یعقوب که حق نخست زادگیش را به او فروخت و بنابراین از برکت اصلی پدر محروم شد^۱.

^۱ پید ۲۵: ۲۷؛ عبر: ۱۱: ۲۰، ۱۲: ۱۶-۱۷ □

۲) جدّی که نامش بر ادومی ها و ادومیه ای ها قرار گرفت که از نام دوم او ادوم گرفته شده بود. بدین معنی روایت است که خدا از عیسو تنفر داشت یعنی که عیسو را کمتر از یعقوب دوست می داشت.^۲
 ۲ ملا ۱: ۲-۳؛ روم ۹: ۱۳.

عیسی مسیح

۱) یونانی: Iésous و عبری: yéchûa و yehôchua به معنای «یهوه نجات می دهد».
 نامی است که قبل از عیسی ناصری به *یوشع^۱ و احتمالاً به باراباس^۲ تعلق داشته است، توسط نام عیسی ناصری است که انسان باید نجات یابد.^۳ اسم مرکب «عیسی مسیح» پیوندی است از اسم یک شخص (عیسی) و مأموریتی یعنی «مسیح» (یونانی: Christos به معنای *مسح شده) و بدین ترتیب آن شخصیت تاریخی و مورد ایمان را با پیوندی ناگسستنی متحد می سازد. این نام که در کتاب اعمال رسولان و رساله ها فراوان یافت می شود در اناجیل به ندرت ذکری از آن به میان می آید.^۴ این نام از قرن دوم میلادی به صورت عیسی نوشته می شود و این به دشمنی یهودیان با کلیسا برمی گردد و به شیوه ای تمسخرآمیز آن را همانند عیسو برادر یعقوب که عهد خداوند را به کاسه ای آش فروخت می نوشتند.

۱ اعد ۲۷: ۱۸-۲۳ — مت ۲۷: ۱۶ — اع ۴: ۱۲؛ فی ۲: ۹-۱۱ — مت ۱: ۱۸. ۱۶: ۲۱؛ مر ۱: ۱؛ یو ۱: ۱۷: ۱۷: ۳ □
 ۲) زندگی عیسی مانند زندگی بیشتر بنیان گزاران مذاهب چون موسی، بودا، محمد مورد تصدیق و گواهی نویسندگان بی ایمان نبوده است. با این حال می توان از یوسفوس (حدود ۹۳ م.)، پلینی (حدود ۱۱۲ م.)، تاسیتوس (حدود ۱۱۶ م) سوئونیوس (حدود ۱۲۰ م) و نیز اسناد نابرق مانند انجیل توما نام برد. اما در متون غیرانجیلی کتاب عهد جدید بدون شک، به شخص عیسی اشاره می رود اما از جزئیات زندگی زمینی وی ذکری به میان نمی آید. چهار انجیل: متی، مرقس، لوقا، و یوحنا سرچشمه اصلی و تاریخی اطلاعات درباره زندگی زمینی عیسی هستند. تاریخ نگاران از راه شهادت بر ایمان این اناجیل می توانند خطوط اصلی و اساسی موجودیت وی را بازسازی کنند.
 ۳) عیسی در فلسطین به خصوص در جلیل، در *کفرناحوم در همسایگی دریاچه جلیل و نیز در *اورشلیم پایتخت یهودیه زندگی می کرد. موجودیت عیسی به علت یک نشانه حقیقی و مطمئن به اثبات می رسد.
 *یحیی برای موعظه و تعمید دادن بعد از اول اکتبر ۲۷ م یا اوت ۲۸ م. به کنار *رود اردن آمد. زندگی عیسی در جمعه ۱۴ *نisan در آستانه *جشن گذر یهودیان به پایان خود می رسد و این امر دو تاریخ معقول تری را یعنی ۷ آوریل سال ۳۰ م یا ۳ آوریل ۳۳ م. به دست می دهند. تاریخ برگزاری های دیگر بیشتر تقریبی هستند. عیسی در سال ۷ یا ۶ ق. م در *بیت اللحم به دنیا آمد. فعالیت مردمی وی بین غسل تعمیدش به دست یحیی (سال ۲۷ یا ۲۸ م) و مرگش (سال ۳۰ تا ۳۳ م.) انجام گرفت که به طور تقریب دو سال و چند ماه یا شاید قدری کمتر یا بیشتر از یکسال به طول انجامید.
 ۴) می توان یک خط مشی احتمالی را بر این زمینه تاریخی ترسیم نمود. عیسی در ناصره به کار نجاری مشغول بود تا ایامی که در بیابان یهودیه عزلت گزید و به دست یحیی تعمید یافت. بعد از آن او خودش رو به روش یحیی تعمید می داد و سپس به جلیل بازگشته با شفا دادن بیماران و بیرون راندن دیوها «مژده انجیل» را اعلام می نماید. محبوبان وی «مسکینان»، اطفال، زنان، محرومان و آنانی هستند که از سوی دینداران مورد تحقیر واقع می شوند. او سختگیری و تنگ نظری بعضی از *فریسیان را زیر و رو می کند و اما از اجابت خواست های انقلابی *غیوران و مردم استنکاف می کند. او جهت گسترش عمل خود دسته ای از *شاگردان همسفر را با برگزیدن *۱۲ نفر برتر که می باید عدد *اسباط اسرائیل را به خاطر آورده، پیشنهاد *اسرائیل جدید را به باشند گرد خود جمع می کند. عیسی با عدم درک توده ها، با سوء ظن رشک آلود کاهنان، و احتیاط سیاستمداران *هیرودیوس آنتیپاس (که سر یحیی را از تن جدا کرد) مواجه می شود. پس او را از جلیل می برد و برای آخرین بار به اورشلیم می رود.
 ورود او به اورشلیم با افتخار زیاد توأم است (روز شاخه ها). او کاسبان را از معبد بیرون می راند و با این عمل خشن

خود، خود را با مقامات *صدوقی و فریسی درگیر می‌یابد. در همین بین است که تصمیم بر پایان دادن به فعالیت وی و استفاده از خدمات *یهودای خائن برای این منظور گرفته می‌شود چند روز بعد پس از *شامی که طی آن عیسی با شاگردان خود خداحافظی کرده و نمادگرانه از راه کلام و شکرگزاری، مرگ خود را اعلام می‌دارد توقیف می‌گردد. توقیف وی احتمالاً توسط یک گروه نظامی رومی انجام می‌گیرد. او توسط کاهنان یهود بازپرسی می‌شود و به خاطر *کفرگوئی و ادعای خدا بودن محکوم به مرگ می‌شود. بعد به نزد *پیلطس والی برده می‌شود. پیلطس وی را به جرم ایجاد تحریکات و برهم زدن آرامش عمومی و دادن عنوان پادشاه یهود به خود محاکمه می‌کند و وی را به *تصلیب بعد از خوردن *شلاق محکوم می‌کند. عیسی بر صلیب *جان می‌سپرد و وی را *دفن می‌کنند پس از اتمام مقررات روزشنبه شاگردان قبر وی را خالی می‌یابند و برای اعلام این امر که عیسی *رستاخیز کرده و بر آنها *ظاهر شده است روانه می‌شوند. در اینجا داستان عیسی جای خود را به داستان کلیسای مسیحی می‌دهد.

۵) پیام عیسی را می‌توان در پس تغییراتی که امر انتقال ایمان به آنها احتیاج داشته است بازسازی کرد. برای عیسی مانند هر یهودی‌ای که به ندای یحیی به خدا بازگشته است، *زمان در معرض یک تغییر بنیادین قرار گرفته است یعنی خدا قاطعانه دخالت خواهد کرد و *ملکوت او بسیار نزدیک است. بنابراین باید آماده و هشیار بود و برای پذیرایی از سروری که خواهد آمد باید توبه کرد. در نظر عیسی، برخلاف نظر یهودیان ملکوت خدا از راه اعمال خود انسان حاصل می‌شود: انگشت خدا حاضر است.^۵ در اینجا کسی بزرگتر از سلیمان و بزرگتر از یونس است.^۶ باید گنج نهفته را یافت.^۷ برای متابعت از عیسی باید همه چیز را رها کرد.^۸

خدا این چنین عمل می‌کند تا به انسان‌ها بفهماند که آنها همه علی‌رغم تفاوت نژادی، مرزها و شایستگی‌ها فرزندان وی هستند و *همسایه کسی است که به وی نزدیک می‌شوم.^۹ عیسی با ارج نهادن بر حیات تک‌تک *فرزندان خدا، فرزندی که باید *اعتماد کامل به خدا داشته باشند^{۱۰}، قوم خدا را از هم نپاشید بلکه توسط *قربانی خویشتن یاد آن را برای همیشه استوار کرد و *پیمان خدا با انسان‌ها را برای ابد با *خون خود مهر نمود.^{۱۱} عیسی شریعت و *اسرائیل را نابود نکرد بلکه آن را *تکمیل نمود.^{۱۲} ایماندارانی که عیسی گرد خود جمع می‌نماید، یک تشکل «کلیسایی» در کنار اسرائیل تأسیس نمی‌کنند بلکه دسته‌ای هستند که یگانه اصل پیوستگی آنها پای بندی به کلام او و شخص او است.^{۱۳}

از میان انبوه عقاید مفسران انجیل می‌توان به درک بسیاری از چیزها رسید: بلا شک عیسی هرگز خود را *«مسیح» نخواند مگر در شب مرگش، عیسی بلاشک خود را هرگز *«فرزند خدا» ننماید اما بعضی از کلمات سؤال برانگیزی را درباره شخصیت او می‌توان به او نسبت داد. عیسی عقیده داشت که رابطه‌ای واحد بین او و پدرش خدا وجود دارد به حد اعلی^{۱۴} «فرزند» بود و در ضمن دارا بودن اتحادی یگانه^{۱۵} با خدا، او را «ابا»^{۱۶} می‌نامید. از سوی دیگر او ادعا دارد که همه انسان‌ها برای به دست آوردن حیات جاودان به ناچار از او گذر می‌کنند.^{۱۷} رفتار وی پایه و اساس کلام او است. او ادعا می‌کند که گناهان را *می‌بخشاید^{۱۸}، او با گناهکاران *همسفره می‌شود تا تجدید پیمان خدا با انسان‌ها را اعلام نماید^{۱۹} و بالاخره به ویژه رفتار او در میان شاگردانش مانند کسی است که *«خدمت می‌کند»^{۲۰}. هرگاه تاریخ نگاری قادر نباشد عناوین مسیح شناسی را که ایمان به او القاء می‌کند به عیسای ناصری نسبت بدهد، بالاخره به مانع ادعاهای خارق العاده عیسی برخورد خورد و از نو همان سؤال قبلی را خواهد شنید: «به نظر شما من کیستم»^{۲۱}.

۵ لو ۱۱: ۲۰ — ۶ لو ۱۱: ۳۱-۳۲ — ۷ مت ۱۳: ۴۴ — ۸ مت ۱۶: ۲۴-۲۶ — ۹ لو ۱۰: ۲۹-۳۷ — ۱۰ لو ۱۲: ۲۲-۳۲ — ۱۱ لو ۲۲: ۲۰ — ۱۲ مت ۵: ۱۷ — ۱۳ مت ۱۲: ۳۰ — ۱۴ مر ۱۲: ۶: ۱۳ — ۱۵ مر ۱۴: ۳۶ — ۱۶ مت ۱۱: ۲۷ — ۱۷ مت ۷: ۲۴ — ۱۸ مر ۲: ۱۰ — ۱۹ مر ۲: ۱۶-۱۷ — ۲۰ مر ۱۰: ۴۵ — ۲۱ مر ۲۷: ۲۲ — ۲۲ مر ۸: ۲۷ (=مت ۱۶-۱۵: لو ۹: ۱۸. ۲۰).

۶) ایمانداران به این سؤال یک صدا چنین پاسخ گفتند: «تو مسیح و خداوند هستی» این پاسخ برای تاریخ نگاری که با استفهام از متون جهت یافتن مرکز ثقل موضوع (آن چه که عیسی بر روی زمین گفته و انجام داده است) قانع

نمی شود و خود را ملزم می داند که برای درک مفاهیم مختلفی که آنها از مآوقع ارائه می دهد این متون را زیر سؤال ببرد، حائز اهمیت است.

به طور کلی می توان چهار مرحله در سنت مربوط به عیسی مشخص کرد که اصل آنها از ایمان به عیسی رستاخیز کرده نشأت می گیرد. عیسی با عروج به آسمان به امیدهای اسرائیل تحقق بخشید و «سرور تمامی ایام»^{۲۲} شد. «مرگ عیسی که در نور نبوت ها قابل درک است سرچشمهٔ نجات می باشد»^{۲۳}. عیسی انسان، تعلیم و طرز زندگی ای را از خود به ارث گذاشت که بر رفتار مسیحیان حاکم هستند^{۲۴}. نهایتاً ایمان در راز وجود عیسی مسیح با استفهام از مبادی انسانی و آسمانی کسی که زنده جاودانی به حساب می آید پیش می روند^{۲۵}.

^{۲۲}ع ۲: ۳۶؛ روم ۱۰: ۹؛ ۱-تسا ۱: ۱۰ — ^{۲۳}ع ۳: ۱۳؛ ۲۶: ۱-قرن ۱۵: ۳-۴ — ^{۲۴}عبر ۱۰: ۷؛ ۱-پطر ۲: ۲۱-۲۴ — ^{۲۵}مت ۱-

۲: ۲-لو ۲: ۱ و ۱: ۱۸؛ روم ۱: ۳-۴؛ ۵: ۱۲-۲۱؛ ۱-قرن ۱۵: ۱۵؛ فی ۲: ۶-۱۱؛ کول ۱: ۱۵؛ ۲: ۹؛ عبر ۱: ۲-۳.

◀ بره خدا-ظهورهای مسیح - مسیح - بدن مسیح - صلیب - خدا - صعود مسیح - پسر خدا - پسرانسان مسیح - وجود قبلی - محاکمه عیسی - ملکوت - قیام، رستاخیز - خداوند - کلمه.

عیلامیان

یونانی: Elamites. اهالی سرزمین عیلام که در میان بابل، ماد، پارس و خلیج فارس واقع شده بود. پایتخت آن شهر شوش بوده است. عیلامیان از نژاد غیرسامی بودند اما با این حال یهودیان را در میان خود پذیرفتند^۱.

^۱ار ۴۹: ۳۴-۳۹؛ ع ۲: ۹.

غ

غالیون

برادر سنکای فیلسوف. طبق *گاه شماری به دست آمده از کتیبه دلف او در سال ۵۱-۵۲ یا ۵۳-۵۴ والی *آخائیه بود. رفتارش نشان می دهد که او ایمان مسیحی را به عنوان «دین مشروع/حلال/مورد قبول خدا» انتخاب کرده بود.^۱

^۱ع ۱۸: ۱۲-۱۴، ۱۷ □

غبطه

یونانی: phthonos به معنی «احساسی که به فردی با دیدن افراد دیگر دست می دهد، که از چیزهایی که او دلش می خواست داشته باشد بهره مند می شوند بهره مند می شوند»، البته بی آن که در انحصار داشتن آنها را آرزو کند (که این احساس *حسادت نامیده می شود). یکی از نقایصی است که کتاب عهد جدید بر آن لکه ننگ نهاده^۱ و در بعضی از موارد ممکن است معنای آن به «حسادت» نزدیک شود.^۲

^۱روم ۱: ۲۹؛ غلا ۲۱: ۲۳-۱- تیمو ۶: ۴؛ تبط ۳: ۳-۱- پتر ۲: ۱- مت ۲۷: ۱۸ (=مر ۱۵: ۱۰)؛ فی ۱: ۱۵؛ یع ۴: ۵ □

◀ حسادت - نقص - رذائل.

غریال

یونانی: ptyon. یکی از ابزار کشاورزی است جهت جدا کردن دانه های سنگین تر غله و کاه و ریزه، و کاه سبک تر از یکدیگر از توده خوشه های قطعه قطعه شده غلات. این واژه گاهی نیز به معنای چنگال چند شاخه کشاورزی (یا بیل) و نیز به معنای سبیدی با ته صاف می باشد.^۱

^۱اش ۳۰: ۲۴؛ ار ۱۵: ۷؛ مت ۳: ۱۲؛ لو ۳: ۱۷ □

◀ مقدمه. فصل هفتم. ۱. الف.

غرور

این واژه برگردان دو واژه یونانی است با معانی متفاوت که گاهی به هم می پیوندند.^۱ parrèsia (از pan به معنای «همه» و rhema به معنای «کلام») به معنای * «آزادی بیان» که از آن معانی («گشایش»، «صداقت»، «شهامت» و «اطمینان») حاصل می شوند. این معانی رفتار اصیلی را که از ضمیر *انتخاب^۲ نشأت می گیرد توصیف می کند و نیز مشخص کننده رفتار افراد مسیحی است مانند رفتاری که عیسی داشته است^۳ و مظاهر آن عبارت است از قامت راست، سربالا گرفته و به خصوص سخنان روشن و هیئت مطمئن^۴. kaukthesis که هم چنین ممکن است به معنای «خودستایی»^۵ باشد نباید به طور یکنواخت «تکبر» ترجمه شود، چون معنای آن اساساً «اطمینان»، «اعتماد» و «عمل تجلی یافتن در کسی یا چیزی» برای موجودیت داشتن در مقابل خویشتن خویش و در مقابل دیگران و در مقابل خدا است.^۶

^۱عبر ۳: ۶- لاو ۲۶: ۱۳- مر ۸: ۳۲؛ یو ۷: ۲۶؛ ۱۰: ۲۴؛ ۱۱: ۱۴؛ ۱۶: ۵؛ ۱۲: ۲۹؛ ۱۸: ۲۰؛ اع ۲: ۲۹؛ ۴: ۱۳؛ ۲۹: ۳۱؛

۹: ۲۷؛ ۲۸: ۱۳؛ ۴۶: ۱۸؛ ۲۶: ۱۹؛ ۸: ۲۸؛ ۳۱: افس ۶: ۱۹-۲۰- ۱- تسلا ۲: ۲؛ رک. ۲- قرن ۴: ۱۳- ^۲اع ۱۴: ۳؛ ۲-

قرن ۱۲: ۳؛ ۱۴: ۷؛ افس ۳: ۱۲؛ فی ۱: ۲۰- ۱- تیمو ۳: ۱۳؛ فیل ۸: ۴؛ ۱۶: ۱۰- ۱۹- ۳۵- ۱- یو ۲: ۲۸؛ ۳: ۲۱؛ ۴: ۱۷؛ ۵: ۱۴-

- روم ۳: ۲۷؛ ۴: ۱۱؛ ۱۸- قرن ۱: ۲۹؛ ۵: ۶- ۲- قرن ۱۲: ۱؛ غلا ۶: ۱۳؛ یع ۴: ۱۶- ^۳روم ۲: ۱۷؛ ۲۳: ۵؛ ۲: ۱۱، ۳؛

۱۵: ۱۷- ۱- قرن ۳: ۲۱؛ ۹: ۱۵؛ ۱۶: ۱۵؛ ۳۱- ۲- قرن ۱- ۱۲: ۵؛ ۱۴: ۷؛ ۱۴: ۸؛ ۲۴: ۹؛ ۳: ۱۲- ۱- ۹: ۶؛ ۴: ۱۴؛

فی ۱: ۲۶؛ ۲: ۱۶؛ ۳: ۳- ۱- تسلا ۲: ۱۹- ۲- تسلا ۱: ۴؛ یع ۱: ۹.

◀ اعتماد - جلال - آزادی - تکبر.

غسل

یونانی: *loutron* (از *louô* به معنی «شستن، در آب قرار گرفتن»، *louomai* به معنی «آب تنی کردن، استحمام کردن»). استحمام کامل در برخی موقعیت‌ها^۱ معمول بوده است و برخلاف شستشوی تنها یک قسمت از بدن^۲، این کار سمبل طهارت* کامل به شمار می‌رفت. شخص ایماندار به برکت غسل* تعمید^۳ و به فیض* خون عیسی^۴ از تمامی گناهانش پاک گردانده شده.

^۱اع ۹: ۳۷؛ ۱۶: ۳۳؛ ر. ک ۲- پط ۲: ۲۲ — ^۲یو ۱۳: ۱۰ — ^۳اع ۲۲: ۱۶؛ ۱- قرن ۶: ۱۱؛ افس ۵: ۲۶؛ تیط ۳: ۵؛ عبر ۱۰: ۲۲ □
— ^۴مکا ۱: ۵.

◀ مقدمه فصل هشتم ۱، ج - تعمید - آب - شستن - طاهر.

غضب

یونانی: *orgê* و *thymos*. این دو واژه برگردان واژه عبری *aph* به معنای: «بینی، خشم، تندی، غضب، خشم» می‌باشد. (۱) به استثنای مورد «غضب‌های مقدس»^۱، تندی و غضب، بدون قید و شرط، مستوجب محکومیت هستند^۲.

^۱پاد ۱۸: ۴۰؛ ار ۱۱: ۳؛ مر ۵: ۱۷؛ ۱۶: ۱۷ — ^۲مت ۵: ۲۲؛ ۱- قرن ۱۳: ۵؛ کول ۳: ۸؛ ۱- تیمو ۲: ۸.

(۲) غضبی که به خدا نسبت داده می‌شود، برحسب فهم انسانی، ترجمان آن است که خدای قدوسیت نمی‌تواند * گناه را تحمل کند^۳. غضب الهی در سرمنشاء خود با علم اسطوره‌شناسی که خدایان را به عنوان حسودان انسان معرفی می‌کند هیچ وجه مشترکی ندارد. خدا آرزوی دیگری ندارد مگر این که انسان را در * قدوسیت خود سهیم کند. او خدای غضب نیست بلکه خدای * رحمت است^۴، حرف آخرش^۵ دعوت به * گرویدن انسان به سوی وی است. اما انسان که در این خواسته خدا چیزی جز مخالفت اساسی وی با گناه نمی‌بیند آن را غضب تلقی می‌کند. غضب برای انسان از راه بی‌نظمی‌های دنیا مانند بیماری‌ها، بلایا و جنگ‌ها مکشوف می‌شود^۶.

^۳روم ۱- ۲۲ — ^۴اش ۵۴: ۷- ۸؛ هو ۱۱: ۹ — ^۵روم ۱۱: ۳۲ — ^۶مز ۸۸: ۱۶، ۹۰: ۷- ۱۲.

(۳) عیسی در شخص خود تمامی قوای محبت و قدوسیت را فراهم دارد به طوری که در لحظه‌ای به نظر می‌آید غضب آماده است تا بر سر کسی که «* گناه گردیده است»^۷ فرود آید * محبت است که پیروزمند می‌شود و ما را وامی‌دارد تا در او * «عدالت خدا» شویم. غضب * زمان آخر، قبل از وقت سبقت گرفته/جلو افتاده بر عیسی فرود آمد به طوری که ایمانداران از غضبی که می‌آید در امان هستند^۸. ما نمی‌گوئیم «خدای غضب» بلکه می‌گوئیم «خدای محبت».

^۷۲۷- قرن ۵: ۲۱ — ^۸روم ۵: ۹؛ ۱- تس ۱: ۱۰.

◀ مجازات - عدالت - قدوس - رذایل.

[غلاطیان (رساله به)]

نامه‌ای که پولس رسول در حدود سال ۵۴ یا ۵۶ از * افسس به غلاطیان شمالی که خود وی انجیل را به آنها اعلام نموده بود نوشته است تا آنها را در مقابل آموزه و مباحثات مخالفانش و یعنی * یهودی‌گرایانی که به سادگی مسیحی * یهودی نژاد نبودند برحذر نماید. مقدمه. فصل پانزدهم.

غلاطیه

یونانی: *Galatia, Galates* منطقه شمالی ترکیه است که آنکارای امروزی را نیز در بر می‌گیرد. این سرزمین به نام ساکنان آن مهاجمان سلتی قرن سوم ق. م (قوم گُل) نامیده می‌شود. این سرزمین کمتر تحت نفوذ یونانیان قرار گرفت. از سال ۲۵ ق. م یکی از استان‌های روم بود و در دوران عهد جدید بعضی از مناطق جنوب را مانند قسمتی از فریجیه، پیسیدیه، لکاوتینه و ایزوریه را در بر می‌گرفت^۱. مفسران نادری هستند که عقیده دارند پولس رسول انجیل را به غلاطیه جنوبی اعلام داشته است.

^۱اع ۱۶: ۶؛ ۱۸: ۲۳؛ ۱- قرن ۱۶: ۱؛ غلا ۲: ۱؛ ۳: ۱؛ ۲- تیمو ۴: ۱۰؛ ۱- پط ۱: ۱ □

◀ غلاطیان (رساله به) - نقشه ۳.

غم

(۱) مظاهر غم بسیارند مانند گریه (یونانی klaiô, dakryô)^۱ برآوردن فریادهای درد و رنج^۲، نوحه سرایی دسته جمعی^۳ با آهنگی کم و بیش سنتی، ترشروی^۴، رعایت روزه^۵، سینه زنی^۶، ریختن خاک بر سر^۷.

^۱لو: ۷: ۱۳؛ یو: ۱۱: ۳۳-۳۵ — مت: ۹: ۲۳؛ یو: ۵: ۱ — مت: ۲: ۱۸؛ لو: ۷: ۳۲؛ مکا: ۱۱: ۱۱ — مت: ۶: ۱۶؛ لو: ۲۴: ۱۷ — مر: ۲۰: ۲۰ — مت: ۱۱: ۱۷؛ لو: ۲۳: ۲۷؛ اع: ۸: ۲ — مکا: ۱۸: ۱۹.

(۲) انگیزه های غم مختلف هستند مانند نزاع درونی بین دعوت عیسی و جاذبه ثروت^۸، یک خبر بد^۹، سنگ دلی انسان ها و اورشلیم^{۱۰}، گناه انکار کردن^{۱۱}، جدایی از یک موجود مورد علاقه^{۱۲} و به خصوص نزدیک شدن یا فرا رسیدن مرگ^{۱۳}. هر غمی خوب نمی باشد یکی از سوی خدا است و دیگری از سوی دنیا^{۱۴}.

^۸مت: ۱۹: ۲۲ (= مر: ۱۰: ۲۲ = لو: ۱۸: ۲۳) — مت: ۱۷: ۲۳؛ ۲۶: ۲۲ (= مر: ۱۴: ۱۹) — مر: ۱۰: ۳؛ لو: ۱۹: ۴۱؛ روم: ۹: ۲ — ^{۱۱}مت: ۲۶: ۷۵ (= لو: ۲۲: ۶۲) — مت: ۹: ۱۵؛ یو: ۶: ۲۰؛ ۱۱: ۱۳؛ ۱۵: ۲؛ فی: ۲۷-۲۸ — مت: ۲۶: ۳۷-۳۸ (= مر: ۱۴: ۳۴)؛ یو: ۱۱: ۳۵؛ عبر: ۵: ۷ — ^{۱۲}قرن: ۷: ۱۰-۱۱؛ ر. ک. مت: ۱۴: ۹؛ ۲: ۹؛ ۷: ۱-تسا: ۴: ۱۳.

(۳) تناقضی که در زندگی مسیحیان در اتحاد با فاتح مرگ عیسی وجود دارد این است که غم در حالی که مترصد از بین رفتن قطعی اشک است^{۱۵} شادی و تسلی خاطر را به وجود می آورد^{۱۶}.

^{۱۵}یو: ۱۶: ۲۲؛ ۱۷: ۱۳؛ ۲۰: ۲۰؛ ۱: ۲۰؛ ۷: ۳۰؛ ۲: ۶؛ ۱۰: ۱۰ — ^{۱۶}مکا: ۷: ۱۷؛ ۲۱: ۴.

◀ سوگواری - روزه گرفتن - نوحه سرایی - خندیدن.

غمالاتیل

عبری: Gamli'el به معنای «خدا به من خوبی کرد». ربان غمالاتیل اول یا به احتمال قوی نوۀ *هلیل، *فریسی مشهور و دانشمند شریعت بود. او استاد سولس بوده و پذیرش دین جدید وی را درک نموده است.^۱

^۱اع: ۵: ۳۴-۳۹؛ ۲۲: ۳ □

غیب گویی ها (الهامات)

مجموعه ای یونانی است از آداب و سنن اصیل یهود با گرایش تدافعی همراه با تفسیرهای مسیحی (مسلماً کتاب های ششم، هفتم، هشتم، سیزدهم) تألیف شده در قرون ۵ و ۶ م. در کتاب سوم که قدیمی ترین آنها است (قرن دوم ق.م) ویرژیل می بایستی به پیشگوئی درباره عذرای مادر (اشعیا ۱۱: ۶) آشنا بوده باشد.

غیرت

(۱) واژه یونانی zêlos (احتمالاً در رابطه با zèteô به معنای «جستجو کردن») ترجمه از عبری qinâ (از ریشه qâna مشخص کننده سرخی ای که به چهره فردی پر هیجان می جهد). این واژه به معنای ضمنی مصالحه ناپذیری و حتی *خشونت می باشد.

(۲) برای معنای توجه عجولانه نسبت به کسی یا چیزی علاوه بر واژه zêlos^۱ واژه یونانی spoudê وجود دارد شامل انگاره عجله^۲، میل شدید^۳ است باید نظر داشت سعی و کوششی که انسان در انجام کار به خرج می دهند^۴.

^۱قرن: ۱۲: ۳۱؛ ۱۴: ۱۲؛ ۱۲: ۳۹؛ ۲: ۷: ۱۱-۱۱ — خروج: ۱۲: ۱۱؛ لو: ۱: ۳۹ — لو: ۷: ۴؛ ۱: ۴؛ ۲: ۱۷ — روم: ۱۲: ۸-۱۱؛ افس: ۴: ۳؛ عبر: ۱۱: ۴؛ ۱۱: ۱۱.

◀ جستجو کردن - حسادت - مراقبت - غیور.

غیور

یونانی: zêlôtês به معنای «غیرتمند» لقب رسول شمعون است.^۱ طرفدار شریعت^۲. مردی پرشور مملو از امیال^۳ طرفدار جنبش انقلابی^۴.

^۱لو: ۶: ۱۵؛ ۱: ۱۳ — اع: ۲۱: ۲۰؛ ۱۴: ۱۴ — اع: ۲۲: ۳؛ ۱: ۱۴؛ ۳: ۱۴؛ ۲: ۱۴؛ ۱: ۱۳؛ ۳: ۱۳ — مقدمه. فصل یازدهم. ۴.

ف

فاخته

یونانی: trygôn. مرغی است بی دفاع در مقابل پرندگان گوشتخوار^۱. «آوازش»^۲ در بهار و هنگام «بازگشتش»^۳ در پاییز به گوش می رسد. تقدیمی افراد بیچاره در مراسم تطهیر.
^۱ مز ۷۴: ۱۹ — ^۲ غزل ۱۲: ۲ — ^۳ ار ۸: ۷؛ لاو ۵: ۷؛ ۱۲: ۶-۸؛ لو ۲: ۲۴.
 ◀ کبوتر.

فحشاء

یونانی: porneia (مشتق از pernèmi به معنای «فروختن») که ترجمان واژه عبری zenût است، واژه ای که دارای معنای گسترده از «هرزگی تا رفتار ناشایست می باشد. فحشاء روال معمولی اقوامی بود که به علت خرید و فروش برده^۱ تحت تأثیر هم قرار می گرفتند. فحشاء از سوی «شریعت»^۲، به خصوص موقعی که ویژگی مقدس^۳ به خود می گرفت مطرود بود با این حال فحشاء در اسرائیل وجود داشت و برقراری روابط با زن ازدواج نکرده زنا محسوب نمی شد. در روندی که ازدواج نماد عهد بشمار می رفت، انبیاء اسرائیل را به «نماد فاحشه ای می دیدند که به خدای خود بی وفایی کرده است»^۴ و از همین جا استفاده از واژه ای برای یک آیین «بت پرستی»^۵ و نیز نام «فاحشه بزرگ» برای نامیدن شهر ستم^۶ و ضد اسرائیل به دست می آید.
^۱ ر.ک ۱ قرن ۱۵-۱۶ — ^۲ لاو ۱۹: ۲۹ — ^۳ تث ۲۳: ۱۸ — ^۴ حزق ۱۶: ۲۶؛ هو ۳ — ^۵ مکا ۲: ۱۴، ۲۰-۲۱ — ^۶ مکا ۱: ۱۷-۱۹: ۲.
 ◀ زنا - هرزگی - طلاق - رذایل.

فدیه

یونانی: lytron^۱، antilytron^۲ مشتق از lyô به معنای «جدا کردن، بخشودن، آزاد کردن». این واژه در طی قرون، دیگر یادآور جزیه ای که برای اسیر جنگی یا برده و یا بهایی که در عوض چیزی به خدا پرداخت می شد نیست بلکه کاربرد آن به صورت استعاری برای مشخص کردن رهایی از شریا مرگ می باشد. متن متوازی لو ۲۷: ۲۲ از این واژه چشم پوشی می کند و تنها مفهوم تصویر را در نظر می گیرد: «من در میان شما چون خادم هستم».
^۱ مت ۲۸: ۲۸ (= مر ۱۰: ۴۵) □ — ^۲ تیمو ۲: ۶ □
 ◀ آزاد کردن - باز خرید کردن - رهایی دادن.

فدیه دادن/ باز خرید

۱) از لاتین red-emptio به معنای «باز خرید»، ترجمه واژه یونانی apo-lytrôsis (از lytron به معنای «وسیله رهایی، تاوان»). این واژه بیانگر راه های مختلفی است که توسط آنها خدا قومی را از آن خود ساخت، فی المثل «رهایی از «بردگی، رهایی از «اسارت، «نجات از یک فاجعه این تصویر بر تجربیات قوم اسرائیل که در متن عالمگیر «عهد گنجائیده شده متکی است. به معنای دقیق تر، این واژه بر وجه «باز خرید» تأکید دارد. طبق حقوق خانوادگی go'el (از عبری gâ'al به معنی «رهایی بخشیدن») «باز خرید ثروت و افرادی که احتمالاً در مالکیت فرد بیگانه ای قرار گرفته اند^۱ به عهده خویشاوند نزدیک است. بنابراین یهوه go'el است، رهایی دهنده اسرائیل. و این امر بر وجود پیوند خویشاوندی بین یهوه و اسرائیل تأکید دارد^۲. طبق حقوق تجاری، زندگی «نخست زادگان یا «بردگان به کمک فدیة^۳ «باز خرید» (عبری: pâdâ، به معنای رهایی در مقابل یک ارزش معادل) می شوند. با ربط دادن این مفهوم به یهوه در مورد باز خرید اسرائیل^۴، کتاب مقدس به وجهی که پرداخت شده اشاره ای ندارد به جهت اینکه بیشتر به توصیف توجه شده است. توجه بیشتر به آن کسی است که رهایی یافته تا به وجه پرداخت شده.

۱ لاو ۲۵-۲۳-۵۵ — خروج ۶: ۶؛ اش ۴۳: ۱۴، ۴۴: ۶، ۲۴: ۴۷ — خروج ۱۳: ۱۳-۱۵، ۲۱: ۸؛ لاو ۱۹: ۲۰؛ اعد ۳: ۴۶-۵۱ — تث ۷: ۸، ۱۳: ۶.

۲) عهد جدید عیسی را کسی می داند که زندگی خود را به صورت تاوان (یونانی: lyrtion) برای عده بسیاری^۵ داد و رهایی (یونانی: lytrosistlytroo) (apo-) را که مدتی طولانی مورد انتظار همه بود^۶ به تحقق رسانده خود رهایی ما شد^۷ به طوری که ما رهایی را در او داریم^۸. فعل «خریدن» (یونانی: agorazô) نیز برای بیان این واقعیت به کار برده می شود بی آنکه اجباری در کار باشد که تصور کنیم خدا مبلغ پولی را بابت آن به کسی می پردازد^۹.

۵ مت ۲۰: ۲۸ (= مر ۱۰: ۴۵) — ۱ تیمو ۲: ۶؛ تیط ۲: ۱۴ — لو ۱: ۶۸، ۲: ۳۸، ۲۱: ۲۸، ۲۴: ۲۱؛ عبر ۱۱: ۳۵ — روم ۳: ۲۴-۱ — قرن ۱: ۳۰ — روم ۸: ۲۳؛ افس ۱: ۷؛ کول ۱: ۱۴؛ عبر ۹: ۱۲، ۱۵: ۱- پط ۱: ۱۸ — ۱- قرن ۶: ۲۰، ۷: ۲۳؛ غلا ۳: ۱۳، ۴: ۵؛ افس ۱: ۱۴، ۴: ۳۰؛ ۲- پط ۲: ۱؛ مکا ۵: ۹، ۱۴: ۳-۴.

◀ اسیر- نقشه خدا، برده- گوئل- آزادی- گناه- باز خرید- فدیة- مصالحه- نجات دادن.

فرات

بلندترین رود آسیا (۲،۲۷۰ کیلومتر) است. از ارمنستان سرچشمه می گیرد و به رود دجله می ریزد. این رود از نظر رومیان یک مرز و سرحد طبیعی شمرده می شد. که اسواران *ماد و *پارس به سختی از آن عبور می کردند. فرات همراه با دجله یکی از چهار رودخانه *بهشت می باشد^۱.

۱ مکا ۹: ۱۴، ۱۶: ۱۲، ر.ک پید ۲: ۱۴ □

فرارسیدن

◀ روز خداوند - بازآمدن مسیح.

فرزند/ کودک

۱) نوزاد (یونانی: nēpios)، کودک خردسال به عنوان موجودی ضعیف و بی دفاع که هنوز عقل خود را به کار نمی برد. موجودی ساده و بدون تجربه تلقی می شود. این واژه که به معنای طفل شیرخواره نیز هست^۱ با مفهوم فرد بزرگ سال^۲، صاحب داوری ثابت^۳ و نیز با مفهوم اصحاب دانش^۴، معلمان^۵ و افراد کامل و بالغ^۶ متضاد است واژه یونانی brephos به طور دقیق تر نوزادی را در آغوش مادرش مشخص می کند^۷ که تازه به دنیا آمده^۸ و از شیر مادر تغذیه می کند^۹. چنین حالت طفولیتی^{۱۰} را لوقا در کودکانی می بیند که به نزد عیسی آورده شده بودند^{۱۱}.

۱ مت ۲۱: ۱۶-۱۷؛ ۱- قرن ۳: ۱-۲؛ عبر ۵: ۱۲-۱۳ — ۱۲- قرن ۱۳: ۱۱؛ غلا ۴: ۱، ۳ — افس ۴: ۱۴ — مت ۱۱: ۲۵-۲۶ (= لو ۱: ۲۱) — روم ۲: ۲۰ — ۱۶- قرن ۳: ۱-۲؛ عبر ۵: ۱۲-۱۳ — ۷ لو ۱: ۴۱، ۴۴ — ۸ لو ۲: ۱۲، ۱۶: ۱۶؛ اع ۷: ۱۹ — ۱۹- پط ۲: ۲ — ۲۱- تیمو ۳: ۱۵ — ۱۱ لو ۱۸: ۱۵.

۲) طفل (یونانی: pais و اسم تصغیر آن paidion به طفلی از ۷ تا ۱۲ سال سن^{۱۲} اطلاق می شود یعنی کسی که در نظر عیسی چهره شاگرد حقیقی^{۱۳} را دارا می باشد چون او مانند *فقیری کاملاً وابسته است و آنچه را که به وی می رسد به عنوان هدیه و نه به عنوان حق^{۱۴} خود دریافت می دارد. لذا شاگرد باید به حالت طفولیت برگردد^{۱۵}. این واژه به معنای خدمتگزار نیز می باشد.

۱۲ لو ۱: ۵۹؛ ۲: ۴۲؛ ۸: ۵۱؛ ۱۱: ۷ — ۱۳ مت ۱۹: ۱۴، ر.ک ۱۰: ۴۲؛ مر ۹: ۴۱ — ۱۴ مر ۱۰: ۱۵ — ۱۵ مت ۱۸: ۳؛ ر.ک یو ۳: ۵.

۳) کودک به معنای فرزند پسر یا فرزند دختر (یونانی: teknon، مشتق از tiktô، به معنای «هستی بخشیدن»)^{۱۶}. کودک در وابستگی عاطفی با والدین خود^{۱۷}، در وضعیتی قرار دارد که باید نسبت به او محبت نشان داد و انتظار اطاعت را از وی داشت^{۱۸}. این واژه هم چنین به معنای «ذریه»^{۱۹} بوده و غالباً یک معنای استعاره ای به خود می گیرد که همراه است با بن مایه ای از عطف که دو فرد را به هم پیوند می دهد^{۲۰}. این واژه حتی می تواند برای مشخص

کردن فرزندان خدا یعنی «کسانی که از او خلقت یافته اند»^{۲۱} به کار رود. و بالاخره این واژه می تواند معنای تعلق به یک گروه^{۲۲} را به خود بگیرد یا این که نشان دهنده وجود یک خصلت باشد^{۲۳}.

۱۶ مت ۷: ۱۱ (= لو ۱۱: ۱۳)، ۱۰: ۲۱ (= مر ۱۳: ۱۲)، ۱۸: ۲۵، ۱۹: ۲۹، ۲۱: ۲۸، ۲۷: ۲۵؛ لو ۱۵: ۳۱، ۲۳: ۲۸ — ۱۷ افس ۴: ۶؛ کول ۳: ۲۱ — ۱۸ افس ۱: ۶؛ کول ۳: ۲۰ — ۱۹ مت ۳: ۹ (= لو ۳: ۸، ۲۳: ۳۷) (= لو ۱۳: ۳۴)؛ یو ۸: ۳۹؛ روم ۷: ۹ — ۸: ۳۱ — ۲۰ مر ۵: ۱۰، ۲۴: ۱۰؛ یو ۱۳: ۳۳؛ غلا ۱۹: ۱ — یو ۲: ۱، ۱۲: ۲۸، ۷: ۱۸، ۴: ۴، ۵: ۲۱ — ۲۱ یو ۱: ۱۲؛ روم ۸: ۱۶-۱۷، ۲۱: ۱ — یو ۳: ۲۱ — ۲۲ یو ۱: ۴، ۱۳ — ۲۳ افس ۲: ۳، ۵: ۸؛ ۱- پتر ۱: ۱۴؛ ۲- پتر ۲: ۱۴.

۴) فرزند پسر (یونانی hyios): این نامگذاری در چند نکته با نامگذاری قبلی پیوند دارد و هم چنین رابطه ای را که با والدین^{۲۴}، اجداد^{۲۵} یا با معلمی^{۲۶} وجود دارد ظاهر می سازد. در ترکیبی از زبان سامی یعنی «فرزند» که قبل از یک نام واقع شده باشد این واژه می تواند تعلق داشتن به یک گروه (مثلاً شریک یا زبردست...) ^{۲۷} یا حالت یا کیفیت (مانند خشن بودن، آرام بودن، تعلق داشتن به طبقه ای از مردم...) ^{۲۸} را بیان کند. گاهی توسط این واژه (و نه واژه teknon) فاصله ای را که یک شاگرد خوانده شده از سوی خدا می تواند و باید بین خود و والدینش برقرار نماید^{۲۹}، نمایش داده می شود. و بالاخره این واژه خصوصیت آزادی کسانی را تعبیر می کند که از راه فرزند خواندگی، فرزند خدا^{۳۰} شده اند و از آن زمان ممکن است توسط خدا تأدیب شوند^{۳۱}.

۲۴ مت ۲۰: ۲۰؛ مر ۱۰: ۴۵؛ لو ۱۳: ۲۵ — ۲۵ مت ۱: ۲۰؛ ۱۹: ۱۹ — ۲۶ ۱- تیمو ۱: ۲؛ ۱- پتر ۵: ۱۳ — ۲۷ مت ۸: ۱۲، ۹: ۱۵؛ ۱۲: ۲۷؛ ۱۳: ۳۸، ۱۷: ۲۵، ۲۳: ۱۵؛ اع ۳: ۲۵، ۲۳: ۶ — ۲۸ مر ۱۷: ۱۷ (ر. ک. لو ۹: ۴۵)؛ لو ۱۰: ۶، ۱۶: ۸، ۲۰: ۳۴، ۳۶: ۱۲؛ ۳۶، ۱۷: ۱۲؛ اع ۴: ۳۶، ۱۳: ۱۰؛ افس ۲: ۵، ۶: ۸، ۱- تسا ۵: ۵؛ ۲- تسا ۳: ۲۹ — مت ۱۰: ۳۸؛ لو ۱۲: ۵۳ — روم ۸: ۱۴-۱۵، ۱۹: ۳۱؛ غلا ۳: ۲۵-۲۶، ۴: ۷ — ۳۱ عبر ۱۲: ۶-۷.

◀ مقدمه بخش هشتم. ۲. ج ۱-۳ - پسر ارشد - پسر خواندگی - پسر خدا - پدر.

فرستادن

۱) دو واژه یونانی که معنای آنها چندان اختلافی با هم ندارند برای رساندن مفهوم «رساندن کسی یا ارسال چیزی» وجود دارد: apostellô و pempô. واژه اخیر در زبان عامیانه رواج بیشتری دارد. کتاب عهد جدید برای نشان دادن رابطه ویژه بین فرستنده و فرستاده با اعطای اندیشه رسالت، نمایندگی، سفارت به فعل بیشتر apostellô^۱ را مورد استفاده قرار می دهد. با این وجود یوحنا (و یک بار هم پولس^۲) فعل pempô را بدون تفاوتی دقیق، به کار برده اند^۳.

۱) مت ۱۱: ۱۰، ۱۵: ۲۴؛ لو ۴: ۱۸، ۴۳: ۱۰، ۱۶: ۱۰؛ اع ۳: ۲۶ — روم ۸: ۳؛ ر. ک. غلا ۴: ۴ — ۳ یو ۷: ۲۸، ۲۹: ۸، ۴۲: ۲۹ — ۲) واژه ای در رابطه با انتخاب الهی است در رابطه با نجات انسانها. خدا پس از فرستادن پیامبران^۴ پسر خود را فرستاد^۵ که خود را فرستاده توصیف می کند^۶. عیسی روح القدس^۷ و شاگردان را فرستاد که «رسولان»^۸ وی شده سرنوشتی همانند وی داشته باشند^۹. پولس مأموریت خدمتگزار را نسبت به امت ها به تحقیق می رساند^{۱۰}.
۴) اش ۶۱: ۱؛ مت ۲۱: ۳۴-۳۷؛ ۲۳: ۳۷ (= لو ۱۳: ۳۴)؛ لو ۴: ۱۸، ۱۱: ۴۹ — ۵ لو ۴: ۱۷-۲۱؛ یو ۷: ۲۸-۲۹، ۸: ۴۲؛ اع ۳: ۲۰؛ روم ۸: ۳؛ غلا ۴: ۴؛ ۱- یو ۴: ۹، ۱۰: ۱۴ — ۶ مت ۱۰: ۴۰؛ ۴۰: ۳۴ — ۷ لو ۲۴: ۴۹؛ یو ۱۴: ۲۶، ۱۵: ۲۶؛ غلا ۴: ۶؛ ۱- پتر ۱: ۱۲ — ۸ مت ۱۰: ۲، ۵: ۳؛ مر ۱۴: ۱۴؛ لو ۶: ۱۳ — ۹ یو ۱۶: ۱۶، ۲۰: ۲۱ — ۱۰ اع ۲۲: ۱۷، ۲۱: روم ۵: ۵.
◀ رسول - شفیع.

فرشته

یونانی: aggelos، عنوان منصبی که معنی «پیامبر»^۱ می دهد. و بدین ترتیب هیچ چیز درباره خصوصیات ویژه فرشته گفته نشده است. کتاب مقدس از پیش وجود فرشتگان خداوند را که در ترکیب بخشیدن به جهان خلق شده نقشی ایفا می کنند مفروض می دارد. به برکت وجود فرشتگان، نگاه ما تا فراسوی امور قابل رؤیت گسترده می گردد و از وراء

آنها *جلال خداوند، حضور و تعالی او ظاهر می شود. هم چنین مهم است که این موجودات آسمانی را که حتی به «جلال ها»^۲ موسوم هستند به شکل مادی مجسم نمایند.

^۱مت ۱۰: ۱۰، ۱ مر: ۲؛ لو: ۷: ۲۴: ۲۷: ۹: ۵۲؛ یح: ۲: ۲۵ — ^۲پتر ۲: ۱۰؛ یهو ۸ □

(۱) «فرشته خداوند» در مقدمه و مؤخره انجیل متی^۳ و یک بار در لوقا و چهار بار در اعمال رسولان^۴ قید شده است. فرشته خداوند معادل فرشته یهوه بوده و آن چیزی جز *یهوه که خود را بر روی زمین تحت شکلی قابل رؤیت^۵ ظاهر می سازد نمی باشد.

^۳مت ۱: ۲۰، ۲۴، ۲: ۱۳، ۱۹، ۲: ۲۸ — ^۴لو: ۹: ۵۱، ۱۹: ۲۶: ۸: ۱۲، ۲۳: ۷: ۱۶: ۲۱: ۱۷-۱۹؛ را با داور ۱۱: ۶: ۱۴: ۶ را مقایسه کنید.

(۲) فرشته شناسی یا خطابه درباره فرشتگان، ریشه در نمادهای اسطوره های شرقی دارد که برحسب آنها خداوند توسط درباریانی که «*پسران خدا» یا صرافیان هستند و نیز لشکری آسمانی که به منظور برافراشتن جلال وی و مستقر گردانیدن او در بلندائی که برای انسان ها^۶ غیرقابل دسترسی می باشد، احاطه شده است. پیامبرانی که توسط خدا فرستاده می شوند، حضور خدا را که در میان آدمیان عمل می نماید بازگو می کنند. طی قرن ها، به افزودن تعداد آنها و مشخص نمودن و نقش ایشان در دربار آسمانی (نظیر فرشتگان اعظم یا *کروبیان^۷) تمایل زیادی نشان داده شده و حتی آنان را با اسامی خاص می نامند: *میکائیل، *جبرئیل، *رفائیل^۸. مفهوم چنین سنتی اینست که در عین حال، تعالی و حضور خداوند را، بر تمامی جهانیان آشکار سازد.

^۶ایوب ۶: ۶؛ اش ۶: ۲؛ مکا: ۵: ۱۱، ۷: ۱۱ — ^۷۱۷-تسا: ۴: ۱۶؛ عبر: ۹: ۵؛ یهو ۸ — ^۸طو ۳: ۱۷، ۱۲: ۱۵؛ لو: ۱۹: ۲۶؛ مکا: ۷: ۱۲.

(۳) عهد جدید مظاهر فرشته گونه را زیر سؤال نمی برد لیکن از گسترش آن ممانعت به عمل می آورد. در اناجیل، فرشتگان در خدمت عیسی بر روی زمین^۹ و یا به هنگام بازگشت نهایی اش^{۱۰} ظاهر می شوند و ارزش شخصی فرزندان یا گناهکاران توبه کار^{۱۱} را برجسته تر نمایان می سازند. وضعیت آنان در دربار آسمانی^{۱۲} کمک می کند تا شرایط غیر زمینی برگزیدگان^{۱۳} درک شود.

^۹مت ۴: ۱۱؛ مر: ۱۳: ۱؛ لو: ۲۲: ۴۳؛ یو: ۱: ۵۱؛ ر.ک مت ۲۶: ۵۳ — ^{۱۰}مت ۱۳: ۳۹، ۴۱، ۴۹، ۱۶: ۲۷، ۲۴: ۳۱ (=مر ۱۳: ۲۷)، ۲۵: ۳۱، ۲-تسا: ۷: ۱-تیمو: ۳: ۱۶ — ^{۱۱}مت ۱۸: ۱۰؛ لو: ۱۵: ۱۰ — ^{۱۲}لو ۱۲: ۸، ۹، ۱۶: ۲۲ — ^{۱۳}مت ۲۲: ۳۰ (=مر ۱۲: ۲۵؛ لو: ۲۰: ۳۶).

(۴) مسیح برتر از فرشتگان^{۱۴} است. پولس که طبقات مختلف فرشتگان^{۱۵} را می شناسد، با جایگاه افراطی که محیط سرشار از التقاط دینی حاکم بر *کولسی برای آنها قائل بود مبارزه می نماید. در محافل مزبور این فرشتگان را *قدرت های بینابینی تلقی می کردند که نقش ایشان تخفیف نور بیش از حد درخشنده خدا و ایجاد *میانجی های بی شمار بوده است. از سوی دیگر پولس دست به تهیه مسیح شناسی می زند که مسیح را فراتر از کلیه این *قدرت ها^{۱۶} قرار می دهد.

^{۱۴}عبر: ۱-۴: ۱۳، ۲: ۱۶-۲ — ^{۱۵}روم ۸: ۳۸، ۳۹؛ ۱-قرن ۱۵: ۲۴؛ افس ۱: ۲۱؛ کول ۱: ۱۶ — ^{۱۶}کول ۱: ۱۵، ۲: ۱۸؛ ر.ک مکا: ۱۹: ۱۰؛ ۲۲: ۸، ۹.

(۵) در مقابل فرشتگانی که پیک های خداوند می باشند، عهد جدید از فرشتگان *شیطان نیز نام می برد که به ضرر آدمیان عمل می نمایند ولی سرانجام به طور قطعی^{۱۷} مغلوب خواهند شد.

^{۱۷}مت ۲۵: ۴۱؛ ۲-قرن ۱۱: ۱۴، ۱۲: ۷؛ ۱-پتر ۳: ۱۹، ۲۲: ۲؛ پتر ۴: ۴؛ یهو ۶؛ مکا: ۹: ۱۱، ۱۲: ۷، ۹.

(۶) در کتاب مکاشفه، صحبت از «فرشتگان کلیساها»^{۱۸} است که به طرق گوناگون تعبیر شده اند. فرشتگانی نیز به چشم می خورند که وظیفه ایشان حراست از قوم^{۱۹} یا حتی در مفهوم استعاره ای «ملائک» کلیساها یا سرانجام رؤسای جمعیت ها می باشند.

^{۱۸}مکا: ۲۰: ۲، ۸، ۱۲، ۱۸: ۳، ۱، ۷، ۱۴ □ — ^{۱۹}ر.ک دان ۱۰: ۱۳.

◀ ارواح پلید - ابلیس - قدرتها - روح - جلال.

فرقه

لاتین: secta از sequor به معنی «به دنبال رفتن»؛ یونانی: hairesis (از خانواده haireomai به معنی «انتخاب کردن»، diairê، به معنای «تقسیم کردن») یعنی «طرف مخالف» *ناصریان یا مسیحیان^۱ مانند *فریسیان^۲ و *صدوقیان^۳. این واژه هم چنین بیانگر نفاق‌ها^۴ یا فرقه‌های بدعت‌گذاران^۵ است. نام اختصاری که برای جامعه *قمران به کار می‌رود.

اع ۲۴: ۵، ۱۴: ۲۸، ۲۲ — اع ۱۵: ۵، ۲۶: ۵ — اع ۱۷: ۵ — ۱۴-قرن ۱۱: ۱۹؛ غلا ۵: ۲۰؛ تیط ۳: ۱۰ — ۲۵-بطر ۲: ۱۱ □

فرمان

(الف) یونانی: entolê (از entellomai به معنای «فرمان دادن، دستور دادن») و عبری: miçwâ.

(۱) این واژه یک دستور مشخص از شریعت (یونانی: nomos) یا از زندگی مسیحی^۱ را بیان می‌کند و معمولاً به منظور تاکید بر جنبه شخصی دستور به کار می‌رود. دستور صرفاً یک بند از یک مجموعه نیست بلکه امر به پاسخگوئی است^۲. این واژه هم چنین امکان مشخص نمودن نفس شریعت^۳ را به دست می‌دهد.

مت ۱۹: ۵؛ مر ۱۰: ۵؛ لو ۶: ۲۳؛ ۵۶ — مت ۱۵: ۳ (= مر ۷: ۸-۹)؛ ۱۹: ۷ (= مر ۱۰: ۱۹)؛ ۱-قرن ۷: ۱۹، ۱۴: ۳۷؛ افس ۱۵: ۲ — مت ۲۲: ۳۶، ۳۸، ۴۰ (= مر ۱۲: ۲۸، ۳۱، = لو ۱۸: ۲۰).

(۲) یوحنا انجیل نگار، واژه یونانی nomos را به شریعت یونانی اختصاص می‌دهد و واژه entolê را به مفهوم جنبه مثبت شریعت به کار می‌گیرد. فرامین بیانگر و مکشوف کننده محبت پدر آسمانی هستند و شخص ایماندار از طریق فرامین به پدر آسمانی می‌پیوندد^۴. همان طور که در سنت مشترک^۵ آمده است یگانه فرمان عیسی محبت^۶ است که سرچشمه آن در محبت متقابل پدر و پسر بوده و الگوی آن رفتار عیسای ناصری^۷ می‌باشد.

۲۴-یو ۴-۶ — روم ۱۳: ۹؛ افس ۶: ۲ — ۶-یو ۱۳: ۳۴، ۱۴: ۱۵، ۲۱، ۱۵: ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۷: ۱-۱۰؛ ۳-یو ۳: ۴-۸، ۳: ۲۳-۲۴؛ ۲۱: ۴، ۲۱: ۵؛ ۳-۲: ۵؛ ر. ک. مکا ۱۴: ۱۲ — ۱۰-یو ۱۷: ۱۸، ۱۸: ۱۲، ۱۸: ۴۹-۵۰؛ ۱۴: ۳۱، ۱۷: ۲۶.

◀ مقدمه فصل دوازدهم. ۱. د - شریعت.

(ب) یونانی: dogma. سند عمومی که تعیین کننده اعمال قانون باشد. فرمان را نمی‌توان اعلان و منتشر کرد مگر این که توسط شخص ذی حقی مانند امپراتور یا قاضی عالی رتبه به نمایندگی از طرف امپراتور^۱ یا به نام شریعت موسی^۲ یا از سوی شورای عالی اسقفان اورشلیم^۳ صادر شده باشد. درخصوص فرمان مذکور در لوقا ۳: ۱ ر. ک. *سرشماری.

اع ۱۷: ۷؛ ر. ک. یو ۱۹: ۱۲ — افس ۲: ۱۵؛ کول ۲: ۱۴ — اع ۱۶: ۴ □

فرماندار

لاتین: proconsul، یونانی: anthypatos. کنسول قدیمی در رأس ایالتی که از سوی سنا *اداره می‌شد^۱ قرار می‌گرفت ولی دارای هیچ قدرت نظامی نبود. این مقام پایان خدمت افتخار آمیز اعضای اشرافیت رومی بود. *سرجیوس پولس مردی فهیم بود که ایمان آورد^۲. *غاللیون با دخالت خود حکیمانه رفتار می‌کند^۳.

اع ۱۹: ۳۸ — اع ۱۳: ۷-۱۲ — اع ۱۸: ۱۲-۱۷ □

◀ مقدمه، فصل ۴. ۲. ب؛ فصل ۴. ۴.

فروتنی

لاتین: humilis به معنای «پست، نزدیک به خاک» (humus). عبری آن ânâh از خانواده any به معنای «بیچاره» بوده و معمولاً به واژه یونانی: tapeinos یعنی «فروتن» ترجمه می‌شود و tapeinoô یعنی «پست شدن» از آن می‌آید. (۱) این واژه در رابطه با واژه‌های متضاد مانند واژه‌های سرافرازی (یونانی hypsoô) و *غرور باز شناخته می‌شود.

عهد جدید قانون الهی ای را به خود نسبت می دهد که التفات خدا را نسبت به فروتنان و خوارشدگان، به ویژه از زبان عیسی توصیف می کند.^۱

۱- سمو ۷: ۵؛ ایوب ۵: ۱۱؛ مز ۱۴۷: ۶؛ حزق ۱۷: ۲۴؛ مت ۲۳: ۱۲؛ لوقا ۱۴: ۵۲؛ ۱۱: ۱۴؛ ۱۴: ۱۸؛ یع ۹: ۱۰-۹؛ ۶: ۴؛ ۱- پطرس ۵: ۵-۶.

(۲) عیسی با «حلیم و افتاده دل»^۲ نامیدن خود یک حالت فروتنی را که مریم عذرا^۳ و پولس رسول^۴ نیز آن را اعلام کرده بودند توصیف می نماید. این حالت ثمره استغفار^۵ نیست بلکه یک ضابطه ثابت موجودیت می باشد: انسان بدون دلیل خوشحال است چه او آگاه است که خدا فروتنان را تسکین می دهد.^۶

۲- مت ۱۱: ۲۹-۳۰؛ لوقا ۱: ۴۸-۴۹؛ اع ۲۰: ۱۹؛ روم ۱۲: ۱۶؛ ۲- قرن ۱۰: ۱-۵؛ کول ۲: ۱۸-۲۳-۲۶-۲۷؛ ۶: ۳؛ فی ۳: ۲۱؛ ۴: ۱۲؛ یع ۴: ۱۰.

(۳) عیسی بدین جهت فروتن است که با خالی کردن خود از همه چیز*(kénose)^۷ خود را خوار نموده و به این ترتیب راه فروتنی لازم را به شاگردان نشان داده^۸ است. خدا می خواهد که هر تلی پست شود^۹ و آگاه است که چگونه باید شاگردان خود را فروتن کند.^{۱۰}

۷- فی ۲: ۸؛ ر. ک. اع ۳۳-۳۴؛ مت ۱۸: ۴؛ افس ۴: ۲؛ فی ۳: ۲؛ کول ۳: ۱۲؛ ۱- پطرس ۵: ۸؛ ۵: ۵-۹؛ ۳: ۱۲-۱۳؛ ۱۲: ۱۲-۱۳ □
 ◀ حلم - تهی ساختن - تکبر - فقیر، مسکین.

فریب دادن

واژه های متعدد یونانی مترادف ترجمه واژه «فریب دادن» وجود دارد. نزدیک ترین آنها شاید apataō باشد که برای تشریح عمل «وسوسه گر» که حوا^۱ را فریب داد و هم چنین فعالیت معلمان کاذب یا فیلسوفان باطل و *بی دینان^۲ و سرانجام *ثروت^۳ به کار می رود. واژه های دیگر بر جوانب دیگر فریب دادن تأکید می کنند. «گمراه کردن» (یونانی: planaō) کار اصلی شیطان، بزرگترین فریب دهنده^۴، ارباب تمام فریب دهندگانی که سرتاسر دنیا را به عرصه بیداد^۵ کرده اند و آنهایی که انسان ها را فریب^۶ می دهند. دیگر انسان ها، جان های ضعیف^۷ را «مجنون می کنند» (یونانی: delezō)، در اشتباه (یونانی: meth-odeia) از راه بدر می کنند^۸، سوءاستفاده و اغفال (یونانی: para-logizomai)^۹ می نمایند، با مکر و فریب (یونانی: dolos)^{۱۰} و با حیله (panourgia)^{۱۱} عمل می کنند. برخلاف عهد عتیق که خدا را در حال جذب کردن (مجنون کردن) اسرائیل یا انبیا^{۱۲} نشان می دهد عهد جدید هرگز این واژه را به معنای مثبت آن به کار نمی برد.

۱- روم ۷: ۱۱؛ ۲- قرن ۱۱: ۳؛ ۱- تیمو ۲: ۱۴؛ عبر ۳: ۱۳-۱۴؛ روم ۱۶: ۱۸؛ کول ۲: ۸؛ ۲- پطرس ۲: ۱۳-۱۴؛ مت ۱۳: ۲۲؛ (= مر ۴: ۱۹) ۲-۴- یو ۷: ۱۲؛ ۹: ۲۰؛ ۳- افس ۴: ۱۴؛ ۱- تیمو ۴: ۱؛ ۲- یو ۷-۶؛ مت ۲۴: ۵، ۱۱، ۲۴؛ مر ۱۳: ۶، ۲۲؛ ۱- یو ۲: ۲۶؛ ۳: ۷؛ یهو ۱۱-۱۲؛ یع ۱: ۱۴؛ ۲- پطرس ۲: ۱۴، ۱۸-۱۹؛ افس ۴: ۱۴؛ ۶: ۱۱-۱۲؛ کول ۲: ۴؛ یع ۱: ۲۲-۲۳؛ روم ۱: ۲۹؛ ۲- قرن ۱۱: ۱۳-۲۱۱-۲۱۲؛ ۳: ۱۱؛ افس ۴: ۱۴-۱۵؛ ار ۲۰: ۷؛ حزق ۱۴: ۹؛ هو ۲: ۱۶.
 ◀ خطا.

فریجیه

یونانی: Phrygia، ناحیه فلات های مرتفع ترکیه امروزی که تا حدود قرن دوازدهم ق. م. مورد حمله هند و اروپاییان بود و به ترتیب تحت سلطه پارتها (۵۴۶ ق. م)، سلوکیان (۳۱۲) پرغامس (۱۸۸) قرار گرفت و عاقبت به دست رومیان افتاد که آن را به ولایت رومی آسیا (حدود ۱۲۰ ق. م) الحاق کردند. محل نشأت آیین سَری سیبل. از قرن سوم جمعیتی قابل ملاحظه از یهودیان در آن ناحیه ساکن شدند.^۱

۱- اع ۲: ۱۰، ۱۶؛ ۶: ۱۸؛ ۲۳.

◀ کولسی، هیراپولس - لاودیکیه - نقشه شماره ۳.

فریسی

یونانی: Pharisaioi، از آرامی: Perichayya به معنی «جدا شده» است. این واژه که از سال ۱۳۵ ق.م. شناخته شده است به طرق مختلف تفسیر شده است می شد: گاهی به معنای یک فرد یهودی است که از یهودای مکابی و حسیدین جدا شده است و گاهی به معنای شخصی است که از راه سختی کشیدن خود را از گناه جدا می سازد و گاهی نیز به معنای کسی است که به وسیله آنچه که فکر می کند در شریعت خوب است خود را از دیگر چیزها جدا می کند. در طی مطالعه سیستماتیک اناجیل متوجه این امر می شویم که عیسی نه فریسی گرایی، بلکه زهد و تقوای ریاکارانه را محکوم می کرد و به عبارت دیگر خطر دائمی ای را محکوم می کرد که روحیه مذهبی را تهدید می کند تا امر خداجویی را با اعمال شریعت پیوند دهد. با این حال فریسیانی بودند که علاوه بر اینکه عیسی را به سر سفره خود دعوت کردند، چه از راه دفاع از وی در مقابل هیرودیس و چه از راه قبول مسیحیت از او جانبداری می کردند.^۱

^۱ لو ۱۳: ۳۱؛ اع ۵: ۳۴، ۱۵: ۵، ۲۳: ۹.

◀ مقدمه فصل یازدهم. ۲ - غمالائیل - نیکودیموس - پولس - صدوقیان.

فستوس

نام لاتینی است به معنای «شادمان، شاد، خوشحال، مفرح». پرسپوس. ف. فستوس که در سال ۶۰ میلاد توسط نرون، به حکمرانی یهودیه منصوب شد، پولس رسول را که فلیکس در زندان نگه داشته بود به قیصر (یعنی به روم) تسلیم کرد.^۱ او در سال ۶۲ به طور ناگهانی فوت کرد.

^۱ اع ۲۴: ۲۷-۲۶، ۳۲ □

فصح/ گذر

یونانی pascha، عبری pesah، آرامی pashâ (از لحاظ علم ریشه یابی کلمات بحث انگیز بوده به معنای «آرامش»، «ضربه» ای که نخست زادگان را هدف قرار می دهد، «جهش از روی» خانه های یهودیان). هم چنین روز عید بره ذبح شده را مشخص می کند. [این واژه را نباید عید پاک که از لاتین Pascua یا از فرانسه Paques می آید ترجمه نمود.]

(۱) پسح یهودیان. مهمترین عید اسرائیل در آوریل که در عصر چهاردهم نisan در آخرین روز قبل از ماه شب چهاردهم بعد از تعادل بهاری شروع شده هفت روز ادامه داشت و هفته فطیر نامیده می شد.^۱ عید باستانی بهار چادر نشینان (که در آن شبانان نوبر گله خود را به خدا تقدیم می کردند) به یادبود واقعه ای تبدیل شد که بنیاد قوم را نهاد. این واقعه چنین بود که یهوه یهودیان را از مصر خارج ساخت از میان دریای قلزم گذر داد.^۲ هر یک از یهودیان در واقع مکلف بود که برای زیارت و گذراندن این عید به اورشلیم بروند همان کاری که عیسی کرد.

طبق آئین معمول دوره عیسی، غذای فصح را عصر چهاردهم نisan آماده می کردند. تناول نان تخمیر شده در طی هفت روز پس از آن ممنوع بود. هر یک از خانواده ها می باید بره بزغاله نرینه یک ساله و بی عیب را در معبد ذبح می نمود. خون آن را جمع می کردند و با دسته ای از زوفا آن را بر دو قائمه و سردر خانه های خود می پاشیدند. سپس بره را بی آنکه هیچ یک از استخوان هایش شکسته شده باشد^۳ بر آتش بریان می کردند و بعد با عده ای از میهمانان ترجیحاً در اتاق بالاخانه ای که به همین مناسبت با قالی تزئین شده بود گرد هم می آمدند. شام با جام شراب که رییس مجلس دو بار آن را برکت داده و بعد به اطرافیان می داد افتتاح می شد. تشتی پر از آب جهت تطهیر نمودن دستها به یکدیگر می دادند تا بتوانند بره گذر را میل نمایند. چون جام دوم را به اطرافیان می دادند رییس مجلس به جوان ترین اعضای مجلس معنی این آیینهای مختلف را توضیح می داد: بره همان است که فرشته خراب کننده را از منازل عبرانیان قبل از خروج از مصر پراکنده کرد. نان فطیر همان است که عبرانیان هنگامی نه با عجله از مصر فرار می کردند و فرصتی برای تخمیر خمیر نداشتند^۴ درست کردند. بعد از شروع آواز هیلل^۵ رییس مجلس آنها را گرفته پاره می کرد و بین اعضای

مجلس تقسیم می نمود، همه بره گذر همراه با سبزیجات تلخ با تکه های نان فطیر می خوردند، بعد از اینکه این نان را در بشقاب پر از haroset فرو می بودند (انجیر همراه با انگور پخته شده در شراب که نماد آجر بود که عبرانیان اسیر در مصر می ساختند). می بایست بره گذر کاملاً خورده شود وگرنه باقی مانده را باید قبل از طلوع آفتاب بسوزانند، پس از آن جام برکت یافته را می نوشیدند و آخرین قسمت هیلل را به آواز می خواندند.^۵ سپس آخرین جام شراب را نیز می نوشیدند و شام خاتمه می یافت. آن اعضای خانواده حق نداشتند در طول این شب از منزل خارج شوند.

^۱ خروج ۱۲: ۱۵-۲۰ — ^۲ خروج ۱۲: ۱۱-۱۴، ۲۳ — عبر ۱۱: ۲۷ — ^۳ یو ۱۹: ۳۳ — ^۴ خروج ۱۷: ۱۷-۲۰ — ^۵ مز ۱۱۳-۱۱۴ — ^۶ مز ۱۱۵-۱۱۸؛ مر ۱۴: ۲۶.

(۲) عید گذر مسیحی. در این عید رستاخیز عیسی از مرگ که در روز اول هفته بعد از ۱۴ نisan یعنی در *یکشنبه^۷ اتفاق افتاد توسط مسیحیان جشن گرفته می شود. این عید به علاوه به یادبود قربانی شدن عیسی و استقبال از عید *آخرتی^۸ برگزار می شود. پولس مسیح را با قربانی فصح همسان می داند و از آئین فطیر برای زندگی فصح وار مقدس مسیحیان و پاکی آنها نتیجه گیری می کند.^۹

^۷ لو ۲۴: ۱؛ اع ۲۰: ۷؛ ۱-قرن ۱۶: ۲؛ مکا ۱: ۱۰ — ^۸ ۱-قرن ۱۱: ۲۶ — ^۹ ۱-قرن ۵: ۸-۶؛ ر.ک مکا ۵: ۶؛ ۱۳: ۸.

◀ مقدمه. فصل ششم ۴. ج. ۲ فصل سیزدهم ۳. ب - فطیرها - بالاخانه - شام آخر - سپاسگزاری - اعیاد مذهبی - یاد - ضیافت - قیام، رستاخیز - قربانی.

فضایل

(۱) لاتین: virtus (از vir به معنای «مرد»): طبع قوی در افراد که به سوی انجام اعمال دلیرانه هدایت می کند. یونانی: aretè همراه با پیشوند ari نشان دهنده علو و برتری (aristos) است این برتری بر حسب آرمانی که از انسان ساخته می شود تفاوت دارد: جنگجو (هومر)، شهروند (افلاطون) به علاوه ممکن است صفتی اختصاصی که دقیقاً برانده یک شخص یا یک شیئی می باشد یافت شود. در زبان عبری واژه ای مطابق این مفهوم وجود ندارد. در کتاب *هفتاد تنان این واژه برای بیان اعمال شکوهمند خدا (عبری: tehillâ) ^۱ به کار برده شده است. در ادبیات یهودی - عبری از دلیری، مردانگی، وفاداری و هوشیاری شهدای *مکابیان^۲ ستایش می شود. شرح چهار فضیلت های افلاطونی هم دیده شده است (این فضیلت ها در شمار هشدار، عدالت و قوت^۳. نوشته های *قمران قرابت سلک را با *رواقیون خیرخواهی، قوت، خود پاکی را عرضه می دارد. «فرزندان حقیقت» از این طریق تعلق خود را به قلمرو نور نشان می دهند.

بینش عهد جدید با نبود تشابهات شفاهی چیز کاملاً متفاوتی است. فضیلت مسیحی ریشه ای در وجود انسان ندارد بلکه اصل آن در تجدید موجودات توسط ایمان به عیسی و توسط روح القدس آن^۴ نهفته است. از این رو تفاوت های ارسطویی بین فضیلت های عملی و تئوریکی از بین می رود: اعمال نیک فقط بیانگر حالت درونی شخص می باشد. موضوع در ارتباط با «همآهنگی روحی» که به حکیمی اجازه می دهد زندگی پر صلح و صفا را بگذرانند نمی باشد بلکه مربوط است به ثمره روح القدس و با عطایای داده شده به اعضاء جماعتی که خلقتی جدید به روی آن گشوده شده است. فرضیه قمران بر عمل الهی در انسان وفادار مبتنی بوده است تازگی مسیحی در اولویت محبت است که تمامی فضائل و نیز تمامی مقتضیاتی که از آن ها ناشی می شوند تابع آن هستند. محصول این امر زندگی جاودانه است.^۵

^۱ اش ۴۲: ۸-۱۲؛ ۴۳: ۲۱؛ ۶۳: ۷ (گرفته شده از ۱-پطر ۲: ۹؛ ر.ک. ۲-پطر ۱: ۳) — ^۲ مکا ۶: ۳۱ — ^۳ حکم ۸: ۷ — ^۴ غلا ۵: ۲۲-۲۴ — ^۵ غلا ۶: ۷-۸.

(۲) «فهرست فضیلت ها»^۶ شامل کمتر از سی واژه است: محبت، ایمان، امید، صلح، شادی، مهربانی، خیرخواهی، ملایمت، توافق با دیگران، همدلی، بخشش، آمادگی (در دسترس بودن) وفاداری راستی، عدالت، مهمان نوازی،

فروتنی، پایداری، صبر و تحمل، تسلط بر نفس، قناعت، پاکی، زندگی متقی، چشم انداز این فهرست بیشتر الهیاتی است تا اخلاقی. تقسیم بندی این فضائل به دسته های واضح (خدا، هم نوع و رفتار فردی) توأم با اشکال خواهد بود. با این حال سه تا از این فضائل جای جداگانه ای دارند و دسته بندی بشوند: *ایمان، *محبت، *امید^۷. ایمانداران که از ایمان جان می گیرند و از راه شناختن مسیح منور می شوند، روح القدس را پیروی می کنند^۸.

۲۶- قرن ۶: ۶-۷؛ غلا ۵: ۲۲-۲۳؛ افس ۴: ۲-۳؛ ۵: ۹؛ فی ۴: ۸؛ کول ۳: ۱۲؛ ۱- تیمو ۴: ۱۲؛ ۶: ۱۱؛ ۲- تیمو ۲: ۲۲-۲۴؛ ۲۵: ۳؛ ۱۰: ۱۰؛ تیپ ۸: ۳؛ ۱: ۱؛ ۱- پطر ۳: ۸؛ ۲- پطر ۱: ۵-۷ — ۱۷- قرن ۱۳: ۱۳؛ غلا ۵: ۵-۶؛ کول ۱: ۴-۵؛ ۱- تس ۱: ۳؛ ۵: ۸؛ عبر ۱۰: ۲۲-۲۳ — غلا ۵: ۲۵.

◀ مقدمه، فصل چهاردهم - محبت - آزادی - رذائل.

فطیر

یونانی: a-zymos به معنی «ور نیامده» که معادل عبری maṣṣôṭ می باشد.

(۱) نان های بدون خمیرمایه را در شب قبل از عید فصح تهیه می کردند تا یادآور غذایی باشد که عبرانیان در طول شب *خروج^۱ از مصر تناول کردند. این نان ها طاهرتر از نان های خمیرمایه دار^۲ تلقی می شدند.

۱- خروج ۱۲: ۳۴، ۳۹؛ تث ۱۶: ۳ — ۲- خروج ۳۴: ۲۵؛ ۱- قرن ۵: ۷ و ۸ □

(۲) عید فطیر عیدی زراعی بود که هفت روز به طول می انجامید (تقدیم اولین خوشه ها و سپس تقدیم نان بدون خمیرمایه)^۳. از آنجا که لااقل از سال هفتم قبل از میلاد، اولین روز عید مزبور، مصادف می گشت با عید گذر، لذا این دو عید^۴ را با طیب خاطر یکی می انگاشتند.

۳- خروج ۱۲: ۱۸؛ ۲۳: ۱۵؛ لاو ۲۳: ۶ — ۴- تث ۱۶: ۸-۱؛ مت ۲۶: ۱۷؛ مر ۱۴: ۱ و ۱۲؛ لو ۲۲: ۱، ۷؛ اع ۱۲: ۳؛ ۲۰: ۶ □

◀ مقدمه فصل سیزدهم، ب - عید فصح، گذر.

فقیر / مسکین

یونانی: ptôchos (از ptêssô به معنای «کز کردن») که معمولاً به چند واژه عبری مانند ânî, ânâw, ebyôn ترجمه می شد. مسکین کسی است که برای ادامه زندگی کمبودهایی دارد. این واژه دو مفهوم را در رابطه با هم در برمی گیرد.

(۱) از نظر اقتصادی - فقیران قسمتی از هنجار معمولی جمعیت دنیای خاکی^۱ را تشکیل می دهند. خود کلیسا علی رغم کوشش های مسیحیان نخست، به مسئله آزار مسکینان توسط ثروتمندان به خوبی آشنا بوده است^۲. کلیسا به جانبداری از مسکینان مبارزه می کند زیرا وضع آنان قابل تحمل نیست^۳. اقدام به جمع آوری وجه به نفع ساکنان بومی اورشلیم در همین راستا می باشد^۴.

۱- تث ۱۵: ۱۱؛ مت ۲۶: ۱۱ (= مر ۱۴: ۵ = یو ۱۲: ۸) — ۲- اع ۶: ۱؛ یح ۲: ۲-۳ — ۳- مت ۱۹: ۲۱ (= مر ۱۰: ۲۱ = لو ۱۸: ۲۲)؛ لو ۸: ۱۶؛ یح ۲: ۱۵-۱۶؛ ۱- یو ۳: ۱۷ — ۴- روم ۱۵: ۲۶-۲۷؛ غلا ۲: ۱۰؛ ۱- قرن ۱۶: ۴-۱؛ ۲- قرن ۸-۹.

(۲) از نظر مذهبی مسکینان به دلیل وضعیت خود حضور خاص خدا را پذیرا هستند و در همین وضعیت خودشان را همراه با ملکوت خدا می یابند^۵. خدا آنها را بر ثروتمندان ترجیح می دهد و آنها را زیر حمایت خود قرار می دهد^۶. به همین مسکینان است که عیسی مژده را اعلام می کند^۷. کسی که مسکینی را از دست خدا پذیرفته باشد، فروتنی را قبول کرده است و در عمق باطن خود «بیچاره در روح»^۸ شده است و که بدون آن تمامی ثروت ها صورت دام را خواهد داشت^۹. عیسی خود را با شاگرد یا حتی با هر انسان محتاج همسان دانسته مقام رفیع خود را در جهان بدیشان اعطا نموده است^{۱۰}. باید به دور از در نظر گرفتن شرایط اجتماعی^{۱۱}، سئوالاتی را که به طور دائم از سوی مسکینان برمی خیزد مورد توجه قرار داد و چهره عیسی را که خود را مسکین^{۱۲} ساخته و «حلبم و افتاده دل» (که گاهی برای ترجمه دوباره آرامی آن از واژه anwânâ که ترکیبی است از ânâw و ani استفاده می شود) بود در آن ها مشاهده کرد^{۱۳}.

لو ۶: ۲۰؛ ۱۶: ۱۹-۲۰-۱۶-سمو ۷: ۱؛ ۴۷-۴۸-۵۲-۵۳-مت ۷: ۱۱؛ ۵ (=لو ۷: ۲۲)؛ لو ۴: ۱۸-مت ۵: ۳-
 ۹ مکا: ۱۷-مت ۱۰: ۴۲: ۲۵: ۴۵-۴۰-۱۱-بع ۲: ۱-۴-۱۲-قرن ۸: ۹-۱۳-مت ۱۱: ۲۹.
 ◀ مقدمه. فصل هفتم. ۴- جمع آوری اعانه - دکتر - ثروتمند.

فلس

یونانی: assarion. سکه رومی برنزی. برای یک روز کار، می توانستند ۱۶ فلس^۱ مزد بگیرند.
^۱مت ۱۰: ۲۹ (=لو ۱۲: ۶).
 ▶ مسکوکات.

فلسطین

یونانی: hè palaistinè سوریه عبری: pelèchèt. در اصل سرزمین فیلیستینی ها (که تنها یک قسمت کوچکی از آن را در اختیار داشتند) این سرزمین در سال ۶۵ میلادی به ایالت رومی سوریه ادغام شد و سرانجام از سال ۱۳۹ میلادی ایالت رومی یهودیه گردید.
 ▶ مقدمه. فصل اول. ۱: فصل دوم؛ فصل سوم. ۱-۲، نقشه شماره ۴.

فلسفه

یونانی philo-sophia به معنای «عشق به حکمت (یا به علم)». در کول ۲: ۸ بحث مورد نظریک نظام اندیشه به سبک ارسطویی، اپیکوری یا رواقی نمی باشد بلکه صحبت از *مکتبی (اع ۱۷: ۱۸) می شود که نجات بخش است.
 ▶ مقدمه. فصل چهارم. ۶. ج- دانستن - عناصر عالم - اپیکوری ها - گنوسی - حکمت - رواقیون.

فلیکس

نام لاتینی است به معنای «بارور، خوشبخت» (هم خانواده واژه fecundus). برادر پالاس (معرب کلودیوس)، آزادبرده امپراتوریس آنتونیا، شوهر (نامختون) دروسلا (دختر آگریپاس)، والی یهودیه از ۵۲ تا ۵۹-۶۰ م. بود. برخلاف آنچه که ترتلس در اعمال رسولان ۲۴: ۲-۳ می گوید، فلیکس با بی رحمی زیاد جنیش غیوران را که در زمان ولایت وی گسترش یافته بود سرکوب کرد. علی رغم نحوه عمل قضائی که طبق آن او اجازه داشت پولس را آزاد کند، او را برای خوشی یهودیان و نیز برای اخذ مقداری پول از او در زندان نگه داشت.^۱
^۱اع ۲۳: ۲۴-۲۴: ۲۷، ۲۵: ۱۴ □

فناپذیر

یونانی: phthora از فعل phtheirô اساساً به معنای «تباه کردن»^۱. دو واژه متضاد فناپذیر/فناناپذیر به چنین اندیشه الهیاتی حکم می کند: تنها خدا فناناپذیر (aphthartos)^۲ است، انسان فناپذیر^۳ بوده و فرجام او خاک می باشد زیرا از آن برآمده است^۴؛ انسان جسمانی از بین می رود^۵؛ مرددان «مانند حیوانات در فساد هلاک خواهند شد»^۶. اما خدا نگذاشت قدوسش فساد را ببیند^۷؛ بدین ترتیب او فناناپذیری را درخشندگی بخشید؛ ما از تخمی که فانی نیست بلکه فناناپذیر است یعنی از کلام خدا هستی گرفته ایم^۸؛ مردگان در بی فساد از مرگ برخوانند خاست^۹. تمامی خلقت از قید تباهی خلاصی خواهند یافت^{۱۰}؛ به گفته پولس رسول تباهی نتیجه *بطلانی است که انسان توسط گناهش، هرچند براساس امیدواری، در آن فرو رفته است^{۱۱}؛ البته او این امر را رد نکرده است که تباهی، انسان را که میرا است مشخص می کند و بنابراین انسان در معرض ضایع شدن تدریجی قرار دارد؛ گناه این گرایش به سوی متلاشی شدن را تقویت می کند.

۱- ۱۲: ۳۳- ۲- قرن ۷: ۲؛ مکا: ۸: ۹- ۲- ۱: ۲۳؛ روم ۱۷- ۱۳- قرن ۱۵: ۵۳- ۵۴- ۱- ۲- قرن ۱۵: ۴۷- ۴۸؛ ر.ک کول ۲: ۲۲- ۲۵- قرن ۴: ۱۶- ۲۶- پطرس ۲: ۱۲، ۱۹- ۲- ۱۷ع ۲: ۲۷، ۳۱، ۱۳- ۳۴ (نقل قول از مزمو ۱۶: ۱۰)- ۱۸- پطرس ۱: ۲۳- ۱۹- قرن ۱۵: ۴۲- ۵۴- ۱۰- روم ۸: ۲۱- ۱۱- روم ۸: ۲۰- ۱۲- افس ۴: ۲۲- ۱۳- تیمو ۶: ۵؛ ۲- تیمو ۳: ۸؛ ر.ک ۲- قرن ۱۱: ۳- ۱۴- افس ۴: ۲۳- ۲۴- ۱۵- پطرس ۳: ۴- ۱۶- نیط ۲: ۷.

حسم - نامیرائی - مرگ - بطالت.

یونانی: Appiou phoron. مکان مخصوصی در ۶۴ کیلومتری جنوب روم^۱.

◀ نقشه ۳.

یونانی: kanôn به معنای قاعده (آیین)، که اصطلاح «قواعد ایمان» از آن می‌آید.

فهرست کتاب های مقدس که به عنوان کتاب های *ملهم از خدا مورد قبول یهودیان و کلیساها می باشند.

◀ مقدمه فصل دوازدهم، فصل پانزدهم - کتاب مقدس - متون برحق کلیسا.

۱) خدا فیض است، چشمهٔ تمام نشدنی رحمتی که او به انسان نشان می‌دهد^۱ همان رحمتی است که در عیسی مسیح به اوج می‌رسد^۲. بدین ترتیب نظام فیض جایگزین *شریعت می‌شود^۳ و در آن برخلاف این فکر که انسان پاداشی را طلبکار^۴ است آن را به رایگان دریافت می‌کند^۵. این چنین است مژدهٔ انجیل^۶ و نیز این چنین است رحمتی که پولس رسول در آغاز^۷ و پایان همهٔ رساله‌های خود آرزومند آن است^۸.

^۱خروج ۳۴: ۶-۷؛ مر ۸: ۳۶-۱۰؛ افس ۲: ۷؛ کول ۱: ۶؛ عبر ۴: ۱۶؛ رک. ۱-قرن ۱۶: ۳؛ ۲-قرن ۸: ۹-۱۹ — یو^۲: ۱: ۱۴، ۱۶؛ افس ۱: ۶-۷ — یو^۳: ۱: ۱۷؛ روم ۵: ۲، ۱۷؛ ۶: ۱۴؛ ۲-تسا ۱: ۱۳؛ ۱-تیمو ۱: ۱۴ — روم^۴: ۳: ۲۴؛ ۱۱: ۵؛ غلا ۱: ۱۵؛ افس^۵: ۸، ۲-تسا ۲: ۱۶ — روم^۵: ۴: ۱۶، ۱۶؛ ۶: ۱، ۱۵؛ ۱۱: ۶ — ع^۶لو: ۲۲؛ اع ۱۴: ۳؛ ۲۰: ۲۴، ۳۲؛ ۱-بطر ۵: ۱۲ — روم^۷: ۱: ۷؛ ۱-قرن ۳: ۱...؛ ۱-بطر ۲: ۲؛ ۲-بطر ۱: ۲ — روم^۸: ۱۶: ۲۰؛ ۱-قرن ۱۶: ۲۳...؛ عبر ۱۳: ۲۵؛ رک. مکا ۲۲: ۲۱.

(۲) غنای فیض مختلف الشکل^۹ در نگاه عنایت آمیز خدا^{۱۰}، در عفو خطایا (*بخشش)^{۱۱}، در *عطیه زندگی جاودان^{۱۲} و در وفور عطایای روحانی (یونانی: kharisma) ظاهر می شود^{۱۳}.

^۹ روم ۵: ۱۷. ۲۰-۲-قرن ۴: ۱۵. ۸: ۹: ۱۴: افس ۷: ۲: ۷: ۱- تیمو ۱: ۱۴- ۱- پطرس ۵: ۱۰- ^{۱۰} لو ۲: ۴۰: اع ۱۴: ۲۶: ۱۵: ۴۰: رک. اع ۲۴: ۲۷: ۲۵: ۹- ^{۱۱} روم ۵: ۱۵. ۲۰-۲۱: افس ۷: ۱: كول ۲: ۱۳: ۳: ۱۳: ۲- تیمو ۹: ۱: نط ۲: ۱۱: ۳: ۷: عبر ۲: ۹: رک. لو ۷: ۴۲-۴۳: اع ۳: ۶۴، ۲۵-۱۱-۱۶: افس ۴: ۳۲- ^{۱۲} روم ۶: ۲۳- ^{۱۳} روم ۱: ۱۱: ۱۱: ۲۹: ۱۲: ۶: ۱- قرن ۱: ۷: ۷: ۱۲: ۴: افس ۴: ۷: ۱- پطرس ۴: ۱۰.

۳) از نقطه نظر آن کس که فیض را دریافت می کند گفته می شود: عنایت کسی را به دست آوردن، سرشار از فیض بودن، فیض یافتن در برابر/حضور خدا^{۱۴} یا در برابر/حضور انسان ها^{۱۵} یا به عبارت دیگر در پی عنایت به عنوان اجر یا به عنوان یک عمل قدردانی بودن^{۱۶}. در این راستا می توان معنای «تشکر» را نیز افزود («به شکرانه...»)^{۱۷}.

^{۱۴} پید ۶: ۸؛ لو ۱: ۲۸. ۳۰: ۲؛ ۵۲: ۱۰؛ یو ۱: ۱۴؛ اع ۶: ۸؛ ۷: ۴۶ — پید ۳۹: ۴؛ اع ۲: ۴۷؛ ۴: ۳۳؛ ۷: ۱۰ — لو ۱۶: ۳۲-۳۴؛ ۱۷: ۹ (رک. ۱۶: ۱۷) — روم ۶: ۱۷؛ ۷: ۲۵؛ ۲-قرن ۹: ۱۵؛ کول ۳: ۱۶؛ ۱-تیمو ۱: ۱۲؛ ۲-تیمو ۱: ۳.

۴) معنای معمولی و اصلی آن «فریبندگی زبان» است^{۱۸}.

^{۱۸} امث ۲۲: ۱۱؛ بنسی ۲۱: ۱۶؛ ۳۷: ۲۱؛ کول ۴: ۶.

◀ شکرگزاری - عطیه الهی - عطیه عدالت - عادل شمردگی - رحمت - درود گفتن.

فیلادلفیه

یونانی: Philadelphie، شهری در لیدیه واقع در آسیای صغیر که آداب و عقاید یونان را پذیرفت. بنیانگذاران این شهر اتانس و فیلدلفوس (۱۵۹-۱۳۸ ق.م) بودند. به هنگام وقوع زلزله در ۱۷ م. این شهر ویران شد و بعد توسط *تیرئوس تحت نام *قیصریه جدید بازسازی گردید. پیدایش جمعیت مسیحیان این محل که در زمان تعقیب و آزار هم وفاداری خود را حفظ کردند^۱، ناشناخته باقی مانده است. فیلادلفیه را نباید ربت بنی عمون^۲ (عمان امروزی در اردن) اشتباه گرفت که توسط بطلمیوس دوم فیلدولفوس (۲۸۴-۲۴۶ ق.م)، فیلادلفیه نامیده شد و در سال ۶۳ ق.م. یکی از شهر *دکاپولیس گردید.

^۱ مکا ۱: ۱۱، ۳: ۷ □ — سمو ۱۰-۱۲؛ ار ۴۹: ۲؛ حزق ۲۵: ۵.

فیلپس

یونانی: Philippos به معنای «دوستدار اسب».

۱) هیروودیس فیلپس اول که نام اصلی اش هیروودیس بوئتوس بوده است. پسر هیروودیس کبیر و ماریامن دوم، شوهر هیروودیا. او که در ۵ ق.م. از حق ولیعهدی برکنار شد، بدون همسرش به روم رفت تا به عنوان یک شخص عادی در آنجا زندگی کند^۱.

^۱ مت ۱۴: ۳؛ مر ۱۷: ۱۷.

◀ هیروودیس

۲) هیروودیس فیلپس دوم که در حدود سال ۲ ق.م. از هیروودیس کبیر و کلئوپاترا زاده شد، شوهر سالومه بود. او از ۴ ق.م. تا ۳۴ م. تترارک ایتوریه و تراخونیش و نواحی مجاور دریاچه جنیسارت بوده است^۲.

^۲ لو ۳: ۱ □

◀ مقدمه: فصل اول. ۱. - بیت صیدا - قیصریه فیلپس - هیروودیس.

۳) یکی از دوازده حواری از اهل بیت صیدا. دو کتاب از اناجیل تحریفی به او نسبت داده می شوند. یکی انجیل فیلپس که در ناگ - حماوی پیدا شد و دومی اعمال فیلپس^۳.

^۳ مت ۱۰: ۱۳ (= مر ۳: ۱۸ = لو ۶: ۱۴ = اع ۱۳: ۱)؛ یو ۱: ۴۳-۴۸، ۶: ۷-۵، ۱۲: ۲۱-۲۲، ۱۴: ۸-۹ □

۴) یکی از هفت تنان، تعمید دهنده که *«انجیل نگار» نامیده می شود^۴.

^۴ اع ۶: ۵، ۸: ۴۰-۴۱، ۲۱: ۸ □

فیلیپی

یونانی: Philippi، شهری است که در قرن هفتم ق.م. بنا شده و از سال ۱۴۶ ق.م. به *ایالت رومی *مقدونیه تعلق داشته است. این شهر که در راه آگناتیا قرار داشت یک شهر استراتژیک و تجارتي بود. بعد از نبرد اکتیوم (۳۱)

ق.م.) در ردیف مستعمرات روم در آمده و از کلیه حقوق و مزایای شهروندان ایتالیا بهره مند می گردد. پولس به جمعیت مسیحی این شهر که خود وی در سال ۵۱ بنیانگذاری کرده بود، دلبستگی داشت.^۱

^۱اع ۱۶: ۱۲، ۲۰: ۶؛ فی ۱: ۱؛ ۱-تسا ۲: ۲ □

◀ فیلیپیان (رساله به) - نقشه شماره ۲.

فیلیپیان [رساله به]

پولس این رساله را به جماعت کلیسای فیلیپی که خودش آن را تأسیس کرده بود و به طور ویژه به آن علاقه داشت فرستاده است. هر چند طبق سنت، تاریخ نوشته شدن این رساله سال ۶۳ م. یعنی سال نخست اسارت رومیان محسوب می شود، بعضی از منتقدان ارسال این رساله را مربوط به سال ۵۶ م. از افسس، محل زندانی بودن پولس^۱ می دانند. بعضی هم عقیده دارند که این رساله در اصل عبارت بوده است از دو نامه کاملاً مستقل، یکی نامه تشکر^۲ و دیگری نامه هشدار دهنده در مقابل یهودیت گرایان^۳.

^۱ر.ک ۱-قرن ۱۵: ۳۲؛ ۲-قرن ۱: ۸ — فی ۱: ۱، ۳، ۴، ۱۰-۲۳ — فی ۳: ۱، ۴، ۹.

◀ مقدمه: فصل پانزدهم - رساله.

فیلمون

یونانی: Philèmôn. یک نفر مسیحی است که کلیسای شهر کولسی در خانه او اجتماع می کرد. او احتمالاً ارباب انیسیموس بوده است. رساله به فیلمون خطاب به وی است.^۱

^۱فیل ۱ □

◀ ارخیپوس - انیسیموس.

فیلمون [رساله به]

کوتاه ترین نامه پولس که هنگام زندانی بودن وی در روم (یا در قیصریه) و هم زمان با رساله به کولسیان نگاشته شده است.

◀ مقدمه. فصل پانزدهم.

فیلوی اسکندری

یونانی: Philôn. فیلسوفی یهودی است (در حدود ۱۳ ق.م. تا ۴۵-۵۰ م.). اپلُس احتمالاً شاگرد^۱ وی بوده است. امکان دارد که مؤلفات کتاب عهد جدید متأثر از آثار فیلو بوده باشند. مثلاً پولس صخره خروج را با مسیح، حکمت خدا^۲، مشابه می دانسته، به دو آدم^۳ اشاره می کند یا عیسی را صورت خدا و نخست زاده او می داند^۴. هم چنین در مورد رساله به عبرانیان یا اندیشه یوحنايي این سخن صادق می باشد. در مورد فیلوی کاذب Pseudo-Philon مراجعه

شود به: Liber Antiquitatum Biblicarum

^۱اع ۱۹: ۱-۳؛ ۱-قرن ۱: ۱۲ — ۱۲-قرن ۱: ۵ — ۱۳-قرن ۱۵: ۴۷-۴۹ — کول ۱: ۱۵.

ق

قامت

یونانی: orgyia به معنای «فاصله بین دو بازوی باز از سرب یک دست تا سرب دست دیگر». در روم واحد طول به حدوداً معادل با ۱/۸۵ متر. در فلسطین اندازه آن امکان داشته تقریباً معادل ۲/۰۵ متر بوده باشد.^۱

۱ اع ۲۷: ۲۸ □

◀ اندازه ها.

قانا

یونانی: Kana مأخوذ از qanē عبری به معنای «نی». دهی در جلیلہ * (جلیل) که نه در کفرکنا بلکه در حیریت قانا در حدود ۱۴ کیلومتری شهر ناصره واقع است. به روایت یوحنا عیسی در این مکان آب را به شراب تبدیل کرد.^۱

۱ یوحنا ۲: ۱۱، ۴: ۴۶، ۲۱: ۲ □

◀ نقشه ۴.

قانون دان

یونانی: nomikos؛ معنای تحت اللفظی آن «کسی که با قانون سرو کار دارد»^۱ «قانون دان»^۲ است. این واژه را به خصوص لوقا برای مشخص کردن کاتب به عنوان متخصص به کارگیری شریعت^۳، «مدرس شریعت» مورد استفاده قرار می دهد. (یونانی: nomodidaskalos).^۴

۱ تیط: ۳: ۱۳ — ۲ تیط: ۳: ۱۳ — ۳ (مت: ۲۲: ۳۵): لو: ۳۰: ۷؛ ۲۵: ۱۱؛ ۴۵: ۴۶-۵۲؛ ۱۴: ۳ — ۴ لو: ۵: ۱۷؛ اع: ۵: ۳۴؛ ۱- تیمو: ۱: ۷.

◀ مقدمه. فصل دوازدهم. ۱ ج - مدرس - دکتر.

قائن

یونانی: Kain مأخوذ از qain عبری به معنای «آهنگر [؟]»، جد رقیینیان^۱ (؟). نخست زاده آدم و حوا. او از روی حسادت * هابیل را به قتل رساند و با این کار پرده از روی * «نفرت» که از آغاز در قلب انسان ها^۲ آشیا نه دارد برداشت. او از جمله اشاری است که از برادر درستکار خود تنفر دارند.^۳

۱ اعد: ۲۴: ۲۱-۲۲ — ۲ پید: ۴: ۱-۱۶، عبر: ۱۱: ۴ — ۱۳-۱۰، ۱۲، ۱۵: یهو: ۱۱ □

قبر

در ایام عهد جدید قبرها (یونانی: mnēma, mnēmeion به معنای «بنای یادگاری» آرامگاهی که جهت دائمی کردن یادبود فرد مدفون ساخته می شود) یا مقبره (یونانی: taphos, از thaptō به معنای «دفن کردن») سرداب های کوچکی بودند واقع در غارها، کنده شده در صخره^۱. هر بهار این قبرها را با آهک سفید می کردند^۲ تا مشخص باشد و رهگذران بتوانند از تماس با یک نجاست شرعی اجتناب کنند^۳. ورودی این سرداب ها کوتاه و گاهی مزین^۴ معمولاً با چرخاندن یک تخته سنگ بزرگ به جلو آن بسته و گاه هم مهر می شد^۵. در قسمت پایین داخل^۶ مدفن صفه هایی سنگی یا طاقچه هایی کنده شده در دیواره سرداب برای دفن اجسام آماده بودند، قبرها معمولاً در خارج از شهر قرار داشتند فی المثل در * جلجتا. در اورشلیم قبرستان مخصوصی جدا از قبرهای اسرائیلیان در نظر گرفته شده بود^۷. نداشتن قبر مجازاتی وحشتناک^۸ شمرده می شد زیرا که در این صورت فرد مرده قادر نبود «به اجداد خود به پیوندد» و در ضمن همواره در معرض توهین و فراموشی و در معرض دید هر کسی خواهد بود^۹.

^۱ مت ۶:۲۷ (= مر ۴۶:۱۵ = لو ۵۳:۲۳) — مت ۲۷:۲۳ — ۱ لو ۴۴:۱۱ — ^۲ مت ۲۹:۲۳ — ^۳ مت ۲۷:۲۷ — مر ۴۶:۱۵: ۳:۱۶ — ^۴ یو ۵:۲۰ — ۱۱ — مت ۲۷:۷ — ^۵ مکا ۹:۱۱ — ^۶ یو ۲۹:۱۰ — ۳۷-۳۴ — طو ۱:۱۸: ۴-۳:۲ — مز ۲:۷۹: ۲:۸: ۲۲:۱۸-۱۹.
 ◀ مقدمه. فصل هشتم. ۲. د. ۲- تابوت - دفن کردن.

قبرس، قبرسی

یونانی: kypros. جزیره‌ای در مدیترانه شرقی^۱ که از سال ۲۲ قبل از میلاد لمایالت سناتوری روم بوده و شهرهای اصلی^۲ آن سلامین و پافس است. پناهگاه مسیحیانی بود که پس از به شهادت رسیدن استیفان^۳ متفرق شده بودند. بشارت انجیل در این جزیره توسط برنابا و پولس که اولین والی را که به سوی مسیحیت گروید^۴ در جمع ایمانداران پذیرفتند انجام گرفته است. وطن برنابای قبرسی، مناسون و چند قبرسی دیگر^۵.
 ^۱ اع ۴:۲۷: ۳:۲۱ — ^۲ اع ۱۳:۵-۶: ۱۳:۳ — ^۳ اع ۱۹:۱۱ — ^۴ اع ۱۳:۴-۱۲: ۱۵:۳۹ — ^۵ اع ۴:۳۶: ۱۱:۲۰: ۲۱:۱۶.

قبیله

یونانی: phylè. در نزد یهودیان قبیله عبارت است از یک گروه نژادی که اصل و نسبش به یک جد می‌رسد. در دوره عهد جدید، یهودیان توسط یک اصطلاح کلیشه‌ای «دوازده سبط یهود» مشخص می‌شوند در مکاشفه ۷: ۴-۸ یهودیان به نام فرزندان یعقوب یعنی یهودا، رُوبین، جاد، اشیر، نفتالیم، منسی، شمعون، لاوی، یساکار، زبولون، یوسف، بنیامین. ترتیب این اسامی در کتاب پیدایش متفاوت است جای منسی را (که با افرایم از منسی برآید) دان گرفته است (طبق بعضی سنت‌ها دجال از دان خواهد آمد چون در کتاب پیدایش ۴۹: ۱۷ به ماری که دان به آن تشبیه شده است اشاره می‌شود)^۱.
 ^۱ پید ۳۵: ۲۲-۲۶: مت ۱۹: ۲۸: مکا ۷: ۴-۸: ۲۱: ۱۲.

قدرت

این واژه ترجیحاً ترجمان واژه یونانی dynamis می‌باشد که مانند exousia (به معنای «اقتدار») در چهار چوب مشخصی که در آن قدرت اعمال می‌شود قرار ندارد بلکه ایده قوت (kratos, iskhys) که مربوط به پتانسیل (قوة آماده وارد شدن در عمل) می‌باشد به آن افزوده می‌شود: در عیسی dynamis بیشتر از مسیح ناشی از روح القدس می‌آید در صورتی که exousia بیشتر در پیوند با مأموریت وی از سوی خداست.
 (۱) حسب عقیده قدما، جهان محل سکونت نیروهایی است که به طرق مختلفی خود را ظاهر می‌کنند: شخص قوی، شخصی که به سبب شایستگی یا منصب خود رفیع می‌باشد، دولت، نیروهای نامشخص، ارواحی که بین یکدیگر در جنگ هستند. در حالی که مذهب‌های نزدیک به هم به نوعی دگوانگی می‌پردازند، کتاب مقدس بی‌آنکه واقعی بودن این «نیروها»^۱ را مورد سؤال قرار دهد در خدا قادر مطلق^۲ آفریننده همه چیز را می‌بیند و کسی را که توسط اعمال متعالی^۳ خود در تاریخ مداخله می‌کند و او همان کسی است که توسط روح القدس خود استعدادهای انسانی را تعالی می‌بخشد^۴.

^۱ مت ۲۹: ۲۴ (مر ۱۳: ۲۵ = لو ۲۱: ۲۶)؛ روم ۸: ۳۸-۱. قرن ۱۵: ۲۴: افس ۱: ۲۱-۱. پطر ۳: ۲۲ — ^۲ مر ۱۴: ۶۲؛ لو ۴۹: ۱ — ^۳ مت ۲۹: ۲۲ (= مر ۱۲: ۲۴) — ^۴ مت ۱۹: ۲۶ (= مر ۱۰: ۲۷ = لو ۱۸: ۳۷)؛ مر ۱۴: ۳۶: یو ۳: ۳.
 (۲) عیسی مکشوف نمود که خدای قادر مطلق پدر است و محبت در اصل قدرتش قرار دارد. عیسی این قدرت مطلق را عملاً در اعمال شگفت‌انگیز رحمت که همان معجزات هستند (dynamis به معنای «اعمال نیرومند»)^۵ نشان داد و این کارها توسط نیرویی که در اوست^۶ و او آن را به شاگردانش نیز عطا می‌کند^۷ حاصل می‌شود. بدین ترتیب بود که عیسی شیطان را بی‌قدرت کرد^۸.

^۵ مت ۱۲: ۲۲-۳۰: لو ۱۹: ۳۷ — ^۶ مر ۳۰: ۴: ۱۴: اع ۱۰: ۳۸ — ^۷ اع ۸: ۴: ۷-۳۳: ۸ — ^۸ مر ۳: ۲۶-۲۷: لو ۱۰: ۱۹.

۳) اندیشه مسیحی اعلام کرده است که همه چیز و هر حاکمیت و قدرتی در مسیح و برای مسیح آفریده شده^۹ است. رستاخیز در واقع پیروزی قدرت مطلق^{۱۰} را بر قدرت‌های بزرگ مانند «مرگ و گناه»^{۱۱} تثبیت کرده است. البته گناه و مرگ در دنیا به اعمال خود ادامه می‌دهند، اما هنگامی که مسیح ملکوت را به پدر خود^{۱۲} تحویل دهد از بین خواهند رفت.

۹ کول ۱: ۱۶ — ۱۰ روم ۴: ۴؛ ۲: ۱۳؛ فی ۳: ۱۰ — ۱۱ قرن ۱۵: ۵۶ — ۱۲ قرن ۱۵: ۲۰؛ مکا ۱: ۱۸، ۲۰: ۱۴.

۴) حتی اگر زبان ما به زحمت تحمل عالم را می‌کند که در برگیرنده توصیف چهره‌های این قدرت‌ها می‌باشد در هر حال گناه و مرگ همواره در کار می‌باشند. به علاوه شایسته است زبانی که از پدر قادر مطلق سخن می‌گوید حفظ شود یعنی در واقع محبت از مرگ قوی‌تر و بنابراین محبت از گناه که سرچشمه مرگ است قوی‌تر می‌باشد. عیسی معنای این قدرت را از راه خدمت و فداکاری تا فدا کردن زندگی خود نشان داده است.

◀ اقتدار - قدرت‌ها - معجزه.

قدرت‌ها

الف) تحت این واژه تعداد زیادی از واژه‌های یونانی هم خانواده که در کتاب مقدس با تفاوت کلی ترجمه شده‌اند گروه‌بندی شده‌اند. Archai^۱ (از archè به معنای «آغاز، رئیس») به معنای «مقام‌ها، قدرت‌ها، سلطنت‌ها»^۲ dynamis (به معنای «نیروها») به معنای «قدرت‌ها»^۳ exousia (به معنای «مقام‌ها، قدرت‌ها، قواها»^۴ kyriotetes (از Kyrios به معنای «خداوند») به معنای «اقتدار اربابی، فرمانروائی‌ها»^۵ thronoi (تحت‌اللفظی: «کرسی‌ها») به معنای «تخت‌ها». اصطلاحات دیگر کتاب عهد جدید معادل این‌ها هستند مثل: pneumatika tes ponèrias^۶ به «معنای ارواح شرارت».

۱ روم ۸: ۳۸ — ۱ قرن ۱۵: ۲۴؛ افس ۱: ۲۱، ۳: ۱۰، ۶: ۱۲؛ کول ۱: ۱۶، ۲: ۱۰، ۱۵ — ۲ روم ۸: ۳۸ — ۱ قرن ۱۵: ۲۴؛ افس ۱: ۲۱؛

۲ پطرس ۳: ۲۲ — ۱۳ قرن ۱۵: ۲۴؛ افس ۱: ۲۱، ۳: ۱۰، ۶: ۱۲؛ کول ۱: ۱۶، ۲: ۱۰، ۱۵ — ۱ پطرس ۳: ۲۲ — ۴ افس ۱: ۲۱؛

کول ۱: ۱۶ — ۵ کول ۱: ۱۶ — ۱۶ قرن ۱۶: ۲؛ ۸: ۶؛ افس ۶: ۱۲ — ۷ افس ۶: ۱۲.

۱) این واژگان گوناگون و قابل تبدیل به هم، در موجودات ماوراء زمینی که هرچند ملکوتی نیستند مظاهر متنوع الشکل قدرتی را که به «شیطان، مالک زمین نسبت داده می‌شود آشکار می‌کنند. این موجودات، دو «فرشته‌های شریر» نیستند بلکه قوای کیهانی می‌باشند که پس از گمراه شدنشان به آشتی با خدا و اطاعت از او نیاز دارند. وجوه تسمیه ذکر شده که معمولاً به دنبال واژه «فرشتگان»^۸ می‌آیند در غالب اوقات دست کم به تعداد یک جفت هستند تا یگانگی و شدت قوایی که با اعمال نفوذ خود بر افراد^۹، تشکیلات سیاسی^{۱۰}، جریان حوادث^{۱۱}، طبیعت^{۱۲} و به ویژه علیه ایمانداران^{۱۳}، با رستگاری انسان‌ها مخالفت می‌ورزند قابل تصور گردد. سلسله مراتب (هرچند که فرشتگان برحسب سنت به چندین گروه تقسیم بندی شده‌اند) و خصوصیات هیچ یک از این جمع‌ها قابل تشخیص نمی‌باشد. با کمال اطمینان می‌توان گفت که نمایه این «قدرت‌ها» از این باور یهودیان منشعب شده است که آن موجودات ماوراء زمینی بر هریک از مقام‌های زمینی اعم از شخص یا تشکیلات تسلط دارد و یا در پیشبرد شریعت کهن نقشی داشته است.

۸ روم ۸: ۳۸ — ۱ پطرس ۳: ۲۲ — ۹ مر ۱: ۲۳؛ اع ۱۶، ۱۰: ۳۸؛ یو ۸: ۴۴؛ یع ۳: ۱۴-۱۵؛ مکا ۲: ۱۰-۱۱ — ۱۰ ر. مکا ۱۳، به ویژه

۱۳: ۴ — ۱۱-۱۸ — ۲ تسا ۱۸: ۲؛ ر. مکا ۸: ۳۵ — ۱۲ غلا ۸: ۱۰-۱۰؛ کول ۲: ۱۸، ۱۶ — ۱۳ تیمو ۴: ۱؛ افس ۶: ۱۰-۱۲.

۲) کتاب عهد جدید به دور از هرگونه دوگانگی، اعلام می‌کند که وضعیت اولیه «قدرت‌ها» وضعیتی است مشابه موجودات^{۱۴}، اقتدارشان غضب شده است. آنها طرح آسمانی را نادیده گرفتند^{۱۵}. مسیح با پیروزی خود آنها را معزول کرد^{۱۶} و اکنون آنها مطیع وی می‌باشند^{۱۷}. با این حال اشخاص ایماندار، دشمنی^{۱۸} «قدرت‌ها» را موهن می‌دانند در حالی که آنها موفق نمی‌شوند بین مسیح و ایماندار جدائی اندازند^{۱۹}.

۱۴ کول: ۱۶ — ۱۵ افس: ۱۰: ۳ — ۱۶ — قرن ۱۵: ۲۴؛ کول: ۱۵ — ۱۷ افس: ۲۱؛ کول: ۱۰: ۲؛ ۱ — پطرس: ۲۲ — ۱۸ افس: ۶: ۱۲ — ۱۹ روم: ۸: ۳۸.

◀ فرشته - ارواح پلید - عناصر عالم - روح - قدرت ها - شیطان.

(ب) یونانی: archai، جمع archè (اسم فاعل) به معنای «آغاز» «ابتکار» که از آن واژه هایی هم چون مقامات و قدرت های آسمانی به دست می آیند.^۱

^۱ روم: ۸: ۳۸؛ قرن ۱۵: ۲۴؛ افس: ۱: ۲۱، ۳: ۱۰، ۶: ۱۲؛ کول: ۱: ۱۶، ۲: ۱۰، ۱۵.

◀ قدرت ها.

(ج) یونانی: dynamis که جمع آن dynamis به معنای «قدرت» می باشد. ترجمه دیگر آن «حاکمیت» است.^۱

^۱ مت: ۲۴: ۲۹ (= مر: ۱۳: ۲۵؛ لو: ۲۱: ۲۶)؛ روم: ۸: ۳۸؛ قرن ۱۵: ۲۴؛ افس: ۱: ۲۱؛ ۱- پطرس: ۳: ۲۲ □

◀ قدرت ها - حاکمیت

قدس الاقداس

یونانی: Hagia tôn Hagiôn. توصیفی که در عبر ۹: ۳-۵ آمده به خروج ۲۶: ۳۳ برمی گردد. در زمان عهد جدید، قدس الاقداس اتاق مکعب شکلی بود که اندازه هر طرف آن ۴۰ متر بود و در *معبد اورشلیم در پشت *قدس قرار داشت. این اتاق کاملاً تاریک و خالی محل اعلاي حضور الهی است که سالی یک بار تنها *کاهن اعظم می توانست در آن داخل شود.

^۱ عبر ۹: ۳؛ ر. ک لاو ۱۶ □

◀ مقدس - معبد.

[قدمت کتاب مقدس]

قسمتی تحریفی از کتاب عهد عتیق. کتابی آموزنده درباره قدمت کتاب مقدس عهد عتیق یعنی درباره تاریخ نجات از حضرت آدم تا شاول. متن اصلی عبری این کتاب به لاتین ترجمه شده است که نمونه ای بود برای ترجمه یونانی. هیچ مطلبی از مطالب مسیحی که در آن درج شده باشد شناخته نشده است. تاریخ این اثر قبل از سال ۷۰ م. بوده و این کتاب به اشتباه به فیلون نسبت داده شده که به همین جهت آن را «شبه فیلون» می نامند.

قربان

یونانی: korban از واژه عبری qorbân به معنای هدایائی است که برای گنجینه معبد *اورشلیم تقدیم می شود (یونانی: korbanas). ذکر چنین عبارت *اختصاصی بر روی هدایای نذری استفاده غیر مذهبی از آنها را ناممکن می کرد.^۱

^۱ لاو: ۱: ۲؛ اعد: ۷: ۳؛ مر: ۷: ۱۱ □ ر. ک مت: ۱۵: ۵.

◀ آناتیما / نفرین.

قربانگاه / مذبح

لاتین: altaria, altare (ر. ک با adoleo به معنی «سوزانیدن») که معادل یونانی آن thysiasterion (از thysia به معنی «قربانی») می باشد.

(۱) قربانگاه یهودی که شهادتی پردوام از عنایتی نظیر ظاهر شدن الهی^۱ می باشد به معنی حضور خدا است. از طرفی مکانی است که در آن قربانی ها تقدیس شده، مشارکت ایمانداران با خداوند^۲ تحقق می یابد، لذا احترامی که باید^۳ برای آن قائل شد از همین جا ناشی می شود. چهارگوشه آن، که به صورت شاخ^۴ بالا آمده است، مقدس ترین بخش را تشکیل می دهد. این واژه در اناجیل، هم برای *قربانی های سوختنی به کار می رود و هم برای *بخور. قربانگاه

قربانی‌های سوختنی که در داخل محوطه معبد از سنگ ساخته شده است، مربع شکل می‌باشد و از آنجا که بر روی بلندی است به وسیله طارمی قابل دسترسی می‌باشد. ولی قربانگاه بخور که در داخل *قدس قرار دارد از چوب سدر پوشیده از طلا^۵ ساخته شده است.

^۱ پید ۱۲: ۷، ۸ — ۱۲ — قرن ۱۰: ۱۸ — مت ۵: ۲۳، ۲۴، ۲۸: ۲۰ — مکا ۹: ۱۳ — ۱۵ — پاد ۶: ۲۰، ۷: ۴۸؛ لو ۱: ۱۱.

(۲) مسیحیان قربانگاهی دارند که جانشین قربانگاه‌های قبلی^۶ شده است. به همین ترتیب کلیسای اولیه از قربانگاه خاصی برخوردار نبوده است و در سفره قربانی خداوند^۷ شرکت می‌جستند.

^۶ عبر ۱۳: ۱۰ — ۱۷ — قرن ۱۰: ۱۶ — ۲۱.

◀ قربانی.

قربانی

یونانی: thyria به معنای «قربانی». prosphora به معنای «تقدیمی»، holokautōma به معنای «قربانی سوختنی»، spendō «تقدیمی ریختنی».

۱- مراسم آئینی قوم یهود شامل چندین نوع قربانی است مانند قربانی سوختنی، قربانی مشارکت، قربانی به جهت گناه، تقدیمی‌های گیاهی، نان‌های نذری، تقدیمی‌های کندر. به علاوه به طور کلی می‌توان قربانی را هر نوع تقدیمی حیوانی و گیاهی هدیه شده به خدا بر روی مذبح محسوب کرد که از راه نابود کردن جزئی یا کامل، از هر نوع استفاده غیر مذهبی رها شده است.

۲- آداب تقدیم کردن همه قربانی‌ها یکی است: *دست گذاشتن روی هدایای دریافت شده توسط کاهن که این حرکت بدون شک به معنای تقدیم خویشتن از راه تقدیم این هدیه است. سپس این تقدیم گاهی توسط *آتش از بین برده می‌شود و گاهی بین کاهن و تقدیم کننده تقسیم می‌شود. نمادگرایی قربانی حیوانات طبق معنای قایل شده در کتاب مقدس برای خون که خود زندگی^۱ است و نباید همراه با *جسم (گوشت *ذبح شده)^۲ صرف شود تصریح می‌گردد. پس از ذبح (که دارای معنای به خصوصی نمی‌باشد) گوشت یا تقسیم شده یا سوزانده می‌شود و خون آن روی مذبح^۳ که نماد خود خدا است پاشیده می‌شود.

لاو ۱۷: ۱۱، ۱۴: ۱۲ — تث ۲۳: ۱۲ — تث ۱۶: ۱۲ — لاو ۱: ۵، ۱۱.

(۳) تشریح معنای دقیق این آئین مشکل است. در هر صورت نهایت سعی خود را می‌کنیم. شخص یا قوم ایماندار از راه مشارکت در یک هدیه فسخ نشدنی در جستجوی صمیمیت با خدا است. او هم چنین می‌خواهد فاصله‌ای را که گناه یا نقض یک ممنوعیت بین او و خدا ایجاد کرده برطرف نماید. این آرزو را از راه تقدیم هدیه‌ای نمایش می‌دهد و به وساطت خون ریخته شده بر *مذبح به خدا نزدیک شده بدین ترتیب ارتباط را برقرار می‌نماید. وی به خاطر دادن این *«کفاره» مورد پسند خدا قرار می‌گیرد. *سوختن قربانی نشانه قبول شدن آن است و متصاعد شدن *عطر سوختنی به معنای ورود به جهان نامرئی است. از این طریق گذر از کفر به *پیمان، مشارکت از دست رفته باز می‌گردد.

(۴) تفسیر این آیین در صورتی که مفهوم آن انهدام و رنج باشد تفسیر غلطی است. این آئین در صورتی که از مفهوم خود خارج شود و به صورت تشریفات درآید نقض می‌شود. پیامبران و در پی آنها عیسی مسیح علیه این نوع استفاده سحرآمیز معترض بودند^۴.

^۴ مت ۵: ۲۳-۲۴؛ ۹: ۱۳؛ ۱۲: ۷.

(۵) عیسی که خود بره مذبح گذر است قربانی را محکوم نکرد اما از آنجا که قربانی‌های قدیم به خودی خود قدرت کسب *بخشش قطعی نداشتند او برای تقدیس ما با تقدیم خود یک بار برای همه به صورت قربانی یکتا، کمال قربانی را برای همیشه به تحقق رساند^۵. پولس ویژگی تقدیس کننده آئین *سپاسگزاری را در مقابل قربانی‌های غیرمذهبی مورد تصدیق قرار می‌دهد^۶. آئین‌های مذهبی فقط در صورتی معنا و مفهوم دارند که بیانگر تقدیمی شخص

(۲) اصطلاح «ابدالآباد» که مشابه «غزل غزل‌ها» حاصل عبرانی‌گرایی است و مساوی می‌باشد با «برای همیشه» و مدت نامحدودی را چه در گذشته و چه در آینده مشخص می‌کند.^۲

^۲ روم ۱۶: ۲۷؛ عبر ۱: ۸؛ مکا ۴: ۹.

(۳) این واژه نیز می‌تواند دنیا را خواه دنیای امروزی خواه دنیای آینده را مشخص نماید.^۳

^۳ مت ۱۲: ۳۲؛ افس ۱: ۲۱.

◀ عصر - ابدی - زمان.

قرنتس

یونانی: Korinthos، نام شهر باستانی یونانی است واقع بر تنگه‌ای خاکی به همین نام، در سال ۱۴۶ قبل از میلاد با خاک یکسان شد و در سال ۴۴ بعد از میلاد توسط ژولیوس سزار از مجدداً بنا گردید. این شهر پایتخت *والی سرزمین *اخائیه و تحت حکومت روم بود. قرنتس از طریق دو بندر (یکی از آنها به نام *کنخریه) که در دو طرف تنگه خاکی واقع بین دو دریا قرار داشتند یک گره اصلی ارتباط بین شرق و غرب و یک مرکز بزرگ اقتصادی بوده است. اختلاف طبقات اجتماعی در آن بسیار مشخص (*برده‌ها دو سوم جمعیت آن را تشکیل می‌دادند) و اخلاقیات جمعیت آن چنان فاسد بود که فعل korinthiazesthai معنای «داشتن یک زندگی پر از فسق و فجور» را به خود گرفته بود. شهری با جمعیت مختلط که با این حال پیروی از عادات و رسوم *یونانی در آن کمتر از دیگر جاها حکمفرما بود. این شهر چهار راه ادیان یونانی و شرقی بوده آئین افروdit در آن شکوفا بوده است. پولس رسول در بین سال‌های ۵۰ و ۵۲، ۱۸ ماه در آنجا به سر برده است.^۱

^۱ اع ۱۸: ۱، ۸، ۱۰، ۲۷، ۱۹: ۱؛ ۱-قرن ۱: ۲؛ ۲-قرن ۱: ۱، ۲۳، ۶: ۱۱؛ ۲-تیمو ۴: ۲۰ □

◀ مقدمه: فصل ششم. ۲. ج؛ فصل ششم. ۶ - اخائیه - ایلُس - کنخریه - نقشه ۲.

[قرنتیان (رساله پولس به)]

پولس رسول در رساله اول خود (که در واقع دومین رساله اوست: ر. ک به ۱-قرن ۵: ۹) در حدود سال ۵۶ میلادی از افسس جماعتی را در قرنتس که دخول مسیحیت در فرهنگ مشرک آن مسائل بسیاری را باعث شده بود مورد خطاب قرار داد.

پولس رسول دومین رساله را (که در واقع چهارمین رساله اش است: ر. ک به ۲-قرن ۲: ۳، ۷: ۷ از مقدونیه در حدود سال ۵۷ میلادی خطاب به همان جماعت که پس از سرزنش‌های شدیدش قصد داشت به دیدار آنها برود نوشت.

◀ مقدمه فصل پانزدهم.

[قطعی]

(۱) آنچه که از مؤلف خاص به دست ما رسیده (کلام عیسی، روایت لوقا) و یا آنچه به کتابی خاص تعلق دارد (آیه‌های متی).

(۲) هرآن چه که حقیقت یا اقتدار آن غیر قابل انکار باشد.

قفا (پس گردن)

یونانی: trakhèles به معنای «گردن»^۱. قسمتی از بدن دام که زیر سنگینی یوغ سیخ کشیده می‌شود که از آن اصطلاح «گردنکش» خاص می‌گردد.^۲

^۱ مت ۱۸: ۶ (=مر ۹: ۴۲=لو ۱۷: ۲)؛ لو ۱۵: ۲۰؛ اع ۲۰: ۳۷؛ روم ۴: ۱۶ — ^۲ اع ۷: ۵۱؛ ر. ک اش ۴۸: ۴.

قُلْفَه

یونانی: akrobystia. پوشش پوستی در انتهای (یونانی akros) عضو مردانه (یونانی: posthè, peos). این چین پوست با قدری کشیدن بریده (ختنه) می شود.

(۱) به معنای عام، نامختونان کسانی هستند که قلفه^۱ خود را حفظ کرده اند یا کسانی مانند یهودیانی که دوره مکابیان را ننگین می شمردند و توسط جراحی این عیب را بر طرف می کردند؟^۲

^۱ پید ۳۴: ۱۴؛ اع ۱۱: ۳ — ۱۲-مک ۱: ۱۵؛ ۱-قرن ۷: ۱۸-۱۹.

(۲) به مفهوم استعاری، نامختونان به کسانی اطلاق می شود که به پیمانی که نشانه مشخصه^۳ آن ختنه است تعلق ندارند یا به معنای خود بت پرستی^۴ است.

^۳ روم ۲: ۲۵-۲۷؛ غلا ۵: ۶، ۶: ۱۵؛ کول ۲: ۱۳ — ^۴ روم ۳: ۳۰، ۴: ۹-۱۲؛ غلا ۷: ۷؛ افس ۲: ۱۱؛ کول ۳: ۱۱ ختنه. ◀

قلمرو ملکبان

یونانی: kyriotètes (جمع واژه kyriotès به معنای «اقتدار») یعنی موجودات آسمانی که در مقامی پائین تر از مسیح^۱ قرار دارند. این واژه به صورت مفرد ممکن است مسیح^۲ را مشخص کند.

^۱ افس ۱: ۲۱؛ کول ۱: ۱۶ — ^۲ پتر ۲: ۱۰؛ یهودا ۸ □

◀ قدرت ها.

قلیقیه

یونانی: Kilikia. ناحیه ساحلی شمال شرق ترکیه فعلی. ایالت *رومی از سال ۵۷ قبل از میلاد. شهر اصلی آن *طرسوس است.^۱

^۱ اع ۶: ۹، ۱۵: ۲۳، ۴۱، ۲۱: ۳۹، ۲۲: ۳، ۲۳: ۳۴، ۲۷: ۵؛ غلا ۲۱: ۲۱ □

◀ نقشه ۳.

[قمران]

محلی در ساحل شمال غربی دریای مرده (در ۱۳ کیلومتری جنوب اریحا، نزدیک عین فشکه) که نام خود را به «دیری» داده که در آن از سال ۱۵۹ ق. م. تا ۶۸ م. یهودیانی که با یهودیت رسمی قطع رابطه کرده بودند می زیستند: سختگیری در پاکیزگی قانونی (انجام *غسل های متعدد)، مراعات *تقویم شمسی که بر مراسم عبادت روزهای عید حاکم بود، اندیشه *دوگانه پرستی و پیروی از مکتب تقدیرگرایی نقشه خدا و انکار معبد سنگی از جمله عقاید و اعمال آنان بود. این فرقه نسبت به *اسنیان و نیز سند *دمشق قرابت بسیاری داشته است. در اثر حفاری هایی که از سال ۱۹۴۷ صورت گرفته کتابخانه ای ارزشمند پنهان شده در غارهای اطراف کشف شد که شامل متون عبری کتاب مقدس و کتب *تحریف شده، ترجمه های کتاب مقدس به زبان یونانی و نوشته هایی در مورد خود فرقه بوده است.

در مراجع مربوط به قمران حرف Q نشان دهنده اصل قمرانی و رقمی که قبل از آن قرار دارد شماره غاری را نشان می دهد که دست نوشته در آن یافت شده است. حرفی که به دنبال آن قرار دارد خصوصیات اثر را مشخص می سازد. بدین ترتیب ۱ QS (عبری sèrèk به معنای «قاعده» جماعت یا راهنمای انضباطی)، ۱ QH (عبری: hôdayôt به معنای «سرودها»)، ۱ QM (عبری: milhâmâ به معنای «جنگ» بین فرزندان نور و فرزندان ظلمت)، ۱ Qp (عبری: pèchèr به معنای «تفسیر» متن، فی المثل متن حقوق با ۱ QpHab نشان داده می شود). دست نوشته های

قمران نوری تازه بر روی متون عهد جدید به خصوص در مورد وجود یک جریان مذهبی دیگر غیر از مذهب *فریسیان می اندازند.

◀ مقدمه. فصل یازدهم. ۳ - نقشه شماره ۴.

قنطار

یونانی: mna سکه یونانی، نقره (۴۳۶ گرم) معادل دستمزد چند صدروز کار^۱.

^۱ لو ۱۹: ۱۳-۲۵ □

◀ سکه ها.

قنیدس

یونانی: Knidos، نام امروزی دماغه Krio واقع بین جزایر کس و رودوس، در ساحل جنوب غربی آسیای صغیر^۱. کشتی ای که پولس زندانی را به آنجا می برد و نتوانست در آنجا پناه بگیرد.

^۱ اع ۲۷: ۷ □

◀ نقشه ۲.

قوم

(۱) قوم خدا معمولاً^۱ paos نامیده شده و فقط دوبار ethons^۲ خوانده می شود. این قوم که خدا آن را برگزیده خود دانسته است، در ایمان به عیسی مسیح، *اسرائیل پیمان عتیق را با اقوام *مشرک^۴ *آشتی^۳ می دهد و به این ترتیب *قدس الاقدس خدا می گردد که در آن *پیمان تحقق می یابد^۵. این قوم که در تاریخ ریشه دارد به سوی غایت خود یعنی *وطن آسمانی^۶ روان است.

^۱ اع ۴: ۱۰؛ ۱۳: ۱۷ — مت ۲۱: ۴۳؛ ۱- پط ۲: ۹ — ^۲ خروج ۱۹: ۵-۶؛ تیط ۲: ۱۴ — ^۴ اع ۱۵: ۱۴؛ روم ۹: ۲۴ — ۲۵-قرن ۶: ۱۶-۱۴ — ^۶ عبر ۴: ۹؛ ۱۱: ۱۳.

(۲) معنای تضعیف شده آن عبارت است از مردم عوام، گاهی^۷ laos^۸ ولی معمولاً^۹ okhlos^{۱۰}. این واژه نباید با واژه های جماعت (ekklesia)، توده (demos) و یا با واژه ملت ها (ethné) اشتباه شود.

^۷ مت ۴: ۲۳؛ لو ۱: ۱۰؛ ۷: ۱؛ ۲۰: ۱؛ ۹: ۱؛ اع ۲: ۴۷ — ^۸ مت ۴: ۲۵؛ ۹: ۳۳؛ ۱۳: ۳۴؛ ۱۴: ۵؛ مر ۱۵: ۱۵؛ لو ۳: ۷؛ ۱۰: ۱۲؛ ۹: ۱۱؛ ۱۵: ۱۵؛ مکا ۷: ۹.

◀ مقدمه. فصل دهم. ۳ - عهد و پیمان - کلیسا - برگزیدگی - اسرائیل - امتها - کهنانت.

قیافا

یونانی kaïaphas. اسم اولش یوسف. او داماد *حننا بود و در سال های ۱۸ تا ۳۶ میلادی کاهن *اعظم یهودیان بوده است. از *صدوقیان بود و با کمال میل با *پپلاطس همکاری کرد. ریاست محاکمه عیسی و رسولان را برعهده داشت^۱.

^۱ مت ۲۶: ۳-۵۷؛ لو ۲۳: ۲؛ یو ۱۱: ۴۹؛ ۱۸-۱۳: ۱۴، ۲۴، ۲۸؛ اع ۴: ۶ □؛ ر. ک مت ۲۶: ۵۱ (= مر ۱۴: ۴۸ = لو ۲۲: ۵۰)؛ ۵۸ (= مر ۱۴: ۵۳ = لو ۲۲: ۵۴)؛ ۶۲-۶۳ (= مر ۱۴: ۶۰-۶۱)، ۶۵ (= مر ۱۴: ۶۳)؛ مر ۱۴: ۶۶؛ یو ۱۱: ۵۱؛ ۱۸: ۱۰؛ ۱۵: ۱۶، ۱۹، ۲۲، ۲۶؛ اع ۱۷: ۱۷.

قیام/رستاخیز

(۱) تصویر اصلی که یهودیان و مسیحیان توسط آن، سرنوشت انسان بعد از مرگ را مشاهده می کنند: این واژه به معنای بازگشت ساده انسان به زندگی زمینی نیست (مانند ایلعازر) بلکه دستیابی انسان به زندگی غنی و نهایی است.

این واژه یادآور عمل «بلند شدن» بعد از خوابیدن (یونانی: anistamai)^۱ یا بعد از خواب دیدن (یونانی: egeiromai)^۲ یعنی برخاستن از مرگ است.

^۱مت ۲۶: ۶۲؛ لو ۱۱: ۷-۸ — مت ۲۶: ۹؛ ۱۹؛ مر ۱: ۳۱؛ اع ۳: ۷.

(۲) در اسرائیل، در آغاز قرن دوم ق.م ایمان به رستاخیز در ماجرای شهادت *مکابیان^۳ ابراز شده است. چون خدا *عادل است و نمی تواند کسانی که زندگی خود را برای اثبات این که یهوه خدای حقیقی است از دست داده اند. در *جایگاه مردگان تا ابد باقی بگذارد. طبق علم انسان شناسی یهودی، تمامی وجود انسان رستاخیز می کند و از جایگاه مردگان صعود می کند. یهودیان برخلاف اقوام همسایه خود هم چون مصریان و یونانیان، ابتدا به *نامیرائی *روح و سپس به رستاخیز *جسم عقیده نداشتند. رستاخیز به معنی تسخیر دوباره جسم توسط روح نیست بلکه عبارت است از عمل خدای عادل که به انسان زندگی خاص وی را که جاودان است می بخشد.

^۳۲ مک ۷: ۱۴؛ دان ۱۲: ۱-۳.

(۳) مسیحیان اولیه بر این امر که عیسی پس از مرگ دوباره زنده شد به دو زبان تأکید کردند: زبان برافرازی و زبان رستاخیز. با زبان دوم و *قانون ایمان^۴ اعلام کردند که عیسی، *خداوند، *مسیح و *نخست زاده از مردگان است.^۵ آنها در عیسی رستاخیز کرده، نوبر رستاخیز عمومی و ضمانت امیدواری^۶ ما را می دیدند.

^۴روم ۱: ۱۰؛ ۱-قرن ۱۵: ۳-۵؛ ۱-تسا ۱: ۹-۱۰؛ ۴: ۱۴ — اع ۲: ۳۶؛ روم ۸: ۲۹؛ کول ۱: ۱۸ — ۱-قرن ۱۵: ۱۲-۲۸.

(۴) عیسی در جسم رستاخیز کرد. این حقیقت که از روایت کشف قبر خالی توسط زنان^۷ نتیجه گیری نشده بر این امر که در خود زبان رستاخیز هم ضمنی است - تصریح می کند که وجود شخص عیسی در کلیت خود تغییر یافته است. عیسی رستاخیز کرده همان عیسی ناصری است اما عیسایی که کاملاً به *جلال رسیده است. چون *تن ظرف حضور فرد برای دیگران و طور کلی برای عالم است، تن رستاخیز کرده عیسی دقیقاً به معنای «جسد زنده شده» نیست بلکه طبق گفته پولس «جسد روحانی»^۸ است. انجیل نگاران حالت جدید حضور عیسی رستاخیز کرده را از روی روایات *ظاهر شدن های وی به شیوه خود تشریح کردند. «دست زدن» به تن وی به معنای پرستش «عیسی زنده» است که تن دارد اما برای اثبات جسمانیت مسلم وی^۹. عیسی توسط تن پر جلال خود می تواند علی رغم تمامی موانع^{۱۰} در مقابل شاگردان خود ظاهر شود. تن رستاخیز کرده عیسی پیکر جامعی را که کلیسا نامیده می شود با تمامی عالم که او نوبر پر جلال آن است متحد می سازد^{۱۱}.

^۷مت ۲۸: ۸-۱ (= مر ۱۶: ۱-۸؛ لو ۲۴: ۱-۱۰)؛ یو ۲۰: ۱-۱۲ — ۱-قرن ۱۵: ۴۴، ۴۶ — مت ۲۸: ۹؛ یو ۲۰: ۱۷ — ۱۰لو ۲۴: ۳۶؛ یو ۲۰: ۱۹، ۲۶ — ۱۱-قرن ۱۵: ۲۰-۲۸.

(۵) رستاخیز عمومی در *زمان آخر روی خواهد داد. استثنائاً پولس می گوید که ما از قبل به همراه مسیح رستاخیز کرده ایم^{۱۲} و نظر به اینکه رستاخیز از قبل واقع شده است دیگر نمی توان ادعائی پیش کشید^{۱۳}. معمولاً تأثیر رستاخیز عیسی بر ایمانداران که از مرگ گذشته به زندگی دست^{۱۴} یافته اند با واژه *«زندگی» مشخص می شود. در کتب عهد جدید هرگز سخنی از تن پر جلال آینده به میان نمی آید. پولس هم تنها به نامیدن آنها به «جسم های روحانی» در مقابل «جسم های خاکی فناپذیر» اکتفا^{۱۵} می کند. تصور شکل آنها طبق نمونه ای که از قول عیسی در روایات ظاهر شدنش ارائه شده و دانستن اینکه ظرفیت حضور آنها دیگر محدود به شرایط عادی زمینی نمی باشد امکان پذیر است.

^{۱۲}کول ۳: ۱-۳ — ۲۱۳-تیمو ۲: ۱۸ — ۱۴-۱۱۴-یو ۳: ۱۵ — ۱۵-قرن ۱۵: ۳۵-۵۳.

◀ مقدمه. فصل. چهارم. ۶. ب. ج؛ فصل دوازدهم. ۲ الف - ظهورهای مسیح - بدن مسیح - صعود - جلال - نامیرایی - مرگ - زندگی.

قیروان

۱) یونانی Kyrene. شهری است واقع در غرب دلتای نیل یعنی در لیبی فعلی. Cyrénaique که در ابتدا یکی از مستعمرات یونانی بود در سال ۷۴-۷۵ قبل از میلاد به ایالت کنسولی* رومی تبدیل شد و در سال ۶۷ ق.م قسمتی از *کرت گردید که در سال ۲۷ ق.م به صورت ایالت سناتوری درآمد^۱.

اع ۱۰: ۲ □

◀ نقشه ۳.

۲) یونانی: Kyrēnaïos. قیروانیان جمعیت کثیری از یهودیان بودند که همواره در حال کشمکش با یونانیان محلی بودند. *شمعون قیروانی صلیب عیسی را حمل کرد^۱.

مت ۲۷: ۳۲ (= مر ۱۵: ۲۱ = لو ۲۳: ۲۶): اع ۹: ۱۱، ۲۰: ۱۳، ۱: ۱۷: ۲۷ ر. ک □

قیصر

یونانی Kaisar مأخوذ از Caesar لاتین. لقب افراد خاندان جولیا/ژولیا که توسط قیصر ژولیوس (۱۰۰-۴۴ قبل از میلاد) به شهرت رسیدند. همراه با نام *«اگوستوس»، عنوان رسمی امپراتور روم است^۱. «دوستان قیصر» به درباریانی اطلاق می شود که پیوندهای بسیار نزدیکی با شخص امپراتور دارند^۲ در فیلیپیان ۴: ۲۲ «اهل خانه قیصر»، مستخدمان* امپراتور را توصیف می کند.

مت ۲۲: ۱۷ (= مر ۱۲: ۱۴ = لو ۲۰: ۲۲): لو ۲: ۱، ۳: ۱، ۱۹: ۱۵، اع ۲۵: ۲۱ — ۲ لو ۱۹: ۱۲.

◀ امپراتور.

قیصریه

یونانی: kaisareia، نام شهرهائی است که به افتخار «اگستوس قیصر» این چنین نامیده شده بودند.

۱) قیصریه فلسطین، بندری است در فلسطین که در سال های ۱۲-۹ قبل از میلاد توسط هیروдіس کبیر در ۳۰ کیلومتری جنوب حیفا ساخته شده است. مقر والی نم* حاکم رومی و پادگان وی از سال ۶ میلادی^۱. *فیلیپس (که محل سکونتش در آنجا بود)^۲ و نیز پطرس برای بشارت (انجیل) به آنجا رفتند^۳. پولس چندین بار^۴ به آنجا عزیمت می کند و مدت دو سال را به عنوان زندانی در آنجا گذراند^۵.

اع ۱۰: ۱۰، ۲۳-۲۳، ۳۳: ۲۵، ۱۳، ۶، ۱۳ — ۲ اع ۲۱: ۸ — ۳ اع ۴۰: ۱۰، ۲۴: ۱۱، ۱۱: ۱۲، ۱۹ — ۴ اع ۳۰: ۹، ۲۲: ۱۸، ۲۱: ۸-۱۶ —

اع ۴: ۲۵ □

◀ نقشه ۴.

۲) قیصریه فیلیپس، شهری است واقع در دامنه کوه حرمون، در کنار سرچشمه رود اردن، در سال های ۱-۲ قبل از میلاد در محل خرابه های پانه یون (غار اهدائی به رب النوع پان) توسط *هیروдіس فیلیپس دوم بازسازی شد. امروزه بانیاس نامیده می شود^۱.

مت ۱۶: ۱۳ (= مر ۸: ۲۷) □

◀ نقشه ۴.

[Q]

اولین حرف واژه آلمانی Quelle به معنای «سرچشمه» که در نقد ادبی معرف متون مربوط به اناجیل متی و لوقاست که در انجیل متی نیامده اند. بر حسب دیدگاه منتقدان مختلف این حرف گاهی مربوط به سندی است که به تخمین قابلیت تحدید، بسط، ماهیت و منشاء را دارا می باشد. گاهی هم مربوط به مجموعه ای از اسناد است که از منشاهای مختلف بدست آمده اند. در حالت اخیر رسم ساده و راحت این است که «سنت دوگانه» که بنیان اناجیل متی و لوقا را تشکیل می دهد و مستقل از انجیل مرقس است تعیین می گردد.

ک

کاتب

یونانی: grammateus (از grammata به معنای نامه‌ها، نوشته‌ها، متون ر.ک. graphô به معنای «نوشتن»): «منشی»^۱، عبری sôphér (از sâphar به معنای «شمردن») یعنی «مرد کتاب» کنایه از نویسنده. (۱) متخصص و مفسر رسمی نوشته‌های مقدس^۲. طلبه‌ها در پایان دوره طولانی تحصیل دانش، در حدود چهل سالگی به مقام «کاتب می‌رسیدند، این مقام در تصمیم‌گیری‌های قانونی (واژه دیگر یونانی: nomikos به معنای «قانون دان») به آنها قدرت می‌بخشید و به ویژه حق حضور در جلسات *سانهدرین را به ایشان عطا می‌کرد. از جمله کاتبان معروف می‌توان به این اسامی اشاره کرد: *هیلل، شمعی (۲۰۰ ق.م): *غمالائیل^۳، یوحنا بن زکی (حدود ۷۰ ق.م). اغلب کاتبان از گروه *فریسیان بودند.

۱ع ۱۹: ۳۵ — ۱۲-۱۳: ۴۲: ۷: ۱۲-۱۳: بنسی ۳۸: ۲۴-۳۹: ۱-۱ قرن ۲۰: ۳ع ۵: ۳۴: ۲۲: ۳.

(۲) نه عیسی و نه رسولانش مراحل کسب چنین تحصیلاتی را طی نکرده^۴ بودند. ایرادی که عیسی نسبت به کاتبان دارد زیاده‌روی در نفع بردن از دانش و دغدغه خاطر برای کسب افتخارات^۵ است. عیسی این واژه را برای مشخص کردن شاگردان واقعی بر زبان^۶ می‌آورد.

۴ یو ۷: ۱۵: ۱۳: ۴ع ۱۳ — ۲۳: ۱-۲۲، ۲۹-۳۶: لو ۱۱: ۴۵-۵۲: ۲۰: ۴۶-۴۷: ر.ک مت ۵: ۲۱-۴۸ — ۱۳: ۵۲: ۲۳: ۳۴ (ر.ک لو ۱۱: ۴۹).

◀ مقدمه، فصل دوازدهم. ۱ ج - دکتر - قانون دان.

کار کردن

یونانی: ergazomai (که از ergon به معنای «کار») kopiaô به معنای «کار کردن، زحمت کشیدن، خود را خسته کردن» مشتق از kopos به معنای «کار دشوار».

(۱) خدا بدون وقفه کار می‌کند^۱. اگر کتاب عهد جدید چندان که باید کار کردن^۲ را توصیه نمی‌کند به این دلیل می‌باشد که فرض بر این است که انسان فرمان‌خدای آفریننده را کسب کرده است^۳. عیسی *نجار (یونانی: tektôn)^۴ بود و تعلیمات خود را از دنیای کار اخذ کرد^۵. در استفاده از استعدادها نباید «مردد» (oknêros) بود^۶ بلکه نباید خود را به دست جاذبه سودجویی و *اضطراب بیش از حد^۷ سپرد. پولس با دست‌های خود زحمت کشید^۸ و بر رفتار بیکاران که منفعلانه در انتظار آخرت هستند نشان ننگ گذاشت^۹. آنهایی که کار می‌کنند شایسته آن مزدی هستند که دریافت می‌کنند^{۱۰}.

۱ یو ۵: ۱۷ — ۲۸: ۴ افس ۲: ۲۳: ۳: ۱۱ — پید ۱: ۲۸: ۲: ۱۵: ۱۵: ۶: ۱۱: بنسی ۲۲: اش ۳۴: ۳۸ — ۴: ۳: ۶ — ۵: ۴: ۱۹: ۲۰: ۸-۱: ۲۱: ۲۸ — ۶: ۲۵: ۲۶ — ۷: ۱۰: ۴۱-۴۲: ۱۲: ۱۳-۳۴ — ۸ع ۱۸: ۳: ۱-۱ قرن ۴: ۱۲: ۱-۱: ۲: ۹: ۲-۲: ۳: ۸ — ۴: ۲۸: ۲: ۳: ۱۰-۱۲ — ۱۰: ۴: ۴: ۱۸: ۵: ۱۸: ۵: ۴: ۵: ۴.

(۲) *خدمت به خدا و به انجیل احتیاج به کارگرانی^{۱۱} دارند که شایسته غذایی هستند که دریافت می‌دارند^{۱۲} و می‌توانند مانند پولس بدون چشم‌طمع^{۱۳} زحمت بکشند.

۱۱ مت ۹: ۳۷-۳۸ (= لو ۱۰: ۲): فی ۳: ۲ — ۱۲: ۱۰: ۱۰ (= لو ۱۰: ۷) — ۱۳ع ۲۰: ۳۵: روم ۱۶: ۶-۱۲: ۱-۱ قرن ۳: ۸، ۱۵: ۱۰: ۱۶: ۱۶: ۲-۱ قرن ۶: ۵: ۱۰: ۱۵: ۱۱: ۲۳: ۲۷: ۴: ۱۱: فی ۲: ۱۶: ۱-۱: ۲۹: ۱-۲: ۳: ۹: ۵: ۱۲: ۱-۱: تیمو ۴: ۱۰: ۵: ۱۷: ۱۳: ۱۴.

یونانی: teleios (از telos به معنای «آخر، خاتمه») از نظر علم اشتقاق به انسان‌هایی که تمام و کمال و بدون عیب بوده، از سلامتی جسم و اخلاق برخوردارند^۱، اطلاق می‌شود. هرچند کتاب مقدس اعلام می‌دارد که کارهای خدا کامل است^۲، اما هرگز نمی‌گوید که خدا کامل است (برخلاف عقیده یونانیان) مگر در انجیل متی ۵: ۴۸ که در آن عیسی انسان‌ها را به «کامل بودن مانند خدا» دعوت می‌کند. بعضی از منتقدان، همین توصیف یونانی گرایانه^۳ «رحیم» را به متی نسبت می‌دهند که لوقا در متن همانند حفظ کرده است^۴. بعضی دیگر این چنین قائل شدن جنبه انسانی برای خدا را الگو برداری از روی دستور کتاب عهد عتیق که می‌گوید: «مقدس باشید زیرا من مقدس هستم»^۵ می‌دانند. متی کمال مطلق برای ایمانداران در خدا قرار می‌دهد یعنی انجام شریعت نه به خاطر نفع شخصی بلکه دوست داشتن همه انسان‌ها^۶ و بخشیدن مال خود به فقرا^۷. هر چند این ایماندار دیگر مبتدی و «بچه»^۸ نباشد، کمال جدید^۹ نه تنها مخاطره آمیز است بلکه تناسب دارد با حالتی که تنها در آسمان در «انسان کامل»^{۱۰} به دست خواهد آمد. در عین حال ایمانداران باید به فیض عیسی که کامل شد یعنی به سوی تکمیل خود (teleiōsai) برده شد و طبق نقشه خدا^{۱۱}، انسانی تجدید خلقت یافته گردید، به سوی کمال گرایش داشته باشند^{۱۲}. همین آرمان به کمک نفی یک ناپاکی (یونانی: a-mōmos به معنای «بدون نقص») یا نفی یک رفتار قابل نکوهش (یونانی: a-memptos به معنای «بدون از سرزنش»^{۱۳}) در مد نظر قرار می‌گیرد^{۱۴}.

^۱ پید ۱۷: ۱؛ لاو ۲۲: ۲۲؛ تث ۱۸: ۱۳ — تث ۳۲: ۴؛ ۲- سمو ۲۲: ۳۱؛ مز ۱۹: ۸؛ روم ۱۲: ۲؛ یح ۱: ۱۷؛ ۲۵: ۱- یو ۴: ۱۲ —
^۳ لو ۳۶: ۶ — لاو ۱۹: ۲؛ ۱- پطر ۱۵: ۱۶ — مت ۵: ۲۰؛ ۴۸ — مت ۱۹: ۲۱ — ۱۷- قرن ۳: ۱؛ عبر ۵: ۱۴ — ۱۸- قرن ۲: ۶؛
 ۱۴: ۲۰؛ فی ۳: ۱۵؛ کول ۴: ۱۲ — افس ۴: ۱۳؛ فی ۳: ۱۲ — ۱۰- عبر ۲: ۱۰؛ ۵: ۹؛ ۷: ۲۸؛ ۱۲: ۲ — ۱۱- کول ۱: ۲۸؛ عبر ۶: ۱؛
 ۱۰: ۱۴؛ ۱۱: ۴۰؛ ۱۲: ۲۳؛ یح ۱: ۴؛ ۳: ۲؛ ۱- یو ۴: ۱۸ — ۱۲- افس ۱: ۴؛ ۵: ۲۷؛ فی ۲: ۱۵؛ کول ۱: ۲۲؛ عبر ۹: ۱۴؛ ۱- پطر ۱: ۱۹؛
 ۲- پطر ۳: ۱۴؛ یهو ۲۴: ۲۴؛ مکا ۱۴: ۵ — ۱۳- لو ۱: ۶؛ ۲: ۱۵؛ ۳: ۶؛ ۱- تسا ۳: ۱۳؛ ۵: ۲۳؛ عبر ۸: ۷- ۸.

◀ به انجام رساندن - محبت - پری - پاک - مقدس.

کاهن، کشیش

این واژه از واژه یونانی presbyteros به معنی «پیر»، «قدیمی» مشتق شده که در رأس جماعت ایمانداران قرار دارد. اما این واژه امروزه از واژه یونانی hierous (از hieros به معنای «تقدیس شده») متأثر شده است. در این مختصر مفهوم اخیر مورد بحث قرار می گیرد.

(۱) این واژه در نزد مشرکان^۱ و در عهد عتیق^۲ به هر فرد مسئول در امور *مقدس اطلاق می شد. در دوران عیسی کههانت که در اسرائیل به صورت موروثی به اعضای خانواده های روحانی تعلق می گرفت از مزایای خاص ذریت *هارون بود. در میان آنها *کاهن اعظم که توسط رومیان منصوب و مخلوع می شد موقعیت خاصی داشت. سران کاهنان یا کاهنان اعظم، اعضای اعیان زادگان کههانت اورشلیم بودند. کاهن در سن مقتضی از طریق دستگذاری شایستگی می یافت تا اعمال *قربانی^۳ را به جا آورد و آئین ها را برگزار کند^۴ و در خدمت معبد^۵ (آماده کردن قربانی، سوزاندن مواد معطر...) باشد. او از آن پس وظیفه تعلیم دادن شریعت را که مختص *کاتبان بود^۶ بر عهده نداشت. کاهنان معمولاً در روستاها که «عایدی»هایی در آنجا داشتند زندگی می کردند و طبق برخی طبقه بندی ها طی یک هفته به نوبت نقش خود را در معبد ایفاء می کردند^۷.

^۱ اع ۱۴: ۱۳ — مقدمه. فصل سیزدهم ۱ و ۲ — ۳- عبر ۱۰: ۱۱ — مت ۸: ۴ (= مر ۱: ۴۴ = لو ۵: ۱۴)؛ لو ۱۷: ۱۴ — ۵: ۱۷؛ ۸- ۹ —
^۶ مت ۷: ۲۹ — ۱- لو ۸: ۸.

(۲) در عهد جدید این واژه کههانتی هرگز در مورد خدمت انجیل مگر در روم ۱۵: ۱۶ به کار نرفته است. تنها عیسی مسیح *کاهن اعظم است و دارای مفهومی جدید یعنی در ضمن به کمال رساندن عهد عتیق، جوانب *آیینی را به جوانب شخصی مبدل می سازد: هرگاه عیسی خود را «وقف» می کند کلیسا «تقدیس»^۸ می شود و کلیسا وظیفه دارد قربانی روحانی^۹ را عطا کند.

^۸ یو ۱۷: ۱۹- ۲۰ — ۱۹- پطر ۲: ۵- ۹؛ مکا ۱: ۶، ۵: ۱۰، ۲۰: ۶؛ ر. ک. خروج ۱۹: ۶.

◀ هارون - کاهن اعظم - ملک یصدق - کهانت - مقدس - قربانی.

کاهن اعظم، کاهنان اعظم

یونانی: hierous - arkhi از arkho به معنای «مقام اول را داشتن» و hierous به معنای «کشیش».

(۱) در صیغه مفرد: نام کاهن ارشد یهودیان است از اشراف زادگان طبقه روحانیت. او صاحب قدرت قابل ملاحظه مدنی و مذهبی بوده و نماینده مردم در مقابل رومیان می باشد. او در رأس *شورای عالی یهود^۱ قرار دارد اما بیشتر امتیازات و تکالیف او بویژه در زمینه *آئین مذهبی است. او که توسط *تدهین ویژه تقدیس می شود دارای مقام واحد قدوسیت می باشد، انجام *قربانی روزمره^۲ بر عهده او قرار دارد. او در رأس مراسم برگزاری جشن های بزرگ قرار می گیرد و تنها کسی است که می تواند در روز عید *«کفاره ها»^۳ وارد قدس الاقداس شود. او توسط رومیان منصوب

و معزول می‌گردد اما پس از عزل حیثیت و اعتبار خود را حفظ می‌کند مانند *حنا*^۴. طبق رساله به *عبرانیان عیسی که به آسمان صعود کرد برای ابد کاهن اعظم است به صورت *ملیکصدق*^۵ و نه *هارون*. او وظیفه کاهن اعظم را در حالی که خود او هم کاهن و هم قربانی بوده است انجام داده و یگانه *میانجی پیمان جدید می باشد*^۶.

۱. ر. ک مت ۵۷:۲۶ — خروج ۴۲:۲۹ — عبر ۹:۲۵ — لو ۳:۲ — یو ۱۸:۱۳، ۲۴ — عبر ۴:۱۴، ۵:۱۰، ۶:۲۰ — عبر ۹:۱ — ۲۸. ۲) در صیغه جمع: نام اعضای طبقه اعیان/نجیب زادگان روحانی اورشلیم که در *شورای عالی یهود*^۷ وارد می شدند و عهده دار امور مالی^۸ و انتظامی معبد اورشلیم^۹ بوده اند. آنها همراه با پیران و *کاتبان، مجمع مقامات قوم یهود را تشکیل می دهند*^{۱۰}.

۷ مت ۵۹:۲۶ — مت ۲۷:۳ — مر ۹:۱۴، ۱۰:۱ — مت ۲۶:۳؛ مر ۱۵:۳۱.

◀ هارون - آئین مذهبی - میانجی - کشیش - قربانی .

کبوتر

یونانی: peristera نام مشترک چند پرنده است مانند کبوتر چاهی، فاخته، کبوتر و قمری. کبوتر که در سرزمین فلسطین به فراوانی یافت می شود پرنده ای است که بیش از دیگر پرندگان در کتاب مقدس از آن نام برده می شود. کبوتر قربانی سوختنی فقرا است به ویژه در طی آئین های تطهیر^۱. حضور فروشندگان کبوتر در معبد اورشلیم^۲ توسط همین امر توجیه می گردد. تشبیه روح القدس به کبوتری که از آسمان بر سر عیسی تعمید یافته^۳ نازل می شود تفسیری است تردیدآمیز که ممکن است به محبت خدا^۴ اشاره نماید یا همسو با بعضی از تفاسیر یهودی مفهوم خلقت جدید^۵ را دربر داشته باشد. سادگی یا ساده دلی کبوتر ضرب المثلی رایج است^۶.

۱. لاو ۵:۷؛ ۱۲:۸؛ ۲۴:۲ — مت ۲۱:۱۲ (= مر ۱۱:۱۵)؛ یو ۱۴:۱۶ — مت ۳:۱۶ (= مر ۱۰:۱۰ = لو ۳:۲۲)، یو ۳۲: — ر. ک غزل ۲:۱۴؛ ۵:۲ — ر. ک پیدا ۲:۱ — هو ۷:۱۱؛ مت ۱۰:۱۶.

کپدوکیه

یونانی Kappadokia، ناحیه ای در مرکز *ترکیه امروزی. از سال ۱۷ قبل از میلاد ایالت رومی بوده است*^۱.

۱. اع ۲:۹؛ ۱- پطرا ۱:۱ □

◀ نقشه ۳.

کتاب

یونانی: biblion, biblos به معنای «پاپیروس (مصری)» که از آنجا «طومار (لوله) و کتاب» حاصل می شود. عبارت است از طومار پوست آهو یا نسخه خطی نوشته شده بر *پاپیروس که در آن کلام و اندیشه های خدا و انسان ها جمع آوری شده و به صورت واحد درآورده شده اند. در روزگار باستان هر کتاب دارای ۱۸۰۰ تا ۳۰۰۰ stiques (یعنی خطوط ۳۵ یا ۳۶ حرفی مانند مصرع شش هجایی یونانی) بوده است. *تورات به پنج کتاب تقسیم بندی شد که پیدایش و تثبیه واحدهای طبیعی را تشکیل می دهند و بقیه به سه قسمت (یعنی ۶۶ و ۴۴ و ۷۲ صفحه) تقسیم شده است و نیز کتاب های پادشاهان و سموئیل و تواریخ ایام هرکدام از دو کتاب تشکیل می شود. عناوین کتاب های عهد جدید با نام مؤلف یا نام مخاطبان (مقصد) یا محتوای آنها مشخص می شوند.

۲) این واژه برحسب تغییرات موضوع، معنای دیگری را به خود می گیرد. مثلاً در عهد جدید، در کتاب پیمان^۱، کتاب شریعت^۲، کتاب موسی^۳، کتاب اشعیا^۴ و یا مزامیر^۵ و هم چنین کتاب انجیل یا مکاشفه یوحنا^۶. کار این کتاب ها هم چون کار کتاب مقدس یعنی شهادت دادن، یادآوری کردن و تثبیت کلام نبوتی است^۷.

۱. خروج ۲۴:۷؛ عبر ۹:۱۹ — تث ۲۸:۵۸/۶۱؛ غلا ۳:۱۰ — ۲۳-توا ۲۵:۴؛ مر ۱۲:۲۶ — لو ۴:۴؛ ۱۷:۵ — لو ۲۰:۲۴؛ اع ۲۰:۲۰ — یو ۲۰:۳۰؛ مکا ۱۱:۱ — تث ۳۱:۲۶-۲۷؛ اش ۳۰:۸؛ ار ۳۶:۲۲؛ مکا ۷، ۹، ۱۸-۱۹.

۳) در مفهوم استعاره، یک «کتاب زندگی»^۸ نیز وجود دارد، کتابی که در آن اعمال انسانها به جهت *روز داوری^۹ نوشته شده اند و سرانجام این کتاب مهر و موم شده را فقط «بره خدا» می تواند باز کند و احتمالاً شامل اعمال خدا است در طی تاریخ قوم یهود و طرح وی، یعنی طرحی که در عیسی مسیح تحقق می یابد^{۱۰}.

^۸خروج ۳۲: ۳۳-۳۲؛ مز ۶۹: ۲۹؛ دان ۱۲: ۱؛ لو ۱۰: ۲۰؛ فی ۴: ۳؛ مکا ۵: ۱۳؛ ۸: ۱۷؛ ۲۰: ۱۲/۱۵؛ ۲۱: ۲۷-
^۹دان ۷: ۱۰؛ مکا ۲۰: ۱۲-^{۱۰}حزق ۲: ۹-۱۰؛ مکا ۵: ۱-۱۰؛ ربک ۲-۳ قرن ۱۴-۱۶.

◀ مقدمه فصل نهم. ۳ - کتاب مقدس - نگارش.

کتاب حکمت بن سیراخ

نوشته ای است حکمتی که در حدود ۱۸۰ ق.م توسط عیسی بن سیراخ به عبری تألیف شد. نوه اش این کتاب را در حدود ۱۳۲ ق.م در اسکندریه به یونانی ترجمه کرد. این کتاب یکی از کتب *برحق می باشد. نام دیگر آن Ecclésiastique است.

◀ مقدمه. فصل دوازدهم. ۳.

کتاب عهد جدید

یونانی: *hè kainè diathèkè*: به معنای *«پیمان جدید». مجموعه ای است از ۲۷ کتاب که از طرف کلیسا به عنوان کتاب های *برحق مورد قبول واقع شده اند.

◀ مقدمه. فصل پانزدهم - کتاب مقدس - قانون - عهد.

کتاب مقدس

لاتین: *Biblia* به معنای «کتاب»، مأخوذ از واژه یونانی *la biblia* به معنای «آن کتاب ها». مجموعه آثاری که به عنوان وحی نازل شده از سوی خدا محسوب شده است و شامل نوشته های رسمی کلیسا می باشد. کتاب مقدس برای یهودیان از ۲۴ اثر تشکیل شده است. برای پروتستان ها که آثار مکتوب عبری را حفظ کردند و آنها را برحسب کتاب مقدس یونانی تقسیم بندی کردند این کتاب شامل ۴۰ کتاب عهد عتیق و ۲۷ کتاب عهد جدید می باشد. برای کاتولیک ها که آثار مکتوب یونانی را می پذیرند کتاب مقدس دارای ۴۶ کتاب عهد عتیق و ۲۷ کتاب عهد جدید است.

◀ مقدمه فصل دوازدهم، فصل پانزدهم - فهرست تحریفی متن رسمی کلیسا - متون برحق کلیسا - نگارش - کتاب.

کتان

گیاهی است که در مصر و فلسطین^۱ پرورده می شود و برای بافتن پارچه های فاخر به کار می رفت و قبل از هر چیز به مصرف تهیه پوشاک مخصوص آئین دینی می رسید^۲ (عبری: *bad* و یونانی *linon*) واژه عبری *bûç, chéch* و یونانی *byssos* جنس اعلای کتان را که مورد استفاده کهنه و افراد ثروتمند بود^۳ مشخص می کرد. کفن و *نوارهای مخصوص *تدفین از کتان تهیه می شد.

^۱خروج ۳۱: ۹؛ یوشع ۲: ۶-^۲لاو ۳: ۱۶؛ ۴: ۲۳؛ ۲- سمو ۶: ۱۴؛ دان ۵: ۱۰؛ ۷-۶: ۱۲؛ مکا ۱۵: ۶؛ پید ۴۱: ۴۲-^۳خروج ۲۸: ۲۸؛ ۲-
 توا ۱۲: ۵؛ امت ۲۲: ۳۱؛ ار ۱۶: ۱۹؛ مکا ۱۸: ۱۲؛ ۱۶: ۱۹؛ ۸: ۱۴ □

کتاب پنج گانه

از یونانی: *pentateuchos hè* به معنای *«کتاب [کتاب های] پنج گانه» که عبارت اند از پنج کتاب (پیدایش، خروج، لاویان، اعداد، تثنیه) که *تورات را تشکیل می دهند. این تقسیم بندی اصیل نیست ولی از زمان ترجمه *«هفتاد تنان» موجود بوده است.

در کتاب عهد جدید از آن به عنوان شریعت (قانون) (یونانی: *ho nomos*) یاد شده است.

کر، ناشنوا

یونانی: kôphos به معنای «ضعیف شده» واژه‌ای که می‌تواند به معنای «ضعیف شده» واژه‌ای که می‌تواند «کر» و «لال» باشد به علت این که این دو نقص معمولاً با هم ارتباط دارند^۲. کری بر خلاف لالی نتیجه جن زدگی به شمار نمی‌آید مگر در مورد کودک صرعی (ابرصی)^۳. عیسی با شفا دادن وی یک حرکت مسیحائی انجام داد^۴. ناشنوایی ممکن است نمادگر بی‌اطاعتی فرد نسبت به آنگاه «به گوش نامختون»^۵ است.

۱ مر ۷: ۳۷ — ۲ مر ۷: ۳۲ — ۳ مر ۹: ۲۵ — ۴ اش ۳۵: ۵؛ مت ۱۱: ۵ (= لو ۷: ۲۲) — ۵ ار ۶: ۱۰؛ اع ۷: ۵۱. ◀ بیماری - گوش.

کُر

یونانی: koros، عبری kor مقیاس حجم معادل با ۳۶۰ لیتر^۱.

۱ لو ۷: ۱۶ □

◀ اندازه‌ها.

کراهِت ویرانی

یونانی: to bdelygma tès erēmôseôs، اصطلاحی است که تصویر «شیء مکروه» (یونانی: bdelyros «مکروه»)، نجس^۱ و بت پرستانه^۲ را با تصویر «ویرانی» (از یونانی: erēmô: «ویران گردانیدن»^۳) توأم می‌سازد. اصطلاح مزبور در اصل برای توصیف قربانگاه زئوس (یا تمثال آن) که در سال ۱۶۸-۱۶۷ ق.م. به وسیله آنتیوخوس اپیفان چهارم در معبد اورشلیم^۴ برپا گردید، به کار برده می‌شد. در متی و مرقس^۵ از آن به عنوان نشانهٔ زمان آخر یاد شده است. لوقا که بر آن واقف نیست، واقعهٔ تاریخی «ویرانی» اورشلیم^۶ را به آن نسبت می‌دهد. پولس آن را معادل شخص شریر، دشمن و گمراه^۷ می‌داند.

۱ پید ۴۳: ۳۲؛ لاو ۱۱: ۴۳ و ۱۸: ۲۲؛ مکا ۱۷: ۴ و ۵ — ۱۲ پاد ۱۱: ۵؛ ۲-پاد ۲۳: ۱۳؛ امث سلیمان ۱۵: ۸؛ روم ۲: ۲۲ — ۳ مت ۱۲: ۲۵ (= لو ۱۷: ۱۱)؛ مکا ۱۷: ۱۷ و ۱۹ — ۴ دان ۹: ۲۷ و ۱۱: ۳۱ و ۱۱: ۱۱ — ۱ مک ۱: ۵۴ و ۵۹؛ ۲ مک ۶: ۲ — ۵ مت ۲۴: ۱۵ (= مر ۱۳: ۱۴) □ — ۶ لو ۲۱: ۲۰ — ۲۷-تسا ۳: ۳ و ۴.

◀ مقدمهٔ فصل اول: ۱-ج - دجال - تبرک.

کرکس

یونانی: aetos به معنای «عقاب^۱، کرکس» در کتاب مقدس به زحمت می‌توان بین این دو پرندهٔ گوشتخوار تفاوتی یافت و نیز نمی‌توان تصریح کرد که آیا منظور نوعی پرندهٔ گوشتخوار ریشدار، کرکس بزرگ خاکستری یا percnoptère است. این پرندگان از لاشهٔ حیوانات^۲ تغذیه کرده و پرنده‌ای ناپاک به حساب می‌آید^۳. هنگامی که صحبت از گلوی لخت (بی پر) پرنده به میان بیاید مطمئناً منظور کرکس می‌باشد^۴.

۱ احتمالاً در مکا ۴: ۷؛ ۸: ۱۳؛ ۱۲: ۱۴ — ۲ ایوب ۳۹: ۳۰؛ مت ۲۸: ۲۴ (= لو ۱۷: ۳۷) — ۳ لاو ۱۱: ۱۳؛ تث ۱۴: ۱۲ — ۴ میک ۱: ۱۶.

کرم

۱) یونانی: skôlêx، حشره‌ای که به مادهٔ آلی زنده یا در حال تجزیه حمله ور می‌شود. دل دردها نسبت داده می‌شد به آلودگی به کرم که دفع آنها از بدن به معنای فرا رسیدن مرگ بوده است^۱. نمادی است از تجزیهٔ کامل بی‌دینان در آخرت^۲.

۲ مک ۹: ۹؛ اع ۱۲: ۲۳ — ۲ اش ۱۴: ۱۱؛ ۶۶: ۲۴؛ مر ۹: ۴۸.

(۲) یونانی: brôsis واژه ای که به جای brôma به مفهوم «غذا»^۳ و نیز به معنای «آنچه که می خورد» (خورنده) مانند «کرم» یا «زنگ» از آن استفاده می شود.^۴
^۳ یو ۴: ۳۲، ۳۴ — مت ۶: ۱۹-۲۰.
 ◀ بید.

کرنا

یونانی: salpinx، عبری chôphâr ابزار موسیقی است^۱ ساخته شده از شاخ یا از فلز. طبق تصاویر طاق نصرت *تیتوس، بلندی کرنا ممکن بود به ۵۰ سانتیمتر برسد. شیپور برای علامت دادن به آغاز نبرد^۲ یا شروع برگزاری جشن^۳ زده می شد. در کتاب عهد جدید کرنا را تنها در رابطه با *جشن های *ماه نو (که در یهودیت به عید سال نو تبدیل شد) یا در رابطه با یوم کیپور نام^۴ برده می شود. بوق و کرنا قسمتی از لوازم ادبی تشریح *ظهور خدا برای اعلام یک وحی به کار گرفته می شود مانند وحی شریعت کوه سینا^۵، وحی آخرت^۶، طبق مکاشفه یوحنا صدای قدرتمند خدا (یا پسرانسان) همانند صدای کرنا^۷ است که هفت فرشته در آن می دمند.^۸
^۱ مکا ۱: ۱۸ — ۲۲ — اعد ۱۰: ۹ — ۲: ۱۳ — ۱۲: ۱۴ — ۱: ۴۰ — ۱: ۱۴ — ۸: ۲ — یول ۲: ۱۵ — مت ۶: ۲ — لاو ۲۳: ۲۴: ۲۵ — ۹: ۸ — ر. ک. اعد ۱۰: ۱۰ — ۲: ۱۰ — ۵: ۱۲ — ۱۳: ۹۸ — ۶: ۵ — خروج ۱۹: ۱۶ — عبر ۱۲: ۱۹ — مت ۲۴: ۳۱ — ۱: ۱۵: ۵۲: ۱ — ۱۶: ۴ — مکا ۱: ۱۰ — ۴: ۱ — ۸: ۱۱ — ۱۵: ۱۱ — ۲: ۸ — مکا ۸: ۱۱ — ۱۵: ۱۱.

کرنیلیوس

*یوزباشی (سنتوریون) یک *فوج (رسته) در پادگان *قیصریه. او اولین غیر یهودی/مشرک *خدانشناسی بود که به دین مسیحی روی آورد.^۱
 ۱ع ۱۰: ۱ — ۳۱.

کروبیان

یونانی kheroubin (جمع kheroub) مأخوذ از واژه عبری kerubim که صیغه جمع واژه ای می باشد که ریشه *اکدی آن karabu به معنای «تقدیس کردن» بوده و وجه وصفی ای که از آن حاصل می شود یعنی karibu عبارت است از نام الهه درجه دوم بین النهرینی. موجودات آسمانی مرموز که به شکل شیرهای بالدار با چهره انسانی نمایش داده می شوند؛ خدمتگزاران یهوه^۱، پشتیبانان جلال الهی^۲.
^۱ پید ۳: ۲۴ — مز ۱۸: ۱۱ — حزق ۲۸: ۱۴، ۴۱ — ۱۸: ۱۹ — خروج ۲۵: ۱۸ — ۲۲: ۱ — سمو ۴: ۴ — مز ۸۰: ۲ — عبر ۹: ۵ —
 ◀ فرشتگان - جانداران.

کريت

(۱) یونانی Krêtê. جزیره ای است در دریای مدیترانه. تمدن مینوین در آن به ۳ هزار سال قبل از میلاد برمی گردد. در سال ۲۷ قبل از میلاد به ایالت سناتوری رومی *قیروانی وابسته شد. حضور یهودیان در آن جزیره با نظر نامساعد نگرسته می شد.^۱
 ۱ع ۲۷: ۷، ۱۳-۱۲، ۲۱: تبط ۵: ۵ —
 ▶ نقشه ۳.

(۲) یونانی Kres. مردم اهل کريت در روز پنجاهه در اورشلیم حضور داشتند. کتاب عهد جدید یکی از گفته های کمی تملق آمیز شاعر اهل کريت به نام اپی منید کنوسوسی (قرن ششم قبل از میلاد) را مورد توجه قرار می دهد که کاسیماک آن را نقل کرده بود.^۱
 ۱ع ۲: ۱۱: تبط ۱-۱۲-۱۳.

کشتی

در اعمال رسولان ۲۷ (ر.ک. به حزق ۲۷) شرح بسیار جالبی درباره کشتی آورده شده است. همین واژه ploion در کتاب عهد جدید هم مشخص کننده انواع کشتیهای کوچک به این مشخصات است: کشتیهای تجارتنی^۱ به طول ۴۰ متر و عرض ۱۰ متر، همچنین کشتیهای حامل گندم از اسکندریه یا از روم و نیز کشتیهای باری (به ظرفیت چند صدتن) که تا ۳۰۰ نفر مسافر را حمل می کردند. قایقهای ماهیگیران که آنها نیز ploion^۲ یا ploiarion^۳ نامیده می شدند با کشتیهای بزرگ به هیچ وجه قابل مقایسه نبودند.

^۱اع ۱۳:۲۰-۳۸، ۲:۲۱-۳-۶، ۲۷:۲-۴۴، ۱۱:۲۸؛ یع ۴:۳؛ مکا ۹:۸، ۱۹:۱۸ — مت ۲۱:۴-۲۲، ۲۳:۸-۲۴، ۱:۹، ۱۳:۱۴، یو ۶:۱۷-۱۹-۲۱-۲۲ — مر ۳:۹؛ یو ۶:۲۲-۲۳، ۸:۲۱.

◀ سکان کشتی.

[کفاره (عید)]

۱) هرچند در کتاب عهد جدید ذکر از این عید یهودی به میان نمی آید این اندیشه که در آن مستتر است همواره در آن حضور دارد البته به مفهوم روزه داری (این عید را عید روزه هم می نامیدند) بلکه به مصداق نقش نجات دهنده یعنی مسیح، کاهن اعظم.

۲) روز کفاره (Yom Kippour) که در روز اعتدال پائیزی در سپتامبر جشن گرفته می شد روز پشیمانی سنگین بود که خدا آن را مقرر کرده بود^۱ برای جبران تمامی خطاها و پلیدیهای نابخشوده سال خود، کاهن اعظم می بایستی تشریفات مذهبی را به جا می آورد و به این دلیل او وارد *قدس الاقداس^۲ می شد. اولین آئین، قربانی *آمرزش بود. کاهن اعظم یک گاو نر را برای گناهان خود و گناهان اهل خانه خود و یک بز را برای گناهان بنی اسرائیل ذبح می نمود. سپس *خون حیوانات قربانی شده را بر روی مردم، روی قربان گاه سوزاندن قربانی، قدس و قدس الاقداس می افشاند. آئین دوم مربوط به بز مأمور *مغفرت بود: کاهن اعظم دو *دست خود را بالای سر بز دیگری می نهاد و آن را کفاره تمام گناهان جماعت اسرائیل می کرد. سپس بز را به بیابان می بردند تا «همه گناهان قوم را بر خود به زمین ویرانی ببرد»^۳.

^۱لاو ۲۹:۳۰ — عبر ۹:۳، ۲۵:۱۳-۱۱ — لاو ۱۶:۲۲.

۳) عیسی مسیح، کاهن اعظم قطعی، از راه *شفاعت خود *بخشش بزرگ گناهان^۴ را از خدا گرفت: از این به بعد انسان مورد محبت خدا بوده و این به معنای پایان و مفهوم یوم کیپور است.

^۴عبر ۷:۷، ۲۵:۹، ۲۴.

◀ مقدمه. فصل سیزدهم. ۳. ب؛ فصل چهاردهم. ب - کفاره دادن - اعیاد مذهبی - روزه داری - بخشودن - گناه - آموزشگاه.

کفاره دادن

از لاتین: expiare به معنای «ظاهر ساختن - شخص یا شیئی یا مکانی را برای خدایان - با برطرف کردن خطائی که با خدایان جدائی می افکند»، «دلپذیر ساختن». یونانی آن: hilasmos به معنای «کفاره دادن»، مشتق از hilaskomai به معنای «خود را مطلوب نشان دادن، جلب کردن»^۱، و hileôs به معنای «بخشنده»^۲، خیرخواه». در حالی که آئین تطهیر در مذهب یونانی به مصداق چاره سازی برای جلب نظر موافق خدایان است. کتاب عهد قدیم همه توجه را بر یهوه که از راه مراسم آئینی کاهن *اعظم، خود عمل کرده گناهان را می بخشد^۳. آمرزش گناهان به معنای متحمل شدن نیست حتی اگر متناسب خطا باشد. بلکه از راه ایمان مؤثر دل خود را برای آشتی با خدا *گشودن است. مراسم پرستشی پس از عیسی مسیح که خون *خود را برای گناهان ما داده است^۴، معنای حقیقی خود را می یابند. بدین معنی

که عیسی مسیح یگانه *شفیع (یونانی: hilasmos) نزد خدا می باشد که خدا توسط وی بخشنده گردیده و انسان برای خدا دلپذیر می شود.^۵

^۱ لو: ۱۸:۱۳؛ عبر: ۱۷:۲ — مت: ۱۶:۲۲؛ عبر: ۱۲:۸ — خروج: ۲۹:۳۶-۳۷؛ لاو: ۴:۲۰، ۲۶ — عبر: ۱۷:۲ — ۱۵-یو: ۲:۲؛ ۴:۱۰.
 ◀ کفاره (عید) - بخشودن - گناه - تخت رحمت - آشتی.

کفرگوئی

۱) یونانی: blas-phemeô (از blas هم ریشه با blabe به معنای «بد» و phemi به معنای «گفتن») یعنی «دشنام دادن، بدگوئی کردن، افترا زدن». ایستادن بر ضد خدای قدوس که یهودیان حتی از ادا کردن *نام وی اجتناب می ورزند، مجازات کفرگوئی و بی حرمتی نسبت به مقدسات که ویژگی خاص بت پرستان است^۱، مرگ با *سنگسار^۲ می باشد. به علاوه بایستی از وادار کردن دیگران به کفرگوئی احتراز کرد^۳. این اصطلاح برحسب کاربرد آن در زبان یونانی عامیانه ممکن است شامل گستره وسیعی از توهین ها نسبت به خدا، *راه او و *فرستادگان او چه در عمل و چه در سخن باشد^۴.

^۱ ۲۱-پاد: ۱۹:۴-۶، ۲۰-۲۲؛ روم: ۲:۲۴؛ مکا: ۱۳:۶ — لاو: ۲۴:۱۶، ۱۱-ع: ۱۱:۳-تیمو: ۱:۶؛ تیط: ۲:۵ — اع: ۱۳:۴۵، ۱۸:۶؛ ۱-تیمو: ۱۳:۱-۱-پطر: ۴:۲-۲-پطر: ۲:۹؛ مکا: ۲:۹، ۱۶:۹.

۲) مهمترین اصل در متهم نمودن عیسی به اینکه او با ادعای داشتن قدرت بر گناهکاران *قدرتی الهی^۵ را به خود نسبت داده است. نفی شخص مسیح و کلام او^۶.

^۵ مت: ۹:۳ (= مر: ۷:۲؛ لو: ۵:۲۱)؛ ۲۶:۶۵ (= مر: ۱۴:۶۴)؛ یو: ۵:۱۸، ۱۰:۳۳ — اع: ۱۸:۶.

۳) کفرگوئی علیه روح القدس شامل نسبت دادن اعمال عیسی در جهت *اخراج ارواح پلید به *ابلیس و هم چنین بنا به اعتقاد بعضی ها دشمنی با خدائی که در *آخر زمان در بخشیدن گناهان انسان ها و نجات آنها مداخله می کند. اتخاذ این نوع طرز تلقی به معنای دوری جستن از خدای بخشنده است^۷.

^۷ مت: ۱۲:۳۱-۳۲ (مر: ۳:۲۸-۲۹ = لو: ۱۲:۱۰).

◀ مقدمه، فصل ششم، ج ۴ ب - دشنام دادن - توهین کردن - نفرین کردن - بدگویی.

کفرناحوم

یونانی: Kapharnaoum.

عبری: Kephâr nâhûm به معنای «دهکده ناحوم» واقع در ۴ کیلومتری غرب دهانه رود *اردن که به دریاچه *جنیسارت می ریزد. پایگاه مرزی سرحدات ایالات تترارک های هیروودیس و فیلیپس، مرکز پادگان رومی که برخلاف مجدلیه و طبریه تحت تأثیر فرهنگ یونانی قرار نگرفته بود. کفرناحوم «شهر عیسی» است و وطن پطرس و آندریاس^۱. امروزه tell hum^۱.

^۱ مت: ۴:۱۳، ۸:۵ (= لو: ۷:۱)؛ ۱۱:۲۳ (= لو: ۱۰:۱۵)؛ ۱۷:۲۴؛ مر: ۱:۲۱ (= لو: ۴:۳۱)؛ ۲:۱، ۹:۳۳؛ لو: ۴:۲۳؛ یو: ۲:۱۲، ۴:۴۶؛ ۶:۱۷، ۲۴:۵۹ □ ر.ک مت: ۹:۱؛ مر: ۳۳:۳.

◀ نقشه ۴.

کفن

الف) یونانی: keiria به معنای «نوار، نوارپیچ، لفافه»^۱ و othonion به معنای «تکه پارچه ای سفید» (از othone: «پارچه سفید ظریف»)^۲. به نوارهای پارچه ای نیز گفته می شود که برای به هم متصل کردن دست ها و نیز پاهای جسد به هنگام کفن کردن به کار می رود.

^۱ یو ۱۱: ۴۴ □ — ^۲ لو ۲۴: ۱۲؛ یو ۱۹: ۴۰؛ ۲۰: ۵-۷ □

◀ مقدمه: فصل هشتم. ۲. ب- تدفین - رخت.

ب) یونانی: sindôn قطعه‌ای بزرگ از پارچه‌ای نازک که اجساد را جهت *تدفین^۱ در آن می‌پیچند. چون یوحنا از این واژه صرف نظر می‌کند، بعضی از مؤلفان عقیده دارند که واژه othonia (یو ۱۹: ۴ و ۲۰: ۵-۷) معادل آن است. این عقیده توسط دیگران رد می‌شود که کفن را در زمره دیگر پارچه‌های کتانی مخصوص تدفین می‌آورند که عموماً کلمه othonia توصیف می‌کنند.

^۱ مت ۲۷: ۵۹ = (مر ۱۵: ۴۶ = لو ۲۳: ۵۳).

◀ مقدمه: فصل هشتم. ۲. د- ماهوت - دفن کردن - رخت - دستمال.

کلام

واژه‌ای است یونانی به معنای «کلمه». این واژه از واژه عبری dōbār که هم سخن *شفاهی^۱ و هم عمل انجام شده و هم یک اثر را مشخص می‌کند ترجمه می‌شود.^۲ در آثار یوحنا به معنای کلامی است متجسم شده و کلام آسمانی.^۳

^۱ مت ۷: ۲۴. ۲۸. ۸: ۱۵؛ ۱۲: ۴. ۳۲. ۳۶ — ^۲ مت ۲۱: ۲۴ (= مر ۱۱: ۲۹ = لو ۲۰: ۳)؛ اع ۸: ۲۱؛ ۱۵: ۶ — ^۳ یو ۱: ۱۴؛

۱- یو ۱: ۱؛ مکا ۱۹: ۳.

◀ کلام (کلمه) خدا.

کلام (کلمه) خدا

یونانی: logos (گاهی rhēma)، عبری dābār. طبق کتاب مقدس دو ویژگی اصلی برای مشخص کردن کلمه وجود دارد که با روحیه شرقی در تطابق است: کلمه و واقعیت به صورت جدا نشدنی با هم متحد هستند و dābār هم کلام (روایت، فرمان) را و هم شیئی (واقعیت و عمل) را معنا می‌دهد. کلمه بدون عملی شدن و واقعیت بدون کلمه ربط دهنده، مفهوم/موجودیت ندارد. به علاوه کلمه و عمل به هم وابسته اند به این معنی که سخن گفتن، همانا عمل کردن است که پیش از همه در مورد خدا که توسط کلمه خود خلق می‌نماید صادق است.

۱) کلمه خدا که به وجود آورنده آن چیزی است که خود اعلام می‌دارد^۱، زنده است و مانند شمشیری برنده کارآمد^۲ می‌باشد. این کلمه، معنای خلقت را مکشوف کرده و به *فرمان سلامتی بخش تبدیل^۳ می‌شود. کلمه به کسی که مورد استیضاح قرار می‌دهد نجات را وعده می‌بخشد.^۴

^۱ مز ۳۳: ۹؛ حکم ۹: ۱؛ اش ۵۵: ۱۰-۱۱ — ^۲ عبر ۴: ۱۲؛ مکا ۱: ۱۶ — ^۳ خروج ۲۰: ۱-۱۷؛ مز ۱۱۹ — ^۴ اع ۱۳: ۲۶.

۲) عیسی برخلاف *انبیا استناد سخنان خود را با اشاره به کلمه خدا اظهار نمی‌دارد/ به میان نمی‌آورد^۵؛ او اعلام می‌کند: «اما من به شما می‌گویم»^۶. سخنان وی با اولین کلمه، معجزات را^۷ به عمل در می‌آورد، گناهان را می‌بخشاید^۸، قدرت شخصی خود را منتقل می‌کند^۹ و حضور خود را ادامه می‌دهد^{۱۰}. کلام وی مانند کلام خدا، کسانی که آن را می‌شنوند استیضاح می‌کند و آنها باید برله یا برعلیه آن متعهد شوند^{۱۱}. امروز نیز هم چون گذشته آدمیان در مقابل این کلام متقسم می‌گردند^{۱۲}.

^۵ عا ۱: ۶؛ ر.ک لو ۳: ۲ — ^۶ مت ۵: ۲۲؛ ۲۸ — ^۷ مت ۸: ۱۶؛ یو ۴: ۵۰-۵۳ — ^۸ مت ۹: ۱-۷ (= مر ۳: ۱۲ = لو ۵: ۱۸-۲۵) —

^۹ مت ۱۸: ۱۸؛ یو ۲۰: ۲۳ — ^{۱۰} مت ۲۶: ۲۶-۲۹ (= مر ۱۴: ۲۲-۲۵ = لو ۲۲: ۱۵-۲۰) — ^{۱۱} مت ۷: ۲۴-۲۷؛ ۱۳: ۲۳ —

^{۱۲} مر ۳۸: ۸ (= لو ۹: ۲۶)؛ اع ۱۳: ۴۶؛ ۱-تسا ۶.

۳) این کلمه، بدون تعریف، تمام می‌شود، نه تنها توسط شرح کلام عیسی^{۱۳} به معنای خاص، بلکه به وسیله تشریح پیام انجیل نیز که در تعلیمات مسیحی اعلام شده است^{۱۴}. این کلام مزایای کلمه خدا را به ارث می‌برد مانند: نجات،

کارآئی، زندگی، چه این کلام، کلام خود عیسی می باشد که موعظه شده است^{۱۵}. این تعلیم نیز آدمیان را به نوبه خود منقسم می کند^{۱۶}.

۱۳ لو ۳۶ - ۱۴ اع ۴: ۳۱، ۲۹: ۶، ۴: ۲، ۸: ۴، ۲۵: ۶، ۶: ۶ - ۱۵ روم ۱۷: ۱۰ - ۱۶ - ۲ قرن ۲: ۱۴-۱۷.

(۴) طبق انجیل یوحنا و در ادامه سنت حکمتی^{۱۷} و پیرو رساله به عبرانیان^{۱۸}، کلمه ابدی خدا قبل از این که جهان خلقت توسط آن آفریده شده^{۱۹} باشد وجود داشته است. کلمه پس از ناکامی تجلیات قبلی خود این بار چهره ای به خود گرفت و جسم^{۲۰} گردید. مقصود کلمه در آنجا نیز هم چنان دعوت انسان ها به شناسایی پدر از طریق هیئت عیسی و شنیدن بهتر کلام مشترک آنها می باشد^{۲۱}.

۱۷ امت ۸: ۲۲-۳۱: بنسی ۲۴: ۷-۱۹ - ۱۸ عبر ۴: ۱-۱۹: ۱۰-۳ - ۲۰ یو ۱۱: ۱۴ - ۲۱ یو ۳: ۳۴: ۱۲، ۵۰: ۱۷، ۸: ۱۴.

(۵) انسان ها در سنت حکمتی اندرزه های بسیاری را که بزبان آنها مربوط است دریافت می دارند^{۲۲}. یعقوب نیز اندرزه های خود را در همین مسیر ادامه می دهد^{۲۳}، با اینکه عیسی راستی بنیادین را توصیه کرده بود^{۲۴}، «باید در نظر داشت که»: زبان از زیادتى دل سخن می گوید^{۲۵}.

۲۲ مز ۳۹: ۲، ۱۴۱: ۳: بنسی ۲۸: ۱۳-۲۶ - ۲۳ یع ۱: ۱۹: ۳-۱۲ - ۲۴ مت ۵: ۳۳: ۲-۱۷: ۱۸، یع ۵: ۱۲ - ۲۵ لو ۶: ۴۵.

◀ موعظه - مکاشفه - کلمه - حقیقت.

[کلدانی]

زبان ساکنان *بابل. این واژه به موجب گفته دانیال ۲: ۴ از سوی کاهنان و دانشمندان مسیحی، نشانگر *آرامی کتاب مقدسی است.

کلمه

از لاتین: verbum به معنای «کلمه» و ترجمان یونانی آن (logos) است. نامی است برای عیسی مخصوص نوشته های پیروان یوحنا^۱.

۱ یو ۱: ۱-۱۴: ۱-۱ یو ۱: ۱، ۱۹: ۱۳.

◀ کلام.

کلودیوس

یونانی: Klaudios، لاتین: Claudius.

تیبیریوس کلودیوس نرون (سال ۱۰ قبل از میلاد تا ۵۴ بعد از میلاد)، نوّه *اوغسطس و برادرزاده *طیبریوس؛ چهارمین امپراتور رومی از سال ۴۱. در زمان حکومت وی، در سال ۴۸ میلادی قحطی رخ داد و در سال ۴۹-۵۰ فرمانی صادر شد که طبق آن یهودیان از روم اخراج می شدند. این دو واقعه توسط تاریخ نویسانی چون دیون کاسیوس و تاسیت و سوئتون تأیید شده است^۱.

۱ اع ۱۱: ۲۸، ۱۸: ۲.

کلید

یونانی kleis (از kleiō به معنای «بستن»). کلید که برای باز کردن و بستن در *تعبیه^۱ شده است، مبین این امر است که هر کس مالک آن باشد دارای قدرت و تسلط بر ملکوت *آسمان ها، دانش، *مرگ و *هاویه یا *مغاک^۲ است.

۱ - سمو ۲۳: ۷؛ مکا ۳: ۷ - ۲ اش ۲۲: ۲۲؛ مت ۱۶: ۱۹؛ لو ۱۱: ۵۲؛ مکا ۱: ۱۸، ۹: ۱، ۲۰: ۱ □

◀ مقدمه فصل هشتم. ۱. الف - بستن و باز کردن - دروازه.

کلیسا

۱) یونانی: *ekklesia* به زبان غیرمذهبی یونانی به معنای «اجتماع سیاسی مردم»^۱ و به زبان توراتی این واژه معنای واژه‌های مختلف عبری را در برمی‌گیرد مانند *qâhâl* (از *qôl* به معنای «صدا») و «گردهم‌آئی (مربوط به آئین مذهبی) قوم اسرائیل»^۲ یا *édâ* (از *ya,ad* به معنای «تعیین کردن» که از آن *moéd* به معنای «وقت معین، عید» حاصل می‌شود) و «اجتماع». *Qâhâl* و *édâ* هم چنین توسط واژه *synagôge* (از *syn* به معنای «با هم» و *agô* به معنای «به پیش بردن») به معنی «گردهم‌آئی»^۳ ترجمه می‌شود که در *قمران به ویژه برای مشخص کردن جامعه آخرتی برگزیدگان مورد استفاده قرار گرفته است. این واژه به زبان آرامی *edta* یا *kenichta* و نیز *qehâlâ* نامیده می‌شود.

^۱ع ۱۹: ۳۲، ۳۹-۴۰ — تث ۴: ۱۰؛ یو ۸: ۳۵؛ نح ۸: ۲ — اعد ۱۶: ۳؛ تث ۵: ۲۲.

۲) چرا کتاب عهد جدید واژه *ekklèsia* را برای واژه *synagôge* ترجیح داده است؟ جواب‌های متعددی برای این سؤال وجود دارد. در ترجمه *هفتادتنان واژه *Ekklesia* در موارد متعددی به جای *qâhâl* انتخاب شده است. علت احتمالی این انتخاب شباهت صدائی این دو لفظ بوده و شاید هم به خاطر ترکیب واژه *ek-kaleo* به معنای «فراخوانی» برای بیان «فراخوانی مقدس» قوم خدا^۴ بوده باشد. از سوی دیگر یهودیان با بلااستفاده گذاشتن واژه *ekklesia*، واژه *synagôge* را، به ویژه برای مشخص کردن اجتماع‌های محلی یهودیان در *غربت، ترجیح می‌دادند. از آن زمان مسیحیان بیش از پیش از یهودیان متمایز می‌شدند و می‌توانستند بهتر عام‌گرائی را که «اجتماع» آنها آن را شامل می‌شد مورد هدف قرار دهند.

^۴خروج ۱۲: ۱۶؛ لاو ۲۳: ۳؛ ر. ک ۱-قرن ۱۱: ۱۸.

۳) نقل تاریخچه واژه *ekklesia* در چهارچوب یک شرح کوتاه امکان‌پذیر نیست مگر با ذکر چند نکته. مسیحیان از سرآغاز پی برده بودند که متعلق به جماعتی هستند که از سوی خدا در عیسی مسیح فراخوانده شده است. در ابتدا درباره کلیساهای مختلف گفته می‌شد: کلیسای واقع در اورشلیم، در انطاکیه، در افسس و غیره^۵ «بدین معنا که اجتماع یگانه «خدائی» در یکی از این مکان‌ها قرار دارد. جمع این واژه یعنی «کلیساهای» بر روی تعدد مکان‌ها بدون نقض اعتقاد به یگانه «کلیسای خدا» تأکید دارد^۶. پولس در نخستین رساله‌های خود همین مفهوم را بیان می‌کند^۷. رساله‌های خطاب به کولسیان و افسسیان، به کلیسا سیمای خاصی را به عنوان واقعیتی از این دنیا می‌بخشند اما واقعیتی که موجودیت آن تنها به خدا که بدون هیچ وقفه‌ای به آن حیات می‌بخشد^۸ بستگی دارد که عمل آن اعلام پادشاهی و ملکوت خدا است ولی خود این واقعیت به معنای اخص با ملکوت خدا وفق نمی‌کند^۹.

^۵ع ۸: ۱۳، ۱۱: ۱۸، ۱۸: ۲۲، ۳۰: ۱۷، ۲۸ — ع ۱۵: ۴۱، ۱۶: ۵ — روم ۱۶: ۱؛ ۱-قرن ۱۶: ۱، ۱۹ — افس ۱: ۲۲، ۳: ۱۰: ۵-۲۳: ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۲؛ کول ۱: ۱۸، ۲۴ — مت ۱۶: ۱۹، ۱۸: ۱۸؛ ۱-قرن ۱۱: ۲۶؛ افس ۵: ۲۷؛ مکا ۲۱: ۵، ۳.

۴) از واژه *ekklesia* به جز در دو قطعه از انجیل متی^{۱۰} در اناجیل ذکری به میان نمی‌آید. این سؤال مطرح شد که آیا این واژه هرگز بر زبان عیسای ناصری جاری شده است یا نه. گله کوچکی که عیسی گرد آورده بود^{۱۱} منشاء کلیسای رسولی شد و حتی اگر دو متن انجیل متی بعدها نوشته شده باشند هیچ چیز با این امر که عیسی موجودیت «کلیسا»ئی را اعلام کرد تناقض ندارد و نباید این کلیسا با «باقی‌مانده مقدس» متون *قمران همسان شمرده شود بلکه باید توجه به قوم راستین اسرائیل خدا معطوف گردد. حتی اگر سعی و کوشش متخصصان برای یافتن یک واژه آرامی معادل کلیسا (آرامی: *kenichtâ*) که عیسی به زبان آورده از تائید کلیه منتقدان برخوردار نیست با این وصف عیسی «موجودیت» «کلیسای خود» را اعلام کرده و آن را بنیان نهاده است...

^{۱۰}مت ۱۶: ۱۸، ۱۸: ۱۷ — لو ۱۲: ۳۲.

◀ مقدمه. فصل اول. ۳-۵؛ فصل چهارم. ۷؛ فصل دهم. ۳؛ فصل دوازدهم. ۲. الف - رسول - جمع - بدن مسیح - اسرائیل - مأموریت/خدمت کلیسایی - قوم - پادشاهی - کنیسه.

کلیوپاس یا کلوپا

(۱) یونانی: Kleopas (اختصار یونانی Kleopatros). یکی از دو شاگرد قریهٔ عمواس. بعضی‌ها این نام را با کلوپا یکی می‌دانند.^۱

^۱ لو ۲۴: ۱۸ □

(۲) Klôpas (نام سامی: qlôpha). شوهر (یا پدر؟) *مریم مادر یعقوب* صغیر و *یوسف (یا یوشا). یکسان بودن آن با *حلفی^۱ دور از احتمال است.
^۱ یو ۱۹: ۲۵.

کمر بند

یونانی: zône. قطعه بلند پارچه یا چرم که گاهی بسیار تزئین^۱ شده بود، معمولاً برای بالا زدن. دو سر دامن *ردا که به منظور تسهیل در راه رفتن و کار کردن^۲ مورد استفاده قرار می‌گرفت. اصطلاح «کمر بسته» به معنای استعاری، در حال آمادگی کامل بودن است.^۳ کمر بند ممکن است حاوی بسیاری چیزها باشد و از جمله کیسه پول * (کیف)^۴. همین واژه یونانی به معنای *لنگ نیز هست.^۵

^۱ خروج ۲۸: ۴؛ مکا ۱۳: ۱۵، ۶ — ^۲ خروج ۱۲: ۱۱؛ ۲-پاد ۴: ۳۹؛ لو ۱۲: ۳۷، ۱۷؛ ۸؛ یو ۱۳: ۴-۵؛ ۲۱؛ ۷؛ اع ۱۲: ۸ — ^۳ ار ۱۷: ۱۱؛ لو ۱۲: ۳۵؛ یو ۱۸: ۲۱؛ اع ۱۱: ۲۱؛ افس ۶: ۱۴؛ ۱-پتر ۱۳: ۱۳ — ^۴ سمو ۲۰: ۸؛ حزق ۹: ۲؛ مت ۱۰: ۹ (= مر ۶: ۸) — ^۵ مت ۳: ۴ (= مر ۱: ۶) □

◀ لباس.

کنایه

کلمه، عبارت یا موضوع یک *اثر ادبی است که حاوی نکتهٔ مؤثر مورد علاقه و جستجوی نویسنده می‌باشد. حتی در یک *مثال نیز می‌توان خدا را دید که غم گوسفند «گمشده» را دارد (لو ۱۵: ۴-۷) یا سران جامعه که باید غمخوار افراد گمراه خود باشند (مت ۱۸: ۱۰-۱۴).

کنجریه

یکی از سه بندر قرن تنس در شرق دماغه در خلیج سارونیک. این بندر به دریانوردانی که از شرق می‌آمدند اجازه می‌داد بی‌آنکه قسمت جنوبی یونان را که دارای سواحل خطرناکی بود دور بزنند، در قرن تنس احتیاجات خود را رفع کنند. در کنجریه که پولس به هنگام بازگشت از سفر دوم خود مدتی در آنجا توقف کرده بود کلیسایی وجود داشت که فیجی خادمهٔ آن بوده است.^۱

^۱ اع ۱۸: ۱۸؛ روم ۱۶: ۱ □

◀ نقشهٔ شماره ۲.

کنداکه

یونانی: Kandakè. نام سلسله‌ای مانند فرعون، پادشاهان سرزمین مروئه، قلمروی در کشور نوبی جنوبی یا اتیوپی.^۱

^۱ اع ۸: ۲۷.

کُندر

یونانی: libanos. ماده‌ای است صمغی که با تیغ زدن به یک نوع درخت (عبری: lebonâ) که اصل آن از هندوستان، سومالی و یا عربستان جنوبی (سرزمین سبا)^۱، در خاور عهد جدید^۲ به دست می‌آید. کندر در ساختن *عطریات و

مواد *معطر به کار می رفت و با بخور مخصوص قربانی (یونانی: thymiama)^۳ یکسان بود. کندر در معبد به هنگام تقدیم بعضی از قربانی ها به علامت پرستش خدا سوزانیده می شد.^۴ دودی که از آن به سوی آسمان بلند شده و در همه جا پراکنده می شود ممکن است نمادگر دعای عهد مسیحائی باشد.^۵

۱- پاد ۱۰: ۱۰-۱؛ ۱۰: ۶: ۲۰ — مت ۲: ۱۱؛ مکا ۱۳: ۱۳ — ۳ لو: ۱۱-۹؛ عبر ۹: ۴؛ مکا ۱۳: ۱۸ — ۴ لاو ۲: ۱، ۱۵، ۲۴: ۷؛ ۱۰: ۱۱-۹ — ۵ مز ۱۴۱: ۲؛ اش ۶۰: ۶؛ مکا ۵: ۸، ۸-۳؛ ۱۳: ۱۸.

◀ قربانگاه - عطر.

کنعان

اصطلاح «سرزمین کنعان» در کتاب عهد جدید به بخش جغرافیائی غیر مشخصی اشاره دارد. *فلسطین به معنای واقعی شامل قسمتی از ساحل سوریه نیز می شود. هم چنین توصیف کننده سرزمین موعود عبرانیان است.^۱

۱ پید ۱۱: ۳؛ خروج ۳: ۸؛ اش ۱۹: ۱۸؛ ۲۳: ۱۱.

کنعانی

(۱) یونانی: Kananaïos، لقب شمعون. در صورتی که واژه یونانی تنها رونویسی واژه آرامی qan'ânayâ باشد این لقب او را به عنوان «فرد غبور» مشخص می کند. در متن معادل لوقا ۶: ۱۵ نوشته شده: «شمعون معروف به غبور»^۱.

۱ مت ۱۰: ۴ (= مر ۳: ۱۸) □.

(۲) یونانی: Khananaïos، اهل کنعان، واژه هم ارز برای فرد اهل فنیقیه.^۱

۱ مت ۱۵: ۲۲؛ ر. ک مر ۷: ۲۶.

کنگره

لاتین pinnaculum (از pinna به معنای «بازوی ساختمان»)، یونانی pterygien (مصغر واژه pteryx به معنای بازوی بنا) و در واقع رأس ساختمان که شاید بر بالای برجی بوده باشد. طبق عقیده ای دیگر نقطه اوج کنگره جنوب شرقی طاق بندی های معبد یا قرنیز بالایی یکی از دروازه های بزرگی است که بر دره *قدرون مشرف می باشد.^۱

۱ مت ۴: ۵ (= لو ۴: ۹) □.

◀ معبد.

کنیسه

(۱) یونانی: syn-agôgê به معنای «گردآمدن» از آن «محل گردآمدن» حاصل می شود که ترجمان واژه آرامی kenichtâ به معنای «خانه دعا» می باشد.

(۲) بنا، رو به مشرق در جهت اورشلیم ساخته می شود چون هر فرد یهودی برای گزاردن دعا^۱ رو به *معبد می ایستد. بنای کنیسه شامل یک تالار است که در آن مذهبی وجود ندارد بلکه قفسه مقدس (به یاد *تابوت عهد) که در آن طومارهای *شریعت و انبیاء نگهداری می شوند قرار دارد. متصدی آن روحانی نیست بلکه یک فرد شخصی رئیس کنیسه که از افراد سرشناس روستا یا محله انتخاب می شود. کمک او hazzan، نوعی خادم که هم کار سرودخوانی را انجام می دهد و حتی مربی مدرسه است. مراسم نیایش *سبت شامل دعاها قرائت شریعت و یکی از قطعات انبیائی که همه اینها بلافاصله از عبری به زبان آرامی ترجمه می شد و سرانجام ارائه یک تعلیم که در بیشتر موارد توسط *فریسیان انجام می شد ولی ممکن بود به یکی از کمک ها سپرده شود.^۲ اجتماع با یک تقدس پایان^۳ می یافت. در طی هفته *کاتبان به جوانان معانی کتاب مقدس را درس می دادند. بدین ترتیب کنیسه ها نکته اتکاء اعلام مژده مسیحی بوده اند.^۴

۱. ر.ک. دان ۶: ۱۱ — ۲ لو: ۴: ۲۲-۱۶؛ اع ۱۳-۱۵ — ۳ اعد ۶: ۲۴-۲۶ — ۴ اع ۱۷: ۱۰-۱۲؛ ر.ک. ۱۶: ۱۳؛ عبر ۱۰: ۲۵؛ یع ۲: ۲. مقدمه. فصل اول ۵؛ فصل چهارم ۷. الف؛ فصل سیزدهم ۱. ب - کلیسا

کوچه

همین کلمه (عبری: rehov) در ترجمه * «هفتادتنان» با دو واژه یونانی ترجمه شده است^۱ که درک تفاوت بین آن دو مشکل است: rhymè به معنی «کوچه» که بدون شک همان فضایی است که از زمان قدیم بین خانه ها برای عبور^۲ مردم درست می باشد و plateia که صفت جانشین اسم است (platys به معنای «پهن») که ماهیت واژه rhymè (یا hodos به معنی «راه») را مشخص می کند: «کوچه پهن» در زمان یونانیان بیشتر متداول بود. توصیه نمی شود که این واژه را «میدان»^۳ ترجمه کرد زیرا مانند agona به معنای «معبور عمومی» است. در آنجا نیز ممکن بود مطلبی را اعلام کرد مانند اعلام مذکور در لوقا ۱۴: ۲۱.

۱. اش ۱۵: ۳؛ ر.ک. طو ۱۳: ۱۷ — ۲ مت ۶: ۲؛ لو ۱۴: ۲۱؛ اع ۹: ۱۱؛ ۱۲: ۱۰ — ۳ مت ۵: ۶؛ ۱۲: ۱۹؛ لو ۱۰: ۱۰؛ ۱۳: ۲۶؛ ۲۱: ۵؛ ۲۱: ۸؛ ۲۱: ۲۱؛ ۲۲: ۲. معبر - بازار.

کوره

یونانی: kaminos. کوره کوزه گر^۱ یا آهنگر^۲، تون آتش عذاب^۳.

۱. بنی ۲۷: ۵؛ ۳۸: ۳۰ — ۲ اش ۴۸: ۱۰؛ حزق ۲۲: ۱۸-۲۲؛ مکا ۱: ۱۵ — ۳ دان ۳: ۶. ۲۰-۲۳؛ مت ۱۳: ۴۲؛ ۵۰؛ مکا ۹: ۲. ۱۴؛ جهنم، وادی مردگان.

کوزه گر

۱) یونانی: kerameus (از keramos به معنی گل کوزه گری سبو، سفال، بام). صنعتگری که ظروف گلی را بر روی چرخ کوزه گری آماده کرده آنها را در * کوره می پزد^۱. معنای استعاری این حرفه باستانی احتمالاً با اشاره به داستان آفرینش^۲ بیانگر تجسم آزادی والای خدا در برابر مخلوقاتش^۳ است.

۱. بنی ۳۸: ۲۹-۳۰ — ۲ پید ۲: ۷ — ۳ حک ۱۵: ۷؛ اش ۲۹: ۱۶، ۴۵، ۹؛ ۶۴: ۷؛ ار ۱۸: ۲-۷؛ روم ۹: ۲۱. ۲) نام «دروازه کوزه گران» واقع در دره «جهنم»^۴ پس از خیانت یهودا به «مزرعه خون»^۵ تبدیل شد. ۴. ار ۱۹: ۲-۳؛ زک ۱۱: ۱۳ — ۵ مت ۲۷: ۷، ۱۰ □

کولسیه

یونانی: Kolossai. شهری از فریجیه واقع در دره لیکیه که در حال حاضر ویران شده است. آپفراس در آن کلیسائی تأسیس کرده بود^۱.

۱. کول ۱: ۲ □
۲. نقشه ۲.

کولسیان (رساله به)

این رساله توسط پولس و به احتمال قوی در طی اسارتش در روم (۶۱-۶۳ میلادی) یا قبل از آن در قیصریه (۵۸-۶۰ میلادی)، خطاب به کلیسای کولسی و به مناسبت بحرانی مربوط به تعلیم دینی نوشته شده است. موثق بودن آن مورد تردید بعضی از منتقدان است.

مقدمه - فصل پانزدهم - رساله.

کوه

یونانی: oros، عبری: har

۱) در بیشتر مذاهب کوه به عنوان نقطه ای تلقی می شود که در آنجا آسمان با زمین تلاقی می کند. کوه محل اجتماع خدایان^۱ است و محل خلقت دنیا^۲. کوه می تواند نماد غرور انسانی باشد^۳. کوه محلی برتر است برای برپا کردن آئین مذهبی هم چنان که بلندی های اسرائیل یا کوه صهیون^۴ می باشند. اما با عیسی مسیح نه بر روی این کوه یا آن کوه بلکه در روح و راستی است که انسان باید خدا را ستایش کند^۵.

اش ۱۴:۱۳ — حزق ۲۸:۱۴، ۱۶ — اش ۲:۱۲-۱۵؛ حزق ۳:۶؛ لو ۵:۳ — مز ۲:۶؛ ارا ۲۰:۲ — یو ۴:۲۰-۲۱

۲) منطقه کوهستانی اسرائیل و یهودیه^۶ منطقه ای منحصر به فرد تقریباً بیابانی^۷ بوده و جای خوبی است برای دعا کردن^۸ یا در زمان خطر به آن پناه بردن^۹.

لو ۱:۳۹:۶۵ — مقایسه کنید مت ۱۸:۱۲ و لو ۱۵:۴؛ مت ۲۳:۱۴؛ مر ۵:۵؛ ۱۱/۵ (= لو ۸:۳۲:۳۳)؛ یو ۶:۳ — مر ۸:۴۶؛ لو ۶:۱۲؛ یو ۶:۱۵ — مت ۲۴:۱۶ (= مر ۱۳:۱۴؛ لو ۲۱:۲۱)؛ لو ۲۳:۳۰؛ عبر ۱۱:۳۸؛ مکا ۶:۱۴-۱۶.

۳) پنج کوه به طور صریح مشخص شده اند: کوه زیتون، کوه سینا^{۱۰}، کوه صهیون^{۱۱}، کوه جرزیم^{۱۲} و کوه ناصره^{۱۳}. برعکس تشخیص دقیق کوه هایی که در زیر از آنها نام برده می شود مشکل می باشد:

کوه وسوسه^{۱۴}، کوه تجلی^{۱۵}، محل «موعظه سر کوه»^{۱۶} یا محل دعوت شاگردان^{۱۷}، کوه های مکاشفه^{۱۸}، کوهی که عیسی بر آن می نشست^{۱۹}، کوههایی که عیسی در تعلیمات خود به آنها اشاره کرد^{۲۰} و کوهی که عیسی بر آن شاگردان را دعوت به ملاقات کرده بود^{۲۱}.

عبر ۸:۵۵:۱۲:۲۰ — مکا ۲۱:۱۰ — یو ۴:۲۰-۲۱ — لو ۲۹:۴ — مت ۱۴:۴؛ ر. ک. لو ۵:۴ — مت ۱۵:۱۷؛ ۹ (= مر ۹:۲۹؛ ۹؛ ۲؛ ۳۷:۲۸:۹)؛ ۲-بطر ۱:۱۸ — مت ۱۶:۵؛ ۱:۱؛ ر. ک. لو ۱۷:۶ — مر ۳:۱۳؛ لو ۶:۱۲ — مکا ۸:۸:۱۶:۲۰؛ ۱۷:۹ — مت ۱۹:۱۵؛ ۲۹:۶؛ یو ۳:۶ — مت ۲۰:۵؛ ۱۴:۱۷؛ ۲۰:۲۱؛ مر ۲۳:۱۱-۱-قرن ۱۳:۲ — مت ۲۱:۲۸:۱۶.

◀ مقدمه. باب دوم. ۳-هاجر-حارمجدون.

[کوبنه]

صفتی در زبان یونانی به معنای «مشترک» و بیانگر قسمی از زبان یونانی که در امپراتوری روم دوران عهد جدید، غالب مردم به آن صحبت می کردند. تحت اللفظی یعنی لهجه مشترک (koinè dialektos).

◀ مقدمه، فصل چهارم، ۵ - یونانی.

کهنانت

لاتین: sacerdotium، واژه ای انتزاعی برای تعیین حالت کهنانت شخصی که امور مقدس را «برقرار می سازد، انجام می دهد» (do). «مقدس» (sacer) کسی که «تقدیس می کند» (sacrificium). این واژه برگردان بسیاری از واژه های متفاوت یونانی است مانند hierōsynē^۱ (کیفیت کهنانت)، hierateia^۲ (عمل کهنانت)، و hierateuma^۳ (صنف کهنانت).

عبر ۷:۱۱-۱۲، ۲۴ — لو ۱:۹؛ عبر ۷:۵ — ۱-بطر ۲:۵، ۹. ر. ک. لو ۱:۸.

۱) عمل کهنانت در کتاب عهد عتیق و نیز در یهودیت تحول طولانی را پشت سر گذاشت. این نقش که در ابتداء بر عهده رئیس قوم یا پادشاه بود بعداً به قبیله لاوی^۴ واگذار شد. در نتیجه سلسله ای پدید آمد که در رأس آن *کاهن اعظم با دو وظیفه اصلی یعنی تقدیم قربانی ها و خدمت به *تورات قرار داشت و سپس *کاهنان، پسران *هارون و بالاخره *لاویان سلسله مراتب آن را تشکیل می دادند.

خروج ۳۲:۲۵-۲۹؛ تث ۳۳:۸-۱۱؛ عبر ۷:۵.

(۲) مسیحیان که عیسی را به رتبهٔ *ملکیصدق^۵ یگانه کاهن اعظم قطعی می دانستند به نهاد کهنانت قدیمی پایان دادند. عیسی خود را چون قربانی کامل و بی عیب تقدیم کرد.^۶
^۵عبر ۷: ۱۱-۲۴ — افس ۵: ۲؛ عبر ۹: ۱۴.

(۳) قوم جدید خدا، مسیحیان پیکر کهنانتی ای را تشکیل می دهند که وظیفه دارند قربانی های روحانی را از راه عیسی مسیح و انتشار کلام مسیح تقدیم نمایند.^۷ زندگی مسیحی تماماً به یک *آیین روحانی تبدیل می شود.^۸
^۷۱-بطر ۲: ۵، ۹؛ مکا ۱: ۶؛ ۵: ۱۰؛ ۶: ۲۰ — روم ۱۲: ۱؛ فی ۲: ۱۷؛ ۴: ۱۸؛ عبر ۱۳: ۱۵-۱۶.

(۴) آیا کهنانت مردم توسط «نمایندگانی» با عنوان ویژه عملی می شود؟ جواب این سؤال در کتاب عهد جدید تصریح نشده است. این جواب نه از تمديد و نه از تجديد نهاد کهنانت عهد قدیم حاصل می شود بلکه ظاهراً از ساختار *کلیسا ناشی می شود و از راه مراسم *دست گذاری قدرت نظم و نیز مشارکت در کهنانت یکتای مسیح انتقال می یابد.
 ◀ پرستش - قوم - کاهن - قربانی.

کیرینیوس

یونانی: Kyrēnios. پوبلیوس سولپسیوس کیرینیوس، استاندار سوریه از سال ۶ م، کنسول از سال ۱۲ ق. م، مأمور سیاست روم در خاور نزدیک^۱.

لو ۲: ۲ □

◀ سرشماری

کیریوس

◀ استاد - خداوند.

کیسه

(۱) یونانی: sakkos، عبری: saq. به معنای «پارچه زمخت» که از پشم بز یا شتر بافته می شد. واژه لاتین cilicium که معرف همین پارچه است نشان می دهد که این پارچه معمولاً در قلیقه بافته می شد؛ پولس برای تهیهٔ خیمه از این پارچه استفاده می کرد.^۱
 اع ۱۸: ۳.

(۲) فوته (لنگ) یا پیراهن گشاد از پارچه زمخت^۲ با برشی ساده و بدون هر گونه تزئین که بدن را از گردن تا قوزک پا می پوشاند هم چون کفن برای تدفین، *جامه توبه و *ماتم که شب و روز به دور کمر بسته می شد^۳. ممکن است این لباس ساده ابتدائی یعنی کیسه پوستین یا چرمین^۴ به علت دوام آن مورد استفاده انبیاء نیز بوده باشد.^۵
^۲اش ۳: ۲۴؛ ۳: ۵۰؛ مکا ۱۲: ۶ — نج ۱: ۱۵؛ ۳: ۱۵؛ یون ۵: ۹؛ مت ۱۱: ۲۱ (= ۱۰: ۱۳) — مت ۴: ۳ — اش ۲: ۲۰؛ مکا ۱۱: ۳.
 (۳) در مورد معنای «خورجین» ر.ک. «انبان» (واژه های دیگر یونانی).

کیسه (کیف)

علاوه بر کمر بند که از چین های آن به عنوان کیسهٔ نقدینه^۱ استفاده می شد در کتاب عهد جدید از خورجین توشه^۲ (یونانی pèra)، همیان^۳ (یونانی ballantion) و صندوقچهٔ قابل حمل، به عنوان همان انبان نقدینه سابق (یونانی: glôssō-komon) یاد می شود.^۴

مت ۹: ۱۰ — مت ۱۰: ۱۰ (= مر ۸: ۶)؛ لو ۳: ۹؛ ۴: ۱۰؛ ۳۵: ۳۶ — لو ۴: ۱۰؛ ۳۳: ۱۲؛ ۳۵: ۳۶ — یو ۶: ۱۲؛ ۲۹: ۱۳.

کیفا

یونانی: kèphas از آرامی képhâ به معنای «صخره» آمده است که به یونانی نه petra بلکه petros ترجمه می شود. لقبی که مسیح به شمعون داد و پولس رسول آن را معمولاً تکرار می کند.^۱

^۱ یو ۱: ۴۲؛ ۱-قرن ۱: ۱۲؛ ۳: ۲۲؛ ۹: ۵؛ ۱۵: ۵؛ غلا ۱: ۱۸؛ ۲: ۹؛ ۱۱: ۱۴ □
 ◀ پطرس.

کیل

یونانی: modios، لاتین modius. واحد رومی گنجایش اجسام جامد تقریباً معادل با ۸٫۷۵ لیتر. فقرا از ظرف آن به عنوان دیس یا پایه به جهت گذاشتن غذا روی آن استفاده می کردند.^۱

^۱ مت ۵: ۱۵؛ مر ۴: ۲۱ (= لو ۱۱: ۳۳) □
 ▶ اندازه ها.

گ

گازر یا پارچه مال

یونانی: gnapeus. صنعتگری که پارچه ها را ساخت و پرداخت می کرد و لباس ها را تمیز می کرد. او از تغارهای بزرگی استفاده می کرد و در این تغارها پارچه ها را با پاهایش می مالید یا اینکه پارچه ها را در نوعی از مایع قلیائی غوطه ور می ساخت.^۱

^۱ملا ۳: ۲؛ مت ۹: ۱۶ (= مر ۲: ۲۱)؛ مر ۹: ۳ □

[گاه شماری]

از واژه های یونانی khronos به معنای «زمان، طول زمان» و logos به معنای «علم، کلام»، علمی که جویای تثبیت زمان وقوع حوادث تاریخی است.

۱) کتاب عهد جدید غالباً به «گاه شماری های نسبی» اشاره دارد مانند پانزدهمین سال حکومت طیبیوس^۱، «پس از گذشت چهارده سال» و^۲ «در طی دو سال»^۳. تثبیت تاریخ مربوط است به تاریخی که رویداد موردنظر به آن ارجاع می شود. در بعضی موارد مانند «*روز سوم» منظور مؤلف این نیست که بر زمان معینی تأکید بگذارد بلکه می خواهد توسط این *رقم نشان دهد که این رویداد در طرح مشیت الهی نقش تعیین کننده دارد.^۴

^۱لوقا ۱: ۲۸-۳۰ — اع ۳: ۲۸-۳۰ — پید ۴: ۲۲-۴۲؛ خروج ۱۱: ۱۶؛ مت ۲۱: ۱۶؛ لوقا ۱۹: ۲۰؛ لوقا ۱۳: ۳۱-۳۳.

۲) تعیین تعریف صریح «گاه شماری مطلق» بسیار دشوار است اما گاهی با تقریب یک سال تعیین می شود. تولد عیسی عموماً بر اساس دو رویداد تعیین می گردد: اول مرگ هیروودیس که در ۴ سال قبل از میلاد رخ داد و دوم سرشماری *کریستوس که انجام آن را می توان به سال هفتم یا هشتم قبل از میلاد نسبت داد که این تاریخ احتمالاً با تاریخ تولد عیسی مطابقت می کند - زمان آغاز بشارت یحیای *تعمید دهنده در پانزدهمین سال حکومت طیبیوس تعیین شده است تاریخ آن یا ۱۹ اوت سال ۲۸ میلادی (طبق محاسبه رومی) یا اول اکتبر سال ۲۷ میلادی (طبق محاسبه سریانی) شمرده می شود. تاریخ دانان بیشتر به قبول تاریخ اخیر تمایل نشان می دهند. - تاریخ مرگ عیسی برحسب تصادف ۱۴-۱۵ ماه *نیسان با روز جمعه که در سال های ۲۹ و ۳۰ و ۳۳ و ۳۴ میلادی اتفاق افتاد تعیین می شود. تاریخ ۷ آوریل سال ۳۰ میلادی و ۳ آوریل سال ۳۳ میلادی بیشترین طرفدار را دارند.

۳) «گاه شماری پیروان پولس» برحسب یک تاریخ مطمئن یعنی اقامت پولس در قرن تس تعیین می شود. در واقع پولس در زمان حکومت کنسول گالیون برادر سنکس پس از هجده ماه اقامت در آنجا بازداشت شد (اع ۱۸: ۱۱) این تاریخ مربوط است به «گاه شماری نسبی». اما مطلب را می توان به موجب نوشته ای که در سال ۱۹۰۵ در دلف کشف شد به «گاه شماری مطلق» نسبت داد. این نوشته شامل نامه امپراتور کلودیوس است مربوط به زمانی که وی برای بیست و هفتمین بار به امپراتوری منصوب شد و به موجب نوشته ای دیگر که در پورت مائور روم (آکواکلودیوس) پیدا شد بیست و هفتمین انتصاب کلودیوس قبل از اول اوت سال ۵۲ میلادی اتفاق افتاد و بنابر نوشته سوم یافت شده در کیس کاریه، تاریخ بیست و ششمین انتصاب حکومت ۱۲ ساله کلودیوس را تعیین می کند (۲۵ ژانویه سال ۵۲ و ۲۴ ژانویه سال ۵۳). به موجب این نوشته می توان بیست و ششمین انتصاب کلودیوس را بین ۲۵ ژانویه و اول اوت سال ۵۲ تعیین کرد چون به موجب تصمیم کلودیوس در سال ۴۲ میلادی، دوره حکومت حکمرانان در ماه آوریل آغاز می گردید، حدس زده می شود که گالیون در آوریل سال ۵۲ آغاز به کار کرده بود. پس اگر پولس بعد از هجده ماه اقامت در قرن تس در مقابل والی احضار شده بود و نیز باید قبل از شروع فصل بارندگی با کشتی عزیمت می کرد در حقیقت می بایست در اواخر سال ۵۰ به قرن تس آمده و در اوت یا سپتامبر سال ۵۲ آن را ترک گفته باشد. بنابر استدلال های مشابه می توان گفت که

پولس، قیصریه فیلیپس را در آغاز حکومت فستوس، در زمستان ۵۹-۶۰ به سوی رم ترک گفت. تعیین تاریخ «روی آوری» پولس به عیسی دشوارتر است. طبق غلا: ۱۸: ۱۲؛ این تاریخ به ۱۴+۳ سال قبل از تشکیل شورای عالی *اورشلیم برمی گردد. طبق محاسبه یهودی (ذکر تاریخ مربوط به آغاز سال در حکم تمام سال *است) اختلاف به ۱/۵ + ۱۲/۵ سال کاهش می یابد که تاریخ مذکور را به سال ۳۴/۳۵ میلادی هدایت می کند. برای تاریخ های دیگر رجوع شود به نمودار صفحه مربوط به سفرهای بشارتی پولس. باید به یاد داشت که همه تاریخ ها با حداقل یک سال تقریب تقریبی می باشند.

گدا

یونانی: pros-aîtēs (از aiteô «تقاضا کردن»). «مردن بهتر است تا گدائی»^۱ زیرا که گدائی «خجالت»^۲ دارد و یک نفرین^۳ است. در اسرائیل باستان که پیوندهای خانوادگی تنگاتنگ بوده است گدا به ندرت دیده می شد که بعداً عده آنها زیاد^۴ شد: آنها اغلب نابینا بوده و در کنار جاده ها^۵ یا کنار ورودی معبد^۶ می نشستند.

^۱ بنی ۴۰: ۲۸ - لو ۱۶: ۳ - مز ۱۰۹: ۱۰ - نث ۱۵: ۷ - مر ۱۰: ۴۶ (= لو ۱۸: ۳۵) - ع ۳: ۳ □

گرده ها / کمر

(۱) یونانی: nephroi. عیسی رستخیز کرده مانند خدا «باطن و دل را امتحان می کند»^۱ یعنی آن نواحی اسرار آمیز انسان را که از آنها طرح های اسرار آمیز شکل می گیرند و هوس های آتشین سر بر می آورند آزمایش می کند.

^۱ ار ۱۱: ۲۰، ۱۷: ۱۰؛ مکا ۲: ۲۳. ر. ک. مز ۱۳۹: ۱۲-۱۳؛ یو ۲: ۲۵.

(۲) یونانی: osphys. قلوها هم چنین مشخص کننده ناحیه صلب کمر هستند یعنی جایی که نیروی انسان متمرکز است.^۲ باید در این قسمت کمر بست تا برای جنگ آماده بود^۳. در قلوها گاه قوای زاد و ولد متمرکز می شود^۴.

^۲ ایوب ۴۰: ۱۶ - لو ۱۲: ۱۵؛ افس ۶: ۱۴؛ ۱-بطر ۱۳: ر. ک. مت ۳: ۴؛ مر ۱: ۶ - پید ۳۵: ۱۱؛ اع ۲: ۳۰؛ عبر ۷: ۵، ۱۰.

گریه و دندان قروچه

اصطلاحی که به معنای غیظ و خشم ملعونان است در برابر نیکبختی عادلان^۱.

^۱ مت ۸: ۱۲، ۱۳: ۴۲-۵۰، ۱۳: ۲۲، ۲۴: ۵۱، ۲۵: ۳۰؛ لو ۱۳: ۲۸؛ ر. ک. مز ۱۱۲: ۱۰؛ مر ۲۱: ۱۶؛ اع ۷: ۵۴.

◀ جهنم.

گله

یونانی: poimnion, poimnè (که مربوط است به poimainô به معنای «چرانیدن»)^۱.

^۱ مت ۲۶: ۳۱ (= مر ۱۴: ۲۷)؛ لو ۸: ۱۲؛ ۳۲: ۳۲؛ یو ۱۰: ۱۶؛ اع ۲۰: ۲۸-۲۹؛ ۱-قرن ۹: ۷؛ ۱-بطر ۵: ۲-۳.

◀ مقدمه. فصل هفتم. ۱. ب. شبان - گوسفند - بز.

گله کردن

یونانی: goggyzô. به مفهوم عکس العملی اعتراض آمیز است فی المثل کارگران تاکستان خود را قربانی یک بی عدالتی تلقی می کنند و ایمانداران یونانی گرا نیز چنین می پندارند^۱. توده های مردم هویت مسیحائی عیسی را مورد تردید قرار می دهند^۲ و اما موقعی که یهودیان یا شاگردان از رفتارشان گله می کنند آنها ناباوری خود را ابراز می دارند^۳. ایمانداران نباید گله مند باشند^۴ تا مانند یهودیان به هنگام عزیمتشان از بیابان به سوی سرزمین موعود نابود نشوند^۵.

^۱ مت ۲۰: ۱۱؛ اع ۶: ۱ - یو ۷: ۱۲، ۳۲ - لو ۵: ۳۰؛ ۱۵: ۲؛ ۱۹: ۷؛ یو ۶: ۴۱، ۴۳، ۶۱ - فی ۲: ۱۴؛ ۱-بطر ۴: ۹، ر. ک.

یهودا ۱۶ - ۱۵ - قرن ۱۰: ۱۰ □

◀ یابان. بی وفایی.

گمرک

یونانی: telônion. محلی را گویند که در آنجا مالیاتی (حق الورود، حق الخروج) وصول می شود که به هنگام ورود کالا به کشور یا خروج آن از کشور بر آن وضع شده است. کفرناحوم در مرز جلیل و تراخونیتس واقع شده بود.^۱

^۱ مت ۹: ۹ (= مر ۲: ۱۴ = لو ۵: ۲۷) □

◀ مقدمه، فصل هفتم، ۳ - مالیات - باجگیر.

گناه

در میان کلمات زیادی که به کوتاهی و اشتباه اشاره دارند کلمات یونانی از ریشه hamart بیشتر استفاده شده (۲۹۶ مرتبه)، اما از کلمات دیگری منجمله adikia که به معنی بی انصافی است و در واژه نامه حقوقی استفاده می شود (۲۲ مرتبه)، و نیز از واژه parabasis و از فعل para-baino به معنی تجاوز کردن و در ارتباط با فرمانهای الهی به کار می رود (۴ مرتبه) استفاده شده است.

در تمدن یونانی فعل hamartano به معنی به هدف نرسیدن، نه به معنی آزار و اذیت بلکه برعکس به معنی اشتباه و نفوذ سرنوشت می باشد. در عهد قدیم کلمه گناه (heth, awon) مستقیماً با رابطه انسان با خدا ربط دارد: گناه کردن یعنی بی وفایی به *عهد خیانت نسبت به *محبت و جدا شدن از قوم می باشد. تنها درمان جهت گناه بخششی است که از طرف خدای قدوس داده می شود، و یوم کبیور یا عید کفاره با آن ارتباط دارد.

(۱) عیسی مانند فردی یهودی در آن زمان صحبت می کند. گناهکار کسی است که در عهد خداوند زندگی نمی کند (غیریهودی، بت پرست)^۱، و نیز شخصی که طبق اراده خدا و مخصوصاً در تورات زندگی نمی کند.^۲ عیسی گناه را تا سرچشمه مخفی رفتار افشا می کند.^۳ یادآوری می کند که رحمت بی حد خدا همیشه حاضر است گناهکاران را ببخشد.^۴ خود را دوست گناهکاران می داند^۵ و حتی گناهان را می بخشاید.^۶ اما این بخشش تنها با خون او که ریخته شد و قدرت این خون و قدرت *رستخیزش واقعی می شود^۷، تنها کفر برعلیه روح القدس بخشودنی نیست.^۸ و بالأخره شخص ایماندار باید مانند خدا به کسی که برعلیه او گناه کرده ببخشد.^۹

^۱ مت ۴۵: ۲۶ (= مر ۱۴: ۴۱): لو ۳۲-۳۴، ۷: ۲۴، ر. ک. ۱۰: ۹ (= مر ۱۵: ۲ = لو ۳۰: ۵): لو ۱۵: ۱۹، ۷: ۱۹، ۱۵: ۲ = مت ۹: ۱۳

(= مر ۱۷: ۱۷ = لو ۳۲: ۵): ۱۹-۱۷: ۱۹-۱۰: ۱۹ = لو ۱۹: ۱۰ = ۲۰: ۱۸): ر. ک. مت ۱۵: ۳: لو ۱۱: ۴۲، ۱۳: ۲ = مت ۵: ۲۷، ۶: ۲۲، ۱۵: ۱-۲۰

(= مر ۱۷: ۲۳) - (لو ۴: ۱۱، ۱۵: ۱-۳۲، ۱۸: ۱۳) - (لو ۷: ۳۴): لو ۱۵: ۱۹، ۷: ۱۹ = مت ۹: ۲۵ (= مر ۵: ۲۷ و ۹: ۱۰)

= لو ۲۳: ۵ (۲۳ و ۲۰): لو ۳۷: ۵۰، ۱۹: ۹، ۱۴: ۵، ۱۱: ۸ = مت ۷: ۲۸، ۲۴: ۴۷، ۲۸: ۲، ۳۸: ۵، ۳۱: ۵، ۴۳: ۱۰، ۳۸: ۱۳، ۲۶: ۱۸ =

مت ۳۱: ۱۲ (= مر ۲۸: ۳) - مت ۱۵: ۱۸ و ۲۱ (= لو ۳: ۱۷).

(۲) پولس رسول که معنای عمیق مرگ و رستخیز عیسی را درک کرد سرچشمه گناه و طبیعت و قدرت و جهانی بودن آن و همچنین بازخرید آن را آشکار می سازد، یادآوری می کند که شریعت انسان را از گناه در امان نمی دارد^۱، و اعلام می نماید که همه انسانها گناه کرده اند^{۱۱}. شخص آدم را به عنوان افتتاح کننده حالت گناهکار بشر که عینیت یافت به تصویر می کشد و بدین سان آدم به صورت منفی، مسیح را نجات دهنده همه از دور نشان می دهد^{۱۲}. درواقع عیسی به گناه آلوده نشد و برای گناهان ما کشته شد^{۱۳}، «خدا او را جهت ما گناه ساخت»^{۱۴}، و از این راه آن گناه که ما را از آن آزاد می سازد محکوم می کند^{۱۵}. ایماندار از راه تعمید خود از گناه مرده است^{۱۶}.

^{۱۰} روم ۲۰: ۳، ۱- قسطنطنیه ۵۶: ۱۵، ۱۹: ۳-۱۹: ۲۳- روم ۱۲: ۲۱، ۷: ۱۳-۸: ۱۳: ر. ک. یع ۱: ۱۵- روم ۸: ۵:

۱- قرن ۱۵: ۳، ۱۵: ۱۴، ۱- تیمو ۱۵: ۱۴، ۱۴: ۲، ۱۵: ۹، ۱۵: ۳، ۱۸: ۳- ۲۱: ۵، ۲۱: ۴، ۱۵: ۴:

۱- پطر ۲: ۲۴ و ۲۲: ۲۴- روم ۲: ۸، ۳: ۱، ۱۷: ۵، ۷: ۲۶، ۹: ۲۶، ۱- پطر ۴: ۱- روم ۱۶: ۶-۱۶: ۲۲، ۸: ۲.

(۳) طبق یوحنا رسول. گناه جهان قدرتی است که با خدا دشمنی می کند و قبل از انسان وجود داشته است یعنی شیطان، آدم و دروغگو^{۱۷}. عیسی با پیروزی خود بر رییس این جهان^{۱۸} این گناه را برمی دارد. انسان در حالت نامشخصی

که می‌توان آن را *تاریکی نامید از ازل وجود داشته و با ارتکاب گناه تاریکی را بر وارد شدن *نور ترجیح می‌دهد^{۱۹}.
^{۱۷} یو: ۴۴: ۸-۱۰، یو: ۲۹: ۱۲، ۳۱: ۱۶، ۳۳: ۱۱، ۱۰: ۷، ۱۲: ۲، ۵: ۳، ۴: ۱۰، ر.ک مکا: ۵۱-^{۱۹} یو: ۵: ۳، ۱۹: ۹، ۴۱: ۳.

◀ مقدمه: فصل چهاردهم. ۲. الف. ب - قرض - کفاره دادن - عدالت - بخشودن.

گندم

یونانی: sitos. گندم همراه با شراب و روغن مایع^۱ منشاء اصلی تغذیه مردم فلسطین را تشکیل می‌داد که صادر هم می‌شد. گندم در ماه‌های نوامبر - دسامبر در زمین^۳ کاشته می‌شد و برداشت محصول آن در ماه‌های مه - ژوئن انجام می‌پذیرفت. طبق نوشته *پلینی مقدار محصول سواحل اطراف مدیترانه استثنائی و به مقدار ۱۰۰ برابر یا حتی ۴۰۰ برابر بود. گندم پس از غربال شدن در جای خرمنگاه‌ها^۴ در انبارها^۵ جمع‌آوری می‌شد و واحد ارزش گذاری در داد و ستد^۶ به حساب می‌آمد و ارزش آن سه برابر جو^۷ بود. دانه‌های گندم را جهت به دست آوردن آرد، آسیاب می‌کردند یا این که به منظور مصارف غذائی آن‌ها را برشته می‌نمودند.

^۱ ار: ۳۱: ۱۲؛ مکا: ۱۸: ۱۳ - ^۲ اع: ۲۷: ۳۸ - ^۳ مت: ۱۳: ۲۵، ۲۹: ۳۰ - ^۴ مر: ۴: ۲۸؛ یو: ۱۲: ۲۴ - ^۵ قرن: ۱۵: ۳۷ - ^۶ لو: ۲۲: ۳۱ - ^۷ مت: ۳: ۱۲ (= لو: ۳: ۱۷)، لو: ۱۲: ۱۸ - ^۸ لو: ۱۲: ۴۲؛ ۶: ۷ - ^۹ مکا: ۶: ۶ □

◀ مقدمه: فصل دوم. ۵، فصل هفتم. ۱. الف.

[گنوسی، عرفان]

از یونانی: gnôsis به معنای «معرفت» (عرفان) که در کتاب عهد جدید معمولاً به «علم» ترجمه می‌شود.
 (۱) گنوسی به معنای گسترده، جنبش‌های مذهبی است که گرایش دارند نجات را تنها در شناسائی رازهای الهی تشخیص بدهند و ارزش‌های خاکی را نادیده بگیرند.

(۲) عرفان‌گرایی به معنای خاص عبارت است از جهت‌گیری اندیشه مذهبی یهودی، یونانی، یا مسیحی که بین قرن اول (ق.م) و قرن چهارم (م). ظاهر شد. این گرایش از میان دوگانگی‌هایی که بین خلقت و مغفرت جدائی می‌افکنند و از میان تحقیقات نظری در الوهیتی که در دنیا متشعشع می‌شود، و از میان نظریه‌هایی در مورد مغفرت که هدفشان آزاد ساختن روح انسان‌ها از ماده‌ای است که در آن اسیر هستند تا به آنها امکان دهند به وطن اصلی خود یعنی الوهیت بازگردند، بروز می‌کند.

گوسفند

یونانی: probaton، غالباً توصیف کننده «چهارپای کوچک» (عبری: se). یکی از منابع اصلی درآمد فلسطین (پشم، شیر، پوست، گوشت). معمولاً به عنوان *قربانی‌ها^۱ ذبح می‌شوند. عیسی در تضاد با شبانان بدکردار/زشت خود و به همانند انبیاء، معمولاً به هنگام نشان دادن عنایت خدا نسبت به آدمیان، به گوسفندان اشاره می‌کند^۲.

^۱ تث: ۱۵: ۱۹، ۱۸: ۴ - ^۲ عد: ۲۷: ۱۷ - ^۳ پاد: ۲۲: ۱۷؛ مز: ۲۳: ۱؛ اش: ۵۳: ۷؛ ار: ۱۱: ۱۹؛ حز: ۳۴: ۵؛ مت: ۷: ۱۵، ۹: ۳۶ (= مر: ۳۴: ۶)؛ ۱۰: ۶-۱۶، ۱۸: ۱۲، ۲۶: ۳۱؛ (= مر: ۱۴: ۲۷)؛ لو: ۱۵: ۴-۶؛ یو: ۱۰: ۱-۲۷؛ ۲۱: ۱۶-۱۷؛ عبر: ۱۳: ۲۰.

◀ مقدمه، فصل دوم، ۶ - بره خدا - شبان - دروازه گوسفندان.

گوش

یونانی: ous. عضوی از بدن که «گوش»^۱ نامیده می‌شود، نمادگر ادراک است با بن‌مایه‌ای خاص که آن را از *«چشم» که به مفهوم «دانستن» است متفاوت می‌سازد. *«گوش دادن» به معنای *«اطاعت کردن» است. «گوش

داشتن^۲ یعنی داشتن قابلیت درک و نیز در صورت عدم میل به شنیدن و فهمیدن^۴، داشتن قدرت برای بستن و «نامختن» نگه داشتن آنها است^۳. برای دعوت انسان‌ها به عطف توجه گفته می‌شد «سخنان را به گوش بپذیرید» (یونانی: en-ôtizomai)^۵ در این حال کوشش به عمل می‌آید که سخنان «در گوش‌ها فرو روند»^۶. اگر عیسی «گوش‌های ناشنویان را باز کرد»^۷ برای نمایاندن کار خدا بود که «گوش‌ها را بیدار می‌کند»^۸ به طوری که سخنان بتوانند «در گوش‌ها به انجام رسند»^۹ و سخن یک رویداد حقیقی گردد. این گوش‌ها می‌توانند *«سعادت‌مند» شده و همراه با چشمان^{۱۰} وجود شخص را در تمامیت آن نمایان سازند. در مقابل اعلام خبر از روی پشت بام‌ها می‌توان خبر را به آهستگی «در گوش» گفت^{۱۱}. منظور همواره مکاشفه و حکمت است چون گوش با *دل نیز یکسان دانسته می‌شود^{۱۲}.

۱- قرن ۱۲: ۱۶ - مت ۱۱: ۱۵: ۱۳: ۹: مر ۷: ۱۶: مکا ۷: ۲ - ار ۶: ۱۰: اع ۷: ۵۱ - اش ۶: ۱۰: مت ۱۳: ۱۵: اع ۲۷: ۲۸ - اش ۲۳: ۲۸: اع ۱۴: ۲ - ار ۹: ۱۹: لو ۹: ۴۴ - اش ۷: ۳۵: ۶: ۵: ۱۱: مت ۷: ۳۴ - ۳۵ - مز ۷: ۴۰: اش ۵: ۴۰: ۵: ر. ک. عبر ۱: ۵ - لو ۴: ۲۱: ر. ک. ۱: ۴۴ - مت ۱۰: ۱۳: ۱۶ - مت ۱۱: ۲۷: (= لو ۱۲: ۳) - ۱۲ - پاد ۳: ۹: اش ۱۲: ۲۳.

◀ گوش فرا دادن - اطاعت کردن.

گوش دادن

یونانی: akouô به معنای «شنیدن، گوش دادن» و ترکیبیات آن مانند: eis-akouô به معنای «قبول کردن» و hyp-akouô به معنای «اطاعت کردن» و par-akouô به معنای «نافرمانی کردن». هستی از دیدگاه کتاب مقدس عبارتست از «گوش فرا دادن به خدا»، درحالی که *دیدن به زمان‌های آخر منوط شده است. «دیدن و گوش فرا دادن» به معنای به تحقق رساندن و قطعی کردن عمل دیدن دنیوی توسط عمل گوش فرا دادن است که به *«اطاعت»^۱ منجر می‌شود. «گوش فرا دادن و عمل کردن» اجرای سخنان است یعنی به فعل درآوردن آنها. واژه «شنیدن» لزوماً این معنا را نمی‌دهد^۲. «گوش فرادادن و درک کردن» برخلاف *«سخت شدن» عیناً قبول سخن خدا و ایمان *آوردن است^۳.

۱- مت ۱۱: ۴، ۱۳: ۱۶-۱۷ (= لو ۱۰: ۲۴)، ۱۷: ۵ (= مر ۷: ۹: ۳۵): لو ۲۰: ۲: اع ۲: ۳۳، ۴: ۲۰: ۱- یو ۳: ۵: مکا ۱۰: ۱۰: ۵: ۱۱: ۲۲: ۸ - مت ۷: ۲۴، ۲۶ (= لو ۴۷: ۴۹): لو ۱۱-۲۸، ۱۰: ۱۶، ۲۷، ۴۷: ۱۲، روم ۱۳: ۲: عبر ۷: ۴: یع ۲۱: ۲۲-۲۵، ۲۳: ۳ - مز ۷: ۴۰: ۸: اش ۵: ۵۰: مت ۱۱: ۱۵، ۱۳: ۱۵، ۱۹، ۲۳: ۱۵: ۱۰: ۱۶: یو ۵: ۳۷، ۶: ۴۵، ۸: ۴۳، ۴۷: اع ۱۶: ۱۴: مکا ۷: ۷.

◀ پذیرفتن - اطاعت - گوش - کلام (کلمه خدا) - دیدن - صدا.

گوشت

۱) گوشت حیوانات ذبح نشده. یونانی: pniktos به معنای «گوشت خفه شده». چون شریعت خوردن خون را که حاوی حیات است قدغن می‌کرد خوردن گوشت حیواناتی که خونشان ریخته نشده بود ممنوع بوده است^۱.

۱- لاو ۷: ۲۶-۲۷: ۱۷: ۱۰-۱۴: اع ۱۵: ۲۰-۲۹: ۲۱: ۲۵.

◀ مقدمه. فصل چهاردهم. ۱. الف.

۲) گوشت قربانی برای بت‌ها. یونانی: eidôlothyton (از eidôlon به معنای «تصویر» و thyô به معنای «قربانی کردن»): این نامگذاری در نتیجه مشاجرات بین یهودیان و مشرکان به وجود آمد. شرکت این گوشت را به «ذبح شده در قربانی» (یونانی: hiero-thyton)^۲. گوشت اضافی حیوانات ذبح شده همراه با خون در بازار به فروش می‌رسید^۳ یا در قسمت‌های وابسته به معابد به مصرف می‌رسید^۴. *شورای اورشلیم خوردن آن را تحریم کرد^۵، در حالی که پولس شرایط مصرف این نوع گوشت را تصریح می‌کند^۶.

۱- قرن ۱۰: ۲۸ - ۱۳: ۱۰: ۲۵ - ۱۴: ۱۰: ۱۰ - قرن ۸: ۱۰ - اع ۱۵: ۲۸-۲۹: ۲۱: ۲۵: ر. ک. مکا ۲: ۱۴-۲۰ - روم ۱۴: ۱-۱۳: ۱۳: ۱۳: ۱: ۸: ۱۳-۱۰: ۳۳.

◀ پرستش - بت پرستی - قربانی.

گوگرد

یونانی: theion. ماده‌ای شیمیایی است که در ناحیه دریای موت به فراوانی وجود داشته خاک را لم یزرع می‌کند. باران آتش و گوگرد به صورت مجازات سدوم مثلی است نمونه^۱. این عقوبت^۲ در کتاب مکاشفه به صورت افکنده شدن در دریاچه‌ای که با گوگرد می‌سوخست در آمد^۳.

^۱ پید ۱۹: ۲۴؛ تث ۲۹: ۲۲؛ مز ۱۱: ۶؛ اش ۳۴: ۹؛ حزق ۳۸: ۲۲؛ لو ۱۷: ۲۹ — ^۲ ایوب ۱۸: ۱۵؛ اش ۳۰: ۳۳؛ مکا ۹: ۱۷-۱۸؛ ^۳ ۱۰: ۱۴ — مکا ۱۹: ۲۰؛ ۲۰: ۲۰؛ ۲۱: ۸.
 ◀ دریاچه آتش - آتش.

[گونه شناسی]

از یونانی: typos به معنای «نشان، شکل، صورت، نمونه، مدل»^۱.
^۱ روم ۵: ۱۴-۱۰ قرن ۶-۱۱: عبر ۹: ۲۴؛ ۱- پطر ۳: ۲۱؛ ر. ک. یو ۲۰: ۲۵.
 ▶ نماد و نمونه.

گوش، زبان

(۱) یونانی: dialektos زبان یک قوم، یک سرزمین^۱. در روز پنجاهه هرکس زبان مادری خود را از زبان رسولان می‌شنید^۲.

^۱ مقدمه فصل پنجم ۳۰: اع ۱: ۱۹؛ ۲۱: ۴۰؛ ۲۲: ۲۲؛ ۲۶: ۱۴ — ^۲ اع ۲: ۶، ۸.
 (۲) یونانی glôssa به معنای «زبان^۳، زبان^۴».

(الف) توسط زبان انسان ارتباط برقرار می‌کند یا احساسات قلبی خود را مکتوم می‌دارد. هم چنین با زبان هم می‌توان خدا را ستایش کرد و متبارک^۵ خواند و هم انسان‌ها را نفرین کرد^۶ یا سوء نیت و یا فقر مقاصد نهفته خود را پنهان کرد^۷.

^۳ خروج ۱۱: ۷؛ مز ۲۲: ۱۶؛ مر ۷: ۳۳، ۳۵؛ لو ۱: ۶۴؛ ۱۶: ۲۴؛ مکا ۱۶: ۱۰ — ^۴ اش ۲۸: ۱۱؛ ۱- قرن ۱۴: ۲۱؛ مکا ۵: ۹؛ ۷: ۹؛ ۱۱: ۱۱؛ ۱۳: ۷؛ ۱۴: ۶؛ ۱۵: ۱۷ — ^۵ مز ۳۵: ۲۸؛ اش ۴: ۵۰؛ لو ۱: ۶۴؛ اع ۲: ۲۶؛ روم ۱۱: ۱۴؛ فی ۲: ۱۱ — ^۶ بنسی ۲۸: ۱۳-۲۶؛ روم ۳: ۱۳؛ یع ۱: ۲۶؛ ۳: ۱۲-۲ — ^۷ ار ۹: ۲، ۷؛ ۱- یو ۳: ۱۸؛ ۱- پطر ۳: ۱۰.

(ب) به زبان (ها) صحبت کردن. دعای سرشار از خلسه است که احتیاج به مترجم دارد تا این که حاضرین بتوانند معنای آن را درک کنند^۸. *عطیه‌ای است پایین تر از عطیه *نبوت که به ایمانداران وعده داده شده بود^۹. در روز پنجاهه شاگردان به زبان‌هایی که برای بیگانگان قابل فهم بود معجزات خدا را اعلام داشتند^{۱۰}.

^۸ ۱- قرن ۱۲: ۱۰، ۲۸، ۳۰؛ ۱۳: ۱، ۸؛ ۱۴ — ^۹ مر ۱۶: ۱۷ — ^{۱۰} اع ۲: ۳-۴، ۱۱؛ ۱۰: ۴۶؛ ۱۹: ۶.
 ▶ مقدمه. فصل نهم ۵. ب - کلام - پنطیکاست.

گوئل

واژه‌ای است عبری مشخص کننده یکی از خویشاوندان نزدیک که بازخريد اشیاء یا اشخاصی که به تصاحب افراد بیگانه درآمده باشند برعهده وی نهاده می‌شود. این شخص رهاننده، مدافع و حامی منافع خصوصی و دستجمعی می‌باشد به خصوص در مسائل مربوط به ارث، نازائی و انتقام^۱.

^۱ لاو ۲۵: ۲۵-۵۵؛ اعد ۳۵: ۱۹؛ تث ۲۵: ۵.
 ▶ مقدمه، فصل هشتم، ۲ الف ۱ - فدیة دادن.

بر خلاف یونانیان که «دنیا» (kosmos) را مجموعه‌ای موزون و بسته و قابل درک برای انسانی که خود یک «دنیای کوچک» است می‌دیدند، کتاب مقدس آن را خارج از رابطه‌اش با خالق در نظر نمی‌گیرد و به همین خاطر است که این اصطلاح را برای توصیف مجموعه خلقت بسیار دور به کار نمی‌برد. یوحنا حتی خصوصیات منفی به آن نسبت داده است. این واژه می‌تواند معرف *دنیای کنونی باشد که تحت سلطهٔ قدرت *شر قرار دارد.^۱ کتاب مقدس برای توصیف گیتی، ابتدائاً از دو عبارت خاص استفاده می‌کند، یکی «زمین و آسمان»^۲ که به طور مستقیم به خالق اشاره می‌کند و دیگری اصطلاح عبرانی کوتاه‌تر «کل» (یونانی panta، عبری hakkôl)^۳. دیگر واژه‌های مورد استفاده عبارتند از: «زمین مسکون» (یونانی oikoumenè)^۴ و aiôn (که هم‌چنین به معنای «*زمان» است)^۵ که گاهی به صورت جمع بکار می‌رود^۶. خدا، خداوند آسمان و زمین است و هرگز خداوند «گیتی» خوانده نشده است^۷. آسمان و زمین همانند دنیا خواهند گذشت^۸ اما «کل» از آن مسیح خواهد بود^۹. آنگاه جهان تازه‌ای آفریده خواهد شد که نامش هرگز «گیتی تازه» نخواهد بود بلکه آسمان جدید و زمین جدید با ملکوت خدا نامیده خواهد شد^{۱۰}.

^۱یو: ۱-۱۰: ۲۹: ۷: ۱۲: ۳۱: ۱۴: ۱۷: ۱۶: ۸-۱۱: ۱۷: ۹: ۱-۱۵: ۲: ۱۷: ۵: ۱۹ — پید ۱: ۱: ۲: ۴: خروج ۲۰: ۱۱: مز ۱۴: ۶: اع ۴: ۲۴: ۱۷: ۲۴: عبر ۱: ۱۰: مکا ۱۰: ۶: ۱۴: ۷ — ^۳مز ۷: حکم ۹: ۱: اش ۴۴: ۲۴: ار ۱۰: ۱۶: ۱-قرن ۱۵: ۲۷-۲۸: افس ۱: ۱۰: فی ۳: ۲۱: کول ۱: ۱۶-۱۷-۲۰: عبر ۱: ۲-۳: ۸-۱۰: ۱-بطر ۴: ۷ — ^۴حکم ۹: ۹: ۱-قرن ۳: ۲۲ — ^۵مت ۲۴: ۱۴: ل ۲: ۴: ۵: ۲۱: ۲۶: اع ۱۱: ۲۸: ۱۷: ۶-۳۶: ۱۹: ۲۷: ۲۴: ۵: روم ۱۰: ۱۸: عبر ۱: ۶: ۲: ۵: مکا ۳: ۱۰: ۱۲: ۹: ۱۶: ۱۴ — ^۶عبر ۱: ۲: ۴: ۵: ۱۱: ۳ — پید ۲۴: ۳: اش ۶۶: ۱: مت ۵: ۳۴: ۱۱: ۲۵ (= لو ۱۰: ۲۱): ۲۸: ۱۸: مر ۱۳: ۲۷: ۷: ۴۹: ۱۷: ۲۴: ۱-قرن ۷: ۳۱: یو ۲: ۱۷ — ^۸اش ۱۳: ۱۳: ۵۱: ۶: ار ۴: ۲۳-۲۶: عا ۹: ۸: مت ۵: ۱۸ (= لو ۱۶: ۱۷): ۲۴: ۳۵ (= مر ۱۳: ۳۱ = لو ۲۱: ۳۳): ۲۱: ۲۵-۲۶: عبر ۱۲: ۲۶: ۲-بطر ۳: ۱۰-۱۲-۱۳: مکا ۲۰: ۱۱: ۲۱: ۱ — ^۹۱-قرن ۸: ۵: ۶-افس ۱: ۱۰: کول ۱-۱۶: ۲۰ — ^{۱۰}اش ۶۵: ۱۷-۱۸: ۶۶: ۲۲: ۲-بطر ۳: ۱۳: مکا ۲۱: ۱.

◀ مقدمه، فصل پنجم، ۱- آسمان- عصر- صعود مسیح- دنیا- زمین- قرن.

در حالی که طبق کتاب عهد عتیق گیسوان بلند در نزد مردها مطلوب بود (فی المثل آشالوم گیسوانش را سالی یک بار کوتاه می کرد به طوری که وزن موهایش به ۲ کیلو و ۳۰۰ گرم می رسید)^۱، پولس این عادت را عار دانسته است.^۲ از سوی دیگر سرها به علامت عزاداری^۳ یا در صورت انقضای یک * نذر^۴ تراشیده می شد (در حالت دوم برای سوزاندن آنها)^۵. گیسوان زن به عنوان حجاب او به حساب می آمد^۶ اما آراستگی زیاده از حد موها صلاح نمی باشد^۷. تمام این نصیحت ها نشانه راه و رسم یک دوره به خصوص است و نه بیش از آن.

٢١- سمو ١٤: ٢٦ - ١٢- قرن ١١: ١٤ - اش ٣: ٢٤؛ ار ٧: ٢٩، عا ٨: ١٠ - داوړ ٥: ٢؛ ١٣: ٥؛ اع ١٨: ١؛ ٢٣: ٢٤ - عد ١٨: ١٦ - ١٦- قرن ١١: ١٥ - اش ٣: ١٦-١؛ ١٧: ١؛ تيمو ٢: ٩؛ ١- بطر ٣: ٣.

◀ مقدمه: فصل هشتم. ۱. ج. ۳.

ل

لال

یونانی: a-lalos به معنای «کسی که حرف نمی زند»^۱. شخص علیلی است که معمولاً همان طوری که مضمون آن را نشان می دهد^۲، *ناشتوا (یونانی: kôphos) نیز می باشد. لالی ممکن است صورت مجازات را نیز داشته باشد مانند آنچه که به سر پدر یحیی تعمید دهنده آمده بود^۳، یا این که علامت تسلط شیطانی بر شخص باشد^۴. هم چنین بره نبوت اشعیاء نبی، *بت ها و ماده الاغ بلعام^۵ فاقد صدا (a-phônos) بودند. متی، شفای اشخاص لال را به عنوان یک علامت مسیحائی آشکار جلو نداده است^۶.

^۱ مر ۷: ۳۷؛ ۹: ۱۷؛ ۲۵. ۱۷ — مت ۹: ۳۳-۳۲؛ ۱۲: ۲۲؛ ۱۵: ۳۰-۳۱؛ لو ۱: ۲۲؛ ۱۱: ۱۴ — ^۲ ۱۳: ۲۰؛ ۲۲: ۶۴ — مت ۹: ۳۳؛ لو ۱۱: ۱۴ — اع ۸: ۳۲؛ ۱-قرن ۱۲: ۲؛ ۲-پط ۲: ۱۶ — ^۳ اش ۳۵: ۶؛ مت ۱۱: ۵.
◀ کلام - کرو ناشنوا - صدا.

لاودکیه

یونانی Laodikeia شهری در سرزمین فریجیه در آسیای صغیر که صنعت *نساجی آن این صفت را در کولسیه^۱ تحت الشعاع قرار داده بود. جمعیت مسیحی آن که احتمالاً توسط اپفراس^۲ تأسیس شده بود همواره مورد توجه پولس بوده است. یکی از رساله های پولس که اکنون ناپدید شده است^۳ و نیز یکی از هفت پیغام مکاشفه خطاب به این جمعیت می باشد^۴.

^۱ رک. مکا ۱۷-۱۸ — کول ۱: ۷؛ ۴: ۱۲-۱۳/۱۵ — ^۲ کول ۲: ۱؛ ۴: ۱۶ — ^۳ مکا ۱: ۱۱؛ ۳: ۱۴ □
◀ نقشه^۲.

لاوی

یونانی: Leyei, Leyi، عبری Léwî که معنایش نامشخص است. طبق ریشه شناسی عام به معنای «ملحق شدن، علاقه مند شدن» می باشد.

(۱) پسر یعقوب و لیه، آغازگر نام قبیله کهنانی *لاویان^۱.

^۱ پید ۲۹: ۳۴؛ تث ۳۳: ۸-۱۱؛ عبر ۷: ۵/۹؛ مکا ۷: ۷ □

(۲) صرافی به نام متی در مت ۹: ۲۹.

^۲ مر ۲: ۱۴؛ لو ۵: ۲۹/۲۷ □

لاویان

یونانی: Leyitès، عبری Léwî. فرزندان قبیله کهنانی لاوی^۱، کاهنان قدیمی مناطق روستائی کوهستانی، نوعی از روحانیون پست مرتبه که ورودشان به *مذبح^۲ ممنوع بوده است. تکالیف آنها شامل خدمات جانبی مربوط به آئین از قبیل: اجرای موسیقی، آماده کردن قربانی ها و دریافت عشریه ها^۳ بود. و نیز لاویان کار پلیس معبد را برعهده داشتند.

^۱ تث ۳۳: ۸-۱۱؛ لو ۱۰: ۳۲؛ یو ۱: ۱۹؛ اع ۴: ۳۶؛ عبر ۷: ۱۱ — ^۲ ۲۲-پاد ۲۳: ۹؛ حزق ۴۴: ۱۰-۱۶ — ^۳ عبر ۷: ۵-۹ □

◀ مقدمه. فصل هشتم ۲. ج؛ فصل سیزدهم. ۱. الف- هارون - عشر - کاهن اعظم - لاوی - کاهن - کهنانت.

لب‌ها

یونانی: kheilos، لب‌ها که در خدمت *قلب هستند، نیا^۱ آن را برملا می‌کنند. سخن یا «ثمره لب‌ها» عبارت است از *اعتراف به *نام خدا^۲ و آن را اعلام کردن^۳.

^۱ مز ۱۴۱: ۳؛ امث ۱۰: ۳۲؛ ۲۶: ۲۳؛ اش ۲۹: ۱۳؛ مت ۱۵: ۸ (= مر ۷: ۶)؛ روم ۳: ۱۳؛ ۱- پطرس ۳: ۱۰ — ^۲ مز ۵۱: ۱۷؛ اش ۵: ۵؛ ۵۷: ۱۹؛ صف ۳: ۹؛ عبر ۱۳: ۱۵ — ^۳ ۱۴- قرن ۲۱ □

لُجّه

(۱) یونانی: a-byssos «بی انتها» (یونانی: byssos, bythos «ته دریا»^۱).

^۲ ۲۱- قرن ۲۵.

(۲) مکان زیرزمینی که مردگان^۲ در آن اقامت دارند؛ بدین ترتیب ورطه‌ای (یونانی^۳ khasma) مابین شیران و عادلان وجود دارد و ایشان را از یکدیگر جدا می‌سازد.

^۲ روم ۷: ۱۰ — ^۳ لو ۱۶: ۲۶ □

(۳) مکانی که در آن دیوها^۴ تحت سلطه یک پادشاه^۵ محبوس هستند. *وحش^۶ از این مکان خارج می‌شود و *شیطان برای مدت هزار سال^۷ در آن بند می‌افتد.

^۴ لو ۸: ۳۱؛ مکا ۹: ۱، ۲ — ^۵ مکا ۹: ۱۱ — ^۶ مکا ۱۱: ۷؛ ۱۷: ۸ — ^۷ مکا ۲۰: ۱، ۳.

(۴) کلمات دیگر یونانی: siros، معنی لغوی: «حفره‌ای درون زمین، مخزنی زیرزمینی برای گندم»؛ tartaroō: «در جهنم غوطه‌ور شدن»، فعل مشتق شده از اسمی است که در اساطیر لاتینی^۸ به معنی هاویه می‌باشد.

^۸ ۲۸- پطر ۲: ۴ □

◀ مقدمه، فصل پنجم، ۱ - جهنم.

لدّه

یونانی: Lydda، عبری Lod، بین تل‌آویو و اورشلیم واقع است. شهر باستانی است که در آن پطرس حنا را شفا داد و در همان شهر در قرن اول ق.م یک مرکز مهم آموزش تلمود با دو کاهن بزرگ به نامهای العازر بن هیرکان و عقیب تشکیل شد^۱.

^۱ ۱- توا ۸: ۱۲؛ اع ۹: ۳۲، ۳۵، ۳۸ □

◀ نقشه شماره ۴.

لژیا

جمع واژه یونانی logion به معنای «پاسخ وحی، جمله» است.

(۱) جمله‌ای که الزاماً متعلق به متنی که در آن واقع است نمی‌باشد مثلاً مت ۵: ۱۳؛ ۵: ۱۵.

(۲) پیرو پاپیاس (۱۰۰-۱۳۰ میلادی) که «تفسیر کلام سرور عیسی مسیح» را انشاء کرده است منتقدان عقیده دارند که سرمنشأ اناجیل نظیر، مجموعه‌ای از سخنان عیسی بوده که غالباً با علامت Q نمایش داده می‌شد.

◀ اگرافا - تفسیر - نوع نگارش ادبی - مجید زندگی - Q - توما (انجیل).

لستره

یونانی: Lystra، Lystroi. شهری کوچک در لیکائونیه، در شمال غربی قونیه. در ۶ ق.م تحت استعمار روم درآمد^۱.

^۱ اع ۱۴: ۸/۶؛ ۲۱: ۱۶؛ ۱- ۲: ۲- تیمو ۳: ۱۱ □

لشکر آسمان

◀ صبايوت.

لغزش/رسوائی

ترجمه از واژه یونانی: skandalon این واژه گاهی ایجاد اختلال و تشویش می کند چون نه شرارتی نمونه ای است و نه یک واقعیت منجر کننده بلکه دامی است قرار داده شده بر سر راه که باعث افتادن می شود. ▶ سقوط.

لنگ

یونانی khôlos. علیل. تعداد این گونه افراد در فلسطین زیادی افراد کور بود. فرد لنگ طبق شریعت نمی توانست کاهن^۱ باشد اما مورد توجه خاص و عنایت خدا، عیسی^۲ و رسولان^۳ بوده است.
^۱ لاو ۱۸: ۲۱-۲۱؛ اش ۳۵: ۶؛ مت ۱۱: ۵ (=لو ۷: ۲۲) — ^۳ مت ۱۵: ۳۰-۳۱: ۱۸: ۸ (=مر ۹: ۴۵)؛ ۲۱: ۱۴؛ لو ۱۳: ۱۳-۲۱ —
^۴ اع ۳: ۲؛ ۸: ۷؛ ۱۴: ۸؛ ر. ک یو ۵: ۳؛ عبر ۱۲: ۱۳-۳٪ — مت ۱۵: ۳۰-۳۱: ۱۸: ۸ (=مر ۹: ۴۵)؛ ۲۱: ۱۴؛ لو ۱۳: ۱۳-۲۱ □

لنگ

یونانی: zônè. نوعی دامن مردانه پارچه ای یا پیش بند کم و بیش بلندی که به دور کمر پیچیده می شود. این نوع پوشاک که لباس قدیمی کنعانیان بوده بعداً به لباس زیر تبدیل شده و مطابق زیر شلواری گشته است. لباس یحیی تعمید دهنده ممکن بود شامل کمربندی که ردایش را به هم می فشرد یا لباس انبیایی عبارت از ردا و لنگ بوده باشد^۱.
^۱ - سمو ۲: ۱۸؛ ار ۱۳: ۱-۲؛ مت ۳: ۴ (=مر ۱: ۶)؛ ر. ک ۲-پاد ۸: ۱؛ زک ۱۳: ۴ □
 ▶ کمر بند - لباس.

لنگر

لنگر قطعه فلزی بزرگی است شامل ساقه دو شاخه. که به کابلی بسته شده است، برای نگهداری کشتی در لنگرگاه در قعر آب می اندازند. کشتی های بزرگ دارای چند لنگر هستند^۱. لنگر نماد کلاسیک «پایداری» بوده تصویر امیدواری نیز می باشد^۲.
^۱ اع ۲۷: ۲۹-۳۰-۴۰ — ^۲ عبر ۱۹: ۶.
 ▶ کشتی.

لوت

یونانی Lôt، عبری Lôth، با ریشه نامشخص. برادرزاده ابراهیم که با وی به کنعان^۱ مهاجرت کرد. او که در میان خطاکاران سدوم، درستکار باقی ماند توسط خدا نجات یافت^۲. مجازات همشهری هایش «روز *پسر انسان» را متجسم می سازد؛ کیفر همسرش در این است که در «این روز به خصوص» نباید به عقب برگردد^۳.
^۱ پید ۱۱: ۲۷/۳۱؛ ۱۳: ۱-۱۳ — ^۲ پید ۱۹ — ^۳ حک ۱: ۶-۷؛ بنسی ۱۶: ۸؛ لو ۱۷: ۲۸-۲۹؛ ۳۲؛ ۲-پتر ۲: ۶-۸ □

لوقا

یونانی: Loukas احتمالاً اسم کوچک شده Lucanus لاتین است. لوقا در اصل طبیبی غیر یهودی و همسفر پولس بود. چنان که در قطعاتی از کتاب اعمال رسولان در مورد آن ها افعال اول شخص جمع به کار برده شده است. «داستان درباره ما»^۱. لوقا مؤلف انجیل سوم و کتاب اعمال رسولان است^۲.
^۱ اع ۱۶: ۱۰-۱۷؛ ۲۰: ۵-۱۵؛ ۲۱: ۱-۱۸؛ ۲۷: ۱؛ ۲۸: ۱۶ — ^۲ کول ۴: ۱۴؛ ۲-تیمو ۴: ۱۱؛ فیل ۲۴ □

[لوقا (انجیل)]

انجیلی است که احتمالاً بعد از ۷۰ م. (ویرانی اورشلیم) و قبل از ۸۰-۹۰ م. توسط شخصی یونانی که سنت وی را با طبیب همسفر پولس یکی می‌داند (کول ۴: ۱۴) نوشته شده است. این انجیل که منعکس کننده سنت‌های بسیاری بوده و برای مسیحیان دارای فرهنگ یونانی نگاشته شده است جلد اول اثری را تشکیل می‌دهد که همراه با کتاب اعمال رسولان تشریح کننده طرح نجات بخش خدا می‌باشد (ر. ک ۲۲: ۴۳-۴۴).

◀ مقدمه، فصل پانزدهم.

لیبی

کشوری است واقع در غرب *مصر در همسایگی *قیروان^۱.

اع ۱۰: ۲ □

لیسیاس

یونانی: Lysias. افسر *عالی مرتبه رومی که در اصل یونانی یا شرقی بوده است. او پس از دریافت مقام *شهروندی رومی، مأموریت حفظ نظم اورشلیم را بر عهده گرفت. او به هنگام شورش بر علیه پولس^۱ مداخله می‌کند. نام وی فقط دوبار ذکر شده است^۲.

اع ۲۱: ۳۱؛ ۲۳: ۳۰ — اع ۲۳: ۲۶ (و ۲۴: ۷)؛ ۲۴: ۲۲ □

لیکائونیه

یونانی: Lykaonia ناحیه فلات‌های مرتفع ترکیه کنونی واقع در شمال *قلیقیه که از سال ۲۵ ق.م به ایالت رومی غلاطیه ضمیمه شده بود. در این شهر به زبان محلی و نیز به زبان *یونانی تکلم می‌شد. پولس بشارت انجیل را به شهرهای *قونیه، *لستره و *در به آورد^۱.

اع ۱۴: ۶ □

◀ نقشه شماره ۳.

م

مادر

یونانی: mètēr.

(۱) در کتاب عهد جدید درباره شادی‌ها و سختی‌های *زن گفته می‌شود که باردار شده^۱ حامله است^۲ و با درد و رنج وضع حمل^۳ می‌کند، نوزاد خود را شیر می‌دهد^۴ و در اندیشه آینده فرزندان خود بوده^۵ برای آنهایی که دیگر نیستند اشک می‌ریزد^۶. مادر بودن نیکو و برای مزاج سودمند است^۷. مادر مانند پدر شایسته احترام فرزندی است^۸.

^۱ لو: ۱: ۲۴. ۳۱. ۳۶. ۲: ۲۱ — مت ۱: ۱۸. ۲۳: ۲: ۵ — لو ۱: ۱۳. ۵۷: ۲۳: ۲۹: یو ۱۶: ۲۱: مکا ۱۲: ۲: ۴-۵ — مت ۲۴: ۱۹: (= مر ۱۳: ۱۷ = لو ۲۱: ۲۳): لو ۱۱: ۲۷ — مت ۵: ۲۰ — مت ۶: ۲: ۱۸ — ۱۷ تیمو ۲: ۱۵: ۵: ۱۴ — مت ۸: ۱۵: ۴-۶ (= مر ۱۰: ۱۲-۱۹): ۱۹: ۱۹ (= مر ۱۰: ۱۹ = لو ۱۸: ۲۰).

(۲) در کتاب عهد جدید شأن مادر از این امر نشأت می‌گیرد که عیسی از یک زن زاده^۹ شد و از «مادر خود»^{۱۰} جدا نشدنی است. با این حال عیسی در او فقط کسی را مورد تمجید قرار می‌دهد که سخن خدا را به گوش جان گرفت^{۱۱}. عیسی ابا ندارد او را در طی زندگی اجتماعی اش^{۱۲} تا روز مرگ از خود دور کند^{۱۳}. این امر که «مادر او» یک زن معمولی است اراده «پدرش»^{۱۴} را در عمل نشان می‌دهد. از این رو دعوت به پیروی از عیسی می‌تواند بر احترام به والدین تقدم داشته باشد^{۱۵}.

^۹ غلا ۴: ۳۰ — مت ۱۰: ۲: ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۰-۲۱: یو ۱۹: ۲۷ — ۱۱ لو ۱۱: ۲۷-۲۸ — ۱۲ لو ۲: ۴۸: یو ۴: ۲۰ — ۱۳ یو ۱۹: ۲۷ — مت ۱۲: ۴۶-۵۰ (= مر ۳۱-۳۵ = لو ۸: ۱۹-۲۱) — ۱۵ مت ۳۷، ۳۵: ۱۰ (= لو ۱۲: ۵۳: ۱۴: ۲۶): ۱۹: ۲۹ (= مر ۱۰: ۲۹: ۳۰).

(۳) تکلیف مادر بودن به طور استعاری به اورشلیم آسمانی که جانشین اورشلیم خاکی شده^{۱۶} اطلاق می‌گردد، «در این معنا» مادر به آن زن عالی درجه^{۱۷} تبدیل می‌شود. عیسی به صورت خود خدا^{۱۸} رفتار کرده هم چون مادری که فرزندان خود را به دور خود جمع می‌کند^{۱۹}. پولس *رسالت خود را به یک وضع حمل^{۲۰} و رسیدگی محبت آمیز یک مادر تشبیه می‌کند^{۲۱}.

^{۱۶} غلا ۴: ۲۶: مکا ۲۱: ۲ — ۱۷ مکا ۱۲ — ۱۸ اش ۴۹: ۱۵: ۶۶: ۱۳ — ۱۹ لو ۱۹: ۴۱-۴۴ — ۲۰ غلا ۱۹: ۲۱ — ۲۱ تسا ۷: ۸-۷.

◀ کودک - زن - پدر.

مادها

یونانی: Mēdoī. ساکنان جنوب دریای خزر، ایرانی الاصل، اما از نظر سیاسی وابسته به پارس (حدود ۵۵۰ ق.م). در حدود ۷۲۰ ق.م اسرائیلیان از سامره به نزد مادها تبعید شدند^۱.

^۱ پید ۱۰: ۲-۲: پاد ۱۷: ۶: ۱۸: ۱۱: طویبا ۱: ۱۴: اع ۲: ۹ □

مار

یونانی: ophis.

(۱) در فلسطین به مقادیر زیاد (۳۰ نوع) وجود دارد که گاهی بسیار سمی هستند.

(۲) عهد جدید نه از اعتقاد به ارواح خدایان اسفل که مار را به خدایان شفا دهنده (مار علامت یونانی اسکولاپ است) نسبت می‌دهند بلکه از روایت مار روئینه‌ای که یهودیان مارگزیده در بیابان را شفا می‌بخشد پیروی می‌کند. مار پیشخود عیسای بر صلیب کشیده که مردمی را که با اعتقاد و به او می‌نگرند نجات می‌بخشد می‌باشد^۱.

^۱ اعد ۲۱: ۸-۹: حک ۱۶: ۵-۷: یو ۳: ۱۴: ر.ک. ۱۹: ۳۷: ۱-قرن ۱۰: ۹.

(۳) چهره اسطوره ای *شیطان، مار بهشت زمینی، وسوسه گر است.^۲

^۲ پید ۳: ۲- قرن ۱۱: ۳؛ مکا ۱۲: ۹؛ ۲۰: ۲.

(۴) موجودی است *ناپاک^۳ که از خاک تغذیه می کند^۴، حبله گر^۵، خبیث^۶، دورو^۷، با نیشی سمی^۸. شاگردان قدرت لگدمال کردن آن را دریافت کردند^۹ و ایمانداران نباید از آن بترسند آنها حتی می توانند آن را در دست بگیرند^{۱۰}. این امر نمادگر قدرت شر است که مغلوب شده است.

^۳ لاو ۱۱: ۱۰-۴۲؛ ر.ک. اع ۱۰: ۱۲؛ ۱۱: ۶- ^۴ پید ۳: ۱۴-۱۵؛ اش ۶۵: ۲۵؛ میک ۷: ۱۷- ^۵ مت ۱۰: ۱۶- ^۶ مت ۷: ۱۰- ^۷ (= لو ۱۱: ۱۱)؛ ر.ک. ۱۲: ۳۴- ^۸ مت ۲۳: ۳۳؛ ر.ک. ۷: ۳ (= لو ۷: ۳) - ^۹ ایوب ۲۰: ۱۶؛ مز ۵۸: ۵؛ روم ۳: ۱۳- ^{۱۰} مز ۹۱: ۱۳؛ لو ۱۰: ۱۹- ^{۱۱} اش ۱۱: ۸؛ مر ۱۶: ۱۸؛ اع ۲۸: ۳.

◀ وحش - اژدها.

ماراناتا

اصطلاح *آرامی است که اصل آن احتمالاً از آئین مذهبی می آید. آن را می توان: * «سرور می آید» (mâran-atâ) یا «سرور ما بیا!» (mârana-tâ)^۱ ترجمه کرد. اصطلاحی که به یونانی چنین ترجمه شده است: «بیا خداوند عیسی»^۲.

^۱ ۱- قرن ۱۶: ۲۲- ^۲ مکا ۲۲: ۲۰ □

مارتا

یونانی: Martha، خواهر مریم و *ایلزار^۱ اهل بیت عنیا.

^۱ لو ۱۰: ۳۸-۴۱؛ یو ۱۱: ۱-۳۹؛ ۱۲: ۲ □

مالیات

یونانی: kensos به معنای خراج^۱، phoros به معنای جزیه^۲ و telos به معنای مالیات^۳. ساکنان کلیه سرزمین های تحت اشغال رومیان در هر وضع قانونی که بودند در صورت نداشتن شهروندی رومی مجبور به پرداخت «جزیه زمین» (مالیات ارضی) یا «جزیه سرانه» (مالیات دارائی های غیرمنقول) و نیز به پرداخت مالیات های مختلف غیر مستقیم دیگر مانند باج هایی که *باج ستانان اخذ می کردند می شدند. یهودیان فلسطین و یهودیان در *تباعد از سوی دیگر می بایستی مالیات سالیانه به معبد بپردازند.

^۱ مت ۱۷: ۲۵؛ ۲۲: ۱۷؛ ۱۹: ۱۷؛ مر ۱۲: ۱۴- ^۲ لو ۲۰: ۲۲؛ ۲۳: ۲؛ روم ۱۳: ۶-۷- ^۳ مت ۱۷: ۲۵؛ روم ۱۳: ۷.

◀ مقدمه، فصل چهارم. ۲. ب. ۲؛ فصل ششم ۳ - عشر - گمرگ - باجگیر.

مأموریت/خدمت کلیسایی

(۱) از ministerium به معنای خدمت. مأموریت محوّل شده به هیئتی که با *قدرت تام انجام شود. واژه فرعی آن می تواند مشخص کننده مقامات *مدنی/کشوری^۱، خدمات عبادتی یهود^۲، مقام کهناتی عیسی مسیح^۳ و حتی قدرت وی^۴ و سرانجام انواع خدماتی که انجام آن به ایمانداران واگذار می شود. واژه های اصلی یونانی که با خدمات مسیحی مطابقت می کنند عبارتند از diakonia به معنای «خدمت»^۵، exousia به معنای «قدرت»^۶، oikonomia به معنای «مدیریت»^۷، kharis /kharisma به معنای «عطیه کریسمانه»^۸، pempô, apostellô به معنای «فرستادن»^۹ و presbeîô به معنای «سفارت»^{۱۰}.

^۱ لو ۱۲: ۱۱؛ ۲۰: ۳؛ تیط ۳: ۱- ^۲ لو ۲۳: ۱؛ عبر ۹: ۲۱- ^۳ عبر ۵: ۴- ^۴ مت ۷: ۲۹- ^۵ اع ۶: ۱-۴؛ روم ۱۲: ۷- ^۶ ۲۶-

قرن ۱۰: ۱۳؛ ۸: ۱۰- ^۷ کول ۱: ۲۵- ^۸ روم ۱: ۵؛ ۱- قرن ۱۲: ۴- ^۹ یو ۴: ۳۴-۳۸؛ اع ۱: ۲۵؛ ۱۵: ۲۵-۱- قرن ۴: ۱۷- ^{۱۰} ۲۱۰-

قرن ۵: ۲۰؛ افس ۶: ۲۰؛ ر.ک. لو ۱۴: ۳۲؛ ۱۹: ۱۴.

۲) در رأس خدمتگزاران، فرستاده خدا در حد اعلا^{۱۱} یعنی عیسی مسیح قرار دارد که قدرت خود را به آنها واگذار^{۱۲} و اعطا می کند^{۱۳}. روح القدس مأموریت های مختلف را تنظیم نموده آنها را بر افراد انطباق می دهد و اجرای آنها را تضمین می کند^{۱۴}.

^{۱۱}عبر ۳: ۱-۲: ۱۳: ۲۰: ۱-پطرس ۲: ۲۵-۱۲ع ۲۰: ۲۴: روم ۱: ۵: ۱-قرن ۴: ۵: ۵-۴: ۵: ۱۲: ۵-مت ۱۳: ۴۰: ۱۰ (۱۶: ۱۰)؛ یو ۱۳: ۲۰: ۲-قرن ۵: ۲۰-۱۴-قرن ۱۲: ۱۱-۴: ۱۸: ۱۴: ۲۶: افس ۴: ۷-۱۶.

۳) کلیسا بر اساس تمایز بعضی ها همه پایه ریزی شده است یعنی بعضی ها در خدمت همه هستند. دو مأموریت اصلی عبارتند از: در خدمت کلام^{۱۵} بودن و در خدمت همبستگی برادرانه بودن^{۱۶}. بر این پایه تنوع بزرگ مأموریت ها (رسالت ها) وجود دارد که بر حسب تغییرات اوضاع برقرار می شوند مانند مدیریت/راهبری (*اسقف، *کشیش، *شماس)، تعاون، معاونت/دستیاری (و نیز جمع اعانه)، عطیة قدرت *شفا دادن و غیره و به علاوه *رسالت و *نبوت^{۱۷}. در صورتی که موردی وجود داشته باشد، فیوض لازم جهت اجرای مأموریت توسط *دستگذاری انتقال داده می شوند. همه مسیحیان اعم از زن و مردی می توانند یک چنین مأموریتی برعهده داشته باشند هرچند که عنوان اسقف و کشیش به زن ها تعلق ندارد.

^{۱۵}روم ۱۲: ۶-۸: ۱-قرن ۱۲: ۸: ۱-تیمو ۳: ۲: ۷: ۱۳: ۱-پطرس ۴: ۱۱-۱۶ روم ۱۳: ۸: ۱۳: ۱-قرن ۱۲: ۹-۱۰: ۲۸: ۳۰: ۱-تسا ۵: ۱۲: ۱-تیمو ۱: ۳: ۵: ۱۷: ۱-پطرس ۵: ۶-۱۷ع ۲۸: ۲۰: روم ۱۲: ۴-۸: ۱-قرن ۱۲: ۹: ۲۸: ۳۰: ۱-تسا ۳: ۱: ۵: ۱۷: ۱-پطرس ۵: ۵.
◀ رسولان - خادم - کلیسا - اسقف - پیر، شیخ - خدمتگزاری.

[مانویت]

مکتبی است الهام یافته از مانی شخصیت ایرانی، در قرن سوم میلادی که طبق آن خوبی و بدی دویایه اصلی وجود می باشند که مستقل از هم بوده و همواره با هم در مبارزه هستند.

ماه (قمر)

یونانی: selènè ماه نو (هلال) (یونانی: neomènia) بی آنکه ابزار یکی از *آئین های مذهبی^۱ باشد مشخص کننده *تقویم اعیاد^۲ می باشد و حقیقتاً بر انسان ها اثر می گذارد^۳. در روز واپسین طبق تصویرهای زمان آخر، ماه رنگ سفید و نیز تابش خود را خواهد باخت^۴. قرار دادن ماه زیر پای زن به معنای اینست که زن بر تسلسل زمان ها تسلط دارد^۵.
^۱ تث ۴: ۱۹: ۱۷: ۳: ۸: ۲: ۲-پاد ۲۳: ۵-۲ پیدا ۱: ۱۴: لاو ۲۳: اعد ۱۰: ۱۰: مز ۸۱: ۴: اش ۱: ۱۳: هو ۱۳: ۲: کول ۱۶: ۲-
^۳ مز ۱۲۱: ۶: مت ۴: ۲۴: ۱۷: ۱۵-اش ۲۴: ۲۳: ۳۰: ۲۶: یول ۴: ۳: مت ۲۴: ۲۹ (= مر ۱۳: ۲۴): لو ۲۱: ۲۵: ۲: ۲۰: ۱-
قرن ۱۵: ۴۱: مکا ۶: ۱۲: ۸: ۱۲: ۲۳: ۲۱: ۵ مکا ۱۲: ۱ □

ماه (برج)

۱) ماه (یونانی: mèn) با تحولات قمر ماه ارتباط دارد. ماه (yèrah, mèn) و قمر ماه (yàréah, mèn) از یک ریشه مشتق می شوند. ماه ها به طور متناوب از ۲۹ یا ۳۰ روز تشکیل می شوند. (طبق علم نجوم طول متوسط ماه ۲۹ روز و ۱۲ ساعت، ۴۴ دقیقه و ۲/۸ ثانیه می باشد). ماه ها دارای نام (که در کتاب عهد جدید به آنها اشاره نمی شود) و شماره ردیف هستند که اولین ماه عبارت بوده است از ماه نیسان (مارس-آوریل).

۲) به علت نظریه ارتباط تقویم و آئین عبادت، واژه «ماه» ممکن است معنای «عید مذهبی» را به خود بگیرد^۱.
dneó-menieā که می تواند به معنای «ماه نو» یا «قمر ماه تازه»^۲ باشد، با تشریفات و همراه با قربانی جشن گرفته می شد^۳.

^۱غلا ۴: ۱۰-کول ۲: ۱۶-۳ اعد ۲۸: ۱۱-۱۵: حزق ۴۶: ۶-۷.

◀ تقویم - ماه - نیسان.

ماه زده

از لاتین: lunaticus، یونانی selèniakos (از فعل selèniazomai به معنای «زیر نفوذ ماه بودن»). شخص بیماری که تصور می شد تحت تأثیر مراحل ماه واقع می شود و به طور موقت «گرفتار» تشنجاتی می گردد که به ارواح شر نسبت داده می شود. با بیمار صرعی قابل مقایسه است. شفای این بیماری به رهایی *جن زدگان^۱ شباهت دارد.
^۱مت ۴: ۲۴: ۱۷: ۱۵ □

ماه نو

یونانی: neomènia از neos به معنای «نو» و mènè به معنای «ماه». «هلال تازه، ماه نو، روز اول ماه»^۱.
^۱غلا ۴: ۱۰: کول ۲: ۱۶ □
 ◀ سال - تقویم - ماه، ماه (برج).

ماهوت

یونانی: sindôn. پارچه ای کتانی یا پشمی مناسب برای لباس یا حجاب^۱.
^۱مر ۱۴: ۵۱-۵۲ □
 ◀ کفن - دستمال.

ماهی

یونانی: ikhthys. ماده غذایی معمول و دارای ارزش اقتصادی^۱. احکام مربوط به خوراکی ها، مصرف ماهی بدون پر و فلس را منع می کرد^۲. ماهی خشک (opsarion)^۳ نیز مصرف می شد. مسیحیان اولیه مسیح را با علامت ماهی نشان می دادند که حروف ikhthys حروف اول جمله Ièsous Khristos Theou Yios Sôtèr به معنای «عیسی مسیح خدا پسر نجات دهنده» را تشکیل می دهد.
^۱مت ۷: ۱۰ (= لو ۱۱: ۱۱): ۱۴: ۱۷-۱۹ = (مر ۶: ۳۸، ۴۱، ۴۳ = لو ۹: ۱۳، ۱۶): ۱۵: ۳۴، ۳۶ (= مر ۸: ۷): ۱۷: ۲۷: ۵: ۶، ۹: ۲۴: ۴۲: یو ۶: ۲۱، ۸، ۱۱ — لا ۱۱: ۹-۱۲: ۱-قرن ۱۵: ۳۹: ر. ک. مت ۱۳: ۴۷-۴۸ — یو ۶: ۹، ۱۱: ۲۱: ۹-۱۰، ۱۳.
 ◀ مقدمه، فصل دوم؛ ۶: فصل هشتم؛ ۱، د، الف - اژدها - صید ماهی.

[مباحثه]

مباحثه یک سبک ادبی است که طبق آن گفتگوئی مفصل در مورد یک موضوع آزاد در می گیرد فی المثل مت ۱۵: ۲۲-۲۲.

متون بر حق متأخر

از یونانی: deuterios به معنای «دوم» و kanôn به معنای «قاعده (قاعده ایمان)». این واژه به کتاب های الهامی یافته که به *قاعده (canon) = کتاب های مرجع کتاب مقدس دارند و گروه بندی آنها تنها در دوره های متأخر انجام پذیرفته است اطلاق می شود. در واژه شناسی پروتستان، این کتاب ها * «کتاب های تحریفی» نامیده شده اند که به قاعده (canon) تعلق ندارد و عبارتند از: در کتاب عهد عتیق: یودیت، طوبیت، *اول و دوم مکابیان، *حکمت سلیمان، *حکمت بن سیراخ و باروخ (ابواب ۱-۵)، نامه ارمیاء (باروخ ۶)، دکلمه های استر و *دانیال (دان ۱۳ = سوسن، دان ۱۴ = بل و اژدها). هفت اثر وارد شده در کتاب عهد جدید هرچند که در ادوار مسیحیت ابتدائی مورد بحث های فراوان واقع شده بودند توسط پروتستان ها و کاتولیک ها هر دو به عنوان کتاب های برحق پذیرفته شده اند که عبارتند

از: رساله به عبرانیان، رساله یعقوب، رساله دوم پطرس، رساله های دوم و سوم یوحنا، رساله یهودا، مکاشفه و چند قطعه دیگر به ترتیب زیر: مر ۱۶: ۹-۲۰؛ لو ۲۲: ۴۳-۴۴؛ یو ۵: ۳-۴، ۷: ۵۳-۸؛ ۱۱: ۱-۵؛ ۷. مقدمه: فصل دوازدهم - تحریفی - کتاب مقدس - فهرست کتاب های مقدس معتبر.

متی

یونانی: Maththaios. نام باجگیر و جمع کننده مالیات و عوارض که به نام متی ملقب به لاوی مشخص شده است. یکی از دوازده حواری. طبق سنت او مؤلف انجیل نخست بوده است.^۱
^۱ مت ۹: ۹؛ ۱۰: ۳؛ مر ۳: ۱۸؛ ۶: ۱۵؛ ۱۳: ۱؛ ۱۳: ۲؛ ۱۴: ۱ (= لو ۵: ۲۷-۲۹) □

متی (انجیل)

اولین انجیل از مجموعه چهار انجیل است که بر حسب روایت به شاگردی به همین نام نسبت داده می شود. این انجیل هرچند انعکاسی از سنت های فلسطینی است با این حال ترجمه ای از اصل متن آرامی نیست بلکه دارای انشاء یونانی بوده است. این انجیل که در حدود سال های ۸۰-۹۰ میلادی کتابت شده است، به عقیده بعضی ها خطاب به ایمانداران برآمده از یهودیت و طبق گمان بعضی دیگر خطاب به مسیحیان یونانی گرا می باشد. این انجیل که در ایمان و برای ایمان نگاشته شده است به اهمیتی که در آن به تعلیمات عیسی داده می شود مشخص بود. و پیام مسیح را به صورت موجودیتی معرفی می کند که از قدرت آموزه ای برخوردار است. این انجیل به اعلی درجه انجیل کلیسا می باشد. مقدمه، فصل پانزدهم.

متیاس

یونانی: Matthias نام اختصاری Mattathias نام شاگردی است که جانشین یهودای اسخریوطی شد و در شمار یکی از *حواریون قرار گرفت.^۱
^۱ اع ۱: ۲۳، ۲۶ □

مثل

۱) چندین واژه خصوصیات شیوه ادبی ای را که از قیاس و معما ناشی می شود مشخص می کنند. واژه های یونانی parabolè و ballô به معنای «به موازات قرار دادن» و واژه paromia به معنای بسیار گسترده ای با واژه های عبری mâchâl و hîddâ مطابقت می کند. این واژه ها در واقع نه تنها وسعت قیاس را بلکه هم چنین رمز و قیاس استعاره آمیز را مشخص می کنند و هدف آنها هم ارائه تصویر و هم دعوت به جستجوی معنا می باشد.

۲) اناجیل *نظیر مثل را به عنوان یک اندرز یا یک مثال مورد ذکر قرار می دهند^۱ که معمولاً عبارتست از قیاس گسترده ای که در روایتی جالب گنجانیده شده است مثلاً مثل مربوط به ملکوت خدا، تاکبانان قاتل، جشن عروسی، درخت انجیر، شیطانی که شیطان را اخراج می کند، کاه و تیر، شخص ثروتمند، خدمتکار هشیار، درخت انجیر بی بار، دعوت به شام، گوسفند گمشده، داور غیرعادل و زن بیوه، شخص فریسی و باجگیر، پول قنطارها (مین)^۲. عناصر مختلف این مثل که جدا از زمینه متن هستند معنای خاصی ندارند و تنها متوجه یک تعلیم به خصوص هستند.

^۱ مت ۱۵: ۱۵ (= مر ۷: ۱۷)؛ لو ۴: ۲۳؛ ۵: ۳۶ — مت ۱۳ (= مر ۴: ۸)؛ ۲۱: ۳۳-۴۵ (= مر ۱۱-۱۲؛ ۲۰-۲۱)؛ ۱۸-۹: ۱۸؛ ۲۲: ۱-۱۴ (= لو ۱۵: ۱۴-۲۴)؛ ۲۴: ۳۲؛ ۴۱: ۱۳؛ ۶: ۱۴؛ ۷: ۱۵؛ ۱۸: ۱؛ ۱۸: ۹؛ ۱۹: ۱۱.

۳) یوحنا واژه یونانی paromia را بر parrèsia به معنای «آزادی بیان»^۳ که به واژه معنایی اسرارآمیزتر می بخشد، ترجیح می دهد. با این وجود قابل ذکر این است که این واژه به مصداق ضرب المثل نیز مورد استفاده می باشد.^۴ از

مقایسه مثل های یوحنائی از نظر محتوا و ایهام و تمثیلی که در آنهاست، با وجود اینکه همگی مثل هستند، اما هر یک از جزئیات مختلف و معنای خاصی برخوردار می باشند مثلاً شبان نیکو و تاک حقیقی^۵.

^۳ یو ۱۶: ۲۵-۲۹ — ۲۲-۲۳ پتر ۲: ۲۲ — ۵ یو ۱۰: ۶: ۱۵: ۱-۶.

(۴) واژه parabolē، هم چنین به مصداق نماد یا مجاز/ کنایه نیز بکار برده می شود^۶.

^۶ عبر ۹: ۱۱: ۱۹.

◀ استعاره - تعلیم - راز - مکاشفه - حکمت

مجازات

(۱) یونانی: kolazō به معنای جدا کردن، قطع، حذف چیزهای زاید و نیز منع کردن است که از آن معنای «مجازات، تنبیه» حاصل می شود. این واژه شامل یک وجه آموزشی است که با سنت آموزشی یهوه که برای هدایت امت خود به سوی گناه نکردن به کار می برد مطابقت می کند. مجازات جهت آشکار سازی محبت خدا و دگرسانی امت گناهکار^۱ تعیین شده است. در کتاب عهد جدید علاوه بر معنای معمولی^۲ یک متن وجود دارد که از «کیفر قطعی»^۳ صحبت می کند و برای آنهایی مقدر شده است که از بازگشت به سوی خدا را اجتناب می کنند. به علاوه این واژه اجازه می دهد که *ترس در قبال *محبت قرار گیرد^۴.

^۱ خروج ۵: ۲۰؛ ۷: ۳۴؛ حزق ۱۰: ۱۱؛ ۱۵: ۷؛ ۳۱: ۱۸؛ هو ۱۱: ۹ — ^۲ اع ۲۱: ۴ — ^۳ مت ۴۶: ۲۵؛ ر. ک ۲- پتر ۲: ۹ — ^۴ یو ۱۸: ۴.

(۲) یونانی: timōreō (وابسته به واژه timē یعنی «شرف»)^۵ به معنای پشتیبانی از شرف، دادخواهی (یونانی: dikē)، به منظور انتقام گرفتن از کسی که خطا کرده است: با پس زمینه ای از طرح ارتباطات یک عدالت انتقامجو، یعنی عدالت قدرت های مسئول در شهر (یونانی: ek-dikos)^۶.

منظور این عدالت، قبل از هر چیز مجازاتی است که خطاکار لایق آن است.

^۵ اع ۲۲: ۵؛ ۲۶: ۱۱؛ ۲- قرن ۲: ۶؛ عبر ۱۰: ۲۹ — ^۶ روم ۱۳: ۴؛ ۱- پتر ۲: ۱۴؛ ر. ک یهودیه ۷.

◀ غضب - جهنم، وادی مردگان - عدالت - انتقام.

[مجازات مرگ]

در اسرائیل آشد مجازات اصلی *سنگسار کردن می باشد. سربریدن^۱، به صلیب کشیدن و نیز کشتن با شمشیر^۲ از رسوم رومی برمی خیزند.

^۱ مت ۱۴: ۱۰؛ مر ۶: ۱۶؛ ۲۷: ۹؛ لو ۹: ۹ — ^۲ اع ۱۲: ۲.

◀ مقدمه، فصل چهارم، ۲، ب ۲: فصل ششم، ۴، الف و ج ۳.

مجدل

محلی شناخته نشده در ساحل دریاچه جنیسارت؛ مرقس ۸: ۱۰ آن را دلمانوته ذکر می کند^۱.

^۱ مت ۳۹: ۱۵ □

مجدلی

اهل مجدلیه (ر. ک عبری migdol به معنای «دور»). که شهری است واقع در کنار دریاچه جلیل در شمال طبریه. آن را گاهی با Magadan و دلمانوته یکی می دانند. مشخص کننده نام مریم مجدلیه.

مجمع

کلمات زیادی بیانگر گروه انسانی هایی هستند که در یک مکان و برای منظوری مشترک «گرد هم می آیند» (یونانی: syn-erkhomai)^۱. چنین واژه هایی به طرزی یکسان در مورد مجمعی غیرمذهبی یا مجمعی یهودی و مسیحی به کار

می‌رود. کلمه یونانی *plèthos* اندیشه جمعیت فراوان یا جماعت^۲ را تداعی می‌سازد و واژه یونانی *dèmos* اشاره‌ای است به مجمع عمومی مردم^۳، همین‌طور کلمه نادر *agoraios*^۴، اما در مورد واژه‌های متداول تری نظیر *ekklesia* و *synagògè* باید گفت که منظور از آنها همان اجتماع مذهبی است (که به ندرت غیر مذهبی می‌باشد)^۵: *synagògè* *دادگاه عالی یهود^۶، مسیحیان^۷ یا حتی تجمع آسمانی^۸، و *ekklesia* به عبرانیان در صحرا^۹ و نیز معمولاً به گردهم‌آیی‌های مسیحیان^{۱۰} اطلاق می‌شود.

^۱مر ۵۳:۱۴؛ یو ۲۰:۱۸؛ اع ۶:۱؛ ۲۷:۱۰؛ ۱۳:۱۶؛ ۱۹:۳۲؛ ۲۲:۳۰؛ ۲۸:۱۷؛ ۱-قرن ۱۱:۱۷، ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۳۴، ۲۳:۲۶-
^۲اع ۵:۲۶، ۵:۱۵، ۱۲:۳۰، ۱۹:۹، ۲۳:۷؛ ر.ک. لو ۲۳:۱-^۳اع ۱۷:۵، ۱۹:۳۰، ۳۷:۳۷؛ ر.ک. ۱۲:۲۲-^۴اع ۱۹:۳۸-
^۵اع ۱۹:۳۲، ۳۹:۴۰-^۶مت ۲۶:۵۷؛ لو ۲۲:۶۶؛ یو ۱۱:۴۷؛ اع ۴:۵-^۷اع ۱۵:۶، ۳۰:۳۰؛ یح ۲:۲-^۸تسا ۱:۲-
^۹اع ۷:۳۸-^{۱۰}قرن ۱۱:۱۸، ۱۴:۴، ۵:۱۲، ۱۹:۲۸، ۳۴:۳۵؛ عبر ۱۲:۱۲، ۲۳:۲۳.
 ◀ معبر - کلیسا - قوم - کنیسه.

مجوسیان

یونانی: *magēs* طبق گفته هروودوت در اصل نام یک قوم ایرانی است که دارای وظایف روحانی بودند و در تفسیر و تعبیر پدیده‌های آسمانی^۱ تخصص داشتند. مجوس‌های مورد ذکر متی اشخاصی هستند حکیم و به دور از دنیای یهود^۲. درباره آنها نه می‌توان گفت که «شاه» بودند و هم چنین نمی‌توان گفت که «سه» نفر بودند. در محیط یونانی این نام بر جادوگران نهاده می‌شد^۳.

^۱ار ۳۹:۳، ۱۳:۱۳؛ دان ۱:۲۰؛ ۲:۲-۱۰-۲۷:۴؛ ۵:۷، ۱۱:۱۵-^۲مت ۲:۷، ۱۶-^۳اع ۸:۹، ۱۱:۱۳؛ ۶:۸-
 [محاکمه عیسی]

[محاکمه عیسی]

(۱) محاکمه عیسی در چهار روایت قابل *مقابله^۱ که اختلافاتی با هم دارند ولی در اصل با هم تطابق دارند نقل شده است. این روایت‌ها شامل صورت جلسه جلسات محاکمه نیستند بلکه شهادت ایمان مسیحی هستند که گرایش‌های تدافعی بارز دارند. البته باز سازی جزئیات آن جلسات هم همراه با اشکال است. روایات دیگر کتاب عهد جدید در این باره، حاوی چند نتیجه از جمله موارد زیر هستند: نه حاضر شدن پطرس و یوحنا در محاکمه^۲ و نه حاضر شدن دوازده تن^۳ بلکه محاکمات پولس در برابر غالبون^۴، در برابر دادگاه عالی یهود^۵، در برابر فلیکس^۶، در برابر فستوس و اغریپاس^۷ و بالاخره سنگسار استیفان^۸؛ تاریخ نویسان در این امر توافق کامل دارند که مجازات مرگ به تصمیم والی وابسته بوده است، درست از همان زمانی که او قدرت خود را اعمال می‌کرد، بنابراین نه لزوماً در مورد از بین بردن یحیی تعمید دهنده توسط هیروودیس^۹ یا کشتن یعقوب توسط اغریپاس^{۱۰}. تنها سنگسار استیفان تخطی از قانون *jus gladii* که مخصوص استانداران بود به نظر می‌رسد.

^۱مت ۲۶:۵۷، ۲۷:۳۱؛ مر ۱۴:۵۳، ۱۵:۲۰؛ لو ۲۲:۵۴، ۲۳:۲۵؛ یو ۱۸:۱۲، ۱۹:۱۶-^۲اع ۵:۴-^۳اع ۵:۱۷-۴۱-
^۴اع ۱۸:۱۲-۱۷-^۵اع ۲۲:۳۰، ۲۳:۱۰-^۶اع ۲۳:۳۳، ۲۴:۲۶-^۷اع ۲۵:۱، ۲۶:۳۲-^۸اع ۶:۸، ۷:۶۰-^۹مت ۱۴:۳-
 ۱۱ (= مر ۱۷-۲۹ = لو ۱۹-۲۰)؛ ر.ک. لو ۲۳:۱۱-۱۰-^{۱۰}اع ۱۲:۶-.

(۲) آشنایی با جریان قضایی محاکمات آن دوره تنها از راه قانون میشنا که مربوط به ۱۵۰ سال بعد از میلاد است امکان پذیر می‌باشد و از همین جا مشکلاتی در تطابق داده‌ها و روایات انجیل بروز می‌کنند. طبق میشنا اعضای دادگاه عالی یهود به ریاست کاهن اعظم دور تا دور روی پله‌ها می‌نشستند. متهم و مدعی و شاهد در وسط قرار می‌گرفتند. محاکمه در طی شب در روزهای عید و در شب عید نمی‌توانست انجام گیرد. متهم و کیلی در کنار خود داشت. قبل از محاکمه، قاصدی سرتاسر کشور را جهت فراخواندن شاهدان دور می‌زد. تنها یک شاهد برای تبرئه

کافی بود ولی در عوض محکوم کردن به دو شاهد احتیاج داشت. حکم محکومیت نمی توانست در کمتر از ۲۴ ساعت بعد از اولین نشست اعلام شود. ماهیت محکوم کردن کفر هنوز مورد بحث می باشد.

◀ مقدمه، فصل ششم، ۴ ج - سانهدرین.

محبت

(الف) لاتین: caritas (مشتق از carus به معنی «گرامی، گران قیمت»)، برگردان agape یونانی به معنای «محبت» که ممکن است نسبت به خدا یا هممنوع باشد^۱.

۱- قرن ۱۳.

◀ محبت - صدقه.

(ب) عبری: ahâbâ؛ یونانی: agape

(۱) کلمه مزبور به عنوان یک اسم در زبان غیر مذهبی تقریباً ناشناخته است، لیکن به صورت فعل دارای کاربرد می باشد: agapaô به معنی «با محبت و عاطفه پذیرفتن» است به ویژه پذیرفتن و استقبال از یک کودک و یک مهمان. این واژه خصلت عمیق «تمایلی» مهرآمیز را «نسبت» به کسی بیان می دارد (یونانی philia, phileô) و هرگز واژه erôs (یا «عشق شهوانی») را به جای آن به کار نبرده اند. آن چه که در عهد عتیق به درک ما از محبت ویژگی می بخشد، پیوند اساسی آن با *برگزیدگی است: پیش از آن که کتاب تثبیه به این اندیشه نظام بخشد. اولین مؤلفین کتاب مقدس نشان می دهند که خداوند انسان ها یا قوم را انتخاب می نماید و در جهت منافع ایشان عمل می نماید. جلوه های محبت خداوند که همیشه ابتکار^۱ عمل را در دست دارد عبارتند از *عدالت، *شریعت، *فیض و *میراث. سنت نبوی بعد از هوشع، محبت خداوندی را به دلیل خصلت وفاداری اش^۲، به محبت زناشویی عاشقانه تشبیه می کند و همگی تأکید می کنند که پاسخ انسان باید دوست داشتن خداوند باشد که صحت آن از طریق *اطاعت و *وفاداری^۳ نمایان می گردد. شریعت توصیه می کند که *همسایه خود را چون خویش^۴، یعنی چون زندگانی خویش که نمی توان آن را منفور داشت، دوست بداریم.

۱ تث: ۵: ۷-۱۱-۲ اش: ۴: ۵-۸؛ ۲: ۳-۱۰؛ ۳: ۳۱-۴؛ هو: ۳-۱۱-۳ خروج: ۲۰: ۶؛ تث: ۱۰: ۱۲-۱۳-۲ لاو: ۱۹: ۱۸.

(۲) علی رغم آن که روایات نظیر، عیسی را به عنوان پسر *حبیب (یونانی: agapetos)^۵ معرفی می کنند، صریحاً از محبت خدا نسبت به انسان ها صحبت نکرده، بلکه از *رحمت^۶ او سخن به میان می آورند. عیسی نه از طریق کلمات بلکه توسط رفتار و تعلیمات خویش، عشق الهی^۷ را آشکار ساخت. نوآوری عیسی در ارتباط با عهد عتیق این است که *حکم محبت نسبت به همسایه را هم ردیف محبت نسبت به خدا^۸ قرار داد و بر روی پایه های آن پی ریزی می کند و هنگامی که محبت نسبت به *دشمنان^۹ را توصیه می کند، از لحاظ بنیادین فراتر از سنت یهودی می رود.

۵ مت: ۳: ۱۷ (= مر: ۱۱ = لو: ۳: ۲۲)، ۱۲: ۱۸، ۱۷: ۵ (= مر: ۷ = لو: ۹: ۳۵)؛ مر: ۱۲: ۶ (= لو: ۲۰: ۱۳) - مت: ۹: ۱۳ (= ۷: ۱۲)

۷ مت: ۱۸: ۳۳-۱۵ - مت: ۲۲: ۳۷، ۳۹ (= مر: ۱۲: ۳۰، ۳۱، ۳۳ = لو: ۱۰: ۲۷) - مت: ۵: ۴۳-۴۶؛ لو: ۶: ۲۷، ۳۲، ۳۵.

(۳) پولس در مقام وارث عهد عتیق، معمولاً محبت و *برگزیدگی^{۱۰} را به هم پیوند می دهد، بدین معنی از نظر او «خواننده شدگان» همان «محبوبان» می باشند (یونانی: agapetoi)^{۱۱}. پیشوایی محبت در عمل *نجات^{۱۲} متجلی می شود، به نحوی که خود عیسی با ایثار خویش محبت^{۱۳} خود را ظاهر می کند. محبت، انسان ها را از یوغ *خشم آزاد ساخته، آنان را با خداوند *آشتی می دهد زیرا که محبت قوی تر از موت^{۱۴} است، به عبارتی می توان گفت که خداوند و محبت ذات واحدی دارند^{۱۵}. سرانجام محبت عیسی به صورت محبت زناشویی ترسیم شده است نه از جهت سمبل عاشقانه آن بلکه برای تأکید بر روی محبت برگزیدگی و امر وفاداری^{۱۶}.

ایماندار عادل شمرده شده، به فیض روح القدس خود را محبوب خداوند^{۱۷} بازمی شناسد و در پاسخ این محبت، قدردانی خود را اعلام داشته، ایمانی را که با محبت^{۱۸} پیوند خورد، و به ندرت خود محبت^{۱۹} را، تقدیم می دارد.

^{۱۰} روم ۹: ۱۳، ۲۵، ۱۱: ۲۸ — ^{۱۱} روم ۷: کول ۳: ۱۲ — روم ۸: ۵، ۸: ۳۵ — ^{۱۳} ۲ — قرن ۵: ۱۴ و ۱۵: غلا ۲: ۲۰: ۲ —
 تسلا ۲: ۱۳: افس ۳: ۱۹، ۲: ۵ — ^{۱۴} روم ۳۷: ۱ — قرن ۱۵: ۵۵: ۲ — قرن ۵: ۱: ۱ — تسلا ۱: ۱۰ — ^{۱۵} ۲ — قرن ۱۳: ۱۱، ۱۳ —
^{۱۶} افس ۵: ۲۵ — روم ۵: ۵، ۱۵: ۳۰ — ^{۱۸} افس ۶: ۲۳: ۱ — تسلا ۱: ۳، ۳: ۵، ۶: ۸: ۱ — تیمو ۱: ۱۴ — ^{۱۹} روم ۸: ۲۸: ۱ — قرن ۲: ۹: ۱: ۵ —
 ۳: ۸ — روم ۱۳: ۸ — ۱۰: ۱۴: ۱ — غلا ۵: ۱۴ — ^{۲۱} ۶ — قرن ۱۳: ۱ — ۸: ۱ — ^{۲۳} ۱ — قرن ۸: ۱، ۱۴: ۱، ۱۶: ۱۴: ۱ — افس ۱: ۱۵: ۳ —
 ۱۷: ۴: ۱۶: ۱: ۲: ۱: کول ۲: ۲: ۲ — تسلا ۱: ۳.

٢٣-١٦:٤، ٨، ١٦ - ٢٥-١٦:٣، ١، ١٦ - ٢٦-١٩:٤، ١، ٣١:٤ - ٢٧-١٦:٢٦، ٢٨-٢١:١٤ - ٢٩-١٣:٣٤، ١ -
٢٠:٤ - ٣٠-١٣:٣، ١٠، ٧:٤، ٨، ٢٠، ٢١.

۳۱ مت ۶: ۵، ۲۳: ۶؛ لو: ۷: ۶، ۱۱: ۵-۸، ۱۴: ۱۰، ۱۲، ۱۵: ۶-۹، ۲۹، ۱۶: ۹، ۲۱: ۱۶، ۲۰: ۴۶، ۲۳: ۱۲؛ یو: ۱۹: ۱۲؛ اع: ۱۰: ۲۴؛
 ۱۹: ۳۱، ۲۷: ۳، ۲۸: ۲، ۷: ۲؛ تیط: ۸: ۱؛ یو: ۳: ۴، ۱۵: ۱۵، ۲۲: ۱۵ — ۳۲ یو: ۵: ۲۰، ۱۶: ۲۷؛ تیط: ۳: ۴؛ یو: ۲: ۲۳ —
 ۳۳ مت ۱۱: ۱۹ (= لو: ۷: ۳۴)؛ لو: ۱۲: ۴؛ یو: ۳: ۲۹، ۱۱: ۳، ۱۵: ۱۵-۱۳، ۲۰: ۲؛ مکا: ۳: ۱۹ — ۳۴ مت ۱۰: ۳۷؛
 یو: ۱۶: ۲۷؛ ۱- قرن ۱۶: ۲۲- ۲- تیمو: ۳: ۴ — ۳۵ یو: ۲۱: ۱۵- ۱۷ — ۳۶ روم ۱۲: ۱۰- ۱- تسا: ۴: ۹؛ تیط: ۲: ۴، ۳: ۱۵؛ عبر: ۱۳: ۱- ۱-
 بطرا: ۲۲، ۳: ۸- ۲- بطرا: ۷ — ۳۸ مت ۱۱: ۱۶، ۲۰: ۱۳، ۲۲: ۱۲، ۲۶: ۵۰ □
 محبوب - خدا - برگزیدگی - روح خدا - رحمت.

۱ مقایسه کنید مت ۱۲: ۱۸ و اش ۴۲: ۱؛ مت ۱۷: ۵ (= مر ۹: ۷) و لو ۹: ۳۵ - مت ۲: ۱۷ (= مر ۱: ۱۱ = لو ۳: ۲۲)، مر ۱۲: ۶ (= لو ۲۰: ۱۳)، ۲- پط ۱۷ - روم ۱: ۷ - اع ۱۵-۲۵: روم ۱۶: ۵، یع ۱: ۱۶ - ۱- یو ۲: ۷.
محبت - برگزیدگی - بسر خدا.

محکوم کردن

این واژه ترجمه مناسبی است برای واژه های یونانی: ^۱katakrinô، ^۲kataginoskô، ^۳dikazo، و نیز صفت epithanatos به معنای «محکوم به مرگ»^۴ که فاقد معادل عبری می باشند. در موارد دیگر، این فعل برحسب متن مربوطه از krinô به معنای «داوری کردن»^۵ می آید که این امر غالباً در مواقع ترجمه ایجاد شک و تردید می کند.^۶

^۱مت ۱۲: ۴۱-۴۴، ۲۰: ۱۸، ۲۷: ۳؛ مر ۱۰: ۳۳، ۱۴: ۶۴، ۱۶: ۱۶؛ لو ۱۱: ۳۱-۳۲؛ یو ۸: ۱۰-۱۱؛ اع ۱۶: ۳۷، ۲۲: ۲۵؛ روم ۱: ۲، ۵: ۱۶، ۱۸، ۸: ۱، ۳، ۳۴، ۱۴: ۲۲-۲۳؛ ۱-قرن ۱۱: ۳۲؛ ۲-قرن ۳: ۷، ۹: ۳؛ تیط ۳: ۱۱؛ عبر ۱۱: ۷؛ ۲-بطر ۲: ۶-۷؛ غلا ۲: ۱۱؛ تیط ۲: ۸؛ ۱-یو ۳: ۲۰-۲۱؛ ۳-مت ۱۲: ۷، ۳۷؛ لو ۳۷: ۱۵؛ یو ۵: ۶-۷؛ ۱۴-قرن ۴: ۹ □ — ۳۳: ۲۳؛ ۱۲: ۴۰؛ لو ۲۰: ۴۷، ۲۳: ۲۴، ۳۰: ۵؛ ۲۹: ۱۳؛ روم ۲۷: ۳؛ ۸: ۱۳؛ ۲-قرن ۱۱: ۲۹، ۳۴؛ غلا ۵: ۱۰؛ ۱-تیمو ۳: ۶، ۵: ۱۲؛ ۲-بطر ۲: ۳ — ۳: ۱۷-۱۹، ۱۲: ۴۷-۴۸؛ روم ۲: ۱، ۳، ۱۴: ۳-۴، ۱۰-۱۳؛ الف، کول ۲: ۱۶؛ یو ۱۴: ۱۱-۱۲.

◀ داوری.

محنت

این واژه ترتیب بعضی از واژه های دارای طعم آخرتی را که غالباً در کتاب عهد جدید با هم می آیند^۱ تغییر می دهد و یک حالت تنگنا (یونانی: anagkè) فشار (یونانی: thlipsis) له شدگی (یونانی: stenokhōria)، یعنی ذلت و *آزمایش در حد اعلا را توصیف می کند. این اصطلاحات که از سنت *دانیالی به ارث برده شده اند خصوصیات *زمانی مشخص کننده *ظهور نهایی مسیح^۲ را تشریح می نمایند. در واقع قبل از *نجات «باید» دوره ای از بلایا مانند نفرت، آزار و تعقیب، جنایت، مرگ و غیره^۳ وجود داشته باشد. کلیساها یک چنین فشاری^۴ را به خود دیده اند به خصوص پولس رسول که رنج هایش تکمیل کننده *رنج و عذاب مسیح^۵ بوده اند. تمامی ایمانداران از این فشار تعمیم یافته خواهند گذشت^۶ و با این علم آنها نباید دچار شگفت زدگی^۷ شوند بلکه باید این آزمایش را با *بردباری پا برجایی^۸ و حتی با شادی همانند شادی زنی که در انتظار زاده شدن فرزندش^۹ است تحمل نمایند.

^۱روم ۲: ۹؛ ۸: ۳۵؛ ۲-قرن ۶: ۴؛ ر. ک. تث ۲۸: ۵۵؛ اش ۸: ۲۲؛ ۳۰: ۶ — ۲-دان ۱۲: ۱؛ مت ۲۴: ۲۱ (= مر ۱۳: ۱۹) — ۳-دان ۱۰: ۲۸-۲۹، ۴۵: ۴؛ اع ۲۰: ۲۳؛ ۱-تسا ۳: ۳؛ مکا ۲: ۹-۲۲؛ ۷: ۱۴ — ۴-اع ۱۱: ۱۹؛ ۲-قرن ۱: ۴؛ ۸: ۲؛ فی ۴: ۱۴؛ ۱-تسا ۱: ۶؛ ۷: ۲-تسا ۱: ۴؛ عبر ۱۰: ۳۳؛ مکا ۹: ۲؛ ۱۰: ۲ — ۵-کول ۱: ۲۴؛ ر. ک. ۲-قرن ۱: ۴؛ ۷: ۸؛ ۴: ۵-۷؛ ۱-تسا ۷: ۷ — ۶-مت ۱۳: ۲۱ (= مر ۴: ۱۷)؛ ۲۴: ۹ — ۷-اع ۱۴: ۲۲؛ ۱-تسا ۳: ۴؛ ۱-بطر ۴: ۱۲ — ۸-روم ۵: ۳-۵؛ ۸: ۳۵؛ ۲-تسا ۱: ۴-۷ — ۹-یو ۱۶: ۲۱-۲۲؛ روم ۸: ۲۲.

◀ امتحان - جفا - رنج بردن.

[محیط زندگی]

اصطلاحی است که برگردان عبارت فنی آلمانی Sitz im Leben می باشد.

(۱) در *نقد ادبی به معنای محیطی است که در آن سنت ادبی «شکل یافته» است. مثلاً می توان آن را برحسب فعالیت های اختصاصی، اعمال آئین عبادتی، آموزش دینی، بشارتی یا برحسب محتوای ایمانی، محتوای رستاخیز عیسی و محیط ماقبل رستاخیز عیسی متمایز کرد.

(۲) این اصطلاح را نباید با مختصات وقایع (زمان) اشتباه کرد؛ تعیین این مختصات از *نقد تاریخی حاصل می شود.

◀ تاریخ شکل گیری متن - نوع نگارش ادبی

مر

یونانی: smyrna، عبری môr (مشتق از ریشه گیاهی به معنای «تلخ»). عبارت از روغنی است گران قیمت که از صمغ قرمزی که از عربستان وارد می شد می گرفتند تا به مصرف تهیه *عطرهای مخصوص *عروسی^۱ و *تدفین^۲ به کار برده

می شد.^۳ این روغن یکی از مواد تشکیل دهنده روغن تذهینی است و بنابراین می تواند به عنوان روغن تقدیمی به کار برده شود. مَر در صورتی که با *شراب مخلوط شود مزه آن را تلخ کرده و بر خاصیت سست کننده آن می افزاید. طبق عادت یهودیان شربت آن گاهی به محکومان به اعدام داده می شد.^۴

^۱ مز ۸:۹؛ امث ۷:۱۷؛ غزل ۱۳:۴؛ ۱۴:۵؛ ۱۳:۵؛ ۱۳:۵ — ^۲ یو ۱۹:۳۹ — ^۳ خروج ۳۰:۲۳-۳۵؛ مت ۲:۱۱ — ^۴ مر ۱۵:۲۳. ◀ عطر - سرکه.

مراقبت‌ها/ دلواپسی

(۱) واژه ای است مبهم که هم دلسوزی و هم تشویش را معنا می دهد دو واژه یونانی می توانند دارای معنای دوگانه فوق الذکر باشند: (ML) melô که بیشتر به معنای مشغولیت، دلواپسی، عطف توجه نزدیک است و (MR) merimnaô به مفهوم اشتغال خاطر و نگرانی نزدیک تر است. اختلاف در هر دو مورد به خوبی روشن است فی المثل در مورد مرتا و مریم^۱ و نیز در مورد دلسوزی خدا در برابر نگرانی انسان^۲.

^۱ قیاس: لو ۱۰:۴۰ (ML) و ۱۰:۴۱ (MR) — ^۲ پتر ۵:۷ (ML/MR)

(۲) این اصطلاح هرگاه در مورد انسان ها یا کلیسا^۳ باشد غالباً حالت مثبت را دارد اما در بیشتر اوقات در برابر آن چه که کسی را به آن کاری نیست^۴ حالت منفی را دارد و گاهی نیز حد بین این معنا و معنای بعدی محو می باشد.^۵

^۳ لو ۱۰:۳۴-۳۵؛ ۸:۱۵؛ اع ۲۷:۳؛ ۱- تیمو ۳:۵؛ ۴:۱۵ (ML)؛ ۱- قرن ۱۲:۲۵؛ ۲- قرن ۱۱:۲۸؛ فی ۲:۲۰ (ML) —

^۴ ۱۶-۵:۲۲ (= مر ۱۲:۱۴)؛ مر ۴:۳۸؛ یو ۱۰:۱۳؛ ۱۲:۶؛ اع ۱۸:۱۷؛ ۱- قرن ۹:۹؛ ۱- تیمو ۴:۱۴؛ عبر ۳:۲؛ ۸:۹ (ML) — ^۵ ۱۵- قرن ۷:۳۲؛ ۳۴ (MR).

(۳) عیسی محکوم کننده دلواپسی هائی است که نگران کننده^۶ باشد به ویژه در مورد هم غم جهان^۷ به نوعی که با داشتن ایمان به آزادی راستین بتوان رسید.^۸

^۶ مت ۶:۲۵-۳۴ (= لو ۱۲:۲۲-۲۹)؛ ۱۰:۱۹ (= مر ۱۳:۱۱ = لو ۱۲:۱۱) (MR)؛ لو ۲۱:۱۴ (ML) — ^۷ مت ۱۳:۲۲ (= مر ۱۹:۸؛ ۱۴:۸) (MR) — ^۸ ۱۸- قرن ۷:۲۱ (ML)؛ فی ۴:۶ (MR).

◀ دلتنگی - اعتماد.

مربوط به عید گذر

(۱) آنچه که با ایام عید گذر در ارتباط است.

(۲) به طور ویژه آنچه که توسط ایمان مسیحیان نخست در مورد رستاخیز عیسی معین .

مربی

یونانی: paidagôgos به معنای «راهنمای اطفال». *برده ای که تکلیف داشت اطفال را نه اینکه تعلیم بدهد (که نقش پدر بوده است) بلکه تا سن بلوغ آنها را به مدرسه ببرد.^۱

^۱ ۱- قرن ۴:۱۵؛ غلا ۳:۲۴ □

◀ مقدمه، فصل نهم، ۲.

مرقس

یونانی: Markos نامی است رومی به معنای «چکش». یوحنا ملقب به مرقس، پسر مریم اورشلمی، پسر عموی برنابا و همراه نخستین سفر پولس^۱. احتمالاً با مرقسی که با پولس و با پطرس^۲ در ارتباط بوده است یکی می باشد. او طبق سنت، مؤلف انجیل دوم از مجموعه کتب برحق می باشد.

^۱ اع ۱۲:۱۲. ۱۳:۲۵. ۱۳:۵. ۱۳:۱۵. ۳۷. ۳۹ — ^۲ کول ۴:۱۰؛ ۲- تیمو ۴:۱۱؛ فیل ۲۴:۱- پتر ۵:۱۳ □

مرقس (انجیل)

قدیمی ترین *انجیل است که در روم قبل از سال ۷۰ م. (ویرانی اورشلیم) و احتمالاً بعد از سال ۶۴ م (تعقیب و زجر شکنجه زمان نرون) از روی بسیاری از روایات شفاهی یا کتبی که بعضی از آنها ممکن است به پطرس برگردد، نگارش یافته است. این انجیل که احتمالاً خطاب به غیر یهودیان است مردم را به ایمان به مسیح فرا می خواند. در سر منشأ آن صدای یک شاهد و اجتماعی که تعلیمات ایمان خود را منتقل می کنند، شنیده می شود. اختتامیهٔ مرقس (۱۶: ۲۰-۹) *بر حق است اما *موتق نمی باشد و تاریخ آن ممکن است مربوط به اواخر سدهٔ نخست باشد.

◀ مقدمه، فصل پانزدهم

مرگ

۱) بر حسب نظر مردم شناسی که در کتاب مقدس حکم فرماست، گذر از زنده بودن به زنده نبودن به عنوان جدائی روح از جسم تلقی نمی شود بلکه به عنوان از دست رفتن تمامی نیروی زندگی درک می گردد. *زندگی متوقف می شود بی آنکه موجودیت سایه در *شئول/برزخ پایان پذیرد. مرگ (یونانی nekros) چیزی جز «روح زنده» ای که از راه خلقت^۱ به وجود آمده نمی باشد، زیرا *روح آن را برای بازگشت به سوی خدا که یگانه نامیرا^۲ است ترک می کند. در کتاب عهد جدید مرگ (یونانی: thanatos) در زمینهٔ رستاخیز و نه در زمینهٔ *نامیرائی مورد بررسی است.

۱ قرن ۱۵: ۴۵ — جا ۱۲: ۷؛ ۱- تیمو ۶: ۱۶.

۲) در دورهٔ عهد جدید مسئله مرگ فردی با جدیت تمام مطرح است. بدون شک انسان تصویر پیوستن به «اجداد خفته» را^۳ (یونانی: koimaomai، از keimai به معنای «دراز کشیدن») به معنای این که مرگ به زندگی مملو از روزها (یونانی: teleutaō) ^۴ پایان می دهد در مخیله دارد اما باید قانون همگانی مرگ را که در بسیاری از موارد خشن است (یونانی: apokteino به معنای «کشتن») ^۵ نیز در مد نظر قرار داد. وارثان سنت حکمتی مانند پولس سرمنشأ مرگ را *گناه^۶ و یوحنا آن را *شیطان^۷ قرار می دهند. مرگ که سایه اش بر تمامی انسانیت^۸ سنگینی می کند حتی به یک قدرت متشخص^۹ که انسان گناهکار را زیر سلطه خود دارد، تبدیل می شود^{۱۰}.

۳- پاد ۱۴: ۱۶؛ ایوب ۱۴: ۱۲؛ اع ۱۳: ۳۶-۱ قرن ۱۱: ۳۰؛ ۱۵: ۶؛ ۱۸. ۲۰؛ ۱- ۱۴: ۱۳-۱۴؛ اع ۲: ۲۹؛ ۱۵: ۷ — ۵ مت ۲۳: ۳۷؛ لو ۱۳: ۴، ۳۱ — اع ۲۱: ۳۱؛ روم ۱۲: ۱۷؛ ۶: ۲۳-۱ قرن ۱۵: ۲۱-۲۳ — یو ۸: ۴۴؛ عبر ۲: ۱۴ — ۸ مت ۴: ۱۶؛ لو ۱: ۷۹ — ۹ ایوب ۲۸: ۲۲-۱ قرن ۱۵: ۵۶؛ مکا ۲۰: ۱۴ — ۱۰ عبر ۲: ۱۴؛ مکا ۸: ۶؛ ۸: ۸؛ ۹: ۱۸؛ ۸: ۸.

۳) مرگ عیسی از ابتدا به عنوان مرگ ارادی که جهت بازخرید گناهان همه مردم قابل قبول بود تلقی شد^{۱۱}. پولس مرگ عیسی را به این امر مرتبط می دانست که چون خدا «مسیح را از بهر ما گناه» ساخته است^{۱۲}. عیسی عقوبت نهائی گناه را که همانا مرگ است تا حد مردن بر *صلیب^{۱۳} متحمل شده است اما چون عیسی عادل بود برای ما جان سپرد^{۱۴} و ما را با خدا *آشتی^{۱۵} داده قدرت و توانایی را از گناه سلب می کند^{۱۶} بدین معنا که مرگ سلطه خود را بر عیسی^{۱۷} و از طریق او بر ما و تمامی خلقت از دست داده است^{۱۸}. مرگ در پیروزی مسیح نابود شده است^{۱۹} و اقدام پی در پی عیسی به زنده کردن اشخاص در طی زندگی میرای خود این پیروزی را از پیش نمایان می ساخته است^{۲۰}.

۱۱ مت ۲۰: ۲۸ (= مر ۱۰: ۴۵)؛ لو ۲۷: ۲۲-۲۱۲ قرن ۵: ۲۱ — ۱۳ فی ۸: ۲ — ۱۴ روم ۵: ۸-۸ — ۱۵ روم ۵: ۱۰ — ۱۶ روم ۶: ۱۰ — ۱۷ روم ۶: ۹ — ۱۸ روم ۸: ۲-۱۹. ۲۲ — ۱۹ قرن ۱۵: ۲۶-۵۴. ۵۶ — ۲۰ مت ۹: ۲۴ (= مر ۵: ۳۹؛ لو ۸: ۵۲-۵۳)؛ لو ۱۲: ۱۵؛ یو ۱۱: ۱۳-۱۴-۲۵-۲۶.

۴) هر یک از ایمانداران از راه غسل *تعمید در وضع مرگ عیسی قرار می گیرد تا که زندگی مسیح به تدریج در او ظاهر شود^{۲۱}، به عبارت دیگر او در مسیح «مرده» است^{۲۲}. ایمان به عیسی هم چنین به معنای گذر از مرگ به زندگی است^{۲۳}. مرگ جسمانی دردناک و مکروه باقی می ماند، چه پایان یافتن زندگی و از دست رفتن وسیلهٔ ارتباط یعنی جسم به معنای جذب هر آنچه که در ما میرا است^{۲۴} توسط زندگی می باشد و در این صورت مرگ ظفر است و نوید

سعادت جاودانی^{۲۵}، قطع نشدن پیوند با خدا توسط وقفه در زندگی خاکی^{۲۶} بدین معنا است که خداوند عیسی تا ابد همانی که بوده باقی می ماند^{۲۷}. بنابراین هیچ ایماندارای نباید از مرگ ترس داشته باشد^{۲۸} چه او در مسیح تا ابد زنده خواهد بود^{۲۹}.

۲۱ روم ۶: ۳-۵ - ۲۲۲-قرن ۵: ۱۴ - یو ۵: ۲۴: ۸: ۵۱: ۱۱: ۲۵: ۱-۳: ۱۴ - ۲۴-قرن ۵: ۱-۵: ۵: ر. ک ۱-قرن ۱۵: ۵۱-۵۳ - ۲۵ فی ۱: ۲۱: مکا ۱۳: ۱۴ - ۲۶-قرن ۵: ۸: فی ۱: ۲۳: ۲۷ روم ۱۴: ۸-۹ - ۲۸-قرن ۱۵: ۵۷-۵۸: عبر ۲: ۱۴ - ۲۹ یو ۱۱: ۲۵: ۲۶.

◀ مقدمه، فصل هشتم، ۲، د - نامیرائی - رنج و عذاب عیسی - محاکمه عیسی - قیام و رستاخیز - رنج - زندگی.

مروراید

یونانی: margaritès. جواهری است پرارزش و دارای قیمت بالا^۱ که در زیور آلات زنانه به کار برده می شود^۲. به صورت استعاره مبین ارزش غیرقابل ارزیابی ملکوت الهی^۳ و جلال اورشلیم آسمانی می باشد^۴.

۱ مکا ۱۸: ۱۲ - ۱۲ تیمو ۲: ۹: مکا ۱۷: ۴: ۱۸: ۱۶ - ۳ مت ۷: ۶: ۱۳: ۴۵-۴۶ - ۴ مکا ۲۱: ۲۱ □

مریخ (کوه)

یونانی: ho Areios pagos به معنی: «تپه آرس [رب النوع مریخ]» که در غرب آکروپولیس یا مرتفع ترین نقطه *آتن واقع شده است. این تپه نام خود را به شورای شهر یا دادگاه عالی مذهبی که در ابتدا مقرر آن در آنجا بود داده است، لیکن در زمان پولس این شورا در نزدیکی *معبر، در ایوان شاهانه برگزار می شد. به نظر می رسد که موعظه پولس در مورد خدای ناشناخته نه بر روی تپه بلکه در برابر شورا^۱ انجام پذیرفته باشد.

۱ اع ۱۷: ۱۹، ۲۲.

مریم

یونانی: Maria(m)، عبری Miryâm.

۱) مریم مادر عیسی که اصلش از ناصره بود، همسر *یوسف و دختر عموی *الیصابات^۱ می باشد. طبق اناجیل وی دختر *صهیون است. باکره ای که مسیح را به دنیا می آورد؛ او ایمانداري به اعلی درجه است و مادر بودن وی بیانگر ایمان و اطاعت کامل می باشد^۲. مادر عیسی در آغاز^۳ و در پایان زندگی اجتماعی پسرش حضور دارد^۴. سنت وی را به عنوان «حوای جدید» و مادر همه ایمانداران به حساب می آورد^۵.

۱ مت ۱-۲: ۱۳: ۵۵ (= مر ۳: ۳): لو ۱-۲: ۱۴: ۱۴ - ۲ لو ۱: ۴۵: ۳۸: ۱۱: ۲۷-۲۸ - ۳ یو ۲: ۱-۱۲ - ۴ لو ۱۹: ۲۵-۲۶ - ۵ یو ۱۹: ۲۷: مکا ۱۲: ر. ک پید ۳: ۱۵. ۲۰.

◀ زن - مادر - باکره.

۲) مریم مادر یعقوب کوچک و یوسف (یوشا). بعضی ها او را با مریم *کلئوپاس، خواهر مادر عیسی یکی می دانند. نام او غالباً همراه با نام مریم - مجدلیه آورده می شود^۶.

۶ مت ۲۷: ۵۶. ۶۱: ۲۸: ۱: مر ۴۰: ۴۷: ۱۶: ۱: لو ۲۴: ۱۰: یو ۱۹: ۲۵ □

۳) مریم اهل بیت عینا خواهر *مارتا و ایلعازر^۷. یوحنا او را با زنی که عطر را روی سر عیسی ریخت^۸ یک می داند و نیز بعضی ها به اشتباه وی را زن گناهکار انجیل لوقا ۷: ۳۷-۵۰ می انگارند.

۷ لو ۱۰: ۳۹-۴۲ - ۸ یو ۱۱: ۱-۱۲: ۳ □

۴) مریم مادر مرقس^۹.

۹ اع ۱۲: ۱۲ □

(۵) یک زن مسیحی رومی ۱۰.

^{۱۰} روم ۱۶: ۶ □

مریم مجدلیه

یونانی: Maria hè Magdalènè به معنای «مریم اهل مجدلیه» (یا مجدلیه ای). نام زنی که گرفتار ارواح پلید بود و عیسی او را شفا داد. وی به هنگام مرگ و دفن عیسی حضور داشت و اولین زنی بود که عیسی از مرگ برخاسته را ملاقات کرد. وی را نباید با مریم اهل بیت عنیا یا زن گناهکار انجیل لوقا ۷: ۳۵-۵۰ اشتباه گرفت.^۱

^۱ مت ۲۷: ۵۶؛ ۶۱؛ ۲۸؛ ۱؛ مر ۱۵: ۴۰؛ ۴۷؛ ۱۶؛ ۱؛ لوقا ۸: ۲؛ ۲۴؛ ۸؛ ۲۴؛ ۱۰؛ یوحنا ۱۹: ۲۵؛ ۲۰؛ ۱؛ ۱۱؛ ۱۶؛ ۱۸ □

مزامیر

یونانی: psalms (از psallô به معنی «به لرزش در آوردن تارهای آلت موسیقی») یعنی «شعر همراه با موسیقی». مجموعه ای از غزل های یهودی که از خدا الهام گرفته اند، یکی از کتب عهد عتیق را تشکیل می دهند و عبارتند از دعای قوم برگزیده و دعای عیسی. مزامیر گاهی به داود نسبت داده می شوند و تفسیر آنها در رابطه با عیسی^۱ مفهوم *مسیحایی دارد. بعد از صرف غذای فصح «هلل» یعنی مزامیر ۱۱۵-۱۱۸ خوانده می شد، این عادت از فعل hymneô (یعنی خواندن سرود)^۲ حاصل شده است.

^۱ لوقا ۲۰: ۴۲؛ ۲۴؛ ۴۴؛ ۱۳؛ ۲۰؛ ۳۳؛ ر. ک. روم ۱۵: ۹ — مت ۲۶: ۳۰ (= مر ۱۴: ۱۶).

(۲) آوازهای مسیحیان ملهم از روح القدس^۳.

^۱ قرن ۱۴: ۱۵، ۲۶؛ افس ۵: ۱۹؛ کول ۳: ۱۶؛ یع ۵: ۱۳ □

◀ مقدمه. فصل دوازدهم؛ فصل سیزدهم. ۲. ب - آواز - دعای حمد و ستایش - سرود.

مستسقی

یونانی: hydropikos از hydrôps به معنای «جمع شدن آب»، تراکم مایعات بدن در یک حفره بدن یا در جوف عناصر نسوج ملحمه^۱.

^۱ لوقا ۱۴: ۲ □

◀ مقدمه - فصل هشتم. ۲ - د - شفا دادن - بیماری.

مسح کردن/تدهین

(۱) یونانی: aleiphô به معنای «اندود کردن» (با روغن یا عطر). عملی است که به نیت های مختلف انجام می شود: مثل زیبایی و سلامتی بدن^۱، شادمانی^۲، نشانه احترام^۳، شفای یک بیمار^۴.

^۱ روت ۳: ۳؛ ۲-توا ۲۸: ۱۵؛ مت ۶: ۱۷ — ^۲ یهودیه ۱۰: ۳؛ دان ۱۰: ۳ — ^۳ مز ۲۳: ۵؛ اش ۶۱: ۳، مر ۱۶: ۱؛ لوقا ۷: ۳۸-۴۶؛ یوحنا ۱۲: ۲؛ ۱۲: ۳ — ^۴ مر ۶: ۱۳؛ یع ۵: ۱۴.

(۲) یونانی: khriô، عبری mâchah، فعلی که اختصاص داده شده است به عمل *تقدیس عبادتی. استفاده از آن احتمالاً جنبه نمادین عمل را دربر دارد: *روغن در همه چیز، حتی در *سنگ نفوذ می کند. بنابراین از راه تقدیس *پادشاهان، *کاهنان، *انبیا و *مذبح ها در مقام خاصی قرار داده^۵. مسح کردن نیروی روح القدس^۶ را به پادشاهان عطا کرده آنها را «مسح شده» خداوند (عبری: machîah = مسیح) خداوند می نماید. در کتاب عهد جدید متون کتاب عهد عتیق مربوط به مسح کردن پادشاه - کاهن در مورد عیسی به کار برده^۷ می شود. مسح کهنانته لقب عیسی نیست زیرا او برخلاف *هارون کاهن اعظم بر رتبه *ملکیصدق^۸ می باشد. اما مسح نبوتی به عیسی نسبت داده شده و به غسل

تعمیدش^۹ مربوط دانسته می شود. سرانجام در شخص مسیحی، «تدهین» در غسل تعمید او همانا ماندن در روغن مسح است (یونانی: khrisma)، یعنی در کلام خدا که از مسیح دریافت می شود تحت نفوذ روح القدس یا از خود روح القدس که توسط او انسان معرفت را تحصیل می کند.^{۱۰}

^۵خروج ۳۰:۲۹-۳۰؛ سمو ۱۰:۱؛ ۱-۶؛ یاد ۱۹:۱۶ — ۱۶-سمو ۱۶:۱۳ — مز ۲:۲؛ ۱۱۰:۱؛ اع ۴:۲۵-۲۷؛ عبر ۸:۱-۹ —

^۸لاو ۴:۵؛ ۱۲:۸؛ عبر ۵:۵-۱۰ — اش ۹:۶۱؛ ۱:لو ۴:۲۱-۲۱؛ اع ۱۰:۳۸؛ ر.ک لو ۳:۲۱-۲۲ — ۱۱۰-یو ۲:۲۷-۲۰؛ ر.ک

یو ۱۴:۲۶؛ ۲-قرن ۱:۲۱.

◀ مسیح - شفا دادن - روغن - مسیح - عطر.

مسیح

الف) یونانی: Khristos (از khriô به معنای مسح کردن) که از ترجمه واژه عبری Mâchiah به معنای «مسح شده» به دست آمده است. «مسیح» لقبی است که به عیسی اطلاق شده است. در گفته های پولس این لقب معنای اسم خاص را به خود می گیرد.

◀ عیسیای مسیح - مسیح - مسح کردن.

ب) یونانی: Messias، ترجمه از عبری Mâchiah، و آرامی: mechihâ به معنای «تدهین شده».

(۱) این واژه در کتاب عهد عتیق قبل از همه چیز به پادشاه و بعد به کاهنانی که از طریق تدهین، تبرک می یابند و سرانجام به نحوی بارز به نجات دهندۀ موعود، یعنی برحسب معمول پسر داود، اطلاق می شود.^۱

^۱مقدمه فصل دوازدهم ۲۰. ج؛ خروج ۲۸:۴۱؛ ۱-سمو ۹:۱۶؛ ۲-سمو ۷:۱۶-۱۲؛ مز ۱۳۲:۱۷.

(۲) عنوان مسیح در عهد عیسی مصداق پادشاهی موقت را تداعی می کرد.^۲ عیسی نمی خواهد این نام بر وی نهاده شود،^۳ با این حال او در آخر زندگیش به خود اجازه می دهد خود را با نامی معادل یعنی «پسر داود»^۴ معرفی نماید. از سوی دیگر عیسی برای اعلام سرنوشتش خود را در جهان برتر از «پسرانسان»^۵ قرار می دهد، کاملاً در ارتباط را با رنجی که در انتظار وی است.^۶

^۲یو ۶:۱۵ — مت ۱۶:۲۰ (= مر ۸:۳۰؛ لو ۹:۲۱)؛ لو ۴:۴۱ — مت ۲۰:۳۰ (= مر ۱۰:۴۷-۴۸؛ لو ۱۸:۳۸-۳۹) —

^۵مت ۲۶:۶۳-۶۴ (= مر ۱۴:۶۱-۶۲؛ لو ۲۲:۶۹) — مت ۲۱:۱۶-۲۲ (= مر ۸:۳۱-۳۲؛ لو ۹:۲۲)؛ ۱۷:۲۲-۲۳ (= مر ۹:۳۱-۳۲

۳۲ = لو ۹:۴۴)؛ ۲۰:۱۸-۱۹ (= مر ۱۰:۳۳-۳۴).

(۳) کتاب عهد جدید به طور طبیعی واژه معادل یونانی Christos^۷ را به کار می برد. مسیحیان نخست اعلام می کنند که «از مرگ برخاسته» مسیح است به معنایی که انتظارات یهودیان را هم *تحقق می بخشید هم از آن ها تجاوز می کند و نیز این عنوان را به عنوان «خداوند» می افزایند.^۸

^۷به استثنای یو ۱:۴۱؛ ۴:۲۵ — اع ۲:۳۶.

◀ مقدمه. فصل دوازدهم ۲. ج - مسیح - پسر داود - عیسی مسیح - خداوند.

مسیحی

یونانی: khristianos، مشتق از khristos: شاگرد یا پیرو *مسیح همان طوری که *یهودیان هواخواه هیرودیس هستند. این نامگذاری که در کتاب عهد جدید بسیار به ندرت دیده می شود برای اولین بار در *انطاکیه آغاز گردیده است، این نامگذاری احتمالاً از سوی مقامات رومی مرسوم شده است^۱ زیرا یهودیان پیروان مسیح را *ناصری^۲ می خوانند و مسیحیان همدیگر را برادران، شاگردان و ایمانداران می نامیدند.

^۱اع ۱۱:۲۶؛ ۲۶:۲۸؛ ۱-پتر ۴:۱۶ □ — اع ۲۴:۵.

مشارکت

یونانی: koinônia (از koinos به معنای «مشترک» و koinoō به معنای «به شراکت گذاشتن») یعنی «عمل در شراکت داشتن، سهمیم بودن و شرکت کردن در (یونانی: metekhō به معنای «شریک بودن» که از آنجا جماعت و همدردی مشتق می شوند. برای بیان مشارکت در قربانگاه و هم چنین مشارکت در تن و خون مسیح از هر دو واژه یونانی^۱ فوق استفاده می شود. مشارکت عبارت است از سهمیم شدن در مسیح^۲، در روح القدس^۳ و در سرشت الهی^۴ در همان زندگی الهی^۵ در از راه ایمان. این زندگی در اتحاد برادرانه^۶ و به اشتراک گذاردن اموال^۷ و جمع آوری اعانه به نفع اورشلیم^۸ منعکس می شود.

۱- قرن ۱۰-۱۶-۲۱ — فی ۳: ۱۰، ۱- پطرس ۴: ۱۳؛ عبر ۳: ۱۴ — ۲۳- قرن ۱۳: ۱۳؛ فی ۲: ۱؛ عبر ۶: ۴ — ۲۴- پطرس ۱: ۴ —

۵- تیپ ۴: ۱-۱۰: ۶ — اع ۲: ۴۲-۲- قرن ۱: ۷، فی ۴: ۱۴-۱- یو ۱: ۶-۷ — اع ۷: ۲، ۴۴: ۳، ۳۲: ۶، ۶: ۱- تیمو ۶: ۱۸؛

عبر ۱۳: ۱۶ — ر. ک روم ۱۲: ۱۳-۲- قرن ۸-۹.

◀ جمع آوری اعانه - جام - شام خداوند.

مُشْرِك

از لاتین paganus به معنای «دهاتی» نامی که بر غیرمسیحیان که به علت گسترش مسیحیت در جهان رومیان می بایستی در مناطق روستائی مستقر می شدند گذارده شد. واژه یونانی ethnikos (مشتق از ethne به معنای «امت ها») غیریهودیان را مشخص می کرد^۱. مشرکان (یونانی: hoi ex ethnōn) در این امر که خداشناسند^۲ با *قوم برگزیده متفاوت می باشند، اما آنها را می شود از راه نصیحت چنین راهنمایی^۳ کرد که آنها نیز به وسیله خدا هدایت شده^۴ و حتی به ایمان آوردن دعوت می شوند^۵. تمایز بین یهودیان و مشرکان در طی تمام موجودیت کلیسا که در انتظار آشتی مشرکان با خدا می باشد ابقاء شده است^۶.

۱- اش ۸: ۲۳؛ مت ۵: ۴۷؛ ۷: ۶؛ ۱۷: ۱۸؛ ۳- یو ۷؛ ر. ک غلا ۱۴: ۱۴ — ۲- غلا ۱۵: ۱۵؛ افس ۲: ۱۱-۱۲؛ ۱- تس ۴: ۵ — ۳- مت ۵: ۴۷؛

روم ۱۵: ۹-۱۲ — اش ۴۵: ۴؛ مت ۸: ۱۰؛ اع ۱۶: ۱۶ — ۵- لو ۱۳: ۲۸؛ اع ۱۱: ۱۸؛ مک ۱۲: ۵؛ ۴: ۲۱؛ ۲۴ — ۶- روم ۹-۱۱؛

افس ۲: ۱۱-۲۱.

◀ مقدمه. فصل اول. ۳. ج؛ فصل سوم ۲. ز؛ فصل چهارم. ۶. ۷؛ فصل ششم. ۱. ب- کافران- امتها، ملتها.

مشرق

لاتین: oriens (اسم فاعل فعل oriri به معنای «طلوع کردن»)، یونانی: anatole (از an-tellō به معنای «طالع کردن») به معنای «خاور زمین - مشرق».

۱) یکی از چهار جهات اصلی است. «جهت یابی» به معنای رو کردن به طرف خورشید طالع^۱، مانند مجوسیان که رو به سوی ستاره^۲ عزیمت کردند می باشد، بدین معنی که جنوب (بیانان نگو Neguer) در سمت راست، پشت سر مغرب (*دریا) و در سمت راست شمال (سرزمین ناشناس) قرار گیرد.

۱- حزق ۴۳: ۱؛ مکا ۲۱: ۱۳ — ۲- مت ۲: ۹-۲.

۲) ماوراء اردن^۳، ناحیه ای است واقع در شرق فلسطین که در آنجا و حتی دورتر از آن «پسران مشرق زمین^۴» یافت می شوند^۵. از این سرزمین استثنائاً ممکن است تیره بختی نیز عارض شود^۶ ولی معمولاً خوشبختی از آنجا می آید مانند جلال خدای اسرائیل که از مطلع آفتاب می آید^۷.

۳- اعد ۳۲: ۱۹ — ۴- داور ۳: ۶ — ۵- مت ۲: ۱۱؛ ۸: ۱۱ (= لو ۲۹: ۲۹)؛ ۲۷: ۲۴ — ۶- مکا ۱۶: ۱۲ — ۷- حزق ۴۳: ۲؛ مکا ۷: ۲؛ ر. ک ۲- پطرس ۱: ۱۹.

۳) این واژه به معنای استعاری جهت مشخص کردن نوری که بعد از ظلمات^۸ فرا می‌رسد و ستاره یا خورشید عدالت به کار برده می‌شود.^۹

^۸ اش ۸: ۲۳؛ ۹: ۱؛ مت ۴: ۱۶ — ^۹ لو ۱: ۷۸؛ ر.ک ملا ۳: ۲۰.

◀ ستارگان - صبح - ظهر (جنوب) - خورشید.

مَشْكَ

یونانی: askos. کیسه‌ای که از پوست بز به جهت درخود گنجاندن، حمل و نقل و نگهداری مایعات دوخته می‌شود. مشکى را که یک بار حاوی شراب تازه بوده است نباید بار دیگر مورد استفاده قرار گیرد چون در اثر تخمیر دوم دریده می‌شود.^۱

^۱ ایوب ۳۲: ۱۹؛ مت ۹: ۱۷ (= مر ۲: ۲۲ = لو ۵: ۳۷-۳۸) □

مصر

یونانی: Aigyptos، عبری: micrayim. برای یک فرد یهودی دوره عهد جدید، مصر نه تنها قدرتی است واقع در همسایگی و صاحب حکمتی پرآوازه^۱ که می‌تواند پناهگاهی برای فراریان باشد^۲، بلکه قدرتی است که سیمای کشوری را در خود دارد که بر یهودیان ستم کرده و کشوری را که خدا قوم خود را از آن رهائی بخشیده است^۳. کشوری است با نماد قدرت خصمانه^۴. شهر اصلی آن اسکندریه است.

^۱ اع ۲: ۱۰، ۷: ۲۲؛ عبر ۱۱: ۲۶ — ^۲ مت ۲: ۱۳-۱۹؛ ر.ک ۱-پاد ۱۱: ۴۰ — ^۳ حزق ۲۹: ۳۲؛ اع ۷: ۶-۴۰، ۱۳: ۱۷؛ عبر ۳: ۱۶؛

۱۸: ۹، ۱۱: ۲۶-۲۹؛ یهو ۵ — ^۴ مکا ۱۱: ۸ □

◀ آپلس - فیلولی اسکندری - نقشه^۳.

معبد

۱) یونانی: hieron (از hieros به معنای «مقدس») مجموعه «ساختمان» یا معبد را مشخص می‌کند. واژه یونانی: naos قسمتی از معبد را که سکونت گاه خدا است یا «قدس» را مشخص می‌کند. در ترجمه‌ها این اختلاف با اندازه کافی مراعات نمی‌شود.

واژه‌های دیگر که نادرترند عبارتند از: «مکان (مقدس)» (یونانی: topos hagios^۱ و «مقدس» (یونانی: to hagion ta hagia)^۲. در کتاب عهد جدید تنها واژه naos برای مشخص کردن معبد به مفهوم روحانی به کار برده می‌شود.

^۱ مت ۲۴: ۱۵؛ یو ۴: ۲۰؛ ۴۸: ۱۱؛ مکا ۶: ۱۳-۱۴؛ ۷: ۴۹؛ ۲۱: ۲۸ — ^۲ عبر ۸: ۲؛ ۹: ۱، ۲، ۳، ۸، ۱۲، ۲۴، ۲۵؛ ۱۰: ۱۹؛ ۱۳: ۱۱.

۲) معبد اورشلیم که اندازه محیط آن در حدود ۱۵۰۰ متر است در زمان هیروдіس کبیر بازسازی شد و در سال ۷۰ م. ویران گردید. این معبد شامل دو قسمت اختصاصی است: صحن که ورود به آن برای هر کسی آزاد می‌باشد و به اصطلاح قدس که ورود به غیر یهودیان به آن می‌زیست^۳. صحن یا «محوطه مشرکین» یک میدان گاه وسیع است که میدان عمومی را تشکیل می‌دهد و توسط طاق بندی‌ها احاطه شده است (یکی از طاق‌های شرقی طاق سلیمان^۴ است که ارتفاع ستون‌های آن ۱۱ متر می‌باشد). مردم زیر این طاق بندی‌ها به گردش می‌پردازند^۵ یا اینکه برای گوش دادن به تعلیمات^۶ شرع اجتماع^۷ می‌کنند. در همان جا فروشندگان^۸ حیوانات مخصوص قربانی را و صرافان نیز پول یهودی که پرداختن تنها نیم^۹ شیکل آن برای^{۱۰} مالیات مجازات به فروش می‌رسانند. از وسط میدان گاه می‌توان از طریق «باب زیبا»^{۱۱} به ابتدا به «محوطه زنان» که عبارت است از محوطه چهارگوشی که طول هر طرف آن در حدود ۶۵ متر است وارد شد که در آنجا در کنار تالار «خزانه» جعبه‌های مخصوص جمع‌آوری پول^{۱۲} به مقدار یک فاز و از آنجا

می توان وارد «محوطه مردان» که در «حیاط کاهنان» را که در آن *مذبح قربانی سوختنی بر همه چیز مسلط است وارد شد. سرانجام به بنایی که شامل تالار اول یا «قدس»^{۱۰} می رسیم که در آن مذبح کندر، *شمعدانی طلائی، میز نان های *تقدیمی قرار دارند. یک پرده دوتایی اتاقی را که در زمان عیسی خالی بود و عبارت از «قدس الاقداس»^{۱۱} است که دیگر قسمت ها جدا می کند.

اع^۳ ۲۸:۲۱ — ۴ یو:۱۰ — مت^۵ ۲۱:۱۴-۱۵؛ مر^۷ ۱۱:۲۷ — مت^۶ ۲۶:۵۵؛ یو:۷:۱۴ — مر^۷ ۱۱:۱۵ — اع^۸ ۲:۳ — مر^۹ ۱۲:۴۱ — ۱۰ لو:۹ — ۱۱ عبر:۳.

(۳) معبد مرکز زندگی در اسرائیل است. هر روز در آن قربانی های سوختنی و قربانی های *کندر تقدیم می شوند، مراسم دعا در ساعات معین برگزار می گردند^{۱۲}. سالیانه سه بار یا دست کم در ایام عید *فصح (به فرض این که اجبار مطلق برقرار باشد) تکلیف بر این است که از اطراف و اکناف کشور مردم برای *زیارت به آنجا بروند^{۱۳} و سرانجام در آنجا است که بره ای که در خانه صرف خواهد شد ذبح می گردد.

اع^{۱۲} ۱:۳ — ۱۳ لو:۲:۴۱.

(۴) عیسی مراسم مذهبی معبد را تصویب کرده آنها را مراعات می کند و در عین حال تشریفاتی را که آنها را منقص می کنند^{۱۴} محکوم می نماید. او از مردم می خواهد که معبد را محترم بشمارند^{۱۵} و در عین حال ویرانی آینده آن را اعلام می دارد^{۱۶}. به هنگام مرگش *پرده معبد دریده می شود و «قدس الاقداس» ویژگی مقدس خود را از دست^{۱۷} می دهد. ایمانداران قدس حقیقی را در عیسی می بینند، قدسی جسمانی که هنگام رستخیز از نو ساخته می شود و از آن به بعد آیین جدیدی در آن به وجود می آید^{۱۸}.

اع^{۱۴} مت^{۱۴} ۲۳:۲۴-۲۴:۱۲ — مر^{۱۴} ۲۴:۲۶ = لو:۲:۶ (۴-۲۳:۱۶-۲۲:۲۲؛ ۲۲:۲۲-۵۰ — مت^{۱۵} ۱۲:۲۱-۱۲:۱۷ (= مر^{۱۵} ۱۱:۱۱-۱۷:۱۷ = لو:۱۹:۴۵-۴۶:۱۱؛ مر^{۱۶} ۱۱:۱۶؛ یو:۲:۱۳-۱۷:۱۳ — مت^{۱۶} ۲۳:۳۸-۳۹:۱۳؛ ۲:۲۴ (= مر^{۱۷} ۱۳:۲ = لو:۲۱:۶)؛ ۶۱-۶۰:۲۶ — (= مر^{۱۸} ۱۴:۵۸؛ ۲۷:۳۹-۴۰ (= مر^{۱۸} ۱۵:۲۹) — مت^{۱۷} ۲۷:۵۱ (= مر^{۱۸} ۳۸:۱۵ = ۴۵:۲۳) — یو:۱۹:۲۱-۲۱:۲۱.

(۵) ایمانداران پس از مدتی رفت و آمد به معبد^{۱۹} درک می کنند که کلیسا (فی المثل کلیسای قرن تس) قدس خدا است، اساس آن مسیح^{۲۰} می باشد و مشرکین و ایمانداران هر دو می توانند به آن دسترسی داشته باشند^{۲۱}. هر یک از مسیحیان خود معبد خدا، قدس روح القدس^{۲۲}، سنگ زنده قدسی است که ساخته دست انسان نیست قدسی که *انبیا آرزوی آن را می کردند^{۲۳}.

اع^{۱۹} ۲:۴۶؛ ۱-۱۱:۲۱-۲۶ — ۲۰ قرن ۱۶-۱۷:۲-۱۸-۱۶ — ۲۱ افس ۲:۱۴-۲۲ — ۲۲ قرن ۱۷:۳؛ ۱۷:۶؛ ۱۹:۲-۱۶:۶ — ۲۳ اش ۲:۱-۲:۶؛ ۷:۴۹-۵۱:۱۷:۲۴.

(۶) در رساله به *عبرانیان قدس آسمانی قدسی زمینی ای است که عیسی مسیح، یگانه *کاهن اعظم به آن وارد شده است تا جایی در نزد خدا برای ما تهیه ببیند^{۲۴}. کتاب مکاشفه این قدس را که در نهایت کسی جز خود خدا و بره نیست تشریح^{۲۵} می نماید.

عبر^{۲۴} ۴:۱۴؛ ۶:۱۹-۲۰؛ ۹:۱۱-۱۴:۲۴؛ ۱۰:۱۹-۲۰ — مکا^{۲۵} ۵:۶-۱۴:۷؛ ۱۵:۲۱-۲۲.

◀ مقدمه. فصل سیزدهم. ۱. الف - پرستش - جناح - قربانی - قدس - قدس الاقداس - گنجینه - پوشش سر.

معبر

(الف) یونانی: agora «مجمع» یا «محل تجمع، بازار»^۱. در آتن، این محل تجمع، جایی بود مشجر و به محله هایی برای صنف های گوناگون تجار تقسیم شده بود و شامل ساختمان های مختلف می شد (از قبیل سنا، محکمه، معبد و غیره)^۲.

مت^۱ ۱۶:۱۱ (= لو:۷:۳۲)؛ ۲۰:۲۳؛ ۳:۲۰ (= مر^۱ ۱۲:۳۸ = لو:۱۱:۴۳ = ۴۶:۲۰)؛ مر^۱ ۵۶:۶؛ ۴:۷؛ اع^۱ ۱۶:۱۹؛ ۱۷:۵ — اع^۲ ۱۷:۱۷.

◀ بازار.

(ب) معبری که می توان از داخل یک مجموعه جدا کرد (یونانی: peri-koptô); هم چنین به معنای شفا دادن یک جذامی می باشد.^۱
^۱ مر ۱: ۴-۴۴.

معجزه

(۱) از لاتین: mirari به معنای «تعجب کردن». عمل قوت/ قدرت (یونانی dynamis که معمولاً «قوتها/ قدرتها» ترجمه می شود). شگفتی (یونانی teras که همیشه به صورت جمع می آید: «چیزهای خارق العاده، دهشتناک) که خدا توسط آن به انسان ها علامت می دهد (یونانی sêmeion) و این علامت ها انسان را متعجب می سازند (یونانی: thaumazo). این کلمات جنبه های مختلف یک حقیقت را بیان می کنند یعنی طبیعت خارق العاده آن، اصل آن (قدرت یک شخص)، ارزش پرمعنی اش یا اثر شگفت انگیز آن. عیسی هر چند که معجزات بسیاری را انجام داده است، از کلمه dynamis فقط سه بار در سخنانش^۱ استفاده می نماید در صورتی که این کلمه غالباً از دهان تماشگران^۲ و از زیر قلم راویان^۳ خارج می شود. واژه شگفتی هرگز مورد استفاده قرار نگرفته مگر به همراهی کلمه «علامت، آیت» مانند اصطلاح کلیشه ای sêmeia kai terata^۴ بی شک این علامت ها شگفت آور هستند اما تنها به مصداق «علامت» مورد توجه قرار می گیرند: دیدن، شنیدن، راه رفتن، زندگی کردن.

^۱ مت ۷: ۲۲؛ ۱۱: ۲۱؛ ۲۳: ۲۱ (= لو ۱۰: ۱۳)؛ مر ۹: ۳۹ — مت ۱۳: ۵۴ (= مر ۶: ۱۴) — مت ۱۱: ۲۰؛ ۱۳: ۵۸؛ مر ۶: ۵؛ لو ۱۹: ۳۷ — مت ۲۴: ۲۴ (= مر ۱۳: ۲۲)؛ یو ۴: ۴۸؛ اع ۲: ۱۹. ۲۲. ۴۳: ۴؛ ۳۰: ۵؛ ۱۲: ۶؛ ۸: ۷؛ ۳۶: ۱۴؛ ۱۵: ۱۲؛ روم ۱۵: ۱۹ — ۲: ۱۲؛ ۱۲: ۱۲ — ۲: ۱۲؛ ۹: ۲؛ عبر ۲: ۴.

(۲) سواى پدیده های ردیف *آخرت شناختی که برای آینده اعلام شده اند (مانند قرص *ماه خونین و افتادن *ستاره ها از آسمان) که با زبان مکاشفه ای^۵ در ارتباط است و نیز معجزاتی که به عیسی نسبت داده می شوند که با *زبان *الهیاتی^۶ مرتبط می باشند، کتاب عهد جدید از تعدادی از معجزاتی که بعد از عید گذر رخ داد خبر می دهد مانند: سخن گفتن به زبان ها در روز *پنجاهه، تکلم به *زبانها و معجزات دیگری که توسط رسولان تحقق یافت مانند شفاهای متعدد، از مرگ برخیزاندن تابینا و اخراج ارواح پلید^۷. در میان معجزات انجام شده توسط عیسی تقریباً بیست و پنج روایت درباره شفا وجود دارد: مانند *تب^۸، *برص^۹ (جذام)، فلج^{۱۰}، کوری و لالی^{۱۱}، کوری^{۱۲}، صرع^{۱۳}، روماتیسم^{۱۴}، استحاضه (خونریزی)^{۱۵}، ... زخم^{۱۶}، سه مورد *اخراج ارواح به معنای اخص^{۱۷}، سه مورد زنده کردن مردگان^{۱۸}، هشت یا نه مورد معجزه بر روی عناصر طبیعی مانند آرام کردن توفان^{۱۹}، زیاد کردن نان ها^{۲۰}، راه رفتن بر روی امواج دریا^{۲۱}، صیدهای معجزه آسا^{۲۲}، تبدیل آب به شراب^{۲۳} و خشکاندن درخت انجیر^{۲۴}. این مثال ها در مقابل آنچه که در نوشته های معاصر دیده می شود مانند سکه در دهان ماهی^{۲۵} و نیز در صورتی که بعضی از روایات تکراری از صافی نقد بگذرد چندان تکریم شده اند^{۲۶}.

^۵ مت ۲۴: ۲۹؛ مکا ۶: ۱۲ — لو ۱: ۳۴-۳۵؛ ۹: ۲۹ — اع ۷: ۲؛ ۸: ۶-۳؛ ۸: ۱۳؛ ۹: ۳۲-۳۲؛ ۱۹: ۱۱؛ ۲-قرن ۱۲: ۱۲ — ^۸ مت ۸: ۱۴-۱۵ (= مر ۱: ۲۹-۳۱؛ لو ۴: ۳۸-۳۹) — مت ۹: ۸؛ ۱-۴ (= مر ۱: ۴۰-۴۴؛ لو ۵: ۱۲)؛ لو ۱۱: ۱۱-۱۹ — ^{۱۰} مت ۸: ۵؛ ۱۳-۱۳ (لو ۷: ۱۰-۱۰)؛ ۹: ۸-۱ (= مر ۲: ۱-۱۲؛ لو ۵: ۱۷-۲۶)؛ ۱۴-۹ (= مر ۳: ۱-۶؛ لو ۶: ۱۱-۱۱)؛ یو ۴: ۴۶-۵۴؛ ۹-۱ — ^{۱۱} مت ۹: ۳۴-۳۲؛ مر ۷: ۳۱-۳۷ — ^{۱۲} مت ۹: ۲۷-۳۱؛ ۲۰: ۳۴-۳۴ (= مر ۱۰: ۵۲-۴۶؛ لو ۱۸: ۳۵-۴۳)؛ مر ۸: ۲۶-۲۲؛ یو ۹: ۱۷-۲۱ (= مر ۲۱-۱۴؛ لو ۹: ۲۹-۲۹) — ^{۱۴} لو ۱۰: ۱۳-۱۷ — ^{۱۵} مت ۹: ۲۲-۲۰ (= مر ۵: ۳۴-۲۵؛ لو ۸: ۴۳-۴۸)؛ لو ۶: ۱-۶ — ^{۱۶} لو ۵: ۲۲-۵۱ — ^{۱۷} مت ۸: ۲۸-۳۴ (= مر ۵: ۲۰-۲۰؛ لو ۸: ۳۹-۳۹)؛ ۱۵: ۲۱-۲۸ (= مر ۷: ۲۴-۳۰)؛ مر ۱: ۲۸-۲۸ (= لو ۴: ۳۷-۳۷) — ^{۱۸} مت ۹: ۱۸-۲۶ (= مر ۵: ۲۱-۴۳؛ لو ۷: ۱۱-۱۷)؛ یو ۱۱: ۸-۲۳. ۲۷ (= مر ۴: ۳۵-۴۱؛ لو ۸: ۲۲-۲۵) — ^{۲۰} مت ۱۴: ۱۳-۲۱ (= مر ۶: ۳۱-۴۴؛ لو ۹: ۱۰-۱۷)؛ ^{۲۱} یو ۱۵: ۳۶-۳۹ (= مر ۸: ۱-۹؛ یو ۱۵: ۱-۱۵) — ^{۲۲} مت ۲۲: ۳۳-۳۳ (= مر ۶: ۴۵-۵۲) — ^{۲۳} یو ۱۴: ۱-۲۱؛ ۱۴: ۱-۲۱؛ یو ۲۳

۲: ۱۱-۱ — ۲۴ مت ۲۱: ۱۸-۲۲ (= مر ۱۱: ۱۲-۱۴، ۲۰-۲۴) — ۲۵ مت ۱۷: ۲۴-۲۷ — ۲۶ همچنین برای مت ۹: ۲۷-۳۱، ۳۲-۳۴: ۳۹-۳۲.

۳) اگر عیسی به ابتکار خود معجزات را انجام می داد نه به خاطر آن بود که کنجکاوی مردم را نسبت به شفاگری^{۲۷} برانگیزاند و نه برای مجاب/رد کردن خواست های ناباب^{۲۸} بلکه چنان که در نبوت آمده است^{۲۹} برای ظاهر کردن قدرت خدائی که در کار است و برای پیروزی بر شیطان به انگشت خدا^{۳۰} معجزات را به انجام می رساند. این معجزات به طور خودکار شاهدان را به برگشت به سوی خدا و انمی داشته^{۳۱} بلکه عیسی معمولاً اجازه می داد که معجزات به میزان ایمانی که آنها را طلب می کرد علی رغم میل خود او از او گرفته شوند^{۳۲}. معجزات اگر گاهی به صورت حاصلی از دلسوزی عیسی ظاهر می گردد^{۳۳} اما به طور معمول به عنوان مهرالهی نسبت به مسیح و نماد پیروزی بر ابلیس تلقی می شوند^{۳۴}. در نهایت، خدا به عمل کردن معجزات از طریق ایمانداران ادامه داد تا جائی که از «موهبت معجزه گری» سخن به میان آمده است^{۳۵}.

۲۷ لو ۲۳: ۸ — ۲۸ مت ۱۲: ۳۸-۳۹ (= لو ۱۱: ۲۹-۳۰)؛ ۱۶: ۳-۴ (= مر ۸: ۱۱-۱۲) — ۲۹ اش ۲۹: ۱۸-۱۹؛ ۳۵: ۴-۶؛ ۶۱: ۲-۱۱؛ ۶-۲ (= لو ۷: ۱۸-۲۳) — ۳۰ مت ۱۲: ۲۸ (= لو ۱۱: ۲۰) — ۳۱ مت ۱۱: ۲۱ (= لو ۱۰: ۱۳) — ۳۲ مت ۱۳: ۵۸؛ مر ۶: ۵ — ۳۳ مت ۹: ۳۶؛ ۱۴: ۱۴ (= مر ۶: ۳۴)؛ ۱۵: ۳۲ (= مر ۸: ۲)؛ ۲۰: ۳۴ — ۳۴ اع ۲: ۲۲؛ ۱۰: ۳۸ — ۳۵ مر ۱۶: ۱۷؛ ۲۰: روم ۱۵: ۱۹-۱-۱۲: ۱۰-۲-۱۲: ۱۲؛ ۱۲: ۳؛ ۱۵: ۱-۲؛ ۵: ۱-۲؛ ۴: ۲.

◀ نابینا - شفا دادن - گوش - قدرت - آیات.

معرفی عیسی، معرفی کردن

یونانی: paristēmi (امروزه واژهٔ paristanō جایگزین آن شده است).

۱) به صورت فعل لازم: «در حضور» به مفهوم قرار داشتن خدمتکار در خدمت اربابش^۱ مانند فرشته که خادم^۲ خدا است؛ و مانند پیامبر^۳ یا مانند کاهنی که در حضور خدا می ایستد تا او را «خدمت» کند (یونانی: leitourgeō^۴). به همین ترتیب ممکن است کسی برای حضور در مقابل قیصر^۵ یا در مقابل داوری خدا «حاضر شود»^۶.

۱-۱ پاد ۱۰: ۸ — ۲ لو ۱۹: ۱۹؛ مکا ۸: ۲، ۱۱: ۴ — ۳ پاد ۱۷: ۱ — ۴ تث ۱۰: ۸، ۱۸: ۵، ۷ — ۵ اع ۲۷: ۲۴ — ۶ روم ۱۴: ۱۰.

۲) به صورت فعل متعدی: «تقدیم کردن» قربانی یا هدیه (یونانی: pros-pherō, pros-phora) به خداوند در زمینه ای آیینی. بدین ترتیب عیسی در معبد به خداوند تقدیم شد^۷. در عهد جدید این آیین حالت «روحانی» به خود می گیرد و هر ایماندار باید خود را به عنوان قربانی زنده تقدیم نماید^۸. ایماندار از طریق تعمید، دیگر اعضایش را به گناه تقدیم نمی کند (فعل در اینجا به صورت صیغه امر و مضارع است) بلکه باید اعضای خود را به طور مداوم به عدالت تقدیم نماید (فعل به صورت مضارع است). به عبارت دیگر در هر لحظه این تقدیمی آیینی را که همان زندگی خودش می باشد به فعل در آورد^۹.

۷ لو ۲۲: ۲ — ۸ روم ۱۲: ۱؛ ر. ک. ۱-۱ قرن ۸: ۸ — ۹ روم ۱۳: ۱۶-۱۹.

◀ پرستش - قربانی.

مفرغ

الف) لاتین: aes به معنی «مس». امروزه آلیاژی است از مس و روی که ترکیب آن به قرن سیزدهم میلادی می رسد. به غلط با *برنز یکی تلقی شده است (یونانی: khalkos)^۱.

۱-۱ پاد ۷: ۱۳، ۱۴؛ ار ۱۸: ۱-۱ قرن ۱۳: ۱؛ مکا ۱۸: ۱۲.

ب) یونانی: khalkos. آلیاژی از مس و قلع. عصر مفرغ بعد از عصر حجر و در حدود ۳۰۰۰ تا ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد واقع شده است مفرغ را ذوب می کردند^۱، می کوبیدند یا قلم زنی می کردند و از آن مصنوعات هم چون تابه^۲

(دیس)، آثار هنری^۳، بت^۴ و سکه^۵ درست می کردند. ارزش آن از طلا و نقره^۶ کمتر است مگر این که یکی از این دو فلز را با آن ترکیب کنند ("orichalque": khalkolibanon)^۷

۲۱- تیمو: ۴: ۱۴ — ۲مر: ۷: ۴ — ۳مکا: ۱۸: ۱۲ — ۴اعد: ۲۱: ۹: ۲ دان: ۳۲: ۹: ۲۰ — ۵مت: ۱۰: ۹ = (مر: ۶: ۸): مر: ۱۲: ۴۱ — ۶ار: ۶: ۲۸: حرق: ۲۲: ۱۸: ۱- قرن ۱۳: ۱ — ۷مکا: ۱: ۱۵، ۲: ۱۸.

[مقابله به مثل]

واژه ای مشتق از لاتین از خانواده صفت talis معنای «به مثل» واژه ویژه ای است برای مشخص کردن قانون کتاب عهد قدیم که مجازات را متناسب با توهین وارده^۱ بر خلاف *انتقام افراطی ای که لمک^۲ به مورد اجرا گذاشت تعیین می کند. عیسی به جای «چشم برای چشم و دندان برای دندان» از شاگردان خود دعوت می کند که اگر کسی از آنها بخواهد به او بدهند و حتی *دشمنان خود را دوست بدارند^۳.

۱ خروج: ۲۱: ۲۳-۲۵: لاو: ۲۴: ۱۸-۲۱: تث: ۱۹: ۲۱ — ۲پید: ۲۳-۲۴: ۳مت: ۵: ۳۸: ر. ک. روم: ۱۲: ۱۹-۲۰.

۲ مقدمه، فصل ششم، ۴ ج ۲ - دشمن - انتقام.

مقابله کتب قدیمی با نسخه های خطی

(۱) در نقد ادبی به معنای نگارش یک روایت یا *سنت است.

(۲) در نقد متنی به معنای مقابله متن با نسخه خطی است.

مقدس / قدوس

این واژه را نباید با «*جدا شده» (یونانی hieros) که مشخص کننده واقعیتهای است که جهت وقف به الوهیت از کاربرد عادی کنار گذاشته شده اشتباه گرفت. در کتاب مقدس، «تقدس» که خاص خدا است می تواند ویژگی یک موجود (شخصی یا شیئی) نیز باشد و در این حالت به معنای ارتباط جدیدی است که بین خدا و این موجود برقرار شده یا با تأکید بر حضور خدای قدوس (یونانی hagios) در آن، یا با ذکر وفاداری شخص به آن *پیمانی که مستلزم این ارتباط جدید (یونانی hosios) می باشد.

(۱) واژه یونانی hagios (مقدس / قدوس) ترجمه معمول واژه عبری qâdoch است که ریشه آن نامعلوم و به معنای «جدا شدن» و «داشتن تعلق یا ارتباط با الوهیت» است. عهد جدید همانند عهد عتیق اعلام می دارد که تنها خدا مقدس است^۱ و نام وی باید تقدیس گردد، بدین معنا که تمامی انسانها باید خدا را به عنوان خدای واحد بشناسند و بپرستند^۲. در حقیقت، تقدس الهی می درخشد و به ملازمین آن یعنی فرشتگان^۳، انبیاء^۴، برگزیدگان^۵، معبد^۶، شریعت^۷ و کتب مقدسه^۸ داده می شود. چیزی که در عهد جدید تازگی دارد این است که درخواست تقدس^۹ تنها در عیسی «قدوس خدا»^{۱۰} کسی که خود را تقدیس (و نیز قربانی) می کند تا انسانها تقدیس شوند^{۱۱} اجابت می شود. این درخواست تقدس تحقق نمی یابد مگر توسط روح که تا سرحد کمال قدوس است^{۱۲}: روح القدس که خدا به هنگام تعمید عطا می کند باعث شریک شدن شخص ایمان دار در تقدس خود خدا می گردد^{۱۳}، وی را به جهتی هدایت می نماید که لایق اجابت شدن باشد^{۱۴} و نیز محبت را که همان روح القدس است در پیرامون خود منتشر سازد^{۱۵}.

فعل hagiazo: «تقدیس کردن»^{۱۶} الزاماً مانند فعل hagnizō^{۱۷} متضمن مفهوم آئینی نذر یا وقف نیست؛ تقدیس شدن یعنی در دل خدا زندگی کردن.

«قدس» (جمع ta hagia، به استثنای عبر: ۹: ۱)^{۱۸} مشخص کننده مکان مقدس واقع در مرکز محوطه معبد است. *پرده بزرگی آن را از بقیه ساختمان جدا می کرد و مانع ورود به آنجا می شد. *قدس الاقداس در همان جا واقع بود.

^۱ هو: ۹: ۱۱؛ یو: ۱۱: ۱۷؛ ۱- پط: ۱- ۱۵: ۱۶؛ مکا: ۸: ۴؛ ۱۰: ۶ - اش: ۳: ۶؛ مت: ۹: ۶؛ لو: ۴۹: ۳ - مر: ۸: ۳۸؛ اع: ۲۲: ۱۰؛ مکا: ۱۴: ۲ -
 ۴ لو: ۷۰: ۱ - لاو: ۱۹: ۲؛ ۱- پط: ۱- ۱۵: ۱۶ - مت: ۲۴: ۱۵؛ اع: ۶: ۱۳ - روم: ۷: ۱۲ - روم: ۱: ۲ - ۱۹: ۱ - تس: ۷: ۴؛ ۲- تیمو: ۱: ۹ -
 ۱۰ مر: ۲۴: ۱؛ لو: ۳۵: ۱؛ یو: ۹۶: ۴؛ ۲۷: ۴؛ مکا: ۷: ۳ - ۱۱ یو: ۱۷: ۱۹ - ۱۲ لو: ۳: ۶؛ ۱- قرن: ۱۶- ۱۷ و ادامه -
 ۱۳ افس: ۲۱: ۲؛ ۱- پط: ۲: ۹ - ۱۴ تس: ۳: ۱۳؛ مکا: ۲۲: ۱۱ - ۱۵ روم: ۵: ۵؛ ۱۵: ۳۰؛ افس: ۴: ۱۶؛ ۲- تیمو: ۱: ۷ - ۱۶ یو: ۱۷: ۱۹ -
 ۱۷ یو: ۴: ۸؛ ۱- پط: ۱: ۲۲ - ۱۸ عبر: ۸: ۲؛ ۹: ۲- ۲۵: ۱۰؛ ۱۹: ۱۳: ۱۱.

(۲) واژه یونانی hosios رفتار حاکی از وفاداری شخص ایماندار نسبت به خدا یا مطابقت امور و اشیاء با قانون الهی را مشخص می کند. ترجمه هفتادتنان، دیگر مفاهیم مربوط به *پارسائی را با مفهوم کتاب مقدسی این اصطلاح مرتبط می سازد، یعنی وفاداری hassidim («پارسایان») را با پیمان خدا به هم ربط می دهد. عهد جدید تعریف رایج hosioi برای مشخص نمودن مسیحیان عضو جامعه برگزیده را قبول ندارد و در عوض واژه hagioi: «برگزیدگان» را جانشین آن کرده است.^{۱۹} با این حال خدا همواره مقدس است؛^{۲۰} وفاداری عیسی زوال ناپذیر^{۲۱} و او وجود بی گناه و عاری از خطا است.^{۲۲} رفتار شخص ایماندار می تواند «مذهبی»، «پارسایانه»^{۲۳} یا برعکس، کفرآمیز باشد.^{۲۴}

^{۱۹} اع: ۱۳: ۹؛ روم: ۷: ۱ - ۲۰ مکا: ۱۵: ۳ - ۴ (مز: ۱۴۵: ۱۷)؛ ۱۶: ۵ (تث: ۳۲: ۴) - ^{۲۱} اع: ۲۷: ۲؛ ۱۳: ۳۴ (مز: ۱۶: ۱۰) - ^{۲۲} عبر: ۷: ۲۶ -
 ۲۳ لو: ۷۵: ۱؛ افس: ۴: ۲۴ - ۱- تس: ۲: ۱۰؛ ۱- تیمو: ۲: ۸؛ تیط: ۱: ۸ - ^{۲۴} ۱- تیمو: ۱: ۹؛ ۲- تیمو: ۳: ۲.

◀ محبت - آناتیمیا - برکت - تقدیس کردن - عدالت - گناه - تقوی - کاهن - پاک - جدا شده - قربانی.

مقدونیه

ناحیه شمالی یونان. از سال ۱۴۶ ق.م یکی از ایالات روم. پولس به دفعات زیاد از آن عبور کرده است.^۱

^۱ اع: ۱۶: ۹ - ۱۰: ۱۲؛ ۱۸: ۵؛ ۱۹: ۲۱ - ۲۲: ۲۹؛ ۲۰: ۳۱؛ ۲۷: ۲؛ روم: ۱۵: ۲۶؛ ۱- قرن: ۱۶؛ ۵: ۲ - قرن: ۱۳؛ ۷: ۵؛ ۸: ۹؛ ۱۱: ۴ - ۲: ۹؛ ۱۱: ۴؛ ۱۵: ۱ - تس: ۱: ۸؛ ۴: ۱۰؛ ۱- تیمو: ۳: ۱. □

◀ مقدمه. فصل چهارم. ج. ۳ - فیلیپی - تسالونیکی - نقشه شماره ۳

[مکابیان]

(۱) عبری: maqqabi، لقب یهودا سومین پسر متیاس که مقاومت یهودیان را در مقابل آنتیوکوس اپیفانوس ظالم ترتیب داد (۱۶۶ - ۱۶۱ ق.م). این نام لقبی است که به هفت برادر شهید داده شده است. اشتقاق این واژه احتمالاً از maqqèbèt به معنای «چکش» است که لقبی مشابه لقب Charles Martel می باشد.

(۲) کتاب اول مکابیان درباره تاریخ یهود است از ۱۷۵ تا ۱۳۵ ق.م این کتاب به زبان عبری در آغاز قرن اول ق.م در زمان الکساندر نیسیس (۱۰۳ - ۷۶) نگاشته شده است. آنچه که ما در دست داریم تنها نسخه یونانی آن است. یکی از *کتب برحق می باشد.

(۳) کتاب دوم مکابیان همان تاریخ را منتها به طریقی تهذیب کننده تر تشریح می نماید. این کتاب به زبان یونانی در حدود سال ۱۲۰ ق.م نگارش یافته است و یکی از *کتب برحق می باشد.

(۴) کتاب سوم مکابیان، روایتی *تحریفی به زبان یونانی که تاریخ نگارش آن را بین قرن اول ق.م و قرن اول میلادی می دانند. این کتاب در هیچ قیاسی با کتب برحق ذکر شده در بالا نمی گنجد. داستان رمانتیکی است درباره فتوحات یهود بر دشمنانشان.

(۵) کتاب چهارم مکابیان، روایتی *تحریفی یونانی است به تاریخ قرن اول میلادی. متنی است به گونه نوشتاری رواقیون که براساس داستان شهادت شجاعانه مکابیان تهیه شده است.

مکاشفه

الف) یونانی: apokalypsis.

۱) عمل برداشتن («دور از»: apo) حجاب («پنهان کردن»: kalyptô): «مکشوف شدن» مثلاً داوری خداوند، راز، شخص عیسی^۱. فیض مخصوصی که روح القدس به این یا آن ایماندار^۲ اعطا می‌کند.

^۱مت ۱: ۲۵، ۲۷ (= لو ۱۰: ۲۱، ۲۲)، ۱۶: ۱۷، ۱۷: ۳۰، یو ۱۲: ۳۸، روم ۱: ۱۷، ۱۸، ۵: ۲، ۸: ۱۸، ۱۹، ۱۶: ۲۵، غلا ۱: ۱۲؛ افس ۱: ۱۷، ۳: ۳، ۲: ۲، ۷: ۱، ۳: ۲، ۱۲: ۱، ۷: ۲؛ غلا ۲: ۲.

۲) این واژه معرفت سبکی ادبی است که از طریق صحنه پردازی های خارق العاده و غالباً تخلصی، توسط مکاشفه رازهای مربوط به زمان های آخر و جریان تاریخ مشخص می شود. بدین ترتیب علاوه بر کتاب اشعیا ۲۴-۲۷ و مکاشفه یوحنا، می توان از کتاب «خنوخ»، کتاب چهارم «عزرا»، مکاشفه «باروخ» و یا مجموعه سخنان آخرت شناسی عیسی که به آن «مکاشفه نظیر»^۳ می گویند، نام برد.

^۳مت ۲۴ (= مر ۱۳ = لو ۲۱).

◀ مقدمه فصل دوازدهم ۲ الف ۲ و ۳؛ مقدمه فصل دوازدهم ۲ ب.

۳) کتابی که عنوان «مکاشفه»^۴ را دارد، از محافل افسس به دست ما رسیده که تشکیل آنها توسط یوحنا رسول بوده. درمورد تاریخ نگارش آن دو فرضیه موجود است: اول، دوره بعد از آزار و شکنجه ای که توسط نرون (۶۵-۷۰) اعمال شد و دیگری دوره مربوط به اواخر سلطنت دومیسین (۹۱-۹۶). شایسته نیست که رؤیاهای گوناگونی که در این کتابچه تشریح شده اند؛ به وقایع یا شخصیت های معینی نسبت داده شوند. این اثر همان گونه که سبک ادبی آن ایجاب می کند، به مکشوف ساختن ملکوت های آینده نمی پردازد بلکه ابعاد مخفی و عمق دائمی تاریخ را که در آن نجات همیشه از سر نو، از وراء عمل متضاد عاملین متعدد آن تحقق می یابد، آشکار می سازد. این کتاب جزو «متون بر حق کلیسا متأخر» می باشد.

^۴مکا ۱: ۱.

◀ مقدمه فصل پانزدهم.

ب) لاتین: revelare (از velum به معنای «پرده، پوشش») یعنی «شناساندن، پرده برداشتن» که ترجمه واژه یونانی apo-kalyptô است. به عبارت دقیق تر یعنی ظهور و اعلام خدای ناپیدا و اسرارآمیزی که انسان خود قدرت دسترسی به او را ندارد، خدائی که فرصت شناختن و دوست داشتن خود را فراهم می سازد. مترادف های این واژه عبارتند از: ظاهر کردن (از یونانی: phainô, phaneroô) شناساندن، روشن کردن، تفسیر کردن (یونانی: exègeomai)، نشان دادن، گفتن، اعلام کردن، تعلیم دادن.

۱) خدا خود را از راه خلقت خود مکشوف می سازد نه برای آشنایی اولیه بلکه برای اینکه خود را دیگر بار بشناساند: بدین ترتیب با مخلوق^۱ خود ارتباط و گفتگو برقرار می کند. خدا از راه «تجلی ها نیز و از طریق «واسطه ها مانند فرشتگان، سخنان، رؤیاها و «نشان ها خود را مکشوف می سازد.

^۱روم ۱: ۱۹-۲۱؛ ر.ک. حک ۱۳: ۳-۵.

۲) اکنون عیسی مکاشفه ای را که در عهد عتیق^۲ اندکی ظاهر بود به انجام رسانده است. او از راه «مثل های خود از «نقشه خدا پرده برمی دارد»^۳. زیرا تنها او است که «پدر»^۴ را می شناسد، خدا انجام مکاشفه های مخصوص را به افرادی که نزد وی دارای برتری هستند^۵ واگذار می کند. همه چیز باید سرانجام مکشوف شود^۶ ولی مکاشفه کامل فقط در زمان ظهور نهایی «عیسی»^۷ به انجام خواهد رسید.

^۲یو ۱: ۱۸؛ عبر ۱: ۲-۱۱؛ مت ۱۳: ۳۵؛ مر ۴: ۱۱؛ مت ۱۱: ۲۵-۲۷ (= لو ۱۰: ۲۱-۲۲)؛ مت ۱۶: ۱۷؛ غلا ۱: ۱۶-۱؛

قرن ۲: ۱۰؛ مر ۴: ۲۲-۱۷؛ قرن ۱: ۷؛ ۲-تسا ۱: ۷.

◀ مکاشفه - دانستن، شناختن - حقیقت.

ملخ

یونانی: akris. غذای مسکینان^۱. هجوم ملخ‌ها، مجازات^۲ و نفرین^۳، تصویری از داوری روز آخر^۴ یا نمادگرایی یورش قوای خصمانه به ملکوت خدا^۵ است.

^۱ لاو ۱۱: ۲۲؛ مت ۳: ۴ (= مر ۱: ۶) — ^۲ خروج ۱۰ — ^۳ تث ۲۸: ۳۸ — ^۴ یول ۱: ۴ — ^۵ مکا ۹: ۳، ۷: ۳.

◀ مقدمه: فصل دوم ۶؛ فصل هشتم. ۱. د.

ملکیصدق

عبری: malki-çèdèq به معنای «پادشاه من عدالت است» نام پادشاه و کاهن^۱، بنیانگذار کهنانت شاهی^۲، دارای مقامی والاتر از مقام هارون^۳. بدون آغاز و پایان در کتاب مقدس ظاهر شد. او پیش تصویری از مسیح است^۴.

^۱ پید ۱۴: ۱۸-۲۰ — ^۲ مز ۱۱۰: ۴ — ^۳ عبر ۷: ۱-۱۷ — ^۴ عبر ۵: ۶-۱۰ — ۲۰: ۶.

◀ هارون - کهنانت.

ملوک

یونانی: Molokh گرفته شده از واژه عبری molèk. این واژه احتمالاً از تحریف عمدی واژه mèlèk یعنی پادشاه حاصل شده یا به احتمال بیشتر از یک واژه فنی که قربانی کودک را مشخص می‌کند گرفته شده است. نام الهه کنعانی است که قربانی‌های انسانی را طلب می‌کرد^۱.

^۱ لاو ۲۰: ۵ — ۲-پاد ۱۶: ۳؛ ۲۳: ۱۰؛ عا ۵: ۲۶؛ اع ۷: ۴۳.

◀ جهنم.

ملهم

(۱) یونانی: theopneustos (از theos به معنای «خدا» و pneô به معنای «دم زدن»). «تمامی کتاب مقدس ملهم است از خدا»^۱ طبق باور یهودیان نوشته‌های مربوط به شریعت و پیغمبران «کلام خدا»^۲ هستند و ممکن نیست از بین بروند^۳. انسان در این کلمات حیات جاودان می‌یابد^۴.

^۱ ۲-تیمو ۳: ۱۶ — ^۲ روم ۳: ۲ — ^۳ یو ۱۰: ۳۵ — ^۴ یو ۵: ۳۹.

(۲) به معنای گسترده‌تر، مؤلفان نوشته‌های مقدس را می‌توان «ملهم» نامید چون آنها «به روح خدا مجذوب شده‌اند»^۵ همان‌طور که با بی‌تفاوتی گفته می‌شود: «خدا از زبان فلان کس می‌گوید» یا «فلان کس می‌گوید»^۶.

^۵ ۲۵-پطر ۱: ۲۱ — ^۶ مت ۱: ۲۲؛ اع ۳: ۲۱؛ ۴: ۲۵؛ رک. ۲-پطر ۳: ۱۶.

◀ مقدمه: فصل دوازدهم - کتاب مقدس - نگارش - روح.

مونا

یونانی: mamônas، آرامی māmôn به معنای «ثروت»، («مال») این واژه را باید در ارتباط با ریشه بم mn به معنای «چیز مطمئن» «چیزی که رویش می‌توان حساب کرد»، «چیز محکم» قرار داد. این واژه در آثار متأخر، آثار مربوط به کتاب مقدس و آثار کهنانتی به معنای «مال بی‌انصافی» به کار می‌رود. هم چنین است در کتاب عهد جدید^۱.

^۱ بنسی ۳۱: ۸؛ مت ۶: ۲۴؛ لو ۱۶: ۹. ۱۱. ۱۳.

◀ نقره - ثروت.

من

یونانی: manna به معنای «دانه کندر» که واژه یونانی man گرفته شده است واژه عبری آن که در کتاب هفتادتنان به mân برگردانده شده است. ریشه شناسی عامه (عبری: mâ hû به معنای «این چیست؟»)^۱ اصل اسرارآمیز غذای عطا شده توسط خدا به قوم خویش در دوران گذر از *بیابان^۲ را بیان می کند. این واقعه در طی سنت مربوط به کتاب مقدس به طرق گوناگون تعبیر می شود، فی المثل حمایت و آزمایش قوم اسرائیل^۳، غذای روحانی^۴، نوعی عطیة مسیح^۵، غذای *ایام واپسین^۶.

^۱خروج ۱۶: ۱۵ – ^۲خروج ۱۶: اعد ۷-۹؛ عبر ۹: ۴ – ^۳مت ۸: ۱-۶؛ مت ۱۴: ۱-۴ (= لو ۴: ۱-۴) – ^۴حکم ۱۶: ۲۰-۲۹؛ ۱-قرن ۱۰: ۳ – ^۵یو ۶: ۳۱. ۴۹ – ^۶مز ۷۸: ۲۳-۲۵؛ مکا ۲: ۱۷. □

منابع

واژه ای که به نقد ادبی اختصاص دارد که اسناد شفاهی یا کتبی مورد استفاده مؤلفان کتاب عهد جدید را مشخص می کند. در سرمنشأ اناجیل متی و لوقا علاوه بر منابع مخصوص خود آنها طبق قول بعضی از منتقدین دو منبع دیگر یعنی انجیل مرقس و *Q قرار دارند که فرضیه وجود «دو منبع» از آنجا سرچشمه می گیرد. طبق نظریه دیگر منتقدین در سرمنشأ اناجیل نظیر یا بسیاری از منابع قرار دارند که در طی انتقال شفاهی آن ها در محیط های مختلف کلیسای اولیه تغییر شکل یافته اند یا دو منبع اصلی واقع اند که ساختار یکی از آنها به پایه ای محکم استوار است (چیزی که خدمتگزاری عیسی را در جلیل احاطه می کند) و دیگری هنوز دارای حالتی سیال و ناپایدار است (آنچه که با مت ۵-۱۳ مطابق است).

◀ نقد ادبی - Q - نظیر.

[مندائیسیم]

اعتقاد و آئین های *فرقه ای است گنوسی و طرفدار تعمید که در جنوب بین النهرین برپا شده بود. از واژه آرامی manda به معنای «معرفت» مشتق می شود. افراد این فرقه *«نصرانی» (احتمالاً گرفته شده از ریشه ncr به معنای «پیروی، ملاحظه کردن» و نیز صابئین (گرفته شده از sb به معنای «حمام ها») نامیده می شوند. از میان آثار متأخر در ارتباط با این فرقه دوگانگی مخصوصی (*روشنایی ظلمت) و نیز تأثیر عقاید بابلی، ایرانی، مانوی و حتی اسلامی بازشناخته می شود و نیز نوعی شباهت با کتاب عهد جدید به ویژه با انجیل لوقا مشاهده می شود ولی به زحمت می توان از وابستگی دوجانبه آنها صحبت به میان آورد. زبان این فرقه *آرامی شرقی می باشد.

مواد خوشبو

یونانی: arôma. ماده گیاهی خوشبو که برای تهیه *عطریات به کار می رود. شرح دقیق ماهیت^۱ آن مشکل است.

^۱مر ۱۶: ۱؛ لو ۲۳: ۵۶، ۲۴: ۱؛ یو ۱۹: ۴۰.

◀ مقدمه فصل هفتم ۳.

موازی

اصطلاحی است مربوط به نقد ادبی و مشخص کننده عبارت مشخصی از انجیل می باشد که بسیار نزدیک و شبیه عبارت مشخصی از انجیل دیگر است و معمولاً «نظیر» یا سینوپتیک نامیده می شود. این عبارات متوازی با علامت تساوی = نشان داده می شوند.

◀ دو کلمه ای که اشتقاق آنها یکی باشد - نظیر

موسی

یونانی: Mô[y]sès، عبری: Môché (نامی که ریشه مصری دارد: mos یعنی پسر؛ Thûtmosis).

۱) نجات دهنده و قانونگذار اسرائیل. در دوران عیسی یهودیت یونانی گرا از موسی یک قهرمان و یک نابغه ساخته بود، اما یهودیت فلسطینی در وی مؤلفی را می دید که کتاب های پنجگانه تورات^۱ به او الهام شده بود، میانجی والای شریعت بین خدا و قوم^۲، استاد مسلم^۳ و سرانجام نبی به درجه اعلا که بازگشتش را همه انتظار می کشیدند^۴. یک چنین مقامی می توانست مانع شناخت یهودیان از کسی که در اعمال و کلام عیسی بر خود صحه می گذاشت^۵.

^۱مت ۲۴:۲۲ (= مر ۳:۱۰-۴ = لو ۲۸:۲۰)؛ مر ۷:۱۰؛ ۱۰:۳-۴ — یو ۷:۱۹، ۲۲؛ روم ۹:۱۵؛ ۱۰:۵؛ ر.ک غلا ۳:۱۹ —

^۳مت ۸:۴ (= مر ۱:۴۴ = لو ۵:۱۴)؛ ۲۳:۲؛ یو ۷:۲۲-۲۳ — اع ۳:۲۲؛ ۷:۳۷ — یو ۵:۴۵-۴۶؛ ۷:۲۸-۲۹؛ ۲-قرن ۱۵:۳.

۲) از نظر مسیحیان، عیسی والاتر از موسی ای است که به عنوان یک سرور و رهایی بخش، قانونگذار و نبی، پیش قراول عیسی می باشد^۶.

^۶مت ۱۷:۳؛ یو ۱:۱۷. ۴۵. اع ۷:۳۵؛ ۱۳:۳۸؛ ۲۶:۲۲؛ عبر ۳:۲-۳.

◀ هارون - عهد و پیمان - شریعت - شفیع - نبی.

[موسی - برشدن، مکاشفه]

۱) صعود موسی روایتی است تحریفی از کتاب عهد عتیق به تاریخ قدری پس از مرگ هیردیس (۴ ق.م).

۲) مکاشفه موسی عبارتست از روایت تحریفی از کتاب عهد عتیق. تاریخ نگارش آن بین ۲۰ ق.م و ۵۰ م. تعیین شده است. این روایت مشابه روایت «زندگی آدم و حوا» که عنوان آن حاکی از محتوای آن است، می باشد.

موعظه کردن

لاتین: prae-dicare: به معنای «اعلام کردن، انتشار دادن». در زبان یونانی واژه های بسیاری با «اعلام مژده» مترادف هستند. این واژه ها که دارای معانی خاص می باشند غالباً معادل^۱ هم بکار می روند. Eu-aggelizomai به معنای «اعلام مژده»؛ kat-aggellô به معنای «اعلام کردن»؛ ex-hègeomai به معنای «تفسیر کردن»؛ homologeô به معنای «اعتراف کردن»؛ didaskô به معنای «تعلیم دادن»؛ lalêô به معنای «سخن گفتن»؛ martyreô به معنای «شهادت دادن» و بخصوص kèryssô به معنای «اعلام و اعلان به صدای بلند، جار زدن». این فعل به وضوح براسم برتری دارد زیرا اسم گاهی به عامل اشاره می کند مانند kèryx به معنای «واعظ»^۲ و گاهی به محتوایی که اعلام می شود مانند kèrygma به معنای «اعلام و پیغام» که معمولاً وابسته به سخن^۳ است (به ندرت به نقش اشاره دارد)^۴.

^۱۱-تسا ۲:۲ و ۲:۹ را با هم مقایسه کنید فی ۱:۱۸؛ و نیز لو ۴:۴۳، ۹:۶ و مر ۱:۳۸، ۳:۱۴، ۶:۱۲ — ۱-تیمو ۲:۷؛ ۲-تیمو ۱:

۱۱-۲:۲ پط ۵:۲ — مت ۱۲:۴۱ (= لو ۱۱:۳۲)؛ ۱-قرن ۱:۲۱، ۲:۴، ۱۵:۱۴ — روم ۱۶:۲۵؛ ۲-تیمو ۴:۱۷؛ تیط ۱:۳.

۱) در ادامه انبیای عهد عتیق، یحیی تعمید دهنده درباره بازگشت به سوی خدا و تعمید^۵ موعظه می کند، عیسی درباره بازگشت به سوی خدا و مژده ملکوت^۶ موعظه می کند و به شاگردان خود تکلیف می کند که موعظه^۷ کنند. شاگردان، ملکوت، انجیل و کلام ایمان^۸ و بیشتر از همه شخص عیسی مصلوب و زنده^۹ را موعظه می کنند. این پیغام که در متن وجودی خود قرار دارد تصریح می کند که روح القدس در کار است^{۱۰} ولی قبل از آن با دعوت به بازگشت به سوی خدا^{۱۱} دارد. به یک واقعه گذشته (روز گذر مسیح) و به یک واقعه آینده (ظهور نهایی خداوند)^{۱۲} اشاره ای دوگانه دارد.

^۵مت ۱:۳ (= مر ۱:۴، ۷ = لو ۳:۳)؛ اع ۱۰:۳۷؛ ۱۳:۲۴ — مت ۱۷:۴-۱۷؛ ۲۳:۹؛ ۳۵:۱۱؛ مر ۱:۱۴، ۳۸-۳۹؛ لو ۱۸-۱۹؛ ۴۴:۱؛

۷-مت ۱۰:۷؛ مر ۳:۱۴؛ ۶:۱۲؛ ۹:۲ — مر ۱۶:۲۰؛ اع ۲۰:۲۵؛ ۲۸:۳۱؛ روم ۱۰:۸؛ ۸:۲؛ غلا ۲:۲؛ کول ۱:۲۳؛ ۱-تسا ۲:۹؛ ۲-تیمو ۴:۲؛

۱۳- قرن ۹: ۲۷، ۱- تسا: ۱۳ - ۱۴- روم ۱۰: ۱۴- ۱۵- ۱۶- ۱۷- ۱۸- قرن ۴: ۹- ۱۳: ۲- قرن ۱: ۳- ۱۱: ۳: ۴- ۵- ۲۱- ۲۱۶- قرن ۲: ۱۴- ۱۶: ۴: ۱۳- ۱۷- ۲۱۷- تیمو: ۲- ۱۸- قرن ۳: ۱- ۲۲: ۲- قرن ۲: ۱۷- ۱۹- روم ۱: ۵.

(۳) شیوهٔ موعظه بر حسب حاضرین و شرایط و موقعیت تفاوت می‌کند: موعظه می‌تواند بر تحقق یافتن نوشته‌های مقدس^{۲۰} تکیه کند، زندگی عیسی را یادآوری نماید^{۲۱}، به شناخت خدا آفریننده آسمان و زمین^{۲۲} دعوت نماید. در آخر موعظه همواره بر راز صلیب و رستاخیز عیسی متمرکز شده سرانجام به آموزش دینی و تعلیم ختم می‌شود.

^{۲۰}اع ۱۷، ۳: ۲۴، ۱۳: ۳۳- ۱- قرن ۱۵: ۳- ۴- ۲۱- اع ۱۰: ۳۷- ۴۲- ۲۲- اع ۱۴: ۱۵- ۱۷، ۱۷- ۲۲- ۳۱: ۱- تسا ۹- ۱۰: ۱- قرن ۱: ۲۱، ۲: ۴.

◀ آموزش دینی - اعتراف کردن - تعلیم دادن - انجیل - موعظهٔ انجیل - کلام - شهادت دادن .

مہاجر نشین

یونانی kolônia، از واژه لاتین colonia (مشتق از colere به معنای «پروردن»). این اصطلاح مشخص کننده شهرهائی است که محل استقرار سربازان رومی بودند و از حقوق شهروندی رومی برخوردار می گشتند. فی المثل فیلیپی^۱: ۱۶: ۱۲.

◀ مقدمه، فصل چهارم، ۲ ج.

۲

یونانی sphragis. مهر مانند امضا دلالت بر حق مالکیت یا *صحت سند می کند.

(۱) مهر با مسدود و محکم کردن قبر عیسی^۱، هاویه^۲ و تاریخ^۳ انسداد قانونی آنها را تضمین می کند. مفهوم یکی از واژه های مشتق از «مهر کردن»، «رازداری^۴» است.

^۱مت ۲۷:۶۶. ر. ک دان ۶:۱۸ — مکا ۲۰:۳ — اش ۲۹:۱۱؛ دان ۱۲:۴؛ مکا ۵:۱ — ۶:۱۲؛ ۸:۱ — مکا ۱۰:۴؛ ۲۲:۱۰.

(۲) به واسطه مهر خدای زنده^۵ که در کتاب حزقیال به صورت صلیب (به شکل قدیمی حرف «تاو» آخرین حرف الفبای عبری^۶) آورده شده و در کتاب مکاشفه یوحنا با در برداشتن نام خدا (یا) بره^۷ ظاهر می شود، این مهر نشانه تعلق اساسی و انحصاری به عیسی^۸، برگزیدگان^۹ و ایماندارانی است که روح القدس را دریافت داشته اند^{۱۰}. می توان آن را با علامت هائی (یونانی stigma) که پولس بر خود داشت^{۱۱} مقایسه نمود و باید آن را با نشانه (kharagma) * «وحش» متفاوت دانست^{۱۲}.

^۵مکا ۲:۷ — حزق ۴:۹؛ ۶ — مکا ۱۴:۱؛ ۲۲:۴ — یو ۶:۲۷ — مکا ۷:۳؛ ۸:۴ — ۱۰:۲۱ — قرن ۱:۲۲؛ افس ۱:۱۳؛ ۴:۳۰ — غلا ۱۷:۱۶ — مکا ۱۳:۱۶؛ ۱۷:۱۴؛ ۱۱:۱۶؛ ۲:۱۹؛ ۲۰:۲۰؛ ۴:۲۰.

(۳) مهر تصدیق کننده حقیقت خدا^{۱۳}، عدالت ابراهیم^{۱۴}، رسالت پولس^{۱۵} و نیز *جمع آوری اعانات است^{۱۶}.

^{۱۳}یو ۳:۳۳ — ۱۴ روم ۴:۱۱ — ۱۵ قرن ۲:۹؛ ۲ — تیمو ۲:۱۹ — ۱۶ روم ۱۵:۲۸؛ ر. ک طو ۹:۵ □.

مهمان نوازی

یونانی: philo-xenia به معنای: «بیگانه دوستی». فعل xenizō به معنای: «در منزل خود جای دادن، منزل دادن» و فعل lambanō یا dekhomai به معنای «پذیرفتن، پذیرایی کردن» این عمل را تشریح می کنند. مهمان نوازی یکی از آئین های مقدس دنیای قدیم و مورد ستایش عهد عتیق بود^۱ و در عهد جدید نیز ارج بسیاری بر آن نهاده می شود. استنکاف از مهمان نوازی، غیظ و نفرت را برمی انگیزد^۲ و بی اعتنائی به آن مورد تذکر قرار می گیرد^۳ و بی غرضی در مهمان نوازی واجب است^۴. عیسی راز مهمان نوازی را چنین آشکار می سازد که: غریب نوازی به مثابه پذیرایی از عیسی یاراندن وی می باشد^۵. هم چنین به جا آوردن مشتاقانه مهمان نوازی ضابطه ای است برای زندگی مسیحی^۶.

^۱ پید ۱۸: ۱-۸؛ ۱۹: ۸؛ داور ۴: ۱۷-۲۲؛ ۱۹: ۳-۹؛ ایوب ۳۱: ۳۲؛ حک ۱۹: ۱۳-۱۷؛ بنسی ۳۲: ۲۳ — لو ۹: ۵۳-۵۴؛ رک. مت ۱۰: ۱۴-۱۵؛ ۲۲: ۷ — لو ۷: ۴۴-۴۶ — لو ۱۴: ۱۳-۱۴؛ رک ۱۰: ۳۴-۳۵ — مت ۵: ۱۰؛ ۲۵: ۴۰؛ ۳۵: ۴۳؛ یو ۱: ۱۱؛ عبر ۱۳: ۲ — روم ۱۲: ۱۳؛ ۱- تیمو ۲: ۵؛ ۱۰: ۵؛ تیط ۱: ۸؛ ۱- پطر ۴: ۹.

◀ پذیرفتن - غریبه - مهمانخانه.

مهمانخانه

یونانی: pan-dokheion: «پذیرایی کردن از همه»^۱ باید این واژه را از واژه katalyma (از kata-lyō به معنای «باز کردن») یعنی «اتاق پذیرایی» یک خانه یا یک کاروانسرا یا یک مسکن موقت، متمایز دانست^۲. با واژه xenia به معنای «منزل، مسکن» زیر متفاوت است^۳.

^۱ لو ۱۰: ۳۴-۳۵ — مر ۱۴: ۱۴ (= لو ۲۲: ۱۱)؛ لو ۲: ۷؛ رک. ۹: ۱۲؛ ۱۹: ۷ — اع ۲۸: ۲۳؛ فیل ۲۲.

[میترا]

الهه باستانی هند و اروپائی و ایرانی. «مذهب اسرار» این الهه در واقع تنها در قرن دوم میلادی به خصوص در نماد خدای یا الهه خورشید پیروزمند (sol invictus) در امپراتوری روم نفوذ کرده است.

میدراش

واژه ای است عبری (از dârach به معنای «تحقیق کردن») به معنی «تحقیق» که معانی بررسی و تفسیر نیز در آن مستتر هستند.

۱) این واژه مشخص کننده تفسیر کنیسه ای و حاصل سنت و تأمل (و نه الهام مکاشفه ای) می باشد. روشی است که توسط آن قطعه ای از کتاب مقدس بر حسب کاربرد آن در زمان حال و با در نظر داشت ترغیب به زندگی بهتر مورد تفسیر و تشریح قرار می گیرد. این روش را نمی توان با داستان یا افسانه بندی داستانی همسان دانست. این روش روند تأمل بر روی نوشته های مقدس گذشته را ادامه می دهد مانند حزقیال ۱۶، اشعیا ۶۰-۶۲، مزمو ۷۵ و کتاب حکمت و یا احادیثی مانند «یوبیل» ۴۱۸ و وصایای ۱۲ پدر قوم و حتی متی (۲: ۲-۷ در مورد زکریا ۹: ۹).

۲) نوشته ای (جمع آن midrachîm) که این تفاسیر سنتی را در خود جمع دارد. کاربرد آن در بخش قانونگذاری تورات قواعد جدیدی را به وجود می آورد و عبارت است از halaka (از عبری hâlak به معنای «راه رفتن، راه بردن») این قواعد برای سفر خروج Mekhilta (= «میزان»)، برای لاویان Sifra (= «کتاب») برای اسفار اعداد و تثنیه و Sifré (= «کتاب ها») می باشند. میدراش که کاربرد آن در بخش حکایتی تورات است، می خواهد معنای روایت ها و حوادث را آزاد سازد که عبارت است از haggada (از آرامی aggadtâ) به معنای «معرفی» چنین است. «جروج ربّا»، «عزلیات ربّا» و «مراثی ربّا» (ربّا از نام نخستین مؤلف مانند Rabbi Ochaya Rabba یا از واژه عبری rab حاصل می شود و نتیجه آن «پیدایش گسترش یافته» است.

◀ مقدمه. فصل دوازدهم. ج. ۱.

میراث

یونانی: klèronomia (از klèros به معنای «نصیب شدن، سرنوشت»^۱ و nemô به معنای «قسمت کردن»). klèronomoi (وارثان) در موقع تقسیم ارث سهم می برند، آنها صاحب (nemontai) سهم می شوند.

(۱) در کتاب عهد قدیم واژه میراث مشخص کننده مالکیت غیرقابل انتقال مالی^۲ است که از راهی غیر از راه زحمت شخصی حاصل شده باشد مانند آنچه که از راه هدیه^۳، غنیمت^۴، وراثت^۵ و توزیع^۶ به دست می آید. هرگاه این مفهوم با روابط بین خدا و انسان تطبیق داده شود، بر وجه عطیه رایگان تأکید دارد: انسان سزاوار هیچ چیز نیست بلکه مالکیت را دریافت می کند.

^۱مت ۲۷: ۳۵؛ اع ۱: ۲۶-۱۲-پاد ۲۱: ۳-۴-پید ۱۵: ۷-۴خروج ۲۳: ۳۰-پید ۲۱: ۱۰-۶یوشع ۱۳: ۷-۱۴.

(۲) عیسی مسیح که ذریت ابراهیم^۷ در وی متمرکز است وارث (klèronomos) وعده های خدا می باشد. به علاوه او فرزندی است که از راه ولادت، حق توارث همه چیز را دارا می باشد^۸. در واقع او که از طریق اطاعت پذیرای مرگ شد، آن نام^۹ را به ارث برد. ایمانداران مسیحی، در وی، پسرخوانده و هم ارث^{۱۰} می گردند. راه به دست آوردن این ارث برای تمامی یهودیان و مشرکان باز است^{۱۱}.

^۷غلا ۱۶: ۳۸-۳۹-عبر ۲: ۱-عبر ۹: ۴-۱۰ روم ۸: ۱۴-۱۷: ۱-غلا ۷: ۱-عبر ۹: ۱۵-۱۱ اع ۲۶: ۱۸؛ افس ۳: ۶.

(۳) واژه میراث که در طول کتاب عهد قدیم^{۱۲} جنبه معنویت پیدا کرد دیگر به معنای سرزمین کنعان^{۱۳} نیست بلکه به معنای برکت الهی^{۱۴}، شهر آسمانی^{۱۵}، سرزمین موعود حقیقی^{۱۶} و ملکوت خدا^{۱۷} است که حیات ابدی^{۱۸} می باشد و از راه امید عطا می شود^{۱۹} و سرانجام به معنای خود خدا است^{۲۰}. این همان چیزی است که اول به مسکینان^{۲۱} و بعد به فرزندان خوانده های دارای ایمان^{۲۲} وعده داده شده است و این ارث تنها امید نیست بلکه حالا دیگر عطیه ای است از راه ایمان چون روح القدس پیش بهای آن می باشد^{۲۳}.

^{۱۲}ث ۱۰: ۹؛ مز ۱۶: ۵؛ ۷۳: ۲۶؛ ار ۱۰: ۱۶-۱۳ تث ۱: ۷؛ اع ۱۳: ۱۹-۱۴-پطر ۳: ۹-۱۵-عبر ۱۱: ۸-۱۰-۱۶ مز ۳۷: ۹؛ مت ۵: ۵-۱۷ مت ۲۵: ۳۴-۱۸ مت ۱۹: ۲۹؛ مر ۱۰: ۱۷ (= لو ۱۸: ۱۸)-۱۹ نیط ۷: ۲۰-مکا ۲۱: ۷-۱۱ یع ۵: ۲۲-۱۲۲-قرن ۶: ۹-۱۰: ۱۵؛ ۵۰: ۵-غلا ۵: ۲۱؛ افس ۵: ۵-۲۳ افس ۱: ۱۴.

◀ مقدمه. فصل ششم. ۴. ب. ذ. - وعده ها - بقیه - عهد.

میز

یونانی: Trapeza

(۱) میز اختصاص داشت به خوردن غذا^۱، برگزاری مراسم مذهبی^۲ یا کار صرافان^۳ باشد. میز در عصر عهد جدید معمولاً دارای پایه بود. در مزمور ۶۹ به یک عادت قدیمی اشاره می شود که طبق آن نیز عبارت بوده است از یک قالیچه که روی زمین انداخته می شد که می توانست دست و پاگیر انسان بشود^۴ این واژه از لحاظ استعاری ممکن است به معنای جمعیت دور سفره^۵ یا غذای مربوط به مراسم مذهبی باشد^۶.

^۱مت ۱۵: ۲۷ (= مر ۷: ۲۸)-عبر ۲: ۲-۳ مت ۲۱: ۱۲ (= مر ۱۱: ۱۵ = یو ۲: ۱۵)-۴ روم ۱۱: ۹-۵ لو ۱۶: ۲۱-۲۲، ۲۱. ۳۰-اع ۱۶: ۳۴؛ ۱-قرن ۱۰: ۲۱-۱۶-قرن ۱۰: ۲۱.

(۲) بمانند واژه ایتالیایی banca واژه فرانسوی banc سرانجام برای مشخص کردن میز صرافان بکار برده شد و همچنین واژه یونانی آن می تواند به معنای «صراف»^۷ بکار برود.

^۷لو ۱۹: ۲۳؛ ر. ک. مت ۲۵: ۲۷.

(۳) «خدمت به مائده ها» به معنای «خدمت در سر میز» نیست بلکه مأمور تدارکات وعده های غذا می باشد (نباید انگاشته شود که مفهوم گسترده تر از این بوده و منظور کلی کارپرداز یا ناظر خرج بوده باشد)^۸.

^۸اع ۶: ۲ □

میسیا

یونانی: Mysia. منطقه شمال غربی ترکیه امروزه که از سال ۱۲۹ ق.م با ایالتی از آسیای تحت تسلط روم ادغام شده بود.^۱

^۱اع ۱۶: ۷-۸؛ ر.ک ۲۰: ۶ □

◀ پرغامس - تروآس - نقشه شماره ۳

[میشنا]

(۱) واژه عبری است (از عبری chānah به معنای «تکرار کردن»): یعنی «آموزش». معمولاً به تکرار شفاهی شریعت اطلاق می شود.

(۲) مجموعه ای است تنظیم شده توسط یهودای مقدس (۱۳۵-۲۰۰) از روی روایت های مکرر (از آرامی tannain) به معنای «تکرار کننده ها» که از سال ۱۰ تا سال ۲۰۰ میلادی باقی بودند شفاهی که بعداً کتابت شد.

این مجموعه حقوقی شامل شش قسمت یا «قاعده» (عبری Sedârim)، ۶۳ رساله عبری، massektôt، ۵۲۳ فصل (عبری Perakim)، بوده که michnayôt های گوناگونی را در خود جمع دارند. این مجموعه برپایه تلمود قرار دارد.

◀ مقدمه. باب دوازدهم. ۱. ب - قانون - تورات.

میکائیل

یونانی: Mikhaël، عبری Mykâél به معنای «کیست مانند خدا؟». فرشته مقرب پیروزمند بر «اژدها»^۱.

^۱دان ۱۰: ۱۳، ۲۱: ۱۲؛ ۱: ۱۲؛ یهودا ۹: ۱۲؛ مکا ۱۲: ۷ □

میل و اشتیاق

(۱) یونانی: epi-thymeo (از thymos به معنای «نفس، قلب، اشتیاق، آرزو») به معنای «سخت آرزو کردن» چیزی مانند آرزوی سیر شدن، بازیافتن دوستان، و دیدن خدا^۱. در کتاب عهد جدید این فعل معمولاً... (توجه: این جمله با نقل قول های زیر نمی خواند) اشکال گوناگون تحقیر آمیزی نسبت به حرص و شهوت به خود می گیرد.

^۱پید ۳۱: ۳۰؛ امث ۱۳: ۱۷؛ لو ۱۵: ۱۶، ۱۶: ۲۱، ۲۷: ۲۲، ۲۲: ۱۵؛ فی ۱: ۲۳؛ ۱-تسا ۲: ۱۷؛ ۱-تیمو ۳: ۱؛ عبر ۶: ۱۱؛ ۱-پطر ۱: ۱۲؛ مکا ۹: ۶، ۱۸: ۱۴.

(۲) یونانی: epi-potheo (از potheo به معنای «آرزو کردن چیز دور از دسترس» با پسمایه تاسف یا به معنای «گرامی داشتن»^۲.

^۲مز ۱۱۹: ۲۰، ۱۳۱، ۱۷۴؛ روم ۱: ۱۱، ۱۵: ۲۳؛ ۲-قرن ۵: ۲، ۷: ۷، ۱۱، ۹: ۱۴؛ فی ۱: ۸، ۲: ۲۶، ۴: ۱؛ ۱-تسا ۳: ۶؛ ۲-تیمو ۱: ۴؛ یع ۴: ۵؛ ۱-پطر ۲: ۲.

(۳) واژه های دیگر یونانی: homeiromai (مشتق از himeros به معنای «مشتاقانه خواستن»^۳، oregomai به معنای «گرویدن به سوی» «طالب بودن»^۴؛ eukhomai به معنای «خواهش کردن، آرزو داشتن»^۵.

^۳۱-تسا ۲: ۸ — ^۴حک ۱۶: ۲-۳؛ بنسی ۱۸: ۳۰؛ روم ۱: ۲۷؛ ۱-تیمو ۳: ۱، ۶: ۱۰؛ عبر ۱۱: ۱۶ — ^۵اع ۲۶: ۲۹، ۲۷: ۲۹؛ روم ۹: ۳؛ ۳-یو ۲: ۲؛ ر.ک ۲-قرن ۱۳: ۷، ۹.

◀ جستجو کردن - شهوت - غیرت.

میلِتوس

یونانی: Milètos. بندری است در ساحل غربی آسیای صغیر^۱.

^۱ اع ۲۰: ۱۵، ۱۷: ۲- تیمو ۴: ۲۰ □.

◀ نقشه شماره ۲.

میوه

یونانی: karpos. تکلیف ثمر بخشی که در کتاب عهد قدیم^۱ به طور مداوم بر آن تأکید می شود و در کتاب عهد جدید بر آن پافشاری می شود مانند ثمرات دانه های گندم کاشته شده در زمین^۲، تاکستان^۳، درخت انجیر^۴، پول های به امانت گذاشته شده^۵. این تکلیف به سادگی شامل به ثمر آوردن میوه ای است که شهادت بر هر شخص به سوی خدا برگشته است^۶ و این امر محال است مگر اینکه فرد ایماندار پیوند خورده به مسیح باقی بماند^۷؛ از این رو به فیض روح القدس، یگانه میوه محبت لذیذ^۸ می گردد و درخت زندگی همواره میوه خواهد داد^۹.

^۱ پید ۱: ۲۲، ۲۸: ۵؛ اش ۵: ۴، ۳۷: ۳۰ — مت ۱۳: ۸، ۲۳ (= مر ۴: ۸، ۲۰ = لو ۸: ۸، ۱۵): مر ۴: ۲۹ — مت ۲۱: ۳۴، ۴۱، ۴۳: مر

۱۲: ۲؛ لو ۲۰: ۱۰ — مت ۲۱: ۱۹ (= مر ۱۱: ۱۴)؛ لو ۱۳: ۶-۹ — رک. مت ۲۵: ۲۶؛ لو ۱۹: ۱۳ — مت ۳: ۱۰ (= لو ۳: ۸)

— یو ۱۲: ۲۴، ۱۵: ۲-۱۶ — روم ۷: ۴؛ غلا ۵: ۲۲؛ کول ۱: ۱۰ — مکا ۹: ۲۲: ۲.

◀ رشد و نمو - باروری و حاصل خیزی - نازایی.

میهن

یونانی: patris. این واژه یا سرزمین پدران را در مجموع^۱ و یا موطن، شهر یا دهکده ای را که خانواده در آن مستقر می باشد^۲ مشخص می کند. عیسی هر چند که بر سرنوشت اورشلیم گریست، اما خود در این دنیا سرپناهی نداشت^۳ برخلاف کهنه که در پی وطنی بهتر بودند^۴.

^۱ ۲- مک ۸: ۲۱؛ یو ۴: ۴۴ — مت ۱۳: ۵۴ (= مر ۶: ۱)، ۵۷ (= ۴: ۴ = ۲۴) — رک. مت ۸: ۲۰؛ لو ۱۹: ۴۱؛ یو ۱: ۳۸ —

^۲ عبر ۱۱: ۱۴-۱۶؛ رک فی ۳: ۲۰، ۱- پتر ۱: ۱ □.

ن

نابینا

یونانی: typhlos.

۱) کوری که غالباً در اثر بیماری ورم التهاب پدید می‌آید در مشرق زمین بسیار شیوع داشت و آن را مجازات الهی^۱ به شمار می‌آوردند. با وجود این که شریعت، کمک به نابینایان^۲ را سفارش می‌کرده است، اینان اکثراً به *گدایی^۳ روی می‌آوردند. شفای ایشان که به ندرت اتفاق می‌افتاد، به عنوان *معجزه^۴ ای بزرگ تلقی می‌گشت.

^۱ خروج ۴: ۱۱؛ یو ۹: ۲؛ اع ۱۳: ۱۱ — ^۲ تث ۲۷: ۱۸ — ^۳ مر ۱۰: ۴۶؛ یو ۹: ۱ — ^۴ یو ۹: ۱۶.

۲) در ارتباط با تجسم نبوتی نجات به صورت *روشنایی^۵، کوری *سمبل تاریکی های روحانی و *سخت دلی^۶ است. بدین گونه عیسی با اعطای بینایی به کوران، *نشانه ای از زمان مسیحایی^۷ را بروز می‌دهد. هر که آن را *بازمی شناسد^۸ درمی یابد که عیسی نور جهان^۹ است و هم چون پولس این امکان را کسب می‌کند که بینائی^{۱۰} را باز یابد.

^۵ اش ۳۵: ۵ — ^۶ اش ۶: ۹، ۱۰؛ مت ۱۵: ۱۴، ۲۳؛ ۱۶-۲۶؛ یو ۹: ۴۱، ۱۲؛ ۴۰؛ روم ۲: ۱۹؛ ۲-قرن ۴: ۴؛ ۲-پط ۱: ۹؛ ۱-یو ۲: ۱۱؛ اش ۳۵: ۵ — ^۷ مت ۱۱: ۵ (= لو ۲۲: ۷) — ^۸ یو ۹: ۳۹؛ ر. ک. مت ۱۳: ۱۶، ۱۷ — ^۹ یو ۹: ۵ — ^{۱۰} اع ۹: ۸، ۱۷، ۱۸؛ ۱۱: ۲۲؛ ۱۳؛ مکا ۳: ۱۸.

◀ سنگدلی - نور - بیماری - چشم - دیدن.

(نار دین) عطر سنبل هندی

روغنی است معطر که از یک گیاه هیمالیائی گرفته می‌شد. به علت گرانبها بودن این روغن در بعضی از اوقات در ساختن آن تقلب می‌شده است. بر اساس یهودیت متأخر، عطر سنبل هندی یکی از چیزهایی است که حضرت آدم از بهشت با خود آورده است.^۱

^۱ مر ۱۴: ۳؛ یو ۱۲: ۳ □

◀ عطر

نازایی

از میان چند نامی که نازایی را مشخص می‌کنند یکی *شر است. همان طوری که در کتب عهد قدیم^۱ و عهد جدید^۲ نشان داده شده است خدا بر آن پیروز می‌شود.

^۱ پید ۱۵: ۲-۳؛ ۱۶: ۴-۵؛ ۳۰: ۱ — ^۲ روم ۴: ۱۸-۲۴.

۱) یونانی steiros، نازائی یا امر بچه نداشتن را که خود یک ننگ است مشخص می‌کند^۳.

^۳ لو ۱: ۷-۳۶؛ ۲۳: ۲۹؛ غلا ۴: ۲۷.

۲) یونانی argos (از ergon به معنای «کار» و a نفی کننده) به معنای «بیکار، تنبل» همانند ایمان بدون^۴ *عمل محکوم است.

^۴ یع ۲: ۲۰-۲؛ پط ۱: ۸؛ ر. ک. مت ۱۲: ۳۶؛ تید ۱: ۱۲؛ ۲-پط ۲: ۳.

۳) یونانی kenos به معنای «تهی، باطل، بی واقعیت»^۵.

^۵ ۱-قرن ۱۵: ۱۰.

۴) یونانی akorpos (karpos به معنای میوه و a نفی کننده). برحسب تناسب منطقی با تکلیف ثمره دادن ناباروری^۶ درخت انجیر^۷ یا تخم کاشته شده^۸ نمادگر نبود بازگشت حقیقی به سوی خدا، ایمان بدون عمل و اعمال بی ثمر ظلمات می‌باشد^۹.

مت ۳: ۱۰ (= لو ۳: ۹)؛ ۷: ۱۶-۲۰ (= لو ۴۳: ۴۴) — مت ۷: ۱۹ (= مر ۱۱: ۱۴)؛ لو ۶: ۹ — مت ۱۳: ۲۲ (= مر ۴: ۷-۱۹) — افس ۵: ۱۱؛ تیط ۳: ۱۴ — ۲- پط ۱: ۸؛ یهو ۱۲: ۱۲.
 ▲ مقدمه، فصل ۸. ۲. ب. د. ۵- میوه - باکره.

ناصره

یونانی: ^۱Nazareth یا ^۲Nazara، به آرامی احتمالاً *naçerat* یا *naçerâ*. قصبه‌ای کم‌اهمیت در جلیل که نه در کتاب عهد عتیق و نه توسط فلاویوس ژوزف و نه در تلمود ذکر از آن به میان نیامده است. ارتفاع آن از سطح دریا ۳۵۰ متر در ۴۵۰۰ کیلومتری صفوره واقع است. در این محل بود که یهودای جلیلی در سال ۶ م. قیام نمود. از ناصره جاده‌ای می‌گذشت که صفوره را به یک جاده‌ای فرعی که دمشق را به مصر مرتبط می‌ساخت می‌رساند.
^۱مت ۲: ۲۳؛ ۲۱: ۱۱؛ مر ۱: ۹؛ لو ۱: ۲۶؛ ۲: ۴؛ ۳۹: ۵۱؛ یو ۱: ۴۵-۴۶؛ اع ۱۰: ۳۸ — مت ۴: ۱۳؛ لو ۴: ۱۶.
 ▲ مقدمه، فصل ۲. ۳. ب: فصل ۱۱. ۴.

ناصره (کتیبه)

در سال ۱۸۷۸ کتیبه‌ای معروف به کتیبه ناصره پیدا شد که عبارت است از لوح مرمرین (به اندازه‌های ۶۰ × ۳۷/۵ سانتی متر) که در روی آن به زبان یونانی فرمانی مربوط به توهین به یک مقبره به زبان یونانی کتابت شده است. امروزه متخصصان دریافته‌اند که این کتیبه شامل ترجمه متن لاتین یک فرمان امپراتور اوگوست است که در سال ۸ میلادی توسط والی کوپونیوس به علت توهین سامریان نسبت به معبد که اجساد را از معبد خارج کرده استخوان‌های آنها را پراکنده بودند منتشر شده بود. این فرمان را نباید مربوط به روایتی دانست که حاکی از خارج کردن جسد عیسی توسط شاگردان (مت ۲۷: ۶۲-۶۶؛ ۲۸: ۱۱-۱۵) بوده است.

ترجمه Diatagma Kaisaros به شرح زیر است:

«فرمان قیصر»: مرا خوش می‌آید که اماکن مقدس و مقبره‌هایی که به حکم مذهب برای اجداد یا اطفال با هم‌نوعان ساخته می‌شود بطور دائم تغییرناپذیر باقی بمانند، هر آینه اگر شخصی ثابت کند که کسی آنها را تخریب کرده یا اجساد دفن شدگان را به نوعی از زمین خارج ساخته یا آنها را به طور قاچاق و به نیت اهانت به جای دیگر انتقال داده یا سنگ قبر (یا کتیبه) یا تخته سنگ مقبره را جابه‌جا کند دستور می‌دهم که مقصر محکوم شود (یا به محاکمه کشانده شود) و به جرم اهانت به مذهب انسان‌ها به همان شدتی که توهین کنندگان به تقوا نسبت به خدایان (همانند توهین به الوهیت از طریق وظیفه‌شناسی انسان‌ها نسبت به خدایان) محکوم شوند. چون مردگان را باید بیش از این محترم داشت (که این امر عملی نشده است). زیرا نباید مطلقاً به کسی اجازه داده شود که جای مقبره‌ها را تغییر دهد یا اجساد را جابه‌جا کند. در غیر این صورت می‌خواهم که به علت هتک حرمت از مکان مقدس مقصر را به اعدام محکوم کنند.

ناصری

(۱) یونانی Nazarēnos که به «ناصری» یا «اهل شهر ناصره» ترجمه می‌شود به معنای «ساکن ناصره» است.^۱

^۱مر ۱: ۲۴؛ ۱۰: ۴۷؛ ۱۴: ۶۷؛ ۱۶: ۶؛ لو ۴: ۳۴؛ ۲۴: ۱۹.

(۲) یونانی: Nazōraios که باز هم «ناصری» ترجمه می‌شود. این واژه عیسی^۱، جلیلی^۲ را و نیز یک بار مسیحیان^۳ را مشخص می‌کند. این واژه یک مسئله حل نشده اشتقاقی را به وجود می‌آورد. گاهی اعتقاد بر این است که این واژه از واژه عبری Nāzîr به معنای «نذر شده، مقدس»^۴ و گاهی از واژه néçer به معنای «نهال»^۵ یا از واژه neçûrîm به معنای «باقی مانده» یا هم‌چنین مشتق از ریشه مندانی nçr به معنای «نظر کردن»^۶ می‌باشد.

^۱مت: ۲۳؛ لو: ۱۸؛ یو: ۱۸؛ ۵. ۷؛ ۱۹؛ ۱۹؛ اع: ۲؛ ۲۲؛ ۳؛ ۶؛ ۱۰؛ ۴؛ ۱۴؛ ۲۲؛ ۸؛ ۲۶؛ ۹. ^۲قیاس با مت: ۲۶؛ ۷۱؛ ۶۹؛ ۲۶ — ^۳اع: ۲۴؛ ۵ — ^۴داور: ۱۳؛ ۵؛ ر.ک: ۱۶؛ ۱۷؛ مر: ۱۷؛ ۱ — ^۵اش: ۱۱؛ ۱ — ^۶اش: ۴۹؛ ۶.

[ناگ حمادی]

روستائی در مصر علیا در نزدیکی شنوبوسکیون. در این محل، در قرن چهارم میلادی، پاکوم دیرهایی/ صومعه هایی را بنا نهاد. در سال ۱۹۴۷ در این محل ۱۳ جلد کتاب مربوط به قرن چهارم میلادی یافت شد که قسمتی از کتابخانه ای را مشتمل بر چندین هزار صفحه تشکیل داده و آثاری بوده است که از زبان یونانی به زبان قبطی (زبان مسیحیان مصر که الفبای آن الفبای یونانی بود به اضافه هفت علامت اخذ شده از خط عامیانه *démotique* مصر قدیم) ترجمه شده بود. در میان این کتاب ها Apocryphon = کتاب سری یوحنا)، حکمت عیسی، انجیل راستین، (تعلیمات دینی خانوادگی که به نیت واضح نمودن اینکه انجیل صحت دارد نوشته شده است). انجیل *توما و انجیل فیلیپ (مجموعه ای از اشعار، جملات و اندیشه های گنوسی) را نام می بریم.

◀ مکاشفه - گنوسی.

نام

یونانی: onoma؛ عبری: chém.

(۱) انسان در روز هشتم تولد خود نامی را از والد خود یا از خود خدا دریافت می کند که نقش وی را در زندگی بیان می کند.^۱ این نام در طی حیات گاهی تغییر داده می شد.^۲ در عصر تسلط یونان - روم یهودیان *پراکنده نام دومی را که یونانی یا لاتین بود بر خود داشتند.^۳

^۱پید: ۲۰؛ ۱- سمو: ۲۵؛ مت: ۲۳؛ ۲۱؛ ۱؛ ۲۳؛ ۱۳؛ ۶۳ — ^۲پید: ۱۷؛ ۵؛ ۳۲؛ ۲۸-۳۰؛ ۲- پاد: ۲۳؛ ۳۴؛ مت: ۱۸؛ ۱۶ — ^۳اع: ۱۳؛ ۹.

(۲) نام، طبق یک عقیده راسخ و بسیار شایع، به طور عمیق مبین شخص است. نام در عین حال حضور فعال کسی و فاصله او را بیان می کند مانند زمانی که یهوه نام^۴ خود را در زمین ساکن ساخت. هم چنین دانستن نام کسی به معنای دسترسی به راز وجود او^۵ و حتی به نوعی تسلط بر او تلقی می شود.^۶

^۱ت: ۱۲؛ ۵؛ ۲- سمو: ۱۳؛ ۷- پاد: ۳؛ ۸؛ ۱۶ — ^۵یو: ۳؛ ۱۰؛ ۱۲ — ^۶پید: ۱۹؛ ۱۲ — ^۲سمو: ۵؛ ۹؛ ۱۲؛ ۲۸؛ مز: ۴۹؛ ۱۲.

(۳) «نام» مشخص کننده خود یهوه است.^۷ دانستن آن به معنای در حضور وی بودن است.^۸ استمداد از وی به معنای برقرار کردن ارتباط با اوست؛ تقدیس کردن او به معنای شناختن این امر است که او خود خداست.^۹ نام او را به عبث یاد کردن به معنای او را بیهوده در اختیار خود قرار دادن^{۱۱} است. عیسی اعلام کرد نام حقیقی خدا «پدر»^{۱۲} است.

^۷لاو: ۲۴؛ ۱۱- ۱۶؛ تث: ۱۲؛ ۵؛ مز: ۵۴؛ ۳؛ ۸۹؛ ۲۵؛ یو: ۱۲؛ ۲۸ — ^۸خروج: ۳؛ ۱۳-۱۶؛ یو: ۱۷؛ ۲۶ — ^۹اع: ۲؛ ۳۶ — ^{۱۰}اش: ۲۹؛ ۲۳؛ مت: ۹؛ ۶ — ^{۱۱}خروج: ۲۰؛ ۷؛ روم: ۲؛ ۲۴؛ مکا: ۱۳؛ ۶ — ^{۱۲}یو: ۱۷؛ ۶؛ روم: ۸؛ ۱۵؛ غلا: ۴؛ ۶.

(۴) عیسی نام های *عمانوئیل، *خداوند، *مسیح و *پسر خدا را دریافت کرد. او حتی «نام» را که تنها به خدا تعلق دارد به ارث برد^{۱۳}. بنابراین هر فرد مسیحی باید به نام او دعا کند و سلوک نماید یا به عبارت دیگر ارتباط تنگاتنگ با قدرت او برقرار نماید^{۱۴}، در انتظار دریافت نامی جدید^{۱۵} باشد یعنی احتمالاً نامی مافوق جمیع نامها^{۱۶} یا اینکه نام پسر یعنی کسی که به استمداد طلبیده^{۱۷} می شود.

^{۱۳}اع: ۵؛ ۴۱؛ فی: ۲؛ ۱۰-۱۱؛ ۳- یو: ۷ — ^{۱۴}مت: ۷؛ ۲۲؛ ۱۸؛ ۲۰؛ مر: ۹؛ ۳۸؛ ۱۶؛ ۱۷؛ لو: ۱۰؛ ۱۷؛ یو: ۱۴-۱۳؛ ۱۴؛ ۱۵؛ ۱۶؛ ۳؛ ۶؛ ۱۰ — ^{۱۵}اش: ۶۲؛ ۲؛ مکا: ۱۷؛ ۳؛ ۱۲؛ ۱۴؛ ۱ — ^{۱۶}فی: ۲؛ ۹ — ^{۱۷}مت: ۵؛ ۹؛ ۱- یو: ۳؛ ۱.

◀ کفرگفتن - دعوت خدا.

نامزدها

نامزدها که با یک قول پیمان بسته بودند به عنوان *همسران محسوب می شدند.

◀ مقدمه، فصل ۸. ۲. ب ۱

نان

یونانی: artos.

۱) غذایی تهیه شده از آرد جو و خمیرمایه (آرد جو بیشتر از آرد گندم به کار می رفت). نان که روی صفحه ای فلزی یا در تنور آماده می شد دارای شکل دایره (که نقش بشقاب را نیز می توانست ایفاء کند) یا به شکل گرده نان بود و به قلهو سنگ شبیه بود^۱. نان یکی از غذاهای اساسی^۲ به شمار می آمد که بی آن نمی توان سرکرد و تا جایی که اغلب مترادف با «وعده^۳ غذا» به حساب می آمد. نان هرگز با کارد بریده نمی شد بلکه به جهت تقسیم کردن با دست پاره می شد. تقسیم کردن نان به معنای دادن آن^۴ است که میهمانان را به هم جوش داده آنها را با همدیگر متحد می کند^۵.
^۱ مت ۷: ۹ (=لو ۱۱: ۱۱؛ ر. ک لو ۳: ۴) — ^۲ عا ۴: ۶؛ مر ۳: ۲۰؛ لو ۱۱: ۵؛ ۱۵: ۱۷ — ^۳ لو ۱۴: ۱۵؛ عا ۲: ۴۲ — ^۴ اش ۷: ۵۸؛ ار ۱۶: ۷ — ^۵ مر ۴۱: ۱۰؛ مت ۱۴: ۱۹؛ (=مر ۴۱: ۹؛ ۱۶: ۹؛ ۱۱: ۲۶؛ ۲۶: ۲۶ (=مر ۱۴: ۲۲؛ ۲۲: ۱۹؛ ۱۹: ۱۱-۱-قرن ۱: ۲۳)؛ یو ۱۳: ۱۸؛ ۱-قرن ۱۰: ۱۶.

۲) خدا نان مورد نیاز روزانه انسان را به کسی عطا می کند که آن را درخواست نماید^۶. نان *من آسمانی است که انسان را سیر می کند^۷ و غذای *آخرتی و عطیه نهایی^۸ را *مجسم می نماید.
^۶ مت ۶: ۱۱ (=لو ۱۱: ۳) — ۲-قرن ۹: ۱۰ — ^۷ مت ۱۴: ۲۰ (=مر ۶: ۴۲؛ ۹: ۱۷؛ یو ۶: ۱۳؛ ر. ک ۶: ۲۶) — ^۸ مز ۷۸: ۲۳-۲۵؛ اش ۳۰: ۲۳؛ ار ۳۱: ۱۲؛ لو ۲۲: ۱۶؛ مکا ۲: ۱۷.

۳- نان استعاره ممتازی است به معنای *کلام خدا که معیشت حقیقی انسان^۹ می باشد. «نان خدا» که به صورت من ظاهر شد نمادگر شریعت عطا شده از سوی خدا بود^{۱۰}. خود عیسی «نان زندگی» و تنها حیات بخش^{۱۱} است یعنی همان نانی که عیسی در شب *قربانی^{۱۲} شدن خود به شاگردانش عطا کرد. عیسی ضمن توزیع کردن نان بین توده مردم در بیابان، به شاگردانش یاد می دهد که چگونه می توان کلام خدا و آیین *شام خداوند را به فراوانی اعطا کرد^{۱۳}.
^۹ تث ۸: ۳؛ عا ۸: ۱۱؛ مت ۴: ۴ (=لو ۴: ۴) — ^{۱۰} یو ۶: ۳۴ — ^{۱۱} یو ۶: ۳۵-۴۷ — ^{۱۲} مت ۲۶: ۲۶ (=مر ۱۴: ۲۲؛ ۲۲: ۱۹؛ ۱۹: ۱-قرن ۱: ۲۳) — ^{۱۳} مت ۱۴: ۱۳-۲۱ (=مر ۶: ۳۲-۴۴؛ ۹: ۱۰-۱۷)؛ ۱۵: ۳۲-۳۸ (=مر ۸: ۱-۹)؛ یو ۶: ۱-۱۵.
 ◀ مقدمه، فصل ۱. ۱. د. ۲ - فطیر - سپاسگزاری - پاره نان - من - ضیافت، غذا.

نان های تقدیمی

یونانی: artoi tès protheseōs به معنای «نان قرار داده شده در پیش» روی یهوه یا نان های شخصی او یا تعداد ۱۲ نانی که روی میزی (نه میز مذبح بلکه *میز مقدس) قرار داده می شد و هر سبت توسط کاهنانی که از آنان می خوردند تجدید می شد. منشأ آئین باستانی «نان های عرضه شده» مورد بحث های بسیار می باشد^۱.
^۱ لاو ۲۴: ۵-۸؛ مت ۱۲: ۴ (=مر ۲: ۲۶؛ ۴: ۶)؛ عبر ۹: ۲ □

نبرد

۱) واژه یونانی polemos به معنای حقیقی «جنگ» به استثنای لوقا ۱۴: ۳۱ (و در یح ۴: ۱-۲: مباحثات شدید بین برادران) تنها در متون *مکاشفه ای نمایانده شده است. لشکرکشی، مبارزه (یونانی: strateia) گاهی معنای استعاره ای به خود می گیرد پولس به وجود هم پیکاران^۱ خود آگاه است و از *تیموتاوس خواهش می کند سرباز خوبی باشد^۲ چون زندگی مسیحی نبردی^۳ است سخت و برای مقاومت در برابر *شیطان^۴ که عیسی، بره خدا،^۵ او را

خلع صلاح نموده است باید مسلح (یونانی: pan-oplia) شد. اسلحه ای (یونانی holpa) که برای این نبرد لازم می باشد^۶: زره^۷، کلاه خود^۸، سپر^۹ و دشنه (شمشیر)^{۱۰} است.

^۱ فی ۲: ۲۵؛ فیل ۲ — ۲۲ — تیمو ۲: ۳-۴، ر. ک ۱-قرن ۹: ۷ — ۱۳ — تیمو ۱: ۱۸؛ یع ۴: ۱ — ۱-پطر ۲: ۱۱؛ ر. ک روم ۷: ۲۳ —
^۴ افس ۱۱: ۱۳ — ۵ لو ۱۱: ۲۲؛ یو ۱: ۲۹ — ۶ روم ۱۳: ۱۳، ۱۲: ۲-قرن ۶: ۷؛ ۱۰: ۴؛ ۱-پطر ۴: ۱ — ۷ افس ۱۴: ۱ —
 تیمو ۶: ۱۴؛ ۱-تسا ۵: ۸ — ۸ افس ۱۷: ۶؛ ۱-تسا ۵: ۸ — ۹ افس ۱۶: ۶ — ۱۰ افس ۱۷: ۶.

(۲) ورزش های میدانی^{۱۱} مانند بازی های المپیک هر چهار سال و بازی های برزخی قرن تس هر دو سال نزد ملل باستانی و به ویژه یونانیان مورد احترام خاص بوده اند. این بازی ها شامل مشت زنی (یونانی: pykteuō)^{۱۲}، کشتی (یونانی: palē)^{۱۳}، پرش، دیسک و پرتاب نیزه و به خصوص ورزش دو بوده و در ۱۲ تا ۲۴ میدان ورزشی انجام می شد^{۱۴}. نبرد ورزشی (agōn) می تواند مشخص کننده پیکار مسیحیان برای مقاومت در برابر گناه و ثابت قدم بودن در ایمان^{۱۵} باشد. انجام این تمرینات (یونانی: gymangō) مورد توصیه می باشند^{۱۶}.

۱۱-قرن ۹: ۲۴ — ۱۲-قرن ۹: ۲۶ — ۱۳ افس ۱۲: ۱۲ — ۱۴-قرن ۹: ۲۶-۲۴؛ ر. ک ۲-تیمو ۴: ۷؛ عبر ۱۲: ۱ — ۱۵ لو ۱۳: ۲۴؛
 روم ۱۵: ۳۰؛ ۱-قرن ۹: ۲۵؛ فی ۱: ۳۰؛ کول ۱: ۲۹؛ ۲: ۱۲؛ ۱-تسا ۲: ۲؛ ۱-تیمو ۴: ۱۰؛ ۶: ۱۲؛ ۲-تیمو ۴: ۷؛ عبر ۱۲: ۱-
 ۴: یهو ۳ — ۱۶-تیمو ۴: ۷-۸؛ عبر ۵: ۱۴، ۱۲: ۱۱. ◀ رزمنده.

[نبطیه]

پادشاهی نبطیه که از قرن اول ق.م تا قرن اول میلادی پرونقی بود و از دریای سره (خلیج عقبه) شروع شده در امتداد فلسطین تا دمشق گسترده بود. پایتخت آن پطرا نام داشت. در ۱۰۶ میلادی به صورت *ایالتی در *عربستان تحت سلطه رومیان درآمد. زبان آن آرامی بوده است. ◀ عربستان - حارث چهارم.

نبی / پیامبر

یونانی: prophètēs (از phēmī به معنای «گفتن» و pro به معنای «قبل از» «به جای» «از قبل» یا «در ملا عام»): این سخنگو فردی است فرستاده شده از سوی خدا و الهام یافته از خدای برای اعلام موضوعی سری، بیان الهام، بازگویی و فهماندن اندیشه و اراده الهی و نیز گاهی پیش گویی آینده. واژه عبری nābî (مشتق از واژه اکدی به معنای «دعوت کردن»، «اعلام کردن») به طور محسوس دارای همان معنا می باشد. خدا از طریق انبیای کتاب مقدس نقشه نجات خود را به فعل در می آورد و سخن خود را با به کار گرفتن تغییر زمان حاضر و گاهی اعلام آینده بیان می کند. (۱) انبیای عهد عتیق همراه با *شریعت (و حکیمان)، کتاب مقدس^۱ را تشکیل می دهند و گاهی اسامی آنها مانند اشعیاء، ارمیاء یا سموئیل^۲ ذکر می شود. خدا با سخن گفتن از دهان آنها *نقشه خود را شناسانده است نه برای این که بتوان در مورد دقت و صحت آن نبوت ها تحقیق کرد بلکه برای آن که به توان وقایعی را که اتفاق می افتند و ننگ آور هستند مانند صلیب عیسی^۳ درک نمود. «پیامبری هم چون موسی» یکی از شخصیت هایی است که مسیح می بایستی در آن خود را اعلام نماید^۴.

^۱ مت ۵: ۱۷؛ اع ۱۳: ۱۵؛ روم ۳: ۲۱ — ۲ مت ۴: ۱۴، ۱۶: ۱۴؛ اع ۳: ۲۴ — ۳ اع ۱۸: ۲۱ — ۴ تث ۱۸: ۱۵؛ یو ۱: ۲۱، ۱۴: ۶؛
 ۴۰: ۷؛ اع ۳: ۲۲-۲۳، ۳۷: ۷.

(۲) در اطراف عیسی افرادی هستند که نبوت می کنند مانند زکریا، حنا^۵ و یحیی تعمید دهنده. یحیی معنای واقعی شریعت^۶ را بیان می کند و داوری قریب الوقوع^۷ را اعلام می دارد، مردم را به تعمید توبه فرامی خواند^۸ و «کسی را که آنجا ایستاده است»^۹ تشخیص می دهد. عیسی را یکی از انبیاء^{۱۰} می دانند اما او مدعی داشتن هیچ عنوانی نیست و از

رفتار خود، همان طور که هست خود را نشان می دهد. او زیاده روی های رؤسای مذهبی و یهودیان را افشاء^{۱۱} می کند، وجود علائم زمان^{۱۲} را آشکار می سازد و خود را مقدر به سرنوشت فجیع همه پیامبران می داند^{۱۳} و در ضمن سرنوشت یگانه خود را اعلام می نماید^{۱۴} اما او والاترین پیامبران است^{۱۵} چون نجات^{۱۶} را فراهم می سازد و سخنان را از فراز قدرت خود بیان می کند^{۱۷}.

۵ لو: ۱۰: ۶۷، ۲: ۳۶ — ۶ مت ۱۱: ۹-۱۰-۱۳، ۱۴: ۴؛ لو: ۱۱-۱۴ — ۷ مت ۳: ۲، ۸ — ۸ مت ۳: ۱۱ (= مر: ۷-۸ = لو: ۳: ۱۶) — ۹ یو: ۱۰: ۳۱، ۲۶: ۱۴ — ۱۰ مت ۱۴: ۱۴ (= مر: ۸: ۲۸ = لو: ۹: ۱۹)؛ لو: ۷: ۱۶؛ یو: ۶: ۱۴، ۷: ۴۰، ۹: ۱۷ — ۱۱ مت ۱۵: ۷؛ مر: ۱۵-۱۷: ۱۱؛ لو: ۱۱: ۵۲ — ۱۲ مت ۱۶: ۳-۲ (= لو: ۱۲: ۵۴-۵۶) — ۱۳ مت ۲۳: ۳۷ (= لو: ۱۳: ۳۴) — ۱۴ مت ۲۱: ۳۷ (= مر: ۱۲: ۶ = لو: ۲۰: ۱۳) — ۱۵ مت ۱۲: ۴۱ (= لو: ۱۱: ۳۲) — ۱۶ لو: ۱۰: ۲۴؛ ۱-بطر: ۱۰-۱۱ — ۱۷ مت ۵: ۲۲، ۷: ۲۹.

۳) در روز پنجاهه و در دوران کلیسا، روح القدس عطیه نبوت را تجدید کرد^{۱۸} به حدی که یک *موهبت الهی نبوت^{۱۹} هست که در مردان و زنان بسیاری واقعاً بروز می یابد^{۲۰}. نقش این گونه پیامبران که بدون تردید با نقش انبیایی که ارکان کلیسا^{۲۱} را تشکیل می دهند متفاوت می باشد عبارت است از مکاشفه رازها^{۲۲}، تشویق، تسلی و بنا^{۲۳}، بر عکس پیامبران کاذب (یونانی: pseudo-prophètes)^{۲۴} نبوتشان بر حسب اقتدار رسولی است^{۲۵}.

۱۸ اعداد: ۱۱: ۲۹؛ یول: ۳: ۱-۲؛ اع: ۲: ۴، ۱۷-۱۸، ۱۹: ۶ — ۱۹ قرن ۱۴: ۵-۱-تسا: ۲۰ — ۲۰ اع: ۱۱: ۲۷-۲۸-۱۳: ۲-۱، ۲۱-۹: ۲۱؛ مکا: ۱۱: ۱۰-۱۸: ۲۰ — ۲۱ قرن ۱۲: ۲۸-۲۹؛ افس: ۲۰: ۴-۱۱ — ۲۲ قرن ۱۳: ۲؛ مکا: ۱۰: ۷، ۱۰-۱۸: ۱۹ — ۲۳ قرن ۱۴: ۳؛ مکا: ۱۰: ۷، ۱۱: ۳ — ۲۴ مت ۷: ۱۵، ۲۴: ۱۱، ۲۴ (= مر: ۱۳: ۲۲)؛ لو: ۶: ۲۶؛ اع: ۱۳: ۶؛ ۲-بطر: ۱: ۱-یو: ۴: ۱؛ مکا: ۲۰: ۱۶، ۱۳: ۱۹، ۲۰: ۲۰، ۱۰ — ۲۵ قرن ۱۴: ۲۷، ۳۳؛ ۱-تیمو: ۱: ۱۸.

◀ مقدمه، فصل ۱۲. ۲-کتاب مقدس - دانیال - ایلیا - الیشع - اشعیا - ارمیا - یونس - موسی - هوشع - زکریا.

نتائیل

عبری: netanél به معنای «خدا داده است». بنا به گفته یوحنا، نتائیل که اصلش از قانا بوده یکی از اولین شاگردان عیسی و از اسرائیلیان مستعد ایمان آوردن بود. از قرن نهم میلادی بعضی از محققان وی را با بارتولما که با فلیپس همراه بود یکی می دانند^۱.

۱ یو: ۱: ۴۵-۵۰؛ ۲۱: ۲؛ ر.ک مت ۱۰: ۳ □

نجات دادن

یونانی: sôzô (از saos به معنای «سالم») یعنی «حفظ سلامتی مناسب، نگهداری، ذخیره کردن». به معنای اصلی و اولیه این واژه، اندیشه خطری که آدمی از آن محفوظ می ماند یا از آن خلاصی می یابد افزوده می شود. متن یا ضمیر همراه این واژه به انتخاب یکی از این دو معنی کمک می کند.

۱) «محفوظ داشتن»، محافظت، در موقع خطر، سالم و صحیح نگهداشتن. در موقع توفان یا در میان افراد متخاصم (معمولاً از یونانی: diasôzô^۱ یا rhyomai apo^۲). شاید بتوان این معنا را برای «حفظ کردن جان^۳» یا «سالم و صحیح گذشتن از خطر» به کار^۴ برد.

۱ اع: ۲۳: ۲۴، ۲۷: ۳۱، ۳۴، ۴۳-۴۴: ۲۸، ۱، ۴ — ۲ مت ۶: ۱۳؛ روم: ۱۵: ۳۱-۲-تسا: ۳-۲-تیمو: ۴: ۱۸ — ۳ مت ۱۶: ۲۵ (= مر: ۵: ۳۵) — ۴ یو: ۹: ۲۴ — ۴ یو: ۱۲: ۲۷.

۲) «بیرون رفتن از خطر»، عبارت sôzô حاوی معانی زیر است: «بیرون کشیدن از» (یونانی ex-aireo)؛ «درآوردن» (یونانی: rhyesthai ek)؛ «رهایی بخشیدن» از توفان^۵، از بیماری^۶، از تعقیب و آزار^۷، از قدرت شر و مرگ^۸ و غیره. نتیجه این اعمال «شفا یافتن» (دقیقاً به معنی sôzô) است به طوری که شفا دادن های عیسی نماد نجات هستند^۹. ایمان آن رابطه حیاتی را که توسط آن خدا شفا می بخشد حفظ می کند. «ایمانت تو را نجات داده

است»^{۱۰}؛ نتیجه شک و تردید، از دست دادن^{۱۱} و امیدواری ضامن نجات قطعی است^{۱۲}. عیسی نخواست خود را از مرگ نجات دهد^{۱۳}.

مت ۲۵: ۸ — ۹: ۲۲-۲۱ (= مر ۵: ۲۸ — لو ۸: ۴۸) — ۷: ۱: ۷۱ (با E)؛ اع ۷: ۱۰-۳۴: ۱۲: ۱۱: ۲۶: ۱۷: (با R)؛
لو ۷۴: ۲-۳: ۱۱: ۲-۲: ۹ — ۸: ۱: ۲۱ (با R)؛ روم ۲۴: ۷-۲: ۱۰: ۱۰: ۱۳: ۱-۱: ۱۰: ۱۰: ۲-۲: تیمو ۴: ۱۷ —
۹: ۲۲: ۱۴: ۳۶: ۱۱: ۱۲ — ۱۰: ۱۰: ۵۲: ۱۷: ۱۹: ۱۸: ۴۲ — ۱۱: ۸: ۲۶: ۱۴: ۳۱ — ۱۲: ۸: ۲۴ — ۱۳: ۲۷: ۴۰: ۴۲
(= مر ۱۵: ۳۱-۳۰: ۲۳. ۳۵، ۳۷، ۳۹)؛ عبر ۵: ۷.

۳) «نجات دهنده» یعنی خدای زنده^{۱۴}؛ هم چنین یعنی عیسی که نامش به مفهوم «یهوه نجات می دهد»^{۱۵} و نجات را به همراه دارد^{۱۶} است. این عنوان که در مورد ماشیح به کار می رود و دیدگاهی یونانی گرا^{۱۷} دارد او است که وجهه جهانگرایانه نجات را برجسته می کند^{۱۸}.

۱۴ مز ۲۵: ۵؛ لو ۱: ۴۷ — ۱-تیمو ۱: ۱؛ تیط ۳: ۳؛ ۴: ۳-۲-تیمو ۱: ۱۰ — ۱۵: ۱: ۲۱ — ۱۶: ۴: ۱۲ — ۱۷: ۲: ۱۱: اع ۳۱: ۵؛
۱۳: ۲۳ — ۱۸: ۴: ۴۲ — ۱-تیمو ۴: ۱۰: ۲-تیمو ۱: ۱۰: تیط ۳: ۱: ۱۰-۱۱: ۳: ۴-۶: ۱-یو ۴: ۱۴.
◀ شفا دادن — آزادی — فدیة — دوباره برقرار کردن.

نجار

واژه ای است برگرفته از واژه یونانی *tektôn* و به این علت که در فلسطین کار چوب بندی تقریباً ناشناخته بوده به طرز غلط ترجمه شده است (واژه آرشیتکت نیز از همین واژه می آید). معنای گسترده آن در زبان یونانی یک کارگر یا یک صنعت کار را مشخص می کند که بر روی موادی مثل چوب، سنگ و یا حتی فلز کار می کند و به عبارت دیگر «تراش دهنده» سنگ، بتا یا مجسمه ساز است و غیره^۱.

۱) جا ۱۳: ۱۱؛ بنسی ۳۸: ۲۷؛ اش ۴۰: ۱۹-۲۰؛ ار ۱۰: ۳؛ متی ۱۳: ۵۵؛ مر ۶: ۳.

نخست زاده

یونانی: *prôtotokos*، عبری *bekôr*: به معنای «چیزی که رحم را می گشاید». فدیة دادن نخست زادگان ذکور، نوبرهای انسان ها به یهوه که فرزندان یهودیان را در شبی که نخست زادگان مصر از بین رفتند حفظ کرد^۱ به صورت هدیه ای جایگزین به معبد^۲ تقدیم می شود. مسیح نوبر تمام آفریدگان، نوبر اتحاد با خدا، نخست زاده نامیده می شود و این واژه برتری وجود قبلی^۳ کسی را که رحم *هاویه را شکافته و نخست زاده از میان مردگان است^۴ به یاد می آورد. ایمانداران، این نوبرهای کلیسا نیز جماعت نخست زادگان را تشکیل می دهند^۵.

۱) خروج ۲۲: ۲۸-۲۹: ۳۴؛ ۱۹: ۱۱: ۲۸ — ۲: ۱۳: ۱۳؛ لو ۷: ۲۳-۲۲؛ ر.ک. پیدا ۲۲ — ۳: ۸: ۲۹؛ کول ۱: ۱۵؛
عبر ۱: ۶ — ۲: ۱۸: ۱۸؛ مکا ۱: ۵ — ۵: ۱۲: ۲۳؛ ر.ک. یع ۱۸: ۱۸. ◀ نوبر.

نخل

درخت نخل (درخت خرما) که قبلاً در دره اردن به فراوانی می روئید (یونانی: *phoenix*، عبری *tâmâr*) مقدس به شمار می آمد و در نقش و نگار روی معبد بزرگ و کنیسه ها^۱ به کار برده می شد. علامت عدل و زیبایی و حکمت بوده است^۲. شاخه های آن (یونانی: *baion*) به نشانه شادی در روز عید *خیمه ها^۳ یا برای پیروزی سرداری فاتح توسط مردم تکان داده می شد^۴.

۱) داود ۴: ۵؛ ۱-پاد ۶: ۲۹-۳۵؛ حزق ۴۰: ۱۶ — ۲: ۹۲: ۱۳؛ غزل ۷: ۸؛ بنسی ۲۴: ۱۴ — ۳: ۲۳: ۴۰ — ۴: ۱۳: ۲۷: ۵۱؛
یو ۱۲: ۱۳؛ مکا ۷: ۹. ◀

نذر

از عبری *nāzîr* به معنای «کنار گذارده، نذر شده». عبارت از یک عرف مذهبی است به *نیت انجام عهده‌ای که گاهی دائمی بوده^۱ و گاهی مدت آن ۳۰ روز می‌باشد^۲ که در حالت اخیر با انجام قربانی در معبد خاتمه می‌پذیرد^۳. بنابراین عهد، انسان موهای خود را بلند می‌دارد، مسکرات نمی‌نوشد و از ناپاکی‌های شرعی پرهیز کند^۴.

^۱ داو ۱: ۱۳-۴؛ ۵-۱- سمو ۱: ۱۱-۲۸؛ لو ۱: ۱۵؛ ر.ک عا ۲: ۱۱-۲۳؛ ۲-۱۳- مک ۳: ۴۹؛ اع ۲۳: ۲۱-۲۳؛ ۴-۱۱-۲۱.
 ◀ تقدیس کردن - نذر.

نذر

متعهد شدن از راه نذر (یونانی: *eukhè* به معنای «دعا» نیز می‌باشد) معمول در اسرائیل^۱ و به طور کلی در زمان عتیق طریقه‌ای مذهبی بود برای درخواست فیض یا ادای سپاسگزاری. این کار بسیار متعهد کننده بود. شریعت و انبیاء سعی در محدود کردن افراط و اجحاف^۲ در آن داشتند. نذر *نذیره موقت^۳ در بین اعمال دیگر توبه‌ای شامل کوتاه نکردن مو که علامت قوت مردی بوده است. در انقضای مدت نذر می‌باید قربانی‌هایی به معبد هدیه شود. سر باید تراشیده شود و موها بر روی مذبح سوزانده شوند.

^۱ اع ۱۸: ۱۸-۱۵؛ ۵-۶ (= مر ۷: ۱۱-۱۳) — ^۲ ۱۳: ۶؛ داو ۱۳: ۵؛ اع ۲۳: ۲۱.
 ◀ قربانی - نیايش - سوگند.

نژاد

یونانی: *genos* (از *gignomai*: «زاده شدن») یعنی «تبار، خاندان». این واژه ممکن است توصیف کننده موارد زیر باشد: اصالت شهری یک فرد^۱، قشری که خانواده به آن منسوب است^۲، به خصوص تعلق به اسرائیل^۳، به قوم برگزیده شده برای ابد^۴، یا اشاره به ریشه الهی انسان‌ها^۵.

^۱ مرقس ۷: ۲۶؛ اع ۴: ۳۶، ۷: ۱۳، ۱۸: ۲، ۲۴ — ^۲ اع ۴: ۶ — ^۳ اع ۷: ۱۹، ۱۳: ۲۶؛ ۲- قرن ۱۱: ۲۶؛ غلا ۱: ۱۴؛ فی ۳: ۵؛ مکا ۲: ۱۶ — ^۴ ۱ پط ۲: ۹ — ^۵ اع ۱۷: ۲۸-۲۹ □

◀ مقدمه، فصل ۱. ۵؛ فصل ۳. ۲. د؛ فصل ۴. ۶. ه- به هستی آوردن - نسب نامه - تولد تازه، زاده شدن.

[نسب شناسی (شجره نامه)]

(۱) سامیان علاقه دارند فهرست اسامی اجداد شخصیت‌های تاریخی را گزارش کنند. فعل «*به دنیا آوردن» انحصاراً به فرزند مستقیم مربوط نمی‌شود فی‌المثل یورام می‌تواند عزیر یا نواده^۱ خود یا یک قوم^۲ را «به دنیا بیاورد». طبق سنت‌های مختلف یک شخص می‌تواند دو شجره نامه داشته باشد^۳.

^۱ مت ۸: ۱ — ^۲ پید ۱۰ — ^۳ ۱- توا ۲: ۳-۳؛ ۴: ۴؛ ۱- ۲۳: ۷؛ ۶- ۱۲: ۸؛ ۴۰-۱.

(۲) در مورد عیسی دو شجره نامه^۴ گزارش شده است که هر دو به نام یوسف پدر عیسی ختم می‌شوند ولی در تعداد اجداد و اسامی آنها اختلاف فاحشی وجود دارد. کافی نیست بگوئیم که یکی از شجره نامه‌ها مربوط به یوسف و دیگر مربوط به مریم می‌باشد و نیز نباید تصور شود که دو باجناق دو بار ازدواج کرده بودند بلکه متی می‌خواهد تسلسل نسل داودی عیسی را نشان دهد و لوقا نیاکان جهانی وی را تا *آدم به پیش می‌برد.

^۴ مت ۱: ۱-۱۷؛ لوقا ۳: ۲۳-۳۸.

(۳) مراجعه به تفسیر دور از حقیقت و غیرقابل بررسی نسل‌های ۱۴×۳ گانه برشمرده شده توسط متی^۵ به یاری تفسیر نام داود (ر.ک *اعداد) از روی (۴+۶+۴=D+V+D) صحیح نمی‌باشد. املاء حقیقی نام داود (که شاید DVYD باشد) برکسی شناخته شده نیست: هدف اصلی شجره نامه متی همان اندازه که داود است، ابراهیم نیز می‌باشد. بهتر

است که شمارش های *مکاشفه ای زمان را به یاد بیاوریم. طبق کتاب چهارم *عزرا دنیا به ۱۲ دوره هفت هفته ای تقسیم شده است؛ طبق روایت لوقا، عیسی در آغاز هفته دوازدهم یعنی هفته آخر دنیا ظهور می نماید، زیرا تعداد اسامی اجداد او $7 \times 11 = 77$ می باشد. طبق کتاب *خنوخ زمان اسرائیل به هفت هفته تقسیم بندی شده است. دو هفته از اسرائیل تا سلیمان، دو هفته از سلیمان تا اسارت و دو هفته از اسارت تا «زمان شمشیر»؛ طبق روایت متی، عیسی در آغاز هفتمین یعنی آخرین هفته ظاهر خواهد شد، زیرا عده اجداد وی 7×6 است. مشکل اصلی در اینجا است که متی درباره 3×14 سخن می گوید. پس آیا بهتر این نخواهد بود که قبول کنیم متی شجره نامه سنتی *داود را^۶ با ذکر نام سه پدر قوم یهود می آراید و از این رو یک ردیف ۱۴ تایی به وجود می آید. با در نظر گرفتن سه نقطه اتکاء متداول (ابراهیم، داود، اسارت) او با بازسازی دو سری ۱۴ تایی دیگر فهرست را تکمیل می کند.

مت ۱: ۱۷ – روت ۴: ۱۸ – ۲۲ = ۱ – توا ۲: ۱۰ – ۱۳.

نظم

- ۱) در کتاب عهد جدید نیز همچون کتاب عهد عتیق گفته می شود که خدا دنیا را «به اندازه، به عدد و به وزن» آفرید.^۱ پولس خطاب به مشرکین به نظمی که طبق آن خدا زمان های معین و فصول را تعیین کرده است اشاره می کند.^۲
- ۱ حک ۲۰: ۱۱ – اع ۱۴: ۱۷: ۱۷: ۲۴ – ۲۷.
- ۲) یونانی: *tagma, taxix* و حتی آنهایی که موهبت الهی را دریافت داشته اند باید به شایستگی و انتظام رفتار نمایند.^۳
- ۱۳ – قرن ۱۴: ۱۴: ۴۰: ۱۵: ۲۳: ر.ک کول ۲: ۵.
- ۳) برای تشخیص دو نوع کهانت از همدیگر، گفته می شود: «طبق حکم ملک یصدق» که به معنای «به رتبه ملک یصدق» می باشد. این اصطلاح با فعل قدرت حکم کردن هیچ ارتباطی ندارد.^۴
- ۴ عبر ۵: ۶: ۱۰: ۶: ۲۰: ۷: ۱۱: ۱۷: ر.ک مز ۱۱۰: ۴.

نظیر

- الف) یونانی: *synopsis* به معنای «عمل با هم دیدن» اثری است شامل کتاب های سه انجیل نویس اول به یونانی یا زبانهای دیگر که نه به صورت متوالی بلکه به صورت ستون های مجاور هم که مقابله شدن با اختلافات و تشابهات مختلف آنها را مجاز می سازد قرار دارند. هر یک از انجیل باید در ردیف توالی خود (ولو با تکرار چندبار متن) و در موقعیت نظیر بودن (رابطه ای که با دو انجیل دیگر دارد) نمایانده شود. بنابراین هریک از انجیل به دنبال هم ولی برحسب تغییرات انجیل قطعه قطعه کرده اند که البته به ضرر برقراری ارتباط تمام شد. بهتر می بود که این انجیل به تمامی در آخر کتاب همراه با مقایسه های ضروری چاپ می شد. با کتاب «آیه یاب» اشتباه نشود.
- ب) یونانی: *synoptikos* صفتی است که مطابقت دارد با *syn-opsis* به معنای «عمل دیدن با هم» که احاطه به چند عنصر با یک نگاه را مجاز می سازد.
- ۱) سه انجیل اول (متی، مرقس و لوقا) نظیر نامیده می شوند چرا که تشابهات را بر روی یک خط مشترک نشان می دهند.
 - ۲) به معنای تابلوئی که چندین متن مشابه (خویشاوند) را نمایش می دهند.

نعمان

- یونانی: *Naiman*. سرهنگ ارتش سوریه که اصلش از دمشق بوده است و توسط *الیشع از بیماری جذام شفا یافت.^۱
- ۲۱ – پاد ۵: ۴: ۲۷ □

نعناع

یونانی: hedyosmon لاتین mentha piperita گیاه معطر و بسیار معمولی است که به عنوان ادویه به کار می‌برند.
*فریسیان خود را ناچار به پرداخت عشریه آن می‌دانستند در صورتی که قانون آن را تجویز نمی‌کرد.

نفرت

یونانی: misos.

۱) نفرت برخلاف محبت، قتل است^۱. نفرت که ثمره گناه است دارای اصل شیطانی می‌باشد^۲. از این امر انتخاب سختی حاصل می‌شود که انسان، انسانی که خدا حقیقت و محبت خود را به او نشان می‌دهد در مقابل آن قرار داده شده است. پس انسان باید انتخاب کند: یا خوب را و یا نیکو را یا... عیسی با دادن زندگی خود نفرت را کشت^۳ و از این به بعد شرارت است که باید مورد تنفر قرار گیرد و نه شخص گناهکار^۴.

^۱ پید ۴: ۸-۲ — حک ۲: ۲۴: ۱-۲ — یو ۹: ۱۱-۳: ۱۰. ۱۲. ۱۵ — مز ۴: ۲۶-۵: ۱۳: ۸-۱۳: ۵: ۱۵: ۶: ۲۴ (لوقا ۱۳: ۱۰): روم ۸: ۷: ۴: ۱-۲: ۱۵ — افس ۲: ۱۴ — لو ۵: ۶: ۲۷.

۲) از سوی دیگر، همان‌طور که سامیان همواره توسط جفت متضادها فکر می‌کنند بی‌آنکه به اختلافات جزئی معانی که در این میان وجود دارد توجه کنند، نفرت ممکن است به معنای «کمتر دوست داشتن»^۵ باشد. هم چنین هرگاه موضوع درباره خدا^۶ و یا درباره رفتار نسبت به خودی‌ها، یا خویش‌ن خویش در مقابل دعوت خدا باشد^۷. بالاخره همان‌طوری که در دوران عیسی به یهودیان گفته شده بود: «احتیاجی نیست که *دشمنان را دوست بداری»^۸.

^۶ پید ۲۹: ۲۱: تث ۲۱: ۱۵-۱۶ — ملا ۷: ۱-۲: ۴-۲: روم ۹: ۱۳ — لو ۱۴: ۲۶: رک. مت ۱۰: ۳۷: یو ۱۲: ۲۵ — مت ۵: ۴۳. ◀ قائن - نبرد - دشمن - انتقام، کینه‌توزی.

نفرتین کردن

۱) یونانی: kat-araomai (مشتق از ara به معنای: آرزوی بد، ابراز نفرتین با توسل به قدرتی والا تر بر علیه مورد نفرتین شده). منظور تصدیق یک حالت بدبختی مانند: «وای بر تو!» و یا حتی اعلام بدبختی حاصله از رفتاری ویژه^۱ نیست بلکه منظور ضدبرکت و وارونه آن است به عبارت دیگر: حکم مؤثر انزجار می‌باشد^۲. چنین است که شریعت کسانی را که از آن تجاوز^۳ می‌کنند محکوم می‌نماید. عیسی با پذیرش لعنت بر خود، انسان‌ها را از آن بازخرید نموده است^۴. عیسی هرگز نفرتین نکرد مگر در یک روایت بغرنج که در آن درخت بی‌ثمر انجیر را مورد نفرتین قرار داد^۵.

^۱ مت ۱۱: ۲۱: لو ۶: ۲۴ — مت ۱۸: ۱۸: ۷: ۲۴: ۱۹ — ار ۲۶: ۶: ملا ۲: ۲: مت ۲۵: ۴۱: یو ۷: ۴۹: عبر ۸: ۸ — تث ۱۱: ۲۶-۲۹: ۳۰: ۱۹: روم ۳: ۱۴: ۳: ۱۰: ۲-۲: پتر ۲: ۱۴ — غلا ۳: ۱۳ — مر ۱۱: ۲۱.

۲) مسیحیان هرگز نباید نفرتین کنند بلکه باید در حق نفرتین کنندگان خود دعای خیر کنند^۶. معنای این واژه با در نظر گرفتن دیگر واژه‌های یونانی مثل kakologeō *فحش و ناسزا می‌باشد.

^۷ لو ۶: ۲۸: روم ۱۲: ۱۴: یع ۳: ۹-۱۰ □

◀ آناتیمما - نفرتین - کفرگفتن - تصلیب - بی‌حرمتی کردن - وای بر شما! - بدگویی - راقا.

[نقد ادبی]

علمی است که در پی بازسازی روایت اولیه، *ساختار و معنای یک متن به خصوص از طریق نقد *مآخذ می‌باشد.

[نقد تاریخی]

علمی است که در پی مشخص کردن تاریخ‌گرایی روایت یک اتفاق مانند: «این امر اتفاق افتاد» یا *صحت یک گفته مانند: «این حرف توسط فلان شخص گفته شد» می‌باشد.

[نقد متنی]

علمی است که از روی تفاوت‌های مربوط به رونویسی‌های خطی در پی بازسازی متن اصلی می‌باشد.

نقره

یونانی: argyriion به معنی: «سکه نقره» (از argyros به معنی: «فلز درخشان»). این فلز که از عربستان و مصر وارد می‌شد در جهت ساختن زینت‌آلات^۱، پرداخت بها^۲، ساختن مسکوکات برحسب وزن (*درهم)^۳، پرداخت باج^۴ و انباشتن سرمایه^۵ صرف می‌شده است. نقره به خودی خود مذموم^۶ نبوده بلکه به دلیل سوداگری نامشروع *باجگیران یا از نظر واعظین سیار^۷ و *حرص و طمع کسانی که آن را دوست می‌دارند^۸، نکوهیده تلقی می‌شد. از سوی دیگر نقره به دلیل آن که تباه شدنی^۹ است، ارزشی قابل تقدیر ندارد.

۱ پید ۲۴: ۵۳؛ اع ۱۷: ۲۹، ۱۹: ۲۴؛ ۲- تیمو ۲: ۲۰؛ مکا ۲۰: ۱۸، ۱۲- پید ۲۳: ۹؛ اع ۷: ۱۶، ۱۹: ۱۹- پید ۲۳: ۱۶؛ عزرا ۸: ۲۷-۱- مک ۱۵: ۶؛ مت ۲۶: ۱۵ (= مر ۱۴: ۱۱ = لو ۲۲: ۵)، ۲۷: ۳-۹، ۱۲: ۱۵- ۲۴- پاد ۱۸: ۱۴، ۱۵- خروج ۲۱: ۲۱؛ مت ۲۵: ۱۸، ۲۷: ۲۷؛ لو ۱۹: ۱۵، ۲۳: ۱- قرن ۳: ۱۲؛ یع ۴: ۱۳؛ ر.ک مک ۱۸: ۳- ر.ک مت ۲۲: ۱۹- ۲۱ (= مر ۱۲: ۱۷- ۱۷: ۲۵، ۲۴: ۲۵) ۷- لو ۱۳: ۳- قرن ۲: ۱۷- ۸: ۱۶؛ اع ۱۴: ۳۳؛ ۱- تیمو ۳: ۱۰؛ ۲- تیمو ۳: ۲۰؛ ۵- ۱۰: ۹ (= لو ۹: ۳)؛ اع ۳: ۸، ۶: ۲۰؛ یع ۵: ۳- ۱: ۱۸- پطرا ۱۸: ۱۸- مونا - مسکوکات - طلا - ثروت - سبکل.

نقشه خدا

«نقشه خدا» ترجمه تعدادی از واژه‌های یونانی است که اختلافات جزئی معنای آنها را نمی‌توان به دقت مشخص کرد. ساده‌ترین این واژه‌ها boule است (از boulomai به معنای «خواستن» که در زبان یونانی جاری کم‌کم توسط thelô جانشین می‌شود)^۱؛ واژه‌های دیگر thelema^۲ است (که در ابتداء به معنای «خواست» بود که معنای والتری از «طرح» دارد) و prothesis (که با «تقدیر» * برابر است)^۳؛ و eudokia (که بر مهربانی خدا تأکید دارد)^۴ و یا oikonomia (با معنایی مربوط به توزیع سازماندهی شده)^۵. تمامی این واژه‌ها به *مصدق *اراده خدا برای جمیع مخلوقات هستند تا ایشان بدانند *نجات تمام انسان‌ها در عیسای مسیح است^۶.

۱ لو ۷: ۳۰؛ اع ۲۳: ۴، ۲۸: ۱۳، ۳۶: ۲۰، ۲۷: ۲۷؛ افس ۱: ۱۱؛ عبر ۱۷- ۲ روم ۱۸: ۱- قرن ۱: ۱- ۲- قرن ۱: ۱؛ غلا ۴۰: ۱۱؛ افس ۱: ۵، ۱۱- ۹- ۱۱- تیمو ۱: ۱- ۳ روم ۸: ۲۸، ۹: ۱۱؛ افس ۱: ۹، ۱۱، ۳: ۱۱- ۲- تیمو ۱: ۹- ۴ مت ۱۱: ۲۶؛ لو ۱۲: ۳۲- ۱- قرن ۱: ۲۱؛ ۱۰: ۵- ۱۵- تیمو ۱: ۴- ۶ افس ۱: ۹- ۱۰- ۱- تیمو ۴: ۴.

۱) نقشه خدا که از ازل تا ابد در تقدیر الهی تثبیت شده است، در طول کتاب عهد قدیم در اعترافات به ایمان آئینی، در دخالت پیامبران که مفهوم حوادث را آشکار می‌کنند، در پیوندها / ترکیب‌های مربوط به سرگذشت قوم، در اندیشه‌های حکمتی یا مربوط به زمان آخر ترسیم شده است. ترتیب کتاب‌های عهد قدیم (از کتاب پیدایش تا کتاب‌های مکابیان) به خودی خود نمایانگر اجمالی نقشه خدا می‌باشد.

۲) عیسی خود را به عنوان کسی معرفی کرد که به هنگام *کمال *زمان‌ها^۷ (زمان آخر) می‌آید و سرنوشتش نمادگر سرنوشت قوم خدا است^۸.

۷ مت ۱۲: ۲۸؛ ۱- قرن ۱: ۱۰؛ غلا ۴: ۴- ۸ مت ۲۱: ۳۳- ۴۴، ۲۲- ۱۱.

۳) کلیسای اولیه به ویژه انجیل لوقا وقایع را در طرح کلی *نجات^۹ قرار می‌دهد به خصوص در *فاجعه تصلیب عیسی^{۱۰} و نیز در اعلام نجات نه تنها برای قوم اسرائیل بلکه برای تمام انسان‌ها^{۱۱}.

۹ لو ۷: ۳۰- ۱۰: ۲۳؛ ۲۳: ۴، ۲۸: ۱۳، ۳۶: ۲۰، ۲۷- ۱۱: ۱۰؛ ۳۶- ۳۵.

۴) پولس به نوبه خود در رساله به رومیان و افسسیان ترکیبی از نقشه خدا را ارائه می دهد؛ به طور اخص او سعی دارد موقعیت اسرائیل که مسیح را رد می کند درک نماید زیرا در همین جا است که فاجعه ای برای ایمان رخ می دهد^{۱۲}.
^{۱۲} روم ۳: ۸-۱۱، افس ۲: ۱۱-۱۴. ۲۲-۱۴.
 ◀ برگزیدگی - تقدیر، مقدر کردن - اراده خدا.

نقطه (از تورات)

یونانی keraia. به معنای «شاخ» علامت کوچک گرافیکی یا به عبارت دقیق تر علامتی به شکل شاخک یا قلاب که به منظور فرق گذاشتن بین حروف عبری دارای شکل مشابه به کار برده می شود.^۱
^۱ مت ۵: ۱۸ (= لو ۱۶: ۱۷).

[نقل قول] (استناد)

قطعه ای از کتاب مقدس که در داخل یک متن جهت روشن تر کردن آن آورده می شود. مثلاً در مت ۱: ۲۲ به بعد از اش ۷: ۱۴ نقل قول می شود.

نگارش

یونانی: graphè. توصیف ثبت شده اندیشه و سخن. درباره روند نگارش ر. ک مقدمه، فصل ۹. ۳.
 ۱) نگارش سخن را ثبت می کند. انسان (یا خود شخص خدا)^۱ با نگارش، به سخن خود یک ارزش و یک ویژگی غیر ملموس^۲ می بخشد. ویژگی نگارش عبارتست از * به خاطر آوردن^۳. تضمین کردن و تثبیت^۴ کردن است. لذا مسیحیان اولیه و وارثان سنت مربوط به عهد قدیم به این نتیجه رسیدند که عهد عتیق را «نوشته های مقدس»^۵ بنامند و به آن، چه به یک قطعه مشخص^۶ و چه به تمام مجموعه،^۷ به عنوان * «سخن خدا» مراجعه کنند. عبارت «چنین مکتوب است»^۸ بر این امر تاکید می کند که طرح * خدا در عیسی مسیح به انجام رسیده^۹ و * وعده تحقق یافته^{۱۰} است. کتاب اعمال رسولان در اواخر قرن اول میلادی «نوشته های مقدس» را تشکیل می داده است^{۱۱}.

^۱ خروج ۳۲: ۱۶، ۳۲: ۳۲ — ارم ۲۳: ۲۴-۲۳: ۱۰، ۳۵: ۱۹، ۲۲: ۲۲، ۱۸-۱۹ — خروج ۱۷: ۱۴، تث ۸: ۹-۸: ۱۱، ۲۰: ۲۰ — خروج ۳۹: ۳۰، اش ۸: ۱۶ — روم ۲: ۱، ۲: ۲- تیمو ۳: ۱۵ — مت ۲۱: ۴۲، ۲۲: ۲۹، ۱۲: ۱۰، ۴: ۲۱، یو ۲: ۲۲، اع ۱: ۱۶ — مت ۲۶: ۵۴، ۲۴: ۳۲، ۴۵: ۴۵، یو ۵: ۳۹، اع ۱۷: ۲، ۱- قرن ۱۵: ۳-۴ — مت ۵: ۲، ۴: ۴ — لو ۱۶: ۱۶، ۲۴: ۲۵-۲۶: ۲۰، اع ۲۷: ۲۰ — عبر ۷: ۱۹، ۱- پتر ۱: ۱۰-۱۱ — تیمو ۵: ۱۸، ۲- پتر ۳: ۱۶.

۲) کتاب مقدس با سخن خدا در پیوند باقی می ماند. هر آینه هیچ چیز، حتی یک همزه^{۱۲} نباید از کتاب مقدس زایل شود سخن خدا است که تا ابد باقی می ماند^{۱۳} و به کتاب مقدس معنا می بخشد. بدین طریق است که انسان در گذشتن * شریعت مکتوب بر لوح، به شریعت ثبت شده در قلب حضور دارد یا: یاری می دهد^{۱۴}. از اینجا انتقاد پولس از رساله نوشته شده در مقابل روح القدس^{۱۵} پدید می گردد. عیسی فارغ از * تضادها (و بدون عبارات عادی)^{۱۶} از تورات، همانند * کاتبان برای توجیه نمودن سخنان خود نقل قول نمی کند هر چند که سنت انجیلی این طرز بیان را برای او فراهم ساخته است^{۱۷}. یوحنا تا جائی پیش می رود که تورات و سخنان عیسی را پهلوی هم قرار می دهد^{۱۸}.

^{۱۲} مت ۵: ۱۸، یو ۱۰: ۳۵ — مز ۱۱۹: ۸۹ — ارم ۳۱: ۳۳، حزق ۳۶: ۲۷، یو ۶: ۴۵ — ۲۱۵-قرن ۳ — مت ۲۲: ۴۳ — مقایسه با مت ۲۱: ۱۳ و یو ۲: ۱۶، مت ۲۶: ۳۱ و یو ۱۶: ۳۲ — یو ۱۸: ۲۲، ۱۸: ۹.

◀ مقدمه، فصل ۹. ۳. ب: فصل ۱۲ - به انجام رساندن - کتاب مقدس - کتاب - کلام (کلمه خدا) - کاتب.

نماد

(۱) یونانی: symbolon (از syn به معنای «قرار دادن، گذاشتن» معنی آن «علامت بازشناختن») است. در ابتدا عبارت بود از شیئی که به دو قسمت تقسیم شده بود و به دو نفر میزبان سپرده می شد که آنها آن را احتمالاً به فرزندان خود منتقل می کردند. نزدیک کردن دو قسمت جدا شده از هم شیئی باعث برقراری شناسائی بین حاملان آن ها و اثبات امر مهمان نوازی که آنها را به هم مربوط می کرد می شد. در طی گسترش مفهوم این واژه به هر نوع علامت و هر نوع عهد و پیمان اطلاق می شد. این واژه در کتاب عهد قدیم دیده نمی شود مگر در کتاب حکمت ۱۶: ۶ برای مشخص کردن مار مفرغی که می بایست توسط عبرانیان جهت رهایی به عنوان «نماد نجات» مدنظر قرار می گرفت.

(۲) به طور کلی چیزی نماد است که توسط آن یک قرارداد زبان، یک وثیقه شناسایی دوجانبه آزادی ها تشکیل می شود. این یک واقعیت پرمعنا است که ارزش هایی را که بیان می کند یا به آنها تعلق دارد به جهان معرفی می کند: این چنین است عمل نمادین.

(۳) نماد نبایستی با «استعاره (فی المثل ترازو به نشانه عدالت) اشتباه شود چون در نماد حقیقت نسبت به اندیشه در اولویت قرار دارد. هم چنین نباید آن را با «شکل و ساختار اشتباه کرد چون محتوای آن از بیان جداشدنی نیست و نیز نماد نباید با «علامت اشتباه شود چه نماد در آن چه که نمایش می دهد سهیم است.

(۴) دو نوع نماد وجود دارد: نماد سنتی تشکیل دهنده اجتماع (مانند زبان و مانند آئین سپاسگزاری) و نماد قراردادی که توسط اجتماع حاصل می شود (مانند ارقام، هفت یا دوازده).

◀ استعاره - نماد، نمونه - آیات - گونه شناسی.

نماد و نمونه

لاتین: figura که ترجمه واژه یونانی typos است. این واژه هم چنین می تواند به معنای «علامت»^۱، «رد»، «تصویر بتها»^۲ و «قاعده تعالیم اساسی»^۳ باشد. آن را نباید با واژه یونانی skhema به معنای «ساختار» (۱- قرن ۷: ۳۱) یا «جنبه» (فی ۲: ۷) اشتباه کرد. این واژه در اینجا به مفهوم ویژه ای که دارای دو جهت گیری است آورده شده است:

^۱ یو ۲: ۲۵؛ ۲- قرن ۳: ۷ - اع ۲: ۷؛ ۴۳ - روم ۳: ۶؛ ۱۷.

(۱) نخست این واژه نظر به نوعی ادراک از «طرح خدا که کتاب عهد قدیم را با اعلان «تصویری» از کتاب عهد جدید که «فرجام عهد قدیم است یگانگی می بخشد و بیان ارتباط بین عهد جدید و عهد قدیم امکان پذیر می شود. ایمانداران که در «زمان آخر قرار می گیرند آنچه را که در تاریخ گذشته «نماد» بوده است در می یابند. بدین ترتیب «آدم» نماد آن «آدمی» است که قرار بود بیاید^۴. رویدادهای «خروج» برای ما که تا زمان آخر رسیده ایم^۵ به صورت «نمونه ای» رخ داده است. غسل «تعمید به مصداق توفان نوح است^۶؛ ایمان «ابراهیم به ما نیز به همان اندازه اشاره می نماید^۷.

^۴ روم ۵: ۱۴ - ۱۵ - قرن ۱۰: ۶؛ ۱۱ - ۱۶ - پطرس ۳: ۲۱ - روم ۷: ۴؛ ۲۴.

(۲) طبق یک جهت گیری دیگر که با نمونه گرایی پیروان فلسفه افلاطون قرابت دارد وقایعی که ما آنها را امروزه تجربه می کنیم دارای «الگو»ئی هستند از روز ازل، در آسمان ها^۸. بدین ترتیب در رساله به عبرانیان قدس الاقداس سابق چیزی جز «تصویری» از واقعیت^۹ نیست و نیز اسحاق بر بالای بوته هیزم «نمادی است از مسیح مرده و رستاخیز کرده»^{۱۰}؛ آرامش سرزمین موعود از پیش «نماد» آرامش آسمان را نشان می دهد^{۱۱}. از روی این چند مورد صریح، خواننده می تواند سعی کند ارتباطات پیچیده و ضمنی را کشف نماید مانند دوازده شاگرد و دوازده سبط اسرائیل، شام آخر اسرائیل، شام آخر عیسی و قربانی عید گذر: آئین سپاسگزاری و من بیابان.

^۸ خروج ۲۵: ۴۰ - ۱ - توا ۲۸: ۱۱؛ حکم ۱۱: ۹ - ۱۱ - عبر ۹: ۲۴ - ۱۰ - عبر ۱۱: ۱۹ - ۱۱ - عبر ۴: ۹ - ۱۱.

◀ نمونه - شکل - تصویر - مثل - زمان - گونه شناسی.

نمک

یونانی: hales. ماده‌ای که به فراوانی در ناحیه دریای مرده یا دریای نمک وجود دارد.^۱ این ماده غذاها را خوشمزه^۲ می‌کند و آنها را از فاسد شدن محفوظ^۳ می‌دارد. وجود این چاشنی بر سر سفره^۴ لازم است و مکملی است تطهیر کننده تقدیمی‌های مربوط به قربانی^۵. نمک به زندگی طعم می‌بخشد^۶ و کیفیت زبان برداری^۷ را بالا می‌برد.

^۱ پید ۱۴: ۳ — ایوب ۶: ۶؛ مت ۵: ۱۳ — ار ۶: ۲۷ — اع ۴: ۱ — ۵ لاو ۲: ۱۳؛ حزق ۴۳: ۲۴؛ مر ۹: ۴۹ — ۶ مر ۵: ۱۴؛ لو ۳۴: ۱۴ —

^۷ کول ۴: ۶؛ ر.ک. یع ۳: ۱۲ □

◀ مقدمه، فصل ۲.۲؛ فصل ۸.۱. د. ۲؛ فصل ۸.۲. ج. ۱.

نمونه

یونانی: (hypo) deigma (از deiknymi: به معنای «نشان دادن»)، typos (از typto به معنای «زدن») به معنای «اثر» («نشان»).

۱) وجود مسیحیان آغشته به سنتی است که از پدران در ایمان به آنها و نیز به همبستگی آنها در رفتار به ارث رسیده. قدما، انبیاء^۱، ابرشاهدان خدا^۲، سرمشق‌هایی برای پیروی هستند در حالی که از بسیاری دیگر باید دوری جست^۳. پولس رسول^۴، مرشدان^۵ و خود جمع ایمانداران^۶ باید فرزندان و هم‌عصران خود را به تقلید از رفتار خویش تشویق کنند^۷.

^۱ یع ۵: ۱۰ — ۲ عبر ۱۲: ۱ — ۳ عبر ۴: ۱۱ — ۱ پتر ۲: ۶؛ یهو ۷ — ۴ غلا ۱۲: ۲ — ۲ تس ۳: ۹؛ ۱ تیمو ۱: ۱۶ — ۵ تیمو ۴: ۱۲؛ تبط ۲۳: ۷؛

عبر ۱۳: ۷؛ ۱ پتر ۵: ۳ — ۱۶ تس ۱: ۷ — ۱۷ قرن ۴: ۱۶؛ فی ۳: ۱۷ — ۱ تس ۲: ۱۴؛ ۲ تس ۳: ۷، ۹؛ عبر ۱۲: ۱۳؛ ۷: ۱۳.

۲) سرمشق قرار گرفتن، معنای پیروی کورکورانه به روال انسانی را ندارد، این امر به مثابه انعکاس در آئینه است. به عبارت دیگر پیروی از پولس رسول به معنای پیروی از مسیح است که خود پولس هم از او پیروی می‌کند^۸ و نیز به معنای پیروی از خدای پدر است که فرزندش کمال تصویر او است^۹. در این صورت گفته «آنچه را من می‌کنم بکنید» اصل مفهوم حقیقی خود را به دست می‌آورد^{۱۰}. یوحنا چنین تصریح می‌کند که عیسی یک مجرای ساده‌ای که نفوذ پدر را از خود عبور می‌دهد نیست بلکه به نوبه خود کارهایی را که پدر به او برای انجام وامی‌گذارد به تحقیق می‌رساند^{۱۱}، هم‌چنان که انسان‌ها نیز کارهایی را که خدا از قبل آماده کرده است انجام می‌دهند^{۱۲}.

^{۱۸} قرن ۱۱: ۱ — ۱ تس ۱: ۶ — ۹ روم ۸: ۲۹؛ افس ۵: ۱؛ کول ۱: ۱۵ — ۱۰ مت ۵: ۴۸؛ لو ۶: ۳۶؛ یو ۱۳: ۱۵؛ ۳۴؛ ۱۲: ۱۵ — ۱ پتر ۱۵: ۱۶ — ۱۱ یو ۵: ۳۶، ۱۷: ۴ — ۱۲ افس ۲: ۱۰.

◀ شاگرد - نماد و نمونه - شکل - تصویر - پیروی کردن - گونه شناسی.

[نمونه و سرمشق]

اصیل (از یونانی arkhe به معنای «آغاز») که به عنوان سرمشق یا «نمونه برجسته» (از یونانی typos به معنای «خصوصیت ویژه») به کار می‌رود. این واژه به افراد یا مفاهیم اطلاق می‌گردد.

نو/تازه/جدید

«تازه بودن» را در یونانی می‌توان به دو واژه معنی کرد. یکی kainos بیشتر به معنای چیزی است که هرگز توسط کسی به کار برده نشده^۱ یا چیز غیرمنتظره^۲، چیز کشف شده، چیز دیگر، چیزی که نو می‌کند. دوم neos به معنای چیزی است که نسبت به گذشته تازه است، کسی که جوان است و نه پیر مثلاً کسی که جوان تر است^۳ یا شرابی که کهنه نشده است^۴. گاهی هر دو واژه با واژه «کهنه» (یونانی: palaios) جفت می‌شوند تا معنای کلیت^۵ یا ضدیت از آن حاصل شود مثلاً تازگی روح و کهنگی حرف^۶ یا انسان تازه و انسان کهنه^۷ یا خلقت تازه و کهنه^۸ یا دو پیمان^۹، فرمان تازه^{۱۰} یا فطیر تازه^{۱۱} و داوری تجدید شده^{۱۲}.

- ۱ امت ۹: ۱۷ (مر ۲: ۲۱-۲۲ = لو ۵: ۳۸): ۲۷: ۶ (= یو ۱۹: ۴۱) — ۲ مر ۱۶: ۱۷ — ۳ لو ۱۵: ۱۲-۱۳: ۲۲: ۲۶: یو ۱۸: ۲۱ — ۴ امت ۹: ۱۷ (= مر ۲: ۲۲ = لو ۵: ۳۷-۳۹) — ۵ امت ۱۳: ۵۲ — ۶ روم ۷: ۶ — ۷ افس ۴: ۲۴: کول ۳: ۱۰ — ۲۸-قرن ۵: ۱۷ — ۹ عبر ۱۳: ۱۲: ۲۴ — ۱۰-یو ۷ — ۱۱-قرن ۵: ۷ — ۱۲ افس ۴: ۲۳.
- (۱) قبل از هر چیز این *پیمان است که با تحقق بخشیدن به نبوت^{۱۳} تازه می باشد^{۱۴}. با این پیمان همه چیز تازه شده است^{۱۵}، یعنی خلقت^{۱۶} و زندگی^{۱۷}، به فیض روح تازگی^{۱۸}، تازه شده است.
- ۱۳ ار ۳۱: ۳۱: حزق ۳۶: ۲۶ — ۱۴ لو ۲۲: ۲۰: ۱-قرن ۱۱: ۲۵: ۲-قرن ۳: ۶: عبر ۸: ۸: ۱۳: ۹: ۱۵: عبر ۱۲: ۲۴ — ۱۵ مکا ۲۱: ۵ — ۱۶-قرن ۵: ۱۷: غلا ۶: ۱۵ — ۱۷ روم ۴: ۶ — ۱۸ روم ۷: ۶: تیط ۳: ۵.
- (۲) عیسی با آمدن خود تعلیم تازه ای^{۱۹} آورده و فرمان تازه خود را عطا کرده است. تازگی این فرمان در این امر است که خود او آن را به پیمان جدید ارتباط می دهد^{۲۰}.
- ۱۹ مر ۲۷: ۲۷: اع ۱۷: ۱۹-۲۱ — ۲۰ یو ۱۳: ۳۴: ۱-یو ۷: ۲: ۸-۷: ۲-یو ۵.
- (۳) *انسان جدید یعنی عیسی^{۲۱} از ایمانداران انسان های تازه ای^{۲۲} می سازد که باید همواره توسط روح القدس داوری خود^{۲۳} و باطن خود را تازه کنند^{۲۴}: آنها *نامی تازه به دست آورده اند^{۲۵}.
- ۲۱ افس ۲: ۱۵ — ۲۲ افس ۴: ۲۴: کول ۳: ۱۰: ر.ک. عبر ۶: ۶ — ۲۳ روم ۲: ۱۲: ۲-افس ۴: ۲۳ — ۲۴-قرن ۴: ۱۶: کول ۳: ۱۰ — ۲۵ مکا ۱۷: ۱۷: ۳: ۱۲.
- (۴) کلیسا گرایش دارد به آسمان های تازه و زمین تازه^{۲۶}، اورشلیم آسمانی^{۲۷} جائی که عیسی همراه با شاگردان خود شراب تازه ای خواهد آشامید^{۲۸}. و جائی که برگزیدگان سرودی تازه خواهند سرائید^{۲۹}.
- ۲۶-پطر ۳: ۱۳: مکا ۲۱: ۱ — ۲۷ مکا ۳: ۱۲: ۲۱: ۲ — ۲۸ مت ۲۶: ۲۹ (= مر ۱۴: ۲۵) — ۲۹ مر ۳۳: ۳: ۴۰: ۴: ۹۶: ۱: ۹۸: اش ۴۲: ۱۰: مکا ۵: ۹: ۱۴: ۳.
- ◀ تبرک - پیرمرد.

نوار (پارچه ای)

- (۱) یونانی: lention (از لاتین linteum): پارچه ای که به عنوان پیش بند یا حوله به کار برده می شود^۱.
- (۲) یونانی: keiriai به معنای «تسمه، نوار، لفافه»^۲. در حالت جمع، نوارهای کتانی که در هنگام تدفین جهت بستن دست ها و پاهای جسد به کار برده می شد.
- (۳) یونانی: othonia (از othonè به معنای پارچه نازک که به عنوان «سفره»^۴ استفاده می شد). معنای این واژه تنها به «نوارها» محدود نمی شود چون یوحنا آن را با keiriai ارتباط نمی دهد، بلکه نشان دهنده مجموع پارچه های مربوط به تدفین مانند کفن، نوارها و دستمال است.
- ۱ یو ۱۳: ۴-۵ — ۲ یو ۱۱: ۴۴ — ۳ لو ۱۲: ۲۴: یو ۱۹: ۴۰: ۵: ۲۰: ۷، ۶ — ۴ اع ۱۰: ۱۱: ۱۱: ۵.
- ◀ مقدمه، فصل هشتم، ۲ د ۲ - دفن کردن - کفن - دستمال.

نوبر

- یونانی: aparkhè. واژه ای مربوط به قربانی: برداشت قسمتی از «نخستین» میوه ها و ثمرات زمین به منظور تقدیم به خدا که منشاء تمام چیزهای نیکو است: نوبرها برای یهوه^۱ مقدس خواهند بود. از آنجا که یک قسمت اعتبار یک مجموعه را دارد^۲ تمامی محصول از راه این رسم از نظر قوم متبرک می شود، قومی که خود «نوبر محصول خدا است»^۳. این *استعاره درباره عیسی رستخیز کرده^۴، درباره عطیه روح القدس به ایمانداران^۵ برای نخستین ایمان آورندگان^۶ و برای باکره ها^۷ نیز صادق می باشد.
- ۱ تث ۲۶: ۱۱-۱۱: حزق ۴۵: ۱: ۴۸: ۹ — ۲ روم ۱۶: ۱۶ — ۳ ار ۳: ۱۴ — ۴-قرن ۵: ۲۰: ۲۳ — ۵ روم ۸: ۲۳ — ۶ روم ۱۶: ۵: ۱-قرن ۱۵: ۱۸: بع ۱۴: ۴ □
- ◀ مقدمه. فصل ششم. ۳. ب. ۲-عشر-قربانی.

نوح

یونانی: Noé از عبری: Noah (nwh به معنای «آرمیدن») ^۱ کتاب عهد جدید در امتداد سنت کهنانی ^۲، حکمتی ^۳ و تحریفی/آخرشناختی (کتاب خنوخ) ^۴ نوح را مردی عادل و هوشیار می‌داند که از مجازات غیرقابل اجتناب می‌گریزد و از نجات ^۵ بهره‌مند می‌شود.

^۱ پید: ۲۹: ۲۸: ۹: ۳۶ — پید: ۹: ۳ — حک: ۴: ۱۰: ۱۷: ۴۴ — خنوخ: ۱: ۶: ۱۱: ۲: ۶۰: ۱: ۲۵: ۶۹: ۱: ۱۰۶: ۱: ۱۰۷: ۳: ۱ — مت: ۲۴: ۳۷: ۳۹ (= لو: ۱۷: ۲۶: ۲۷): عبر: ۱: ۷: ۱۱: ۱ — پتر: ۳: ۲۰: ۲ — پتر: ۵: ۲. ◀ توفان، سیل.

نوحه‌گری

یونانی: 'odyrmos به معنای «نال، زاری»، thrèneō به معنای «زاری همراه با آواز سوگواری یا ندبه» که به عبری qînâ است.

^۱ مت: ۲: ۱۸: ۲ — قرن: ۷: ۷ — مت: ۱۷: ۱۱ (= لو: ۷: ۳۲): لو: ۲۳: ۲۷: یو: ۱۶: ۲۰. ◀ سوگواری - غم.

نور

یونانی phôs: عبری ôr.

(۱) مخلوق خدا بود و علامت مشخصه^۱ روشنایی ای است که خورشید^۲، آتش^۳ و چراغ^۴ها از خود می‌پراکنند.
^۱ پید: ۳: ۵: یو: ۱۱: ۹: ۱۰ — مکا: ۲۲: ۵ — مر: ۱۴: ۵۴ (= لو: ۲۲: ۵۶) — لو: ۸: ۱۶: ۱۱: ۳۳: ۱۵: ۸: اع: ۱۶: ۲۹: ۲ — پتر: ۱۹: ۱۸: مکا: ۲۳: ۲۲: ۵.

(۲) نور نماد خوشبختی، موفقیت و شادی^۵ می‌باشد که از سوی خدا که نور^۶ است می‌آید. نور، خدا را در ظاهر شدن^۷های پرجلالش^۷ همراهی می‌کند، هم‌چنان که در *تجلی عیسی^۸ و نیز ظاهر شدن عیسی بر پولس^۹ شرکت می‌کند و فرشتگان را در خود می‌پوشاند^{۱۰}. شاگردان عیسی باید نور را به میان مردم^{۱۱} برده در روز روشن صحبت کنند^{۱۲}. ستاره^{۱۳} صبح در قلب آنها که منتظر نور اورشلیم آسمانی هستند می‌درخشد^{۱۳}.

^۵ مز: ۲۷: ۱: اش: ۵۸: ۸: عا: ۵: ۲۰: مت: ۴: ۱۶: لو: ۷۹: ۲: ۳۲ — مز: ۳۶: ۱۰: ۱ — تیمو: ۶: ۱۶: ۱ — یو: ۱: ۵ — مز: ۱۰۴: ۲: حنق: ۴۳: ۲ — مت: ۱۷: ۲، ۵ — اع: ۹: ۳: ۲۲: ۶، ۹، ۱۱: ۲۶: ۱۳ — اع: ۱۰: ۱۲: ۷ — مت: ۵: ۱۴، ۱۶: لو: ۱۲: ۳۵ — مت: ۱۰: ۲۷: لو: ۱۲: ۳ — پتر: ۱: ۱۹: مکا: ۲۱: ۲۳: ۲۴: ۲۲: ۵.

(۳) طبق نوشته‌های پولس، نوری که به *شفاعت عیسی در *دل‌های ما^{۱۴} به طوری می‌درخشد که نمی‌تواند با *ظلمت^{۱۵} در سازش باشد، انعکاس *جلال خدا است. شخص ایماندار «پسر نور»^{۱۶} شده است و این امر یک رفتار ملامت‌ناپذیر^{۱۷} و تکلیف‌درخشیدن^{۱۸} را ایجاب می‌کند. به هنگام نبرد برعلیه *شیطان که به لباس فرشته *نور^{۲۰} درمی‌آید باید اسلحه نور را به دست^{۱۹} گرفت. پدر، نورها همه چیز را روشن خواهد کرد^{۲۱}.

^{۱۴} ۲-قرن: ۴: ۶/۴: کول: ۱: ۱۲: ۲-تیمو: ۱: ۱۰ — ۱۵-قرن: ۶: ۱۴ — افس: ۵: ۸: ۱-تس: ۵: ۵: ر.ک لو: ۱۶: ۸ — افس: ۵: ۹ — ۱۸ فی: ۲: ۱۵ — ۱۹ روم: ۱۳: ۱۲ — ۲۰-قرن: ۱۱: ۱۴ — ۲۱-قرن: ۴: ۵: ر.ک یو: ۱: ۱۷.

(۴) در انجیل یوحنا عیسی مسیح نور حقیقی^{۲۲} است که ایمانداران را به پسران نور تبدیل می‌کند^{۲۳}. نور با ظلمت^{۲۴} به *نبرد می‌پردازد و انسان باید بین آن دو یکی را انتخاب کند؛ باید به عیسی ایمان داشت و نسبت به *برادران خود محبت نمود^{۲۵}.

^{۲۲} یو: ۱: ۴: ۸: ۱۲: ۹: ۵: ۱۲: ۳۵، ۴۶ — ۲۳ یو: ۱۲: ۳۶ — ۲۴ یو: ۱: ۹: ۱ — یو: ۲: ۸ — ۲۵ یو: ۳: ۱۹: ۲۱: ۱ — یو: ۲: ۱۰. ◀ جلال - روز - ظلمات.

نوگرویده

یونانی: prosèlytos (مربوط به زمان آینده pros-eleusomai از فعل pros-erkhomai به معنای «نزدیک شدن به»). بت پرستی که به ایمان یهودیت می گروید و از طریق *ختنه، *حمام، *تطهیر و *قربانی در معبد در جامعه یهودی پذیرفته می شد. هر چند که این نوگرویده کاملاً یهودی نیست اما به علت این که مطیع محدودیت های قضایی می باشد از لحاظ روحانی طبق اصطلاح کهنانی «نوزاد» محسوب می شود و موظف است مجموعه شریعت را مراعات کند.^۱ چنین افرادی را نباید با *خدا ترسان اشتباه نمود.

^۱ مت ۲۳: ۱۵؛ اع ۲: ۱۱، ۵: ۶، ۱۳: ۴۳ □

در مورد نهضت بشارتی ◀ مقدمه، فصل ۳.۳؛ فصل ۴.۶؛ فصل ۴.۷؛ ر. ک فصل ۱۱.۲.

نی

یونانی: kalamos.

۱) نوعی جگن که در فلسطین و در طول رود اردن به فراوانی می روید و به عنوان ابزار اندازه گیری^۱ و ساقه آن به عنوان ترکه^۲ و قلم^۳ مورد استفاده قرار می گرفت. در کتاب عهد عتیق علامت ضعف^۴ و شکنندگی^۵ و ناپایداری^۶ است.

^۱ حزق ۴۰: ۳-۹؛ مکا ۱: ۱۱؛ ۲: ۱۵-۱۶ — مت ۲۷: ۲۹-۳۰. ۴۸ (= مر ۱۵: ۱۹، ۳۶) — مز ۴۵: ۲-۳؛ یو ۱۳ — اش ۴۲: ۳؛

مت ۱۲: ۲۰ — اش ۹: ۱۳ — مت ۱۱: ۷ (= لو ۷: ۲۴) □

۲) بلندی نی گاهی به ۱۵ م^۳ می رسد. ◀ اندازه گیری.

نیروها

یونانی: exousiai. موجودات آسمانی غالباً شریر که معمولاً همراه با «قدرت ها» نام برده می شوند، عیسی بر آنها پیروز شد.^۱

^۱ پتر ۳: ۲۲.

◀ قدرت ها.

نیسان

نام بابلی ماهی است که با ظاهر شدن اولین هلال بعد از اعتدال بهاری (فروردین) شروع می شد. در زمان عیسی اولین ماه سال به حساب می آمد. ◀ تقویم.

نیقودیموس

یونانی: Nikodèmos (به معنای امت پیروزمند) نامی که هم نزد یونانیان زیاد دیده می شود و هم نامی سنتی نزد یهودیان. او یک فریسی، یهودی نامدار، «حکیم اسرائیل» و به احتمال قوی عضو دادگاه عالی یهود بوده است. یوحنا او را به عنوان شخصی درست، باوفا اما در مقابل عیسی ترسان از عمل بد و حتی بطئی الانتقال معرفی می کند.^۱

^۱ یو ۳: ۱. ۴. ۹: ۵؛ ۱۹: ۲۹ □

[نیکلایی‌ها]

یونانی: Nikolaitai طبق مکا ۲: ۶. ۱۵ فرقه‌ای احتمالاً مسیحی و شاید دارای گرایشی گنوسی، و آزاد از قید عقاید مذهبی. وجه تسمیه آن‌ها از شخصی به نام نیکلا است که هویتش مشخص نشده است.

نی لبک

یونانی: aulos. ساز موسیقی است که ابتداء آن را از نی (سپس از چوب و فلز) می‌ساختند و دارای یک یا دو لوله و یک سری صداها می‌باشد. با نوای نی لبک، مجالس رقص یا عزاداری را همراهی می‌کردند. همراهی دست کم دو نی لبک برای هیئت‌های تشییع جنازه حتمی بوده است.

نیمه شب

یونانی: mesonyktion^۱ یا «در وسط شب»^۲، پایان پاس دوم.

^۱خروج ۱۲: ۲۹؛ مر ۱۳: ۳۵؛ لو ۱۱: ۵؛ اع ۱۶: ۲۵؛ ۷: ۲۰ — ^۲مت ۲۵: ۶؛ اع ۲۷: ۲۷.

◀ ساعت - شبانه روز - شب - پاس.

و

[واحد ادبی]

*قطعه یا دنباله قطعه‌های سازمان یافته.

وادی قدرون

یونانی: Kedrôn عبری qidrôn (از qâdar به معنای «تیره بودن، کدورت») بستر نه‌ری است در شرق اورشلیم که معمولاً خشک می‌باشد. این بستر گذر اجباری است به هنگام عزیمت به سوی کوه زیتون یا جتسیمانی.^۱

^۱ ۲- سمو ۱۵: ۲۳؛ ۱- پاد ۲: ۳۷؛ یو ۱۸: ۱ □

◀ نقشه شماره ۱.

وادی مردگان

۱) لاتین inferi, inferni (جمع infer, infernus: «پائین، زیرین»). جایگاه *مردگان و چیزی متفاوت از آنچه آن را *جهنم می‌خوانیم. واژه‌های گوناگونی برای ترجمه این اصطلاح وجود دارد: مغاک، لجه، هاویه و بهتر از همه اسفل السافلین.^۱ این مفهوم بر دو تصویر تکیه دارد: (الف) «در زیر» (زیر زمین)، آن پائین جایی که انسان به آنجا تنزل می‌کند، جایی که به آنجا سرنگون می‌شود.^۲ (ب) محلی «مسدود» مانند شهری دارای *دروازه و قفل و *کلید. مالک و رئیس آن خدا است نه شیطان.^۳ در آنجا مردگان نوعی زندگانی پست، محقر و موقتی و بدون پیوند واقعی با خدا دارند.^۴

^۱ مز ۵: ۱۸-۶؛ ۸: ۴۲؛ ۱۰: ۶۳؛ ۲- ۶۹؛ ۳- ۹۵؛ مت ۴۰: ۱۲؛ اع ۲۴: ۲؛ روم ۸: ۳۹؛ افس ۹: ۴؛ مکا ۳: ۵-۱۳ — مت ۲۳: ۱۱
(= لو ۱۵: ۱۰) — ایوب ۲۶: ۶؛ مز ۱۴: ۹؛ حک ۱۳: ۱۶؛ اش ۱۹: ۲۶؛ ۱۰: ۳۸؛ مت ۱۸: ۱۶؛ اع ۲: ۲۷، ۳۱ — ایوب ۱۰: ۲۱-۲۲؛
۵: ۲۶؛ مز ۶: ۳۰؛ ۱۰: ۸۸؛ ۱۲: ۱۱۵؛ امث ۱۲: ۱؛ اش ۲۲: ۲۷؛ ۱۴: ۵؛ ۹: ۱۴.

۲) از دیدگاه یهودیت متأخر، مردگان در جایی بسر می‌برند که در آنجا مجازات ابدی در انتظار بی‌دینان و خوشبختی (*بهشت) در انتظار صالحان است. به عنوان مثال مرد دولتمند و ایلعازر.^۵

^۵ لو ۱۶: ۲۲-۲۶.

۳) مسیح با مرگ خود به وادی مردگان فرود رفت تا پیروزی خود را به فرشتگان و صالحان که در آنجا منتظر بودند اعلام نماید.^۶ با ایمان به رستاخیز، وادی مردگان جای خود را به جهنم شیریان و *آسمان صالحان یعنی مسیح می‌دهد.^۷

^۶ ۱- پطر ۳: ۱۹-۲۱؛ ۴: ۶ — ۲۷- قرن ۵: ۱۸؛ فی ۲۳: ۱-۱- پطر ۳: ۱۹.

◀ مقدمه، فصل پنجم، ۱- آبدون - لجه - هاویه - سیاهچال - هادس - بهشت - تارتار.

والی

یونانی: ethnarkhès. در مشرق زمین نوعی حکمران که پادشاه نبود. لقب رؤسای «عادی» که بر جمعیت‌های غالباً عشایری حکمرانی می‌کردند. مانند ارکلاؤس.^۱

^۱ ۱- مک ۱۴: ۴۷، ۱۵؛ ۱- ۲- قرن ۱۱: ۳۲؛ ر. ک مت ۲: ۲۲ □

وای!

یونانی: ouai، عبری hôyôy اسم صوت است که اعلام غم آلود یک حالت بدبختی^۱ آینده^۲ را معنا می دهد. این واژه نباید با *نفرین که بدبختی را اطلاع می دهد اشتباه شود.

^۱ مت ۱۱: ۲۱ (= لو ۱۰: ۱۳) ۲۳: ۲۹ (= لو ۱۱: ۴۲-۵۲)؛ لو ۶: ۲۴-۲۶-۱-۱-قرن ۹: ۱۶؛ مکا ۹: ۱۲؛ ۱۱: ۱۴-مت ۱۸: ۷
 (= لو ۱۷: ۱) ۲۴: ۱۹ (= مر ۱۳: ۱۷ = لو ۲۱: ۲۳)؛ ۲۶: ۲۴ (= مر ۱۴: ۲۱ = لو ۲۲: ۲۲)؛ یهوذا ۱۱: ۸؛ مکا ۸: ۱۳؛ ۱۲: ۱۲؛
 □ ۱۹، ۱۶، ۱۰: ۱۸

وجدان

یونانی: syneidêsis (فاقد واژه معادل عبری است). وجدان عبارت از قدرت قضاوت عملی است که انسان توسط آن اعلام می کند که امری خوب یا بد است (یا بوده است). فی المثل ایوب می تواند اظهار کند که قلبش وی را از هیچ چیز سرزنش نمی کند^۱. این واژه یونانی که پولس آن را در زبان مذهبی آن عصر به کار برده مبین داوری غیر ارادی می باشد که برای مفهوم *«قلب» در کتاب مقدس لازم است. در سخن از «امت هائی که شریعت بر دل آنها مکتوب است»، پولس وجدانی را که آنها در حال اجرای احکام *شریعت برحسب طبیعت خود دارند تشریح می کند^۲. طرح خدا در قلب همه انسان ها، حتی قبل از آن که مکاشفه قطعی و صریح از آن به عمل آید مکتوب می باشد: انسان در حال گفتگو با خدا به دنیا آمده^۳ و در عمل کم و بیش برحسب طرح خدا عکس العمل نشان می دهد.

وجدان خود مختار نیست (مبتنی بر معرفت انسانی از نیکی و شر) بلکه «پیرو حکومت خدائی» است. داوری وی همواره تابع داوری خدا است^۴. تنها ایمان، وجدانی^۵ را که بتواند خود را نیکو و بی عیب ارزیابی کند، منور می گرداند^۶.

وجدان خوب انسان را آزاد می کند^۷ اما خود آزادی مقید است به توقعات دیگران^۸ و خود خدا^۹. در رساله پولس به عبرانیان، این واژه در زمینه تقدیس به کار برده شده است^{۱۰}.

^۱ ایوب ۲۷: ۶-روم ۲: ۱۴-۱۵-۳. ر. ک. روم ۱۹: ۲۱-۲۱-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱-تیمو ۵: ۱۹؛
 ۹: ۳؛ ۱۰: ۴-۲-۱-۲-تیمو ۳: ۱۵؛ ۱۵: ۱۵-اع ۲۳: ۱۰؛ ۱۶: ۲۴؛ روم ۹: ۲-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱-پطرس ۳: ۱۶، ۲۱-
 ۱۷-قرن ۱۰: ۲۹-روم ۱۴: ۱۵-۲۰-۱-قرن ۸: ۱۳-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱-عبر ۹: ۱۴، ۱۰: ۲۰ □
 دل.

وجود قبلی

۱) انسان برای دریافتن راز تاریخ همواره سعی کرده است از راه ایمان خود جهت دسترسی به پیشینه زمان که به خدا تعلق دارد به عقب برگردد. انسان خدایی است سقوط کرده که آسمان ها را به خاطر می آورد. در نزد یهودیان، *حکمت الهی چون واقعیتی فعال در منشاء آفرینش^۱ تلقی می شود. طبق روایت *خنوخ پسر انسان قبل از آفرینش وجود داشته است.

^۱ مقدمه، فصل ۱۲. ۳. ج: ایوب ۲۸: ۲۰-۲۷؛ امت ۸: ۲۲-۳۱.

۲) عهد جدید که وارث این زبان است با تمرکز ایمان خود بر عیسی، اعلام می کند که وی *صورت خدای نادیده، *نخست زاده^۲ تمام مخلوقات و پسر خدا است که به جهان آمد تا انسان ها را نجات دهد^۳؛ او خداست از خدا^۴. به علاوه احتمالاً تحت تأثیر بیان یونانی، او از آسمان بر زمین نزول کرد^۵.

^۲ کول ۱: ۱۵-۳ غلا ۴: ۴-۱ یو ۱: ۱-۵ یو ۳: ۱۳، ۶: ۳۸، ۶۲.

۳) ایمانداران از راه این زبان نه برای مشخص کردن تأکید ایمان توسط یک تصویر فضایی یا دنیوی بلکه برای دیدن کلیت راز عیسی مسیح از طریق آن دعوت شده اند. عیسی ناصری انسانی است یگانه که تمام انسان ها نجات خود را از

راه او و در او به دست می آورند، عیسی؛ رستخیز خود نیز حضور خود را بر تمامی طول زمان ها می گستراند. این همان چیزی است که زبان با قرار دادن مسیح قبل از آفرینش و نه تنها تأیید وجود او از قبل دربارهٔ ماوراء وجود سخن می گوید.

◀ برگزیدگی - عیسی مسیح - تقدیر.

وحوش و وحش، وحشی

یونانی: therion (از همان ریشه «ferus» لاتین به معنای «وحشی») که ترجمان واژه عبری «hayya» یا «جاندار» و به طور مشخص تر «حیوان ترسناک» است.

(۱) حیوان وحشی.

◀ مقدمه، فصل ۲. ۶.

(۲) گاهی، برای قدما، حیوانات (که * «جانداران» نیز نامیده می شدند. یونانی: zoa)^۱ حامل یا واسطه هایی برای یک قدرت شوم یا مساعد یعنی قدرتی برتر از قدرت انسان بودند.^۲

^۱عبر ۱۳: ۱۱، ۲- پطرس ۱۲: ۱۰ - مر ۱۳: ۱۶، ۱۸: ۱۶، ۴: ۹-۶، ر. ک پید ۳: ۱-۳، حزق ۲: ۲۵-۲.

(۳) طبق متونی چند از کتاب عهد عتیق که پثرواک اسطوره های مشرق زمین می باشند «خصم خدا» از بدو پیدایش تا آخر دنیا وحشی، *مار گونه، *اژدهائی، حیوانی و افسانه ای است.^۳ این وحش از شیطان اطاعت می کند و در صورت لزوم به دو نیم تقسیم شده با اژدها یک وجود سه تائی شیطانی^۴ تشکیل می دهد اما شکست آن قطعی است.^۵ در کتاب مکاشفه عهد جدید شرح اعمال و سقوط آن به تفصیل آمده است.^۶

^۳ایوب ۹: ۱۳، ۲۶: ۱۲، مز ۷۴: ۱۳-۱۴، ۹: ۱۰-۱۱: اش ۲۷: ۱، ۵۱: ۹؛ مکا ۱۲: ۹-۱۰، ۲۰: ۲ - مکا ۱۶: ۱۳ -

^۵مکا ۲: ۱۹، ۱۹: ۲۰ - مکا ۱۱: ۷، ۱۳: ۱۴، ۱۱۰۹: ۱۶، ۲: ۱۶، ۱۰: ۱۳، ۱۷: ۲۰ - ۴: ۱۰-۱۱ □

◀ حیوانات - دجال - جانداران.

وحی

جواب الهی است به انسانی که از وی درخواست راهنمائی می کند. کتاب عهد جدید این عمل وحی آمیز (یونانی: manteuomai)^۱ را خاطر نشان می سازد از واژه مناسب (یونانی: khrèmatismos) استفاده نمی کند مگر در بیان مفهوم «مکاشفه از سوی خدا»^۲ که فعل khrèmatizô را بکار می گیرد. این مکاشفه گاهی جنبه یک اخطار را به خود می گیرد که ترجمه آن به صورت «دریافت آگاهی الهی از سوی...» در می آید. اما منظور اصلی فقط یک دستورالعمل است: خدا خطاب به یوسف، شمعون، کرنلیوس موسی، نوح و انسان ها اراده خود را بی آنکه از او طلب شده باشد آشکار می کند.^۳ ترجمه این واژه به «وحی» بعد دیگری را به موارد بالا می افزاید که به نظر می رسد قصد کتاب عهد جدید اجتناب از آن بوده است، هرچند کتاب * «هفتادتنان» که کتاب عهد جدید همواره از آن پیروی می کرده است هنوز واژه khrèmatizô را به کار نبرده بلکه فعل «گفتن» (یونانی: legō؛ عبری: dibbèr) را حفظ کرده بود. بی گمان فعل logia در زمینه متن، این گونه تعبیر را می تواند گاهی القاء می کند^۴، اما کار بیهوده ای است که در سادگی بیان کتاب مقدس حالتی اعجاز آمیز قرار بدهیم که از آن دور انداخته شده بود.^۵

^۱اع ۱۶: ۱۶ - روم ۱۱: ۴ - مت ۲: ۱۲، ۲۲: ۲؛ لو ۲۶: ۱۰؛ اع ۲۲: ۱۰؛ عبر ۸: ۵؛ ۱۱: ۷؛ ۲۵: ۲ - اع ۷: ۳۸ - مت ۲: ۱۷؛

۱۲: ۱۷؛ ۱۳: ۳۵؛ ۲۱: ۴؛ ۲۲: ۳۱؛ ۲۷: ۹؛ روم ۳: ۲؛ عبر ۵: ۱۲.

◀ جادو - مکاشفه - رؤیا، خواب.

وداع (سخنان)

*سبک ادبی ادبیات جهانی که در عهد عتیق^۱ و یهودیت مشهود است (وصایای دوازده پاتریارک، یوبیل و غیره) معمولاً شامل چهار مرحله است: اول شخص مشرف به موت غالباً به هنگام صرف خوراک از خویشانش خداحافظی می‌کند، دوم فرزندانش را به بردباری دعوت می‌نماید، سوم گذشته‌اش را به عنوان نمونه‌ای برای ایشان مجسم می‌سازد و چهارم این که آینده را پیشگویی می‌کند. عهد جدید آخرین سخنان وصیتی پولس را در میلیتس^۲ یا در *رساله‌های شبانی‌اش^۳ بازسازی کرده است. از سوی دیگر آخرین سخنان عیسی را که به مرگش مفهومی می‌بخشد به صور گوناگون بازگو می‌کند بدین معنی که در انجیل متی و مرقس^۴ اثری از آن مشاهده می‌شود، حال آن که در انجیل لوقا^۵ بسط و گسترش یافته و در انجیل یوحنا^۶ به طرزی برجسته بیان می‌گردد.

^۱ پیید ۴۹: تث ۳۳: ۱-۲: طو ۱۴: ۱-۲: مک ۲: ۴۹-۷۰-۲۰: ۳۸-۱۷-۱۳- تیمو ۴: ۱ و ۲: ۲- تیمو ۳-۴- ۴: مت ۲۶: ۲۹ (= مر ۱۴: ۲۵) - ۵: ۲۲: ۱۵-۱۸، ۲۱-۳۸ - ۶: یو ۱۳-۱۷.

وسوسه

(۱) یونانی: peirazō, peirasmos معمولاً به معنای «در آزمایش قرار دادن» و هم چنین موقعی که مسئله ارتباط بین انسان و خدا در میان باشد می‌تواند دارای معنای بدتری مانند «وسوسه کردن» باشد. اگر خدا می‌تواند انسان را بی‌آنکه وسوسه‌اش کند در معرض آزمایش قرار دهد چون («خدا تجربه نمی‌کند»)^۱ انسان نمی‌تواند خدا را بی‌آنکه قدرت‌ش را مورد تردید قرار دهد یا محبت و وفاداری خود را امتحان کند آزمایش نماید. در کتاب عهد قدیم مکان خاص وسوسه مسّا است که نام دیگرش مربیه به معنای «امتحان»^۲ است. عیسی بر خلاف یهودیان خدا را وسوسه نکرد^۳ و اما خود چندین بار در طی زندگی‌اش از سوی افراد در وسوسه قرار گرفت فی‌المثل: او که مجبور شد پطرس را *شیطان^۴ بنامد، توده‌های سیر شده مردم که می‌خواستند او را پادشاه کنند^۵، رؤسای یهودیان که او را دعوت کردند خود را با پایین آمدن از صلیب نجات دهد^۶، وسوسه‌های مختلف که در صحنه‌ای با عظمت جایی که اسرائیل از پای درآمد^۷، به طور خلاصه تکرار شدند که در آن عیسی بر «وسوسه گر» که در حد اعلا *«شیطان» است پیروز شد.

^۱ یع ۱: ۱۳ - ۲: تث ۶: ۱۶: ۳۳: ۸-۹: مز ۹۵: ۸-۹: ۱- قرن ۱۰: ۹: عبر ۳: ۸-۹ - ۳: مت ۴: ۷ (= لو ۴: ۱۲): اع ۱۵: ۱۰ - ۴: مت ۲۳: ۱۶ - ۵: یو ۶: ۱۵ - ۶: مت ۲۷: ۴۲ (= مر ۱۵: ۳۰) - ۷: قیاس با ۱- توا ۲۱: ۱ و ۲- سمو ۲۴: ۱: مت ۴: ۱ (= مر ۱: ۱۳) - ۲: ۴: ۱۳: ۴: ۱۳.

(۲) وسوسه دامی^۸ است که «وسوسه گر» سعی دارد ایمانداران را در آن گرفتار سازد^۹. هم چنین باید از خدا خواست نه اینکه ما را مورد آزمایش قرار ندهد بلکه کاری کند که به وسوسه نیفتیم و ما را از «وسوسه گر» حفاظت کند^{۱۰}. ایمانداران بایستی هوشیار باشند و برای این امر دعا کنند^{۱۱}.

^۸ تیمو ۶: ۹ - ۹: لو ۸: ۱۳: ۱- قرن ۷: ۵: غلا ۶: ۱: ۱- تسا ۳: ۵: مکا ۲: ۱۰ - ۱۰: مت ۶: ۱۳ (= لو ۱۱: ۴) - ۱۱: مت ۲۶: ۴۱ (= مر ۱۴: ۳۸ = لو ۲۲: ۴۰-۴۶).

(۳) پولس اصل وسوسه را در مظهر *«گناه» که *طمع^{۱۲} را به وجود می‌آورد می‌بیند؛ یعقوب طمع را به وجود آورنده گناه و مرگ^{۱۳} می‌داند؛ یوحنا دنیا را که خود سرچشمه طمع است محکوم^{۱۴} می‌کند. این طرز بیان که در اصل وسوسه کم و بیش مظهر شیطان، «گناه» یا طمع از طریق تصویری نشان می‌دهد که خدا آزمایش را به وسوسه تبدیل نمی‌کند و که شرط بندی بین خدا و آزادی انسان واقع شده^{۱۵} است بنابراین انسان باید هوشیار بوده و به کمک اسلحه ایمان و تحت پرتو قدرت روح القدس دعا کند^{۱۶}.

^{۱۲} روم ۸: ۱۳ - ۱۴: یع ۱۴ - ۱۴: یو ۱۶ - ۱۵: لو ۲۲: ۳۱: ۱- قرن ۵: ۵: مکا ۲: ۱۰ - ۱۶: مت ۶: ۱۳: ۴۱: افس ۱۶: ۶. ◀ مقدمه، فصل ۱۴. ۲. الف - امتحان.

ودیعہ

یونانی: para-thèkè (از para-tithèmi به معنای «گذاشتن نزد کسی»)، به ودیعہ گذاشتن^۱، سپردن^۲. آموزه ای که شامل تعلیم ایمان حاصل شده از سنت^۳ می باشد.

لو^۱: ۱۹-۲۱-۲۲-۲۳: ۱۴: ۲۰، ۳۲: ۲-۲: تیمو^۲: ۱-۳-۶: ۲۰: ۲-۲: تیمو^۱: ۱۲-۱۴ □

◀ تعلیم - سنت.

وصیت نامه های دوازده پدر قوم

مجموعه خطابه های تودییی که به دوازده پسر یعقوب نسبت داده می شوند این کتاب *تحریفی یهودی که بین سال ۱۰۰ ق. م. و ۱۰۰ م. تألیف شده است تعلیماتی را از نوع تعلیمات اخلاقی، نزدیک به آموزه *قمران در بردارد.

وعده

یونانی: epaggelia. این واژه که در زبان یونانی عامیانه به معنای «اعلام، دستور، وعده» است در عهد عتیق و اناجیل^۱ یافت نمی شود بلکه خاص نوشته های پولس و اعمال رسولان و رساله به عبرانیان می باشد. این واژه تکیه کلام معمولی کتاب مقدس را که همان *امید است از سو می گیرد بدین معنا که: خدا آنچه را که می گوید انجام می دهد^۲؛ کلام خدا و نبوت در واژه وعده خلاصه می شود. وعده (ep-aggelia) که تحتقیق می یابد به صورت مژده (ep-aggelizomai) در می آید. این واژه بر جنبه رایگان بودن بنیادین *عطیه خدا^۴ در مقابل شریعت اعمال تأکید دارد^۵. این واژه معمولاً به *میراث^۶ ارتباط دارد و موضوع آن زمین^۷، آرامش^۸، ملکوت^۹، زندگی^{۱۰}، نجات دهنده^{۱۱} و روح القدس^{۱۲} می باشد. وعده ها تحقق خود را در عیسی یافته اند^{۱۳}.

۱ به استثنای لو^{۲۴: ۴۹} - یوشع^{۲۳: ۱۴}؛ روم^{۹: ۴}، ۱۵: ۸؛ افس^{۲: ۱۲}، ۶: ۲؛ عبر^{۶: ۱۳}، ۱۰: ۲۳، ۱۱: ۳۳ - اع^{۱۳: ۳۲}؛ روم^{۱: ۲} - روم^{۴: ۱۳-۲۱} - غلا^{۳: ۱۷-۲۲} - غلا^{۳: ۱۸-۲۹}؛ عبر^{۶: ۱۷}، ۹: ۱۵ - اع^{۷: ۵}؛ عبر^{۱۱: ۹} - عبر^{۴: ۱} - یع^{۵: ۲} - تیمو^{۴: ۸} - تیمو^{۲: ۱}؛ تبط^{۱: ۱۲}؛ یع^{۱: ۱۲} - یو^{۲: ۲۵} - اع^{۱۳: ۲۳}؛ غلا^{۳: ۱۶} - لو^{۲۴: ۴۹}؛ اع^{۳۳: ۳۳}؛ غلا^{۳: ۱۴}؛ افس^{۱: ۱۳} - ۱۳: ۲ - قرن^{۱: ۲۰}؛ مکا^{۳: ۱۴}.

◀ امید.

وفادار، وفاداری

در یونانی کناب عهد جدید بین واژه های ایمان و وفاداری (pistis) و واژه های ایماندار و وفادار (pistos) تفاوتی وجود ندارد. درواقع این واژه برگردان تنها یک واژه عبری emuna است که از واژه «حقیقت» (emet) مشتق می شود. بدین ترتیب اهمیت این مفهوم دقت بیشتری می یابد: ایمان مورد نظر، تنها شناسایی و تصدیق یک نوع از حقیقت نیست بلکه بویژه معنی تعهد توأم با اعتماد نسبت به یک شخصیت، یعنی خدا یا انسان، را دربر دارد. «حقیقت» نیز مورد جستجو بوده و در طی گفت و شنودی شناسایی شده است. از این رو یک جنبه استمرار نیز حقیقت را به مفهوم عبرانی این واژه مشخص می سازد. وفادار کسی است که در بوته آزمایش زمان در ایمان^۱ پایدار است و از این راه بر وفاداری خدا به وعده هایش^۲ تأکید می نماید و، بنا بر عقیده ای، بیانگر وفاداری عیسی مسیح به خود خدا می باشد^۳.

مت^{۲۴: ۴۵}؛ ۲۵: ۲۱ (= لو^{۱۷: ۱۹})؛ لو^{۱۲: ۴۲}، ۴۶: ۱۶-۱۰: ۱۲؛ روم^{۳: ۳}؛ ۱-قرن^{۲: ۴}؛ ۱۷: ۱؛ کول^{۷: ۴}، ۷: ۹؛ ۱-تیمو^{۱: ۱۲}؛ ۱۱: ۳؛ تیمو^{۲: ۲}، ۱۳: ۱؛ تبط^{۲: ۱۰}؛ عبر^{۳: ۵}؛ ۱-پطر^{۵: ۱۲}؛ ۳-یو^{۵: ۵}؛ مکا^{۲: ۱۰}، ۱۳: ۱۷؛ ۱۴: ۲۱؛ ۸: ۲ - روم^{۳: ۳}؛ ۱-قرن^{۱: ۹}؛ ۱۰: ۱۳؛ ۲-قرن^{۱: ۱۸}؛ ۱-تسا^{۵: ۲۴}؛ ۲-تسا^{۳: ۳}؛ ۲-تیمو^{۱۳: ۱۳}؛ عبر^{۱۰: ۲۳}؛ ۱۱: ۱۱؛ ۱-پطر^{۴: ۱۹}؛ ۱-یو^{۹: ۳} - عبر^{۲: ۱۷}؛ ۳: ۲۳؛ مکا^{۱: ۵}؛ ۱۴: ۱۹؛ ۱۱: ۱۱.

◀ اعتماد-ایمان-حقیقت و راستی.

[ولگات]

از لاتین: *versio* vulgata) به معنای «ترجمهٔ پسندیده» این واژه ترجمهٔ کتاب مقدس توسط جروم قدیس در قرن چهارم میلادی به زبان لاتین برگردانده شد و توسط کلیسای کاتولیک روم در شورای عالی سی تن در ۱۵۴۶ رسماً پذیرفته شد.

[ویراسته]

صفت یا قید توصیف کننده متنی که شیوهٔ آن توسط مؤلفی به منظوری معین دستکاری شده باشد یا متنی که به بافت قبلی اضافه شده باشد فی المثل دعای «ای پدر ما» در میان سه توصیه مربوط به صدقه، دعا و روزه جای داده شده است.^۱

^۱مت ۶: ۹-۱۳ در ۶: ۲-۱۸.

ه

هابیل

عبری *hèbèl* «نفخه، کبر». پسر کوچک آدم و حوا که به وسیله قائن برادر بزرگترش^۱، به دلیل این که اعمالش مطلوب خداوند واقع شده بود، کشته شد؛ وی نمونه عادل مورد شکنجه و آزار^۲ است. *خون ریخته شده او، در حضور خداوند گویا است لیکن خون عیسی از گویایی بیشتری^۳ برخوردار می باشد.

^۱ پید ۴: ۲-۱۶ و رساله ۱-۱۲، ر.ک حک ۳: ۱۰-۳ — مت ۲۳: ۳۵ (= لو ۱۱: ۵۱) — عبر ۱۱: ۴، ۱۲: ۲۴ □

هاجر

عبری *hâgâr*. کنیز مصری *سارا که از ابراهیم صاحب پسری گردید و سپس با فرزندش^۱ بیرون رانده شد. از دیدگاه پولس، هاجر *تجسمی است از *عهد عتیق. به نظر می رسد که وی ریشه لغوی فرض شده *ha-hâr* را که در زبان عبری به معنی «*کوه» در اعلی درجه خود یعنی همان کوه *سینا^۲ است در نظر گرفته است.

^۱ پید ۱۶: ۱-۱۶، ۲۱: ۲۱-۹-۲۱ — غلا ۴: ۲۴ و ۲۵.

هادس

یونانی *Haïdēs* (برگرفته از واژه متداول *a-eidēs* به معنای «نامرئی») که طبق اسطوره های یونانی نام خدای وادی مردگان است و سپس نام محل اقامت مردگان، *وادی مردگان گردید. در عهد جدید نیز این واژه به معنای اسفل، زندان مردگان^۱، اقامتگاه مردگان است^۲ و حتی به معنای سلطنت *مرگ و تجسم آن آمده است^۳. عیسی که از آنجا آزاد شد، کلید آن را در دست دارد^۴ و به کلیسای خود وعده داد که در مقابل قدرت آن تسلیم نخواهد شد^۵. در روز آخر، هادس به دریاچه آتش انداخته خواهد شد.

^۱ مت ۲۳: ۱۱ (= لو ۱۰: ۱۵) — لو ۱۶: ۲۳؛ مکا ۲۰: ۱۳ — ایوب ۳۸: ۱۷؛ اش ۲۸: ۱۵؛ مکا ۶: ۸ — اع ۲: ۲۴، ۲۷، ۳۱؛ مکا ۱۸: ۱۸ — مت ۱۶: ۱۷ — مکا ۲۰: ۱۴.

◀ ابدون - لجه - وادی مردگان - دریاچه آتش - هاویه.

هارون

یونانی *Aarôn*، عبری: *Aharôn*. در روایات برادر *موسی^۱ شمرده شده که، ساخت گوساله طلایی^۲ را سرپرستی نمود. او به ویژه جد طبقه کهناتی^۳، کاهن اعظم در حد اعلای آن^۴ و شفيعی است که خشم الهی^۵ را باز می گرداند. *اسنپان در انتظار مسیحی از تبار هارون بودند یعنی مسیح-کاهن اعظم. مسیح نیز همانند هارون از سوی خداوند به مقام کهنات اعظم^۶ دعوت شده بود، باوجود این، کهنات وی از همان نوع نبود بلکه از نوعی برتر، شبیه به کهنات ملکيصدق^۷.

^۱ خروج ۴: ۱۴ — خروج ۳۲: ۱-۶؛ اع ۷: ۴۰ — خروج ۲۸: ۱؛ اعد ۱۶-۲۶؛ لو ۵: ۹؛ عبر ۴: ۲ — بنسی ۴۵: ۶-۲۲ — حک ۲۱: ۱۸-۲۵ — عبر ۵: ۴ — عبر ۷: ۳. ۱۱-۲۱ □.

◀ کاهن اعظم - ملکيصدق - کهنات.

[هاویه]

عبری *cheôl* (از نظر علم ریشه شناسی ابهام دارد و به ریشه های مختلف نسبت داده می شود، به معنای «فساد»، «حقیر بودن» و «محل استنطاق»): زندان مردگان، «وادی مردگان». معمولاً در زبان یونانی *haïdēs* ترجمه می شود.

◀ وادی مردگان.

هدایت کردن

وابستگی انسان در این امر ظاهر می شود که آنها با «هدایت یکدیگر» (agô) به صورت متقابل از هم دستگیری می کنند تا به راه درست یعنی راهی که می خواهند^۱ یا به راه غلط که آنها نمی خواهند هدایت شوند^۲. روح القدس برای هدایت عیسی و ایمانداران^۳ و حتی ابلیس^۴ این چنین عمل می کند. واژه دیگر (hodegeô) راهنمایان کور را نشانه وار^۵ زیر نورافکن قرار می دهد و عمل روح القدس تسلی دهنده را که «نشان دهنده راه»^۶ است ارزیابی می کند. ستاره متعال یعنی مسیح راه درست را نشان خواهد داد (euthynô)^۷.

^۱ یو: ۱: ۴۲؛ اع: ۹: ۸؛ ۱۳: ۱۱؛ ۲۲: ۱۱ — یو: ۱۸: ۲۱؛ مت: ۱۰: ۱۸؛ لو: ۴: ۲۹؛ ۲۳: ۲۶؛ ۳۲: ۸؛ ۱۲: ۶؛ ۳۲: ۸؛ ۲۱: ۲؛ ۱۲: ۱۹؛ ۳۴: ۲۱ — ^۲ یو: ۱۶: ۱۶؛ روم: ۲: ۱۹ — ^۳ یو: ۱۶: ۱۳ — ^۴ یو: ۱: ۷۹؛ رک. ۱-تسا: ۱۱: ۳-۲-تسا: ۵: ۵.
◀ شاگرد - پیروی کردن.

هرزگی

این واژه در زبان یونانی و در کتاب عهد جدید برای مشخص کردن و محکوم کردن رفتار خلاف اخلاق در کامجویی از لذات نفسانی دارای چندین معنا است. تصریح اختلافاتی که در این معناها وجود دارد آسان نمی باشد.

(۱) دارای مفهوم عام واژه اصلی به یونانی porneia است (از pernèmi به معنای «فروختن») که بدون تردید اختصاص داده شده است به *روسی گری اما غالباً به معنای وسیع تر، به فسق و فجور و فساد اخلاق^۱ اطلاق می شود. هم چنین واژه های دیگری هست هم چون a-katharsia (نفی katharos به معنای «پاک») به مصداق «ناپاکی»^۲ aselgeia (که از نظر واژه شناسی نامشخص است) به معنای «فسق و فجور» و «رفتار خلاف اخلاق»، «هرزگی»^۳، a-sôtiā (نفی sôzô به معنای «نجات دادن») به مصداق «بی بند و باری، فساد»^۴، a-krasia (بدون شدت، بدون قهر و غلبه) به معنای «افراط، بی عصمتی»^۵، tryphè به معنای «شهو»^۶، malakos (به معنای تحت الفظی «نرم») به معنای «فاسد»^۷ و kraipalē به معنای «هرزگی، عیاشی»^۸.

^۱ مت: ۳: ۴؛ اع: ۱۵: ۲۰، ۲۹، ۲۱: ۲۵؛ ۱-قرن: ۵: ۱، ۹-۱۱، ۶: ۹؛ ۱-تسا: ۳: ۱-تیمو: ۱: ۱۳؛ عبر: ۴: ۱۳؛ مکا: ۸: ۲۱، ۱۵: ۲۲ — ^۲ روم: ۱: ۲۴، ۶: ۱۹؛ ۲-قرن: ۱۲: ۲۱؛ ۵: ۱۹؛ افس: ۴: ۱۹، ۵: ۳، ۵: ۵؛ کول: ۳: ۵؛ ۱-تسا: ۳: ۳، ۴: ۷؛ مکا: ۱۷: ۴ — ^۳ مر: ۷: ۲۲؛ روم: ۱۳: ۱۳؛ ۲-قرن: ۱۲: ۲۱؛ ۵: ۱۹؛ افس: ۴: ۱۹؛ ۱-پطر: ۳: ۴؛ ۲-پطر: ۲: ۲، ۷-۱۸؛ یهو: ۴ — ^۴ لو: ۱۵: ۱۳؛ افس: ۵: ۱۸؛ تیطا: ۶: ۱-پطر: ۴: ۴ — ^۵ مت: ۲۳: ۲۵؛ ۱-قرن: ۷: ۵؛ ۲-تیمو: ۳: ۳ — ^۶ (یع: ۵: ۵)؛ ۲-پطر: ۱۳: ۲ — ^۷ ۱-قرن: ۶: ۹ — ^۸ لو: ۲۱: ۳۴.

(۲) در زمینه امور جنسی علاوه بر porneia (ر.ک به مطالب آورده شده در زیر) به معنای خاص «روسی گری»^۹ واژه دیگری چون moikheia وجود دارد (که از نظر واژه شناسی نامشخص است) به معنای «زنا»^{۱۰} و koitē (از keimai به معنای «من دراز کشیده ام») به معنای «لهو و لعب و شهوت پرستی»^{۱۱} و ترکیبی از این واژه arseno-koites به معنای «هم جنس گرا»^{۱۲}.

^۹ مت: ۱۹: ۱۵؛ (۷-مر: ۲۱)؛ ۲-قرن: ۱۲: ۲۱ — ^{۱۰} مت: ۱۹: ۱۵؛ (۷-مر: ۲۲)؛ ۱-قرن: ۶: ۹ — ^{۱۱} روم: ۱۳: ۱۳ — ^{۱۲} ۱-قرن: ۶: ۹؛ ۱-تیمو: ۱۰: ۱۰.

(۳) در زمینه مواد غذائی: methè (مقایسه شود با methy به معنای «نوشابه تخمیر شده») به مصداق «مستی، عیاشی»^{۱۳} و kômos («گروه شاد، جشن، مجلس خوشی») به معنای سورچرانی^{۱۴} و oînos oîno-phlygia به معنای «شراب» (به مصداق «میخواری»^{۱۵} و potos (از pinô به معنای «آشامیدن») به معنای «عیش و نوش»^{۱۶}).

^{۱۳} مت: ۲۴: ۴۹ (= لو: ۱۲: ۴۵)؛ لو: ۲۱: ۳۴؛ روم: ۱۳: ۱۳؛ ۱-قرن: ۵: ۱۱؛ ۶: ۱۰؛ ۵: ۲۱؛ افس: ۵: ۱۸ — ^{۱۴} روم: ۱۳: ۱۳؛ ۵: ۲۱؛ ۱-پطر: ۴: ۳ — ^{۱۵} ۱-پطر: ۴: ۳ — ^{۱۶} ۱-پطر: ۴: ۳.

◀ رذائل.

هفت

یونانی: hepta.

(۱) رقمی که توسط روز هفتم، روز *استراحت خدا^۱ متبرک شده و دارای وظیفه ویژه‌ای در *تقویم^۲، مراسم^۳ و ابزار *آئین عبادت^۴ می باشد.

^۱خروج ۲۰:۱۱؛ عبر ۴:۴ — خروج ۱۲:۱۵ — لاو ۴:۴ — خروج ۲۵:۳۷.

(۲) این واژه می تواند نمادگر پُری و تمامیت باشد.^۵

^۵مت ۱۸:۲۱-۲۲؛ مر ۸:۵-۲۰؛ مکا ۱:۴. ۱۱. ۲۰. ۵-۱؛ ۶:۸؛ ۲۱:۹.

(۳) همکاران دوازده *حواری که در آغاز شکل گیری کلیسا انتخاب شده اند.^۶

^۶اع ۶:۳-۶؛ ۲۱:۸.

◀ استیفان - اعداد - سبت - هفته.

[هفتادتنان]

طبق افسانه «نامه آریسته» اولین ترجمه کتاب مقدس به زبان یونانی را ۷۲ تن از حکمای یهود برحسب دستور بطلمیوس اهل فیلادلفیه (۲۸۳-۲۴۶ ق.م) در طی ۷۲ روز به انجام رسانیدند. به واسطه همین ارقام نام هفتاد (سپتانت) یا هفتادتنان بر آن کتاب نهاده شد. اما این ترجمه طبق اسناد تاریخی توسط چندین مترجم در طی ۱۵۰ تا ۲۵۰ سال به طول انجامید (در مقدمه «کتاب بن سیراخ» این رقم ۱۱۶ سال ذکر می شود). این ترجمه برای یهودیان یونانی زبان به خصوص ساکنان اسکندریه مصر اختصاص یافته بود. برخلاف نظم عبرانی، این کتاب شامل کتاب های اضافی یا کتب برحق برای مسیحیان مانند کتاب های یهودیه، طوبیت، اول و دوم مکابیان، حکمت سلیمان، حکمت بن سیراخ، باروخ، نامه ارمیاء و تکلمه های استر و دانیال و نیز کتاب های اول عزرا، سوم و چهارم مکابیان، غزل های سلیمان و مزامیر سلیمان بود. این کتاب علاوه بر چندین پاپیروس مربوط به قرن دوم ق.م بیشتر از روی آثار «اوريجن» (اواخر قرن دوم م.) و از روی مجموعه قوانین مربوط به قرن چهارم به نام Vaticanus شناخته شده است. آکیلا یهودی در سال ۱۳۰ م. یک نسخه به زبان یونانی را که صرفاً «کلمه به کلمه» بود منتشر کرد، سیماک مسیحی در سال ۱۷۰ نسخه دیگری را ارائه داد و تئودوسیون در اواخر قرن دوم یک نسخه ویرایش شده هفتادتنان را معرفی کرد. بحث متخصصان بر روی اصل کتاب هفتادتنان در این امر است که آیا این کتاب یک متن دارد یا چندین متن؟ کتاب هفتادتنان متن کتاب مقدس که مورد استفاده مسیحیان اولیه بوده است (مانند مت ۲۳:۱).

◀ مقدمه، فصل سوم، ۳: فصل دوازدهم - کتاب مقدس - متون برحق متأخر.

هفته

دوره هفت روزه ای که نامش از روز هفتم نشأت می گیرد. یونانی: sabbaton^۱. روزهای مختلف هفته شماره گذاری شده اند به استثنای روز ششم هفته که در عصر یونانی گرائی «*آمادگی» یا (para-skeuè)^۲ نامیده می شد. تعیین اسامی آنها برحسب نام سیارات توسط رومیان تنها در قرن اول م. انجام گرفت. در ابتدای هفته طبق تقسیمات *ماه که مربوط به دوره های قمری است تعیین شد و سپس خود با شامل شدن هر هفت روز ثابت و مستقل از تغییرات ماه تثبیت شد. یکی از خصوصیات هفته روز هفتم آن یا *سبت^۳ است.

^۱مت ۲۸:۱؛ مر ۱۶:۲-۹؛ لو ۱۸:۱۲؛ ۲۴:۱؛ یو ۲۰:۱، ۱۹؛ اع ۷:۲۰؛ ۱-قرن ۱۶:۲ — مت ۲۷:۶۲؛ مر ۱۵:۴۲؛ لو ۲۳:۵۴؛

یو ۱۹:۱۴ — خروج ۲۳:۱۲؛ ۳۴:۲۱.

◀ تقویم - ماه - سبت - هفته.

هلولویا

یونانی: Hallèlouia از عبری: hallelûyâ به معنی «یاه (=یهوه) را تمجید نمایید». حمد آیینی که در ابتدا یا در انتهای برخی *مزامیر^۱ آمده است. آواز بلند *تسبیح برگزیدگان برای حمد و ستایش پیروزی نهایی خداوند^۲.
^۱ مز ۱۱۱-۱۱۷ — مکا ۱۹: ۱، ۳، ۴، ۶.

همسایه

یونانی: plèsion به معنای «فرد نزدیک به»، ترجمه بدیعی که در «هفتادتنان» از واژه عبری rēa به معنای «دیگری» صورت گرفت، به عبارت دیگر یعنی کسی که برادر صلبی نبوده بلکه منظور همنشین یا متحد است. همسایه بر خلاف برادری که از طریق همبستگی صلبی با انسان پیوند دارد، به خانه پدری تعلق نداشته بلکه کسی است که به آن گرایش دارد. دو نکته عهد جدید را از عهد عتیق یهودی متفاوت می سازد. نه تنها برادر اسرائیلی^۱ من و حتی نه یک فرد *بیگانه^۲ مقیم بلکه تمامی افرادی که با من نزدیک اند حتی اگر دشمن هم باشند^۳ حقاً همسایه من محسوب می شوند. عیسی از طریق مثل سامری نیکو^۴ ما را از این سؤال که «همسایه من کیست؟» به سئوالی دیگر که «آیا من همسایه این فرد گرفتار در مشکلات نیستم؟» راهنمایی می کند: در اینجا دیگر نه خود من بلکه دیگری مطرح است.
^۱ لاو ۱۷: ۳؛ ۱۹: ۱۱، ۱۳، ۱۶-۱۸ — لاو ۱۷: ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۹: ۳۴ — مت ۵: ۴۳-۴۸؛ لو ۱۰: ۲۹-۳۷ — لو ۱۰: ۲۹-۳۷.

◀ مقدمه. فصل هشتم. ۲. الف؛ فصل چهارم. ۱. ب - محبت - غریبه - برادر

هنگ

یونانی: legiōn از لاتین legio. هنگ معمولاً از ۱۰ دسته که هر دسته شامل ۶ تا ۱۰ هزار نفر است مهمترین واحد ارتش روم می باشد. در کتاب عهد جدید مترادف کثرت مردم می باشد^۱.
^۱ مت ۲۶: ۵۳؛ مر ۵: ۹، ۱۵؛ لو ۸: ۳۰ □

هوا و هوس

یونانی: epithymia. کتاب عهد جدید گاهی به این واژه با حفظ معنای «به شدت *خواستن» معنای اخلاقی پست تری می بخشد مانند «میل مفرط». در سنت یهودی به این واژه معنای «تمایلات پست» و «روحیه هرزگی/فساد» که در دل انسان موجود هستند، داده می شود. هم چنین این واژه به هوا و هوس بدوی^۱ اطلاق می شود که به طور کلی شهوات^۲ را (واژه دیگر pathos)^۳ به ویژه در زمینه جنسی^۴ دربرمی گیرد. هوا و هوس در اغلب اوقات مرتبط است با *تن^۵، گناه^۶ و چیزهای دنیوی^۷، گاهی با شیطان^۸ و گاهی نیز با ثروت^۹ (در حالت اخیر کتاب عهد جدید ترجیحاً واژه pleonexia به معنای *«حرص» را به کار می گیرد).

^۱ روم ۷: ۵، ۱۳؛ ۹: ر. ک ۱۷: ۲۰، یع ۴: ۲؛ ۱-۲ یو ۱۶-۱۷ — مر ۴: ۱۹؛ روم ۱: ۲۴؛ ۱-قرن ۱۰: ۶؛ کول ۳: ۵؛ ۱-تسا ۴: ۵؛ ۱-تیمو ۶: ۹؛ ۲-تیمو ۲: ۲۲، ۳: ۶، ۴: ۳؛ تیط ۳: ۳؛ ۱-پطر ۱: ۱۴؛ ۲-پطر ۳: ۳؛ یهو ۱۶: ۱۸ — روم ۱: ۲۶، ۷: ۵؛ غلا ۵: ۲۴؛ کول ۳: ۵؛ ۱-تسا ۴: ۵ — مت ۵: ۲۸ — روم ۱۳: ۱۴؛ غلا ۵: ۱۶، ۲۴؛ افس ۲: ۳؛ ۱-پطر ۲: ۱۱، ۴: ۳-۲؛ ۲-پطر ۱: ۱۰، ۱۸ — روم ۶: ۱۲، ۷: ۸؛ یع ۱: ۱۴-۱۵ — تیط ۲: ۱۲-۲؛ ۱-پطر ۴: ۱-۲ یو ۱۶-۱۷ — یو ۸: ۴۴ — اع ۲۰: ۳۳.
 ▶ مقدمه: فصل چهاردهم. ۲. الف - طمع - میل و اشتیاق - سنگدلی - رذائل.

هوشع

عبری: hôchéa (اختصار yehôchua به معنای «یهوه نجات می دهد») که یکی از *انبیای قرن هشتم ق.م بود و در دوران انحطاط پادشاهی شمالی می زیست. هرچند کتاب عهد جدید تنها یک بار از این اسم نام می برد^۱، کتاب هوشع

جزء *کتاب مقدس بوده و کلیسا برای شناسایی کامل خود همواره آن را مورد بررسی قرار می داده است. نه تنها کلام قابل تحسین آن دربارهٔ *رحمت مافوق *قربانی^۲ مورد توجه خاص قرار گرفت بلکه این کتاب اجازه داد که تهدیدی که برگناهکاران سنگینی می کند^۳ در خاطرهای محفوظ بماند و همچنین این امر نیز که کلیسا از دو قوم تشکیل شده است^۴ درک گردد و اعتماد نسبت به خدای پیروز شده بر مرگ ابراز گردد^۵.

^۱ روم ۹: ۲۵ – مت ۹: ۱۳: ۱۲: ۷ (هو ۶: ۶) – لو ۲۳: ۳ (= هو ۱۰: ۸): ر. ک مکا ۶: ۱۶ – روم ۹: ۲۵ – ۲۶ (= هو ۱: ۲۵): ۱۰: ۱ (= هو ۱: ۶: ۲: ۲۵. ۳) – مت ۲: ۱۵ (= هو ۱۱: ۱): ۱ – قرن ۱۵: ۵۵ (= هو ۱۳: ۱۴) □
◀ مقدمه. فصل دوازدهم – کتاب مقدس – نبی – جدول شماره ۱۴.

هوشیانا

از عبری hôchîanâ: (از ریشهٔ عبری hôchîa به معنا «نجات دادن»)^۱. غریو شادی عامیانه^۲ است مطابق با «زننده باد»های ما که در روز *جشن خیمه ها و در طی راه پیمایی های مذهبی^۳ سر داده می شد. این واژه ممکن است از واژهٔ آرامی: «uchenâ» یعنی «قدرت» به مصداق «ستایش از...» بوده باشد^۴.
^۱ مز ۱۱۸: ۲۵ – ۲۲ – سمو ۱۴: ۴: مز ۱۲: ۲ – لاو ۲۳: ۴۰: مر ۹: ۱۱: یو ۱۲: ۱۳ – مت ۲۱: ۹: ۱۵: مر ۱۱: ۱۰ □

هیراپولیس

یونانی: Hierapolis: به معنای «شهر مقدس». شهری است در «فریجیه» که در قرن دوم ق.م. در چند کیلومتری شمال پیوستگاه دو رود لیکوس و مئاندر تأسیس شد. این شهر به علت داشتن چشمه های آب گرم و تجارت پشم به پیشرفت نایل شد. وطن اپیکت است^۱.
^۱ کول ۴: ۱۳ □

هیرودیا

فرزند ماریامن اول و آریستوبول و بدین گونه نوهٔ هیرودیس کبیر بود. او شوهر و عموی خود، هیرودیس فیلیپس را به قصد پیوستن خلاف شرع به عموی دیگرش *هیرودیس آنتیپاس ترک کرد. او هیرودیس آنتیپاس ۳۹ ساله را در تبعید وی به Lugdunum Convenarum که همان St. Bertrand de Comminges می باشد همراهی کرد^۱.
^۱ مت ۱۴: ۳. ۶: مر ۶: ۱۷. ۱۹. ۲۲: لو ۳: ۱۹ □

هیرودیس

هیرودیایان ها

یهودیای طرفدار حکومت هیرودیس آنتیپاس. به احتمال قوی *صدوقیان که با عیسی مخالفت می ورزیدند^۱.
^۱ مت ۲۲: ۱۶: مر ۳: ۶: ۱۲: ۱۳ □

هیرودیس

یونانی: Hērōdēs از herôs به معنای «شریف، قهرمانی که جزو خدایان پنداشته می شد» در کتاب عهد جدید از سه هیرودیس نام برده می شود: هیرودیس کبیر هیرودیس آنتیپاس هیرودیس اغریپاس اول. به این سه نام باید نام هیرودیس بوئتوس را افزود که در مت ۱۴: ۳ = مر ۶: ۱۷، *فیلیپس و نیز *اغریپاس دوم نامیده می شد.

هیرودیس آنتیپاس

یونانی: Antipas مخفف Anti-patros می باشد به معنای «جانشین پدر». او پسر هیرودیس کبیر و مالتاکه و برادر کوچک آرکلائوس بود و در سال ۲۲ ق.م متولد شد. در سال ۴ ق.م تترارک جلیل و پیره بود. او همسر خود را که دختر هارث چهارم بود به نزد پدرش فرستاد تا بتواند علی رغم شریعت یهود به هیرودیا همسر برادر ناتنی اش پیوندد. چندین شهر را تأسیس و یا مستحکم نمود که از میان آنها طبریّه را پایتخت خود مقرر کرد. در سال ۳۹ م. توسط رومیان به Lugdunum Convenarum که احتمالاً همان Saint Bertrand de Comminges می باشد^۱ تبعید شد.

^۱مت ۱۴:۱. ۳:۶. مر ۶:۱۴. ۱۷:۲۶. ۸:۱۵. لو ۳:۸. ۱۳:۳۱. ۲۳:۷. ۱۵:۴. اع ۴:۲۷. ۱۳:۱. □

◀ مقدمه: فصل اول. ۱. ۴-هیرودیس.

هیرودیس اغریپاس اول

نوه هیرودیس کبیر (فرزند ماریامن اول و ارستبول) که در سال ۱۰-۹ قبل از میلاد به دنیا آمد. او دوست کالیگولا (که مقام تتراکسی فیلپی و ابلیه را در سال ۳۷ م و سپس در سال ۳۹ م. مقام تتراکسی جلیل و پیریّه را از او دریافت کرد) و نیز دوست کلوروس (در حالی که در سال ۴۱ هجری و سامره را به او داده بود، تمامی قلمرو پدر بزرگش را نیز به او واگذار کرد) بود.

او پس از ۶ سال پادشاهی به طور ناگهانی در قیصریه جهان را بدرود گفت. او برای جلب محبت مردم جامعه مسیحیان را مورد شکنجه و تعقیب قرار داد^۱.

^۱اع ۱۲:۱-۲۳ □

◀ مقدمه: فصل اول. ۱. د-هیرودیس

هیرودیس کبیر

او در سال ۷۳ ق.م از یک ادومی به نام آنتی پاتر و یک شاهزاده عربی متولد شد. ده زن داشت (که پنج تای آنها شناخته شده اند به قرار زیر: دوریس، ماریامن اول، ماریامن دوم، مالتاکه و کلئوپاتر) و صاحب هفت پسر شد (آنتی پاتریس، الکساندر، آریستوبول، هیرودیس بتوس فیلپس، آرکلوئوس، هیرودیس آنتیپاس و فیلپس). او خود را دوست روم اعلام کرد و بدین وسیله موفق شد از زمان ژولیوس سزار تا دوره اوگوست قدرت را به دست آورده آن را بسط دهد. در سال ۴۷ ق.م والی جلیل بود و در سال ۴۱-۴۰ ق.م تترارک و سپس پادشاه یهودیه شد. او در سال ۳۷ ق.م حاکم اورشلیم و تا زمان مرگش در سال ۴ م. حاکم سامره و چندین شهر دیگر از جمله اریحا شده بود. او که عاشق ساختمان سازی بود در اورشلیم چندین بنای یادبود برپا کرد و شهرهای یونانی مآب را تأسیس کرد و یا بازسازی نمود و نام امپراتور را بر آنها نهاد مانند قیصریه. خودکامگی خونین وی، قتل سه تن از پسران خودش، به روایت قتل عام کودکان بیت اللحم مایه می بخشد^۱.

^۱مت ۲:۱-۲۲. لو ۱:۵. اع ۲۳:۳۵ □

◀ مقدمه: فصل اول. ۱. و-هیرودیس.

هیلل

هیلل بزرگ همزمان با هیرودیس کبیر از سال ۳۰ ق.م تا ۱۰ م. می زیسته است. او حکیم فربسی بود و تفسیر گسترده ای از متون شریعت را تدریس می کرد.

ی

یاد / ذکر

یونانی: *mimnèskomai* یعنی «به یاد آوردن». در مأخذ کلمات هم خانواده به ریشه عبری *zâkâr* برمی خوریم که بر اساس آن «به یاد آوردن» بیش از یک خاطره درونی معنا می دهد، «به یاد آوردن» یک عمل است.^۱ شخص مذکر *zâkar* است، بدین ترتیب یک فرد یهودی خود را اهل *سنت نشان می دهد چون عمیقاً در قوم خود ریشه دارد: او مثل خدا پیمان و وعده های خود را به یاد دارد.^۲ فرد ایماندار علاقمند است اعمال والای خدا را به خاطر بیاورد تا بدین طریق در ایمان درست باقی بماند.^۳ بدین ترتیب او در خدا به تسلط بر ایام نایل می آید. یک فرد مسیحی اصلیت خود را نسبت به عهد عتیق بدین گونه نشان می دهد که به هنگام آئین عشاء ربانی / شام خداوند، واقعه رهایی بخش صلیب را به فعل درمی آورد: او یاد (یونانی: *eis tèn anamnèsin*) عیسی را گرامی می دارد.^۴ طبق گفته یوحنا این به خاطر آوردن، توسط روح القدس ممکن می شود که با یادآوری خود انسان را و می دارد تا حضور عیسی را دریابد و به فعل در آورد.^۵

^۱ پید ۸: ۱؛ ۱۹: ۲۱؛ ۳۰: ۲۲؛ داو ۱۶: ۲۸؛ ۱- سمو ۱: ۱۹؛ لو ۱: ۲۰؛ ۲۲- پید ۹: ۱۵-۱۶؛ ۳۰: ۲۲؛ خروج ۲: ۲۴؛ ۱۳: ۳۲؛ ۱- سمو ۱: ۲۰؛ مز ۹۸: ۳؛ ۱۰۵: ۸؛ ۴۲: ۸؛ ۱۵: ۱۵؛ ۱۸: ۲۰؛ ۳۱: ۳۴؛ عبر ۸: ۱۲؛ ۱۰: ۱۷- خروج ۲۰: ۸؛ مت ۵: ۱۵؛ ۸: ۲۸؛ ۲۶- ۱۰- ۳؛ مز ۱۰۳: ۱۸؛ ۱۰۵: ۵؛ ملا ۳: ۲۲- اع ۲۰: ۳۵؛ ۱- قرن ۱۱: ۲۴- ۲۵؛ ۲- تیمو ۲: ۸- یو ۱۴: ۲۶؛ ر. ک اع ۲: ۳۵؛ تیمو ۲: ۸.

یافا

یونانی: *Ioppè*، عبری *yâphô* به معنای «زیبایی». بندر بسیار قدیمی و معروف که *قیصریه فلسطین جای آن را گرفت. پطرس در این بندر طابیتا را از مرگ برخیزانید. پطرس هنگامی که نزد شمعون دباغ زندگی می کرد رؤیایی دید که طی آن به او گفته شده بود که به نزد یوزباشی *کرنیلیوس برود. اسم کنونی این بندر یافا می باشد.^۱

^۱ اع ۹: ۳۶-۴۳؛ ۱۰: ۱۱-۱۳؛ ۱۳: ۱۳.

◀ نقشه شماره ۴.

یتیم

یونانی: *orphanos* طبق کتاب عهد عتیق کمک به یتیمان، مستضعفان، *بیوه ها و *بیگانگان مقیم عملی است نشانگر *تقوا که شریعت آن را تجویز می کند^۱، علامت *عدل^۲ است که می تواند نشانه دینداری صمیمانه باشد.^۳ معنای استعاری آن «بی بهره از داشتن سرپرست» که در خطابه عیسی بعد از شام آخر همراه با مایه ای از رأفت مورد اشاره قرار می گیرد.^۴

^۱ تث ۱۴: ۲۹- ۲۹؛ ایوب ۲۹: ۱۲- یع ۱: ۲۷- یو ۱۴: ۱۸؛ ۱۸: ۱۸؛ ر. ک مراثی ۵: ۳.

یحیی تعمید دهنده

یحیی، پسر *زکریا و *الیصابات^۱ که فعالیتش توسط *یوسفوس، تاریخ نگار یهودی نیز مورد اشاره قرار گرفته است در حدود ۲۸ (یا شاید ۲۷م) در بیابان به عنوان *نبی ظاهر گردید.^۲ در پیشگویی های وی شباهت هایی با بعضی از جنبه های نوشته های *قمران مشاهده می شود. رسالت وی با استقبال پرشور مردم روبرو شد، اما به طولی نینجامید زیرا یک یا دو سال بعد *هیروودیس آنتیپاس دستور داد سرش را از تن جدا کنند.^۳ اصطلاح کلیشه ای «تعمید یحیی»^۴ آئین متأخر غسل *تعمید را ابداع می کند. این امر در وهله اول مربوط است به یهودیان (و نه به نوگرویدگان). غسل

تعمید تنها یک بار انجام می شود (و نه به طور روزمره همان طور که نزد *اسنیان معمول بوده است) این امر بازگشت هر کس را به *خدا الزامی می نماید (بدین ترتیب ذات تطهیر *آخرتی اعلام شده توسط انبیا^۵ تصریح می گردد). تصریح پیوندهای تاریخی بین یحیی و عیسی دشوار است. عیسی تعمید مشابه تعمید یحیی اجراء کرد^۶ و تحسین خود را نسبت به رسول آخرتی خدا اعلام نمود^۷. یحیی به نوبه خود از خودش پرسیده است که آیا عیسی آن کسی نیست که باید بیاید^۸. بدین ترتیب به موازات جنبش مسیحیت یک نوع فرقه به وجود آمد به نام «یحیائیان» شامل وارثان شاگردان یحیی که موجودیت آن در حدود سال ۵۴ م. در افسس مورد اشاره^۹ قرار گرفت. هم چنین پولس رسول گرایش دارد یحیی را تابع عیسی وانمود کند^{۱۰} و سنت انجیلی گرایش داشته است که از اهمیت نقش یحیی به عنوان تعمید دهنده بکاهد و بر اهمیت نقش وی به عنوان پیشگام و شاهد مطلق مورد تأکید قرار دهد^{۱۱}.

^۱ لو ۱-مت ۳: ۱-۴ (= مر ۱: ۶-۴); لو ۳: ۱-۲۰; ۶-۳۰; ۱۴: ۱-۱۰ (= مر ۶: ۱۴-۲۷); لو ۳: ۲۰-۴-مت ۲۱: ۲۵-۳۶ (= مر ۱۱: ۳۰-۳۲ = لو ۲۰: ۴); اع ۱: ۲۲: ۱۸: ۲۵: ۱۹: ۳-حق ۳۶: ۲۵; رک ۱: ۱۳-۱-۳: ۲۲-مت ۷: ۱۴-۱۷: ۱۱-۱۳-مت ۱۱: ۳-۲ (= لو ۷: ۱۸-۱۹) اع ۱۸: ۲۵: ۱۹: ۳-۴-اع ۱۰: ۱۳-۲۴-۲۵-مت ۱۱: ۳-۱۵ (= مر ۸: ۷-۱۵: ۱۸-۱۹); یو ۱۵: ۱۹-۳۶، ۳-۲۷: ۳۰: ۳۵-۳۶: ۱۰: ۴۰-۴۱.

◀ مقدمه، فصل اول، ۲- تعمید ۲.

یعقوب

(الف) یونانی Iakôb از عبری ya'aqôb، مخفف ya'qôb-el به معنای «خدا حمایت می کند(?)» نامی است که از âqab، به معنای «او فریب داد»^۱ برگردان می شود.

^۱ پید ۲۷: ۳۶: ۹: ۳.

(۱) نوه *ابراهیم، پسر اسحاق^۲، فرزندی که بر برادر خود عیسو برتری داشت^۳، پدر دوازده پدر قوم اسرائیل^۴ که نام خود، اسرائیل را به قوم برگزیده می دهد^۵. عهد جدید به چند حادثه از زندگی او اشاره دارد^۶.

^۲ پید ۲۵-۵۰: مت ۱: ۲ (= لو ۳: ۳۴): ۱۱: ۸ (= لو ۱۳: ۲۸): ۳۲: ۲۲ (= مر ۲۶: ۲۰: ۳۷): اع ۳: ۸: ۷: ۱۲، ۱۴-۱۵: ۳۲: ۲۵-۵۰: ۹: ۱۱-روم ۹: ۱۳: ۱۱: ۲۰: ۱۶: ۱۲-مت ۱: ۲: ۷: ۸-لو ۱: ۳۳: ۷: ۴۶: روم ۱۱: ۲۶-یو ۴: ۵-۶: ۱۲: ۷: ۱۱: ۱۲، ۱۴-۱۵: ۲۱: ۱۶. □

(۲) پدر *یوسف، نامزد مریم^۷.

^۷ مت ۱: ۱۵-۱۶. □

(ب) یونانی Jakôbos از عبری ya'aqôb.

(۱) یعقوب پسر «مهتر» *زبدی و احتمالاً *سالومه^۱، برادر بزرگتر *یوحنا که هر دو «پسران رعد»^۲ نامیده شدند. یکی از سه «حواری»^۳ عیسی (به همراه پطرس و یوحنا) که شاهد خاص لحظات مهم زندگی عیسی مثل از مرگ برخاستن دختر یائیروس، تجلی و رنج و مرگ عیسی بودند^۴. او در زمان هیروдіس آگریپاس اول بین سال های ۴۱ و ۴۴ م. گردن زده شده به شهادت رسید^۵.

^۱ مت ۴: ۲۱ (= مر ۱۹: ۲۰-لو ۵: ۱۰): ۲۷: ۵۶: رک. مر ۱۵: ۴۰: ۱۰: ۳۵: ۴۱: رک. مت ۲۰: ۲۰-مر ۳: ۱۷ (ر. رک. لو ۹: ۵۴) مت ۱۰: ۲ (= مر ۳: ۱۷: لو ۶: ۱۴): اع ۱۳: ۱-مت ۱۷: ۱ (= مر ۲: ۹: ۲۸): رک. مر ۱: ۲۹: ۳۷: ۵: ۵۱: ۸: ۵۱): ۱۳: ۳: یو ۲: ۲۱-اع ۱۲: ۲. □

(۲) یعقوب پسر حلفی، یکی از «حواریون»^۶. او گاهی با یعقوب کوچک اشتباه می شود چون حلفی را با کلویا اشتباه می گیرند^۷.

^۶ مت ۱۰: ۳ (= مر ۳: ۱۸ = لو ۶: ۱۵ = اع ۱: ۱۳) -مر ۷: ۱۵: ۴۰: یو ۱۹: ۲۵. □

۳) یعقوب کوچک (ملقب به «کهر»); پسر کلویا و مریم، بردار یوشا^۸ و یهودا^۹. او غالباً با یعقوب پسر حلفی اشتباه می‌شود. یعقوب گرچه شاگرد عیسی ناصری نبود، اما عیسای از مرگ برخاسته را به چشم دید^{۱۰}. او به احتمال قوی چون «برادر خداوند»^{۱۱} نامیده می‌شد نقش عمده‌ای در کلیسای اورشلیم برعهده داشت. *مسیحیان یهودی تبار ادعا می‌کنند که از نسل او هستند^{۱۲}. سنت کلیسای وی را مؤلف رسالهٔ یعقوب می‌داند^{۱۳}. به نقل از *یوسفوس، او در سال ۶۲ م در اثر سنگسار شدن جان سپرد^{۱۴}.

^۸ مر ۱۵: ۴۰؛ رک. ۶: ۳؛ ۱۵: ۴۷ — یهودا ۱ — ۱۰-قرن ۱۵: ۷ — ۱۱: ۱۹؛ رک. مت ۵۵: ۱۳ (= مر ۳: ۶) — ۱۲: ۱۷؛ ۱۵: ۱۳؛ ۲۱: ۱۸؛ غلا ۲: ۹. ۱۲ — ۱۳: ۱؛ یح ۱۴ — ۱۴: ۱۶؛ اع ۱۳: ۱. □

[یعقوب (رساله)]

رساله نصیحت آمیز به مسیحیان یهودی تبار که توسط یکی از همین ایمان داران به زبان سلیس یونانی نگاشته شده است. این رساله طبق سنت، سخنان *یعقوب کوچک یعنی برادر *خداوند است و نه یکی از شاگردان عیسی. تاریخ آن احتمالاً سال‌های ۵۷-۶۲ یا سال‌های ۸۰-۹۰ می‌باشد. رساله‌ای است که در فهرست نوشته‌های برحق قرار دارد. ◀ مقدمه، فصل پانزدهم - رسالات (جامع).

يك شنبه

لاتین *dies dominica* به معنای «روز خداوند»، یونانی *kyriakè hemèra*^۱. نام گذاری مسیحی که نه از هفته *یهودی گرفته شده و نه از *تقویم *اسنیان، نه از آئین *میترا و نه از سنت *مندائی. یک شنبه مطابق است با روز اول هفته^۲ که فردای روز *سبت است^۳. این روز یادآور *رستخیز عیسی^۴ و ظاهر شدن‌های وی به شاگردان هنگام غذاخوردن است^۵.
^۱ مکا ۱۰: □ — مت ۲۸: ۱ (= مر ۱۶: ۲ = لو ۲۴: ۱)؛ مر ۹: ۱۶؛ یو ۲۰، ۱، ۱۹، ۲۳؛ اع ۱: ۴ — ۳: ۲۸ (= مر ۱۶: ۱) — ۴: ۱۰؛ ۷: ۲۰؛ ۱-قرن ۱۶: ۲ — ۲۴: ۳۶-۴۹؛ یو ۲۰: ۱۹-۲۳؛ اع ۱: ۴.
◀ روز خداوند.

[ینیس و میبریس]

نام‌هایی که در ۲- تیمو ۸: ۳ به مجوسیان مصر که در خروج ۷: ۱۱-۱۲، ۲۲؛ ۸: ۳؛ ۱۴-۱۵؛ ۹: ۱۰ به آنها اشاره شده داده شده است.

یوبیل یا «پیدایش کوچک»

کتابی تحریفی مربوط به دوران عهد عتیق که داستان خلقت جهان را تا زمان موسی، در یوبیل پنجاهم (از واژهٔ عبری *yôbél* به معنای «بوق یا شاخ اعلام کننده جشن، سال یوبیل) یا دوره‌های ۴۹ ساله حکایت می‌کند که آخرین سال آن دوره‌ها، سال برقراری زمین مقدس است. این اثر در حدود ۱۲۵ ق.م نگاشته شده و به کهنانت و اولویت شریعت نظر دارد. نسخه‌های عبری باب‌های ۱-۲، ۲۱-۲۲، ۲۵ و ۳۲-۴۰ در قمران به دست آمده و ارزش ترجمه‌های لاتین و حبشی موجود، از روی آنها بررسی شده است.

یوحنا

یونانی: *Iōannēs* از عبری *yehôhânân* و *yôhânân* به معنای «یهوه بخشنده است»

۱) پسر *زبدی و احتمالاً *سالومه^۱ برادر کوچک *یعقوب «مهر» که نام هر دوی آنها «پسران رعد» است^۲. یکی از سه «*حواری»^۳ و شاگرد خاص عیسی که معمولاً همراه با پطرس و یعقوب^۴ نام برده می‌شود. یکی از ستون‌های

- کلیسا^۵. طبق سنت، او را *شاگردی می‌شناسند که عیسی او را محبت می‌کرد. انجیل چهارم، سه رساله و مکاشفه به او نسبت داده می‌شود.^۶ او احتمالاً در افسس زندگی می‌کرد و در زمان ترايانوس در آغاز قرن ۲ م. به شهادت رسید.
- ^۱مت ۴: ۲۱ (= مر ۱: ۱۹-۲۰ = لو ۵: ۱۰): ۲۷: ۵۶؛ رک. مر ۱۵: ۴۰ — ۳: ۱۷؛ رک. لو ۹: ۵۴ — ۳: ۱۰؛ مت ۲ (= مر ۳: ۱۷) = لو ۶: ۱۴؛ اع ۱۳: ۱ — ۱۷: ۱ (= مر ۹: ۲ = لو ۹: ۲۸): ۱: ۲۹؛ مر ۵: ۳۷ (= لو ۸: ۵۱): ۳۸: ۹ (= لو ۹: ۴۹): ۳۵: ۴۱؛ ۱۳: ۱۳؛ ۱۴: ۳۳؛ لو ۹: ۵۴؛ ۲۲: ۸؛ یو ۲۱: ۲ — ۳: ۱۰؛ ۴-۳: ۱۱؛ ۱۳: ۴؛ ۱۹: ۱۴؛ غلا ۲: ۹ — ۱: ۱؛ ۴، ۹؛ ۸: ۲۲. □
- (۲) پدر شمعون پطرس^۷.
- ^۷مت ۱۶: ۱۷؛ یو ۱: ۴۲؛ ۲۱: ۱۵-۱۷. □
- (۳) یوحنا ی ملقب به مرقس..
- (۴) فردی یهودی از خانواده کاهنان^۸.
- ^۸اع ۴: ۶. □

[یوحنا (انجیل)]

این کتاب که در اواخر قرن اول نگارش یافته، هر چند با *انجیل نظیر بسیار متفاوت می‌باشد اما با این وجود خود *انجیل است چون داستان مأموریت عیسی را برای دعوت به ایمان بازگو می‌کند. تار و پود این زندگی دیگر تسلسل تاریخی دو دوره یعنی اول جلیل و بعد اورشلیم نیست بلکه از تفوق حوادث در یهودیه و چند حادثه در جلیل تشکیل شده است. یوحنا از بسیاری از جزئیاتی که انجیل نظیر می‌آورند صرف نظر می‌کند اما جزئیات تاریخی و جغرافیایی را که برای تاریخ نگاران ارزش فراوانی دارد مورد اشاره قرار می‌دهد. چیزی که انجیل چهارم را از انجیل دیگر متمایز می‌کند دورنمایی است که در آن پی‌ریزی می‌شود. درک داستان عیسی را روح القدس امکان‌پذیر می‌سازد به طوری که انجیل یوحنا «انجیل روح» خوانده می‌شود. در انجیل یوحنا از میان سرگذشت عیسی ناصری مژده انجیل از روی نظم و ترتیب اعلام می‌گردد. یکی دیگر از خصایص یوحنا این است که *آخرت شناسی را به فعل در می‌آورد و این امر سبب می‌گردد که در ملاقات با عیسی عطیه زندگی جاودان تثبیت گردد. بنابر روایت، یوحنا رسول سرمنشأ این اثر است هر چند که ویژگی‌های خود را مدیون مکتبی یوحنایی، متشکل از شاگردان و هم‌فکران یوحنا می‌باشد و ویراستاران نهایی انتشار آن را به بهترین وجهی به انجام رسانده‌اند. طبق نظریه بعضی از متخصصین، شاگرد محبوب که مؤلف انجیل است احتمالاً یوحنا ی پیر بوده است.

◀ مقدمه. فصل پانزدهم.

[یوحنا (رساله)]

از سه رساله ای که احتمالاً توسط یک مؤلف که خود را «پیر» می‌نامد نوشته شده است نگارش دست‌کم رساله اول را که تاریخ آن متأخرتر است می‌توان به یوحنا رسول نسبت داد. این رساله و رساله دوم نوعی خطابه‌های نصیحت‌آمیز هستند خطاب به کلیساها به منظور کمک به آنها در وفای به ایمان. سومین رساله بیشتر جنبه شخصی دارد.

◀ مقدمه. فصل پانزدهم - متون برحق کلیسا - رساله‌های جامع.

یوزباشی

◀ سنتوریون.

یوسف

یونانی Iôsêph، عبری yôsêph که اختصار yôsêph'el به معنای «باشد که خدا بیفزاید [فرزندانی که پس از تولد این فرزند زاده خواهند شد]!»

(۱) فرزند نخست یعقوب و راحیل^۱. به نظر می‌رسد که سرگذشت زندگی وی^۲ نمادی از داستان عیسی است^۳. هم چنین نام *یکی از قبایل بنیاسرائیل که در ایام متأخرتر بین دو فرزندش، افرایم و منسی^۴ تقسیم شد. همین نام، پادشاهی شمال^۵ یا اسرائیل^۶ را مشخص می‌کند.

^۱ پید۳۰:۲۳-۲۵ — پید۳۷:۵۰؛ یو۴:۵؛ عبر۱۱:۲۱-۲۲ — اع۹:۱۸ — اعد۱۱:۱۱؛ مکا۸:۷ — حزق۳۷:۱۶ — مز۷۷:۱۶.

(۲) همسر مریم، مادر عیسی^۱؛ از نسل *داود^۲ که در ناصره زندگی می‌کرد^۳ و به *نجاری یا به عبارت دیگر به کار چوب^۴ اشتغال داشت. به عنوان پدر عیسی شناخته می‌شود^۵.

^۱ مت ۱:۱۶. ۱۸-۲۴:۲؛ ۱۳:۱۹؛ لو ۱:۲۷؛ ۴:۱۶ — مت ۱:۲۰؛ لو ۱:۲۷ — مت ۲:۲۳؛ لو ۴:۳۹، ۵۱ — مت ۱۳:۵۵ — لو ۳:۲۳؛ ۴:۲۲؛ یو ۱:۴۵؛ ۶:۴۲ □.

(۳) یوشا، پسر مریم (۳) برادر یعقوب کوچک و یکی از برادران عیسی^۱.

^۱ مت ۱۳:۵۵ (= مر ۳:۶)؛ مت ۲۷:۵۶ (= مر ۱۵:۴۰)؛ ۴۷ □.

(۴) یکی از شخصیت‌های معتبر از اهل رامه^۱.

^۱ مت ۲۷:۵۷-۵۹ (= مر ۱۵:۴۳-۴۵)؛ یو ۱۹:۳۸ □.

(۵) یوسف ملقب به برسبا که برای جانشینی یهودا پیشنهاد شده بود^۱.

^۱ اع ۱:۲۳ □.

یوسف (فلاویوس)

شخصیتی یهودی که در ۳۷ م. در اورشلیم به دنیا آمد و در حدود ۹۸ م. در روم فوت کرد. در جنگ یهود ابتدا در کنار یهودیان جنگید و سپس جانب رومیان را گرفت. او داستان این جنگ را در کتابی به نام «جنگ یهود» (۷۵-۷۹) نگاشت. او کتاب «قدمت یهود» (حدود سال ۹۵) را که داستان خلقت جهان تا سال ۶۶ م. است و نیز کتاب «ضد آپون» (حدود سال ۹۶) در دفاع از کتاب قبلی در مقابل آنانی که در آن کتاب چیزی جز افسانه و اسطوره نمی‌یافتند به رشته تحریر درآورد. اطلاعاتی که او ارائه داده ارزش تاریخی بزرگی در بردارند (حتی اگر بعضی از این اطلاعات مانند سرشماری کیرینیوس قابل بحث باشند) به ویژه در مورد پیلاتس، یحیی تعمید دهنده، یعقوب اورشلمی و توضیحی مختصر درباره شاگردان و عیسی. او اندکی به ستایش از جلال قوم یهود، از شخص خود و نیز حامیانش می‌پردازد.

◀ مقدمه، فصل اول، ۲.

یوشع

یونانی Iésous، عبری Yehôshua به معنای «یهوه نجات می‌دهد». جانشین موسی و او بود که قوم را به فتح سرزمین موعود رهبری نمود. این داستان در کتاب یوشع آورده شده است^۱.

^۱ خروج ۱۷:۸-۱۳؛ اعد ۱۱:۲۸؛ ۱۳:۱۶؛ بنسی ۴۶:۱؛ اع ۷:۴۵؛ عبر ۴:۸ □.

یوغ

یونانی zygos، قطعه‌ای چوبی جهت در قید گذاشتن سر یک جفت گاو نر. این واژه به علت بسط پیدا کردن به معنای یراق حیوانات بارکش هم در آمده است^۱. استعاره‌ای سنتی در اسرائیل برای تعریف بردگی^۲، خدمت به فردی ستمگر^۳ و هم چنین به معنای رابطه حقیقی مابین «برده» و ارباب^۴، حکمت مقتدر و مشروع^۵ ولی شریعت این ارتباط را سنگین نموده است^۶. یوغ عیسی *نرم یعنی سبک برای حمل است چون موافق طبع می‌باشد^۷.

۱ اعد ۱۹: ۲ - ۲ لاو ۲۶: ۱۳؛ ۱: ۲۷-۲۸؛ ۱- تیمو ۶: ۱ - ۱۳ - پاد ۱۲: ۴ - ۹ - ۱۱ - ۱۴ - ۴ ار ۲: ۲۰؛ ۵: ۵؛ هو ۱۱: ۴ - ۵ بنسی ۵۱: ۲۶ - ۶ اع ۱۵: ۱۰؛ غلا ۵: ۱؛ رک مت ۲۳: ۴ - ۷ مت ۱۱: ۲۹-۳۰.
 ◀ برده - شریعت - قفا.

یونا

پدر شمعون پطرس^۱.

۱ مت ۱۶: ۱۷ □.

◀ یوحنا.

یوناتان

یونانی Iônathas. شخصیتی یهودی از خانواده رئیس کهنه^۱.

۱ اع ۴: ۶ □.

◀ یوحنا.

یونان

یونانی Hellas. نام یونانی استان رومی اخائیه^۱.

۱ اع ۲: ۲ □.

یونانی

یونانی: Hellen.

(۱) این واژه به طور کلی مشخص کننده تمامی آدمیان با زبان و فرهنگ یونانی صرف نظر از اصل و نصب آنها است^۱. بعضی از آنها به خاطر وجود *پراکندگان یهود با دین اسرائیل همدلی می کردند^۲.

۱ روم ۱: ۱۴؛ غلا ۲: ۳ - ۲ یو ۱۲: ۲۰.

(۲) این واژه در مقابل *یهود، نمایانگر غیر یهودیان یعنی مشرکین بود^۳. حتی اگر قاعده ای کلی برای راه یافتن یونانیان به ایمان وجود داشت و یونانیان را در طبقه ای بعد از یهودیان قرار می داد^۴ کلیه این تفاوت ها در عیسی از بین رفته است^۵.

۳ مک ۴: ۳۶؛ مر ۷: ۲۶؛ یو ۷: ۳۵؛ اع ۱۱: ۲۰... ۱- قرن ۱: ۲۴ - ۴ روم ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۰-۹ - ۵ روم ۳: ۹؛ ۱۰: ۱۲؛ ۱- قرن ۱۳: ۱۳؛ غلا ۳: ۲۸؛ کول ۳: ۱۱.

(۳) یونانیان به معنای دقیق کلمه در رساله های پولس با این خصوصیت مشخص شده اند که به کمک عقل انسانی در جستجوی حکمت می باشند^۶.

۱۶- قرن ۱: ۲۲.

(۴) زبان «مشترک» (یونانی koine) که از زمان فتوحات اسکندر (۳۳۳ ق.م تا ۵۰۰ م) در دنیای یونانی و رومی معمول بود، زبانی است که از زبان یونانی کلاسیک یعنی زبان کهن بسیار متفاوت می باشد. پذیرش عناصر تجزیه و ترکیب در زبان یونانی و لهجه های متفاوت سبب این امر شده، اما با این حال این زبان نباید با زبان میتدل پاپیروس های مصری هم ردیف شمرده شود. رساله به عبرانیان با زبانی نوشته شده که بیش از دیگر رسالات به زبان ادبی نزدیک است.

◀ مقدمه، فصل سوم، ۲ ز؛ فصل چهارم، ۵؛ فصل پنجم، ۳ ج؛ فصل نهم، ۹ - بیگانه - خدا ترسی - یونانی گرا - مشرک - نوگرویده.

یونانی گرا

یونانی Hellènistès به معنای کسی که به زبان یونانی تکلم می کند یا به سبک یونانی زندگی می کند. مانند استیفان یا شاول. در کتاب اعمال رسولان به معنای یهودی حاشیه نشینی است که به زبان یونانی سخن می گوید.^۱

^۱ اع ۶: ۱؛ ۹: ۲۹؛ ۱۱: ۲۰ □.

◀ مقدمه، فصل اول، ۳ الف؛ فصل سوم، ۳ - یونانی.

[یونانی گرائی]

(۱) دوره ای است بین اسکندر کبیر (فوت ۳۲۳ ق.م) و آگوست (فوت ۱۴ م)،
(۲) این واژه هم چنین انتشار فرهنگ *یونانی را که از راه فتوحات اسکندر ممکن گردید و نیز اختلاط آن با دنیای اندیشه شرق را مشخص می کند.

◀ مقدمه، فصل چهارم، ۵.

(۳) یونانی گرائی که در اندیشه یهودیان *پراکنده نفوذ کرده بود (واژه هایی مانند *حکمت، وحی منزل، *کاهنان) به بعضی از اصطلاحات ایمان مسیحی نیز نه تنها در واژگان (واژه هایی مانند گنوسی، تجلی... در سبک استدلال (هجو *رواقی) بلکه حتی در خود اندیشه (*حکمت، *سخن، *صورت و حقیقت...) رسوخ کرد.

یونس

یونانی Iônas، عبری yônâ به معنای «کبوتر». *نبی سرزمین شمال، در قرن ۸ ق.م.^۱ عنوان کتابی (قرن ۵) درباره داستان شگفت انگیز یک نبی نمونه که در انجیل به عنوان پیش نمود موعظه و رستاخیز عیسی از آن ذکر می شود.^۲

^۱ ۲۵-۱۴: ۲۵ — یون ۱: ۱؛ ۳: ۲-۵؛ مت ۱۲: ۳۹-۴۱؛ ۱۶: ۴؛ لو ۱۱: ۲۹؛ ۳۰ □.

◀ مقدمه: فصل دوازدهم - جدول صفحه.

یهودا

(۱) یونانی Ioudas از عبری yehûdâ مخفف yehud-el به معنای ستایش بر ال [؟]^۱. پسر *یعقوب و لیه^۲، جد قبیله اعظم اسرائیل^۳، قبیله ای که عیسی از آن آمده است^۴. سرزمینی که به این قبیله تخصیص داده شده بود همین نام را بر خود دارد یعنی یهودیه^۵.

^۱ پید ۲۹: ۳۵ — مت ۱: ۳-۲؛ لو ۳: ۳۳ — پید ۴۹: ۸-۱۲؛ مت ۱: ۳-۲؛ لو ۳: ۳۳؛ عبر ۸: ۸؛ مکا ۷: ۵ — ^۲ عبر ۱۴: ۵؛ مکا ۵: ۵ — ^۳ یوشع ۱۵: ۱؛ مت ۲: ۶؛ لو ۱: ۳۹.

(۲) اسخریوطی، یونانی Iskariôtès و گاهی^۱ Iskariôth. معنای آن کاملاً روشن نیست: از عبری Ich kariôt به معنای «مردی از کاریوت» یا از آرامی ichqaryâ به معنای «کاذب» یا از یونانی sikarios به معنای «قاتل مزدور». پسر شمعون و یکی از *حواریون عیسی^۲ که اسم وی همیشه در آخر و با این اشاره که او عیسی را تسلیم کرد ذکر شده است^۳. دو انگیزه را مسبب عملش می دانند: یکی پول دوستی^۴ و دیگری کار شیطان^۵. روایت های مختلفی درباره مرگش وجود دارد^۶.

^۱ مر ۳: ۱۹؛ ۱۴: ۴۰؛ لو ۶: ۱۶ — مت ۲۶: ۱۴. ۴۷ (= مر ۱۴: ۱۰؛ ۴۳ = ۴۷: ۲۲-۴۸)؛ لو ۲۲: ۳؛ یو ۶: ۷۱؛ اع ۱: ۲۵-۲۶ — ^۲ مت ۴: ۱۰ (= مر ۱۹: ۱۶؛ ۲۶: ۲۵؛ ۲۷: ۳؛ یو ۶: ۷۱؛ ۱۲: ۴؛ ۱۳: ۲؛ ۱۸: ۳؛ ۵: ۱۶؛ اع ۱: ۱۶؛ یو ۱۲: ۶؛ رک. ۱۳: ۲۹ — ^۳ لو ۲۲: ۳؛ یو ۶: ۷۰-۷۱؛ ۱۳: ۲۶-۲۷ — ^۴ مت ۲۷: ۵؛ اع ۱: ۱۸؛ ۲۵-۲۶ □.

(۳) شخصی از منطقه جلیل که در سرزمین جولان به دنیا آمد. او احتمالاً در زمان *سرشماری کیرینیوس (۶ یا ۷ م.) شورشی را برانگیخت و برای رهایی از یوغ روم و برقراری مجدد حکومت دین با شعار «نیست پادشاهی جزء خدا» مبارزه می کرد. او اصلاً از حزب *غیوران بود.^۷

اع ۵: ۳۷ □.

(۴) یهودا ساکن دمشق و به احتمال قوی یکی از *یهودیان مسیحی تبار.^۸

اع ۹: ۱۱ □.

(۵) یهودا پسر یعقوب، یکی از دوازده *حواری. در فهرست انجیل متی با لبی و در فهرست انجیل مرقس با تادئوس مطابقت می کند.^۹

لو ۶: ۱۶؛ یو ۱۴: ۲۲؛ اع ۱۳: ۱۳.

(۶) یکی از *برادران عیسی.^{۱۰}

مت ۱۳: ۵۵ (= مر ۶: ۳) □.

(۷) نام یا نام مستعار مؤلف یکی از رسالات عهد جدید به همین نام.^{۱۱} برادر یعقوب که بعضی ها او را با یعقوب قبلی یکی می دانند.

یهودا □.

(۸) یکی از مسیحی اورشلیم به نام برسبا که به انطاکیه فرستاده شده بود.^{۱۲}

اع ۱۵: ۲۲، ۲۷، ۳۲ □.

[[یهودا (رساله)]]

از کتب عهد جدید که حالتی موعظه گونه و لحنی بسیار یهودی دارد که به یهودا نه یهودای رسول، بلکه یهودا برادر خداوند نسبت داده می شود. احتمالاً در سالهای ۸۰ تا ۹۰ م نوشته شده است.

◀ مقدمه، فصل پنجم - کتب برحق - رسالات (جامع).

یهودی

یونانی Ioudaios، از عبری yehūdî (ر. ک یهودا). کتاب اعمال رسولان کلیه معانی این واژه را ارائه می دهد.

(۱) معنای خنثی. این واژه در اصل به معنی شهروند پادشاهی یهودا بود^۱ اما در دوران عیسی به معنی عضو قوم اسرائیل، البته با اشاره ضمنی به تعلق نژادی^۲، فی المثل وقتی *اناجیل نظیر از اصطلاح «پادشاه یهودیان» استفاده می کنند سامریان را مستثنی می نمایند^۳.

۱- پاد ۱۶: ۶؛ ار ۳۲: ۱۲ - یو ۳: ۱ - مت ۲: ۲؛ ۲۷: ۱۱ (= مر ۱۵: ۲ = لوقا ۲۳: ۳)؛ یو ۴: ۹، ۲۲.

(۲) معنای مذهبی. (الف) رعایت کنندگان شریعت و سنن موسی^۴. پولس رسول آنها را در برابر یونانیان قرار می دهد، چه به منظور یادآوری تقدم آنها در نظام نجات و چه برای قرار دادن آنها همراه با مشرکین در مدار رحمت الهی^۵.

(ب) گروهی متمایز از مسیحیان که گاهی بدون لحن منفی است^۶ و گاهی با اشاره ضمنی به ایمان نیاوردن به عیسی یا ضدیت با مسیحیان^۷. این واژه نزد یوحنا معمولاً مفهوم قومی را از دست می دهد و به گروه بی ایمانان اشاره دارد همان گونه که در بیان انبیائی که قوم خود را مورد سرزنش قرار می دادند^۸.

۴- مر ۷: ۳؛ یو ۲: ۶، ۱۳، ۵؛ ۱: ۶؛ ۴: ۷؛ ۱۱: ۵۵؛ ۱۲: ۹، ۱۱؛ روم ۲: ۱۷، ۲۸-۲۹؛ مکا ۲: ۹؛ ۳: ۹ - روم ۲: ۹؛ غلا ۳: ۲۸

- مت ۲۸: ۱۵؛ یو ۸: ۳۱ - یو ۹: ۲۲، ۲- قرن ۱۱: ۲۴ - یو ۲: ۱۸، ۲۰؛ ۶: ۴۱؛ ۱۰: ۱۳.

◀ مقدمه، فصل سوم، ۲ ج؛ فصل چهارم، ۶ هـ.

یهودی - مسیحی

نامی که در تاریخ به مسیحیان یهودی تبار^۱ یا یونانی گرایانی که منشأ آنها از یهودیت بود و نه از بت پرستی اطلاق می شد. جماعت آنها در اورشلیم، *یعقوب «برادر خداوند» را در رأس خود داشت^۲ و به رعایت شریعت و بعضی از آداب و رسوم یهودی ادامه می داد^۳، بی آنکه داخل افراط گری یهودی گرایان شوند^۴. این جماعت به دنبال ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ م. متفرق شدند.

۱ اع ۱-۶: ۱۹: ۱۹: ۲: ۱۲-۹: ۲: ۱۴: ۱۰: ۱۳: ۲-۳: ۱۸: ۴: ۱۸: ۲۰: ۶: ۱۶: ۲۱: ۲۱-۲۳ — ۴ اع ۱۱: ۲: ۱۴: ۱۶-۱۷.
 ۲ مقدمه، فصل اول، ۳ ب - یعقوب ۳.

یهودیت

یونانی Joudaismos. این اصطلاح بیانگر یهودیت متأخر مذهب اسرائیل بعد از دوران اسارت است (بعد از ۵۳۸ ق.م). گسترش اندیشه مربوط به عهد عتیق به ویژه تحت نفوذ یونانی گرائی^۱.
 ۱ غلا ۱۳: ۱۴-۱۵.

۲ مقدمه، فصل اول، ۱ ب؛ فصل ششم؛ فصل دهم؛ فصل یازدهم - یونانی گرائی.

یهودی گرا

از یونانی ioudaizō به معنای «به طرز یهودیان رفتار کردن». نامی که در تاریخ تنها به *یهودی - مسیحیانی داده شده که علی رغم تصمیم *شورای اورشلیم، مایل بودند شریعت یهودی را که خود آن را مراعات می کردند^۱ به بت پرستان بازگشته به سوی خدا تحمیل نمایند. آنها به سختی با پولس مقابله می کنند، چه رفتار آنها برای پولس نفی ضمنی قوه نجات دهنده ایمان به مسیح می باشد^۲. آنها را نباید با حکیمان کاذب یهودی الاصل اشتباه گرفت^۳.
 ۱ غلا ۱۴: ۱۴: ر.ک اع ۱۱: ۲: ۱۵: ۵: ۲۱: ۲۰ — ۲ غلا ۲: ۲۱ — ۱ تیمو ۳: ۷-۸: تیط ۱: ۱۰-۱۶.

یهودیه

یونانی Ioudaïe.

۱ این واژه در دوران *یونانی گرائی، قسمت جنوبی فلسطین یعنی پادشاهی قدیمی *یهودا را که پایتختش *اورشلیم بود^۱ مشخص می کرد. این سرزمین که قسمتی از پادشاهی *هیرودیس بزرگ^۲ و سپس محل حکمرانی *ارکلاؤس^۳ بود از سال ۶ ق.م^۴ به استثنای سال های ۴۱ تا ۴۴ م. که تحت سلطه *هیرودیس آگریپاس اول^۵ قرار داشت، در ایالت رومی سوریه ادغام شده بود. محل تولد یوحنا و عیسی^۶، محل بشارت یحیی تعمید دهنده^۷ و عیسی^۸ و اولین جماعت های مسیحی^۹.

۱ مت ۵: ۳ (= مر ۵: ۱)؛ ۴: ۲۵ (= مر ۷: ۳؛ لو ۷: ۶)؛ اع ۱: ۸؛ روم ۱۵: ۳۱؛ ۲-قرن ۱: ۱۶ — ۲ لو ۱: ۵ — ۳ مت ۲: ۲۲ — ۴ لو ۱: ۳ — ۵ اع ۱۲: ۱۹ — ۶ مت ۲: ۵؛ ۱ لو ۵: ۱؛ ۶: ۴؛ ۷ مت ۳: ۱ — ۸ مت ۱۹: ۱ (= مر ۱۰: ۱)؛ یو ۳: ۲۲؛ ۴: ۳؛ ۴۷: ۵۴؛ ۷: ۳۱؛ ۱۱: ۷ — ۹ اع ۲: ۹؛ ۸: ۱؛ ۹: ۳۱؛ ۱۱: ۱؛ ۱۲: ۱۹؛ ۱۵: ۱؛ ۲۱: ۱۰؛ ۲۸: ۲۱؛ ۲۹: ۱۱؛ ۳۱: ۱۱ — ۱۴: ۲ تسا ۱-۱۴.

۲ این واژه هم چنین می تواند بیانگر کل فلسطین باشد^۱.

۱۰ لو ۴: ۴۴؛ اع ۱۰: ۳۷.

۲ مقدمه، فصل دوم، ۱ - نقشه شماره ۴.

[یهوه]

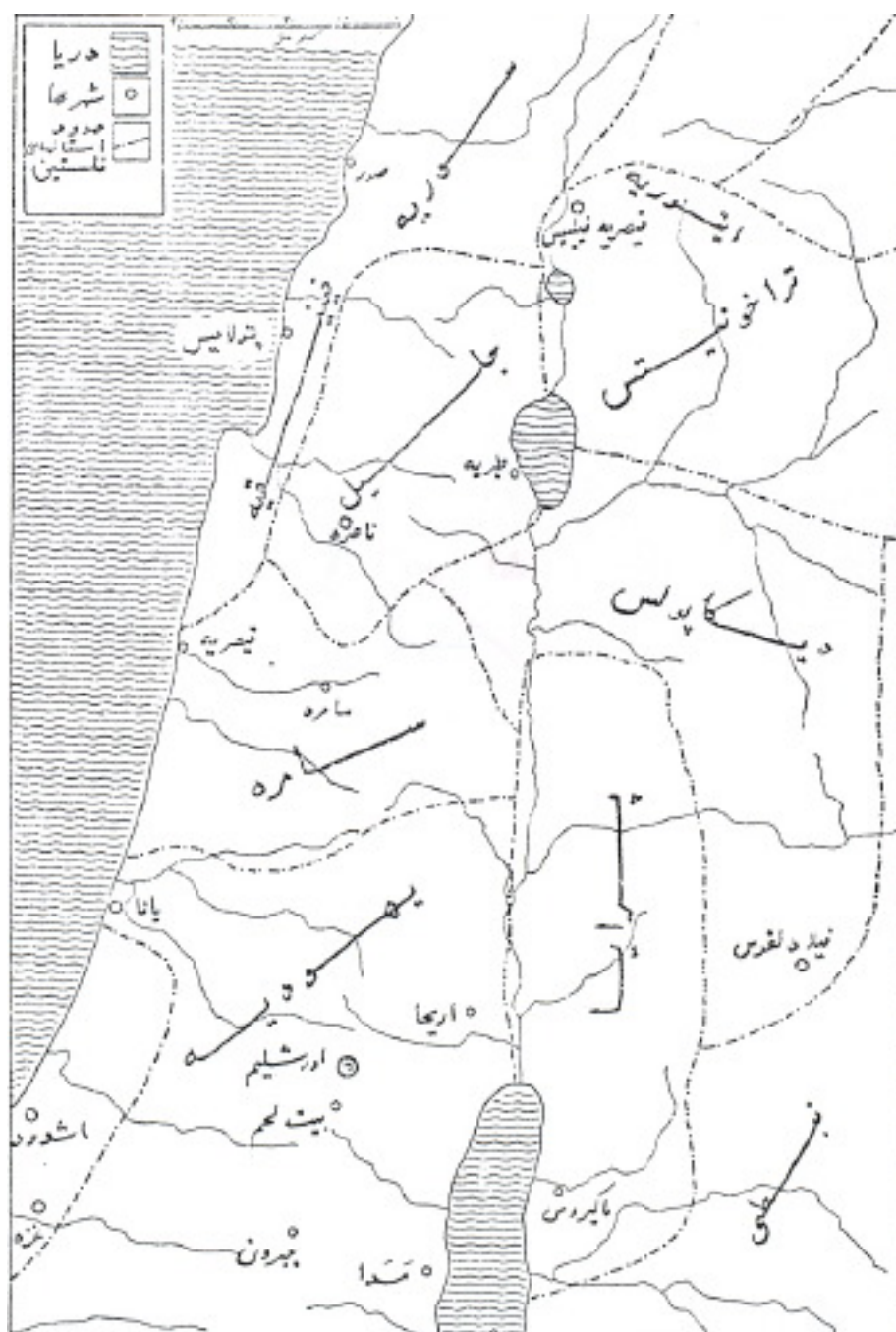
بعضی مترجمین تلفظ این واژه را به صورت «یَهْوَه» و برخی دیگر «یَهْوَه» می نویسند، اما تنها املای Yahweh (که اصلاح شده مصوت قدیمی Jèhovah است) با کلمه چهار حرفی مقدس YHWH در سنت یهودی همخوانی دارد. از این رو املائی که در اینجا ارجحیت داده شده «یَهْوَه» است. یهوه نامی است عبری که از فعل hâwah یا hayâh به معنای «رسیدن، گردیدن، بودن» مشتق شده و طبق علم ریشه شناسی واژه ها، نامی است که در روایت مکاشفه* نام خدا، به هنگام ظاهر شدن در بوته مشعل (خروج ۳: ۱۴) بر خود گذاشت. بحث اصلی این است که آیا مفهوم فعل، متعدی است («در حال بودن» طبق ترجمه* هفتاد تنان) یا این که سببی («وادر شدن به بودن»). به هرحال این کلمه نه ضمیر است و نه حالت نهاد را در جمله دارد، بلکه فعل عمل است که بیانگر فعالیت خود خدا می باشد: «هستم آن که هستم» (heyeh asher heyeh) (خروج ۳: ۱۴). در این عبارت دو فعل در زمان «حال» یا به عبارت دقیق تر «تحقق نیافته» وجود دارد، یعنی عملی خاتمه نیافته که می تواند مربوط به زمان حال یا آینده باشد. این فرمول به طرق گوناگون ترجمه شده، برخی با پیروی از تلفظ Yahweh در پی بیان معادل آن هستند و ترجمه «هفتاد تنان» آن را با خدای واجب الوجود (یونانی ho ôn) مطابق می داند. بسیاری از منتقدان هم نوا با شماری از نویسندگان یهودی ترجیح می دهند برخلاف روش یونانی سخنی از جوهر ازلی و ابدی به میان نیاورند، بلکه آن را در پرتو وفاداری خدا بنگرند. یکی از ترجمه های جدید کتاب مقدس به نام TOB این عبارت را به صورت «من هستم آن که خواهم بود» نوشته است، اما گروهی دیگر ترجمه «من خواهم بود آن که هستم» را ترجیح می دهند تا تصریح کنند که حضور واقعی خدا در میان قوم خود تا به ابد ادامه خواهد داشت. این اصطلاح بدون تلاش برای محدود کردن خدا در قالب اندیشه های بشری، حضور وی را در فعالیتی توأم با وفاداری در میان قوم خود نشان می دهد. طبق نظر زبان شناسان این واژه با کلمه Yau هم خانواده است که در بابل بیانگر خدائی بود که برخی افراد نام او را بر خود داشتند و به او متوسل می شدند، مانند مادر موسی که Yô-kèbèd به معنای «جلال بر Yô» نامیده می شد. خدا.

२०० १५० १०० ५० ० ५० १०० १५० २००

ه: هلنیستی (یونانی)

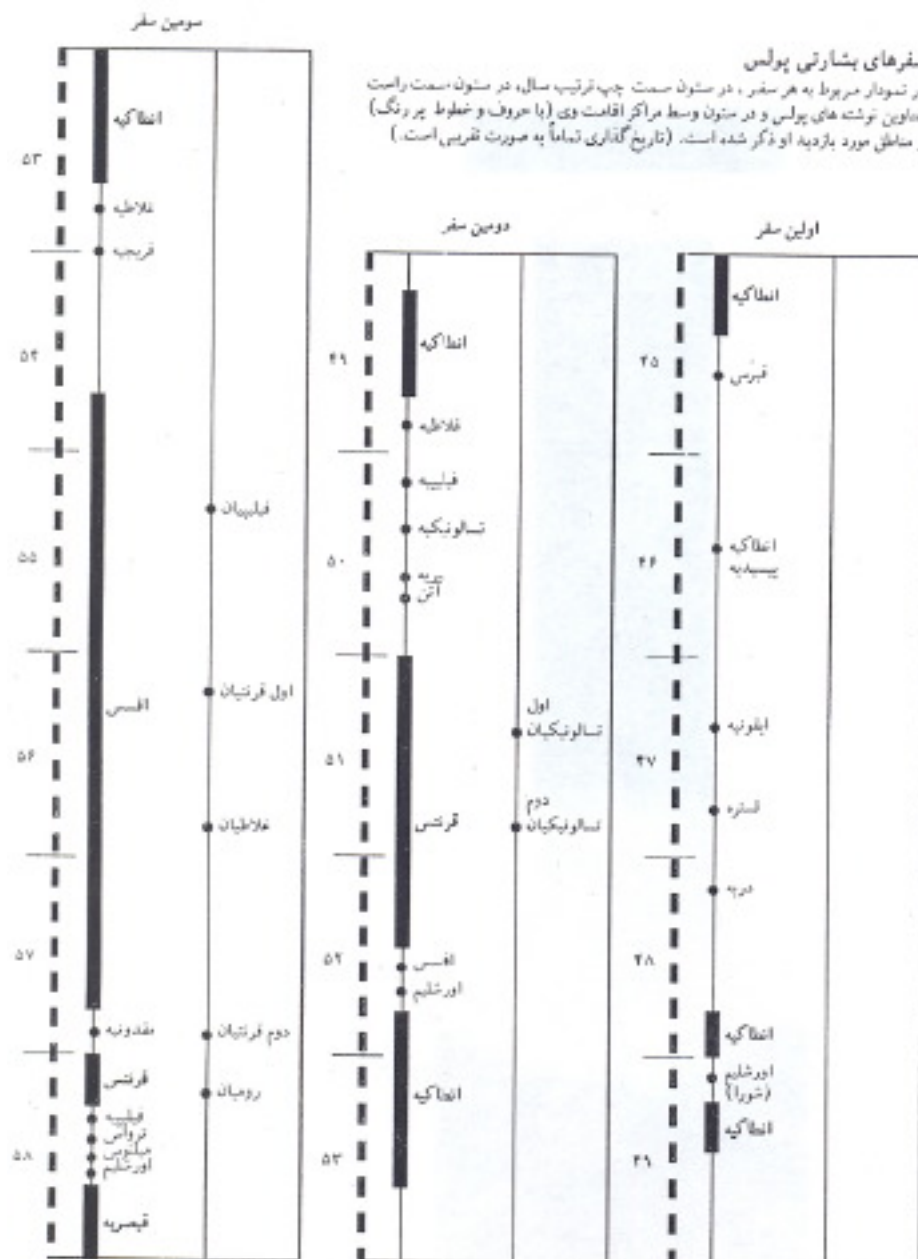


موقعیت سیاسی فلسطین در زمان عیسی





- | | |
|---------------------------|-------------------------------|
| ۱ - حوض بیت صفا | ۱۰ - ایوان نام آخر |
| ۲ - قلعه توتوتیا | ۱۱ - کاخ قیافا |
| ۳ - معبد در عصر هیرودیس | ۱۲ - کاخ هیرودیس |
| ۴ - جنتیما نی | ۱۳ - کاخ هیرودیس توتوتیا |
| ۵ - کوچه زیستون | ۱۴ - جنتیما و مقبره مسیح |
| ۶ - برج سلوفا | |
| ۷ - گنبد کبیر توتوتیا | ■ حصار اورشلیم در عصر مسیح |
| ۸ - ایوان سیانوفا | --- حصار اورشلیم در عصر کنونی |
| ۹ - حقل دما (مزرعه خونین) | |





مخفف اسامی کتاب مقدس

کتابهای برحق متأخر

Tobit	طوبیاس	طو
Judith	یهودیت مراری	یهودی
1 Maccabees	۱- مکابیان	۱- مک
2 Maccabees	۲- مکابیان	۲- مک
Wisdom	حکمت	حکمت
Ecclesiasticus	بن سیراخ	بنسی
Baruch	باروخ	بار

عهد جدید

Matthew	متی	مت
Mark	مرقس	مر
Luke	لوقا	لو
John	یوحنا	یو
Acts	اعمال رسولان	اع
Romans	رومیان	روم
1 Corinthians	۱- قرنئیان	۱- قرن
2 Corinthians	۲- قرنئیان	۲- قرن
Galatians	غلاطیان	غلا
Ephesians	افسیان	افس
Philippians	فیلیپیان	فی
Colossians	کولسیان	کول
1 Thessalonians	۱- تسالونیکیان	۱- تسالونی
2 Thessalonians	۲- تسالونیکیان	۲- تسالونی
1 Timothy	۱- تیموتاوس	۱- تیمو
2 Timothy	۲- تیموتاوس	۲- تیمو
Titus	تیتوس	تیت
Philemon	فیلمون	فیل
Hebrews	عبرانیان	عبر
James	یعقوب	یع
1 Peter	۱- پطرس	۱- پتر
2 Peter	۲- پطرس	۲- پتر
1 John	۱- یوحنا	۱- یو
2 John	۲- یوحنا	۲- یو
3 John	۳- یوحنا	۳- یو
Jude	یهودا	یهو
Revelation	مکاشفه	مکا

عهد عتیق

Genesis	پیدایش	پید
Exodus	خروج	خروج
Leviticus	لاویان	لاو
Numbers	اعداد	اعد
Deuteronomy	تثنیه	تث
Joshua	یوشع	یوشع
Judges	داوران	داور
Ruth	روت	روت
1 Samuel	۱- سموئیل	۱- سمو
2 Samuel	۲- سموئیل	۲- سمو
1 Kings	۱- پادشاهان	۱- پاد
2 Kings	۲- پادشاهان	۲- پا
1 Chronicles	۱- تواریخ	۱- توا
2 Chronicles	۲- تواریخ	۲- توا
Ezra	عزرا	عز
Nehemiah	نحمیا	نح
Esther	استر	استر
Job	ایوب	ایوب
Psalms	مزامیر	مز
Proverbs	امثال	امث
Ecclesiastes	جامعه	جا
Song of Songs	غزل غزلها	غزل
Isaiah	اشعیا	اش
Jeremiah	ارمیا	ار
Lamentations	مراثی	مرا
Ezekiel	حزقیال	حزق
Daniel	دانیال	دان
Hosea	هوشع	هو
Joel	یوئیل	یول
Amos	عاموس	عا
Obadiah	عوبدیا	عو
Jonas	یونس	یون
Mikah	میکاه	میک
Nahum	ناحوم	نا
Habakkuk	حبقوق	حب
Zephaniah	صفنیا	صف
Haggai	حجی	حج
Zechariah	زکریا	زک
Malachi	ملاکی	ملا